

از من تعلیم یابید

۵۶ دروس مقدماتی از کلام خدا برای بنا کردن ایمانداران

توسط افشین (مایکل) گرمی



از من تعلیم یابید

توسط مایکل گرمی

برای دیدن درسهای ویدئویی این کتاب لطفاً به کانال یوتوب زیر مراجعه کنید:

Youtube: Michael Germi (از من تعلیم یابید)

برای سفارش این کتاب می توانید از طریق ایمیل یا نامه پستی، سفارش خود را برای ما بنویسید. حق چاپ برای نویسنده محفوظ است.

ایمیل: afshin.germi@yahoo.com

تلفن خارج از کشور: ۰۴۵۱۹۹۲۰۲۶ - ۰۰۶۱

تلفن داخل استرالیا: ۰۴۵۱۹۹۲۰۲۶

آدرس پستی:

PO Box 188, Cherrybrook, 2126 NSW, Australia

این دروس تقدیم می شود به خداوندان عیسی مسیح که محور اصلی کتاب مقدس، تاریخ، جهان، ابدیت، و زندگی ماست. او خداست که به جسم ظاهر شد و به شکل انسان وارد این جهان شد تا برای انسانها مصلوب شود و فدیۀ ای باشد برای مجازات گناهان انسانها و تا ما را از دریاچه آتش ابدی نجات دهد. او از مردگان برخاست تا اثباتی باشد برای گفته ها و شهاداتی که او داد. هدف از این دروس اینست که با یادگیری کلام خدا بتوانیم شاگرد عیسی مسیح شده و در میان امتها به دولت بی قیاس مسیح بشارت دهیم (افسیان ۳: ۸). خداوند را سپاس می گویم برای همه کسانی که در جمع آوری این دروس به من یاری رسانیدند از جمله کشیش خودم که مرا به خداوندان عیسی مسیح راهنمایی و بشارت داد و تشکر می کنم از کالج بپتیت سیدنی و معلمین آن که کلام خدا را به من تعلیم دادند و مجهزم کردند تا بتوانم سهمی در خدمت عیسی مسیح داشته باشم.

نحوه استفاده از این کتاب:

این دروس برای ایمانداران مسیحی نوشته شده تا آنها را از تعلیم کتاب مقدس آشنا کرده، شاگردانی برای عیسی مسیح گرداند تا با فیض خدا بتوانند پیرو و خادم نمونه ای برای عیسی مسیح باشند. هر درس را با دقت بخوانید و آیه هایی که در هر درس داده شده را در کتاب مقدس خود پیدا کرده و بخوانید، تا بیشتر درباره آن درس یاد بگیرید. در پایان هر درس سوالاتی داده شده است که جوابهای آن در داخل خود درس یافت می شود به جز سوالاتی که از شما نوشتن آیه ای را می خواهد که در اینصورت باید از کتاب مقدس، آیه خواسته شده را بجوید و بنویسید. تمامی آیه های مورد استفاده در این کتاب از نسخه قدیم کتاب مقدس ترجمه فاضل خوانی می باشد.

فهرست مطالب

۱. نگرش کلی به کتاب مقدس (1. Overview on the Bible)..... صفحه ۱
۲. احکام و شریعت خداوند (2. The Law of God)..... صفحه ۱۳
۳. انسانها از دیدگاه خداوند (3. God's perspective of man)..... صفحه ۲۹
۴. تلاش انسانها برای رفتن به بهشت از طریق اعمال.. (4. Heaven by Works) .. صفحه ۴۷
۵. انجیل راه خداست به بهشت (5. The Gospel is God's Way)..... صفحه ۵۵
۶. آزمودن اسلام از صحت داشتن آن (6. Cross Examining of Islam) صفحه ۷۹
۷. خدای تثلیث و چگونه عیسی مسیح پسر خداوند است؟... (7. Trinity) ... صفحه ۱۰۳
۸. الوهیت عیسی مسیح (8. Deity of Jesus Christ)..... صفحه ۱۰۹
۹. خدای پسر در عهد عتیق ... (9. God the Son in the OT)..... صفحه ۱۳۳
۱۰. تولد دوباره (10. Being Born Again)..... صفحه ۱۴۱
۱۱. نجات (11. Salvation)..... صفحه ۱۴۷
۱۲. اطمینان یافتن از نجات (12. Assurance of Salvation)..... صفحه ۱۵۷
۱۳. غسل تعمید (13. Baptism)..... صفحه ۱۶۵
۱۴. روح القدس (14. Holy Spirit)..... صفحه ۱۷۳
۱۵. دعا (15. Prayer)..... صفحه ۱۸۱
۱۶. اراده خدا (16. The Will of God)..... صفحه ۱۸۹
۱۷. کلیسای محلی (17. The Local Church)..... صفحه ۱۹۷
۱۸. سایر مسیحیان (18. Other Christians)..... صفحه ۲۰۵
۱۹. ده یکها و هدایا (19. Tithes and Offerings)..... صفحه ۲۱۵
۲۰. پول و دارایی (20. Money And Possessions)..... صفحه ۲۲۳
۲۱. برخورد با گناه (21. Dealing with Sin)..... صفحه ۲۲۹
۲۲. آزادی در مسیح (22. Liberty in Christ)..... صفحه ۲۳۷
۲۳. شغل و کارفرما (23. Job and Employer)..... صفحه ۲۴۵

۲۴. انسانهای گمشده (نجات نیافته).....(24. The Lost World)..... صفحه ۲۵۵
۲۵. ربایش کلیسا(25. The Rapture)..... صفحه ۲۶۵
۲۶. تخت داوری مسیح(26. The Judgment Seat of Christ)..... صفحه ۲۷۳
۲۷. هفت سال مصیبت(27. The Seven Years Tribulation)..... صفحه ۲۸۳
۲۸. مِلنیوم (عصر هزاره سلطنت مسیح) ... (28. The Millennium)..... صفحه ۲۹۳
۲۹. چیزهایی که خدا در ازای نجاتمان به ما می بخشد 29. Things God gives us صفحه ۳۰۵
۳۰. شام خداوند(30. The Lord's Supper)..... صفحه ۳۱۱
۳۱. مرگ عیسی مسیح(31. The Death of Jesus Christ)..... صفحه ۳۲۱
۳۲. قیام عیسی مسیح از مردگان.(32. The Resurrection of Jesus Chrsit) صفحه ۳۳۳
۳۳. جهنم(33. Hell)..... صفحه ۳۴۷
۳۴. بهشت(34. Heaven)..... صفحه ۳۵۹
۳۵. جدایی(35. Separation)..... صفحه ۳۶۹
۳۶. ترس و اضطراب(36. Fear and Worries)..... صفحه ۳۸۷
۳۷. ابزارهایی برای غلبه بر افسردگی و نگرانی (37.Tools to conquer fear) صفحه ۳۹۷
۳۸. مقابله شیطان با مسیحیان.(38. Satan's Opposition to Christians).... صفحه ۴۰۷
۳۹. چگونه رفتار کهنه و عادات زشت خود را تغییر دهیم؟ 39. How to change bad habits صفحه ۴۱۵
۴۰. بخشش برکت خداوند و نبخشیدن دام شیطان (40. The Blessings of
forgiveness and Satan's Trap of Unforgiveness... صفحه ۴۲۷
۴۱. زندگی پیروزمندانه در مسیح(41. Victorious Life in Christ).... صفحه ۴۳۵
۴۲. ماهیت خداوند(42. The Nature of God)..... صفحه ۴۴۹
۴۳. درد و رنج(43. Trial and Temptations)..... صفحه ۴۵۷
۴۴. خانواده(44. Family)..... صفحه ۴۶۹
۴۵. غذای روحانی(45. Spiritual Food)..... صفحه ۴۸۱
۴۶. اطاعت از خدا(46. Obeying God)..... صفحه ۴۸۹
۴۷. مسیحیت و نوشیدن شراب(47. Christianity and Drinking)..... صفحه ۴۹۷

۴۸. عیسی مسیح نجات دهنده و خداوند ما. (48. Jesus Our Lord and Saviour) صفحه ۵۱۵
۴۹. عطیه زبانها (49. The Gift of Tongues) صفحه ۵۳۳
۵۰. شباهت عیسی و موسی (50. Christ a Prophet like unto Moses) ... صفحه ۵۵۳
۵۱. الفبای زندگی مسیحی (51. ABC of Christianity) صفحه ۵۵۷
۵۲. چه نوع دستی دارید؟ (52. What Kinds of Hands do you have?) صفحه ۵۵۹
۵۳. چرا عیسی مسیح به این جهان آمد؟ (53. Why did Jesus Come into the World) صفحه ۵۶۱
۵۴. چه چیزی در زندگی شما ناقص است؟ (54. What do You Lack) . صفحه ۵۶۳
۵۵. چگونه شخصی را به مسیح هدایت کنیم (55. How to lead a person to Christ) صفحه ۵۶۵
۵۶. تصاویر و جدولها (56. Charts and Tables) صفحه ۵۷۷
- ۵۶- (۱) بهشت و سرّ کلیسا a. Heaven and Mystery of the Church صفحه
- ۵۶- (۲) خواب دانیال در باب ۷ b. Daniel's Dream in Dan 7 صفحه
- ۵۶- (۳) خواب نبوکدنظر (دانیال ۲) (C. Nebuchadnezzar's Dream (Dan2) . صفحه
- ۵۶- (۴) پیشگویی هفتاد هفته دانیال (باب ۹) d. Daniel's 70 week Prophecy . صفحه
- ۵۶- (۵) هفت دوره زمانی e. 7 Dispensations صفحه
- ۵۶- (۶) ترتیب اتفاقات در برنامه خداوند f. Order of events in God's plan . صفحه

مقدمه

در طول تاریخ، خدا به هر شخصی این فرصت را داده که نقشه نجات ابدی را دریافت کند. متأسفانه بیشتر مردم دنیا این نقشه را رد می کنند و برای بدست آوردن حیات جاودانی به سراغ نقشه ها و راههای انسانی روی می آورند که جز هلاکت عاقبتی ندارد و در نتیجه باید عواقب و مجازات آن را تا ابد تحمل کنند. بنابراین پذیرفتن و دریافت کردن عیسی مسیح به عنوان منجی خود یکی از مهمترین تصمیمی است که می توانیم در طول زندگی خود بگیریم. با دریافت نجات عیسی مسیح، ما می توانیم حیات ابدی خود را با عیسی مسیح سپری کنیم به جای اینکه رهسپار دریاچه آتش شویم. دیگر زندگی ما در راههای بیهوده صرف نمی شود و حالا ما دلیل داریم برای ادامه زندگی پر از امید و در نهایت می توانیم به پاداش جاودانی خود در آسمان دست پیدا کنیم.

شیطان نیز از زندگی تازه ما در عیسی مسیح با خبر است. نقشه های او برای از بین بردن نجات جاودانی ما دیگر تأثیری نخواهد داشت هرچند او تمام تلاش خود را بکار خواهد برد تا ما را از رشد روحانی و نزدیک شدن به خدا و به کمال رسیدن هدفهای خدا در زندگیمان را باز دارد.

این دروس "از من تعلیم یابید" تنظیم و تهیه شده تا شما بتوانید با مطالعه آنها و با استفاده از کلام خدا اولاً حیات جاودانی و ضمانت آنرا بدست آورید و دوماً بتوانید زندگی تازه ای که در عیسی مسیح شروع کرده اید توسعه داده و در ایمان خود استوار شوید. این دروس به شما کمک خواهد کرد که با رابطه تان با خدا آشنایی پیدا کنید، چگونه با او ارتباط برقرار کنید، چگونه اصول کتاب مقدس را در زندگیتان بکار برید، و چگونه زندگی شما می تواند شهادتی تأثیر گذار از فیض خدا باشد. چه شما نوایمان باشید و یا سالها باشد که ایماندارید، یادگیری این

دروس به شما کمک خواهد کرد که زیر بنای محکمی برای ایمانتان در زندگی خود بسازید، و می توانید یاد بگیرید که چگونه از زندگی پیروزمندانه در عیسی مسیح لذت ببرید.

دعای من اینست که این دروس به شما یاری رساند که در فیض و معرفت خداوندان عیسی مسیح رشد کنید. همچنین دعا می کنم برای تمامی هموطنان عزیزم بخصوص خانواده خودم که به حقیقت کلام خدا پی ببرند و نجاتی که از طریق خداوندان عیسی مسیح برای همه فراهم است ، بتوانند دریافت کنند و صاحب حیات جاودان و زندگی تازه شوند. بیاید با هم در دعا باشیم برای نجات خانواده ها و دوستان و همه هموطنان خودمان. آمین

درس ۱: نگرش کلی به کتاب مقدس

مقدمه: هدف از این درس بررسی مقدمات مطالعه کتاب مقدس است. خواندن و عدم درک مفاهیم کتاب مقدس توسط خوانندگانی که مسیحی نیستند، مسئله بسیار متداولی است. در کتاب مقدس اول قرن‌تین ۲: ۱۴ ذکر شده که کسانی که عیسای مسیح را به عنوان نجات دهنده خویش نپذیرفته باشند قادر به درک کامل مطالب کتاب مقدس نخواهند بود، و در نتیجه جملات کتاب مقدس هیچ معنایی خاصی برای آنها نخواهد داشت.

من هنوز اولین باری که کتاب مقدس توجهم را به خود جلب کرد به خاطر دارم. در آن زمان هنوز از فرزندان خداوند نبودم اما بسیار در مورد کتاب مقدس شنیده بودم بنابراین تصمیم گرفتم که آن را بخوانم. روزی کتاب مقدس دوستم را برداشتم و شروع به خواندن کردم اما از آنچه می خواندم هیچ چیز متوجه نشدم و از آنجا که ۶۶ کتاب در کتاب مقدس وجود دارد حتی نمیدانستم برای خواندن باید از کجا شروع کنم.

برای آنکه بتوانیم کتاب مقدس را درک کنیم لازم است برخی موارد ابتدایی را بیاموزیم. ابتدا میبایست اصول اصلی و ابتدایی کتاب مقدس را درک کنیم. بگذارید اینطور به موضوع نگاه کنیم. تصور کنید که به یک کشور خارجی که مردمان آن با تمدن روز آشنایی ندارند سفر کرده اید. به جنگل ها و نزد مردمانی که تاکنون از محیط زندگی خود خارج نشده اند و هیچ تماس و تجربه ای از دنیای متمدن امروزی ندارند. مثلاً هرگز در طول زندگانی خویش اتومبیل ندیده اند. با این شرایط فکر میکنید اگر به یکی از آنها بگویید " ما در خانه اتومبیلی داریم که با آن به این طرف و آنطرف میرویم " آیا آنها متوجه میشوند شما از چه چیزی صحبت میکنید؟ البته که نه!

تصور کنید که میخواهید چیزی را برای کسی توصیف کنید که هیچ تصویری از چگونگی آن ندارد. از کجا شروع می کنید؟ مطمئناً از جزئیات تخصصی مربوط به خودرو مثل انواع مدل ها و امکانات موجود در مدل های مختلف مانند تهویه هوا، شیشه بالا بر برقی، روکش چرمی و غیره شروع نمی کنید. در این مرحله این جزئیات هیچ معنایی برای شنونده نخواهد داشت. بلکه از ساده ترین و اصلی ترین موارد شروع می کنید و با آن ها در مورد چرخ ها، صندلی ها، موتور، فرمان، ترمز و دیگر اجزای اصلی صحبت میکنید آن هم به نحوی که برای شنونده معنی داشته باشد و مطمئن باشید که متوجه موضوع میشوند.

دو روش مختلف برای توضیح این موضوع وجود دارد: ۱- روش اول ترتیب تاریخی اختراع اتوموبیل است به این صورت که میتوانید توضیح دهید که اولین اتوموبیل چگونه اختراع شد، چگونه طراحی شد، اتوموبیل های اولیه به چه شکل بودند، قسمت های اصلی تشکیل دهنده اتوموبیل و کار هریک از آنها چیست و چه تغییراتی در طول زمان در ساختار اتوموبیل ها ایجاد شده است و انواع اتوموبیل های موجود امروزی کدام هستند.

در این روش میتوانید تاریخچه ساخت اتوموبیل را توضیح دهید اما برای شخصی که با تمدن و دنیای امروزی آشنایی ندارد احتمالاً صحبت های شما آنطور که باید قابل درک نخواهد بود. این مثال در مورد کتاب مقدس نیز صدق میکند. اگر بخواهید از کتاب پیدایش شروع کرده و تمامی کتاب مقدس را تا مکاشفه برای شخصی که هیچ آشنایی با آن ندارد توضیح دهید ممکن است نهایتاً به هدف خود برسید اما احتمالاً زمان بسیاری را می بایست صرف این کار نمایید. درک بیشتر آنچه شما توضیح میدهید تا زمانی که عمده کتاب مقدس را برای شخص توضیح نداده باشید برای شنونده میسر نخواهد بود.

۲- روش دوم برای توضیح و معرفی اتومبیل این است که افکار خویش را بر حسب موضوع نظم بخشید و به شنونده نمایی کلی از آنچه سعی در توضیح آن دارید نشان دهید. میتوانید توضیح دهید که اتومبیل محلی برای نشستن سرنشینان و چرخ هایی در دو طرف دارد که آن را به حرکت در می آورند. در مرحله بعدی توضیح دهید که چطور موتور خودرو باعث حرکت چرخ ها می شود و چگونه سیستم فرمان خودرو امکان کنترل جهت حرکت را فراهم می سازد. تمامی این مطالب ابتدایی و اساسی است. در این مرحله نیازی نیست تفاوت فورد و تویوتا و یا پیکان را برای او توضیح دهید. بهترین راه بسنده کردن به اطلاعات ابتدایی مورد نیاز برای درک موضوع است.

این دقیقا همان روشی است که ما قصد داریم در این درس پیش بگیریم. در واقع هدف ما مطالعه برخی از حقایق اصلی و ابتدایی است که تصویر جامعی از کتاب مقدس برای شما ترسیم خواهد کرد. روشن است که نمیتوان همه آنچه لازم به ذکر است را در چهار درس گنجانید و بعد از پایان این دروس نیز مطمئنا قادر به درک تمامی مطالب کتاب مقدس نخواهید بود. در واقع هیچ کس در جهان وجود ندارد که کتاب مقدس را کامل درک کرده باشد. برخی علاقه دارند به گونه ای رفتار کنند که گویی همه چیز را میدانند اما این طور نیست زیرا تنها خداوند است که دارای علم و درک مطلق است.

نگرشی به اطراف به روش خداوند

در این درس سعی داریم به روش خداوند به پیرامون خویش نگاه کنیم. در اول سموئیل داستانی درباره سموئیل پیامبر خداوند آمده است. خداوند به سموئیل دستور داد تا برود و پادشاه بعدی اسرائیل را تدهین کند. او می بایست به خانه یسّا برود و از او بخواهد تا تمامی پسران خویش را فراخواند. سموئیل آنچه را که خداوند به او فرمان داده بود به جای آورد و یسّا پسران خود را به حضور وی خواند اما نه همه بلکه تنها هفت تن از آنان را. سموئیل به پسر بزرگتر الیاب نگاه کرد

و پیش خود فکر کرد که حتما اوست که مورد نظر خداوند است. در اول سموئیل باب ۱۶ آیه ۷ آمده است: "اما خداوند به سموئیل گفت: « به چهره اش و به بلندی قامتش نظر ننما زیرا او را رد کردم چون که خداوند مانند انسان نمی نگرد زیرا که انسان به مینگرد و خداوند به ».

خداوند الیاب را رد کرد چون که باطن و قلب او را می شناخت و می دانست که او پادشاه مناسبی برای اسرائیل نخواهد بود. سموئیل در طول صف پسران یسا حرکت می کرد و یکایک آنها را از نظر میگذراند و هر کدام از آنان به نظر وی جوان و قوی و باهوش به نظر میرسیدند اما خداوند همه آنان را رد کرد.

در این زمان سموئیل از یسا پرسید که آیا پسر دیگری دارد و همین طور بود و داوود به نگرهبانی و نگهداری از گله مشغول بود. وی را فرا خواندند و چون قدم به درون گذاشت خداوند با سموئیل سخن گفت: "این فرد مورد نظر من است، او را تدهین کن." توضیح خداوند درباره تمامی این اتفاقات در همان آیه هفتم بیان شده است. دید خداوند با انسان ها متفاوت است. او نه به ظاهر بلکه به قلب توجه میکند و به نهاد و باطن انسانها آگاه است.

آنگاه که من و شما به مردم نگاه می کنیم درباره آن ها قضاوت میکنیم. این قضاوت و تصمیم گیری معمولا بر پایه شکل ظاهری، لباس، کلام و دیگر موارد قابل رویت درباره آنهاست. اما هرگز نمیدانیم که به راستی در اعماق قلب هر شخص چه میگذرد. کتاب مقدس به ما میگوید که آنگاه که خداوند به انسان ها مینگرد آنها را نه بر اساس ظاهر بلکه بر اساس باطن آنها قضاوت میکند و خداوند به حقیقت راستین آگاه است.

من نمیدانم که چرا خداوند هفت پسر دیگر یسا را رد کرد. به هر دلیلی آنان مناسب مأموریتی که خداوند برای آنها در نظر گرفته بود نبودند. اما خداوند میدانست که داوود مناسب ترین و بهترین

است و او بود که از جانب خداوند برگزیده شد چرا که مناسب ترین و اصلح ترین فرد برای به انجام رساندن مأموریتی بود که خداوند در نظر داشت.

در راستای مطالعه این درس ما نیز سعی خواهیم کرد به اطراف خویش از چشم خداوند و به روش خداوند بنگریم. نگرش خداوند چگونه است؟ این نوع خاص نگرش چه تاثیری بر زندگانی ما دارد؟ این سوالات مبنای مباحث ما خواهند بود.

رو برو شدن با خداوند

نهایتاً تمامی ما مجبور به رویارویی با خداوند هستیم. ما در مقابل وی حاضر خواهیم شد و در قبال اعمال خویش به او پاسخگو خواهیم بود. روزی شما از دنیا خواهید رفت و این حقیقتی بارز است که هر انسانی با هر میزان از درک و فهم به آن واقف است. مهم نیست که چه میزان غذای سالم میخورید و ویتامین مصرف میکنید و به هر نحو ممکن از بدن خویش مراقبت می کنید. دیر یا زود بدن شما از کار کردن باز خواهد ایستاد و مرگ به سراغ شما خواهد آمد. ممکن است این اتفاق برای برخی دیرتر از دیگران واقع شود اما برای همه ما پایانی مشترک است.

کتاب مقدس به ما می آموزد که همه ما روزی در برابر خداوند حاضر خواهیم شد. در رومیان ۱۴: ۱۲ آمده است: "پس هریکی از ما خود را به خدا خواهد داد." روزی شما در برابر خداوند حاضر خواهید شد و در آن روز او از شما خواهد خواست که درباره زندگانی خویش جواب پس بدهید. او پرسش های بسیار مهمی از هر یک از شما خواهد داشت که میبایست با توجه به زندگانی و نحوه گذران عمر خود به آنان پاسخ دهید.

شما را نمیدانم اما وقتی من به مدرسه می رفتم از امتحان متفر بدم و همواره در زمان امتحانات مضطرب و وحشت زده میشدم اما میدانستم که بالاخره آن روز فرا خواهد رسید و همین باعث

میشد با دقت به درس ها گوش فرا دهم چرا که نمیخواستم وقتی کارنامه ام را به خانه می برم پر از نمرات ضعیف و بد باشد.

بیشتر مردمی که من میشناسم علاقه ای به امتحان در پایان زندگی خویش و یا پاسخ دادن به خداوند ندارند. در واقع بیشتر مردمانی که من میشناسم آنچنان خداوند را از زندگانی خویش کنار گذارده اند که حتی به مرگ فکر نمی کنند. اما خداوند می گوید هر انسانی پس از مرگ در برابر وی حاضر خواهد شد و درباره زندگانی خویش جواب پس خواهد داد.

در کتاب مقدس رومیان ۲:۲ آمده است : " و میدانیم که حکم خدا بر کنندگان چنین اعمال است." آنگاه که در برابر خداوند حاضر میشویم بر اساس راستی و عدالت قضاوت خواهیم شد. نمیدانم نظر شما درباره سیستم قضایی ما چیست. در بسیاری موارد مردم دروغ میگویند و از مهلکه خلاص میشوند حتی اگر گناهکار باشند. ممکن است ما هرگز به حقیقت امر پی نبریم اما خداوند به حقیقت آنچه اتفاق افتاده است آگاه است. قضاوت خداوند بر اساس راستی و حقیقت است.

آنگاه که من و شما در برابر خداوند حاضر شویم درباره زندگانی خویش جواب پس خواهیم داد. قضاوت خداوند بر اساس ظاهر ما و یا آنگونه که اتفاقات به نظر میآید نخواهد بود. همچنین قضاوت وی بر پایه عقیده عموم درباره ما و یا رای گیری از دیگران و یا بر پایه رأی هیئت داوران نیست بلکه همه ما بر اساس حقیقت و راستی قضاوت خواهیم شد. اما این موضوع کمی اضطراب آور است زیرا راه راست بسیار باریک و دقیق و به دور از هرگونه کژی و کاستی است. آنگاه که بر اساس حقیقت و راستی قضاوت شویم همه ما گناهکار شناخته خواهیم شد و هیچ عذر و بهانه ای نخواهیم داشت.

یوحنا ۱۷:۱۷ به ما میگوید که حقیقت و راستی در کجا یافته میشود. عیسای مسیح در این باره میفرماید: "ایشان را به راستی خویش تقدیس نما. تو راستی است." تا اینجا متوجه سه اصل مهم شده ایم. خداوند به ما میگوید که روزی در برابر وی حاضر خواهیم شد. آنگاه که در پیشگاه وی حاضر شویم درباره زندگانی و اعمال خویش جواب پس خواهیم داد و بر اساس حقیقت و راستی کلام خداوند قضاوت خواهیم شد.

ممکن است برخی از مردم بگویند: "خب، من در واقع به راستی و حقانیت کتاب مقدس ایمان ندارم." این حق شماست که در این باره تصمیم بگیرید. اما خوب در این باره تفکر کنید. اگر نظر شما اشتباه باشد و خداوند مردمان را بر اساس حقیقت کتاب مقدس قضاوت کند چه خواهید کرد؟ همان طور که می بینید اینکه شما به کتاب مقدس باور ندارید چیزی را عوض نمی کند.

شما میتوانید هر چه را که دوست دارید باور کنید و من مختارم تا هرچه را دوست دارم باور کنم اما نهایتاً آنچه شما و من به آن باور و عقیده داریم هیچ اهمیتی ندارد. خداوند می گوید که بر اساس حقیقت و راستی است که ما را قضاوت خواهد کرد و خداوند میگوید که حقیقت او کتاب مقدس است. اما اگر مایلید میتوانید این موضوع را باور نداشته باشید.

اما تصور کنید که به شما بگویم که قضاوت خواهید شد و تمام زندگانی شما چه زنده باشید و چه از دنیا بروید به نتیجه یک امتحان پنج دقیقه ای بستگی دارد. در آن صورت علاقمندید که بدانید این امتحان در مورد چیست؟ یا پاسخ سوالات آن چیست؟ من ترجیح میدهم که بدانم! من علاقمندم به حرف شخصی که میگوید "من از تمام سوالات و پاسخ های آنان اطلاع دارم" توجه کنم. حداقل علاقمندم که مطالعه ای داشته باشم و بینم راه درست است یا اشتباه. بنابراین پیش از آنکه کتاب مقدس را به کناری بگذارید عاقلانه تر است که بنشینید و حداقل نگاهی به آن بیاندازید و گوش کنید و ببینید خداوند در این باره چه می گوید و بعد تصمیم بگیرید.

حقیقت و راستی = کتاب مقدس

در یوحنا ۱۷:۱۷ میخوانیم که کتاب مقدس همان راستی و حقیقت است. بر اساس کلام خداوند کتاب مقدس حقیقت خداوند است که در اختیار ما قرار داده است.

در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ کتاب مقدس آمده است: **"تمامی کتب از خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکو آراسته شود."** در کتاب مقدس بیان شده است که متون مقدس که نام دیگر انجیل (کتاب مقدس) است الهام خداوند است. الهام یعنی نفس خداوند. کلماتی که من ادا می کنم نفس انسان هستند یعنی من با هر نفس آنها را ادا میکنم. اما آنچه در کتاب مقدس بیان شده است نفس انسانی ندارد. کتاب مقدس نفس خداوند و الهام خداوند است. کتاب مقدس گفتار خداوند با من و شماست و به یاد دارید که خداوند گفته است "روزی همه شما بر اساس حقیقت و راستی قضاوت خواهید شد و آن حقیقت کتاب مقدس است و حالا به ما میگوید که کتاب مقدس کلام و سخن او با ماست. بنابراین بهتر است به آن توجه کنیم.

در دوم پطرس ۱: ۲۱ آمده است: **" زیرا که نبوت به اراده هرگز آورده نشده بلکه مردمان به روح القدس شده از جانب خدا سخن گفتند."** برخی عقیده دارند که کتاب مقدس توسط مردمان عادی نگاشته شده است اما کتاب مقدس در این باره نظر دیگری دارد. به یاد داشته باشید که سعی میکنیم همه چیز را از چشم خداوند و به روش خداوند بنگریم. خداوند میگوید کتاب مقدس بر اساس خواست انسان نگاشته نشده است. این گونه نبوده که عده ای روزی تصمیم به نگارش کتابی جدید و ایجاد مذهبی نوین بگیرند. کتاب مقدس در ذهن پیامبرانی که تنها خواسته شان تخصیص یک کتاب به نام آنها بوده نگاشته نشده است. کتاب مقدس بیان میکند که نگارش این کتاب ها نه به دلیل خواسته و آرزوی خود نویسندگان

بلکه به خواست خداوند صورت گرفته است و روح القدس در آنان ساکن شده و در نگارش کتاب مقدس آنان یاری کرده است.

برخی ممکن است بگویند: "هر کسی میتواند کتابی بنویسد و ادعا کند که کتابش کلام خداوند است. هر کسی میتواند کتابی بنویسد و ادعا کند که مصداق حقیقت و راستی است اما ما از کجا باید بفهمیم که این موضوع حقیقت دارد؟ بیایید به چند مورد توجه کنیم که این موضوع را اثبات میکند. کتاب مقدس از ۶۶ کتاب تشکیل شده که اولین آنها پیدایش و آخرین آنها مکاشفه است. در واقع میتوان گفت که کتاب مقدس مانند کتابخانه ای از ۶۶ کتاب است که یک جا جمع آوری شده اند. این ۶۶ کتاب ۴۰ نفر نویسنده مختلف دارند. کسانی که در طول بیش از ۱۶۰۰ سال زیسته و آنچه خداوند به آنان الهام داشته را نگاشته اند. بیشتر این نویسندگان هرگز یکدیگر را ملاقات نکرده اند. بیشتر آنها حتی کتب دیگر نویسندگان را نخوانده اند اما با این حال محتوای تمامی این ۶۶ کتاب کاملاً در توافق با یکدیگرند.

چند لحظه در این باب تفکر کنید. حتی یک مورد تناقض نیز از کتاب پیدایش تا مکاشفه وجود ندارد. دو کتاب علمی را مطالعه کنید و ببینید آیا این چنین با یکدیگر مطابقت می کنند یا خیر. حالا دو کتاب تاریخی و مطابقت آنها را امتحان کنید. نیازی به آزمایش ۶۶ کتاب نیست. دو کتاب برای این آزمایش کفایت میکند و خواهید دید که پیدا کردن دو کتابی که مطالب و مباحث آنها از هر نظر با یکدیگر مطابقت داشته و منطبق باشد آسان نخواهد بود. با این حال کتاب مقدس با ۶۶ کتاب و ۴۰ نویسنده و بازه نگارشی معادل ۱۶۰۰ سال دارای این خصیصه است. نویسندگان این کتاب از نظر میزان تحصیلات و پیش زمینه کاملاً با یکدیگر متفاوت بوده اند و با این حال کتب آنها کاملاً با یکدیگر مطابقت دارد! چطور چنین چیزی امکان پذیر است؟

همچنین میتوانیم به صداقت نویسندگان توجه کنیم. اگر قرار بود من کتابی بنویسم و آن کتاب، کتاب مقدسی باشد و نام مرا به عنوان نویسنده داشته باشد مطمئناً راجع به مشکلات و اشتباهات خویش در آن نمی نوشتم و درباره تمامی گناهانم در آن سخن نمی گفتم. این ها در واقع موضوعاتی بود که سعی در مخفی کردن آنها میداشتم چرا که نیازی نیست شخص دیگری درباره آنها چیزی بداند. اما خداوند درباره قهرمانان خویش بسیار صادق است. حتی بهترین آنها مشکلاتی داشته اند و خداوند صادقانه حقیقت را با ما در میان گذاشته است. مردانی که نگارنده این کتاب ها هستند درباره زندگانی خویش و دیگران حقیقت مطلق را بیان داشته اند. پیامبرانی مانند داوود نبی و ابراهیم و موسی درباره گناهان زشتی که انجام دادند، در کتاب مقدس ذکر کردند.

در مرحله بعد بیاید به پیشگویی های کتاب مقدس توجه کنیم. در کتاب مقدس پیامبر کسی است که حقیقت و راستی را برای دیگران بیان میدارد. علاوه بر این هر از گاه قادر است درباره آینده و اتفاقاتی که قرار است بیفتند پیشگویی کند. این پیشگویی میتواند به عنوان مثال نام پادشاهی باشد که صد ها سال بعد از آن زمان به دنیا خواهد آمد و نام کشوری که این پادشاه بر آن فرمانروایی خواهد کرد. میتوانید تصور کنید کسی قادر باشد چنین پیشگویی انجام دهد و در واقع پیشگویی او به حقیقت پیوندد؟ و یا پیشگویی میتواند درباره شهری باشد که نابود خواهد شد و چگونگی نابودی آن و چگونگی بازساخت آن. در کتاب مقدس صدها مورد از این پیشگویی ها وجود دارد که دقیقاً و با تمام جزئیات به وقوع پیوسته اند.

در دوم پطرس ۱: ۱۹ کتاب مقدس آمده است: " و کلام انبیا را نیز داریم." پطرس نویسنده کتاب دوم پطرس شاهد تغییر چهره عیسی مسیح بود (با موسی و الیاس) که منظره ای بسیار خارق العاده و به واقع معجزه بود. اما او متوجه این نکته بود که کلام خداوند از هر صحنه خارق العاده و هر معجزه ای مطمئن تر و قدرتمند تر است و این همان نگرشی است که

خداوند نسبت به کلام خویش دارد: حقیقت و همین حقیقت کتاب مقدس است که روزی من و شما را قضاوت خواهد کرد. در درس بعد احکام و فرامین خداوند را مطالعه خواهیم کرد که در کتاب مقدس آمده است.

سوالات این درس:

- ۱- اول قرنتیان ۲: ۱۴ را بنویسید؟
- ۲- اول سموئیل ۱۶: ۷ را بنویسید؟
- ۳- خداوند به چه جزء انسان نگاه می کند؟
- ۴- کدام آیه در کتاب مقدس می گوید که ما برای بازخواست با خداوند روبرو خواهیم شد؟
- ۵- هنگامیکه در برابر خداوند حاضر میشویم بر اساس چه چیزی قضاوت خواهیم شد؟
- ۶- راستی و حقیقت خداوند چیست؟ آیه ای را در این مورد ذکر کنید؟
- ۷- با توجه به دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ تمامی کتاب مقدس از الهام کیست؟
- ۸- با توجه به دوم پطرس ۱: ۲۱ نگارش کتاب مقدس چگونه و با یاری چه کسی شکل گرفت؟
- ۹- از کجا می توانیم بفهمیم که کتاب مقدس کلام خداست؟
- ۱۰- دوم پطرس ۱: ۱۹ را بنویسید؟

۱۱- با توجه به دوم پطرس ۱: ۱۹ چه چیزی از هر صحنه خارق العاده و هر معجزه ای مطمئن تر و قدرتمند تر است؟

آیه های کلیدی این درس: اول قرنثیان ۲: ۱۴ ؛ رومیان ۱۴: ۱۲ ؛ دوم پطرس ۱: ۲۱؛

درس ۲: احکام و شریعت خداوند

با توجه به آنچه در درس گذشته گفته شد بیایید از خود پرسیم خداوند چگونه ما را قضاوت خواهد کرد؟ موارد مورد توجه خداوند چه خواهد بود؟ کتاب خروج باب بیستم را نگاه کنید تا احکام خداوند را در آن مشاهده کنید. کتاب مقدس به ما آموزش میدهد که خداوند مقدس است و به جهت همین قداست در عهد قدیم آنچه را که احکام اوست در اختیار ما قرار داده است. تعداد این احکام ۶۱۳ عدد است که به سه دسته تقسیم میشوند:

۱- **قوانین مدنی:** که درباره نحوه زندگانی جامعه اسرائیل دستور العمل هایی را ارائه میکند. قانون مدنی قانونی بود که بر جامعه آن زمان اسرائیل حاکم بود.

۲- **قوانین قربانیا و عبادت:** که طی آن دستورات لازم درباره چگونگی اجرا کردن مراسم قربانی و عبادت خداوند به مردمان ارائه شده بود. این قانون تماما به تشریفات مذهبی روزانه قوم بنی اسرائیل دلالت داشت.

۳- **قوانین اخلاقی:** که درباره نحوه نگرش خداوند به انسان و اراده وی برای نحوه گذران زندگی انسان بود. اینکه هر انسان در چه فعالیت هایی میتواند شرکت داشته باشد و چگونه میبایست زندگی کند.

قوانین خداوند هرگز تا کنون فسخ نشده اند. عیسای مسیح در کتاب مقدس انجیل متی آیه ۵: ۱۷ میفرماید: "گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را سازم. نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا کنم." بنابراین این قوانین و احکام خداوند در تورات هنوز ضمانت اجرایی دارد و هرگز لغو یا منقضی نشده است جز قوانین قربانیا که سایه و تصویری بودند از آمدن عیسی مسیح به عنوان بره خدا و با آمدن عیسی مسیح و قربانی او روی صلیب این قوانین قربانیا کامل شد و دیگر نیازی به انجام آنها نیست که در این مورد بیشتر در درسهای آینده بحث خواهیم کرد. احکام خداوند همان است که در روز قضاوت من و شما مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این احکام هنوز وجود دارد و روزی همه زنان و مردان در برابر خداوند حاضر خواهند شد و اگر به عیسای مسیح ایمان داشته باشند بر اساس این احکام قضاوت خواهند شد. اما خداوند این ۶۱۳ قوانین و احکام را به ده قانون بسیار مهم تبدیل کرده که در مورد آنها بحث خواهیم کرد. این موارد ده فرمان نامیده میشوند و میتوانید آنها را در کتاب مقدس کتاب خروج باب بیستم پیدا کنید. این ده فرمان عبارتند از:

۱. هیچ خدای دیگری وجود ندارد.

به خروج ۲۰: ۲-۳ توجه کنید که اولین مورد از ده فرمان در آن بیان شده است. "من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم. تو را دیگر غیر از من نباشد." خداوند یهوه در اینجا بیان میکند که شایسته و جایز نیست خدایی جز او داشته باشیم. اما منظور خداوند از "خدای دیگر" چیست؟ منظور این است که هیچ کس و هیچ چیز دیگر در زندگانی شما نمی بایست جای خداوند را بگیرد. به عبارت دیگر خداوند مدعی برترین جایگاه در زندگانی من و شماست.

حالا بگذارید سوالی از شما بپرسم. با توجه به آنچه گفته شد اگر زندگانی خود را از روزگار کودکی خویش تا کنون مرور کنید آیا میتوانید بگویید که همواره با هر ذره وجود خویش

عاشقانه به خداوند عشق ورزیده اید؟ آیا میتوانید چنین ادعایی داشته باشید؟ من نمیتوانم و باور هم ندارم که حتی یک نفر روی زمین وجود داشته باشد که بتواند ادعا کند همواره خداوند را عاشقانه دوست داشته و بیش از هر کس و هر چیز در زندگی خویش تنها وجود خداوند را آرزو کرده است.

بیشتر مردمان اطراف ما زندگانی خویش را به تلاش برای به دست آوردن چیزها یا افراد دیگر اختصاص می دهند. آنها سعی میکنند رضایت خاطر خویش را در مردمان و مادیات بیابند در حالی که خداوند ما را از تلاش برای به دست آوردن آنچه موجبات رضایت ما را فراهم نخواهد ساخت منع می کند.

۲. بت پرستی نکن.

به فرمان دوم در خروج ۲۰: ۴ توجه کنید: ".....تراشیده و هیچ از آنچه بالا در آسمان است و از آنچه پایین در زمین است و از آنچه در آب زیر زمین است برای خود مساز."

در اینجا خداوند در مورد بت ها سخن میگوید. بسیاری از مردمان در این باره خواهند گفت که در خانه خود هیچ مجسمه یا بتی ندارند که در مقابل آن خم شده و آن را پرستش کنند و من از این موضوع بسیار خوشحالم. اما خداوند در اینجا تنها در مورد بت هایی که دست ساز من و شما هستند سخن نمی گوید. بر اساس آنچه در رومیان ۱: ۲۱-۲۵ آمده است این قانون به تمامی تصورات و خیالات قلبی ما که مایل به تجسم خدا هستند نیز اشاره دارد.

چند لحظه ای در مورد این فرمان تأمل کنید. خداوند میفرماید: "من نمیخواهم جز من هیچ خدای دیگری داشته باشید و نمیخواهم هیچ یک از علایق خود و یا هر کس و هر چیز دیگر را در کنار من و هم مرتبه با من قرار دهید. من نمیخواهم که خدای خود را خود بیافرینید." اما مردمان جهان ما خدایان بسیاری را برای خود آفریده اند.

برخی از انسانها خدایی دارند که خدای خوبی است. این خدا آنچنان بخشنده و مهربان و شگفت آور است که به همه انسان ها اجازه میدهد هرکاری که دلشان میخواهد انجام دهند. بنابراین شما میتوانید هرطور میخواهید رفتار کنید و آنگاه که از دنیا رفتید و در برابر خداوند حاضر شدید او به شما خواهد گفت: "همه چیز را فراموش کن و داخل شو!" این تصویری است که بسیاری از مردم جهان دارند.

برخی از مردم خدایی برای خود ساخته اند که بیشتر به بابا نوثل شباهت دارد. بنابراین هرگاه که به چیزی احتیاج دارند به سراغ این خدا میروند و به او میگویند: "من این را نیاز دارم و تو خدایی و میبایست آن را برای من فراهم کنی" و اگر نیازشان را برآورده نکند بسیار خشمگین میشوند. مثلاً اگر شخصی در میان آشنایان بیمار شده است این انسانها به خداوند دستور میدهند که در قبال فرد بیمار چه باید بکند و اگر خواسته شان برآورده نشود از دست خدایشان بسیار عصبانی میشوند.

آیا تا کنون چنین موقعیتی را تجربه کرده اید؟ این موقعیت به معنی آفرینش و تصور خدایی به جز خدای یگانه است. در این حالت شما برای خود بتی آفریده اید و خداوند میگوید که این امر جایز نیست و این دستور خداوند است. با توجه به تمامی مباحث گذشته اگر ادعا دارید که هرگز تصور نادرستی از خدا نداشته اید و در تمام طول زندگانی خویش همواره با تمام قلب خویش او را پرستش نموده اید از نظر من این ادعا دروغی بیش نیست. نه من و نه هیچ کس دیگر نمیتوانیم چنین ادعایی را در مورد خداوند داشته باشیم.

۳. نام خدا را بیهوده یاد نکن

به خروج ۲۰: ۷ توجه کنید تا سومین فرمان را در آن بیابید. "نام یهوه خدای خود را به باطل مبر زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل میرد بی گناه نخواهد شمرد."

بسیاری از مردم فکر میکنند که معنی این فرمان آن است که نمی بایست کسی را نفرین کنند. به این معنا که نمیتوان نام خداوند و عیسی مسیح را با لغاتی چون نفرین همراه کرد. این ایده کاملاً صحیح است و این فرمان کاملاً نفرین کردن را منع میکند و من عمیقاً امیدوارم که شما تا کنون کسی را نفرین نکرده باشید. اما اگر این کار را انجام داده اید میدانید نظر خداوند در این باره چیست؟ شما قانون خداوند را زیر پا گذاشته اید.

اما بگذارید نگاه دقیقی تری به این مبحث داشته باشیم. خداوند میگوید که نام مرا بیهوده به زبان نیاورید. بیهوده در اینجا به معنای بی جهت است. یعنی این فرمان تنها در مورد نفرین کردن و کفر گویی و توهین به مقدسات صادق نیست و در مورد ذکر نام خداوند به صورت بی تفاوت و بدون احساس احترام و حرمت نیز مصداق دارد. اینکه مثلاً بدون حسی از احترام بگویید خداوند این را گفت یا آن کار را کرد یا به من گفت فلان کار را انجام دهم. این مورد حتی شامل ذکر نام خداوند در سرودهاست. اگر به آنچه که در حال خواندن آن هستید توجه نکنید و آن را محترم نشمارید. علاوه بر این موارد سخن گفتن در مورد خداوند بدون حضور قلب نیز مشمول این فرمان است. به معنای ساده سخن گفتن بیهوده در مورد خداوند و ذکر نام خداوند به دلایل بیهوده در این فرمان منع شده است. حالا چه کسی گناهکار است؟

یهودیان در رعایت این فرمان دقت بسیار داشتند. مثلاً اگر کسی میخواست نام خداوند را نگارش کند پیش و پس از انجام آن، دستان خویش را می شست. آنان توجه زیادی به نام خداوند داشتند زیرا این موضوع برای آنها از اهمیت زیادی برخوردار بود. اما ما نام خداوند را همیشه در زبان خود بازیچه قرار می دهیم و می گوییم. "به خدا قسم" یا "خدا وکیلی" و غیره. امروزه نام خداوند بسیار به دور از احترام یاد میشود. ما در مورد او شوخی میکنیم و یا سریال و برنامه کمدهی می سازیم و آنگونه که لازم است نام او را ارج نمی نهیم. کتاب مقدس میگوید ما گناهکاریم چرا که فرمان او را زیر پا گذارده ایم و نام او را بیهوده و باطل بر زبان رانده ایم.

این تنها فرمان سوم بود. خوب در بررسی های خود درباره زندگانیان به کجا رسیده اید؟ ما انسان ها خیلی هم وضعیت خوبی نداریم درست است؟ آنگاه که در برابر خداوند حاضر شویم اینها مواردی است که خداوند عملکرد ما را بر حسب آنها خواهد سنجید و می بایست درباره این موارد به او حساب پس دهیم. خداوند تمامی این موارد را در نظر خواهد گرفت و ما در حضور او قضاوت خواهیم شد چرا که فرمان او را به جای نیاورده ایم.

۴. روز سبت را یاد داشته باش

و اما فرمان چهارم در آیه هشتم ذکر شده است. خداوند در آیه هشتم میفرماید: "روز سبت را یاد کن تا آن را نمایی." در قانون دین یهود روز سبت روز شنبه بوده است اما هدف از روز سبت تفریح و استراحت و گذران وقت به بطالت نبوده است. روز سبت روز مقدسی به شمار می آمد و در این روز تمامی مردم میبایست از کار روزانه خویش دست کشیده و به تلاش در راه خداوند و عبادت وی پردازند و این تنها هدف قرار دادن روزی به نام سبت بوده است.

امروزه ما مسیحیان، خداوند را در روز یکشنبه ستایش و عبادت میکنیم چرا که عیسای مسیح در این روز از مرگ برخاست. اما با توجه به آنچه در رومیان ۱۴: ۵-۸ میخوانیم میتوان نتیجه گرفت که فارغ از اینکه یک روز در هفته را به عبادت خداوند اختصاص دهیم و یا هر روز هفته، خداوند از بندگان خویش میخواهد که زندگانی خویش را وقف وی کنند. تمام وقت و زمان ما متعلق به اوست. عبرانیان ۱۰: ۲۵ میگوید نمیبایست یکشنبه ها گردهمایی خویش را در کلیسا از یاد ببریم.

آیا تاکنون شنیده اید که وقتی برخی از افراد را دعوت به حضور در کلیسا میکنید ضمن رد دعوت پاسخ میدهند که این تنها روز استراحت آنهاست؟ چه گناه و اشتباه بزرگی! آنان با قرار دادن روز یکشنبه برای استراحت و تفریح از کلام خداوند سرپیچی میکنند. اما این ایده کاملاً

اشتباه است. البته این روز برای فراغت از کار روزانه در نظر گرفته شده و همچنین به هدف تلاش و عبادت خداوند با حضور قلب نیز شامل می شود. آیا شما می توانید ادعا کنید که در طول عمر خویش همیشه یکشنبه ها به کلیسا رفتید و خدا را پرستش کردید؟ آیا هر روز قسمتی از وقت خویش را وقف خداوند می کنید؟ آیا وقت شما متعلق به خداوند است یا هر گونه که دوست دارید از آن استفاده می کنید؟ به یاد بیاورید که درباره قوانین خداوند سخن می گوئیم و تمامی این موارد مبنای قضاوت خداوند درباره ما خواهد بود. خب، تاکنون وضعیت شما چگونه است؟

۵- به والدین خویش احترام بگذار.

پنجمین فرمان در آیه دوازدهم بیان شده است: "..... و خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می بخشد دراز شود."

احترام در این جا به معنای حرمت نگه داشتن و گرمی داشتن است و معنایی فراتر از تنها گوش کردن به فرامین دارد. اگر پدر و مادران از شما می خواهند که آشغال ها را بیرون ببرید و شما این کار را انجام داده اید به فرمان آنها عمل کرده اید، اما این لزوماً به معنای محترم و گرمی شمردن والدینتان نیست. محترم شمردن و گرمی داشتن والدین یعنی بیرون بردن آشغال ها قبل از آنکه حتی به شما گفته شود (از شما درخواست شود). یعنی شما با اخلاق خوش بدون آنکه کسی از شما درخواست کند آشغال ها را بیرون ببرید و بدخلقی نکنید و زیر لب غر زنید و احساس ناخوشایندی در قلب خویش نسبت به والدین خویش نپرورانید.

لحظه ای فکر کنید و ببینید آیا می توانید ادعا کنید که هرگز به والدین خود غر و لند نکرده اید. آیا می توانید ادعا کنید که از روزی که به دنیا آمده اید همواره والدین خویش را گرمی داشته اید؟ می توانید ادعا کنید که پدر و مادر خود را چنان محترم شمرده و گرمی داشته اید که خداوند به آن امر کرده است؟ اگر چنین ادعایی دارید به نظر من شما دروغگویی بیش نیستید.

اصلاً چطور است که اگر والدیتان در قید حیات هستند از آنها بخواهیم در این باره شهادت بدهند؟ طبق فرمان خداوند هر شخص می بایست در انجام هرکاری والدین خود را گرامی بدارد اما همه ما روزی حرمت والدین خویش را زیر پا گذارده ایم و از فرمان خداوند تخطی کرده ایم.

۶ - قتل نکن.

ششمین فرمان در آیه شماره ۱۳ آمده است: "..... مکن". این فرمان بسیار قدرتمندی است! بسیاری از مردم ادعا می کنند که تاکنون هیچ انسانی را به قتل نرسانده اند. اما عیسی مسیح در انجیل متی ۵: ۲۱-۲۲ تعریف متفاوتی از این فرمان ارائه می دهد. او می گوید اگر از دست برادر خویش عصبانی شدید مرتکب قتل شده اید. آیا تاکنون از دست شخصی عصبانی شده اید؟ آیا تا به حال وقتی در حال رانندگی بوده اید کسی جلویتان پیچیده و راهتان را مسدود کرده است؟ آیا از دست آن شخص عصبانی شده اید؟ عیسی مسیح می گوید که در این صورت در قلب خود مرتکب قتل شده اید. آیا تا به حال اتفاق افتاده که کسی در حق شما کار بدی انجام دهد و شما قلباً از دست او عصبانی شده باشید؟ اما اگر همین کار را در باره شخص دیگری انجام داده بودند شما اینقدر عصبانی نمی شدید. این نشان دهنده ذات گناهکار و خودخواه شماست و در نظر خداوند شما مرتکب قتل شده اید.

ممکن است پیش خود فکر کنید "خب همه مرتکب این خطا شده اند! اینکه چیز مهمی نیست!" البته که همینطور است. همه ما در اینباره گناهکار هستیم و نکته مهم این است که آنگاه که حضور خداوند قضاوت شویم تمام این گناهان از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. خدای ما خدای مقدس است و با مطالعه این قوانین می توان شخصاً به اندازه چشم برهم زدن نگاه خداوند به انسان و خواسته های او را درک کرد.

ادیان امروزه انسان ها را ترغیب به فراموش کردن تمامی این موارد می کنند چرا که عقیده دارند همه انسان ها اینگونه هستند و خداوند که به این موضوع آگاه است حتماً ما را خواهد بخشید و فراموش خواهد کرد. اما بگذارید به شما یادآوری کنم که خداوند می گوید نمی بایست بتی و خدایی غیرواقعی برای پرستش خود بسازید و شما با این کار نه خداوند کتاب مقدس بلکه خدایی که خود در ذهن و قلب خود ساخته اید را می پرستید و با این کار یک فرمان دیگر را نیز زیر پا می گذارید.

۷- زنا نکن.

فرمان هفتم در آیه چهاردهم ذکر شده است: "..... نکن". ممکن است فکر کنید که خوب شما در این باره مشکلی ندارید چرا که از ابتدا با همسر خویش بوده اید و یا اگر مجرد هستید شاید تا بحال با کسی زنا نکرده اید. اما بگذارید به آنچه عیسی مسیح در انجیل متی ۵: ۲۷ گفته است، توجه کنیم. در این آیه عیسی مسیح می گوید اگر به زنی با نگاه شهوت آمیز نگاه کنید در قلب خود با او زنا کرده اید. حالا آیا می توانید ادعا کنید که تاکنون به هیچ کس با نگاه شهوت آلود نگاه نکرده اید و هرگز افکار نادرست نداشته اید. اغلب انسانها این فرمان را شکسته اند. در هر سنی که باشید در این باره گناهکارید و عیسی مسیح شما را زناکار می نامد. این اتهام و گناه بسیار سنگینی است. مطمئنم که این مورد، نیاز به توضیح زیادی ندارد و همه شما درک می کنید که در برابر خداوند گناهکار شناخته خواهید شد.

۸- دزدی نکن.

فرمان هشتم در آیه پانزدهم ذکر شده است: "..... مکن". ممکن است در این باره از خود مطمئن باشید که هرگز دزدی نکرده اید اما آیا تاکنون یک کاغذی را بی اجازه برداشته اید؟ یک مداد یا خودکار یا پاک کن چطور؟ شاید پولی از جیب پدرتان؟ و یا شاید شکلاتی برداشته

اید بدون اجازه از مادر تان؟ چه کسی هست که مرتکب یکی از این موارد نشده باشد؟ کتاب مقدس می گوید "دزدی ممکن". کتاب مقدس نمی گوید اگر ارزش شیء زیر ۵۰ سنت باشد اشکالی ندارد. به یاد دارم که در مدرسه ای که درس می خواندم معلم می گفت اگر ارزش آنچه بی اجازه تصاحب کرده اید کمتر از ۱ تومان باشد اشکالی ندارد. یعنی به عقیده وی، من می توانستم ۹ ریال این جا و ۹ ریال آن جا بدزدم بدون آنکه گناهکار به حساب بیایم. اما خداوند چنین نظری ندارد و چنین قانونی در کتاب مقدس ذکر نشده است. آیا تاکنون چیزی که مال شما نبوده را برداشته اید؟ خب این نشان می دهد که فرمان هشتم را نیز زیر پا گذاشته اید و در برابر خداوند گناهکار شناخته خواهید شد.

۹- دروغ نگو

نهمین فرمان خداوند در آیه شانزدهم ذکر شده است. "بر همسایه خود نده". شهادت دروغ دادن به معنای دروغ گفتن است. آیا تاکنون دروغ گفته اید؟ در این مورد همه ما گناهکاریم. هر انسان زنده ای در طول زندگانی حتی برای یکبار نیز شده باشد دروغ گفته است. همه ما این فرمان را زیر پا گذاشته ایم.

شهادت دروغ دادن تنها یک دروغ پر سر و صدا نیست. هرگونه اظهار گمراه کننده ای می تواند شهادت دروغ محسوب شود. آیا تا کنون برایتان پیش آمده که تنها نیمی از واقعیت را اظهار کنید چرا که تمامی آن می توانسته گناهکار بودن شما را اثبات کند؟ و پیش خود فکر کرده اید که با گفتن تنها نیمی از حقیقت می توانید دیگران را گمراه کنید. ما بیش از آنچه را تصور می کنیم دروغ می گوئیم. آیا تا به حال به کسی گفته اید که بسیار زیبا بنظر می رسد اما در واقع بنظر شما چنین نبوده است؟ آیا شده به کسی بگویید که لباسش را می پسندید اما در واقع نظر تان کاملاً برعکس بوده باشد؟

می بایست درباره آنچه به زبان می آوریم بسیار محتاط باشیم. عیسی مسیح در متی ۱۲: ۳۶ می گوید که ما بر اساس هر کلمه بیهوده که از دهانمان خارج شده باشد قضاوت خواهیم شد. هیچ کس در روی کره زمین نیست که فرمان نهم را زیر پا نگذاشته باشد. در این باره همه ما گناهکار هستیم.

۱۰- طمع مکن.

فرمان دهم در آیه هفدهم ذکر شده است: "به خانه همسایه خود موز و به زن همسایه ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیز که از آن همسایه تو باشد مکن".

طمع به معنای میل غیر قابل کنترل به تملک چیزی است. آیا تاکنون چیزی که خداوند برایتان فراهم نکرده است را آرزو کرده اید؟ آیا میزان این میل و آرزو آنقدر بوده که بشینید و با خود آرزو کنید که ای کاش آن شیء مورد نظر مال شما بود؟ در واقع میل و آرزوی شما آنچنان قوی بوده که افکار مربوط به چگونگی بدست آوردن آن شیء ذهن شما را به خود مشغول کرده است. کتاب مقدس می گوید این طمع است.

در کولسیان ۳: ۵ کتاب مقدس آمده است طمع یک بت پرستی است و این جمله ما را به فرمان دوم بازمی گرداند و البته فرمان اول نیز چرا که در چنین حالتی شما مالکیت آن شیء را در نظر خود از خداوند بالاتر قرار داده اید و آن را بیش از خداوند آرزو کرده اید چرا که پیش خود گفته اید: "این ماشین را بیشتر از خدا می خواهم. این پول برایم از خداوند مهمتر است یا هرکاری می کنم تا بتوانم این شغل را بدست آورم و آنقدر به آن علاقمندم که حاضرم حتی از کلیسا به خاطر آن دست بکشم."! چند لحظه صبر کنید. این همان طمع است و شما با چنین افکاری فرمان دهم را نقض کرده اید. همچنین فرمان چهارم را نیز زیر پا گذاشته اید زیرا وقتی را که می بایست در اختیار خداوند می گذاشتید دریغ کرده اید. بعلاوه با توجه به فرمان دوم نیز

گناهکارید چرا که چیزی را بر خداوند ارجح قرار داده اید. دوست عزیز! به نظر می رسد به دردرس افتاده اید!

جمع بندی

با توجه به این ده فرمان می توانیم نتیجه بگیریم که چگونه موجوداتی هستیم. ما دروغ گو، دزد، کافر، بت پرست و زناکار هستیم و این مشکل بسیار بزرگ و جدی است. واقعاً کجا ایستاده ایم؟ ما در برابر خداوند گناهکاریم چرا که فرامین و احکام او را زیر پا گذاشته ایم.

در انجیل متی ۲۲: ۳۵ - ۴۰ عیسی مسیح تمامی این ده فرمان را در دو فرمان خلاصه می کند. او می گوید که ما می بایست

۱- خداوند را با تمام قلب و روح و روان و بدن و با تمامی ذرات وجود خویش دوست بداریم.

۲- همسایه خود را آنچنان که خویش را دوست می داریم دوست بداریم.

این خلاصه ده فرمان است. آیا می توانید بگویید که تمام دقایقی که بیدار و به هوش بوده اید با تمامی ذرات وجود خود و با تمام قدرت خود به خداوند عشق ورزیده اید؟ آیا می توانید بگویید که همواره خدا را جویا بودید، از او پیروی کرده اید، او را عاشقانه دوست داشته اید و با تمام ذرات وجود خود او را آرزو کرده اید؟ می توانید؟ اگر نه، فرمان خداوند را زیر پا گذاشته اید!

آیا می توانید بگویید که همسایه خود را مانند خود دوست داشته اید؟ این بدان معناست که می بایست به همسایه خود بیش از خود اهمیت بدهید و به خاطر همسایه خود از تمایلات خویش بگذرید. به این معنا که شما حاضرید بدون توجه به هزینه های ممکن نیازهای همسایه خود را برآورده سازید حتی اگر به قیمت رنج و زحمت شما باشد و می بایست از انجام این کار

خوشحال و راضی باشید. آیا می توانید ادعا کنید که همسایه خود را این چنین دوست دارید؟ اگر نه فرمان خداوند را زیر پا گذارده اید!

ممکن است هنوز هم فکر کنید آنقدر ها هم بد نیستید. اما به آیه یعقوب ۲: ۱۰ توجه کنید. " زیرا هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در بلغزد همه می باشد."

این آیه به این معناست که حتی اگر توانسته باشید تمامی فرامین را بدرستی به جا آورید و تنها یک لغزش کوچک در یک مورد داشته باشید همچنان گناهکار شناخته خواهید شد. برای آنکه بتوانید به استاندارد و معیار مورد نظر خداوند در راستی و درستی دست یابید می بایست تمامی فرامین را بدون کوچکترین اشکالی به جای آورده باشید.

آیا می توانید با صداقت بگویید که همواره با تمام قلب خود خداوند را دوست داشته اید؟ آیا می توانید ادعا کنید که هرگز خدایتان را براساس تفکرات و تمایلات شخصی خود تغییر نداده اید؟ آیا می توانید بگویید که زمانی را که خداوند شایسته آن است وقف او کرده اید؟

آیا می توانید بگویید که همواره والدین خود را گرمی داشته اید؟ آیا می توانید بگویید که در طول زندگانی خود هیچگاه از دست هیچ کس عصبانی نشده اید؟ آیا می توانید ادعا کنید که هرگز اندیشه نابجایی در مورد جنس مخالف نداشته اید؟ آیا می توانید ادعا کنید هرگز دروغ نگفته اید؟

آیا می توانید بگویید که هرگز چیزی را که متعلق به شما نبوده تصاحب نکرده اید حتی اگر یک ورق کاغذ بوده باشد؟ آیا می توانید بگویید که هرگز چیزی را که خداوند برای شما فراهم نکرده آرزو نکرده اید؟ آیا می توانید با صداقت بگویید که هرگز هیچ چیز ذهن و روح شما را بیش از خداوند اشغال نکرده است؟

آیا می توانید ادعا کنید که در این ده فرمان، فرمانی وجود دارد که شما هرگز حتی یک بار نقض نکرده باشید؟ بعید است که هیچ انسان زنده ای روی زمین قادر به بیان چنین ادعایی باشد. از آنجایی که نمی توانید ادعا کنید که حتی یک فرمان وجود دارد که حتی یک بار هم آن را نقض نکرده باشید کتاب مقدس می گوید که گناهکار هستید. خداوند به روشنی بیان می دارد که حتی اگر یک تخطی کوچک از یکی از قوانین صورت گرفته باشد آنگاه که در برابر خداوند حاضر می شوید گناهکار شناخته خواهید شد.

روزی همه ما در برابر خداوند حاضر خواهیم شد. مهم نیست که نظر من یا شما و یا رأی همه ما بر این باشد که این اتفاق هرگز نخواهد افتاد، خداوند اذعان می دارد که این اتفاق به وقوع خواهد پیوست و شکی بر این موضوع وارد نیست. آنگاه که خداوند به قضاوت شما بنشیند، بر اساس راستی و حقیقت قضاوت خواهید شد و راستی و حقیقت کلام خداوند است. برای یک بار هم که شده در طول زندگی امیدوارم که اجازه دهید حقیقت به جستجوی قلب شما برآید پیش از آنکه از دنیا رفته باشید و بسیار دیر شده باشد و یا کار از کار گذشته باشد. می بایست متوجه باشید که در برابر خداوند گناهکاری بیش نیستید.

تا اینجا تمام آنچه از آن سخن گفته ایم اخبار بد بوده است. اما خبر خوب این است که می توان با خداوند خوب بود. در واقع کتاب مقدس می گوید که آنگاه که خداوند به جهان می نگرد دو دسته از آدمیان را می بیند. گروه اول آنان که هیچ رابطه ای با او ندارند که بر اساس فرامین و احکام خدا قضاوت شده و گناهکار خواهند بود و این احوال اکثریت بشریت است. اما گروهی هستند که از نعمت و برکت رابطه با خداوند برخوردارند و بنابراین متعلق به خداوند شده اند و او راهی برای حل مشکل این گروه از مردمان یافته است تا آن گاه که در برابر خداوند قضاوت می شوند گناهانشان باعث سقوط آنان نگردد و پاسخ این راه حل عیسای مسیح است. در دروس آینده بیشتر در مورد این حقیقت سخن خواهیم گفت.

سوالات این درس:

۱. کل احکام خداوند چند عدد است؟
۲. سه دسته احکام خداوند را نام ببرید؟
۳. متی ۵: ۱۷ را بنویسید؟
۴. ده فرمان خداوند را نام ببرید؟
۵. عیسی مسیح ده فرمان را به چند قسمت تقسیم کرد؟ لطفاً آیه ای نیز در این مورد بنویسید؟
۶. یعقوب ۲: ۱۰ را بنویسید؟
۷. آیا تابحال فرمانی از ده فرمان را شکسته اید؟
۸. آیا فکر می کنید گناهکار هستید؟

آیه های کلیدی این درس: خروج ۲۰: ۱-۱۷؛ متی ۵: ۱۷؛ یعقوب ۲: ۱۰

درس ۳: انسانها از دیدگاه خداوند

در پایان درس اول گفتیم که هنگامیکه خداوند به جهان مینگرد، دو دسته انسان را می‌بیند:

۱. کسانی که هیچ ارتباطی با خداوند ندارند.

۲. کسانی که با خداوند در ارتباط هستند.

دو گروه از مردم که یکدسته به خداوند تعلق دارند و گروهی که به خداوند متعلق نیستند. به این دو گروه نگاهی می‌اندازیم و می‌بینیم که کتاب مقدس از واژه‌های متفاوتی برای سخن گفتن درباره آنها استفاده میکند.

۱. گمشدگان

گمشده اولین کلمه‌ای است که در کتاب مقدس در لوقا ۱۹: ۱۰ آمده است. "زیرا که پسرانسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشید". هدف عیسی مسیح از آمدن به زمین چه بوده است؟ در این آیه آمده است که هدف از آمدن او ----- و ----- کسانی است که گم شده‌اند. گمشده کلمه‌ای جالبی است که در موارد ویژه‌ای میتوانید از آن استفاده کنید. اگر کسی سلامتی و یا ثروت خود را گم کند یا از دست بدهد اتفاق خوبی نیست. اگر شخصی خانواده خود را از دست بدهد نیز همچنین خواهد بود. بطور کلی وقتی سخن از گم شدن، گم کردن و یا از دست دادن است دلالت بر یک اتفاق ناگوار میکند.

در کتاب مقدس گمشده به کسی گفته می شود که با شکستن احکام و فرمان خداوند مرتکب گناه شده و از جلال خدا محروم و از نظر او گم گشته است، مانند کودکی که به جنگل می رود و راه برگشت خود را علامت گذاری نمی کند و در جنگل گم می شود، نمیداند کجاست و چگونه از جنگل خارج شود. او در میان این جنگل انبوه نا امید از یافتن راه برگشت، گم شده است. این کلمه توصیف شخصی است که نیازمند کمک است و نمیتواند مشکل خود را حل کند. اگر گم شوید نمیتوانید راه خروج را پیدا کنید و به کسی نیاز دارید که راه را به شما نشان دهد. کتاب مقدس اینگونه افراد را کسانی میداند که این ۱۰ فرمان را شکسته اند و در گناهان خویش هستند و از خدا گم و دور شده اند و خداوند آنها را گناهکار می شمارد.

۲. نجات یافتگان

در کتاب مقدس نجات یافته به کسی گفته می شود که با خداوند ارتباط دارد و از مجازات گناه که دریاچه آتش است، نجات یافته است. در کتاب مقدس رومیان ۱۰: ۱۳ آمده "زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت". به کلمه نجات یافتگان فکر کنید و معانی عالی آنرا کشف کنید.

اولین باری که به یک کلیسای بپتست رفتم شنیدم که افراد درباره نجات یافتن سخن میگویند. با خود گفتم نجات یافتن؟ منظور شما از نجات یافتن چیست؟ من نیازی به نجات ندارم. بعدها فهمیدم که من در مقابل خداوند یک گناهکار هستم شروع به دیدن خود آنطور که خداوند مرا می بیند کردم و متوجه شدم که در حقیقت من یک انسان گمشده هستم.

روزی که نجات را دریافت کردم، بخاطر اینکه خود را نا امید و بی سرپناه می دیدم از عیسی مسیح خواستم که راه درست را به من که مانند یک کودک گمشده در جنگل بودم نشان دهد و

آن هنگام احساس کردم کسی از راه رسید و مرا نجات داد و از آن بسیار احساس خوشنودی کردم.

تصور کنید سوار یک اقیانوس پیما هستید و از روی عرشه به اقیانوس آرام سقوط میکنید و اقیانوس پیما به مسیر خود ادامه میدهد. حال شما در آب دست و پا میزنید و طعمه خوبی برای کوسه‌ها میشوید. نمیتوانید شنا کنید چون راه بسیار زیادی در پیش دارید. پس از چند روز یک کشتی از آنجا میگذرد و شما را می‌بیند و یک جلیقه نجات سفید برای شما می‌اندازد. در آن لحظه آیا می‌گویید "بخشید من جلیقه نجات سفید دوست ندارم لطفاً رنگ قرمز آنرا برای من بیاورید؟". خیر، شما هرآنچه که برای نجات شما بفرستند را محکم می‌گیرید. چرا؟ چون در میان اقیانوس آرام نمیتوانید خودتان را به تنهایی نجات دهید و به کسی برای نجات نیاز دارید.

دریافت نجات بطور دقیق همین معنی را می‌دهد. کتاب مقدس می‌گوید که من و شما ده فرمان خداوند را شکسته‌ایم. حتی اگر یکی از آنها را بشکنیم یک گناه است و ما در برابر خداوند گناهکاریم بنابراین هنگامیکه خداوند به ما مینگرد ما را گمشته می‌بیند.

اما کسانی هستند که با خداوند در ارتباط هستند و نجات خداوند را دریافت کرده‌اند. هیچ کس نجات یافته متولد نمی‌شود و در واقع همگی ما گمشته و دور از خداوند به این دنیا می‌آییم و محتاج نجات هستیم. فرد نجات یافته کسی است که قبلاً در معرض خطر بوده ولی اکنون از مهلکه نجات یافته است.

۳. گناهکاران

کلمه بعد که درباره آن صحبت خواهیم کرد گناهکار است. کتاب مقدس در اول قرنیتان ۶: ۹-۱۰ می‌گوید، "آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمی‌شوند؟ فریب مخورید، زیرا فاسقان

و بت پرستان و زانیان و زن صفتان و لواط و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد."

گناهکاران چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که به چشم خداوند خوب به نظر نمی آیند. گناهکاری یعنی نادرستی و دارا نبودن صفات راستی در زندگی. اگر ۱۰ فرمان را به دقت مطالعه کنیم میبینیم که راهی برای گناهکار نبودن در نظر خداوند وجود ندارد چون نمیتوانیم تمامی آن فرامین را در زندگی بجا آوریم. در حقیقت کتاب مقدس میگوید همگی ما فرمان نهم را شکسته ایم چون همگی یک دروغگو به دنیا می آییم. در مزامیر ۵۸: ۳ آمده: "شریران از رَحِم منحرف هستند، از شکم مادر دروغ گفته، گمراه می شوند." از زمان تولد دروغگو بدینا آمده ایم و باید به فرزندانمان بیاموزیم که راستگو باشند چون آنها نیز بواسطه طبیعتشان دروغگو هستند.

کتاب مقدس میگوید همگی در برابر خداوند گناهکاریم و همگی ۱۰ فرمان را شکسته ایم. در اول قرنهای ۹-۱۰ خواندیم که ظالمان وارث ملکوت خداوند نمیشوند. این آیه ها دشوار هستند. حال میخواهیم این آیات را بخش به بخش مورد مطالعه قرار دهیم..

فریب نخورید: دقت کنید که ما قرار است همه چیز را از منظر خداوند بنگریم. او میگوید که احق و ساده نباشید و به خود دروغ نگوئید. این کاریست که امروزه مردم با خود انجام میدهند. آنها تصور میکنند که چون به کلیسا میروند و تعمید گرفته اند، انسانهای مذهبی هستند و اینکه انسان خوبی هستند و در برابر خداوند بیگناه هستند. آنها لیستی از کارهایی که انجام داده اند را در دست دارند و مطمئن هستند که از نظر خداوند انسان خوبی هستند و خداوند برای آنها استثنایی قایل خواهد شد. اما خداوند می گوید "فریب نخورید" و به خود دروغ نگوئید.

فاسقان: فسق یعنی نزدیکی با یک دختر باکره و یا با یک پسر قبل از ازدواج. فسق شامل گناه فکری، شهوت جنسی و تفکرات غلط نیز شامل می شود. آیا هرگز به شخصی از جنس مخالف خود نظر بدی داشته اید؟ یا حتی شخصی از جنس خودتان. آیا با کسی نزدیکی کرده اید؟

و نه بت پرستان: آیا از خداوند در ذهن خود تصویری ساخته اید؟ آیا هرگز در ذهن خود گفته اید که خداوند باید اینگونه باشد، بجای اینکه بگذارید خداوند خود خداوند باشد.

و نه زناکاران: زنا یعنی نزدیکی کردن با یک زن یا مرد متأهل غیر از همسر خویش. آیا تاکنون زنا کرده اید؟ از زمانیکه ازدواج کرده اید آیا با شخص دیگری غیر از همسران رابطه جنسی داشته اید؟ آیا حتی تفکر شهوت آمیز نسبت به کسی داشته اید؟ عیسی مسیح میگوید اینکار برابر با زنا است.

و نه زن صفتان: زن صفت یعنی کسی که خود را به شکل جنس مخالف در می آورد و یا لباس جنس مخالف را می پوشد. این در نسل جدید به وفور دیده میشوند. در کتاب مقدس درباره شهرهای سدوم و عموره خوانده ایم اما اگر به اطرافمان نگاه کنیم آنها را در همه جا خواهیم دید.

لواط و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد. این افرادی که خداوند لیست آنها را در کتاب مقدس به ما داده، به بهشت نخواهند رفت چون از نظر خداوند انسانهای درستی نیستند چون فرامین خداوند را می شکنند و گناهکارند.

در رومیان ۳: ۱۰ آمده: **چنانکه مکتوب است که کسی عادل نیست، یکی هم نی.** بگذارید فکر کنیم که شما عضوی از این گروه نیستید و موقعیت خوبی دارید. خداوند میگوید هیچ عادل نیست حتی یک نفر. حال اگر عادل نیستید پس گناهکارید. خداوند در اول قرن بیستم:

۹- ۱۰ به روشنی میگوید که گناهکاران وارث ملکوت خداوند نمیشوند. روزی در برابر خداوند خواهیم ایستاد پس بهتر است که آماده باشیم. آنگاه خداوند به ما خواهد گفت که از نظر من صالح نیستی. پس بهتر است با خداوند در ارتباط باشیم.

به دو نکته‌ای که تاکنون درباره آنها بحث کردیم توجه کنید. افرادی هستند که هنوز گم شده اند و نمیتوانند راهشان را بسوی بهشت پیدا کنند. آنها به خودی خود قادر به یافتن راهی برای نزدیک شدن به خداوند نیستند اما خداوند قادر است راهی را برای نجات آنها فراهم نماید.

افرادی هستند که در برابر خداوند صالح نیستند اما گاهی چیزی در زندگی آنها اتفاق می‌افتد و آنها از ستون افراد ناصالح در برابر چشمان خداوند خارج میشوند و در جمع افراد صالح خداوند قرار میگیرند. این کاری است که برای آنها انجام میشود و آنها خود قادر به انجام آن نیستند.

۵. آمرزیده نشده

اکنون نگاهی میکنیم به سومین کلمه‌ای که در رومیان ۴: ۶-۷ خواندیم. "چنانکه داود نیز خوشحالی آن کس را ذکر می‌کند که خدا برای او عدالت محسوب می‌دارد، بدون اعمال، خوشبختی کسانی که خطایای ایشان آمرزیده شد و گناهانشان مستور گردید؛" محسوب داشتن کلمه‌ایست که در دفتر نویسی حسابداری استفاده میشود و آن هنگامی است که حساب کسی را به ازای مبلغی بدهکار میکنیم. خداوند میگوید کسانی هستند که عدالت را به حساب آنها میگذارم. دقت کنید که عدالت به آنها نسبت داده میشود نه بخاطر اینکه آنها برای آن کاری انجام داده‌اند.

در آیه ۷ دقت کنید که میگوید گناه این افراد آمرزیده میشود. روشن است که برای خداوند هنگامیکه گناهان ایشان را می‌آمرزد میبایست زمانی در زندگی آنها رسیده باشد تا آنها بخشیده شوند.

به یاد بیاورید که خداوند چگونه کسانی را که با او در ارتباط نیستند را می‌بیند. هر انسانی که متولد میشود در برابر خداوند گناهکار است پس همگان نیاز به بخشش خداوند دارند. آمرزش چیزی نیست که شما خود آنرا بدست آورید بلکه کس دیگری باید آنرا به شما دهد. تصور کنید من به یک کلیسا بروم و بر صورت کسی سیلی بزنم فقط بخاطر اینکه دوست داشتم اینکار را بکنم بعد خودم را آمرزیده تلقی کنم و به راه خود ادامه دهم. آیا میتوان آنرا آمرزش نامید؟ آیا من میتوانم پس از انجام کاری زشت در قبال کس دیگر، خود را ببخشم؟ البته خیر. آن شخص باید مرا ببخشد. کسی که گناه در قبال او انجام شده میتواند ببخشايد.

این آنگونه ایست که امروزه اغلب مردم به این روش زندگی میکنند. آنها خود را صالح می‌پندارند حال آنکه خداوند آنها را هنوز نبخشیده است. کتاب مقدس میگوید همه ما در برابر خداوند گناه کرده‌ایم صبر کنید تا ببینید هنگامیکه در برابر او ایستادید چه اتفاقی می‌افتد. در این هنگام میفهمید این شما نبودید که میتوانستید خود را ببخشید. خداوند میگوید بسیاری از مردم هنوز بخشیده نشده‌اند.

۶. آمرزیده شده

خداوند در افسسیان ۱: ۷ می‌گوید که بخشیده شدن امکان‌پذیر است. "که در وی به سبب خون او فدیه، یعنی آمرزش گناهان را به اندازه دولت فیض او یافته‌ایم." میتوانیم در مسیح آمرزیده شویم. رومیان ۴: ۶-۷ آمرزش را چیزی از جانب خداوند میداند. آمرزش پوششی است برای گناهان که خداوند آنرا به ما میدهد و تنها از خون عیسی مسیح امکان پذیر شده است. تنها کسی که میتواند ما را ببخشد خداوند است چون او است که ما در قبالش گناه کرده‌ایم. بنابراین خداوند میفرماید کسانی هستند که بخشیده شده‌اند و با من در ارتباط هستند. آنها گناه کرده‌اند ولی خداوند آنها را بخشیده است.

بیاد آورید که ما درباره دو گروه از افراد سخن می‌گوییم که امروزه خداوند آنها را میبیند. هنگامیکه در برابر خداوند می‌ایستید باید عضو یکی از این دو گروه باشید. کسانی که بخشیده شده‌اند و کسانی که بخشایش نیافته‌اند. برخی فکر میکنند که اگر به خداوند بگویند متاسفم، همه چیز درست خواهد شد. اما کسانی هستند که حتی هنگام گفتن متاسفم واقعاً به آن ایمان ندارند.

۷. دشمنان خدا

موضوع دیگری که خداوند برای نشان دادن کسانی که با او ارتباط ندارند در رومیان ۵: ۱۰ آمده است.

"زیرا اگر در حالتی که دشمن بودیم، بوساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم، پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن بوساطت حیات او نجات خواهیم یافت." او می‌گوید گروهی از مردم هستند که دشمنان خداوند بشمار می‌آیند.

وقتی خداوند به کسانی که به او ارتباطی ندارند نگاه می‌کند، آنها را گمشده، بی‌تقوا، نابخشوده و دشمنان خود می‌خواند. این یک حقیقت است. خداوند کتاب مقدس می‌گوید شما دشمن او هستید و علیه او می‌جنگید.

خداوند آشکارا به ما اخطار می‌دهد که ما دشمنان او هستیم. این به این معنی نیست که خداوند در بهشت نشسته است و می‌گوید، "من از شما متنفر هستم و می‌خواهم راهی برای نابودی شما پیدا کنم." اگر او بخواهد این کار را بکند، نیاز ندارد حتی انگشتان خود را با خشم تکان دهد. می‌تواند کلامی بگوید و من و شما نابود شویم و به تاریخ پیوندیم. اما ما کسانی هستیم که علیه خداوند می‌جنگیم و دشمن خداوند هستیم. هنوز فکر می‌کنید با راهی که پیش گرفته اید خداوند به شما اجازه می‌دهد که به بهشت بروید؟ خداوند می‌گوید، "این یک شوخی است. تو

فکر می کنی که می خواهی به بهشت مقدس من بیایی؟ آیا فکر می کنی بعد از رفتاری که تو با من داشته ای من چنین اجازه ای به تو می دهم؟"

فرض کنید که من و خانواده ام تصمیم داریم برای یک هفته در خانه شما بمانیم. ولی قبل از آنکه بیاییم، من با دیگران در مورد آنچه که در باره شما فکر میکنم، حرف زده ام. به آنها گفته ام شما دروغگو هستید و مثل تفاله می مانید و غیره. وقتی این سخنان به گوش شما برسد آیا درب خانه خود را به روی من باز می کنید و می گوید "بفرمایید داخل دوست عزیز، ما عاشق این هستیم که شما را در کنار خود اینجا داشته باشیم. هرچه داریم مال شماست، لطفا از خودتان پذیرایی کنید."

نه، مطمئن هستم. شما خیلی ناراحت خواهید شد و دعوت خود را فوری لغو می کنید.

حالا اگر شما از این اتفاق خوشحال نیستید چرا فکر می کنید که خداوند در بهشت متفاوت است؟ چرا فکر می کنید که خداوند به شما اجازه می دهد که به بهشت بروید وقتی که از او متنفرید؟ خداوند می گوید، "او از من متنفر است اما وقتی که می میرد، فکر می کنم بتوانم او را بازسازی کنم." شما این را در کتاب مقدس پیدا نخواهید کرد. خداوند می گوید که شما دشمن او هستید.

۸. صلح داده شده با خدا

آگاهی داشته باشید مسئله ای که خداوند دوبار در رومیان ۵: ۱۰-۱۱ به آن اشاره کرده است، موضوع صلح با خداوند است. این موضوع دیگری است که خداوند در کتاب مقدس برای توضیح کسانی که با او در ارتباط هستند، بیان کرده است. او می گوید که آنها صلح داده شده اند. ما این موضوع را همچنین در **کولوسیای ۱: ۲۱** می بینم. کلمه **صلح دادن** به این معنی است "آوردن دو طرف دعوی دوباره کنار هم که برای هم غریبه بوده اند."

ما دشمنان خداوند هستیم چون در مورد او اشتباه کرده ایم. خداوند هیچگاه در مورد ما اشتباه نمی کند. بنابراین خداوند نیازی به تغییر ندارد. بنابراین این خداوند نیست که به صلح دادن نیاز دارد. **صلح و آشتی** باید نسبت به ما صورت بگیرد.

صلح چیزی نیست که ما بتوانیم باعث بوجود آمدنش شویم. صلح چیزی است که باید در بیرون و اطراف ما اتفاق بیافتد. چیزی نیست که از درون خودمان باشد. به طور مثال من پنجره شما را شکسته ام، اما توان پرداخت برای پنجره جدید را ندارم، اما به شما می گویم که ببخشید و می خواهم که با شما آشتی کنم، اما هزینه پنجره جدید را ندارم، و شما خواهید گفت "بسیار خوب من هزینه کار اشتباه شما را تقبل می کنم تا با شما رابطه دوستی خوبی داشته باشم. اشتباه شما و هزینه ای که پرداخت می کنم را به گذشته و فراموشی می سپارم، من هزینه را می پردازم و ما به دوستی خود ادامه خواهیم داد."

اما گناهان ما علیه خداوند بسیار بزرگتر از شکستن یک پنجره است. گناه کار بسیار بزرگ و سنگینی است، این هزینه است که شما باید بدهید و هرگز توان پرداخت آن را نخواهید داشت. این هزینه ای است که خداوند با مرگ عیسی مسیح روی صلیب پرداخت کرد.

و اینگونه است که ما با خداوند آشتی داده می شویم. خداوند شما را بسیار دوست دارد و می خواهد که با شما در ارتباط باشد. او می خواهد که گناهان شما را ببخشد و با شما آشتی کند. او هزینه گناهان شما را با مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب پرداخت کرده است و مجازات گناهان شما را بر دوش مسیح گذاشت.

یوحنا ۳: ۱۸ "می گوید آنکه به او ایمان آرد، بر او حکم نشود؛ اما هر که ایمان نیاورد الآن بر او حکم شده است، بجهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده." طبق یوحنا ۳: ۱۸ کسانی که با خداوند در ارتباط نیستند گم شده هستند و حقی در خداوند ندارند، نابخشوده و دشمنان خداوند و محکوم به مجازات هستند. اینگونه است که ما در برابر قانون در دادگاه نشسته ایم و تمامی شواهد شنیده شده است و قاضی چکش خود را بر روی میز می کوبد و اعلام می کند که ما به مرگ محکوم شده ایم. خداوند به من و شما اینگونه می نگرد.

بسیاری از مردم فکر می کنند که وقتی به بهشت می روند برای خداوند دلایل و مدارکی دارند و این دلایل کافی است، اما شما نیاز دارید که بفهید وقتی در برابر خداوند می ایستید، تمام دلایل شنیده شده است و شما خطا کنید و خداوند می داند که شما خطا کنید.

در آنجا هیچ وکیل ماهری نیست که شما را برهاند. شما در برابر خداوند مقدس می ایستید که همه چیز را راجع به زندگی شما می داند، هر گناه و عمل شرم آوری که مرتکب شده باشید می داند. خداوند همه چیز را راجع به شما می داند و او در کتاب مقدس اعلام کرده است که شما محکوم هستید.

به طور مثال شما به عنوان مجرم به قتل شناخته شده اید. قاضی شما را به اعدام محکوم می کند. و در مسیر خروج از دادگاه شما فرار می کنید. وقتی در خیابان راه می روید چه حسی دارید؟ حس یک خطاکار را خواهید داشت. وقتی ماشین پلیس را در حال گشت زدن می بینید چه حسی دارید؟ عصبی خواهید شد و بلافاصله داخل یک ساختمان می شوید به امید اینکه شما را ندیده باشند، آماده فرار هستید. اگر کسی کار اشتباهی در حق شما انجام دهد آیا می توانید به پلیس

زنگ بزنید و گزارش دهید؟ خیر، شما باید خطای خود را به دوش بکشید. شما خود توسط قانون محکوم شده اید. برای تمام روز باید برای زنده بودن فرار کنید و می دانید که یک روز گرفته می شوید و مجازات خواهید شد و دیگر دفاعیه ای برای رهایی خود نخواهید داشت. وقت شما به آخر رسیده است.

اگر شما هیچ دوستی و ارتباطی با خداوند نداشته باشید، زندگی شما همینطور که در حال حاضر هست خواهد بود. شما با محکومیت به گناهانان زندگی می کنید. اگر بدون ایمان به مسیح بمیرید، شما در پیشگاه خداوند بلافاصله محکوم خواهید بود، چون با خداوند هیچ دوستی و ارتباطی نداشته اید.

۱۰. عادل شمرده شده (تبرئه)

کلمه دیگر در رومیان ۵: ۱ می باشد. "پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم بواسطت خداوند ما عیسی مسیح"، کلمه عادل به معنای اظهار و یا به عبارتی دیگر معرفی کردن است. این یک شرط قانونی است. اگر شما در دادگاه محکوم شوید و قاضی جریمه شما را تعیین کند، شما باید بپردازید. اما اگر کسی به سمت نیمکت برود و جریمه شما را نقد بپردازد، قاضی چکش خود را به صدا درمی آورد و شما بخشیده شده، از دادگاه خارج می شوید. چون جریمه شما به طور کامل پرداخت شده و شما دیگر محکوم نیستید.

وقتی بیرون می آید و پلیس را می بینید، در این زمان چه احساسی دارید؟ او دیگر شما را نمی ترساند یا ناراحت نمی کند زیرا مأمور پلیس نمی تواند شما را به خاطر همان جرم دستگیر کند. شما نمی ترسید چون در برابر چشمان قانون جریمه شما پرداخت شده و دیگر از نظر قانون محکوم نیستید. شما بخشیده شده اید.

عادل شدن به این معنی نیست که شما هرگز گناه نکرده اید. به این معنی نیست که شما مرتکب جرمی نشده اید، اما به این معنی است که شما فقط بخشیده شده اید. مجازات شما پرداخت شده است. قانون، دیگر به دنبال شما نیست و قدرت قانون بر روی دوش شما نیست و در دنیای بعد از مرگ محکوم نیستید. جریمه شما پرداخت شده است. حساب شما تسویه شده است.

از نظر خداوند انسانها دو گروه هستند: آنهایی که در برابر قدرت مطلق خداوند به خاطر گناهانشان محکوم هستند. کتاب مقدس به ما می آموزد که همه ما وقتی به این دنیا می آییم گناهکار هستیم. گروه دیگری که خداوند آنها را بخشیده است، جریمه آنها پرداخت شده است و از محکومیت رهایی یافته اند.

۱۱. تحت غضب خدا

شرط دیگری در **رومیان ۵: ۹** آمده است. "پس چقدر بیشتر الان که به خون او عادل شمرده شدیم، به وسیله او از غضب نجات خواهیم یافت." **رومیان ۱: ۱۸** می گوید "زیرا غضب خدا از آسمان مکشوف می شود بر هر بی دینی و ناراستی مردمانی که راستی را در ناراستی باز می دارند."

راه دیگر که خداوند در مورد کسانی که با او در ارتباط نیستند شرح می دهد این است که آنها **تحت غضب** خداوند هستند. این مردم به عنوان "محبوس کردن حقیقت" در عدم نیکوکاری شناخته می شوند.

این اصطلاح به معنای پنهان کردن حقیقت و مسدود کردن آن می باشد. ببینید مثل این است که شما در تمام جلسات کلیسا حضور می یابید و حقیقت را می پذیرید ولی به آن عمل نمی کنید. ممکن است شما خادم کلیسا، معلم کلاس های یکشنبه، عضوی از اعضای کلیسا و یا حتی یک واعظ باشید و همچنان در کنار خداوند نباشید. اما انکار حقیقت، باعث می شود که تأثیر آن را

در زندگیتان نبینید. حقیقت فقط برای این نیست که ما راجع به آن بشنویم. حقیقت این است که ما از آن اطاعت کنیم.

وقتی ما در مورد ۱۰ فرمان صحبت کردیم، شما چه کردید؟ آیا می دانید که چگونه باید با خداوند رفتار کنیم؟ آیا می دانید که با دیگران چگونه باید رفتار کنیم؟ آیا آنگونه رفتار می کنید؟ اگر نه، به این معنی است که شما حقیقت را نادیده می گیرید و به آن، آنطور که باید عمل نمی کنید. کسانی که با خداوند دوستی نمی کنند مورد خشم و غضب مطلق خداوند قرار می گیرند. تنها مجرم و محکوم در برابر خداوند نیستند بلکه در دنیایی با خشم خداوند زندگی می کنند.

وقتی شما در ارتباط با خداوند نیستید، مورد خشم خداوند هستید. با این حال بسیاری در دنیای ما طوری زندگی می کنند که به نظر می رسد همه چیز بین آنها و خداوند خوب است. وقتی که در برابر خداوند بایستید می فهمید که همه چیز خوب به نظر نمی رسد. شما می فهمید که خداوند به شما لبخند نمی زند. خداوند درباره گناه خشمگین است. خداوند به شما به خاطر گناهانتان با خشم نگاه می کند، و شما این مسئله گناه را نادیده می گیرید. خداوند به شما با خشم می نگرد اما شما هنوز آن را تشخیص نمی دهید و این مسئله بسیار مهمی است.

۱۲. مستفیض (پذیرفته شده)

اما کسانی که در ارتباط و دوستی با خداوند هستند پذیرفته نامید می شوند. افسسیان ۱: ۶ "برای ستایش جلال فیض خود که ما را به آن مستفیض گردانید در آن حبیب". همه انسانها زندگی خود را با خشم خداوند آغاز می کنند اما کسانی هستند که در رده افرادی هستند که با خداوند در ارتباط می باشند. کسانی که در مسیح مستفیض (پذیرفته) شده اند. مستفیض یا

پذیرفته چه معنایی می دهد؟ یعنی خوش آمده، مورد فیض خدا واقع شده و خواسته شده.

این چیزی است که خداوند پیشنهاد می دهد. او به شما موقعیتی را پیشنهاد می کند تا مورد فیض او واقع شده پذیرفته شوید. چگونه پذیرفته می شوید؟ به کاری که انجام می دهید بستگی دارد؟ می توانید به اندازه کافی انسان خوبی باشید تا پذیرفته شوید؟ خیر. مستفیض یا پذیرفته شدن چیزی است که شخص دیگری به شما پیشنهاد می دهد. **مستفیض** چیزی است که خداوند توسط عیسی مسیح به شما پیشنهاد می دهد.

۱۳. راهیان جهنم

آخرین چیزی که خداوند در مورد کسانی که با او ارتباط ندارند شرح می دهد این است که آنها برای ابد در جهنم و دور از خداوند خواهند ماند. **مکاشفه ۸: ۲۱** آن را دفتر تلفن جهنم می نامد. چون در آن لیست اسامی کسانی که در جهنم خواهند بود آمده است. **"لکن ترسندگان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغ گویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی."** اسم کسانی که برای همیشه با خداوند در ارتباط نبوده اند در لیست دریاچه آتش هستند و **گمشده** نامیده می شوند. آنها نمی توانند راه خود را به سوی خداوند پیدا کنند. وقتی خداوند به آنها می نگرد، نمی توانند در کنار خداوند بایستند. آنها **پرهیز کار نیستند و بخشوده نمی شوند**. آنها **دشمنان خداوند** هستند. علیه او می جنگند و زندگی می کنند. خداوند آنها را محکوم کرده است و با خشم هم محکوم کرده است و غضب او آشکار است. خداوند به خاطر گناهانشان نسبت به آنها خشمگین است. و مکانی برای

آنها دارد که ما **جهنم** می خوانیم و یا **دریاچه آتش** است که دروغگو ها و همه گناهکاران به آنجا می روند. اگر شما یک دروغ بگویید مجرم هستید.

۱۴. راهیان بهشت

از طرفی دیگر کسانی که با خداوند در ارتباط هستند در **بهشت زندگی جاودانی** خواهند داشت. اول **تسالونیان ۴: ۱۶-۱۷** "زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها رفته خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود."

عیسی مسیح دوباره بازمی گردد و وقتی که بیاید، کسانی از ما که به او تعلق داریم با او خواهیم رفت و برای همیشه با خداوند خواهیم بود. این چیزی است که ما امروز آن را بهشت می خوانیم، یعنی با عیسی مسیح بودن.

به بهشت رفتن چیزی نیست که من بتوانم خودم به آن برسم. مهم نیست چند بار به سمت فضا بروم. ما هرگز با فضا پیما به بهشت نمی توانیم برویم. شما با اعمال خود به بهشت نمی روید. شما هرگز یک فضاییمای بزرگ برای رفتن به بهشت نمی توانید بسازید و شما هرگز به اندازه ای خوب زندگی نمی کنید که به بهشت بروید. دین و مذهب نمی تواند شما را به بهشت ببرد. تنها راه رسیدن به بهشت این است که خداوند شما را به بهشت ببرد و خداوند تنها کسانی را می برد که در ارتباط با او باشند.

نتیجه: ما به این نتیجه می رسیم که عده ای با **خداوند در ارتباط نیستند** که در کتاب مقدس هم چنین آمده "هیچکس نیوکار نیست". هر کسی که به دنیا می آید زندگی خود را در راه نادرست شروع می کند. ما با گناه متولد شده ایم و با خداوند ارتباطی نداریم. ما **گمشده**،

گناهکار، نابخشوده، دشمنان خداوند و محکوم در غضب خداوند هستیم و برای ابد در جهنم و دریاچه آتش خواهیم بود. هیچکدام از ما بعد از تولدمان، ارتباط درستی با خداوند نداریم.

تعالیم کتاب مقدس درباره دو گروه از انسانها

کسانیکه با خدا در ارتباط هستند	کسانیکه با خدا در ارتباط نیستند
۱. نجات یافته (رومیان ۱۰: ۱۳)	۱. گمشده (لوقا ۱۹: ۱۰)
۲. عادل (رومیان ۵: ۱۹)	۲. گناهکار (اول قرنثیان ۶: ۹-۱۰ و رومیان ۳: ۱۰)
۳. بخشوده (افسیان ۱: ۷)	۳. نابخشوده (رومیان ۴: ۶-۸)
۴. صلح داده شده (کولسیان ۱: ۲۰ و ۲۲)	۴. دشمن خدا (رومیان ۵: ۱۰)
۵. عادل شمرده شده (رومیان ۳: ۲۸)	۵. محکوم شده (یوحنا ۳: ۱۸)
۶. مستفیض (پذیرفته شده) (افسیان ۱: ۶)	۶. مورد غضب (رومیان ۵: ۹ و ۱۸: ۱ و ۲: ۶)
۷. راهیان بهشت (اول تسالوکیان ۴: ۱۶-۱۷)	۷. راهیان جهنم (مکاشفه ۲۱: ۸)

اما خداوند می گوید برای هر انسانی امکان پذیر است که تغییر کند و رابطه و دوستی با خداوند برقرار کند. خداوند این انسان ها را نجات یافتگان، عادلان، بخشوده ها، صلح داده شدگان، و پذیرفته شدگان می خواند و به آنها خانه ای در بهشت اعطا می کند.

آگاه باشید که این انسان ها به خودی خود اصلاح نشده اند. آنها توسط یک نیروی بیرونی که قدرت خداوند نامیده می شود اصلاح شده اند. در این باره در درس آینده می آموزیم که توسط به صلیب کشیده شدن عیسی مسیح عده ای از دور بودن از خداوند نجات یافته و به او نزدیک شده اند.

سوالات این درس:

- ۱- هنگامیکه خداوند به جهان مینگرد، انسانها را چند دسته می بیند، نام ببرید؟
- ۲- در کتاب مقدس گمشده به چه کسی گفته می شود؟ و واژه گمشده در کدام آیه آمده است؟
- ۳- در کتاب مقدس نجات یافته به چه کسی گفته می شود؟
- ۴- طبق اول قرن تیان ۶: ۹-۱۰ چه کسانی به بهشت نمی روند؟
- ۵- رومیان ۳: ۱۰ را بنویسید؟
- ۶- طبق افسسیان ۱: ۷ چگونه می توانیم از گناهان خود آمرزیده شویم؟
- ۷- طبق رومیان ۵: ۱۰ وقتی که ما دشمن خدا بودیم، چگونه خداوند ما را با خود صلح و آشتی داد؟
- ۸- طبق یوحنا ۳: ۱۸ کسی که به عیسی مسیح ایمان نیاورد چه حالتی خواهد داشت؟
- ۹- رومیان ۵: ۱ را بنویسید؟
- ۱۰- مکاشفه ۲۱: ۸ را بنویسید؟
- ۱۱- طبق جدول دو گروه از انسانها را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: رومیان ۳: ۱۰ ؛ رومیان ۵: ۱۰ ؛ مکاشفه ۲۱: ۸

درس ۴: تلاش انسانها برای رفتن به بهشت از طریق اعمال

اکنون به من اجازه دهید که سوالی بپرسم: آیا ممکن است به طریق و روشی بتوان این دوستی را با خداوند درست کنیم؟ آیا ممکن است انسان بتواند به تنهایی خودش را تغییر دهد و به خداوند نزدیک شود؟ تعداد بسیاری تلاش کرده اند. در کتاب مقدس در **امثال ۱۶: ۲۵** آمده است.

راهی هست که در نظر انسان راست است، اما عاقبت آن راه، موت می‌باشد. "راهی که به نظر ما درست می‌رسد این است که می‌بایست بتوانیم راه درست به بهشت رفتن را بیاییم، راهی که مطمئناً خداوند از کارهای زشت ما چشم‌پوشی خواهد کرد. فقط از ده نفر که در خیابان راه می‌روند بپرسید که فکر می‌کنید چگونه به بهشت خواهید رفت؟ و آنها در پاسخ خواهند گفت، "با انجام کارهای خوب." این یک دروغ بزرگی است که شیطان در قلب همه جا داده است.

انسان‌ها روش‌های گوناگونی را امتحان می‌کنند. بعضی‌ها سعی می‌کنند کارهای نیک انجام دهند، مانند رفتار خوب با دیگران. من بسیاری از انسانهای بزرگی را می‌شناسم که رابطه‌ای با خداوند ندارند و زیر غضب خداوند هستند، اما از بهترین همسایگانند. انسانهای بسیار خوبی هستند ولی چیزی راجع به خداوند نمی‌دانند. آنها کارهای خوب بسیاری انجام می‌دهند اما رابطه‌ای با خداوند ندارند.

کارهایی که مردم تلاش می‌کنند تا بوسیله آنها با خداوند ارتباط داشته باشند چیست؟ بسیاری هستند که نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند و به مسجد خمس و زکات و صدقه می‌دهند. عده‌ای هستند که غسل تعمید می‌گیرند و یا با خواندن کتاب مقدس و دعا می‌خواهند بهشت را بخرند. بعضی دیگر در کلیسا حضور پیدا میکنند و نیایش می‌کنند. بعضی از آنها به کلیسا پول می‌دهند تا راه به بهشت رفتن را برای خود بخرند. این عده گمان می‌کنند

که اگر تمام این کارها و اعمال خوب را انجام دهند خداوند از کارهای زشت آنها چشم پوشی خواهد کرد.

بیاید اینگونه به مسئله نگاه کنیم. بطور مثال شما در دادگاه به جرم قتل محکوم شده اید و قاضی به شما می گوید تا قبل از اینکه حکم شما خوانده شود آخرین دفاع خود را بگویید. و شما با احترام به قاضی می گوئید، "به من فرصت دهید تا توضیح دهم. من می دانم که این جرم را مرتکب شده ام و می دانم که کار اشتباهی کرده ام اما این مربوط به پنج سال پیش است و پنج سال طول کشید تا مرا دستگیر کنند. در طول این پنج سال من شهروند خوبی بودم. شخص دیگری را نکشته ام. همسایه من با من مشکل نداشت، و حتی به او کمک کردم. یک خانواده ای که دچار آتش سوزی شده بودند، کمکشان کردم. در بیمارستان پیش قدم بودم. شروع کردم به خواندن نماز و گرفتن روزه و پول خود را احتکار نکردم. شخص خوبی هستم و با مردم به خوبی رفتار می کنم و قول می دهم که اگر مرا آزاد کنید، هرگز مرتکب جرم نشوم.

چه فکری می کنید اگر قاضی بگوید که این یک شهادت بود و من فکر می کنم که تو را آزاد کنم که بروی. تو کارهای خوب بسیاری انجام داده ای و فکر می کنم که توانسته ای که با کار خوب جزای جرمت را بدهی. هیچ قاضی شما را به خاطر اعمال خوبی که انجام داده اید و سعی کرده اید مسیر زندگی خود را بازسازی کنید، نمی بخشد و شما باید جزای جرم خود را بپردازید.

اما اگر شما از قاضی بخواهید و از خود دفاع کنید و به او اینگونه بگویید، و یک چیز دیگر من تقاضا دارم که بخشش دادگاه شامل حال من شود. من چیزهای خوب زیادی راجع به شما شنیده ام، شما مرد بسیار خوبی هستید و چقدر بخشنده. خواهم می کنم مرا ببخشید. این قاضی چگونه قاضی است اگر شما را ببخشد و بگوید برو، تو آزادی. بعد از آن نمی تواند دیگر قاضی باشد.

در دادگاه قضایی چنین چیزی امکان ندارد. و این روش برای خداوند هم کاربرد ندارد. خداوند، **خداى عدالت** است. او فقط خداى بخشش نیست. او همچنین خداى عدالت نیز است.

وقتی من و شما به این دنیا می آییم، در برابر خداوند مجرم هستیم. ما محکوم هستیم و در سراسیمه‌ی جهنم هستیم به خاطر گناهانمان. ولی بعضی گمان می کنند با بازسازی راه زندگی شان و انجام اعمال نیکو، خداوند آنها را به بهشت می فرستد. ولی این چیزی نیست که کتاب مقدس می آموزد. به یاد داشته باشید که ما به مسائل به روش خداوند می نگریم.

خداوند درباره اعمال خوب چه می فرماید؟

خداوند چه می فرماید؟ آیا ممکن است با انجام کارهای نیکو به بهشت برویم؟ خیر. زیرا خداوند در رومیان ۳: ۲۰ می گوید. **"از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد، چونکه از شریعت دانستن گناه است."**

فرض کنید که کسی که مرتکب قتل شده است و در برابر قاضی می گوید، قاضی محترم شما نمی دانید از پنج سال پیش که مرتکب این جنایت شده ام، تمامی قوانین را اطاعت کرده ام، مالیات خود را پرداخته ام و هرگز خشونت نکرده ام، با بی توجهی از وسط خیابان راه نرفته ام و از خط عابر عبور کرده ام، حتی اگر چراغ زرد بوده عبور نکرده ام. هنگامی که رانندگی کرده ام حتی از چراغ زرد رد نشده ام. بسیار با دقت بوده ام. اگر سرعت مجاز ۶۰ کیلومتر بوده است من با سرعت ۵۹ حرکت کرده ام. قاضی محترم شما باید درک کنید که من قانون را اطاعت کرده ام. اما آیا تمامی این کارها اهمیتی دارد وقتی او مرتکب قتل شده باشد؟ خیر، او همچنان مجرم است.

ما سعی می کنیم با انجام کارهای خوب، خدا را تحت تاثیر قرار دهیم. اما انجام کارهای نیک به این معنی نیست که گناهانمان از بین می رود. انجام کارهای نیک انسان را نجات نمی دهد.

احکام و شریعت خداوند داده نشده است تا بتوانیم آن را نگه داریم و راه خود به سوی بهشت را بیابیم. شریعت خداوند داده نشده است تا بتوانیم آن را حفظ کنیم و مورد قبول خداوند باشیم. **کتاب مقدس می گوید که هدف این احکام و شریعت نشان دادن گناهان ماست که ما به گناهکار بودن خود پی ببریم.** خداوند به ما قانون اعطا کرده است تا دانش گناه را به ما بیاموزد. خداوند این قوانین را داده است تا ما بدانیم از ما چه انتظاری دارد و آن بهترین است. اگر ما یک مورد قانون را بشکنیم، مجرم به نقض همه آن هستیم.

برای انسان غیرممکن است که با رعایت و حفظ قوانین و شریعت به بهشت برود. خداوند به ما قانون را داده است تا ما بفهمیم که از قوانین خدا تخطی کرده ایم. شریعت نمی تواند شما را نجات دهد. شریعت داده شده تا شما را محکوم کند. در قوانین برای من و شما هیچ امیدی وجود ندارد.

۲. اشعیا ۶۴: ۶

"زیرا که جمیع ما مثل شخص نجس شده ایم و همه اعمال عادلانه ما مانند لته ملوث می باشد. و همگی ما مثل برگ، پژمرده شده، گناهان ما مثل باد، ما را می ریزد." خداوند ما را چگونه شرح می دهد؟ می گوید اعمال خوب ما مثل دستمال کثیف می ماند. ما می توانیم اعمال خوب خود را جارو بزنیم اما خداوند می گوید از نظر او اعمال ما مثل پارچه کثیف است.

اکنون به یاد داشته باشید که ما به همه چیز همانطور که خداوند به آنها می نگرد، نگاه می کنیم. خداوند چگونه به من می نگرد؟ من می گویم که انسان خوبی هستم، غسل تعمید گرفتم، به کلیسا می روم و ده یکها و هدایا می دهم، کارهای نیک انجام می دهم، و یا مسلمان خوبی هستم و بهترین کسی هستم که در توان دارم. دعا می کنم، کتاب مقدس را می خوانم. به خداوند

اعتقاد دارم. مطمئناً این ها کافی است. اما خداوند می گوید کارهای خوب مثل دستمال چرکین است.

اجازه بدهید به طور خلاصه بگویم **دستمال کثیف** یعنی چه، تا بهتر منظور خداوند را درک کنید. دستمال مندرس در زمان کتاب مقدس پارچه کثیفی بود که در خارج از شهر آویزان می شد. جزامی ها اجازه نداشتند وارد شهر بشوند چون ممکن بود به خاطر زخم و عوفتی که دارند، بقیه نیز مبتلا شوند. اما در بیرون شهر پارچه ای آویزان بود که به آن پارچه کثیف و چرکین می گفتند. یک جزامی می توانست زخم خود را به آن پارچه تمیز کند و دوباره آن را آویزان کند تا باد آن را خشک کند و باران کمی آن را بشوید و دوباره جزامی دیگری از آن پارچه استفاده می کرد. پارچه کثیف، پارچه ای بود عمومی که جزامی ها از آن استفاده می کردند.

خداوند می گوید اعمال خوب شما، تمام کارهای خوبی که انجام می دهید مثل نماز خواندن روزه گرفتن و یا کلیسا رفتن و شرکت در کلاس ها و پول دادن، معلم کلاس های یکشنبه بودن از نظر او مثل **پارچه کثیف** می ماند. این بسیار وحشتناک است. خداوند می گوید از نظر او مثل پارچه کثیف است. می توانید تصور کنید خانمی آن پارچه را بردارد و ظروف خود را با آن بشوید؟ شما حتی فکر انجام این کار را هم نمی کنید. اما این دقیقاً همانطوری است که گمان می کنید باید به بهشت بروید. با **تکه پارچه ای کثیف و مندرس**.

۳. تیطس ۳: ۵

"نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد، به غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است؛" این مهم نیست که چقدر کارهای خوب انجام می دهیم. اگر با خداوند ارتباطی نداشته باشیم، نمی توانیم در

ردیف کسانی باشیم که نجات یافته اند و راهی بهشت هستند. کارها و اعمال خوب ما نمی تواند و نخواهد توانست ما را راهی بهشت مقدس کند.

۴. افسسیان ۲: ۸-۹

"زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال، تا هیچ کس فخر نکند." اکنون بشنوید آنچه را که خداوند می گوید. ما سعی می کنیم که خداوند را با اعمال خوبمان تحت تاثیر قرار دهیم، اما خداوند می گوید و "شما بوسیله خودتان یا به جهت اعمال خوبتان نجات نمی یابید، اگر چنین می گوئید، خودستایی می کنید."

اگر احکام و شریعت خداوند را بشکنید، تمام کارهای خوب دنیا نمی تواند شما را نجات دهد. اگر شما یک قانون را نقض کنید، در مورد همه آن مجرمید. اگر یک گناه مرتکب شده باشید، مجرمید. این مهم نیست که چقدر کارهای خوب در طول زندگیتان انجام دهید، هرگز شما را در کنار خداوند قرار نخواهد داد. اگر اعمال خوبتان می توانست شما را راهی بهشت کند، شما با فخر قدم برمی داشتید و در گذشته خود ثابت مانده اید. خداوند می گوید که کارهای خوب من و شما نمی تواند ما را به بهشت ببرد.

خاتمه: اما من نمی خواهم شما را ناامید کنم. روشن است که دو گروه وجود دارند، یکی کسانی که ارتباط خوبی با خداوند ندارند و دیگری کسانی که ارتباط خوبی با خداوند دارند، خداوند راهی دارد تا من و شما را به مسیری هدایت کند تا در زمره گروهی قرار بگیریم که با او باشیم و راهی بهشت شویم. خداوند آنرا با عیسی مسیح ساخته است. اما همه با او در ارتباط نیستند. تنها گروه خاصی هستند که در ارتباط درستی با خداوند هستند، زیرا آنها همان راهی را می روند که خداوند به آنها نشان داده است.

خود را با فکر کردن به اینکه در بی ایمانی خود، بی خدایی، موقعیت گناه فریب ندهید، که خداوند شما را به بهشت می برد. به درس بعدی توجه کنید تا ببینید که خداوند چگونه شما را از بدون ارتباط بودن به ارتباط درست با او هدایت می کند.

سوالات این درس:

- ۱- طبق امثال ۱۶: ۲۵ عاقبت راه انسان چیست؟
- ۲- طبق رومیان ۳: ۲۰ آیا انسان می تواند با اعمال مذهبی شریعت و کارهای ثواب از گناهان بخشیده شده و عادل شود؟
- ۳- هدف خداوند از دادن احکام و شریعت خود چیست؟
- ۴- طبق اشعیا ۶۴: ۶ اعمال عادلانه مانند چه چیزی می ماند؟
- ۵- طبق تیطس ۳: ۵ انسان چگونه می تواند نجات یابد؟
- ۶- افسسیان ۲: ۸-۹ را بنویسید؟ آیا نجات از جهنم از طریق اعمال خوب انسان است یا به جهت ایمان به مسیح؟
- ۷- در خاتمه این درس خداوند چگونه راه رفتن به بهشت را میسر کرده است؟

آیه های کلیدی این درس: رومیان ۳: ۲۰؛ اشعیا ۶۴: ۶؛ افسسیان ۲: ۸-۹

درس ۵: انجیل راه خداست به بهشت

مرور درس های گذشته

احکام و شریعت خداوند

به وضوح دیدیم که در کتاب مقدس، هر زن و مرد و کودکی که به این جهان می آید با خداوند در مشکل است. ما با خداوند در رنج و مشکل هستیم به خاطر گناهانمان، چون در برابر خداوند مقدس گناه را برگزیدیم. و در کتاب مقدس آشکار است که می شود در کنار خداوند بود و در آخر درس دیدیم که تعدادی در ارتباط با خداوند هستند، عده ای که حقیقت را کشف کرده اند و به بهشت می روند. و عده ای دیگر نابخشوده هستند، و راهی جهنم و دریاچه آتش هستند.

پرسش مهمی که پیش می آید این است که چگونه چنین چیزی ممکن است؟ تعدادی انسانها خانه ای در بهشت دارند و بسیاری خانه ای در جهنم؟ چطور ممکن است؟ از آنجایی که ما گناهکار به دنیا می آییم و مورد سرزنش خداوند هستیم و خودمان نمی توانیم راه خود را به بهشت بیابیم، حتما باید راهی باشد تا بتوانیم به آن برسیم. ما می دانیم چیزی هست که خارج از ماست، خارج از توانایی، دانش، اعمال و مجاهدت ما.

راهی هست که برای برقراری ارتباط با خداوند برای ما مقرر شده است. این آن چیزی است که خداوند برای ما فراهم کرده است. و ما راجع به آن در این درس گفتگو خواهیم کرد: خداوند این راه را برای رسیدن به این ارتباط فراهم کرده است.

انجیل

در اول می خواهیم به این نکته اشاره کنیم که در قوانین خداوند، او به ما انجیل را عطا کرده است. واژه انجیل به معنای خبر خوش است، یعنی مسیری که خداوند برای ما

فراهم ساخته تا از دور بودن از او به ارتباط با او برسیم، این انجیل خداوند است.
در رومیان ۱: ۱۶ "زیرا که از انجیل مسیح عار ندارم چونکه قوت خداست، برای
نجات هر کس که ایمان آورد، اوّل یهود و پس یونانی"

۱. قدرت خداوند

در ابتدا او می گوید که انجیل **قدرت خداوند** است. این انجیل عیسی، اخبار خوبی در مورد عیسی مسیح دارد، که **قدرت خداوند** است. در رومیان ۱: ۱۶ واژه یونانی "قدرت" همان لغتی است که ما امروزه برای دینامیت بکار می بریم، یعنی انجیل قدرت انفجاری دارد که می تواند ما را از دوری خداوند به دوستی و در کنار او بودن پرتاب کند و باطن ما را کاملاً دگرگون و متحول کند.

۲. نجات

توجه داشته باشید که پولس می گوید این انجیل قدرت خداوند برای نجات است. مردم را نجات می دهد. کلمه ایمان درست همان کلمه **نجات** است که ما برای کسانی که ارتباط با خداوند را دارند، به کار می بریم. چگونه به این نجات می رسم؟ خداوند چگونه مرا حفظ می کند؟ رومیان ۱: ۱۶ می گوید که با انجیل این کار را به انجام می رساند.

۳. نه فقط غسل تعمید

اگر انجیل راهی است که انسان را از دوری خداوند به ارتباط با او می رساند و اگر انجیل دینامیت خداوند است که انسان را نجات می دهد، و متحول می کند. بنابراین در ادامه ما باید بفهمیم که انجیل چیست؟ و انجیل چه چیزی نیست. **در اول قرن تیان ۱: ۱۷** پولس به ما می

گوید که انجیل چه چیزی نیست؟ "زیرا که مسیح مرا فرستاد، نه تا تعمید دهم بلکه تا بشارت رسانم، نه به حکمت کلام مبادا صلیب مسیح باطل شود."

در بخش گذشته در مورد کارهایی که انسان ها انجام می دهند تا در کنار خداوند قرار بگیرند صحبت کردیم. یکی از آنها این است که آنها دوست دارند که غسل تعمید بگیرند تا در کنار خداوند باشند. امروزه بسیاری گمان می کنند که با غسل تعمید گرفتن، همه چیز درست می شود. آنها فکر می کنند که به بهشت می روند چون غسل تعمید گناهان آن ها را پاک کرده است. و تصور می کنند که غسل تعمید آنها را از دوری خداوند به یک رابطه نزدیک به او نزدیک می کند. اما این چیزی نیست که کتاب مقدس به ما می آموزد. پولس می گوید او برای غسل تعمید فرستاده نشده است، اما او فرستاده شد تا انجیل را بشارت دهد. در کلامی دیگر انجیل و غسل تعمید دو مسئله جدا هستند و ارتباطی با هم ندارند. یکی از آن دو دزدی که همراه با عیسی مسیح مصلوب شد با ایمان به عیسی مسیح و بدون گرفتن غسل تعمید روی صلیب درست قبل از مرگش نجات یافت و راهی بهشت شد. این ثابت می کند که غسل تعمید نقشی در نجات انسان ندارد.

پولس نمی گوید که غسل تعمید، مهم نیست. او فقط می گوید غسل تعمید کسی را نجات نمی دهد. او روشن می کند که غسل تعمید، انجیل نیست. حتی قسمتی از انجیل هم نیست. به یاد داشته باشید که ما به این مسئله با دیدگاه من و یا دیدگاه شما نگاه نمی کنیم. ما از خود می پرسیم که خداوند چگونه به این مسئله نگاه می کند، و خداوند می گوید که غسل تعمید انجیل نیست، پس بنابراین انجیل چیست؟

۴. انجیل مرگ، تدفین و قیام مسیح از مردگان است

اول قرن‌تین ۱۵: ۱-۴ "الآن ای برادران، شما را از انجیلی که به شما بشارت دادم اعلام می‌نمایم که آن را هم پذیرفتید و در آن هم قایم می‌باشید، و به وسیله آن نیز نجات می‌یابید، به شرطی که آن کلامی را که به شما بشارت دادم، محکم نگاه دارید و الا عبث ایمان آوردید زیرا که اول به شما سپردم، آنچه نیز یافتیم که مسیح بر حسب کتب در راه گناهان ما مرد، و اینکه مدفون شد و در روز سوم بر حسب کتب برخاست". در این آیه ها پولس به طور ساده برای ما مشخص می کند که انجیل چیست. اجازه بدهید که این آیه ها را جداگانه بررسی کنیم تا بفهمیم که او چه گفته است.

در آیه ۲ پولس این عبارت را می گوید "والا عبث ایمان آورده اید". او نمی گوید شما نجات پیدا می کنید و دوباره گم می شوید، او به سادگی می گوید اگر شما واقعاً به انجیل ایمان بیاورید، هرگز از انجیل دور نخواهید شد. و هرگز به آن پشت نمی کنید. به مجردی که بفهمید خداوند به خاطر شما با عیسی چه کرد، هرگز عقیده خود را عوض نخواهید کرد. وقتی عیسی را به عنوان نجات دهنده خود بشناسید، عاشق او خواهی شد و هرگز او را ترک نخواهید کرد.

۵. جایگزین ما

بنابراین انجیل چیست؟ او به ما در آیه ۳-۴ می گوید که انجیل مرگ، تدفین و برخاستن عیسی از مردگان است. انجیل خبر خوش است. عیسی بر روی صلیب جان سپرد، دفن شد و در روز سوم از مردگان برخاست. خبر خوب چیست؟ اول اینکه عیسی به خاطر گناهان ما و به جای ما جان سپرد. می بینید کسانی که با خداوند ارتباطی ندارند محکوم به خشم و غضب خداوند هستند و سرانجام به دلیل گناهانشان علیه خداوند به جهنم خواهند رفت. آنها از هر قانونی

که خداوند گذاشته است سرپیچی کرده اند. آنها با وقاحت به زندگی خود با روش خودشان ادامه می دهند و به خداوند بی توجه هستند. اما آنهایی که با خداوند ارتباط دارند از رفتن به جهنم مصون هستند. آنها چگونه مصون شده اند؟ شما چگونه مسیر دوری از خداوند را به نزدیک شدن به او تغییر می دهید؟ کسی باید جریمه گناه شما را بپردازد.

خداوند و فقط خداوند است. خواست خداوند پرداخت جریمه گناه است. چگونه پرداخت جریمه گناه انجام می شود؟ یا با مرگ شما و رفتن شما به جهنم تا اینکه خودتان مجازات گناهتان را برای ابد پرداخت کنید و یا اینکه خداوند راهی را مقرر کند تا این مجازات پرداخت شود و شما به او نزدیک شوید. راهی که خداوند مقرر کرده است چیست؟ انجیل است. خبر خوش و خبر خوش چیست؟ اینکه عیسی مرد، دفن شد و از مردگان برخاست. اما او به ویژه برای گناهان ما مرد. او به جای ما مرد. او روی صلیب جایگزین ما شد و به جای ما مرد.

مرگ عیسی مسیح به جای ما، **جایگزینی** نامیده می شود. مثل این است که شما در دادگاه به ۵۰۰۰۰ دلار جریمه شده اید و کسی از جای خود بلند شود و جریمه شما را بپردازد، دادگاه اعلام خواهد کرد که جریمه به طور کامل پرداخت شد. قانون دیگر در برابر شما ادعایی نخواهد داشت و نمی تواند دنبال شما باشد و اعلام کند که شما چنین مبلغی را بدهکار هستید. این دقیقاً همان کاری است که عیسی انجام داد و بر روی صلیب جان سپرد. او مجازات تمامی بشر را پرداخت کرد و به جای ما مرد. او نجات دهنده ما شد کسی که مسیر ما را برمی گرداند.

۶. بر حسب کتب

عبارت دیگری در مطلب بالا آمده است که به آن می پردازیم. پولس می گوید که عیسی برای گناهان ما مرد "**بر حسب کتب**". او به خاک سپرده شد و دوباره از مردگان برخاست "**بر حسب کتب**". به عبارت دیگر پولس می گوید که انجیل مطابق و بر حسب کتاب مقدس

است. چرا عبارت "بر حسب کتب" در متن کتاب مقدس مهم است؟ به این دلیل مهم است که مرگ عیسی در عهد عتیق پیشگویی شده بود و در عهد جدید نیز آمده و چیزی نیست که چیز ساختگی و پوچ باشد. و در کلامی دیگر مرگ عیسی اتفاقی نیست.

کتاب مقدس به ما می گوید که آمدن عیسی بر روی زمین و مردن او برای گناهان ما برنامه ریزی شده بوده است. در حقیقت مرگ عیسی قبل از ابتدای آفرینش برنامه ریزی شده بوده. آمدن عیسی قبل از اینکه خداوند زمین را خلق کند طراحی شده بوده. در کتاب پیدایش کتاب مقدس تمام مسیر آمدن عیسی مسیح به صورت پیشگویی های پشت سرهم گفته شده. در نسلهای گوناگون خداوند در مورد آمدن عیسی، چگونگی آمدن و زمان و مکان آمدن او و محل تولد و زندگیش پیش گویی هایی کرده است و اینکه او برای گناهان دنیا می میرد. بر اساس این پیش گویی ها خداوند زمینه را برای آمدن شخصی به نام عیسی مسیح مهیا کرده است. "**بر حسب کتب**"

امروزه این موضوع چه تفاوتی برای ما دارد؟ برای ما معامله بسیار بزرگی را فراهم ساخته. اگر عیسی همان مسیح واقعی باشد و اگر او آن کسی باشد که جریمه گناهان ما را با مرگ خود پرداخته، بنابراین او تمام مشخصات مسیح را که در عهد قدیم آمده است دارا می باشد. بنابراین ما می توانیم به کتاب عهد قدیم مراجعه کنیم و به تمام پیش گویی هایی که در آن در مورد مسیح، کسی که به جای ما می میرد آمده، نگاه بیاندازیم و آن ها را با زندگی عیسی مسیح مقایسه کنیم. اگر این کار را بکنیم خواهیم دید که او تمام شایستگی هایی که در عهد قدیم در مورد آن صحبت شده را دارد.

برای همین است که در کتاب مقدس آمده که او برای گناهان ما مرد "**بر حسب کتب**" و از مردگان برخاست "**بر حسب کتب**". برای اینکه هر کاری که عیسی مسیح انجام داده است

مطابق با متن کتاب مقدس است. خداوند در یک زمان ناگهانی و تصادفی او را نفرستاده و نگفته "عیسی می میرد" بنابراین می تواند جریمه گناهان دنیا را بدهد. اینگونه نیست. خداوند این موضوع را از اول خلقت برنامه ریزی کرده بود تا زمانی که عیسی به دنیا آمد و پیشگوییها را به کمال رساند. این برنامه پدر است که عیسی خواهد آمد و برای گناهان من و تو خواهد مرد. و این بایست باعث تسلی ما باشد که بفهمیم مرگ و قیام عیسی از مردگان فقط برای او نیست بلکه مطابق برنامه از پیش تعیین شده خداوند است تا مسئله گناهان دنیا را حل کند.

یکی از مسائلی که انسانها به آن عقیده دارند این است که تا آنجایی که بتوانند خوب زندگی کنند، هرطوری هم که باشد خداوند گناهان آنها را می بخشد و امیدوار هستند که خدا اعمال خوب آنها را خواهد دید و شگفت زده شده، از کارهای بد و گناهان آنها چشم پوشی خواهد کرد. با این روش آنها گمان می کنند که به بهشت می روند. اما کتاب مقدس در انجیل می گوید خبر خوش در مورد عیسی است که قدرت خداوند است و من و شما را نجات می دهد. در حقیقت انجیل به وضوح به ما می گوید که اگر انسان سعی کند شریعت را نگه دارد زیر لعنت است و دلیل آن را نیز بیان می کند.

در غلاطیان ۳: ۸-۱۴ می خوانیم "و کتاب چون پیش دید که خدا ائمتها را از ایمان عادل خواهد شمرد، به ابراهیم بشارت داد که جمیع ائمتها از تو برکت خواهند یافت. بنابراین اهل ایمان با ابراهیم ایماندار برکت می یابند. زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می باشند زیرا مکتوب است، ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته های کتاب شریعت تا آنها را به جا آورد. اما واضح است که هیچ کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی شود، زیرا که عادل به ایمان زیست خواهد نمود. اما شریعت از ایمان نیست بلکه آنکه به آنها عمل می کند، در آنها زیست خواهد نمود. مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا

کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است ملعون است هر که بر دار آویخته شود. تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی بر امت‌ها آید و تا وعده روح را به وسیله ایمان حاصل کنیم."

وقتی ابراهیم نجات یافت، خداوند گفت که او عادل شده است. به خاطر دارید که این کلمه به معنای عادل همان عبارتی که در کتاب مقدس برای کسانی که با خداوند در ارتباط هستند به کار رفته است. چگونه ابراهیم عادل شد؟ آیا ابراهیم با انجام درست شریعت خداوند، با انسان خوب بودن؟ خیر، ما در آیه هشت می‌خوانیم که او عادل محسوب شد با ایمان به انجیل. چگونه می‌شود که ابراهیم به مرگ، دفن و برخاستن از مردگان عیسی ایمان داشته باشد، حال آنکه ابراهیم ۲۱۶۰ سال پیش از آمدن عیسی زندگی می‌کرده است؟ وقتی به زمان ابراهیم برمی‌گردیم، خداوند از پیش انجیل را داده بوده. و خبر خوش آمدن عیسی، زندگی و مرگ او را داده بوده. خداوند همچنان قول داده که مسیح می‌آید و گناهان را پاک می‌کند. ابراهیم تمام جزئیات را نفهمید اما انجیل را به اندازه کافی درک کرد تا بفهمد که خداوند مسیح را می‌فرستد تا مجازات گناهان دنیا را بپردازد. ابراهیم با ایمان و اعتقاد به خداوند توانست با او ارتباط پیدا کند و اینگونه است که امروزه انسان می‌تواند از گناهان بخشیده شده و عادل محسوب شود.

توجه داشته باشید که در غلاطیان ۳: ۱۰ می‌گوید: **"زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می‌باشند."** اگر شما بخواهید ده فرمان را نگه دارید و به قوانین آن عمل کنید، لعنت می‌شوید. این لعنت برای این است که شما نمی‌توانید ده فرمان را اجرا کنید. آیا کسی هست که بگوید تا در طول عمرش حتی یک دروغ نگفته است؟ اگر شما یک دروغ در زندگی بگویید نهمین فرمان را شکسته‌اید. به یاد بیاورید که در **يعقوب ۲: ۱۰** خداوند می‌گوید که اگر شما در یک موضوع ده فرمان گناه کنید در تمام آن مجرم هستید.

ما به مسائل با نگاه خودمان می نگریم و فراموش می کنیم که خداوند چه گفته است. و دلیل دروغین داریم که گناه کوچکی نسبت به دیگران مرتکب شده ایم و گناه را سبک و سنگین می کنیم. اما وقتی در برابر خداوند می ایستیم، من و شما قضاوتی که برای ما می شود بر اساس استاندارد خودمان نیست. خداوند بر انسانها قضاوت خواهد کرد و قضاوت او بر پایه حقیقت است. حقیقت خداوند می گوید که اگر شما یکی از ده فرمان را رد کنید یعنی در همه قوانین مجرم هستید. شما محکوم هستید. شما از قبل محکومید. شما زیر خشم خداوند هستید و سرانجام به جهنم خواهید رفت.

دوباره در غلاطیان ۳: ۱۰ او می گوید "زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می باشند زیرا مکتوب است، ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته های کتاب شریعت تا آنها را به جا آورد." اگر شما نمی توانید تمام قوانین را به درستی رعایت کنید، لعنت می شوید. در قدرت کلام خداوند، می توانم به وضوح بگویم که همه ما لعنت شده ایم. ما محکوم هستیم و ناامید. حتی اگر سعی کنیم که با رعایت قوانین و شریعت به بهشت برویم. چنانچه تلاش کنید با انسان خوب بودن و امید به اینکه کارهای نیک شما بر کارهای بد شما سنگینی کند، به بهشت بروید، خداوند می گوید هرگز نخواهید توانست. شما لعنت شده اید، ناامید هستید. بنابراین چه کار باید بکنیم؟ پاسخ چیست؟

ما پاسخ را در غلاطیان ۳: ۱۱-۱۲ پیدا می کنیم. "اما واضح است که هیچ کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی شود، زیرا که عادل به ایمان زیست خواهد نمود. اما شریعت از ایمان نیست بلکه آنکه به آنها عمل می کند، در آنها زیست خواهد نمود." نجات از طریق شریعت نیست. نجات یا داشتن ارتباط با خداوند، بخشوده شدن با ایمان به انجیل و اعتماد به آنچه خداوند برای شما انجام داده، به دست می آید.

نجات در خوب بودن خود را کنار بگذارید، کنار گذاشتن تلاش برای اینکه خداوند شما را بپذیرد و مصمم بودن برای سپاسگزاری از خداوند برای آنچه او انجام داده و آسایش در شفقت او و پیشنهاد او برای بخشایش.

او در غلاطیان ۳: ۱۳ به ما می گوید که این خبر خوبی است. "**مسیح، ما را از لعنت شریعت جدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است ملعون است هر که بر دار آویخته شود.**" وقتی عیسی به زمین آمد تا برای گناهان ما بمیرد، او جایگزین من و شما شد. او مصلوب شد تا مجازات گناهان ما را بدهد و در عوض ما لعنت شد تا ما از لعنت شریعت رهایی یابیم.

در آیه ۱۴ می گوید وقتی ابراهیم با اعتقاد به مسیح که روزی می آید نجات یافت، ما نیز امروز با ایمان و اعتقاد به کاری که عیسی مسیح برای ما روی صلیب در جلجتا انجام داد، نجات میابیم. ابراهیم با ایمانش به آن روز که در آینده می آید نگاه کرد و ما با ایمان به آنچه عیسی مسیح بر روی صلیب در گذشته انجام داد، نگاه می کنیم.

پیشگویی درباره مسیح منجی

ما میگوییم که این انجیل در عهد عتیق آمده که سالها پیش از آمدن مسیح بر روی زمین بوده است. ما در **پیدایش ۳: ۱۵** اولین پیشگویی را در مورد آمدن مسیح می خوانیم. شما داستان سقوط آدم و حوا را شنیده اید که چگونه در باغ گناه کردند از میوه ای که خداوند گفته بود نخورید، خوردند. وقتی خداوند به آنها پیشنهاد داد تا کاری برای آنها انجام دهد تا در نظر او آنها عادل شوند، او چه کرد؟ در **پیدایش ۳: ۲۱** "**و خداوند خدا رختها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید.**" ما اینجا در عهد عتیق داریم انجیلی از عیسی مسیح که از پیش خبر داده شده است.

کلمه **پیشگویی** یا **از پیش خبر داده شده** به معنای تصور کردن است. اگر من بخواهم تصویری از خانواده ام برای شما مجسم کنم، خواهم گفتم، "این ها خانواده ام هستند." شما منظور من را خواهید فهمید. تصویری که من گفته ام خانواده من نیست بلکه بازتابی از خانواده ام است. که به مسئله اصلی اشاره می کند. خانواده من از افراد تشکیل شده است نه از تصویر. تصویر نشان می دهد که خانواده من چه شکلی هستند اما آن تصویر خانواده من نیست. تصویر را که مشاهده کنید، اگر روزی یکی از آنها را ببینید بلافاصله خواهید شناخت چون عکس او را قبلاً دیده اید.

این کاری است که خداوند در عهد عتیق انجام داده است. او تصاویری در عهد عتیق از کارهایی که آماده کرده است تا موقع آمدن عیسی بر زمین برای ما انجام دهد، به ما نشان داده است. وقتی خداوند آدم و حوا را با پوست حیوان پوشاند، باید حیوانی را می کشت تا بتواند برای آنها پوست آماده کند. وقتی شما حیوانی را می کشید خون باید از آن سرازیر شود. کشتن حیوان برای درست کردن لباس آدم و حوا پیش بینی حقیقتی است که روزی عیسی خواهد آمد و خون خود را برای گناهان ما خواهد ریخت. او به جای ما مرد مثل حیوانی که به جای آدم و حوا مرد.

در **پیدایش ۲۲** ما پیش بینی دیگری می بینیم، تصویر دیگری از آمدن عیسی مسیح. خداوند به ابراهیم گفته بود که پسر خود اسحاق را برای قربانی خداوند به کوه موریاء ببرد. خداوند ایمان ابراهیم را آزمایش می کرد تا ببیند که تا چه اندازه عاشق اوست. ابراهیم اطاعت کرد و با نوکران خود و پسرش اسحاق چوب و آتش برداشته به کوه رفت. اسحاق متوجه شد که مهمترین عامل گم شده است و از پدر خود پرسید که گوسفندی که برای قربانی آماده شده بود کجاست؟

پیدایش ۲۲: ۸ **"ابراهیم گفت: «ای پسر من، خدا برة قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت.» و هر دو با هم رفتند"**

مطمئن نیستم که ابراهیم کاملاً فهییده بود که چه باید بگوید، اما می دانم که خداوند چه منظوری داشته است. ابراهیم شاید منظوری داشته و خداوند به نوعی آن را مهیا کرده بود، خداوند سرانجام آماده ساخته بود. اما مهمتر از آن این است که خداوند هدفی داشته که یک روز خود را برای قربانی آماده خواهد کرد. خود خداوند قربانی خواهد بود. و این چیزی که در جلجتا بر روی صلیب اتفاق افتاد. جایی که خداوند به صورت انسان درآمد تا به خاطر گناهان من و شما بر روی صلیب بمیرد.

ابراهیم و اسحاق به کوه موریافه رفتند. ابراهیم پسر خود را نشانده و چاقوی خود را به سوی آسمان بلند کرد و آماده شد که آن را بر سینه پسرش فرود آورد و او را بکشد. اما فرشته ای ظاهر شد و ابراهیم را متوقف کرد. نگاه کنید به پیدایش ۲۲: ۱۳ "آنگاه، ابراهیم، چشمان خود را بلند کرده، دید که اینک قوچی، در عقب وی، در بیشه ای، به شاخه های گرفتار شده. پس ابراهیم رفت و قوچ را گرفته، آن را در عوض پسر خود، برای قربانی سوختنی گذراند." خداوند می دانست که ابراهیم پسر خود را مضایقه نمی کند اما می خواهد که از خداوند اطاعت کند. بنابراین اسحاق بخشیده شد و قوچ گرفته شده و به جای اسحاق قربانی شد. این دقیقاً همان اتفاقی است که وقتی عیسی بر روی صلیب در جلجتا مرد، رخ داد. او به جای ما مرد تا جریمه گناهان ما را بپردازد. این یک تصویر دیگر است. پیش بینی از مرگ عیسی به جای ما که در عهد عتیق آمده است.

در خروج ۱۲ ما تصویر دیگری از مرگ مسیح در عهد عتیق می بینیم. قوم اسرائیل در مصر در اسارت بودند. خداوند بلایای بسیاری را بر قوم مصر نازل کرد تا فرعون را راضی کند که قوم اسرائیل را آزاد نماید. خداوند به موسی در آخرین بلا گفت که من تمام نخستزاده های آنها را می کشم، آنگاه فرعون به آنها اجازه خواهد داد که بروند. این دستوراتی بود که موسی به کودکان اسرائیلی داد.

در خروج ۱۲: ۲۱-۲۳ "پس موسی جميع مشايخ اسرائيل را خوانده، بدیشان گفت: «بروید و بردهای برای خود موافق خاندانهای خویش بگیرید، و فصّح را ذبح نمایید. و دسته‌ای از زوفا گرفته، در خونی که در طشت است فرو برید، و بر سر در و دو قایمه آن، از خونی که در طشت است بزنید، و کسی از شما از در خانه خود تا صبح بیرون نرود. زیرا خداوند عبور خواهد کرد تا مصریان را بزند و چون خون را بر سر در و دو قایمه‌اش بیند، همانا خداوند از در گذرد و نگذارد که هلاک کننده به خانه‌های شما درآید تا شما را بزند."

هر خانواده گوسفندی را گرفته، کشته و خون آن را در لگنی ریخته، سپس دسته‌ای از شاخه درختی را گرفته و در خون فرو برده و خون را بر روی چهارچوب در پاشید. سپس آنها به داخل خانه رفتند و تا صبح در خانه ماندند. در نیمه‌های شب فرشته مرگ به آن سرزمین آمد. او به خانه‌هایی در مصر که بر چهارچوب در آن خونی وجود نداشت رفت و نخستزاده آن خانواده و نخستزاده حیوان آنها را کشت. فرشته نجات از کنار خانه‌هایی که نشان خون داشتند گذشت و نخستزاده آنها از هلاک شدن نجات یافت.

مطمئن هستم که بعضی‌ها باور نمی‌کنند که خداوند چنین کارهایی می‌کند. اما این اتفاق افتاده است، درست همانطوری که خداوند گفته است. کسانی که ایمان داشتند آنچه را که خداوند گفته بود انجام دادند.

گوسفند باید کشته می‌شد، بنابراین خون آن می‌توانست بر روی چهارچوب در خانه پاشیده شود، و فرشته مرگ از آن خانه می‌گذشت و نخستزاده زنده می‌ماند. این دقیقاً همان کاری است که عیسی مسیح وقتی بر روی صلیب مرد، انجام داد. او بر روی صلیب مرد بنابراین خون او می‌تواند بر زندگی من و شما ریخته شود، آن وقت زمانیکه روبروی قضاوت خداوند قرار می‌گیریم، خداوند می‌تواند با گذشت از ما، ما را قضاوت کند نه با قضاوت گناهانمان.

تصاویر زیادی در عهد عتیق می باشد که پیش بینی مرگ عیسی مسیح را می کند اما ما به برخی از مهمترین آنها اشاره می کنیم. به روز کفاره اشاره می کنیم که در کتاب **لاویان ۱۶: ۱۵-۱۶** آمده است. روز کفاره روزی بوده که کاهن قربانی را برای تمام قوم اسرائیل انجام می داد. **"پس بز قربانی گناه را که برای قوم است ذبح نماید، و خونسش را به اندرون حجاب بیاورد، وبا خونسش چنانکه با خون گاو عمل کرده بود عمل کند، و آن را بر کرسی رحمت و پیش روی کرسی رحمت بپاشد و برای قدس کفاره نماید به سبب نجاسات بنی اسرائیل، و به سبب تقصیرهای ایشان با تمامی گناهان ایشان، و برای خیمه اجتماع که با ایشان در میان نجاسات ایشان ساکن است، همچنین بکند."**

یک بار در سال در روز کفاره، کاهن اعظم باید حیوانی را می کشت، خون آن را بر کرسی مقدس می برد و او فقط یک بار و در این روز اجازه این کار را داشت. خون باید کرسی رحمت را می پوشاند تا کفاره ای باشد برای گناهان قوم اسرائیل. یهودیان گناهکار بودند درست مثل ما در دنیای امروز. خداوند می گوید که خون مسیح بر روی کرسی رحمت پاشیده شد برای کفاره گناهان ما.

این تمام هدف مرگ عیسی مسیح است. او بر روی صلیب مرد تا کفاره گناهان ما را بپردازد، بنابراین ما می توانیم در یک آن با خداوند باشیم. به خاطر دارید که کلمه بازسازی شدن، ما را به سوی خود بازمی گرداند. ما به خاطر کارهایی که انجام می دهیم به سوی خداوند بازگردانده نمی شویم. ما بسوی خداوند بازگردانده نمی شویم به خاطر اینکه انسان خوبی هستیم، ده یکها به کلیسا می دهیم، غسل تعمید می گیریم، به کلیسا می رویم و یا دعا می کنیم و یا کتاب مقدس را می خوانیم. ما بسوی خداوند بازمی گردیم و با او تنها با او خواهیم بود به خاطر قربانی که بجای

ما روی صلیب اتفاق افتاده است. عیسی مسیح خود را بر روی صلیب به جای ما قربانی کرد و خون خود را به خاطر گناهان ما ریخت.

در عهد جدید

این اتفاقات عهد عتیق را که بطور خلاصه برایتان گفتم، یهودیان می دانند و بارها این داستان ها را شنیده اند و از درون آن باخبرند. هر کدام از این اتفاقات تصویری از پیش بینی آمدن مسیح است. اما چه چیزی بین تصاویر عهد عتیق و پیش بین های آن و کتاب عهد جدید می باشد؟

یوحنا ۱: ۲۹ "و در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می آید. پس گفت، اینک، برّه خدا که گناه جهان را برمی دارد." یحیی تعمید دهنده این کلمات را برای معرفی عیسی به گروهی که برای شنیدن موعظه او جمع شده بودند، بکار برد. ما عبارت مشابهی در یوحنا ۱: ۳۶ می بینیم. چرا یحیی تعمید دهنده عیسی را بره خداوند می نامد؟

یحیی تعمید دهنده یک یهودی بود و مفهوم کلماتی را که به کار می برد، می دانست. یهودیان بلافاصله فهمیدند که عیسی همان مسیح است که خداوند به آنها در عهد عتیق وعده داده بود که می آید و برای گناهان آنها می میرد. آنها به خاطر می آورند که آن حیوان باید می مرد تا آدم و حوا لباس عدالت خدا را بپوشند. و به یاد می آورند که آن قوچ باید می مرد تا اسحاق زنده بماند. آنها لاویان ۱۶ و خروج ۱۲ را به یاد آوردند. هزارها آیه در مورد موردن حیوانی برای زنده بودن دیگران صحبت کرده است بنابراین آن گناه بخشیده شد و همچنین خداوند گناه آن مردم را بخشید. در تمام آن داستان ها حیوان تصویر بود اما خود آن بره خدا نبود که کفاره گناه را پرداخت کند. عیسی تنها کامل کننده آن تصاویر عهد عتیق است. عیسی کسی است که مجازات گناه را پرداخت می کند. حیوان به جای شخصی قربانی شد تا تصویری از آمدن عیسی باشد. آن چیزی است که یوحنا می گوید. وقتی گفت "آی همگان، بیدار شوید! خبر مهمی

برایتان دارم. "اینک، بره خدا که گناه جهان را برمی دارد." او به آنها آگاهی می داد که عیسی همان مسیح است.

به عبرانیان ۱۰ توجه کنید. ما در آیه هایی که آگاهی شما را بیشتر می کنند با دقت نگاه می کنیم. آیه ۱

"زیرا که چون شریعت را سایه نعمتهای آینده است، نه نفس صورت آن چیزها، آن هرگز نمی تواند هر سال به همان قربانی هایی که پیوسته می گذرانند، تقرب جویندگان را کامل گرداند." به یاد بیاورید که ما می بینیم که خداوند به مسائل چگونه نگاه می کند. خداوند می گوید که شریعت انسان را به خداوند نمی رساند. خداوند می گوید قربانی سالانه انسان را کامل و عادل در نظر خداوند محسوب نمی کند. در عهد عتیق هر سال کاهن در روز کفاره قربانی یکسانی را پیشنهاد می داده؟ چرا؟ چون قربانی حیوان، گناه انسان را پاک نمی کند.

آیه ۲- "والا آیا گذرانیدن آنها موقوف نمی شد چونکه عبادت کنندگان، بعد از آنکه یک بار پاک شدند، دیگر حس گناهان را در ضمیر نمی داشتند؟" به نظر نمی رسد که قربانی روز کفاره گناه را از بین می برد؟ اگر می توانست گناه را پاک کند، چرا کاهن اعظم دوباره در سال بعد این قربانی را انجام می داد؟ اگر گناه از بین برود، پاک می شود. بنابراین اگر او مدام این قربانی را انجام می داده، به این دلیل است که مشکل گناه را از بین نمی برده.

به آیه ۴ نگاه کنید. "زیرا محال است که خون گاوها و بزها رفع گناهان را بکنند." این ممکن نیست که خون حیوانات بتواند گناه را پاک کند زیرا خون گاوها و بزها همانطور که در آیه یک آمده، چیزی بیش از یک سایه و تصویر نیست.

به آیه ۱۰ توجه کنید. "و به این اراده مقدّس شده/ایم، به قربانی جسد عیسی مسیح، یک مرتبه فقط." چند بار عیسی مرد؟ یک بار. چرا یک بار؟ زیرا فقط همین یک بار کافی و لازم بود. یک بار برای تمام گناهان مجازات پرداخت شد. اگر عیسی چندبار می مرد به خاطر این بود که توان پرداخت همه گناهان را نداشت. او کامل کننده همه قربانیهای عهد عتیق است. عیسی یک بار مرد و همین مرگ او کافی بود که جزای گناهان همه دنیا را بپردازد.

به آیه ۱۱ و ۱۲ نگاه کنید- "و هر کاهن هر روزه به خدمت مشغول بوده، می ایستد و همان قربانی ها را مکرراً می گذرانند که هرگز رفع گناهان را نمی تواند کرد. لکن او چون یک قربانی برای گناهان گذرانید، به دست راست خدا بنشست تا ابد/آباد." عیسی باید فقط یک بار بر روی صلیب می مرد تا جزای گناهان ما را بپردازد.

این یک خبر خوش است. به خاطر دارید؟ **انجیل** - خبر خوش این است که عیسی برای گناهان ما مرد بر حسب کتب، او دفن شد و در روز سوم از مردگان برخاست بر حسب کتب. خبر خوش این است که عیسی یک بار مرد و برای همیشه جزای گناهان بشر را پرداخت کرد.

عبرانیان ۹: ۱۲ می گوید، "و نه به خون بزها و گوساله ها، بلکه به خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیة ابدی را یافت." مرگ عیسی مسیح برای پرداخت گناهان دنیا کافی بود. تمام کاری که باید انجام می داد این بود که یک بار بمیرد. مکان مقدس که اطاق داخلی معبد بود که خداوند سالی یک بار با کاهن اعظم در آنجا ملاقات می کرد. مثل این بود که داخل یک پناهگاه بشوید تا با خداوند حرف بزنید. هیچ کس به جز کاهن اعظم سالی یک بار اجازه ورود نداشت.

کتاب مقدس می گوید که عیسی به داخل آن مکان مقدس و پادشاهی خدای پدر با خون بزها و گوساله ها نرفت. او حیوانی را نکشت تا به آنجا برسد، بلکه او با خون خود به مکانی بسیار

مقدس رفت. او بر روی صلیب مرد و پاشیده شدن خون او چیزی بود که جایگاه او را خرید و او خون خود را با خود به حضور پدر برد و خدای پدر با دیدن خون پسر خود خشنود شد و غضب او نسبت به گناهان بشر فرو ریخت.

توجه کنید سپس عبرانیان ۹: ۱۳-۱۴ "زیرا هر گاه خون بزها و گاوان و خاکستر گوساله چون بر آلودگان پاشیده می شود، تا به طهارت جسمی مقدس می سازد، پس آیا چند مرتبه زیاده، خون مسیح که به روح ازلی خویشتن را بی عیب به خدا گذرانید، ضمیر شما را از اعمال مرده طاهر نخواهد ساخت، تا خدای زنده را خدمت نمایید؟" در عهد عتیق مردم قربانی ها می گذرانیدند و با خداوند سخن می گفتند و خداوند آنها را می پذیرفت، گرچه قربانی های آنها کاملاً گناهانشان را پاک نمی کرد. اما توجه کنید که قدرت خون عیسی مسیح چقدر عظیم است که گناه تمام جهان را از بین می برد!

در عهد عتیق قربانی کردن فقط مثل یک ضمانت بود. مثل جمله ای که در پایین ضمانتنامه می نویسید "بدهی و قسط خود را سالیانه در موعد مقرر پرداخت خواهم کرد." سال بعد در موعد مقرر دوباره امضاء می کنید و می نویسید و سال های پیاپی امضاء می کنید و می نویسید که بدهی خود را پرداخت خواهم کرد. و یک روز که می بیند که نوشته شده کل بدهی پرداخت شده. بعد از آن دیگر به بانک نمی روید تا کاغذی را امضاء کنید که بدهی را پرداخت خواهم کرد، چون بدهی شما قبلاً پرداخت شده است.

قربانی های عهد عتیق گناهان مردم را پاک نمی کرد. فقط مثل این بوده که آنها می گفتند، "ما می دانیم که گناهان ما پاک خواهد شد. یکی از این روزها اتفاق می افتد." آنها نمی دانستند چه زمانی اتفاق می افتد، اما باور داشتند که اتفاق می افتد. وقتی عیسی به این دنیا آمد، بر روی صلیب مرد، و یک بار جزای گناه را پرداخت کرد. عیسی بر روی صلیب فریاد زد "تمام شد."

او بدهی تمام انسانها که گناه بود، تمام کرد و تسویه حساب کرد تا ما دیگر به خداوند بدهکار نباشیم.

به عبرانیان ۹: ۱۵ نگاه کنید "و از این جهت او متوسط عهد تازه‌ای است تا چون موت برای کفارہ تقصیرات عهد اول بوقوع آمد، خوانده شدگان وعده میراث ابدی را بیابند." می دانم که این یک عبارت طولانی است، بنابراین سعی خواهم کرد که برای شما توضیح دهم. عیسی مسیح کسی است که مسئول است چون او برای گناهان ما بر روی صلیب مرد. او مسئول گناه است. او واسطه ای است که در میان قرار گرفته است.

تمام کسانی که در زمان عهد عتیق می زیستند، و نجات یافته بودند، ضمانتنامه را داشتند، اما هنوز بدهی آنها پرداخت نشده بود. اما وقتی عیسی آمد و بر روی صلیب مرد، عهد جدید او با خون خویش، پرداخت گناهان آنان شد همچنانکه در عهد جدید خون مسیح پرداخت گناهان ماست.

به عبرانیان ۹: ۲۴-۲۸ نگاهی بیاندازیم. "زیرا مسیح به قدس ساخته شده به دست داخل نشد که مثال مکان حقیقی است؛ بلکه به خود آسمان تا آنکه الآن در حضور خدا بجهت ما ظاهر شود. و نه آنکه جان خود را بارها قربانی کند، مانند آن رئیس کهنه که هر سال با خون دیگری به مکان اقدس داخل می‌شود؛ زیرا در این صورت می‌بایست که او از بنیاد عالم بارها زحمت کشیده باشد. لکن الآن یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر شد تا به قربانی خود، گناه را محو سازد. و چنانکه مردم را یک بار مردن و بعد از آن جزا یافتن مقرر است، همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می‌باشند، ظاهر خواهد شد بجهت نجات."

عیسی نباید دوباره و دوباره بمیرد. او تنها یک بار مرد. وقتی او مرد، تنها مجازات گناهان پرهیزکاران عهد عتیق را پرداخت، بلکه او جریمه گناهان کسانی را هم که در آینده به دنیا می آیند، پرداخت. او مجازات گناهان کل دنیا را پرداخت، هر کسی که از قبل بوده کسی که هنوز به دنیا نیامده تا آخر زمان. او فقط باید یک بار می مرد.

حالا او دست راست پدر است که برای ما میانجیگری می کند. این انجام می شود اگر او بگوید، "پدر، این بدهی به طور کامل پرداخت شده. این شخص را ببین پدر، من قبلا برای گناهان او پرداخت کرده ام. بیا پدر، شخص دیگری هم هست. او فقط به من اعتماد کرده و خود را رها کرده و دیگر نمی خواهد بر اساس اعمال خودش اینجا بیاید. پدر او به من اعتماد کرده است او همچنین یکی از پیرو من است."

آن خبر خوش **انجیل** است که در مورد همه چیز سخن گفته است. من و شما نمی توانیم با تکیه بر خودمان و اعمال خود به بهشت برویم، اما خبر خوش این است که عیسی راهی را برای ما مهیا کرده که بتوانیم به حضور خدا برویم.

صلاحیت عیسی مسیح به عنوان منجی عالم

ما چگونه می فهمیم که عیسی صلاحیت مسیح و منجی بودن را داراست؟ در یوحنا ۵: ۳۱-۳۹ پنج نشانه که عیسی کسیت میبیم. **نشانه اول، عیسی به مردم گفت که او مسیح است،** کسی که آمده است تا مجازات گناهان آنها را بپردازد. عیسی گفت، "به شما می گویم که من که هستم. اما شما نمی خواهید به من گوش کنید." به طور مثال اگر من مقداری خون بیاورم و ادعایی بنویسم و شاهی نداشته باشم تا با من موافق باشد، به احتمال زیاد شما به گفته های من گوش نخواهید کرد.

اما نشانه های دیگری هست به غیر از اینکه خود عیسی گفته است. **دومین آنها، یحیی تعمید دهنده** بوده است. او به عیسی اشاره کرد و گفت **"اینک، برّه خدا که گناه جهان را برمی دارد."** او می دانست که عیسی کیست، پس به او در میان جمعیت اشاره کرد.

سومین نشانه این که عیسی همان مسیح است به خاطر کارهایی که عیسی انجام داد. معجزاتی که نشان داد. چگونه معجزات عیسی را توصیف می کند؟ نابینا را بینا کرد. کاری کرد که فلج ها از جا برخیزد. شخص لال را به سخن گفتن شفا داد. کرها را شنوا کرد. او مرده ها را زنده کرد. گناهان انسانها را بخشید. طوفان دریا را آرام کرد. عیسی مسیح هزاران هزار معجزه کرد. چگونه می توانست این کار را انجام دهد؟ برای اینکه او خداست چنانکه خود او ادعا کرد. چه کسی می تواند به مردگان حیات بخشد جز خدا؟ چه کسی می تواند گناهان را ببخشد جز خدا؟ چه کسی می تواند بر طبیعت مسلط باشد جز خدا؟ او مسیح است، کسی که مجازات گناه دنیا را پرداخت.

چهارمین نشانه از طرف خدای پدر آمده. به یاد دارید وقتی عیسی تعمید گرفت و از آب بیرون آمد؟ خدای پدر از بهشت حرف زد و گفت **"اینست پسر حبیب من که از او خوشنودم."** متی ۳: ۱۷

و دوباره وقتی عیسی بر کوه بلندی با پطرس و یعقوب و یوحنا بود، خدای پدر از بهشت سخن گفت و فرمود. **"این است پسر حبیب من که از وی خوشنودم. او را بشنوید."** خدای پدر می دانست که عیسی کیست و برای همگان این را اعلام کرد تا بشنوند.

پنجمین نشانه این است که عیسی حقیقتاً مسیح است بر اساس کلام خداوند که در متن آمده است. این قویترین نشانه میان بقیه است. ما می توانیم کلمه به کلمه کتاب مقدس را بخوانیم و از ابتدا تا انتها و صدها متن پیدا کنیم که راجع به عیسی است که می گوید او کیست و او را

مسیح خوانده است. در حقیقت سی و هفت پیش گویی گوناگون در مورد مسیح در کتاب مقدس وجود دارد، این پیش گویی ها زندگی و خدمت عیسی را تکمیل کرد و تأیید می کند که حقیقتاً او مسیح است.

یکی از این پیش گویی ها در میکاه ۵: ۲ آمده است که پیشگویی می کند، مسیح در بیت الحم خواهد آمد.

به یاد دارید که عیسی چگونه به دنیا آمد؟ به خاطر فرمان قیصر آگوستوس، یوسف و مریم باید به بیت الحم می رفتند تا بتوانند به دلیل آمارگیری تولد را ثبت کنند. وقتی آنها به آنجا رفتند، عیسی به دنیا آمد. اگر بخاطر فرمان قیصر نبود، عیسی در آن شهر به دنیا نمی آمد. خداوند کاری کرد که عیسی در بیت الحم به دنیا آید. همانطور که در پیش گویی کتاب مقدس آمده است.

اشعیاء ۷: ۱۴ پیشگویی می کند که مسیح از باکره به دنیا می آید. چگونه یک باکره می تواند فرزندی داشته باشد؟ این غیر ممکن است مگر با دخالت خداوند. این قطعاً معجزه خداوند است. این پیش گویی به وقوع پیوست در زندگی مریم، که کتاب مقدس به ما می گوید، مریم تا قبل از به دنیا آمدن عیسی با هیچ مردی رابطه نداشته. با تمام چیزهایی که در زندگی عیسی به وقوع پیوسته است، "نمی توانید بگویید که عیسی فقط یک انسان عادی بوده است. عیسی خدا بود که در جسم انسان وارد این جهان شد همانطور که خود ادعا کرد."

بخش های زیادی وجود دارد که در مورد مرگ عیسی و چگونگی آن توضیح داده شده است. اشعیاء ۵۳: ۹ و ۱۲ یکی از همان بخش هاست. وقتی عیسی مسیح بر روی صلیب مرد، اشعیاء گفت که **"او از خطاکاران محسوب شد."** (آیه ۱۲). عهد جدید به ما می گوید که در دو طرف عیسی وقتی به صلیب آویخته شده بود دو دزد قرارداشتند. این اتفاق دقیقاً همانطور که در کتاب مقدس پیش بینی شده بود، رخ داد.

همچنین اشعیا ۵۳: ۹ پیش گویی کرده که او بعد از مرگش در قبر دولتمندی دفن می شود. قبر او کجا بود؟ یوسف اهل رامة که مردی بسیار ثروتمند بود، قبر خود را به عیسی داد تا دفن شود.

سوالات این درس:

- ۱- واژه انجیل به چه معناست؟
- ۲- در رومیان ۱: ۱۶ واژه یونانی "قدرت" به چه معناست؟
- ۳- طبق اول قرن تیان ۱۵: ۱-۴ انجیل (خبر خوش) چیست؟
- ۴- چرا عبارت "بر حسب کتب" در متن کتاب مقدس مهم است؟
- ۵- طبق غلاطیان ۳: ۸-۱۴ ابراهیم چگونه عادل شد؟
- ۶- غلاطیان ۳: ۱۳ را بنویسید؟
- ۷- اولین پیشگویی درباره آمدن مسیح منجی در کدام آیه کتاب مقدس است؟
- ۸- در خروج ۱۲: ۲۱-۲۳ نخستزاده یهودیان چگونه از هلاک شدن نجات یافتند؟

۹- در لاویان ۱۶: ۱۵-۱۶ چگونه گناهان یهودیان کفاره داده می شد؟

۱۰- یحیی تعمید دهنده در یوحنا ۱: ۲۹ عیسی را به چه عنوان به مردم معرفی کرد؟

۱۱- طبق عبرانیان ۱۰: ۴ آیا قربانی گاوها و بزها می توانست گناهان انسان را رفع کند؟ طبق
عبرانیان ۱۰: ۱۰ چه قربانی می تواند گناهان انسان را از بین ببرد؟

۱۲- پنج نشانه از صلاحیت عیسی مسیح به عنوان منجی عالم را بنویسید؟

۱۳- دو پیشگویی در باره عیسی مسیح را که در عهد عتیق آمده بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: رومیان ۱: ۱۶ ، اول قرنیتان ۱۵: ۱-۴ ؛ غلاطیان ۳: ۱۳ ؛ یوحنا ۱: ۲۹

؛ عبرانیان ۱۰: ۱۰

درس ۶: آزمودن اسلام از صحت داشتن آن

در این درس می خواهیم محمد بنیانگذار دین اسلام، قرآن کتاب آسمانی اسلام و الله خدای اسلام و دین اسلام را بیازماییم تا ببینیم آیا این دین می تواند از طرف خداوند باشد یا نه. در مرحله اول از قرآن شروع می کنیم تا از صحت آن مطمئن شویم.

سوالاتی که درباره اشتباهات قرآن باید از مسلمانان پرسید؟

آیا قرآن از طرف خدای واقعی فرستاده شده یا اینکه ساخته دست بشر است؟ اگر قرآن کلام خدا باشد، می بایست عاری از هرگونه خطا و اشتباه باشد. برای بدست یافتن این حقیقت می توانیم قرآن را آزمون کنیم و حقیقت را کشف کنیم.

سوال ۱: خورشید که هر روز غروب می کند، آیا می تواند در چشمه آب گل آلود و سیاه غروب کند؟ آیا چنین چیزی ممکن است؟ بیایید ببینیم قرآن چه چیزی در اینباره می گوید.

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا (۸۳) إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (۸۴) فَاتَّبَعَ سَبَبًا (۸۵) حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (۸۶) قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكَرًا (۸۷) وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنُفَعِّلُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (۸۸) ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (۸۹) حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سَبِيلًا (۹۰) كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا

سوره الکهف آیه ۸۳-۹۱

"و از تو در باره ذوالقرنین می پرسند بگو: برای شما از او چیزی می خوانم. ما او را در زمین مکانت دادیم و راه رسیدن به هر چیزی را به او نشان دادیم، و نیز راه را پی گرفت تا به مکان غروب خورشید رسید دید که در چشمه ای گل آلود و سیاه غروب می کند و در آنجا مردمی یافت. گفتیم: ای ذوالقرنین، می خواهی عقوبتشان کن و می خواهی با آنها به نیکی رفتار کن گفت: اما هر کس که ستم کند ما عقوبتش خواهیم کرد آنگاه او را نزد پروردگارش می برند تا او نیز به سختی عذابش کند. و اما هر کس که ایمان آورد و کارهای شایسته کند، اجری نیکو دارد و در باره او فرمانهای آسان خواهیم راند. باز هم راه را پی گرفت تا به مکان برآمدن آفتاب رسید دید بر قومی طلوع می کند که غیر از پرتو آن برایشان هیچ پوششی قرار نداده ایم. چنین شد و ما بر احوال او احاطه داریم."

ما می دانیم که خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب نمی کند. ولی در زمان محمد هیچکس نمی دانست که خورشید هر روزه کجا غروب می کند. محمد ادعا کرد که پیامبری است از طرف الله، بنابراین اعراب از او پرسیدند، "اگر تو پیامبر هستی به ما بگو که هر روز خورشید کجا غروب می کند؟" در آن لحظه محمد برای پاسخ دادن، دو گزینه داشت: او می توانست حقیقت را بیان کرده و بگوید، ۱- "من نمی دانم که خورشید کجا غروب می کند." اگر محمد چنین جوابی را می داد، مردم او را دروغگو می پنداشتند و او را لایق جهنم می دانستند. محمد نخواست پیامبر دروغین محسوب شود. ۲- دومین گزینه ای که محمد داشت این بود که یک چیزی از خود ساخته و به مردم تحمیل نماید که چنین کار را نیز انجام داد. او گفت: "خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب می کند." چون کسی از این حقیقت آگاهی نداشت او با این دروغ ساختگی آنها را قانع کرد.

سوره کهف آیه ۸۳-۹۱ ادعا می کند که چطور ذوالقرنین راه خود را پیش گرفت و به سمت غرب رفت تا به مکان غروب خورشید رسید. سوالی که پیش می آید اینست که:

سوال ۱: آیا مکانی برای غروب خورشید وجود دارد؟ آیا تهران مکان غروب خورشید است؟ مدینه چطور؟ نیویورک چی؟ نخیر غروب خورشید هیچ مکانی ندارد.

سوال ۲: مکان غروب خورشید کجاست؟ آیا مکان غروب خورشید شهر تهران است، یا اصفهان یا شیراز یا شاید مکه؟ چنین مکانی وجود ندارد که خورشید در آن غروب کند. خورشید می تواند در جهت و سمتی غروب کند ولی نمی تواند در مکانی غروب کند. این یک اشتباه بزرگ و دروغ فاحشی است که محمد در قرآن آورده.

سوال ۳: آیا اعتقاد دارید که خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب می کند؟ آیا این صحیح است یا غلط؟ این مسلماً غلط است. خورشید هرگز در چشمه گل آلود و سیاه غروب نمی کند. خورشید حدود یک میلیون برابر بزرگتر از زمین است و نمی تواند در روی زمین در داخل چشمه گل آلودی گنجایش داشته باشد. محمد این نظریه را حدس زد ولی حدس او اشتباه بود و این اشتباه بزرگ در قرآن چهار چیز را ثابت می کند:

۱. قرآن کتاب جعلی و ساختگی و دروغین است.

۲. محمد پیامبر جعلی و دروغین است.

۳. الله خدای جعلی، دروغین و ساختگی اعراب است و نه خدای واقعی چون خدای واقعی که خورشید را خلق کرده نمی تواند با آن قدرت و عظمت خود اشتباه کند.

۴. اسلام یک دین جعلی، ساختگی و دروغین است که می توان به راحتی کنار گذاشت و با کنار گذاشتن آن، خدای واقعی ما را جهنم نخواهد فرستاد.

سوال ۴: شاید مسلمانان با این نظریه اشتباه قرآن مخالفت کرده و بخواهند آن را پوشش دهند و بگویند که این آیه بطور واقعی تفسیر نمی شود بلکه به صورت تمثیلی و تشابهی. باید در این صورت از آنها پرسید: "لطفاً یک کلمه تمثیلی و تشابهی در آیه ۸۳-۹۱ به من نشان بده." (کلمات تمثیلی و تشابهی عبارتند از: مثل، مانند، شبیه) هیچ کلمه تمثیلی و تشابهی در این آیات استفاده نشده است و گفته های محمد همانطور که در آیات پیداست بطور واقعی تفسیر می شود. ذوالقرنین یک شخص واقعی بود که راه واقعی را پی گرفت تا به مکان واقعی خورشید رسید، دید که خورشید واقعی در چشمه گل آلود و سیاه واقعی غروب واقعی می کند و در آن مکان واقعی مردم واقعی را یافت که اطراف آن زندگی می کردند. بنابر این هیچ کلمه تمثیلی و تشابهی در این آیات نیست و بلکه آنها ۱۰۰٪ واقعی تفسیر می شوند چنانکه آیه ۹۱ نیز این را ثابت کرده و می گوید که "چنین شد" (یعنی به وقوع پیوست). آیا چنین شد جمله تمثیلی است یا واقعی؟ البته که واقعی. یعنی اینکه این یک داستان نیست بلکه یک واقعیتی است که خورشید در چشمه آب گل آلود غروب می کند.

سوال ۵: مسلمانان شاید مخالفت کنند و بگویند، "این نسخه از ترجمه قرآنی که شما می خوانید، ترجمه خوب و درستی نیست و باید ترجمه های دیگر را بخوانید." در این صورت باید از آنان پرسید، "چه کسی زبان عربی را بهتر می داند؟ شما یا بهترین مترجمان اعراب؟ چند سال شما در دانشگاه، زبان عربی آموخته اید؟ من سه جلد از ترجمه های معروف از قرآن را دارم (داود، پنگال، و یوسف علی) که هر سه همان ادعا را می کنند که خورشید در چشمه آب فرو غروب می کند. اگر این ترجمه های قرآن مورد علاقه شما نیست می توانید به کتابفروشی ها مراجعه کنید و آنها را از فروختن آن ترجمه ها منع کنید. همه مسلمانان این سه ترجمه ها را قبول دارند.

۲- لطفاً اشتباه شماره ۲ را بخوانید.

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸)

یاسین آیه ۳۸ " و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است تقدیر آن عزیز دانا این است.

"

آیا خورشید قرارگاه دارد؟ خیر خورشید قرارگاه ندارد که بتواند در آن استراحت کند.

قرارگاه خورشید کجاست؟ خورشید محل خواب و استراحت ندارد و همچنین خورشید به سوی قرارگاه ویژه خود روان نیست و حرکت نمی کند بلکه ثابت است. این زمین است که روان و در حال گردش است. این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۳- لطفاً اشتباه شماره ۳ را بخوانید؟

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعُلُقَةَ مِضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)

سوره مومنون آیه ۱۴ "آنگاه نطفه را به صورت علقه (خون لخته) درآوردیم پس آن علقه را [به صورت] مِضْغَه گردانیدیم و آنگاه مِضْغَه را استخوانهایی ساختیم بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آورد."

این آیه روش شکل گرفتن نطفه (جنین) در شکم مادر را شرح می دهد. این آیه ادعا می کند که نطفه از مرحله لخته شدن خون عبور می کند. این کاملاً اشتباه است. ما می دانیم که نطفه از تخم بارور شده ای که تقسیم و افزایش پیدا می کنند، شروع به رشد کرده و افزوده می شوند تا مادامیکه نطفه در رحم زن شکل بگیرد. یک نطفه هرگز از مرحله خون لخته (که خون مرده و بسته شده است) عبور نمی کند بلکه از سلولهای زنده عبور می کند. محمد میکروسکوب نداشت که درون شکم مادر را نگاه کند و ببیند که نطفه چگونه شکل می گیرد.

او فقط حدس زد که آن یک حدس اشتباهی بود و این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۴- لطفاً اشتباه شماره ۴ را بخوانید.

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَواتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا
ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۱۲)

سوره فصلت آیه ۱۲ "پس آنها را [به صورت] هفت آسمان در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار مربوط به آن را وحی فرمود و آسمان پایین را به چراغها [ستارگان] آذین کردیم و [آن را نیک] نگاه داشتیم این است. اندازه گیری آن نیرومند دانا."

در سوره فصلت آیه ۱۲ قرآن ادعا می کند که هفت آسمان وجود دارد ولی آنها را تعریف و توصیف نمی کند که اسم هر یک از آن آسمانها چیست. در کتاب مقدس ما سه آسمان داریم (۱- آسمان اول اتمسفر است یعنی جایی که پرنده ها پرواز می کنند و همچنین جایی که ما نفس می کشیم. ۲- آسمان دوم فضا است، یعنی جایی که ستارگان هستند. ۳- آسمان سوم بهشت است، جایی که حضور خداوند و فرشتگان و نجات یافتگان هست). همچنین در ادامه آیه قرآن ادعا می کند که ستارگان در فاصله نزدیکتری به زمین هستند. اگر او می گفت که ماه نزدیکتر به زمین است، ادعای او درست می بود. و یا اگر می گفت که خورشید نزدیکتر به زمین است باز می توانستیم قانع شویم اما او می گوید که ستارگان نزدیکتر به زمین هستند که این یک دروغ و اشتباه بزرگ است. ستارگان در فاصله دورتر از ماه و خورشید از زمین قرار دارند. نزدیکترین ستاره به زمین ۴ سال نوری (۴ تریلیون کیلومتر) فاصله دارد. ستارگانی که در دور دست قرار دارند در فاصله ۱۳ میلیارد سال نوری از زمین قرار دارند که یک فاصله غیر قابل

تصور و نجومی هست. محمد نمی دانست که ستارگان چقدر با زمین فاصله دارند و یا بزرگی آنها چقدر است. او فکر کرد که اندازه یک ستاره به بزرگی تخم چشم یا یک سنگ کوچک است که می توان با آن شیطان را تیر اندازی کرد. محمد باز این را حدس زد و حدس او اشتباه بود و این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۵- لطفاً اشتباه شماره ۵ را بخوانید.

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (۶)

"مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست." سوره ق آیه ۶

سوره ق آیه ۶ می گوید که آسمان شکافتگی ندارد. ما واژه شکافتگی را فقط برای جسم جامد بکار می بریم. اما مایع و گاز مانند آب و هوا نمی توانند در خود شکافتگی داشته باشند. بنابراین وقتی که قرآن از واژه شکافتگی برای توصیف آسمان استفاده می کند، پی می بریم که مولف قرآن فکر می کند که آسمان یک سقف جامد است که می توانست شکافتگی داشته باشد ولی الله طوری آن را آفریده که هیچگونه درز و شکافتگی ندارد. این نظریه که آسمان سقف است در زمان محمد رایج بود ولی امروزه ما می دانیم که این یک نظریه خنده دار و اشتباهی است. آسمان یک سقف جامد نیست که شکافتگی نداشته باشد، بلکه یک اتمسفر گازی است. این اشتباه ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۶- لطفاً اشتباه شماره ۶ را بخوانید.

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (۳۲)

سوره الانبیاء آیه ۳۲ "و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و [لی] آنان از [مطالعه در] نشانه‌های آن اعراض می‌کنند."

سوره انبیا آیه ۳۲ ادعا می‌کند که آسمان سقف دارد.

سوال ۱: آیا عقیده دارید که آسمان سقف دارد؟

سوال ۲: اگر چنین است، فاصله این سقف از زمین چقدر است؟

سوال ۳: این سقف از چه چیزی ساخته شده است؟

محمد اعتقاد داشت که اگر بالا به سمت آسمان صعود کنیم، به سقف آسمان برخورد کرده و سر و کله ما می‌شکند. آیا شما با این نظریه موافق هستید؟

۷- لطفاً اشتباه شماره ۷ را بخوانید.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَكَرُوفٌ رَحِيمٌ (۶۵)

سوره حج آیه ۶۵ "آیا ندیده‌ای که خدا آنچه‌ای که در زمین است به نفع شما رام گردانید و کشتیها در دریا به فرمان او روانند و آسمان را نگاه می‌دارد تا مبادا بر زمین فرو افتد مگر به اذن خودش باشد."

مردم از محمد پرسیدند: "اگر آسمان سقف داشته باشد، پس چطور این سقف فرو نمی‌ریزد؟ چه چیزی این سقف را در آسمان نگه می‌دارد و مانع فرو ریختن آن می‌شود؟ چون محمد هیچ اطلاعی از این امر نداشت، او اظهار نظر کرده گفت که الله از آن بالا سقف آسمان را با دستهای خود نگه داشته تا مبادا بر زمین فرو ریزد مگر به اذن خودش و اگر نخواهد و به اذن خودش نباشد رها می‌کند تا فرو بریزد. او دوباره در این مورد حدس زد و حدس او اشتباه بود. این اشتباه ثابت می‌کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۸- لطفاً اشتباه شماره ۸ را بخوانید.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَاذُ سَنًا بَرْقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (٤٣)

سوره نور آیه ۴۳ "پس دانه‌های باران را می‌بینی که از خلال آن بیرون می‌آید و [خداست که] از آسمان از کوههایی که در آنجاست تگرگی فرو می‌ریزد و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند و آن را از هر که بخواهد باز می‌دارد نزدیک است روشنی برکش چشمها را ببرد."

اعراب از محمد پرسیدند که تگرگ از کجا فرو می‌ریزد. مجدداً محمد بدون اینکه تگرگی در زندگی خود دیده باشد، اظهار نظر کرده گفت که تگرگ از کوههایی که در آسمان هستند فرود می‌آید. او مردم را با این حرف دروغ فریب داد چون ما می‌دانیم که تگرگ از آب اقیانوس که بوسیله گرمای آفتاب تبخیر شده به آسمان می‌رود و به ابرها برخورد کرده بصورت قطرات باران و بعضی اوقات سردی هوا باعث یخ زدن آن می‌شود که بصورت برف یا تگرگ فرود می‌آید.

سوال ۱: آیا تابحال کوهی مانند کوه اورست یا دماوند در آسمان دیده اید که تگرگی را نازل کند؟

سوال ۲: آیا اعتقاد دارید که تگرگ از کوه آسمان فرود می‌آید؟

۹- لطفاً اشتباه شماره ۹ را بخوانید.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَّكَ لَكُمُ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى (٥٣)

سوره طه آیه ۵۳ "همان کسی که زمین را برایتان گهواره‌ای ساخت و برای شما در آن راهها ترسیم کرد و از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن رستنیهای گوناگون جفت جفت بیرون آوردیم."

سوال ۱: آیا اعتقاد دارید که زمین مثل گهواره ای تخت است؟ زمین بنظر تخت می آید ولی آن کروی شکل است. کتاب مقدس ۲۷۰۰ سال پیش می گوید که زمین کروی شکل است (اشعیا ۴۰: ۲۲). اعراب زمان محمد اعتقاد داشتند که زمین تخت است و محمد نیز این را تأیید کرد که این نظر یک اشتباه محض است.

۱۰- لطفاً اشتباه شماره ۱۰ را بخوانید.

مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۶۱)

سوره نمل آیه ۶۱ "همانا آن کس که زمین را قرارگاه ثابت ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن کوهها را [مانند لنگر] قرار داد و میان دو دریا برزخی گذاشت آیا معبودی با خداست [نه] بلکه بیشترشان نمی دانند"

قرآن در سوره نمل آیه ۶۱ ادعا می کند که زمین قرارگاه ثابتی است. واژه ساکت به معنای "ایستاده، ساکن، و یا بی حرکت" است. امروزه ما می دانیم که زمین ثابت و بی حرکت نیست بلکه در مداری دور خورشید سالی یکبار می چرخد و روزی یکبار نیز دور خود می چرخد. بنابراین زمین همواره با سرعت بالایی در حال حرکت و روان است. زمین یقیناً ثابت نیست.

۱۱- لطفاً اشتباه شماره ۱۱ را بخوانید.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِنْتُ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (٣٨)

سوره القصص آیه ۳۸ "و فرعون گفت ای بزرگان قوم من جز خویشتن برای شما خدایی نمی‌شناسم پس ای هامان برایم بر گل آتش بیفروز و برجی [بلند] برای من بساز شاید به [حال] خدای موسی اطلاع یابم و من جدا او را از دروغگویان می‌پندارم."

در سوره قصص آیه ۳۸ قرآن ادعا می‌کند که فرعون (پادشاه مصر) با هامان (وزیر خشیار شاه هخامنشی پادشاه ایران) مکالمه کرده و از او می‌خواهد که با گل، برجی برای او بسازد.

سوال ۱: فرعون زمان موسی در چه سالی زندگی می‌کرد؟ ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد

سوال ۲: هامان چه سالی زندگی می‌کرد؟ ۵۰۰ سال قبل از میلاد

سوال ۳: ۱۵۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ قبل از میلاد چند سال اختلاف زمانی دارد؟ ۱۰۰۰ سال.

فرعون ۱۰۰۰ سال قبل از هامان مرده بود. فرعون و هامان ۱۰۰۰ سال و در فاصله بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر جدای از هم زندگی می‌کردند و هرگز همدیگر را ملاقات نکرده بودند.

سوال ۴: چگونه این اشتباه تاریخی وارد قرآن شد؟ محمد یهودیان بسیاری را در عربستان می‌شناخت که به او گفته بودند که فرعون و هامان هر دو ضد یهودیان بودند که می‌خواستند آنها را از بین ببرند. به دلیل اینکه در عربستان، اعراب سیستم تقویم و تاریخ نداشتند که زمانها و رویدادهای تاریخی را بدانند و ثبت کنند، بنابراین چون محمد تقویم نداشت او حدس زد که فرعون و هامان هر دو در یک جا زندگی می‌کردند که دست به یکی شده بودند که یهودیان را هلاک کنند. این حدس محمد اشتباه فاحش بود.

۱۲- لطفاً اشتباه شماره ۱۲ را بخوانید.

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ (۹۵)

سوره طه آیه ۹۵ "موسی گفت تو چرا اینکار را کردی ای سامری؟".

در سوره طه آیه ۹۵ موسی از سامری سوال می کند که چرا او بت گاو طلایی را ساخته. موقعی که موسی بالای کوه سینا رفت و چهل روز در حضور خدا بود که ۱۰ فرمان را دریافت کند، همزمان در دامنه کوه برادر موسی هارون که توسط مردم وادار به ساخت خدایی به شکل گاو طلایی شد، دست به ساخت آن کرد. هارون این بت را ساخت نه سامری (خروج ۳۲: ۲۱).

سوال ۱: موسی در چه سالی زندگی می کرد؟ ۱۵۰۰ قبل از میلاد

سوال ۲: سامری چه کسی بود؟ او از نژاد سامریان بود که در ۷۲۱ قبل از میلاد بوجود آمدند. هنگامیکه آشوریان در ۷۲۲ قبل از میلاد به پادشاهی شمالی اسرائیل حمله کردند، یهودیان را به اسارت بردند و آنها را وادار به وصلت با امتهای بت پرست کردند. بنابراین فرزندان که از وصلت یهودیان با غیر یهودیان به دنیا آمدند به اسم سامری معروف گشتند (دوم تواریخ ۱۷: ۲۴-۲۹). آنها در سال ۷۲۱ قبل از میلاد به بعد تازه بوجود آمدند.

سوال ۳: از زمان موسی تا زمان بوجود آمدن سامریان چند سال فاصله است؟ حدود ۸۰۰ سال. مکالمه بین موسی و سامری هرگز رخ نداد. موسی ۸۰۰ سال قبل از پیدایش سامریان مرده بود. این اشتباه تاریخی قرآن ثابت می کند که قرآن کتاب جعلی و دروغین است.

۱۳- لطفأ اشتباه شماره ۱۳ را بخوانید.

أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلْغَيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْكَبَرِ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ
الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹۶)

سوره المائده آیه ۹۶ "صید دریا و ماکولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران بهره‌ای باشد و [لی] صید بیابان مادام که محرم می‌باشید بر شما حرام گردیده است و از خدایی که نزد او محشور می‌شوید پروا دارید."

سوره مائده آیه ۹۶ ادعا می‌کند که صید دریا و ماکولات آن طعامی است که برای خوردن مناسب و حلال است. اما بیش از ۱۲۰۰ ماهی سمی در دریا وجود دارد که اگر آن را بخوریم، بلافاصله می‌میریم (مثال: ماهی تترادوکسین، جلی فیش، و ...).

سوال: آیا مسلمان و یا آخوندی جرأت می‌کند که از آن ماهیان سمی که طبق قرآن مناسب و حلال است، میل کند؟ نه

قرآن کتاب مرگ آور و خطرناکی است که اعتقاد داشتن و عمل کردن به آن می‌تواند موجب مرگ و میر انسانها شود. محمد فکر می‌کرد که تمامی ماهیان قابل خوردن هستند و این حدس او اشتباه بود که این اشتباه اثبات می‌نماید که قرآن کتاب جعلی و ساختگی و دروغین است.

۱۴- لطفاً شماره ۱۴ را بخوانید.

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷)

سوره طارق آیه ۵-۷ "انسان از آب جهنده‌ای خلق شده که از صلب مرد و میان استخوانهای سینه بیرون می‌آید."

سوره طارق آیه ۵-۷ می‌گوید که آب جهنده از میان استخوانهای ستون فقرات و دنده مرد بوجود می‌آید. این کاملاً دروغ و اشتباه است. آب جهنده از میان بیضه مرد که حدود ۳۰ سانتی متر پایین تر از آن جایی که محمد ادعا کرد می‌باشد. محمد حدسش اشتباه بود.

۱۵- لطفاً شماره ۱۵ را بخوانید.

فَلَمَّا قُضِيَنا عَلَى الْمَوْتِ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتْ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

سوره سبا آیه ۱۴ (با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامیکه مرگ را بر او مقرر داشتیم کسی آنها را از مرگ وی آگاه نداشت مگر جنبیده زمین (موریانه) که عصای او را می خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد). هنگامیکه بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوار کننده باقی نمی ماندند."

سوره سبا آیه ۱۷ می گوید که سلیمان در حال ایستاده به ساخت معبد نظارت می کرده که ناگهان می میرد و همچنان سر پا می ایستد و کسی از مرگ او مطلع نمی شود مگر موریانه که عصای او را می خورند تا پیکر و جسد سلیمان فرو افتد.

سوال ۱: آیا کسی که بمیرد می تواند هنوز سر پا بایستد؟ خیر

سوال ۲: چند سال طول می کشد که موریانه عصای سلیمان را بخورد؟ شاید ۱۰ سال شاید هم بیشتر

سوال ۳: آیا در طول ۱۰ سال کسی نفهمید که او مرده است؟ آیا همسر او نگفت که شوهرم چرا امشب خانه نیامد؟ آیا وزیران او نپرسیدند که چرا سلیمان پادشاه سر تخت خود نیامد؟

جسد مرده نمی تواند سر پا بایستد بلکه بلافاصله در هنگام مرگ زمین می خورد. این اشتباهات همه اثبات می کنند که محمد کسی بود که دین اسلام را بوسیله کمک از دیگران (سلمان فارسی، همسر پولدار خود خدیجه و دیگران) بنیانگذاری کرد و تمامی تعلیمات خود را بر پایه دروغ و اشتباهات بنیان نهاد که آن دروغها را می توانیم به سادگی با خواندن قرآن به زبان مادری خود بدست آورده و دین اسلام را به عنوان وسیله ای برای فریب میلیونها انسان بی گناه رد کنیم.

از اول زندگی به ما گفتند که باید قرآن را به زبان عربی بخوانیم و نه فارسی چون خواندن فارسی آن ثواب ندارد و همچنین به دلیل اینکه زبانی که الله صحبت می کند، عربی است. خدایی که ما را آفریده از زبان مادری ما آگاه است و در کلام خود نمی تواند اشتباهی کند. پس این اشتباهات قرآن ثابت می کند که:

۱. قرآن کتاب جعلی و ساختگی و دروغین است.
۲. محمد پیامبر جعلی و دروغین است.
۳. الله خدای جعلی، دروغین و ساختگی اعراب است و نه خدای واقعی چون خدای واقعی که خورشید را خلق کرده نمی تواند با آن قدرت و عظمت خود اشتباه کند.
۴. اسلام یک دین جعلی، ساختگی و دروغین است که می توان به راحتی کنار گذاشت و با کنار گذاشتن آن، خدای واقعی ما را جهنم نخواهد فرستاد.

آزمون کردن الله از وجود واقعی او

الله کیست؟

سوال ۱: اسم پدر محمد چه بود؟ عبدالله

سوال ۲: معنی آن چیست؟ برده الله

سوال ۳: اسم پدر بزرگ محمد چه بود؟ عبدالمطلب

سوال ۴: چرا پدر بزرگ اسم پسرش را عبدالله گذاشت؟ برای رضای خاطر بت مورد علاقه اش "الله"

عبدالمطلب یک بت پرست بود که ۳۶۰ تا بت در کعبه داشت و الله هم یکی از آن ۳۶۰ بت در کعبه بود. چطور عبدالمطلب بت پرست هنگامیکه پسر خود را به دنیا آورد، اسمش را عبدالله گذاشت.

عبدالله یعنی برده الله. اگر الله خدای واقعی بود، آیا عبدالمطلب بت پرست حاضر می شد که اسم خدای واقعی را بر پسر خود بگذارد؟ یک بت پرست آیا اسم بت خویش را بر پسرش می گذارد یا اسم خدای واقعی را؟ مسلماً اسم بتش را. همین اتفاق نیز افتاد و او اسم بتش الله را بر پسر گذاشت و او را عبدالله یعنی برده یا خادم الله نام نهاد تا بزرگ شده و برده و خادم بت الله در کعبه شود.

محمد نیز که پسر عبدالله بود ادعا کرد که پیامبر الله است.

نتیجه: پدر بزرگ اسم پسرش را عبدالله گذاشت "یعنی برده الله" برای رضای خاطر بت مورد علاقه اش "الله". این ثابت می کند که الله یک بت بوده که اعراب قبل از اسلام پرستش می کرده اند.

سوال ۵: چرا اسم خدای محمد اسم یکی از بتهای کافران در کعبه بود؟

سوال ۶: آیا این کار درست است که اسم خدا را اسم یکی از بتهای کافران بگذاری؟

سوال ۷: بالای گنبد مساجد سنی و همچنین روی پرچم کشورهای اسلامی چه علامتی وجود دارد؟ هلال ماه. پرچم بسیاری از کشورهای اسلامی مانند پرچم ترکیه، پاکستان، آذربایجان، مالزی، الجزیره، تونس، و پرچم ایران که الله با هلالی ماه نوشته شده است.

سوال ۸: در ماه رمضان مسلمانان چگونه روزه داری را شروع و در عید فطر به پایان می رسانند؟ با مشاهده ماه.

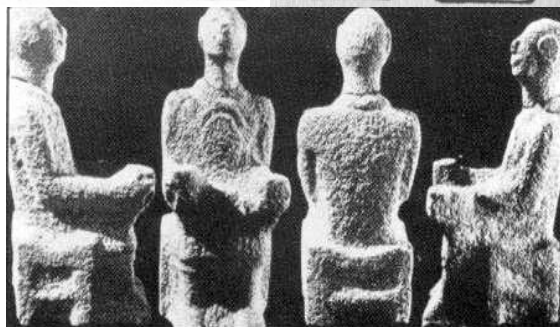
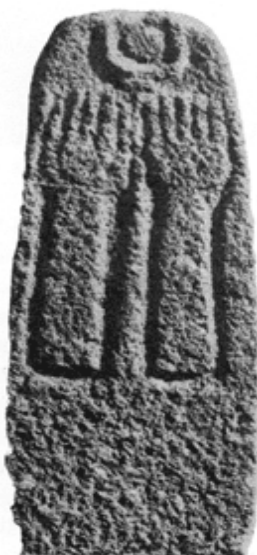
سوال ۹: چرا در کل ماه سمبل اسلام است؟ ماه چه ربطی به خدا و پرستش او دارد؟

فلسفه پیدایش الله: باستان شناسان در نقاط مختلف کشورهای خاورمیانه از کوههای ترکیه تا رود نیل کتیبه ها و بهتایی از الهه ماه پیدا کرده اند که به الله معروف بوده و توسط اعراب قبل از اسلام پرستش می شده، که نشان هلالی ماه بر آنها وجود دارد. پرستش ماه توسط تمامی اعراب در نواحی بین النحرین رواج داشت. نشان هلالی ماه در بسیاری چیزها از قبیل، آهن آلات، ظرفهای سفالی، کتیبه های سنگی، گردنبند و جواهرات و غیره حک می شد.

در تل العبید گاو آهنی پیدا شده با بدن گاو و سر انسان که نشان هلالی ماه بر پیشانی آن است. در اور کلدانیان الهه ماه بالاتر از خدایان دیگر در بتکده ها گذاشته می شد. مردم اور کلدانیان آنقدر به الهه ماه اعتقاد داشتند که حتی نان را به شکل هلال ماه می پختند.

در زمان عهد عتیق بابلیان بالای بام خانه خود، آفتاب و ماه و ستارگان را که به خدایان سوئن یا سین و نانا و غیره لقب داشتند، پرستش می کردند و برای آنها بخور می سوزانیدند. آشوریان، بابلیان و آکادیان اسم سوئن را تبدیل به سین کردند. خداوند یهوه به بنی اسرائیل هشدار داده بود که دنبال خدایان بابلیان نروند و آنها را پرستش نکنند (تثیه ۴: ۱۹ و ۱۷: ۳؛ دوم پادشاهان ۲۱: ۳ و ۵: ۲۳؛ ۵: ۸؛ ۱۹: ۱۳؛ صفیا: ۱: ۵).

باستانشناسی به اسم لئونارد وولی یک معبد الهه ماه در حزار فلسطین را کشف کرده با چندین بت و کتیبه های مختلف که نشان هلال ماه بر آنها حک شده است که تا به امروز این کتیبه ها و بتهای تصاویر زیر در موزه بریتانیا باقی است.



The moon-god from all four sides. Note the crescent moon carved on his chest.

نبونیدوس آخرین پادشاه بابل که از سال ۵۵۵ تا ۵۳۹ قبل از میلاد سلطنت می کرد، بتکده کعبه را در مکه ساخت و مردم عربستان در آن بتکده الهه ماه را پرستش می کردند که به الله معروف بود. ابراهیم هرگز کعبه را که یک بتکده ای بود نساخت. زیرا او هرگز به عربستان نرفت تا چنین کاری انجام دهد. خداوند او را از اور کلدانیان خواند و به او فرمان داد تا به سرزمین وعده یعنی اسرائیل راهی شود و او اور کلدانیان را ترک کرده از طریق حران سوریه راهی اسرائیل شد و در بدو رسیدن به اسرائیل، او در بیت ئیل مزبخی را بنا کرد و به خداوند یهوه قربانی گذراند.

به دلیل گرمای شدید آفتاب در عربستان، پرستش آفتاب مورد استقبال مردم نبود اما با رسیدن شب و در آمدن ماه و با خنک شدن هوا، اعراب ماه را پرستش می کردند. در پرستش ماه آنها ۵ مرتبه در روز نماز می خوانند که در آن آیات نماز را هر مرتبه چندین بار تکرار می کردند. ماه رمضان داشتند که در آن کل ماه را روزه داری می کردند. بدن و سرهای خود را با چاقو و تیغ آسیب می رساندند، و بخور و اسفنج دود می کردند و بسیار اعمال دیگری که بعدها محمد آن اعمال را به دین خود انتقال داد.

آفتاب الهه مونث و ماه الهه مذکر که به الله معروف بوده، سه دختر داشته که سه ستاره به اسمهای لات، منات و عزرا معروف بودند. الله بزرگترین بت در کعبه بوده (الله اکبر) و توسط اعراب قبل از اسلام پرستش می شد. محمد قدم جلو گذاشت و همه بتها را از کعبه بیرون کرد جز الله و شروع به تعلیم این داد که فقط الله خداست و الله ای جز الله یگانه نیست (لا اله الا الله). او به اعراب پیشنهاد داد تا الله را پرستش کنند اما اعراب به او گفتند اگر تو خدایان ما یعنی سه دختران الله (لات، منات و عزرا) را پرستش کنید، ما نیز الله را پرستش خواهیم کرد و محمد با این پیشنهاد موافقت کرد و به حواریون خود اجازه داد تا سه خدایان را نیز کنار الله پرستش کنند. بعدها حواریون محمد، او را سرزنش کردند که چرا این عمل زشت را مرتکب شده، محمد در پاسخ آنها گفت که شیطان آن کلام را در دهان او گذاشت. سوالی که پیش می آید اینست که از کجا می توان فهمید که شیطان کل آیات قرآن را در دهان محمد نگذاشت؟

اسم خدای کتاب مقدس **یهوه** است که ۶۸۴۴ بار تکرار شده.

LORD خداوند = YHWH (عبرانی) = **یهوه** ، **اهیه** ، **یهود**

الف) "من یهوه هستم خدای تو ، در برابر من خدایان دیگر نخواهی داشت."
خروج ۲۰: ۳، ۲

ب) "که مردان بدانند که تو ، کسی که اسمش فقط یهوه است ، بر تمام زمین والایر هستی." مزامیر ۸: ۸۳

پ) "همه خدایان امتها بتان هستند: اما خداوند آسمانها را ساخت." مزامیر ۹۶:۵

ت) "غمهای آنها افزایش خواهد یافت که دنبال خدایان غیر می شتابند."
مزامیر ۱۶:۴

الله هرگز در کتاب مقدس به عنوان اسم خدا ذکر نشده است. در زبان عبرانی (که عهد عتیق به آن نوشته شده) واژه الله دو معنی دارد. معنی اول آن "لعلت" است و معنی دوم "ناله کردن". "بنابرین لعلت (الله) زمین را بلعیده، و آنهایی که در آن سکونت دارند نابود هستند: بنابرین ساکنان زمین سوخته اند، و مردان کمی باقی مانده اند." اشعیا ۲۴:۶

هر کشوری که الله را پرستش می کند لعلت شده و در پرستش الله در مساجد ناله می کنند، مثل افغانستان، ایران، سومالی، لیبی، یمن، لبنان، عراق، سوریه، مصر، عربستان سعودی و غیره.

آیا خدای قرآن (الله) و خدای کتاب مقدس (یهوه) همان خدای واحد هستند؟
اگر الله همان یهوه باشد باید پیام و ذات یکسانی داشته باشند. در جدول زیر به مقایسه الله، شیطان و یهوه از آیه های قرآن و کتاب مقدس را خواهیم پرداخت تا به جواب خود دست پیدا کنیم.

<u>الله</u>	<u>شیطان</u>	<u>یهوه</u>
الله یک <u>قاتل</u> است. سوره محمد آیه ۴ "شما مومنان چون با کافران روبرو شوید باید گردن زنید."	یوحنا ۸: ۴۴ "شیطان از آغاز یک <u>قاتل</u> بود."	متی ۵: ۴۴ "دشمنانتان را دوست بدارید."
الله یک <u>دروغگو</u> است. سوره الرعد آیه ۲۷ "الله هرکس را بخواهد <u>گمراه</u> می کند."	یوحنا ۸: ۴۴ "شیطان یک <u>دروغگو</u> است و پدر دروغها."	تیتوس ۱: ۲ "خدا که <u>نمی تواند دروغ</u> بگوید." عبرانیان ۶: ۱۸ "امکان ندارد که خدا دروغ بگوید."
الله یک <u>مکار</u> است. سوره آل عمران آیه ۵۴ "الله از همه کس"	مکاشفه ۹: ۱۲ "شیطان که کل جهان را <u>فریب</u> می دهد."	تثنیه ۳۲: ۴ "خدای <u>راستی</u> ."

<p>بهتر تواند مکر کند."</p> <p>سوره الروم آیه ۴۵ "الله کافران را <u>دوست ندارد</u>."</p>	<p>اعمال ۳۸: ۱۰ "عیسی همه کسانی که <u>مقهورین</u> شیطان بودند شفا داد."</p>	<p>یهوه کافران را <u>دوست دارد</u>. یوحنا ۳: ۱۶</p> <p>"زیرا خدا آنقدر جهانیان را دوست داشت که یگانه پسر خود را داد."</p>
<p>الله از <u>یهودیان متنفّر</u> است. سوره المائده آیه ۸۲ "همانا بدترین دشمنان مسلمین یهودیان و مشرکین هستند."</p>	<p>اول پطرس ۵: ۸ "دشمن شما شیطان"</p>	<p>یهوه <u>یهودیان را دوست دارد</u>. رومیان ۱: ۲۸ "آنها محبوب هستند."</p>
<p>الله از <u>مسیحیان متنفّر</u> است. سوره المائده آیه ۵۷ "با اهل کتاب (مسیحیان) که دین شما را باز یچه گرفتند دوستی نکنید."</p>	<p>اول پطرس ۵: ۸ "دشمن شما شیطان"</p>	<p>یهوه <u>مسیحیان را دوست دارد</u>. اول یوحنا ۴: ۸-۱۱ "او ما را دوست داشت"</p>
<p>الله از <u>عیسی</u> که پسر خدا باشد <u>متنفّر</u> است. سوره المائده آیه ۱۷ "الله می تواند عیسی بن مریم و هر که در روی زمین است همه را نابود کند."</p>	<p>مکاشفه ۱۲: ۴ "ژدها در مقابل زن ایستاد تا <u>نوزادش را ببлед</u> به محض اینکه به دنیا آمد."</p>	<p>یوحنا ۳: ۳۵ "پدر پسر را <u>دوست دارد</u>."</p>
<p>الله مردم را <u>اسیر و پرده</u> می کند. سوره الاحزاب آیه ۵۰ "و کنیزانی که الله به عنوان غنیمت به تو نصیب کرده."</p>	<p>لوقا ۱۶: ۱۳ "زنی که شیطان او را <u>پسته</u> بود." دوم تیموتائوس ۲: ۲۶ "از دام شیطان کسانی که بوسیله او <u>اسیر</u> شده بودند."</p>	<p>یهوه آزادی می بخشد. اشعیا ۶۱: ۱ "تا رهایی را به اسیران اعلام کنم."</p>
<p>الله <u>می خواهد مردم به جهنم بروند</u>. سوره السجده آیه ۱۳ "و دوزخ را از آدمیان پر سازم"</p>	<p>مکاشفه ۲۰: ۱۰ "شیطان که آنها را فریب داد، <u>به دریایچه آتش انداخته شد</u>."</p>	<p>یهوه <u>نمی خواهد کسی به جهنم برود</u>. دوم پطرس ۳: ۹ "خدا نمی خواهد که کسی هلاک شود، بلکه همه باید به توبه بیا یند."</p>
<p>الله <u>به قاتلان اجازه ساخت مسجد می دهد</u>. عمر مسجد ساخت در ۶۳۷ بعد از میلاد. محمد جنگ و کشتار را بالا برد با استفاده از احکام قرآن.</p>	<p><u>شیطان</u> هم به تمام ادیان دروغین <u>اجازه ساخت</u> معابد، مساجد و بتکده ها را می دهد.</p>	<p>یهوه <u>اجازه نمی دهد</u>. اول تواریخ ۲: ۲۸ و ۳ خداوند داوود نبی را از ساخت معبد منع کرد.</p>
<p>الله <u>اجازه می دهد که زن خود را پزنی</u>. سوره النساء آیه ۳۴ "و زنانی که از مخالفت و نافرمانی آنها بيمناکيد... آنها را به زدن تنبيه كنيد."</p>	<p>شیطان هم دوست دارد <u>زنان تنبيه شوند</u>.</p>	<p>یهوه <u>دوست ندارد</u>. افسسیان ۵: ۲۵ شوهران، زنانان را دوست دارید.</p>

دوم سموئیل ۱۲:۹ یهوه خداوند مخالفت کرد از داوود نبی به دلیل اختیار کردن بتشیع زن همسایه.	شیطان موافق اختیار کردن زنانی غیر از زن خویش است.	الله موافقت کرد که محمد همسران مردان دیگر را اختیار کند . سوره الاحزاب آیه ۳۷ محمد زینب ، همسر پسر خوانده اش زید را اختیار کرد.
--	--	---

بنابراین با خواندن تفاوت‌های فاحش بین الله و یهوه پی می‌بریم که آنها دو خدای کاملاً مجزا هستند با پیام و ذات مجزا که یکی خدای دروغین است و دیگری خدای واقعی.

سوالات این درس:

- ۱- در کجای قرآن آمده که خورشید در چشمه گل آلود و سیاه غروب می‌کند؟
- ۲- اشتباهات قرآن کدام چهار چیز را ثابت می‌کند؟
- ۳- چرا عبدالمطلب اسم پسر خود را عبدالله گذاشت؟
- ۴- بالای گنبد مساجد سنی و همچنین روی پرچم کشورهای اسلامی چه علامتی وجود دارد؟
- ۵- خلاصه ای از فلسفه پیدایش الله را بنویسید؟
- ۶- تنبیه ۱۷:۳ را بنویسید؟

۷- کدام پادشاه بابل در عربستان بتکده کعبه را ساخت؟

۸- سه دختران الله چه نام داشتند؟

۹- اسم خدای کتاب مقدس چیست و چند بار این اسم تکرار شده است؟

۱۰- معنی الله به زبان عبری چیست؟

۱۱- با استفاده از جدول آمده، لطفاً سه نمونه از مقایسه الله و یهوه را با آیه ای برای هریک

بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: تثییه ۱۷: ۳؛ ارمیا ۱۹: ۱۳، خروج ۲۰: ۲-۳؛ مزامیر ۹۶: ۵

درس ۷: خدای تثلیث و چگونه عیسی مسیح پسر خداوند است؟

در زبان فارسی یک معنی برای کلمه "پسر" وجود دارد، یعنی به وجود آمدن یک پسر از هم آغوشی پدر و مادر. کتاب عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده است و در زبان یونانی دو مفهوم برای واژه "پسر" وجود دارد

۱- **تکنن:** تکنن واژه اول برای کلمه "پسر" است یعنی پسری که از هم آغوشی والدینش به وجود آمده. واژه "تکنن" هیچ گاه در کتاب عهد جدید برای عیسی مسیح به عنوان پسر خدا در این مفهوم استفاده نشده است، زیرا همه ما چه مسلمان و چه مسیحی، قرآن و انجیل، قبول داریم که خداوند هم آغوشی نمی کند. او همسر، دوست دختر و یا کودک ندارد.

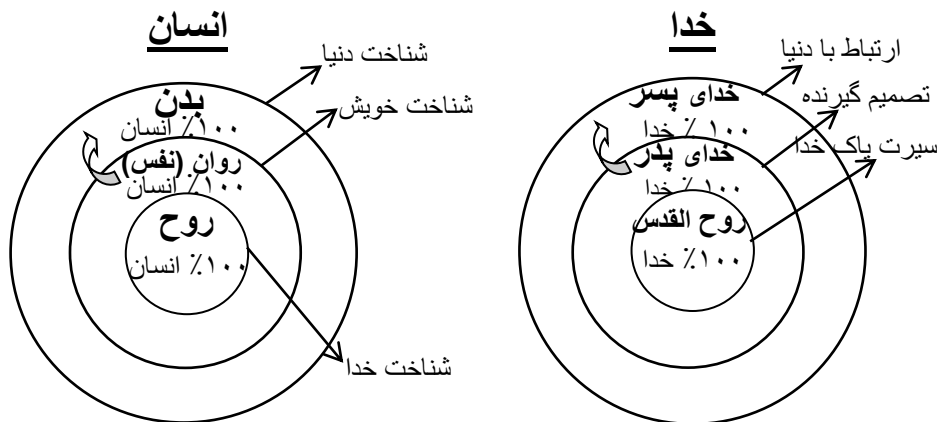
۲- **هویاس:** هویاس واژه دوم برای کلمه "پسر" است یعنی "هم ذات با" برای مثال: پسر صلح (لوقا ۱۰:۳۶) یعنی پسری که دارای ذات صلح طلب است. پسر سرکش یعنی پسری که ذات سرکش دارد. کتاب مقدس می گوید عیسی مسیح پسر خداست یعنی عیسی ۱۰۰٪ هم ذات با خداست.

همچنین در کتاب عهد جدید از عیسی مسیح به عنوانه **یگانه پسر مولود** خداوند یاد شده است که به زبان یونانی یعنی **هویاس مونو ژنی**

مونو یعنی "یکی و یکسان"، برای مثال، مونوریل تنها روی یک ریل حرکت می کند. **ژن** یعنی "ژنتیک" ما در حدود ۲۰۰۰ ژن داریم که سلول های بدن ما را تشکیل می دهد. بنابراین عیسی به عنوان یگانه پسر خدا یعنی که او دارای ژن و ذات یکسان با خدا دارد. این یعنی عیسی خداست.

چگونه عیسی مسیح می تواند خدا باشد؟

در پیدایش ۱: ۲۶ "خدا گفت: بگذار انسان را در تصویر ما بسازیم، موافق شبیه ما." این نشان میدهد که انسان شباهتی به خداوند دارد. این شباهت در چیست؟



از شما می خواهم راجع به خودتان دقیقه ای بیندیشید. شما یک انسان هستید، در سه قسمت:

۱- شما یک **بدن** دارید که به شما اجازه میدهد از طریق حواس پنج گانه به جهان شناخت داشته باشید. بدن شما ۱۰۰٪ انسان است که به شما اجازه میدهد با دنیای فیزیکی ارتباط برقرار کنید. وظیفه بدن اینست که کارهای فیزیکی را انجام دهد.

۲- شما یک **روان** (نفس) دارید. روان از افکار، احساسات و اراده شما تشکیل شده است. این قسمت انسان درونی یا شخصیت شماست که شناخت خودی به انسان می دهد. این قسمت هم ۱۰۰٪ انسان است. وظیفه روان اینست که فکر کند و تصمیم گیرد.

۳- شما یک روح دارید که به شما شناختِ خدا را میدهد و شما را به فکر و می‌دارد که خدایی هست. این "ردیاب خداوند" شماست. این قسمت نیز ۱۰۰٪ انسان است. وظیفه روح اینست که به ما شعور و شناخت خوب و بد را دهد و ما را به خدا ارتباط دهد.

پس شما یک انسان و دارای سه بخش هستید. شما موجودی سه گانه (تثلیث) هستید، یعنی سه قسمت در یک وجود (اول تسالونیکیان ۵: ۲۳).

ما میتوانیم همانطور که وجود انسان را در دایره نشان داده ایم، وجود خداوند را نیز به این شکل نشان دهیم. اسلام، قرآن، مسیحیت و کتاب مقدس، همه به یک خدای یگانه معتقدند. در متی ۲۸: ۱۹، مسیح با استفاده از کلمه مفرد "نام"، خداوند را تعریف می کند، که فقط و فقط یک خدا وجود دارد نه نامها. "و آنها را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمیدش دهید." خداوند یگانه نیز سه قسمت دارد که به عنوان پدر، پسر (هویاس) و روح القدس شناخته می شود.

۱- همانطور که ما روح داریم که ۱۰۰٪ انسان است، خدا نیز روح دارد که روح القدس نامیده می شود و آن ۱۰۰٪ خداست. وظیفه روح القدس اینست که خداوند را مقدس نگه دارد و همچنین انسانهای گناهکار را بسوی خدا جذب کند تا آنها از راهها و مذاهب انسانی خود توبه کرده و عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده خود دریافت کنند.

۲- همانطور که شما یک روان (نفس) دارید که ۱۰۰٪ انسان است و به بدن شما فرمان می دهد که چه کاری باید انجام دهد، همچنین خدا نیز چیزی مثل روان ما دارد که خدای پدر نامیده می شود. وظیفه پدر اینست که تصمیم بگیرد و به پسر هویاس بگوید که چه کاری باید انجام دهد. مانند باردار شدن در مریم یا آفریدن آسمانها و زمین و غیره.

۳- همان طور که ما یک بدن داریم که ۱۰۰٪ انسان است که ما را با دنیای فیزیکی ارتباط می دهد، و ما می توانیم با آن کارهای فیزیکی را انجام دهیم، خداوند هم چیزی مثل بدن ما دارد که با آن با دنیای فیزیکی ارتباط برقرار می کند و کارهای فیزیکی خود را انجام می دهد، که پسر نامیده میشود، کسی که ۱۰۰٪ خداست.

این خدای پسر (هویاس) بود که بر آدم، ابراهیم، یعقوب، موسی، سلیمان، اشعیای نبی و غیره ظاهر شد و با آنها سخن گفت و سپس از طریق روح القدس در مریم باکره باردار شده و در شخص عیسی مسیح به دنیا آمد. عیسی قبل از اینکه در مریم باردار شود، ۱۰۰٪ خدا (هویاس) بود اما بعد از آنکه از مریم به این دنیا آمد، او ۱۰۰٪ خدا و هم ۱۰۰٪ انسان شد. این مثل اینست که اگر شما گذرنامه ایرانی و استرالیایی را همزمان داشته باشید، یعنی شما ۱۰۰٪ ایرانی و ۱۰۰٪ استرالیایی هستید ولی قبل از اینکه به استرالیا مهاجرت کنید، شما فقط یک ایرانی بودید.

پس همانطور که شما یک انسان دارای سه قسمت روح، جان و بدن می باشید که هر کدام ۱۰۰٪ انسان است، همانطور خدای زنده نیز از پدر، پسر (هویاس) و روح القدس که هر کدام ۱۰۰٪ خداست تشکیل شده است. همانطور که شما تثلیث هستید، خدا نیز تثلیث است (پدر، پسر و روح القدس) که در کتاب مقدس آمده و آیه های زیر این را ثابت می کند. متی ۲۸: ۱۹؛ امثال سلیمان ۳۰: ۴، مزامیر ۲: ۱۲، اشعیاء ۹: ۶ و ۴۸: ۱۶، ۱۳، ۱۲؛ دانیال ۳: ۲۵؛ میکا ۵: ۲؛ خروج ۳: ۳-۱۵؛ یوحنا ۸: ۵۸، ۵۹، ۲۴.

سوالات این درس:

- ۱- دو واژه یونانی که برای واژه فارسی "پسر" وجود دارند را نام ببرید؟ و کدامیک برای عیسی مسیح به عنوان پسر خدا در کتاب مقدس بکار برده شده است؟
- ۲- واژه یونانی هویاس به چه معناست؟ یک مثال برای آن بنویسید؟
- ۳- واژه معادل یگانه پسر مولود خداوند در زبان یونانی چیست؟ و به چه معناست؟
- ۴- چگونه عیسی مسیح می تواند خدا باشد؟ با ذکر آیه ای توضیح دهید؟

۵- وظایف بدن، روان، و روح انسان را بطور جداگانه بنویسید؟

۶- وظایف پدر، پسر، و روح القدس را بطور جداگانه بنویسید؟

۷- متی ۲۸: ۱۹ را بنویسید؟

۸- چه کسی در عهد عتیق به آدم، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی و غیره به عنوان خدا ظاهر شد؟

۹- عیسی مسیح قبل و بعد از تولدش از مریم چه ماهیتی داشت؟

۱۰- آیه ای را برای اثبات تثلیث بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: متی ۲۸: ۱۹ ؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۳ ؛ یوحنا ۱۰: ۳۰

درس ۸: الوهیت عیسی مسیح

در مقدمه می خواهیم ببینیم عیسی مسیح چه اعتقادی نسبت به کتاب مقدس داشت. به گفته های او در لوقا ۲۴: ۲۵-۲۷ توجه کنید: " او به ایشان گفت، ای بی فهمان و سستدلان از ایمان آوردن به آنچه انبیا گفته اند. آیا نمی بایست که مسیح این زحمات را ببند تا به جلال خود برسد؟ پس از موسی و سایر انبیا شروع کرده، اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود."

در این آیه عیسی مسیح برای اثبات کلام خدا سه دلیل می آورد: (۱) کسی که در ایمان آوردن به گفته های انبیا سستدل باشد، فهم ندارد. (۲) او می گوید که عهد عتیق بطور آشکار پیشگویی کرده که عیسی مسیح می بایست این زحمات را ببند تا به جلال خود برسد. که این نیاز به مکاشفه غیر طبیعی آینده دارد. (۳) سپس او این گفته ها را درباره تحریف نشدن کتاب مقدس بیان می کند و "آنچه که انبیا گفته اند" تا "موسی و سایر انبیا" و تا "تمام کتب." سپس عیسی مسیح بیان می کند که تمامی نوشته های عهد عتیق از الهام خداست که اگر کسی در ایمان آوردن به آنها سستدل باشد، بدون فهم محسوب می شود.

هر وقت که کسی از عیسی مسیح سوالی می پرسید، او همیشه به کلام خدا رجوع کرده و به آنها پاسخ می داد. (متی ۴: ۴) " در جواب گفت، مکتوب است انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد." هر کلمه یعنی در واقع کلمه به کلمه عهد عتیق از الهام خداست و کسی که به الهام شدن عهد عتیق ایمان داشته باشد می بایست به الهام شدن عهد جدید نیز ایمان بیاورد.

عیسی مسیح در متی ۵: ۱۸ اعلام می کند که حتی همزه یا نقطه های کتاب مقدس از الهام خداست و هیچ وقت از بین نخواهند رفت و کسی قادر به از بین بردن آن نخواهد بود. "زیرا هر آینه به شما می گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود."

پیشگوییهای عهد عتیق مورد قبول عیسی مسیح بود که آن پیشگوییها الوهیت کامل مسیح موعود را اثبات می کنند. بیایید تا مروری کنیم به آن پیشگوییهای عهد عتیق درباره الوهیت مسیح که صدها و حتی هزاران سال قبل از تولد او از مریم باکره توسط پیامبران نبوت شد. بیایید تعدادی از این پیشگوییها و اثبات الوهیت مسیح را مرور کنیم.

۱- اشعیا ۷: ۱۴ می گوید که عیسی خداست: "بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند." این آیه بطور آشکار تولد مسیح از زن باکره را پیشگویی می کند. نه تنها این آیه پیشگویی می کند که عیسی از زن باکره به دنیا می آید بلکه در ادامه میگوید که این پسری که از باکره متولد می شود، عمانوئیل خوانده خواهد شد، که معنی آن یعنی "خدا با ما" است (متی ۱: ۲۳). خود عیسی مسیح درباره تولدش از باکره سخن گفت. وقتی که مادرش مریم به او گفت که: "ای فرزند چرا با ما چنین کردی؟ اینک، پدرت و من غمناک گشته تو را جستجو می کردیم." عیسی مسیح در جواب گفت: "از بهر چه مرا طلب می کردید، مگر ندانسته اید که باید من در امور پدر خود باشم؟" (لوقا ۲: ۴۷-۴۸). یوسف که در جستجوی عیسی بود، پدر او نبود. چون عیسی در معبد باقی مانده بود و در امور پدر خودش (خدای پدر) بود. یوسف پدر عیسی نبود، بلکه او از مریم باکره متولد شد تا خداوند بطور معجزه آسا در جسم ظاهر شود. فریسیان بطور شرم آور به او اتهام حرام زاده و زنا زاده زدند و گفتند که او فرزند نامشروع یوسف و مریم بوده است. آنها در یوحنا ۸: ۴۱ به عیسی گفتند: "ما از زنا زاییده نشده ایم. یک پدر داریم که خدا باشد." عیسی

مسیح در جواب گفت: "اگر خدا پدر شما می‌بود، مرا دوست می‌داشتید، زیرا که من از جانب خدا صادر شده و آمده‌ام، زیرا که من از پیش خود نیامده‌ام بلکه او مرا فرستاده است" (یوحنا ۸: ۴۲). در این آیه بحث روی تولد جسمانی عیسی است که به او اتهام زنازاده زده شد، ولی عیسی گفت که او از جانب خدا صادر شده و آمده است. توجه کنید که عیسی گفت "من از جانب خدا صادر شدم" این ثابت می‌کند که وجود عیسی در وجود و جانب پدر است. عیسی در یوحنا ۱۴: ۱۰ گفت: "آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنهایی که من به شما می‌گویم از خود نمی‌گویم، لکن پدری که در من ساکن است، او این اعمال را می‌کند." عیسی از پدر جدا شده و بر روی زمین به شکل انسان آمد. این سخنان عیسی اتهام فریسیان را علناً رد می‌کند. عیسی تولد خود از زن باکره را بارها تکرار کرد.

۲- اشعیا ۹: ۶ درباره مسیح موعود و الوهیت وی پیشگویی می‌کند: "زیرا که برای ما **ولدی** زاییده و **پسری** به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و **خدای قدیر** و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد." این آیه می‌گوید که این ولد یا پسر در سلطنت خود رشد و افزایش پیدا کرده و در نهایت تا ابد سلطنت خواهد کرد. و نامهای این فرزند در واقع نامهای الوهیت خداست. یکی از نامهای او "**خدای قدیر**" است. نام دیگر او "**پدر سرمدی**" است. ولدی که زاییده می‌شود و پسری که داده می‌شود باید خود خدا و همانند خدای پدر بوده که باید بصورت صد در صد انسان ظهور کند.

۳- عیسی مسیح مکرراً خودش را در کتاب مقدس به عنوان "**یگانه پسر مولود خدا**" معرفی می‌کند. واژه "مولود" واژه ای است برای نصب نامه انسان که برای بوجود آمدن یک انسان از انسانی دیگر که به تولد جسمانی مربوط می‌شود. عیسی مسیح تأکید کرد که به هیچ وجه از یوسف متولد نشد بلکه از خدا مولود شد. واژه مولود در زبان یونانی "مونو ژن" می‌باشد که شش بار در عهد جدید به لقب عیسی مسیح به عنوان "یگانه پسر مولود خدا" به کار برده شده

است و دو بار عیسی این واژه را به خودش لقب می دهد. توجه داشته باشید که عیسی نگفت که او یکی از مولود شدگان خداست، بلکه او ادعا کرد که یگانه پسر خداست که تا بحال مولود شده است. او یگانه پسر مولود خداست و هیچکس تا بحال از باکره مولود نشده است. در عالم روحانی می توانیم بگوئیم که مسیحیان "بوساطت برخاستن عیسی مسیح از مردگان از نو تولید نموده شده اند برای امید زنده." (اول پطرس ۱: ۳). ولی در مفهوم اینکه عیسی مسیح یگانه پسر مولود خداست، هیچکس تا بحال نبوده و نخواهد بود. عیسی مسیح علناً گفت که او جسماناً مولود خدا بود و نه مولود انسان.

۴- یحیی تعمید دهنده اعلام می کند که عیسی مسیح در همان حال که در زمین بود، همزمان در آسمان در آغوش پدر نیز بود. "پسر یگانه‌ای که در آغوش پدر است،" (یوحنا ۱: ۱۸). خود عیسی مسیح این را به نیکودیموس گفت: "کسی به آسمان بالا نرفت مگر آن کس که از آسمان پایین آمد، یعنی پسر انسان که در آسمان است." چگونه عیسی که در روی زمین با نیکودیموس در حال صحبت کردن بود، می گوید که او همزمان در آسمان است؟ فقط خدا می تواند همزمان همه جا حضور داشته باشد. پس او خداست.

۵- یوحنا رسول می گوید که عیسی از "ابتدا نزد خدا بود" و "همه چیز به واسطه او آفریده شد" و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. در او حیات بود و حیات نور انسان بود" (یوحنا ۱: ۲-۴). این آیه بطور وضوح الوهیت مسیح را اعلام می کند. آیا عیسی خودش ادعای آن را کرد؟ بله، او در یوحنا ۴: ۱۴ می گوید که او حیات جاودانی می بخشد. "لیکن کسی که از آبی که من به او می دهم بنوشد، ابداً تشنه نخواهد شد، بلکه آن آبی که به او می دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می جوشد." در یوحنا ۵: ۱۷ عیسی علناً گفت: "پدر من تا کنون کار می کند و من نیز کار می کنم." آیا منظور عیسی از بودن خدا

به عنوان پدرش در مفهومی است که انسانهای دیگر نیز می توانند این ادعا را بکنند؟ خیر، او منظورش این بود که فقط او تنها کسی است که با خدا بود. و این دقیقاً همان چیزی بود که شنوندگان او و فریسیان برداشت کردند. چون در آیه بعدی آنها به دلیل ادعای الوهیتش، قصد کشتن او را کردند "پس از این سبب، یهودیان بیشتر قصد قتل او کردند زیرا که نه تنها سبب را می شکست بلکه خدا را نیز پدر خود گفته، خود را مساوی خدا می ساخت." (یوحنا ۵: ۱۸). هر آدم صادقی که سخنان عیسی مسیح را بخواند باید اعتراف کند که عیسی مسیح خودش را "مساوی خدا" می دانست. این همان چیزی است که او خدا را پدر خود خوانده و خود را یگانه پسر مولود خدا خواند.

۶- در یوحنا ۵: ۲۰ عیسی ادعا کرد که دانش او مساوی دانش خداست. او گفت: "زیرا که پدر پسر را دوست می دارد و هر آنچه خود می کند بدو نشان می دهد و اعمال بزرگتر از این بدو نشان خواهد داد تا شما تعجب نمایید."

۷- در یوحنا ۵: ۲۱ او ادعا می کند که قدرت او مساوی قدرت خداست. "زیرا همچنان که پدر مردگان را برمی خیزاند و زنده می کند، همچنین پسر نیز هر که را می خواهد زنده می کند." این بزرگترین ادعایی است که او توانست بکند.

۸- عیسی ادعای حرمت مساوی با خدا را کرد. در یوحنا ۵: ۲۲، ۲۳ او گفت که: "زیرا که پدر بر هیچ کس داوری نمی کند بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است. تا آنکه همه پسر را حرمت بدارند، همچنان که پدر را حرمت می دارند؛ و کسی که به پسر حرمت نکند، به پدری که او را فرستاد احترام نکرده است." این ادعای الوهیت مسیح است.

۹- در یوحنا ۵: ۲۵، ۲۶ عیسی ادعا می کند که خود او منشأ حیات است همچنانکه خدای پدر در آسمان است. "آمین آمین به شما می گویم که ساعتی می آید بلکه اکنون است که

مردگان آواز پسر خدا را می شنوند و هر که بشنود زنده گردد. زیرا همچنان که پدر در خود حیات دارد، همچنین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد." همان اندازه که پدر در خود حیات دارد، پسر نیز به همان اندازه در خود حیات دارد. هر دو پدر و پسر به یک اندازه منشأ حیات هستند. ما تا بحال خواندیم که عیسی مسیح کار خدا را انجام می دهد، قدرت، دانش، و حرمت خدا را دارد.

۱۰- عیسی در یوحنا ۶: ۳۳، ۳۵ می گوید که او نانی است که از آسمان نزول شده است. در یوحنا ۶: ۴۶ او در مفهوم خاص می گوید که فقط او تنها کسی است که از جانب خداست.

۱۱- در یوحنا ۸: ۱۹ عیسی ادعای هویت یکسان با خدا را می کند. "عیسی جواب داد که نه مرا می شناسید و نه پدر مرا. هرگاه مرا می شناختید پدر مرا نیز می شناختید." او تأکید بر الهیت خود کرده و می گوید که او دارای هویت همسان با خدا است.

۱۲- وقتی که در خروج ۳: ۱۴، موسی از خدا اسم او را پرسید تا به بنی اسرائیل بگوید، خدا بدو گفت: "من هستم آنکه هستم، پس به بنی اسرائیل خواهی گفت، من هستم مرا نزد شما فرستاده است." خداوند در این آیه در عهد عتیق اسمش را به عنوان من هستم به موسی معرفی می کند. در عهد جدید عیسی مسیح در یوحنا ۸: ۵۸ خودش را به عنوان من هستم معرفی کرد. "عیسی بدیشان گفت، آمین آمین به شما می گویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم." همچنین در یوحنا ۸: ۲۴ او گفت: "از این جهت به شما گفتم که در گناهان خود خواهید مرد، زیرا اگر باور نکنید که من هستم، در گناهان خود خواهید مرد." عیسی مسیح اعلام کرد که اگر کسی به او به عنوان خداوند ایمان نداشته باشد، در گناهانش مرده و هلاک خواهد شد. بیایید همین الان اعتراف کنیم که او خداست که به جسم ظاهر شد.

۱۳- در یوحنا ۱۰: ۲۸ عیسی مسیح ادعا کرد که می تواند حیات ابد ببخشد و انسانها را

از دریاچه آتش نجات دهد، و کسی نمی تواند نجات آنها را از دست عیسی بگیرد. "و من به آنها حیات جاودانی می دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت." ما نمی توانیم حیات ابدی که یکبار عیسی مسیح به ما می بخشد، از دست بدهیم. ما در دستهای او در امان هستیم و او ضامن نجات ماست.

۱۴- در یوحنا ۱۰: ۳۰ عیسی خود را با پدر یکی میدانند. "من و پدر یک هستیم."

یهودیان دریافتند که او ادعای خدایی می کند، بنابراین سنگ برداشته تا او را به خاطر آن ادعا سنگسار کنند. "آنگاه یهودیان باز سنگها را برداشتند تا او را سنگسار کنند. عیسی بدیشان جواب داد، از جانب پدر خود بسیار کارهای نیک به شما نمودم. به سبب کدام یک از آنها مرا سنگسار می کنید؟ یهودیان در جواب گفتند، به سبب عمل نیک، تو را سنگسار نمی کنیم، بلکه به سبب کفر، زیرا تو انسان هستی و خود را خدا می خوانی" (یوحنا ۱۰: ۳۱-۳۳). کسانی که گفته های عیسی مسیح را می خوانند، اگر تعصب را کنار گذاشته و روشن فکر باشند، درمی یابند که عیسی خداست که "خود را خدا می خوانی".

۱۵- عیسی در متی ۱۹: ۱۷ ادعای الوهیت کرد. زمانیکه مرد ثروتمند عیسی را "استاد

نیکو" خطاب کرد، عیسی در جواب وی گفت: "از چه سبب مرا نیکو گفتی و حالآنکه کسی نیکو نیست، جز خدا فقط." عیسی نگفت که او نیکو نبود و همچنین هرگز نگفت که او گناهکار بود. هیچکس نتوانست به او اتهام گناه بزند. حتی پیلاتوس دستش را از بیگناهی عیسی شسته و به یهودیان گفت که "من در این مرد هیچ گناهی نمی بینم." نه، بلکه عیسی گفت که "اگر من فقط یک استاد باشم، مرا نیکو خطاب نکن. اگر مرا نیکو خطاب کنی، باید به الوهیت من نیز پی ببری." از بدو آفرینش تا بحال عیسی تنها شخص روی زمین بوده است که کاملاً نیکو بود، زیرا او خداست و فقط خدا نیکوست. هر انسان عاقلی باید این را دریابد که عیسی یا نیکو بود یا اینکه

نمود. اگر او آن ادعایی که درباره خودش کرد، نبود پس او می بایست دروغگو و مکار بوده باشد. و ما می دانیم که هیچ مکار و دروغگویی نمیتواند مرده را زنده کند و مریضان را شفا دهد چنانکه مسیح این معجزات را انجام داد. پس عیسی واقعاً خدای نیکوست.

۱۶- در متی ۲۸: ۱۷-۲۰ وقتی که شاگردان عیسی مسیح را دیدند " و چون او را دیدند، پرستش نمودند." و زمانیکه شاگردان عیسی را پرستش کردند، عیسی بدیشان گفت: "تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است." تمامی قدرت در آسمان و زمین از آن خداست و نه انسان. پس عیسی خدای قادر مطلق است که تمامی قدرت در آسمان و زمین را داراست. در آیه ۱۹ عیسی به شاگردان خود گفت که بروند و تمامی امتها را شاگرد او سازند و "و ایشان را به اسم پدر، پسر، و روح القدس تعمید دهید." به واژه مفرد "اسم" توجه کنید که عیسی تأکید کرد که یک خدا وجود دارد. از جمع استفاده نکرده و نگفت "اسمها"، بلکه گفت "اسم" یعنی اینکه یک خدا وجود دارد. همچنین او گفت که در وجود یک خدا سه قسمت وجود دارند، یعنی "پدر، پسر، و روح القدس، همانند وجود یک انسان که دارای "روح، روان، و جسم" می باشند. و در آیه ۲۰ او گفت: "اینک، من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم." عیسی اگر خدا نباشد، چگونه می تواند تا انقضای عالم هر روزه با ما باشد؟

۱۷- در متی ۳: ۱-۳ عیسی پیشگویی اشعیا ۴۰: ۳ را به کمال رساند. "راه خداوند را مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا راست نمایید." یحیی تعمید دهنده صدایی بود در بیابان تا راه خداوند را آماده کند. آن خداوندی که در صحرایی در اطراف رود اردن ظاهر شد کسی نبود جز عیسی.

۱۸- یوحنا ۱: ۱ می گوید: "و کلمه خدا بود." در اشعیا ۴۴: ۸ خدا می فرماید: "آیا غیر از من خدایی هست؟" این نشان می دهد که کلمه (عیسی مسیح) همان خداوند یهوه است.

۱۹- یوحنا ۱: ۳ "همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت." ملاکی ۲: ۱۰ می گوید "آیا جمیع ما را یک پدر نیست و آیا یک خدا ما را نیافریده است؟" عیسی مسیح خالق و آفریننده است.

۲۰- یوحنا ۴: ۴۲ "زیرا خود شنیده و دانسته ایم که او در حقیقت مسیح و نجات دهنده عالم است." اشعیا ۴۳: ۱۱ "من، من یهوه هستم و غیر از من نجات دهنده ای نیست." عیسی مسیح همان یهوه خدای عهد عتیق و نجات دهنده است.

۲۱- یوحنا ۶: ۴۶ "نه اینکه کسی پدر را دیده باشد،" پس آن چه کسی بود که در عهد عتیق به پیامبران ظاهر شد؟ آن خدای پسر بود.

۲۲- یوحنا ۱۶: ۱۵ "هر چه از آن پدر است، از آن من است." تمامی خصوصیات خدا از آن مسیح است.

۲۳- یوحنا ۱۷: ۵ "و الآن تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتیم." (اشعیا ۴۲: ۸) "من یهوه هستم و اسم من همین است. و جلال خود را به کسی دیگر و ستایش خویش را به بتهای تراشیده نخواهم داد." عیسی مسیح همان یهوه است که جلالش را با کسی قسمت نمی کند.

۲۴- در یوحنا ۲۰: ۲۸ توما که به الوهیت عیسی مسیح شک داشت، بعد از قیام عیسی از مردگان، به الوهیت او اعتراف کرد. "پس به توما گفت، انگشت خود را به اینجا بیاور و دستهای مرا بین و دست خود را بیاور و بر پهلوی من بگذار و بی ایمان مباش بلکه ایمان دار. توما در جواب وی گفت، ای خداوند من و ای خدای من."

۲۵- اعمال رسولان ۲۰: ۲۸ "پس نگاه دارید خویشتن و تمامی آن گله را که روح القدس شما را بر آن اُسْقُف مقرر فرمود تا کلیسای خدا را تغذیه کنید که آن را به خون خود خریده است." کلیسای چه کسی؟ کلیسای خدا. خون چه کسی؟ خون خود خدا. این آیه ثابت می کند که عیسی مسیح خود خداست که کلیسا (ایمانداران) را با خون خود خریده است. عیسی = خدا

۲۶- اول قرنیتان ۱: ۲ "...با همه کسانی که در هر جا نام خداوند ما عیسی مسیح را می خوانند." همه باید به عیسی مسیح دعا کنند، زیرا تنها او خداست.

۲۷- اول قرنیتان ۱۵: ۴۷ "انسانِ اوّل از زمین است خاکی؛ انسانِ دوّم خداوند است از آسمان." انسان دوم عیسی است از آسمان. هیچکس از آسمان نیست جز عیسی خداوند.

۲۸- فیلیپیان ۲: ۶ "که چون در صورت خدا بود، (عیسی قبل از جسم شدنش فقط خدا بود) با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد"، (مقامی برای حفظ کردن).

۲۹- کولسیان ۱: ۱۵ "و او صورت خدای نادیده است"، عیسی صورت کامل خدای نادیده است که به جسم ظاهر شد تا خصوصیات و ذات خدا را به ما نشان دهد.

۳۰- کولسیان ۱: ۱۶ "زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوّات؛ همه به وسیله او و برای او آفریده شد." عیسی تمامی زمین و آسمان و ما را آفریده و آنها را برای خویشتن آفریده است.

۳۱- کولسیان ۲: ۹ "که در وی از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن است." تمامی پری و خصوصیات خدا در عیسی است.

۳۲- اول تسالونیکیان ۴: ۱۴ "خدا آنانی را که در عیسی خوابیده‌اند با وی خواهد آورد." در هنگام ربایش، عیسی مسیح به عنوان خدا با جلالش نزول می‌کند.

۳۳- اول تیموتائوس ۳: ۱۶ "خدا در جسم ظاهر شد" عیسی مسیح خدای پسر است که در شکم مریم باردار شده و بصورت جسم انسانی به عنوان نجات دهنده به این دنیا آمد.

۳۴- تیطوس ۲: ۱۳ "خدای عظیم و نجات‌دهنده خود ما عیسی مسیح" عیسی خداوند و نجات دهنده ماست.

۳۵- عبرانیان ۱: ۶ "جميع فرشتگان خدا او را پرستش کنند." فقط باید خدا را پرستش کرد (متی ۴: ۱۰). عیسی خداست که باید پرستش شود.

۳۶- عبرانیان ۱: ۸ "اما در حق پسر نیز می‌گوید، ای خدا تخت تو تا ابدالآباد است" مزامیر ۴۵: ۶ "ای خدا، تخت تو تا ابدالآباد است؛" خدای پسر، همان خداوند یکتاست.

۳۷- عبرانیان ۱: ۱۰ "و، تو ای خداوند، در ابتدا زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع دستهای تو است." عیسی مسیح خالق است.

۳۸- اول یوحنا ۵: ۷ "سه هستند که در بهشت شهادت می‌دهند، پدر، کلمه، و روح القدس. و این سه، یک هستند." خداوند یک خدای واحد دارای سه قسمت می‌باشد که این سه، یک خدای واحد را تشکیل می‌دهند.

۳۹- مکاشفه ۱: ۱۷، ۱۸ "من هستم اوّل و آخر و زنده، و مرده شدم؛ و اینک، تا ابدالآباد زنده هستم؛" عیسی اول و آخر است که فقط خدا می‌تواند اول و آخر باشد.

۴۰- مکاشفه ۱: ۱۱ "من الف و یا، و اوّل و آخر هستم" عیسی = اول و آخر = الف و یا

۴۱- مکاشفه ۲۲: ۱۳ "من الف و یاء و ابتدا و انتها و اوّل و آخر هستم." عیسی = الف و یا = ابتدا و انتها = اول و آخر

۴۲- مکاشفه ۱: ۸ "من هستم الف و یا، اوّل و آخر، می گوید آن خداوند خدا، که هست و بود و می آید، قادر عَلَی الإِطلاق." عیسی = الف و یا = ابتدا و انتها = اول و آخر = قادر عَلَی الإِطلاق

۴۳- مکاشفه ۲۲: ۳ "تخت خدا و برّه در آن خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود." به ضمیر او که به دو شخص خدا و بره اشاره داده شده است، دقت کنید. در این آیه هر دو خدا و بره (عیسی) بطور مساوی صاحب یک تخت می باشند.

۴۴- مکاشفه ۲۲: ۳ "تخت خدا و برّه در آن خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود." به ضمیر او که به دو شخص خدا و بره اشاره داده شده است، دقت کنید. این نشان می دهد که خدا و بره یکی هستند که بطور مساوی صاحب بندگان یکسان می باشند.

۴۵- مکاشفه ۲۲: ۴ "و چهره او را خواهند دید" هر دو خدا و بره صاحب یک چهره هستند.

۴۶- مکاشفه ۲۲: ۴ "و اسم وی بر پیشانی ایشان خواهد بود." هر دو خدا و بره صاحب یک اسم هستند.

۴۷- مکاشفه ۲۰: ۶ "خوشحال و مقدّس است کسی که از قیامت اوّل قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلّط ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد." بجای ضمیر آنها ضمیر مفرد او به دو شخص خدا و مسیح اشاره داده شده است. چون خدا و مسیح یک خدای واحد هستند.

۴۸- مکاشفه ۲۱: ۲۲ " و در آن هیچ قدس ندیدم زیرا خداوند خدای قادر مطلق و برّه قدس آن است." هر دو خدا و بره قدس (معبد) اورشلیم نو هستند.

۴۹- مکاشفه ۲۱: ۲۳ " و شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد زیرا که جلال خدا آن را منور می سازد و چراغش برّه است." هر دو خدا و بره اورشلیم نو را منور می کنند.

۵۰- پیدایش ۱: ۲۶ " و خدا گفت: آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم." خدا خودش را با ضمیر جمع ما معرفی می کند. این اولین تثلیث بودن خدا در کتاب مقدس را ثابت می کند که در پیدایش آمده است.

۵۱- پیدایش ۱۱: ۵، ۷ " و خداوند نزول نمود..... اکنون نازل شویم و زبان ایشان را در آنجا مشوش سازیم تا سخن یکدیگر را نفهمند." خداوند از فعل جمع شویم و سازیم برای خود استفاده می کند.

۵۲- اشعیا ۶: ۸ اشعیا پادشاه، یهوه لشکرها دید که در بهشت بر تخت خود نشسته بود و خدا به او گفت: " آنگاه آواز خداوند را شنیدم که می گفت: چه کسی را بفرستم و کیست که برای ما برود؟" (ما= تثلیث). در یوحنا ۱۲: ۳۷- ۴۱ یوحنا گفت: " این کلام را اشعیا گفت وقتی که جلال او (عیسی) را دید و درباره او (عیسی) تکلم کرد." عیسی همان پادشاه، یهوه لشکرها بود که اشعیا در رویای خود دید.

۵۳- مزامیر ۱۱۰: ۱ خدا به داود نبی گفت که پسر داود، خدای او نیز خواهد بود." یهوه به خداوند (ادونای) من گفت، به دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای انداز تو سازم." عیسی در این آیه به خودش اشاره کرده و در متی ۲۲: ۴۱- ۴۵ به عنوان سوال از فریسیان

پرسید " پس هرگاه داود او را خداوند می خواند، چگونه پسرش می باشد؟" این آیه نشان می دهد که **مسیح** هنگامیکه وارد این جهان می شود صاحب دو ذات یعنی ذات انسانی و ذات الوهیت خواهد بود. عیسی به عنوان یک **انسان** هم پسر داود (یعنی از نسل داود) و هم **خدای** او بود.

۵۴- اشعیا ۴۴: ۶ "**خداوند** (خدای پدر) پادشاه اسرائیل و یهوه صبايوت (خدای پسر) که ولی ایشان است چنین می گوید"

۵۵- اشعیا ۴۸: ۱۲، ۱۳، ۱۶ " به **من** گوش بده ای یعقوب و اسرائیل خوانده شده. من! من او هستم! من اول هستم و همچنین آخرهستم (آیه ۱۲). **دست من** همچنین بنیاد زمین را گذاشته است، و **دست راست من** آسمانها را گسترانید (آیه ۱۳). بیاید نزدیک **من**،.... و الآن **خداوند یهوه و روحش مرا** فرستاده است (آیه ۱۶). " من، دست من، دست راست من، نزدیک من " به عیسی مسیح اشاره دارد که هم خالق است و هم از سوی پدر فرستاده شد تا به شکل انسان بر روی زمین بیاید و برای گناهان ما مصلوب شود.

۵۶- حزقیال ۴۴: ۱، ۲ "و خداوند مرا گفت: این دروازه بسته بماند و گشوده نشود و هیچ کس از آن داخل نشود زیرا که **یهوه** خدای اسرائیل از آن **داخل شده**، لهذا بسته بماند." در لوقا ۱۹: ۴۵- ۴۷ عیسی که همان یهوه است، هنگامی که او در سال ۳۳ بعد از میلاد، سوار بر روی الاغی از طریق دروازه شرقی وارد معبد شد و خود را به عنوان پادشاه یهودیان معرفی کرد، این پیشگویی را به کمال رساند.

۵۷- هوشع ۴: ۱ و ۵: ۱۵ " ای بنی اسرائیل کلام **خداوند** (یهوه) را بشنوید... **من** (یهوه) روانه شده، به مکان **خود** (بهشت) خواهم برگشت تا ایشان (یهودیان) به عصیان خود (مصلوب کردن عیسی) اعتراف نموده، روی **مرا** بطلبند. در تنگی خود (هفت سال مصیبت)

صبح زود مرا خواهند طلبید." یهوه خدای پسر از آسمان به زمین آمد و از مریم تولد یافته، بصورت انسان وارد این دنیا شد ولی از سوی امت خویش رد شده و مصلوب گردید. عیسی مسیح دوباره قیام کرده و به مکان خود (بهشت) صعود کرد. و هنگامیکه یهودیان به عصیان خود (مصلوب کردن عیسی) در آواخر هفت سال مصیبت پی می برند، نام خداوند را به جهت نجات از مصیبت عظیم می خوانند که عیسی خداوند برای نجات آنها بازگشت می کند و در روی زمین سلطنت خود را به مدت ۱۰۰۰ سال از اورشلیم آغاز خواهد کرد.

۵۸- زکریّا ۱۱: ۴، ۱۲، ۱۳ "یهوه خدای من چنین می فرماید... اگر در نظر شما پسند آید مزد مرا بدهید والا ندهید. پس به جهت مزد من، سی پاره نقره وزن کردند... و خداوند مرا گفت: آن را نزد کوزه گر بینداز، این قیمت گران را که مرا به آن قیمت کردند. پس سی پاره نقره را گرفته، آن را در خانه خداوند نزد کوزه گر انداختم." این پیشگویی در متی ۲۶: ۱۴-۱۶ و ۲۷: ۳-۱۰ هنگامی که یهودای اسخریوطی عیسی مسیح را به سی سکه نقره تسلیم کرد و بعد پشیمان شده و سکه ها را در خانه خداوند نزد کوزه گر بر روی زمین انداخت، به کمال رسید.

۵۹- زکریّا ۱۲: ۹-۱۰ وقتی که عیسی مسیح بازگشت می کند، او به عنوان یهوه خداوند، کسی که توسط یهودیان روی صلیب نیزه خورد، شناخته خواهد شد. " و در آن روز قصد هلاک نمودن جمیع امت هایی که به ضدّ اورشلیم می آیند، خواهم نمود.... و بر من که نیزه زده اند خواهند نگریست." این پیشگویی را عیسی مسیح در یوحنا ۱۹: ۳۷ به کمال رساند.

۶۰- زکریّا ۱۴: ۳، ۴، ۵، ۹ وقتی که عیسی مسیح بر روی زمین در کوه زیتون بازگشت می کند، او به عنوان یهوه خداوند شناخته خواهد شد. " و خداوند بیرون آمده، با آن قوم ها مقاتله خواهد نمود (آیه ۳)... و در آن روز پایهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل

اورشلیم است **خواهد ایستاد** (آیه ۳-۴).... و یهوه خدای من خواهد آمد و جمیع مقدّسان همراه تو خواهند آمد (آیه ۵).... و یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. **در آن روز یهوه واحد خواهد بود** و اسم او واحد (آیه ۹). "وقتی که عیسی از بالای کوه زیتون به آسمان صعود کرد، دو فرشته به شاگردان عیسی ظاهر شده و به آنها گفتند: "ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ **همین عیسی** که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به **همین طوری** که او را به سوی آسمان روانه دیدید." (اعمال ۱: ۱۰-۱۲).

۶۱- در **زکریّا ۲: ۸-۱۱**، **یهوه خدای پسر** دو بار اعلام می کند که **یهوه خدای پدر** او را نزد اسرائیل فرستاده است. این ثابت می کند که در وجود خدا حداقل دو شخص وجود دارند که هر دو شخص، یهوه هستند.

زیرا **یهوه صبايوت** (خدای پسر) که مرا بعد از جلال نزد امت‌هایی که شما را غارت کردند فرستاده است، چنین می گوید... (آیه ۸). و شما خواهید دانست که **یهوه صبايوت** (خدای پدر) مرا فرستاده است (آیه ۹). و من (خدای پسر) در میان تو سُکنی خواهم گرفت و خواهی دانست که **یهوه صبايوت** (خدای پدر) **مرا** نزد تو فرستاده است (آیه ۱۱).

یهوه خدای پسر همیشه توسط یهوه خدای پدر را فرستاده می شود تا اراده و خواسته های او را انجام دهد. در آیه های بالا هر دو شخص به نام یهوه یاد شده اند. این ثابت می کند که عیسی مسیح قبل از تولدش از مریم، صد در صد یهوه خداوند بود.

۶۲- در **زکریّا ۳: ۲** "و خداوند به شیطان گفت: ای شیطان خداوند تو را نهیب نماید! دوباره در این آیه یک شخص از وجود خدا درباره شخص دیگر از وجود خدا سخن می گوید. لطفاً به قواعد آیه بالا توجه کنید که سه شخص در آن آیه حضور دارند: خداوند (شخص اول = اول شخص خطاب کننده) به شیطان (شخص دوم = دوم شخص مخاطب) گفت: ای شیطان خداوند

(شخص سوم = سوم شخص غایب) تو را نهیب نمایند! (همچنین اشعیا ۴۸: ۱۶ را ببینید: و الآن خداوند یهوه (خدای پدر) و روحش (روح القدس) مرا (خدای پسر) فرستاده است.).

۶۳- ملاکی ۳: ۱ " و **خداوندی** (عبری: ها آدون = خدا) که شما طالب او می‌باشید، **ناگهان به هیكل خود خواهد آمد**، " عیسی مسیح هنگامی که در آغاز خدمتش به عنوان خدا وارد معبد شد، این پیشگویی را به کمال رساند (یوحنا ۲: ۱۳-۱۷ و متی ۲۱: ۱۲، ۱۳).

۶۴- در آیه های ذکر شده مقابل هر دو **خدا و پسر**، یگانه داور هستند. مزامیر ۸۲: ۸ " ای خدا برخیز و جهان را **داوری فرما**." اما خدای پدر داور نیست. یوحنا ۵: ۲۲ " زیرا که پدر بر هیچ کس داوری نمی کند بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است."

۶۵- هر دو **خدا و پسر**، یگانه خالق هستند. (ملاکی ۲: ۱۰) " آیا جمیع ما را یک پدر نیست و آیا یک **خدا** ما را نیافریده است؟ " (یوحنا ۱: ۳) " همه چیز به واسطه او (عیسی مسیح) **آفریده شد** و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت."

۶۶- هر دو **خدا و پسر**، جلال یکسان دارند. (اشعیا ۴۲: ۸) " من یهوه هستم و اسم من همین است. و **جلال خود را** به کسی دیگر و ستایش خویش را به بتهای تراشیده نخواهم داد." (یوحنا ۱۷: ۵) " و الآن تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده، به همان **جلالی** که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم."

۶۷- هر دو **خدا و پسر**، صدای یکسان مانند صدای آبهای بسیار دارند. (حزقیال ۴۳: ۲) " و اینک جلال خدای اسرائیل از طرف مشرق آمد و آواز او مثل **صدای آبهای بسیار** بود و زمین از جلال او منور گردید." (مکاشفه ۱: ۱۵) " و آواز او مثل **صدای آبهای بسیار**؛ "

۶۸- هر دو **خدا و پسر**، خدای همه هستند. عیسی مسیح: (اعمال ۱۰: ۳۶) "... چونکه به وساطت عیسی مسیح که **خداوند همه** است به سلامتی بشارت می‌داد، " خدای پدر: (متی

۱:۲۵ "در آن وقت، عیسی توجّه نموده، گفت، ای پدر، مالک آسمان و زمین، تو را ستایش می‌کنم..."

۶۹- هر دو خدا و پسر، شاهدانی دارند. (اشعیا ۴۳: ۱۰) "یهوه می‌گوید که شما و بنده من که او را برگزیده‌ام شهود من می‌باشید." (اعمال ۱: ۸) "لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوّت خواهید یافت و شاهدان من (عیسی) خواهید بود،"

۷۰- هر دو خدا و پسر، صخره هستند. (تثنیه ۳۲: ۳، ۴) "... نام یهوه را ندا خواهم کرد... (آیه ۳). او صخره است و اعمال او کامل... (آیه ۴). (اول قرن‌تیاں ۱۰: ۴) "و همه همان شُرب روحانی را نوشیدند، زیرا که می‌آشامیدند از صخره روحانی که از عقب ایشان می‌آمد و آن صخره مسیح بود."

۷۱- دوم قرن‌تیاں ۱۳: ۱۴ "فیض عیسی خداوند و محبّت خدا و شراکت روح‌القدس با جمیع شما باد. آمین." ترتیب تثلیثی که در این آیه آمده با ترتیب تثلیثی که در متی ۲۸: ۱۹ هست یکی نیستند بلکه جابجا شدند. این نشان می‌دهد که در وجود خداوند هیچ کدام از سه شخص (پدر، پسر، روح القدس) نسبت به همدیگر ارجحیت ندارند بلکه هر سه شخص تثلیث ذاتاً مساوی و هم رتبه هستند.

۷۲- میکاه ۵: ۲ پیشگویی می‌کند که دومین شخص ازلی تثلیث می‌بایست در بیت لحم به دنیا می‌آمد. "اما تو ای بیت لحم افراشته اگر چه تو در هزاره های یهودا کوچک باشی، ولی از تو او (عیسی مسیح، خدای پسر) خواهد آمد پیش من (خدای پدر) که حکمران باشد در اسرائیل، کسی که پیش رفتن های او از قدیم و از ایام ازل بوده است." پیش رفتنهای عیسی مسیح از قدیم (عبری: قدما = ابدی) و از ایام ازل (عبری: اولام = جاودانی) بوده است. حقوق ۱: ۱۲ از کلمه مشابه "قدما" برای یهوه استفاده می‌کند. "ای یهوه خدای من! ای

قدّوس من! آیا تو از ازل نیستی؟" عیسی مسیح ازلی و ابدی است و فقط خدا می تواند ازلی و ابدی باشد.

۷۳- همانطور که در آیه بالا خواندیم، خدای پسر قسمتی از ذات خداست که از خدا "پیش می رود" یا "بیرون می رود" که با جهان فیزیکی ارتباط برقرار کند، با انسانها ملاقات کرده و آنها را رهایی بخشد و یا پیغامی برای ایشان بیاورد.

ا. پیدایش ۱۱: ۵" و خداوند نزول نمود تا شهر و برجی را که بنی آدم بنا می کردند، ملاحظه نماید."

ب. مزمیر ۱۰۸: ۱۱" آیا نه تو ای خدا که ما را ترک کرده ای؟ و تو ای خدا که بالشکرهای ما بیرون نمی آیی؟"

ج. میکاه ۵: ۲" کسی که پیش رفتن های او از قدیم و از ایام ازل بوده است."

د. میکاه ۱: ۳" زیرا اینکه خداوند از مکان خود بیرون می آید و نزول نموده، بر مکان های بلند زمین می خرامد."

ه. هوزیا ۶: ۳" پس خداوند را بشناسیم و به جدّ و جهد معرفت او را تعاقب نماییم. طلوع او مثل فجر یقین است و بر ما مثل باران و مانند باران آخر که زمین را سیراب می کند خواهد آمد."

و. زکریا ۱۴: ۳" و خداوند بیرون آمده، با آن قومها مقاتله خواهد نمود چنانکه در روز جنگ مقاتله نمود."

ز. اشعیا ۲۶: ۲۱" زیرا اینکه خداوند از مکان خود بیرون می آید تا سزای گناهان ساکنان زمین را به ایشان برساند."

ح. اشعیا ۳۷: ۳۶" پس فرشته خداوند بیرون آمده، صد و هشتاد و پنجهزار نفر از اردوی آشور را زد و بامدادان چون برخاستند اینکه جمیع آنها لاشهای مرده بودند."

ط. اشعیا ۴۲: ۱۳" خداوند مثل جبار بیرون می آید و مانند مرد جنگی غیرت خویش را برمی انگیزاند."

ی. اشعیا ۴۸: ۱۶" و الآن خداوند یهوه و روحش مرا فرستاده است."

ک. اشعیا ۶۱: ۱ "روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم،"

ل. زکریا ۲: ۸ "زیرا یهوه صباپوت که مرا بعد از جلال نزد امت‌هایی که شما را غارت کردند فرستاده است، چنین می‌گوید که هر که شما را لمس نماید مردمک چشم او را لمس نموده است."

م. خروج ۱۹: ۲۰ "و خداوند بر کوه سینا بر قله کوه نازل شد، و خداوند موسی را به قله کوه خواند، و موسی بالا رفت."

ن. اعداد ۱۱: ۲۵ "و خداوند در ابر نازل شده، با وی تکلم نمود...،" س. اعداد ۱۲: ۵ "و خداوند در ستون ابر نازل شده، به در خیمه ایستاد، و هارون و مریم را خواند، ایشان هر دو بیرون آمدند."

ع. مزامیر ۱۸: ۹ "آسمان را خم کرده، نزول فرمود و زیر پای وی تاریکی غلیظ می‌بود." ف. مزامیر ۱۹: ۵ "خیمه‌ای برای آفتاب در آنها قرار داد؛ و او مثل داماد از حجله خود بیرون می‌آید و مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می‌کند."

ص. دانیال ۵: ۵ "در همان ساعت انگشت‌های دست انسانی بیرون آمد و در برابر شمعدان بر گچ دیوار قصر پادشاه نوشت و پادشاه کف دست را که می‌نوشت دید."

ق. یوحنا ۱۶: ۲۸، ۳۰ "از نزد پدر بیرون آمدم و در جهان وارد شدم، و باز جهان را گذارده، نزد پدر می‌روم." (۲۸) .. الآن دانستیم که همه چیز را می‌دانی و لازم نیست که کسی از تو پرسد. بدین جهت باور می‌کنیم که از خدا بیرون آمدی. (۳۰)"

۷۴- یوحنا ۶: ۴۶ "نه اینکه کسی پدر را دیده باشد، جز آن کسی که از جانب خداست، او پدر را دیده است." اگر کسی خدای پدر را ندیده باشد، پس پیامبران عهد عتیق چه کسی را دیدند که ادعا کردند که آن خدا بود؟

أ. آن خدای پسر بود که با آدم در باغ عدن تکلم نمود و با او قدم زد. "و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم نهار در باغ قدم می‌زد" (پیدایش ۳: ۸).

ب. آن خدای پسر بود که با هاجر تکلم نمود. " و او، نام خداوند را که با وی تکلم کرد، «آتنایل رُئی» خواند... (پیدایش ۱۶: ۱۳).

ت. آن خدای پسر بود که با ابراهیم تکلم نمود. " و خداوند به ابراهیم گفت: «ساره برای چه خندید و گفت: آیا فی الحقیقه خواهم زایید و حال آنکه پیر هستم؟» (۱۳). (پیدایش ۱۸: ۱، ۱۳، ۱۷، ۲۰-۲۲، ۳۳).

ث. آن خدای پسر بود که با یعقوب کشتی گرفت. " و یعقوب آن مکان را «فنیثیل» نامیده، (گفت:) «زیرا خدا را روبرو دیدم و جانم رستگار شد.» (پیدایش ۳۲: ۳۰).

ج. آن خدای پسر بود که موسی او را مانند فرشته ای در بوته آتشین ملاقات و پرستش کرد. " و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد. " (خروج ۳: ۲) "خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: موسی! موسی!.." (خروج ۳: ۴).

ح. آن خدای پسر بود که بنی اسرائیل را در بیابان با ستون ابر در روز و با ستون آتش در شب هدایت و رهبری کرد. " و خداوند در روز، پیش روی قوم در ستون ابر می رفت تا راه را به ایشان دلالت کند، و شبانگاه در ستون آتش، تا ایشان را روشنایی بخشد، و روز و شب راه روند. (خروج ۱۳: ۲۱). " و فرشته خدا که پیش اردوی اسرائیل می رفت، حرکت کرده، از عقب ایشان خرامید، و ستون ابر از پیش ایشان نقل کرده، در عقب ایشان بایستاد. " (خروج ۱۹: ۱۴).

خ. آن خدای پسر بود که سروران و مشایخ بنی اسرائیل او را به عنوان خدای اسرائیل مشاهده کردند. " و موسی با هارون و ناداب و ابیهو و هفتاد نفر از مشایخ اسرائیل بالا رفت. و خدای اسرائیل را دیدند، و زیر پایهایش مثل صنعتی از یاقوت کبود شفاف و مانند ذات آسمان در صفا. و بر سروران بنی اسرائیل دست خود را نگذارد، پس خدا را دیدند و خوردند و آشامیدند. " (خروج ۲۴: ۹-۱۱).

د. آن خدای پسر بود که یوشع پرستش کرد. این پرستش از سوی او که به عنوان سردار لشکر خداوند معروف بود، مورد قبول واقع شد.

"گفت: «نی، بلکه من سردار لشکر خداوند هستم که الان آمدم.» پس یوشع روی به زمین افتاده، سجده کرد." (یوشع ۵: ۱۴).

ذ. آن خدای پسر بود که مانوح ملاقاتش کرد. "و مانوح به زنش گفت: «البته خواهیم مرد، زیرا خدا را دیدیم." (داوران ۱۳: ۲۲).

ر. آن خدای پسر بود که اشعیای نبی در رویا دید. "...چشمانم یهوه صابیوت پادشاه را دیده است." (اشعیا ۶: ۵). یوحنا ۱۲: ۴۱ می گوید که آن خدای پسر بود "وقتی که جلال او را دید." (اشعیا ۶: ۵).

ز. آن خدای پسر بود که حزقیال نبی او را مانند انسان در حال نشستن بر تختی مشاهده و پرستش کرد. "و برآن شباهتِ تخت، شباهتی مثل صورت انسان بر فوق آن بود (۲۶). ... این منظر شباهتِ جلال یهوه بود و چون آن را دیدم، به روی خود در افتادم (۲۸)." (حزقیال ۱: ۲۶، ۲۸). که بعداً حزقیال متوجه شد که او خدای اسرائیل بوده است (حزقیال ۱۰: ۲۰).

۷۵- در آیه های زیر خدای پدر و خدای پسر با همدیگر یا درباره یکدیگر سخن می گویند. (میکاه ۵: ۲)؛ (اشعیا ۴۸: ۱۲، ۱۳، ۱۶)؛ (اشعیا ۴۴: ۶)؛ (حزقیال ۴۴: ۱، ۲)؛ (هوزیا ۴: ۱)؛ (هوزیا ۵: ۱۵)؛ (مزامیر ۲: ۹-۱۲)؛ (مزامیر ۴۵: ۶، ۷)؛ (مزامیر ۱۱۰: ۱)؛ (زکریا ۲: ۸-۱۱)؛ (زکریا ۳: ۱، ۲)؛ (زکریا ۱۱: ۴، ۱۲، ۱۳)؛ (زکریا ۱۲: ۴، ۱۰)؛ (عبرانیان ۱: ۶، ۸، ۱۰، ۱۳)؛ (پیدایش ۱: ۲۶)؛ (پیدایش ۳: ۲۲)؛ (پیدایش ۱۱: ۵-۷)؛ (پیدایش ۱۸: ۱۷-۲۲).

۷۶- عیسی مسیح زمانیکه روی زمین آمد، دو ذات داشت (ذات انسانی و ذات خدایی). گاهی اوقات او از ذات انسانی خود استفاده می کرد و اوقاتی دیگر از ذات خدایی خود استفاده می کرد.

مثال برای ذات انسانی عیسی: ۱- او مانند یک انسان می خوابید (مرقس ۴: ۳۵-۴۱). ۲- به عنوان یک انسان با پدر دعا می کرد (متی ۱۴: ۲۳). ۳- مانند یک انسان برای مرگ ایلعازر گریه کرده و با مریم همدردی کرد (یوحنا ۱۱: ۳۵) ۴- مانند یک انسان گرسنه می شد و غذا می خورد (مرقس ۱۱: ۱۲-۲۱). ۵- به عنوان یک انسان روی صلیب مصلوب شد (متی ۲۷: ۵۰).

مثال برای ذات خداوندی مسیح: ۱- به عنوان خدا طوفان دریا را آرام کرد (مزمیر ۱۰۷: ۲۹). ۲- روی آب دریا راه رفت (متی ۱۴: ۲۲-۲۷). ۳- ایلعادر را از مردگان بر خیزاند (یوحنا ۱۱: ۴۰-۴۴) ۴- روی صلیب نور خورشید را گرفت (متی ۲۷: ۴۵). ۵- تمامی مریضان را شفا داد (متی ۹: ۳۵). ۵- گناهان انسانها را بخشید (متی ۹: ۲).

۷۷- عیسی مسیح توسط بسیاری پرستش یافت. (متی ۸: ۲) ؛ (متی ۹: ۱۸) ؛ (متی ۱۴: ۳۳) ؛ (متی ۱۵: ۲۵) ؛ (متی ۲۰: ۲۰) ؛ (متی ۲۸: ۹، ۱۷) ؛ (مرقس ۵: ۶) ؛ (لوقا ۲۴: ۵۲) ؛ (یوحنا ۹: ۳۸).

سوالات این درس:

۱- سه دلیلی که عیسی مسیح از لوقا ۲۴: ۲۵-۲۷ می آورد را نام ببرید؟

۲- ده مورد از آیه هایی که در کتاب مقدس درباره الوهیت مسیح آمده است را با ذکر آیه ای برای هر کدام، بنویسید؟

درس ۹: خدای پسر در عهد عتیق

عیسی مسیح قبل از تولدش از مریم به شکل های مختلف به انسانها ظاهر می شد تا مأموریتی که خدای پدر به او سپرده بود انجام دهد. در آیه های زیر درباره عیسی مسیح و پیشگوییها درباره او خواهیم پرداخت. در نکته ۱ و ۲ خداوند اسم خود را به موسی به عنوان یهوه معرفی می کند.

۱- خروج ۲۰: ۱-۳

"و خدا همه این کلمات را خطاب کرده، گفت: من یهوه هستم، خدای تو، که تو را از زمین مصر، از خانه غلامی بیرون آورده ام. خدایان دیگر در برابر من نخواهی داشت." این فرمان اول از ده فرمانی است که خداوند بالای کوه سینا به موسی داد که در این فرمان خداوند تأکید می کند که اسم او فقط یهوه است و نباید خدایی جز یهوه را پرستش کنیم.

۲- خروج ۶: ۱-۳

"سپس خداوند به موسی گفت: الآن خواهی دید آنچه به فرعون خواهم کرد، زیرا با یک دست قوی ایشان را رها خواهد کرد، و با یک دست قوی ایشان را از زمین خود خواهد راند. و خدا به موسی خطاب کرده، و به او گفت: من یهوه هستم. و به ابراهیم، به اسحاق، و به یعقوب به نام خدای قادر مطلق ظاهر شدم، لیکن به نام خود، یهوه، به آنها شناخته نشدم." خداوند در این آیه خود را به ابراهیم و اسحاق و یعقوب بنام خدای قادر مطلق ظاهر کرد یا به عبارت دیگر، خداوند خود را به آنها نشان داد. در عهد جدید ما می خوانیم که عیسی مسیح فرمود کسی پدر را ندیده است. "نه اینکه کسی پدر را دیده باشد، جز آن کسیکه از جانب خداست، او پدر را دیده است." (یوحنا ۶: ۴۶). سوالی که پیش می آید اینست که، پس آن چه کسی بود که در عهد عتیق بسیاری از پیامبران مانند موسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اشعیا، و غیره او را به عنوان خدا مشاهده کرده و او را پرستیدند؟ جواب اینست که آن خود عیسی مسیح بود که قبل از اینکه از مریم تولد یابد، او خود را به پیامبران عهد عتیق نشان داد. او از ازل وجود داشته، زیرا او خداست که به جسم ظاهر شد.

۳- امثال ۳۰: ۴

"کیست که به آسمان صعود نموده، یا نزول کرده؟ کیست که باد را در مشت خود جمع نموده؟ کیست که آب را در یک جامه بند نموده؟ کیست که تمامی اقصای زمین را استوار ساخته؟ نام او چیست و پسر او چه اسم دارد؟ اگر می دانی بگو."
قرنها قبل از تولد عیسی مسیح، سلیمان نبی با الهام از روح القدس در کتاب امثال ادعا می کند که خداوند پسر دارد. نام او به خداوند یهوه دلالت دارد و پسر او به عیسی مسیح.

۴- مزامیر ۲: ۱۲

"پسر را ببوسید مبادا غضبناک شود و شما از طریق هلاک شوید، هنگامیکه غضب او اندکی فروخته شود. خوشبحال همه آنانیکه بر او توکل دارند."

داود نبی که ۱۰۰۰ سال قبل از مسیح زندگی می کرد، در این آیه درباره بازگشت دوباره پسر خدا، عیسی مسیح پیشگویی می کند و می گوید که در زمان بازگشت او، می بایست مردم او را ببوسند و خوش آمد بگویند و او را بپذیرند. ولی اگر کسی او را رد کند، مورد غضب او واقع شده و هلاک خواهد گردید. ناگفته نماند که بار اول که مسیح وارد این جهان شد، به عنوان برّه خدا آمد تا برای گناهان ما قربانی شود و هرکس که او را به عنوان بره و قربانی جایگزین برای گناهان خود بپذیرد، نجات می یابد ولی بار دوم که او دوباره به این جهان بازگشت می کند، دوباره برای مصلوب شدن نمی آید بلکه برای مجازات دجال و کسانی که او را نپذیرفتند، می آید.

۵- دانیال ۳: ۲۵، ۲۴

"آنگاه نبوکدنظر پادشاه متحیر شد و با عجله برخاست و خطاب کرد و به مشاوران خود گفت: آیا ما سه مرد نبسته و در وسط آتش نیانداختیم؟ آنها جواب دادند و به پادشاه گفتند: صحیح است ای پادشاه. او جواب داد و گفت: اینک من چهار مرد گشاده می بینم که در وسط آتش راه می روند و آسیبی ندیده اند، و منظر چهارمی شبیه پسر خدا است."

دانیال نبی یک پیامبر یهودی بود که ۵۸۰ قبل از میلاد کتاب دانیال را نوشت. نبوکدنظر پادشاه بابل در ۵۸۶ قبل از میلاد به اورشلیم حمله کرد و یهودیان را با خود به کشور بابل به اسارت برد. در بابل او مجسمه ای از طلا ساخت و از مردم خواست که همه باید به آن مجسمه تعظیم کنند. ولی سه جوان یهودی از دوستان دانیال به اسمهای شدراک، میشک، و عبد نغو حاضر نبودند که جز خداوند یهوه به احدی تعظیم کنند. بنابراین پادشاه عصبانی شده و دستور داد که دستان آن سه یهودی را بسته و داخل کوره آتش بیندازند. زمانی که آن سه نفر به کوره آتش انداخته شدند، پادشاه تعجب کرد و دید که چهار نفر در آتش وجود دارند و منظر چهارمی شبیه پسر خدا بود. آن نفر چهارم پسر خدا، عیسی مسیح بود که از آسمان به زیر آمد تا آن سه یهودی را از آتش نجات دهد.

۶- اشعیای نبی ۹: ۶

"زیرا برای ما ولدی زاییده، برای ما پسری داده شده است، و سلطنت بر دوش او خواهد بود. و اسم او عجیب، مشیر، خدای قدیر، پدر سرمدی، سرور سلامتی خوانده خواهد شد."

اشعیای نبی که حدود ۷۴۰ سال قبل از میلاد مسیح زندگی می کرد، در این آیه او درباره مسیح موعود پیشگویی کرده و می گوید که خدا برای ما ولدی می دهد که از زنی زاییده شده و بصورت انسان وارد این جهان می شود. نه تنها آن نجات دهنده، ۱۰۰٪ انسان خواهد بود بلکه اشعیای نبی می گوید که این نجات دهنده پسری است که به ما داده خواهد شد. و ما می دانیم که آن خدای پدر بود که پسر خود را از آسمان به ما بخشید تا برای گناهان ما بمیرد. پس او که از آسمان و از خدا داده شد، ۱۰۰٪ خدا نیز است. برای همین عیسی مسیح که روی زمین بود گاهی از ماهیت انسانی خود استفاده می کرد و گاهی دیگر از ماهیت خدایی. به عنوان مثال هنگامیکه او خسته می شد، استراحت می کرد و یا تشنه می شد و آب می نوشید چون ۱۰۰٪ مثل ما انسان بود که از ماهیت انسانی خویش استفاده می کرد. گاهی او به عنوان انسان با خدای پدر دعا و راز و نیاز می کرد و یا به عنوان انسان روی صلیب برای گناهان ما مرد. چون او ۱۰۰٪ انسان بود، توانست روی صلیب بمیرد. ولی گاهی دیگر او از ماهیت خدایی خویش استفاده می

کرد، به عنوان مثال هنگامیکه مریضان را شفا می داد، به کوران بینایی می داد، ۵۰۰۰ نفر را با نان و ۲ ماهی سیر کرد، مرده ها را زنده می کرد و خیلی معجزات دیگر را که او از ماهیت خدایی خود استفاده می کرد. عیسی مسیح قبل از اینکه از مریم تولد یابد، او از ازل فقط ۱۰۰٪ خدا بود، ولی هنگامیکه او از مریم تولد یافت و بصورت انسان وارد این دنیا شد او ۱۰۰٪ خدا و هم ۱۰۰٪ انسان شد.

۷- میکی نبی ۵: ۲

"اما تو ای بیت لحم افراشه اگر چه تو در هزاره های یهودا کوچک باشی، ولی از تو او بیرون خواهد آمد پیش من که حکمران باشد در اسرائیل، کسی که پیش رفتن های او از قدیم و از ایام ازل بوده است."

(a) در ایه بالا "او" چه کسی است؟ و "من" چه کسی است؟ "او" خدای پسر یعنی عیسی مسیح است که در بیت لحم بدنیا آمد (متی ۲: ۱). و "من" خدای پدر است.

(b) پیش رفتن ها" یعنی چه؟ یعنی اینکه از جایی به جای دیگر رفتن برای انجام کار یا هر چیزی.

(c) چه کسی و از کجا "پیش می رود"؟ خدای پسر از وجود خدای پدر جدا شده و از آسمان پیش می رود به هر جاییکه پدر او را بفرستد تا خواسته او را بجا آورد. مثال: خدای پسر از آسمان نازل شد تا سه مرد یهودی را از آتش نجات دهد (دانیال ۳: ۲۴-۲۵).

(d) برای چه مدتی او در حال "بیرون رفتن" است؟ از قدیم و از ایام ازل
(e) این یعنی چه؟ این یعنی عیسی مسیح خدای ازلی است که وظیفه او اینست که از وجود پدر جدا شده و به زمین یا هر کجایشان دیگر که پدر او را می فرستد، روانه شده و تا آن را به عمل رساند.

۸- خروج ۳: ۱- ۱۴

"و اما موسی گله پدر زن خود، يتورن، کاهن مدیان را شبانی می کرد؛ و او گله را به طرف پشت صحرا راند و به کوه خدا آمد به حوريب. و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد. و او نگریست، و اینک آن بوته با آتش می سوخت و بوته از بین نمی رفت. و موسی گفت: اکنون بدان طرف خواهم شد تا بینم این منظره عالی را که چرا بوته نمی سوزد. و وقتی خداوند دید که او برمیگردد تا ببیند، خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: موسی! موسی! و او گفت: بفرمایید. و او گفت: بدین جا نزدیک نشو، کفشهای خود را از پایهای بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده ای زمین مقدس است. او بیشتر گفت: من هستم خدای پدرت، خدای ابراهیم، خدای اسحاق، و خدای یعقوب. و موسی روی خود را پوشانید، زیرا ترسیده بود که به خدا نگاه کند. و خداوند گفت: من یقیناً مصیبت مردم خود را که در مصر اند دیده ام، و فریادشان را به دلیل سرکاران ایشان شنیده ام، زیرا غمهای ایشان را می دانم. و من پایین آمده ام تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم، و تا ایشان را از آن زمین به زمین خوب و وسیع بیاورم، به زمینی که به شیر و عسل جاری است، به مکان کنعانیان و حثیان و اموریان و فرزندان و حویان و یبوسیان. و موسی به خدا گفت: اینک وقتی من نزد بنی اسرائیل آمیم، و بدیشان گویم خدای پدران شما مرا نزد شما فرستاده است، و آنها به من بگویند، نام او چیست، بدیشان چه بگویم؟ و خدا به موسی گفت: من هستم آنکه هستم. و او گفت: پس به بنی اسرائیل خواهی گفت، من هستم مرا نزد شما فرستاده است."

من هستم یعنی: "من تا ابد همان خواهم بود که امروز هستم، تغییرناپذیر و ابدی." در این متن خداوند خود را ۱۵۰۰ قبل از میلاد مسیح، به پیامبر موسی ظاهر کرد و اسم خود را به عنوان "من هستم" یا به زبان عبری "یهوه" به او معرفی کرد و گفت "این است اسم من تا ابد الآباد." اسم خداوند یهوه است و هیچگاه عوض نمی شود.

۹- یوحنا ۸: ۵۷-۵۸

۱۵۰۰ سال بعد از زمانی که خدا خود را به اسم "من هستم" یا "یهوه" به موسی معرفی کرد، عیسی مسیح از مریم تولد یافت و با معجزات فراوان مورد حسد فریسیان مذهبی قرار گرفت. آنها

دیدند که مسیح با معجزات خود طرفداران زیادی پیدا می کند و موقعیت و جایگاه فریسیان بین مردم خدشه دار می شود، خواستند توطئه ای بچینند تا او را دستگیر کرده و به قتل رسانند. عیسی به آنها گفت که شما ادعا می کنید که فرزندان ابراهیم هستید ولی اعمال شیطان را بجا می آورید. او ادعا کرد که ابراهیم ۲۱۶۰ قبل از میلاد، مسیح را دید و خوشحال شد. فریسیان گفتند، "تو هنوز ۵۰ سال هم نداری و ادعا می کنی که جد ما ابراهیم را دیده ای؟" که عیسی در آیه زیر با این سخنان جواب آنها را داد:

"عیسی بدیشان گفت: براستی براستی به شما می گویم، قبل از اینکه ابراهیم بود، من هستم. سپس آنها سنگها برداشتند تا به او پرتاب کنند. اما عیسی خودش را مخفی ساخت و از معبد بیرون رفت از میان آنها گذشته و همچنین رد شد."

عیسی ادعا کرد که همان خدایی است که ۱۵۰۰ سال قبل به موسی خود را به عنوان "من هستم" معرفی کرد.

۱۰- یوحنا ۸: ۲۴

"از این جهت به شما گفتم که در گناهان خود خواهید مرد. زیرا اگر باور نکنید که من هستم، در گناهان خود خواهید مرد."

در این آیه عیسی مسیح می فرماید که اگر او را به عنوان "من هستم" یعنی خداوند یهوه باور نداشته باشیم، در گناهان خود خواهیم مرد و می دانیم که اگر کسی به گناهان خود بمیرد، در جهنم هلاک خواهد شد. پس باید فقط او را به عنوان خدای خود قبول کنیم و دین و خدایان دیگری که به اسمهای مختلف در دنیا هستند را رد کنیم.

۱۱- اشعیا نبی ۴۸: ۱۲-۱۶

"به من گوش بده ای یعقوب و اسرائیل خوانده شده من! من او هستم! من اول هستم و همچنین آخرهستم. دست من همچنین بنیاد زمین را گذاشته است، و دست راست من آسمانها را گسترانید. وقتی که آنها را می خوانم، با هم برقرار می باشند. همگی شما جمع شوید، و بشنوید. کیست از میان ایشان که این چیزها را بیان کرده است. خداوند او را دوست داشته است. اومسرت خود را بر بابل بجا خواهد آورد و بازوی او بر کلدانیان خواهد بود. من حتی من تگلم نموده ام. آری من

او را خوانده ام. من او را آورده ام و او راه خود را کامران خواهد ساخت. بیایید نزدیک من، این را بشنوید. از ابتدا من در خفا تکلم ننموده ام، از زمانی که بود من وجود داشتم. و الآن خداوند یهوه و روحش مرا فرستاده است."

در آیه آخر خداوند یهوه کیست؟ یهوه خدای پدر
روحش کیست "یهوه خدای روح القدس
مرا کیست؟ یهوه خدای پسر
این متن ۲ چیز را اثبات می کند: اول اینکه خداوند واحد، خدای تثلیث یا سه گانه است. و دوماً
خدای پسر یا همان عیسی مسیح خالق است، همانطور که در ابتدای متن او می فرماید که اول و
آخر است و او بنیاد زمین را گذاشت و آسمانها را گسترانید.

سوالات این درس:

- ۱- فرمان اول از ده فرمان که در خروج ۲۰: ۱-۳ آمده است را بنویسید؟
- ۲- چه کسی خود را در عهد عتیق به ابراهیم، اسحاق و یعقوب ظاهر کرد؟
- ۳- نام او و پسر او در امثال ۳۰: ۴ به چه کسانی دلالت دارد؟
- ۴- در مزامیر ۲: ۱۲ واژه پسر کیست و این پیشگویی به چه زمانی اشاره می شود؟
- ۵- چهارمین شخص در دانیال ۳: ۲۴-۲۵ چه کسی است و چه سالی این حادثه رخ داد؟
- ۶- در اشعیا ۹: ۶ "ولدی زاییده و پسری داده شده است" به چه کسی دلالت دارد و معنی آنها چیست؟

۷- میکای نبی: ۵: ۲ درباره چه چیزی پیشگویی می کند؟

۸- در خروج ۳: ۱-۱۴ خداوند به چه عنوان اسم خود را معرفی کرد و معنای آن چیست؟

۹- در یوحنا: ۸: ۵۸ عیسی مسیح به چه عنوان اسم خود را معرفی کرد؟

۱۰- همانگونه که در یوحنا: ۸: ۲۴ آمده، اگر باور نداشته باشیم که عیسی مسیح "من هستم" (یهوه) است چگونه خواهیم مرد؟

۱۱- اشعیا: ۴۸: ۱۲-۱۶ دو چیز را اثبات می کند، لطفاً آنها را بنویسید؟

درس ۱۰: تولد دوباره

تولد دوباره کامل کننده عدالت مطلق است.

الف - معنی تولد دوباره

عدالت مطلق دیدگاهی است که مربوط به زندگی ما می شود و "عدالتِ زندگی" نامیده می شود (رومیان ۵: ۱۸). تغییر دل انسان از دیدگاهِ خداوند، باززایی که همان تولد دوباره است نامیده می شود. این از دیدگاه انسان "تغییر باور" نامیده می شود. تولد دوباره را می توان به این نحو تعریف نمود که، آن یک ارتباط حیات الهی با روان انسان است (یوحنا ۳: ۵؛ ۱۰: ۱۰، ۲۸؛ اول یوحنا ۵: ۱۱) که به آن ذاتِ نو می بخشد (دوم پطرس ۱: ۴) و همچنین دلِ نو نیز می بخشد (ارمیا ۲۴: ۷؛ حزقیال ۱۱: ۱۹؛ ۳۶: ۲۶) و انسان را خلقتِ تازه می دهد (دوم قرنتیان ۵: ۱۷؛ افسسیان ۲: ۱۰؛ ۴: ۲۴). این زندگی روحانی نو بر قوه درک او تأثیر می گذارد (اول قرنتیان ۲: ۱۴؛ افسسیان ۱: ۱۸؛ کولسیان ۳: ۱۰). آن بر اراده و خواسته او نیز تأثیر می گذارد (فیلیپیان ۲: ۱۳؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۵؛ عبرانیان ۱۳: ۲۱). آن همچنین بر احساسات او نیز تأثیر می گذارد (متی ۵: ۴؛ اول پطرس ۱: ۸).

ب - لزوم تولد دوباره

کتاب مقدس بارها تأکید می کند که شخص قبل از اینکه بتواند خدا را ببیند، باید از نو متولد شود. این ادعای کتاب مقدس با دلایل و آگاهی هایی انجام شده است. قدوسیت، شرط ضروری برای مشارکت با خداست. کتاب مقدس در عبرانیان ۱۲: ۱۴ می گوید، "و در پی صلح با همه بکوشید و تقدسی که بغیر از آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید." اما همه انسانها

ذاتاً گناهکار و فاسد گردیده اند و اخلاقشان ضایع و تباه شده است و بر علیه خداوند گناه ورزیده اند. بنابراین انسانها طبیعتاً نمی توانند وارد ارتباط و مشارکت با خدا شوند. اما تغییر اخلاق در انسانها می تواند فقط از طریق روح خدا که به روح القدس معروف است، صورت پذیرد. او دل انسان را از نو متولد کرده و حیات و ذات نو به آن می بخشد. کتاب مقدس این تجربه یک شخص را تولد نو می نامد که شخص فرزند خدا می گردد. عیسی مسیح فرمود، "آمین آمین به تو می گویم اگر کسی از **سر نو** مولود نشود، ملکوت خدا را نمی تواند ببیند." (یوحنا ۳: ۳؛ ۱: ۱۲؛ اول یوحنا ۳: ۱). همه انسانها ذاتاً پسران سرکش (افسیان ۲: ۲)، فرزندان غضب (افسیان ۲: ۳)، پسران این جهان (لوقا ۱۶: ۸)، و فرزندان ابلیس (اول یوحنا ۳: ۱۰؛ متی ۱۳: ۳۸؛ ۲۳: ۱۵؛ اعمال ۱۳: ۱۰) هستند. آن آخری (فرزندان ابلیس) مخصوصاً اشاره می شود به کسانی که مسیح را به عنوان خدا و نجات دهنده خود رد می کنند (یوحنا ۸: ۴۴). فقط تولد دوباره می تواند در انسان گناهکار ذات مقدس بوجود آورد تا او بتواند ارتباطش با خدا وصل شود.

ج- معنی تولد دوباره

کتاب مقدس این تولد دوباره را عملی از سوی خداوند می خواند. اما مفاهیمی هستند که در آن تجربه شرکت دارند.

۱- **اراده خدا.** ما از اراده خدا تولد می یابیم (یوحنا ۱: ۱۳). یعقوب در این باره می گوید، "او محض اراده خود ما را به وسیله کلمه حق تولید نمود، تا ما چون نوبر مخلوقات او باشیم." (یعقوب ۱: ۱۸).

۲- **مرگ و رستاخیز عیسی مسیح.** شرط تولد دوباره در ایمان به مسیح مصلوب شده است (یوحنا ۳: ۱۴-۱۶)، و همچنین ایمان به قیام عیسی مسیح از مردگان بطور مساوی برای تولد دوباره نیاز است (اول پطرس ۱: ۳).

۳- کلام خدا. پطرس در این باره می گوید، "از آنرو که تولد تازه یافتید، نه از تخم فانی بلکه از غیرفانی، یعنی به کلام خدا که زنده و تا ابدآباد باقی است." (اول پطرس ۱: ۲۳؛ یعقوب ۱: ۱۸). پولس رسول همچنین می گوید، "تا آن را به غسل آب به وسیله کلام طاهر ساخته، تقدیس نماید،" (افسیان ۵: ۲۶؛ تیطوس ۳: ۵). بعضی از مسیحیان بر این باور هستند که غسل تعمید برای تولد دوباره ضروری است اما آن عمل، تولد دوباره را وابسته به اعمال شخص می کند که آن کار خداوند را تباه و بی فایده بشمار می آورد. در اعمال ۱۰: ۴۷ بطور واضح کرنیلیوس قبل از اینکه غسل تعمید بگیرد، تولد دوباره پیدا کرد. دزدی که همراه با عیسی مسیح مصلوب شد با ایمان به عیسی مسیح و بدون اینکه غسل تعمید بگیرد، تولد دوباره یافته و راهی بهشت شد (لوقا ۲۳: ۳۹-۴۳).

۴- خادمان کلام. خداوند از ایمانداران در مراحل نجات انسان استفاده می کند. سهم آنها اینست که به سادگی پیام انجیل را به مردم اعلام کنند تا آنها بتوانند پیام را بشنوند، و به آن ایمان آورند و نام خداوند عیسی را بخوانند و نجات یابند (رومان ۱۰: ۱۴؛ اول قرنتیان ۴: ۱۵؛ فلیمون ۱۰؛ غلاطیان ۴: ۱۹).

۵- روح القدس. عامل تأثیرگذار اصلی در تولد دوباره روح القدس می باشد (یوحنا ۳: ۵؛ تیطوس ۳: ۵؛ اعمال ۱۶: ۱۴؛ رومیان ۹: ۱۶؛ فیلیپیان ۲: ۱۳). حقیقت به خودی خود این اراده را تحمیل نمی کند، علاوه بر آن دل شخصی که تولد نو ندارد از حقیقت متنفر است تا اینکه روح القدس در آن شخص کار کرده و او را از گناهانش محکوم کند تا او چشمانش به حقیقت کلام خدا باز شده و نیاز به نجات دهنده را در خود ببیند.

د- ثمرات تولد دوباره.

کتاب مقدس می گوید که تولد دوباره باعث به بار آمدن ثمراتی چند می شود. آن ثمرات را با مشاهده زندگی یک شخص می توان آزمایش کرده و بدانیم که آیا او واقعاً تولد دوباره دارد یا نه. آن ثمرات تولد دوباره عبارتند از:

۱- کسی که از خدا تولد می یابد بر وسوسه ها غلبه می کند (اول یوحنا ۳: ۹ ؛ ۵: ۴، ۱۸). زمان حالی که در آن آیه ها استفاده شده است مبنی بر پیروزی همیشگی دارد. در نتیجه شخص از نو متولد شده شروع به عمل کردن عدالت می کند. گرچه این بدین معنا نیست که او کامل بی گناه می شود.

۲- طرز افکار شخص دوباره تولد یافته با دیگران فرق می کند. او بطور دائم برادران و خواهران ایماندار خود را دوست می دارد (اول یوحنا ۵: ۱). او بطور دائم خدا را دوست داشته و عاشق او می شود (اول یوحنا ۴: ۱۹ ؛ ۵: ۲). او کلام خدا را دوست می دارد (مزمیر ۱۱۹: ۹۷ ؛ اول پطرس ۲: ۲). او دشمنانش را دوست می دارد (متی ۵: ۴۴). او جانهای نجات نیافته را دوست می دارد (دوم قرنتیان ۵: ۱۴).

۳- شخص از نو تولد یافته همچنین با سعادت فرزند خدا بودن، از معاش زندگی که خدا برای او تأمین می کند، لذت می برد (متی ۷: ۱۱ ؛ لوقا ۱۱: ۱۳). او از یافتن اراده خدا در زندگی خود لذت می برد (اول قرنتیان ۲: ۱۰-۱۲ ؛ افسسیان ۱: ۹). او از نگاه داشتن از گناه لذت می برد (اول یوحنا ۵: ۱۸).

۴- شخص از نو تولد یافته همچنین میراث خدا و هم ارث مسیح می باشد (رومان ۸: ۱۷). گرچه او هنوز وارث آن میراث خدا که در آینده رخ می دهد، نشده است ولی خدا به او هدیه روح القدس را به عنوان نشانه ارث خود داده است (افسسیان ۱: ۱۳). آن ثمرات

شاید بطور واضح و از ظاهر دیده نشود ولی آنها برای شخص تولد یافته به خانواده خدا بسیار واقعی است.

سؤالات این درس:

۱- تولد دوباره را تعریف کنید؟

۲- آیا تولد دوباره برای انسان ضروری است؟ چرا؟

۳- تولد دوباره چه تأثیری بر زندگی انسان می گذارد؟

۴- همه انسانها ذاتاً چگونه هستند با آیه ای برای هر یک بنویسید؟

۵- کتاب مقدس کسانیکه عیسی مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود ردّ می کنند را چه می نامد؟ آیه ای را بنویسید؟

۶- چه چیزهایی در تولد دوباره انسان شرکت دارند؟

۷- آیا غسل تعمید برای تولد دوباره انسان ضروری است؟ با آیه ای دلیل بیاورید؟

۸- سهم خادمان کلام در نجات انسانها چیست؟ آیه ای را در این باره بنویسید؟

۹- عامل تأثیرگذار اصلی در تولد دوباره چه کسی می باشد؟ آیه ای را بنویسید؟

۱۰- ثمرات تولد دوباره کدامند؟

آیه های کلیدی این درس: یوحنا^۳: ۵-۳؛ اول پطرس ۱: ۲۳؛ تیطوس ۳: ۵

درس ۱۱: نجات

وقتی که من نجات پیدا کردم چه اتفاقی افتاد و رابطه من با خداوند چیست؟

وقتی که عیسی مسیح را به عنوان منجی تان دریافت کردید، شما بهترین و مهمترین تصمیم در زندگیتان را گرفتید. هرچند بعید است که شما اهمیت واقعی چیزی که در زندگیتان اتفاق افتاد را درک کنید هدف این درس اینست که شما را بطور مختصر از چیزهایی که اتفاق افتاد، آگاه سازد و بگوید چگونه تصمیم تان برای رابطه مقدماتی با خداوند بر شما اثر گذاشت.

۱. تنها دو خانواده روحانی در دنیا وجود دارد

الف) خانواده شیطان

- یوحنا ۸: ۴۴ راجب به گروهی از مردم صحبت می کند که از پدر خود ابلیس می باشند. " شما از پدر خود ابلیس می باشید و خواهشهای پدر خود را می خواهید به عمل آرید. او از اول قاتل بود و در راستی ثابت نمی باشد، از آنجهت که در او راستی نیست. هرگاه به دروغ سخن می گوید، از ذات خود می گوید زیرا دروغگو و پدر دروغگویان است." همچنین رجوع کنید به یوحنا ۸: ۳۸

- ما با تولدمان بوسیله پدر زمینی، وارد خانواده زمینی خود می شویم. پدری که از نسل آدم می باشد پیدایش ۵: ۳ نشان می دهد که نوادگان آدم در تصویر و شباهت آدم که یک گناهکار شکست خورده می باشد متولد شده اند. " و آدم صد و سی سال بزیست، پس پسری به شیه و بصورت خود آورد، و او را شیت نامید."

- ما ذات گناه را از پدرمان آدم به ارث برده ایم. رومیان ۵: ۱۲ "بنابراین همچنان که بوسیله یک انسان گناه وارد جهان گردید و مرگ بوسیله گناه و به اینگونه مرگ بر همه انسانها جاری گشت از آنجا که همه گناه کرده اند."

رومیان ۵: ۱۲ بیان می کند که در نتیجه گناهانمان ما به مرگ محکوم شدیم.

الف) رومیان ۶: ۲۳ "مزد گناه مرگ است." (ب) اول قرنیتان ۱۵: ۲۲ "در آدم همه می میرند"

ب) خانواده خدا

۱. یوحنا ۱: ۱۲-۱۳ "اما همه کسانی که او را دریافت کردند (تصمیمی که عیسی مسیح را به عنوان منجی دریافت کنی) به آنها او قدرت داد تا فرزندان خدا گردند (ورودتان به خانواده خدا) حتی به آنهایی که به نامش ایمان می آورد که نه از خون نه از اراده جسم نه از اراده انسان (آن تولد جسمانی نیست) بلکه از خدا تولد یافتند. (آن تولد روحانی می باشد)."

۲. همچنین با تولد وارد خانواده خدا می شویم اما این تولد روحانی می باشد که به وسیله پدر روحانی ما صورت می گیرد یوحنا ۳: ۳ "مگر اینکه یک شخص از نو متولد نشود، نمی تواند ملکوت خدا را ببیند."

۳. این تولد تازه ما را در خانواده خدا قرار می دهد، همانطوریکه تولد جسمانی ما را در خانواده پدرمان قرار می دهد. ما حالا با تولد فرزند خدا هستیم.

۴. در نتیجه تولد تازه مان ما ذات الوهیت خدا را به ارث می بریم و حالا ما حیات ابد داریم.

- یوحنا ۶: ۴۷ "هر که به من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد" (زمان حال)

- یوحنا ۳: ۳۶ "هر که به پسر ایمان آورد، حیات جاودانی دارد" (زمان حال)

- اول یوحنا ۵: ۱۲ "هر که پسر را دارد، حیات دارد" (زمان حال)

۲. قرار گرفتن در خانواده خدا ما را از خانواده شیطان جدا می کند.

الف) بدن های ما حالا معبد روح القدس است. روح القدس خداوند در درون ما زندگی می کند. اول قرنیتان ۶: ۱۹ "یا نمی دانید که بدن شما هیكل روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟"

ب) دوم قرنیتان ۶: ۱۴ - ۱۸ به ایمانداران حکم می کند که فرق بین خود و بی ایمانان را نگه دارند. "زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه رفاقت و نور را با ظلمت چه شراکت است؟ و مسیح را با بلیعال چه مناسبت و مؤمن را با کافر چه نصیب است؟ و هیكل خدا را با بتها چه موافقت؟ زیرا شما هیكل خدای حی می باشید، چنانکه خدا گفت که در ایشان ساکن خواهم بود و در ایشان راه خواهم رفت و خدای ایشان خواهم بود، و ایشان قوم من خواهند بود. پس خداوند می گوید از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید و چیز ناپاک را لمس نکنید تا من شما را مقبول بدارم، و شما را پدر خواهم بود و شما مرا پسران و دختران خواهید بود؛ خداوند قادر مطلق می گوید."

ج) زندگی تازه برای ما کاملاً خلاصه شده در دوم قرنیتان ۵: ۱۷ - ۱۸ "بنابراین اگر یک شخص در مسیح باشد یک خلقت تازه است چیزهای کهنه در گذشته است، اینک همه چیز تازه شده اند و همه چیز از خدا هستند که ما را بوسیله عیسی مسیح به خودش صلح داده است."

۳. اینک رابطه من با خدا چیست؟

الف) او پدر آسمانی ماست و ما فرزندان او هستیم. اول یوحنا ۲: ۱ می گوید: "فرزندان کوچک من این چیزها را به شما می نویسم که شما گناه نکنید و اگر کسی گناه کند ما یک مدافع داریم با پدر، یعنی عیسی مسیح عادل."

ب) اکنون که ما نجات یافته ایم خداوند با ما به عنوان گناهکار برخورد نمی کند بلکه به عنوان فرزند با ما برخورد می کند.

ج) این رابطه تصویری است از رابطه زمینی بین پدر و فرزندانش:

۱. یک پدر خوب فرزندش را دوست دارد و به او توجه می کند. اول پطرس ۵: ۷
 ۲. یک پدر خوب از فرزندش محافظت می کند. متی ۱۸: ۶
 ۳. یک پدر خوب احتیاجات فرزند خود را رفع می نماید. فیلیپیان ۴: ۱۹
 ۴. یک پدر خوب فرزندش را هدایت و تعلیم می کند. یوحنا ۱۴: ۲۶
 ۵. یک پدر خوب به فرزندش کمک می کند. مزمیر ۴۶: ۱
 ۶. یک پدر خوب فرزندش را تشویق می کند. فیلیپیان ۴: ۱۳
 ۷. یک پدر خوب فرزندش را تربیت می کند. عبرانیان ۱۲: ۵ - ۱۱
 ۸. یک پدر خوب فرزندش را سیر می کند. متی ۴: ۴
 ۹. یک پدر خوب برای فرزندش برنامه ریزی می کند. رومیان ۸: ۲۸ - ۲۹
 ۱۰. یک پدر خوب هرگز کاری نمی کند که با قصد به فرزندش آسیب برساند. او فقط کاری خواهد کرد که کمک کند فرزندش رشد کند همانطوریکه او می خواهد فرزندش بالغ و جوان شود، پدر آسمانی ما نیز به همینگونه عمل می کند فقط روش های اوست که کامل است. بر عکس پدر زمینی ما که بعضی وقتها خطا می کند، خداوند هرگز در معامله اش با فرزند خویش اشتباه نمی کند.
- " پس اگر شما که شریر می باشید می دانید چطور به فرزندان خود هدایای نیکو دهید، چقدر بیشتر پدرتان که در آسمان است چیزهای نیکو را به آنهایی که از او می خواهند، خواهد داد. "
- متی ۷: ۱۱

۴. وقتی که تولد روحانی یافتیم، ما ذات جسمانی مان را از دست ندادیم.

الف) این مسلم است زیرا که ما هنوز زنده ایم.

ب) ما اکنون دو ذات داریم :

۱. **ذات کهنه** - جسمانی، گناه آلود، در شباهت آدم

۲. **ذات نو** - روحانی، کامل، در شباهت خدا

ج) هر دو ذات دائماً در ما وجود دارد. هر کدام که ما را کنترل می کند آن چیزی است که ما آن را سیر می کنیم.

کولسیان ۳: ۵-۱۰ "پس اعضای خود را که بر زمین است مقتول سازید، زنا و ناپاکی و هوی و هوس و شهوت قبیح و طمع که بت پرستی است که به سبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت وارد می آید. که شما نیز سابقاً در اینها رفتار می کردید، هنگامی که در آنها زیست می نمودید. لیکن الحال شما همه را ترک کنید، یعنی خشم و غیظ و بدخویی و بدگویی و فحش را از زبان خود. به یکدیگر دروغ مگویید، چونکه انسانیت کهنه را با اعمالش از خود بیرون کرده اید، و تازه را پوشیده اید که به صورت خالق خویش تا به معرفت کامل، تازه می شود."

دوم قرن ثیان ۴: ۱۴-۱۸ "چون می دانیم او که عیسی خداوند را برخیزانید، ما را نیز با عیسی خواهد برخیزانید و با شما حاضر خواهد ساخت. زیرا که همه چیز برای شما است تا آن فیضی که به وسیله بسیاری افزوده شده است، شکرگزاری را برای تمجید خدا بیفزاید. از این جهت خسته خاطر نمی شویم، بلکه هر چند انسانیت ظاهری ما فانی می شود، لیکن باطن روز بروز تازه می گردد. زیرا که این زحمتِ سبکِ ما که برای لحظهای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می کند. در حالی که ما نظر نمی کنیم به چیزهای دیدنی، بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است، زمانی است و نادیدنی جاودانی."

الف) آیا من بعد از اینکه نجات پیدا کردم، گناه می کنم ؟

بله ما هنوز ذات کهنه گناه آلود داریم. رومیان ۷ : ۲۵ "خدا را شکر میکنم بوساطت خداوند ما عیسی مسیح . خلاصه اینکه من به ذهن خود شریعت خدا را بندگی می کنم و اما به جسم خود شریعت گناه را."

ب) چگونه گناهان من بر رابطه من با پدر آسمانی تاثیر می گذارد؟

وقتی که ما گناه می کنیم، خداوند ما را از خانواده خودش بیرون نمی اندازد بلکه او ما را به عنوان فرزند خویش تربیت می کند. عبرانیان ۱۲ : ۵-۱۱ " و نصیحتی را فراموش نموده‌اید که با شما چون با پسران مکالمه می کند که ای پسر من تأدیب خداوند را خوار مشمار و وقتی که از او سرزنش یابی، خسته‌خاطر مشو. زیرا هر که را خداوند دوست می دارد، توبیخ می فرماید و هر فرزند مقبول خود را به تازیانه می زند. اگر متحمل تأدیب شوید، خدا با شما مثل با پسران رفتار می نماید. زیرا کدام پسر است که پدرش او را تأدیب نکند؟ لکن اگر بی تأدیب می باشید، که همه از آن بهره یافتند، پس شما حرامزادگانید نه پسران. و دیگر پدران جسم خود را وقتی داشتیم که ما را تأدیب می نمودند و ایشان را احترام می نمودیم، آیا از طریق اولی پدر روح‌ها را اطاعت نکنیم تا زنده شویم؟ زیرا که ایشان اندک زمانی، موافق صوابدید خود ما را تأدیب کردند، لکن او بجهت فایده تا شریک قدّوسیت او گردیم. لکن هر تأدیب در حال، نه از خوشیها بلکه از دردها می نماید، اما در آخر میوه عدالت سلامتی را برای آنانی که از آن ریاضت یافته‌اند بار می آورد."

ج) وقتی که گناه می کنم، چه کاری باید انجام دهم ؟

گناهانت را اعتراف کن و به خون عیسی مسیح اعتماد کن که گناهانت را پاک کند. اول یوحنا ۱ : ۶-۱۰ و امثال ۲۸ : ۱۳ "هر که گناه خود را بپوشاند، سعادت‌مند نخواهد شد؛ اما هر که آن را اعتراف کند و ترک نماید رحمت خواهد یافت."

سوالات این درس:

۱. دو پدر روحانی که در یوحنا ۸ : ۳۸ ذکر شده چه کسی می باشند؟ آیه ای از کتاب مقدس در این رابطه بیاورید؟

(الف)

(ب)

۲. چگونه یک شخص وارد خانواده شیطان می شود؟

۳. چگونه یک شخص وارد خانواده خدا می شود؟

۴. چرا انسانها بعد از تولد جسمانی یا اولین تولد، محکوم به مرگ هستند؟

۵. سه آیه که به ما وعده حیات جاودان می دهد را بنویسید؟

(الف)

(ب)

(ج)

۶. دو دلیل بیاورید که چرا یک مسیحی در خانواده خدا با یک غیر مسیحی در خانواده شیطان
فرق می کند؟

(الف)

(ب)

۷. خداوند اکنون با ما به عنوان برخورد می کند نه به عنوان یک
.....

۸. رابطه تازه ما با خدا می تواند بوسیله رابطه زمینی یک پدر با فرزندش دیده شود. ۹ راهی که
خداوند با ما به عنوان فرزندش معامله می کند را ذکر کنید؟

-۱

-۲

-۳

-۴

-۵

-۶

-۷

-۸

-۹

۹. به طور خلاصه دو ذاتی که ما داریم را شرح دهید؟

(الف)

(ب)

۱۰. دلیلی که یک ذات به ذات دیگر چیره می شود چیست؟

۱۱. وقتی که یک مسیحی انتخاب کند که به یک گناه خاص ادامه دهد، چه انتظاری از خداوند باید داشته باشد؟

۱۲. طبق اول یوحنا ۱: ۹ وقتی که گناهانمان را به خدا اعتراف می کنیم او ما را و ما را از همه ناراستی.....

۱۳. به طور خلاصه هدف این درس را شرح دهید.

آیه های کلیدی این درس: رومیان ۵: ۱۲، یوحنا ۳: ۳ و اول یوحنا ۱:

درس ۱۲: اطمینان یافتن از نجات

"اکنون که من نجات یافته ام، آیا می توانم نجاتم را از دست بدهم؟"

یکبار که شخص سؤالات راجب به نجات را که کتاب مقدس بیان می کند، رفع می کند، نیازمند است که بفهمد چگونه تصمیم او بر کل زندگی اش اثر گذاشته است.

دردرس پنجم، یاد گرفتیم که دو خانواده روحانی روی این زمین وجود دارند. ما یاد گرفتیم که دراوِلین تولد یعنی تولد جسمانی، ما به داخل خانواده شیطان متولد شدیم و درتولد روحانی، زمانی که عیسی مسیح را به عنوان منجی دریافت کردیم، در خانواده خدا متولد شدیم (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳). دراین درس ما راجب به موقعیت و جایگاه یک نوایمان در خانواده خدا بحث خواهیم کرد و سؤالات راجب به تضمین و اطمینان از نجات یک مسیحی را با حقایق کتاب مقدس پاسخ خواهیم داد.

اقرار کردن با زبان خود به خداوند بودن عیسی مسیح

یکی از دروغهایی که شیطان در افکار ما می گنجاند اینست که شاید نجات پیدا نکرده ایم چون شاید هنگامیکه نام عیسی مسیح را برای نجاتمان خواندیم، به اندازه کافی صادق نبودیم.

سؤال: از کجا می دانیم که ما وقتی که نام عیسی را برای نجاتمان خواندیم، به اندازه کافی صادق بودیم؟ جواب:

۱- رومیان ۱۰: ۹ برای سنجیدن نجات واقعی دو آزمایش به ما می دهد. این دو آزمایش عبارتند از:

أ. "اگر به زبان خود اعتراف به عیسی خداوند کنی و

ب. دردل خود اعتقاد داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت."

اگر ما اعتقاد داشته باشیم که خدا، عیسی مسیح را از مردگان برخیزاند، ما دومین شرط (ب) را پشت سر گذاشتیم. معنی شرط اول، "اگر به زبان خود اعتراف به عیسی خداوند کنی" چیست؟

این یعنی اگر ما به دیگران اعتراف کنیم که "عیسی مسیح خداوند را به عنوان نجات دهنده دریافت کردیم". این ثابت می کند که ما جدی هستیم و بنابراین واقعاً نجات پیدا کرده ایم. آیا می توانید این اعتراف را به دیگران بکنی؟

۲- اگر ما در نزد دیگران عیسی مسیح را اعتراف کنیم، مسیح نیز ما را در نزد خدای پدر اعتراف خواهد کرد. "هر که در حضور مردم مرا اقرار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است او را اقرار خواهم نمود. و هر کس که در حضور مردم مرا انکار نماید، من نیز وی را نزد پدر خود که در آسمان است انکار خواهم نمود." (متی ۱۰: ۳۲ و ۳۳).

۳- اگر ما مسیح را در حضور مردم اقرار کنیم، مسیح نیز ما را در نزد فرشتگان خدا اقرار خواهد کرد. "...هر آنکس که مرا در حضور مردم تصدیق نماید، پسرانسان نیز وی را در حضور فرشتگان تصدیق خواهد کرد. ولی آنکس که مرا انکار کند نزد مردم، در نزد فرشتگان خدا انکار خواهد شد. (لوقا ۱۲: ۸ و ۹)

سؤال: از نکته ۲ و ۳ بالا کدام دو چیز را عیسی مسیح برای ما انجام خواهد داد، اگر ما عیسی مسیح را به عنوان منجی در نزد مردم اقرار کنیم؟

آیا به کسی گفته اید که عیسی مسیح را به عنوان خداوند و منجی تان دریافت کرده اید؟ اسمشان چه بود ————— در چه تاریخی: —————

چند نکته در مورد اطمینان داشتن از نجات خود و رفتن به بهشت:

۱- درباره اطمینان از نجاتمان، بیاید وعده های عیسی مسیح را مطالعه کنیم.

الف) عیسی مسیح وعده می دهد که، "... هر که پیش من آید، من به هیچ وجه بیرون نخواهم کرد" (یوحنا: ۳۷). خدا هرگز ما را از خانواده خود بیرون نخواهد کرد، حتی اگر در هر شرایطی که باشد.

ب) یوحنا ۱۰: ۲۷-۲۹ بطور واضح بیان می کند که هیچ کس نمی تواند باعث شود که ما نجاتمان را ازدست بدهیم، زیرا پدر آسمانی ما از همه بزرگ تر است. بنابراین کسی نمی تواند ما را ازدست او بگیرد. "گوسفندان من آواز مرا می شنوند و من آنها را می شناسم و مرا متابعت می کنند. و من به آنها حیات جاودانی می دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچکس آنها را از دست من نخواهد گرفت. پدری که به من داد از همه بزرگتر است و کسی نمی تواند از دست پدر من بگیرد."

۲- بسیار خوب، خدا مرا بیرون نخواهد کرد، و هیچ کس نمی تواند مرا ازدست او بگیرد، ولی خود من چگونه؟ آیا می توانم کاری انجام دهم که نجاتم را ازدست بدهم؟

الف) نجات بوسیله فیض از طریق ایمان است، و نه بوسیله اعمال. آن یک هدیه است از طرف خدا. هیچ کس نمی تواند خودش باعث از دست دادن آن شود، چون هیچ کس آنرا خودش بدست نیاورده است " زیرا بوسیله فیض نجات یافته اید، از طریق ایمان و این از خودتان نیست، آن هدیه خداست نه از اعمال مبدا کسی به خود بیالذ. " (افسیسان ۲: ۸-۹).

ب) غلاطیان ۳: ۱۰ و یعقوب ۲: ۱۰ به ما می گوید که اگر ما کاری انجام می دادیم که بخواهیم نجات را بدست بیاوریم یا آنرا نگه داریم، می توانستیم آنرا به آسانی ازدست بدهیم. اما کتاب مقدس به ما اطمینان می دهد که آن عیسی مسیح است که ما را حفظ می کند، نه ما خودمان. دوم تیموتائوس ۱: ۱۲ "و از این جهت این زحمات را می کشم بلکه عار ندارم چون می دانم به که ایمان آوردم و مرا یقین است که او قادر است که امانت مرا تا به آن روز حفظ کند."

پ) غلاطیان ۲: ۲۱ بیان می کند که اگر ما می توانستیم با کارهایی که ما انجام می دهیم، عادل شویم، پس مرگ عیسی مسیح یک کار بیهوده بود. "فیض خدا را باطل نمی سازم، زیرا اگر عدالت به شریعت می بود، هرآینه مسیح عبث مرد."

۳- بسیارخوب، خدا مرا بیرون نخواهد کرد، هیچ کس نمی تواند باعث شود که من نجاتم را از دست دهم، ومن خودم هم نمی توانم آن را ازدست بدهم، ولی آیا چیز دیگری وجود دارد که باعث ازدست دادن نجاتم شود؟

خیر، رومیان ۸: ۳۸-۳۹، "زیرا من یقین دارم که نه":

الف) "مرگ" - ما نمی توانیم آنرا از دست بدهیم وقتی که می میریم.

ب) "زندگی" - نمی توانیم آنرا ازدست بدهیم زمانیکه هنوز زنده هستیم.

پ) "فرشتگان" - نمی توانند آنرا از ما بگیرند.

ت) "رؤسا" - دولتها نمی تواند آنرا از ما بگیرد.

ث) "قدرتها" - شیطان نمی تواند باعث شود که آنرا ازدست بدهیم.

ج) "چیزهای حال" - چیزهایی که هم اکنون اتفاق می افتند نمی توانند آنرا ازبین ببرند.

چ) "چیزهای آینده" - اتفاقات آینده نمی توانند باعث از دست دادن آن بشوند.

ح) "بلندی" - هیچ چیز بالای ما (آسمان).

خ) "پستی" - هیچ چیز زیر ما.

د) نه هیچ مخلوق دیگری قادر خواهد بود که ما را از محبت خدا که در مسیح عیسی خداوند ماست، جدا سازد."

۴- چرا اینگونه است؟

الف) زیرا ارتباط ما با خدا یک ارتباط پدر و فرزند بوسیله تولد است. یوحنا: ۱۲-۱۳ "و اما به آن کسانی که او را دریافت کردند، به آنها او قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولد یافتند."

ب) وقتی که ما جسماً به دنیا آمدیم، یک ثبتي از تولدمان وجود داشت که شناسنامه خوانده می شود. وقتی که ما تولد دوباره می یابیم، این تولد ما نیز ثبت می شود. اول یوحنا: ۵: ۱۱-۱۳ "و آن شهادت این است که خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات در پسر اوست. آنکه پسر را دارد حیات را دارد و آنکه پسر خدا را ندارد حیات را نیافته است. این را نوشتیم به شما که به اسم پسر خدا ایمان آورده اید تا بدانید که حیات جاودانی دارید و تا به اسم پسر خدا ایمان بیاورید."

پ) در زمان تولدمان، شناسنامه ما مهر خورده شد. تولد روحانی ما نیز بوسیله روح القدس خداوند مهر خورد. افسسیان: ۱: ۱۳ "و در وی، شما نیز چون کلام راستی، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید، در وی چون ایمان آوردید، از روح قدوس وعده مختوم شدید." همچنین به افسسیان ۴: ۳۰ رجوع کنید.

ت) ما تا به ابد فرزندان پدرمان خواهیم بود زیرا ما از تخم او تولد یافتیم. ما می توانیم کشورمان را ترک کنیم، اسم مان را عوض کنیم و از خانواده پدری فرار کنیم و هرگز او را نبینیم و بقیه

طول عمرمان از او نشنویم، ولی هیچ یک از اینها آن واقعیت که او پدرماست را عوض نمی کند. در رابطه با پدر آسمانی ما نیز اینگونه است. ما می توانیم بمیریم ولی نمی توانیم این تولد را از بین ببریم. هر دو تولدمان (تولد جسمانی و روحانی) تا به ابد صورت گرفته و حتی خداوند خودش نیز نمی تواند اینرا تغییر دهد.

سؤالات پایه ای:

۱- چگونه می توانم مطمئن شوم که نجات یافته ام؟

نامه اول یوحنا برای همین هدف نوشته شده است. اول یوحنا ۵: ۱۳ می گوید، " این چیزها را به شما نوشته ام که به نام پسر خدا ایمان آورید؛ تا بدانید که حیات جاودان دارید..." به عنوان یک مسیحی نوایمان، اول یوحنا می تواند به شما کمک کند که این سوال برطرف شود تا بتوانید در ایمانتان رشد کنید.

۲- اگر احساس نکنم نجات یافته ام چطور؟

الف) نجات ما براساس احساسات بنا نشده، بلکه براساس حقیقت کلام خدا بنا شده است.

اول یوحنا ۳: ۲۰ می گوید، " زیرا اگر دل ما، ما را محکوم سازد (ما فکر می کنیم یا احساس می کنیم)، خدا ازل ما بزرگتر است و همه چیزها را می داند." خدا می داند اگر ما نجات را داریم، حتی اگر خود ما ندانیم.

تیتس ۱: ۲ می گوید، " به امید حیات جاودانی که خدایی که نمی تواند دروغ بگوید، وعده داد قبل از اینکه دنیا آغاز شد."

ب) فقط ایمان داشته باش به چیزی که خداوند فرموده. اول یوحنا ۲: ۲۵ " و این است آن وعده ای که او به ما داده است یعنی حیات جاودان."

سؤالات این درس:

۱- دریوحنا ۶: ۳۷ وعده ای که به ما داده شده است که ما می توانیم ادعا کنیم، چیست؟

۲- از یوحنا ۱۰: ۲۷-۲۹، می توانیم بفهمیم که هیچ کس نمی تواند باعث از دست دادن نجاتمان شود. چرا اینگونه است؟

۳- ما نمی توانیم کاری انجام دهیم که باعث از دست دادن نجاتمان شود. از آیه زیر چه چیزی می توانیم یاد بگیریم که از این امر حمایت می کند؟

(الف) افسسیان ۲: ۸-۹

(ب) دوم تیموتائوس ۱: ۱۲

(ج) غلاطیان ۲: ۲۱

۴- آیا در کل چیزی وجود دارد که ما را از محبت خدا جدا سازد؟

۵- رومیان ۸: ۳۸-۳۹ نشان می دهد که ما محبت خدا را در..... دریافت کرده ایم.

۶- به طور اختصار سه نمونه ای که تولد روحانی ما را به تولد جسمانی ربط می دهد، شرح دهید؟

(الف)

(ب)

(ج)

۷- چه آیه ای بیان می کند که ما می توانیم بدانیم که حیات جاودان داریم؟

۸- آیه های زیر چه چیزی را درباره وعده حیات جاودان به ما می آموزد؟

الف) اول یوحنا ۳: ۲۰

ب) تیتس ۱: ۲

ج) اول یوحنا ۲: ۲۵

۹- مختصراً هدف این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: افسسیان ۲: ۸-۹ و اول یوحنا ۲: ۲۵ و اول یوحنا ۵: ۱۳

درس ۱۳: غسل تعمید

" اکنون که من نجات یافته ام، از کجا باید شروع کنم؟ "

تقریباً هر مذهبی بعضی از روش های غسل تعمید را که قسمتی از تعلیماتشان می باشد تعلیم می دهند و تفاوت های نحوه غسل تعمید گسترده هستند. این درس قصد دارد که تعلیم واضح و قطعی از کتاب مقدس در این رابطه به ما بدهد که شخص کاملاً آشنایی پیدا کند که هدف خداوند راجب به غسل تعمید چیست.

۱- چرا خداوند به ما امر می کند که غسل تعمید بگیریم؟

الف) غسل تعمید اولین عمل اطاعت در خدمت به خداوند است. هر کسی می تواند غسل تعمید گیرد، و آن نیازی به استعداد و توانایی ندارد.

ب) عیسی مسیح خودش قبل از اینکه خدمت عمومی خود را شروع کند، با غسل تعمید گرفتن این نمونه را برای ما گذاشت. متی ۳: ۱۳-۱۷ " آنگاه عیسی از جلیل به اردن نزد یحیی آمد تا از او تعمید یابد. ۱۴ اما یحیی او را منع نموده ، گفت: من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو نزد من می آیی؟ عیسی در جواب وی گفت: الآن بگذار زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم پس او را وا گذاشت . ۱۶ اما عیسی چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی می آید. ۱۷ آنگاه خطابی از آسمان در رسید که، "این است پسر حبیب من که از او خوشنودم." (همچنین به مرقس ۱: ۹-۱۱؛ لوقا ۳: ۲۱-۲۲ رجوع کنید).

ج) در متی ۳: ۱۳-۱۵، واضح است که عیسی مسیح در اطاعت به اهداف خدا، غسل تعمید گرفت.

در آیه ۱۵ او فرمود، " بگذار اینک آن اینگونه باشد: زیرا که ما را مناسب است که تمام عدالت را به کمال برسانیم." این نکته تسلیم و اطاعت یک امر مهمی است که درباره غسل تعمید می توانیم تشخیص دهیم.

د) شخصیت های دیگر در کتاب مقدس، که بعد از نجات غسل تعمید گرفتند.

۱. **خواجه سرای حبشی.** اعمال رسولان ۸: ۳۶-۳۹ " و چون در عرض راه به آبی رسیدند، خواجه گفت، اینک، آب است! از تعمید یافتنم چه چیز مانع می باشد؟ فیلیس گفت، هر گاه به تمام دل ایمان آوردی، جایز است. او در جواب گفت، ایمان آوردم که عیسی مسیح پسر خداست. پس حکم کرد تا ارابه را نگاه دارند و فیلیس با خواجه سرا هر دو به آب فروود شدند. پس او را تعمید داد.

و چون از آب بالا آمدند، روح خداوند فیلیس را برداشته، خواجه سرا دیگر او را نیافت زیرا که راه خود را به خوشی پیش گرفت."

۲. **پولس رسول.** " در ساعت از چشمان او چیزی مثل فلس افتاده، بینایی یافت و برخاسته، تعمید گرفت." اعمال ۹: ۱۸

۳. **زندانان فیلیپی با خانه اش.** اعمال ۱۶: ۲۵-۳۳

۲- **هدف از غسل تعمید چیست؟**

الف) چندین نوع از غسل تعمید در کتاب مقدس ذکر شده است. در هر مورد تعمید فیزیکی تصویری از تعمید روحانی می باشد. نکته مهم برای در نظر گرفتن، آن تصویری است که غسل تعمید به نمایش می گذارد.

ب) رومیان ۶: ۱-۷ (مخصوصاً آیه ۳-۴) نشان می دهد که غسل تعمید ۲ هدف دارد. " پس چه گوئیم؟ آیا در گناه بمانیم تا فیضافزون گردد؟ حاشا! مایانی که از گناه مردیم، چگونه دیگر در آن زیست کنیم؟ یا نمی دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در موت او تعمید یافتیم؟ پس چونکه در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم. زیرا اگر بر مثال موت او متحد گشتیم، هرآینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد. زیرا این را می دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم. زیرا هر که مُرد، از گناه مبرا شده است."

۱. آن نماد و تصویری از مرگ، دفن، و رستاخیز عیسی مسیح است.

۲. آن شهادتی برای نو ایمان در منظر عموم است که هویت او را با مرگ، دفن و رستاخیز عیسی مسیح شناسایی می کند، همانطوریکه او نجات یافت. او به عنوان پیرو عیسی مسیح شناخته می شود.

۳- چه کسی می تواند غسل تعمید بگیرد؟

الف) واضح ترین موردی از تعمید یک شخص در کتاب مقدس خزانه دار حبشی می باشد در اعمال ۸: ۲۶-۳۹. در آیه ۳۶، خزانه دار پرسید، "چه چیزی مانع غسل تعمید گرفتن من می باشد؟" سپس فیلیپس با شرایط غسل تعمید گرفتن در آیه ۳۷ جواب داد، "اگر با تمام دل ایمان آوری، می توانی." سپس جواب خزانه دار به این مورد خاتمه داد، "من ایمان دارم که عیسی مسیح پسر خداست."

ب) یک طفل خردسال نمی تواند تعمید بگیرد، چون نمی تواند با تمام دل ایمان بیاورد که عیسی مسیح پسر خداست.

ج) تنها شرایط غسل تعمید گرفتن، نیاز به نجات می باشد که در رومیان ۱۰: ۹-۱۰ یافت می شود. " زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت. چونکه به دل ایمان آورده می شود برای عدالت و به زبان اعتراف می شود بجهت نجات."

۱. ایمان قلبی به عیسی مسیح به عنوان خداوند و منجی (نه به عنوان یک انسان و یا پیامبر)

۲. اعتراف زبانی که او خداوند و نجات دهنده است.

د) هیچ موردی از غسل تعمید در کتاب مقدس یافت نمی شود جز تعمید ایمانداران.

ر) بعضی از مورد های غسل تعمید در کتاب مقدس، بلافاصله بعد از نجات انجام شد. مثل آیه های زیر:

۱. اعمال ۸: ۱۲ "لیکن چون به بشارت فیلیپس که به ملکوت خدا و نام عیسی مسیح می داد، ایمان آوردند، مردان و زنان تعمید یافتند."

۲. اعمال ۱۸: ۸ "اما کرسپس، رئیس کنیسه با تمامی اهل بیتش به خداوند ایمان آوردند و بسیاری از اهل قُرْنُتُس چون شنیدند، ایمان آورده، تعمید یافتند."

۴- روش صحیح انجام غسل تعمید چیست؟

الف) دوباره در اعمال ۸: ۲۶-۳۹ نمونه واضحی از تعمید است. در آیه ۳۸-۳۹ هر دو فیلیپس و خزانة دار حبشی رفتند داخل آب و از آب بیرون آمدند.

ب) در متی ۳: ۱۶ عیسی مسیح به همینگونه غسل تعمید گرفت (یعنی کاملاً داخل آب غوطه ور شد). "اما عیسی چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد..."

ج) همانطور که قبلاً اشاره شد، غسل تعمید نمادی از مرگ، دفن و رستاخیز عیسی مسیح می باشد. تنها راهی که می توانی یک شخص را دفن کنی اینست که او را زیر خاک بگذاری. تنها روشی که کتاب مقدس در رابطه با غسل تعمید تعلیم می دهد، غوطه ورشدن کامل داخل آب است. هیچ کس در کتاب مقدس به روش پاشیدن آب روی پیشانی غسل تعمید نگرفت.

د) در غسل تعمید هنگامیکه داخل آب می رویم، ما نشان می دهیم که ایمان داریم عیسی مسیح برای گناهان ما مُرد و دفن شد و هنگامیکه از آب بیرون می آییم، نشان می دهیم که ایمان داریم عیسی مسیح از مردگان برخاست. و به همینگونه که عیسی مسیح مُرد و دفن شد، ما هم نسبت به آن کسی که قبلاً بودیم با تمام گناهان، اعتقادات و مذاهب قبلی مُردیم و آن شخص کهنه مُرد و دفن شد (رومان ۶: ۳-۱۱). و هنگامیکه از آب بیرون می آییم، مثل رستاخیز عیسی مسیح، ما نیز یک خلقت تازه در مسیح می باشیم (دوم قرنتیان ۵: ۱۷) کسی که گناهانش در مسیح بخشیده شده است.

۵- غسل تعمید چقدر اهمیت دارد؟

الف) غسل تعمید برای نجات الزامی نمی باشد. افسسیان ۲: ۸-۹ واضح و روشن می کند که یک شخص بوسیله فیض خدا از طریق ایمانش و بدون اعمال یا غسل تعمید نجات پیدا می کند. "زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه هدیه خداست، و نه از اعمال، تا هیچ کس فخر نکند."

ب) آن الزامی است برای خدمت و رشد روحانی. متی ۲۸: ۱۹-۲۰ (حکم بزرگ) این را ثابت می کند که آن الزامی است. غسل تعمید قسمت کاملی از حکم بزرگ عیسی مسیح می باشد که قبل از تعلیم آمده است. "پس رفته، همه امت ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر

و روح القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم. آمین

ج) قبل از اینکه شخص تعلیم یابد که پیرو عیسی مسیح باشد، باید بخواهد که خودش را برای اولین عمل اطاعت از خداوند (که غسل تعمید می باشد) تسلیم کند. اگر او بخواهد اولین عمل اطاعت را امتناع کند، او از احکامهای آینده نیز اطاعت نخواهد کرد. متی ۳: ۱۳-۱۵ "آنگاه عیسی از جلیل به اردن نزد یحیی آمد تا از او تعمید یابد. اما یحیی او را منع نموده ، گفت: من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو نزد من می آیی؟ عیسی در جواب وی گفت: الآن بگذار، زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم."

سؤالات پایه ای:

۱- کجا باید غسل تعمید بگیرم؟

از آنجایی که غسل تعمید یک اعتراف عمومی از ایمانمان در عیسی مسیح می باشد، بیشتر مواقع آن باید در منظر عموم در کلیسای محلی صورت گیرد. بعضی مواقع این عمل در رودخانه ها جایی که عمق آب زیاد است صورت می گیرد. (یوحنا ۳: ۲۳) "و یحیی نیز در عینون ، نزدیک سالیم تعمید می داد زیرا که در آنجا آب بسیار بود و مردم می آمدند و تعمید می گرفتند." که این نیز طبق کتاب مقدس درست است. عیسی مسیح خودش در رود اردن غسل تعمید گرفت. مکان درست غسل تعمید زیاد مهم نیست. شهادت عمومی از شناخته شدنمان با عیسی مسیح نکته مهمی است.

سؤالات این درس:

۱- دلیل کلیدی بیاورید که چرا خدا به ما امر فرموده که غسل تعمید بگیریم؟

۲- در متی ۱۳: ۱-۱۵، عیسی غسل تعمید گرفت که _____ و _____ خود را به خدا و

برنامه او نشان دهد. عیسی این را به کمال رساند قبل از اینکه _____ خود

را شروع کند.

۳- سه شخصیت های دیگری که در کتاب مقدس بعد از نجاتشان غسل تعمید گرفتند را نام

ببرید؟

(الف)

(ب)

(ج)

۴- طبق رومیان ۶: ۳-۴ هدف از غسل تعمید گرفتن چیست؟

(الف)

(ب)

۵- در اعمال ۸: ۳۶-۳۷ خزانه دار حبشی باید دو شرط که برای غسل تعمید الزامی است کامل می

کرد قبل از غسل تعمید گرفتنش، آن دو شرط را بنویسید؟

(الف)

(ب)

۶- آیا یک طفل خردسال می تواند غسل تعمید یابد و چرا؟

۷- از کجا می دانیم که عیسی مسیح و خزانه دار حبشی با پاشیدن آب روی پیشانی غسل تعمید نگرفتند؟

(الف)

(ب)

۸- غسل تعمید گرفتن با غوطه ور شدن کامل داخل آب، نماد چیست؟

۹- غسل تعمید الزامی است برای _____ و _____ .

و همچنین یک شخص باید بخواهد که تسلیم به غسل تعمید دادن شود قبل از اینکه بتواند _____ که پیرو عیسی مسیح شود.

۱۰- آیا غسل تعمید برای نجات الزامی است؟ آیه ای از کتاب مقدس بنویسید که این را آشکار کند؟

۱۱- به طور خلاصه هدف این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: متی ۳: ۱۳-۱۷؛ اعمال ۸: ۳۶-۳۹؛ رومیان ۶: ۱-۱۱

درس ۱۴: روح القدس

"کارها و خصوصیات روح القدس در زندگی من چیست؟"

روزی که عیسی مسیح را به عنوان منجی شخصی خود دریافت کردید، روح القدس در داخل بدن شما اقامت دائمی گرفت. روح القدس سومین شخص خدا می باشد که توسط خیلی از مسیحیان انکار شده است و شناخت واقعی از او ندارند.

هدف از این درس این است که یک درک پایه ای از کار روح القدس در زندگی مان را بدهد.

۱- روح القدس کجا یافت می شود؟

روح القدس در روی همین زمین در بدنهای ایمانداران ساکن می باشد (کسانیکه نجات را دارند) او درست در زمانیکه ما نجات را دریافت می کنیم می آید و در بدنهای ما ساکن می شود.

(الف) اول قرنثیان ۶: ۱۹-۲۰ مرجع کامل در این رابطه می باشد. "آیا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شما است که شما از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟ زیرا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید."

یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷ "و من از پدر سؤال می کنم و تسلّی دهنده ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه باشما بماند، یعنی روح راستی که جهان نمی تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی بیند و نمی شناسد و اما شما او را می شناسید، زیرا که با شما می ماند و در شما خواهد بود."

غلاطیان ۴: ۶ "اما چونکه پسر هستید، خدا روح پسر خود را در دلهای شما فرستاد که ندا می کند، یا آبا، یعنی، ای پدر."

افسیان ۲: ۲۲ " و در وی شما نیز با هم بنا کرده می‌شوید تا در روح مسکن خدا شوید."

۲- وظیفه روح القدس چیست؟

الف) روح القدس ما را به گناهان خویش ملزم می‌کند. یوحنا ۱۶: ۸-۹ " و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود. اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی‌آورند."

۱. او غیرایمانداران را از گناهانشان محکوم می‌کند تا آنان را برای نجات ملتزم کند.
۲. او ایمانداران را از گناهانشان محکوم و ملزم می‌کند تا آنان را پاک نگه دارد و به آنان نشان دهد که چگونه باید برای عیسی مسیح زندگی کنند.

۳. ما باید فرق بین ملزم و خطا را درک کنیم.
ملزم کردن به این معناست که خداوند یک کار گناهی که انجام می‌دهیم به ما نشان دهد تا آنرا اعتراف کنیم و از آن دوری کرده با خدا رو راست شویم. اشعیا ۱: ۱۸ " خداوند می‌گوید: بیایید تا با همدیگر دلیل بیاوریم. اگر گناهان شما مثل ارغوان باشد، مانند برف سفید خواهد شد و اگر مثل قرمز سرخ باشد، مانند پشم خواهد شد."

خطا یعنی اینکه شیطان ما را به لایق نبودن برای دریافت برکات خداوند متهم می‌کند. مکاشفه ۱۲: ۱۰ " زیرا که آن مدعی برادران ما که شبانه روز در حضور خدای ما برایشان دعوی می‌کند به زیر افکنده شد."

ب) روح القدس خلق و تولید می‌کند.

۱. روح القدس در آفرینش فعال است. پیدایش ۱: ۲ "و زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت." ؛ ایوب ۳۳: ۴

۲. در عیسی مسیح ما خلقت تازه هستیم، و بوسیله روح القدس تولد دوباره یافته ایم. یوحنا ۳: ۸-۳ "عیسی در جواب او گفت، آمین آمین به تو می گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی تواند دید. نيقوديموس بدو گفت، چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد، مولود گردد؟ آیا می شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته، مولود شود؟ عیسی در جواب گفت، آمین، آمین به تو می گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است. عجب مدار که به تو گفتم باید شما از سر نو مولود گردید. باد هر جا که می خواهد میوزد و صدای آن را می شنوی لیکن نمی دانی از کجا می آید و به کجا می رود. همچنین است هر که از روح مولود گردد."

(ج) هنگامیکه نجات پیدا می کنیم، روح القدس مهر مالکیت ما می شود.

افسیسیان ۱: ۱۳-۱۴؛ ۴: ۳۰ "و روح قدّوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده اید، محزون مسازید."

(د) روح القدس به ما شهادت می دهد که ما نجات یافتیم و فرزندان خدا هستیم.

رومیان ۸: ۱۶ "همان روح بر روح های ما شهادت می دهد که فرزندان خدا هستیم."

اول یوحنا ۴: ۱۳ "از این می دانیم که در وی ساکنیم و او در ما زیرا که از روح خود به ما داده است."

(ذ) روح القدس به ما کلام خدا را تعلیم می دهد.

یوحنا ۱۴: ۲۶ "لیکن تسلّی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد."

یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۵ " و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. هر چه از آن پدر است، از آن من است. از این جهت گفتم که از آنچه آن من است، می گیرد و به شما خبر خواهد داد."

اول قرنیتان ۲: ۱۰ " اما خدا آنها را به روح خود بر ما کشف نموده است، زیرا که روح همه چیز حتی عمقهای خدا را نیز تفحص می کند."

(ر) روح القدس در دعا برای ما شفاعت می طلبد.

رومیان ۸: ۲۶-۲۷ " و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می کند، زیرا که آنچه دعا کنیم بطوری که می باید نمی دانیم، لکن خود روح برای ما شفاعت می کند به ناله هایی که نمی شود بیان کرد. ۲۷ و او که تفحص کننده دلهاست، فکر روح را می داند زیرا که او برای مقدسین برحسب اراده خدا شفاعت می کند. " (همچنین به افسسیان ۲: ۱۸ رجوع کنید.)

(ز) روح القدس در زمانهای احتیاجاتمان به ما تسلی می دهد.

یوحنا ۱۴: ۱۵-۱۸ " اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید. و من از پدر سؤال می کنم و تسلی دهنده ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند، یعنی روح راستی که جهان نمی تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی بیند و نمی شناسد و اما شما او را می شناسید، زیرا که با شما می ماند و در شما خواهد بود."

دوم تیموتائوس ۱: ۷ " زیرا خدا روح ترس را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت و فکر درست را. " (همچنین به دوم قرنیتان ۱: ۳-۴ رجوع کنید.)

س) روح القدس به ما برای خدمت به خدا قدرت می دهد.

زکریا ۴: ۶ "نه به قدرت و نه به قوّت بلکه به روح من. قول یهوه صباوت این است." همچنین به افسسیان ۳: ۱۶ و دوم قرنتیان ۴: ۷ رجوع کنید.

۳- میوه و ثمره روح القدس در زندگی ما چیست؟

الف) روح القدس برای ما همانطوریکه زندگیمان را تسلیم او می کنیم شخصیت با کیفیت تولید می کند و ما می توانیم با قدرت او قدم بر داریم. تولید این شخصیت با کیفیت، در کتاب مقدس ثمره روح القدس نامیده می شود. آن مفرد است چون تمام این کیفیتها همزمان بوسیله رابطه نزدیک با روح القدس تولید می شوند. غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ "لیکن ثمره روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است، که هیچ شریعت مانع چنین کارها نیست."

ب) ثمره روح القدس عبارتند از:

محبت، خوشی، صلح، صبر، آرامی، نیکویی، ایمان، تواضع، پرهیزکاری

سوالات پایه ای:

الف) پر شدن با روح القدس چیست و چگونه می توانیم این عمل را انجام دهیم؟

۱. افسسیان ۵: ۱۸-۱۹ را با کولسیان ۳: ۱۶ مقایسه کنید، که نشان می دهد با خواندن کلام خدا و نگاه داشتن آن در دلهایمان می توانیم با روح القدس پر شویم. هر چقدر بیشتر افکار و ذهنمان را با کلام خدا پر کنیم و بگذاریم که کلام خدا زندگی ما را کنترل کند، رابطه مان با روح القدس نزدیک تر می شود.

۲. در روح القدس قدم بردارید. قدم برداشتن مرحله ای از رشد طبیعی در مسیحیت است. رومیان: ۸: ۱۳ " زیرا اگر برحسب جسم زیست کنید، هرآینه خواهید مرد. لکن اگر افعال بدن را بوسیله روح بکشید، همانا خواهید زیست. " (همچنین به غلاطیان ۵: ۱۶-۱۸ و ۲۵ رجوع کنید.)

۳. به خداوند اجازه دهید که زندگی شما را به عهده بگیرد. پر شدن با روح القدس به این معنا نیست که ما اندازه بیشتری از روح القدس را دریافت کنیم. موقعی که نجات یافتیم تمام روح القدس را دریافت کردیم. این روح القدس است که بیشتر از ما دریافت می کند و از ما استفاده می کند.

۴. صبور و استوار باشید. با روح القدس هدایت شدن در یک شبانه روز اتفاق نمی افتد. آن یک مرحله طول عمری از رشد روحانی می باشد.

سوالات این درس:

۱- کجا روح القدس را یافت می کنیم؟ سه آیه از کتاب مقدس در این رابطه نام ببرید؟

۲- درچه هنگامی روح القدس وارد زندگی یک ایماندار می شود؟

۳- چرا روح القدس غیر ایمانداران را از گناه محکوم می کند؟

۴- چرا روح القدس ایمانداران را از گناهانشان محکوم می کند؟

۵- فرق بین ملزم و خطا چیست؟

ملزم:

خطا:

۶- هفت روشهای دیگر که روح القدس در زندگی مسیحیان کار می کند نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۶-

۷-

۷- نتیجه و ثمره روح القدس در زندگی ما چیست؟

۸- غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ لیست _____ را نام برده. این کیفیت ها در

مسیحیان همزمان بوسیله _____ با _____ تولید می

شوند.

۹- برای اینکه با روح القدس پر شویم باید _____ را بخوانیم و آن را در

_____ نگاه داریم.

۱۰- جواب صحیح یا غلط را در جای خالی بنویسید؟

الف) من هر روز باید مقدار زیادی از روح القدس را دریافت کنم. _____

ب) هدایت شدن با روح القدس یک مرحله رشد روحانی در طول عمر می باشد. _____

ج) رومیان ۸: ۱۳ به ما تعلیم می دهد که باید بر حسب جسم زندگی کنیم. _____

د) یوحنا ۱۶: ۱۳ نشان می دهد که روح القدس ما را به تمام راستی هدایت می کند. _____

ر) رومیان ۸: ۲۶-۲۷ نشان می دهد که روح القدس برای ما در دعاهایمان شفاعت می کند.

۱۱- بطور خلاصه هدف این درس را شرح دهید.

آیه های کلیدی این درس: اول قرن تیان ۶: ۱۹-۲۰؛ غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳؛ غلاطیان ۵: ۱۶

درس ۱۵: دعا

"چقدر دعا در زندگی ما اهمیت دارد؟"

به گفته یک شخص، یک مسیحی به اندازه دعاهایش قوی است. این واقعیت دارد چون دعا ارتباط مستقیم ما با خداست. وقتی که ما کتاب مقدس را می خوانیم، خدا با ما صحبت می کند؛ و هنگامیکه ما دعا می کنیم، ما با خدا صحبت می کنیم. به این نحو، ارتباط دوطرفه شکل می گیرد. ارتباط شخصی ما با خداوند عیسی مسیح بدون ارتباط درست نمی تواند رشد کند.

هدف این درس اینست که شخص را با مقدمات زندگی با دعا آشنا کند تا این ارتباط او با خداوند باز شود.

هدف از دعا کردن چیست؟

الف) هدف این نیست که خدا را تکان دهیم و نظرش را عوض کنیم. هدف اینست که هم شکل اراده خدا شویم.

ب) دعای درست باعث آرامش دل و افکار ما می شود. فیلیپیان ۴: ۶-۷ "برای هیچ چیز اندیشه نکنید، بلکه در هر چیز با صلوات و دعا با شکرگزاری مسؤولات خود را به خدا عرض کنید. و سلامتی خدا که فوق از تمامی عقل است، دلها و ذهنهای شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت."

ج) دعا ما را به خدا نزدیک می کند تا خدا توانایی خود را برای هر نیازی نشان دهد.

۱- خداوند در تمام جزئیات زندگی ما فعال است و او دقیقاً تمام احتیاجات ما را قبل از اینکه از او بخواهیم، می داند. متی ۶: ۸ "زیرا که پدر شما حاجات شما را پیش از آنکه از او بخواهید، میداند."

۲- خدا اجازه می دهد که احتیاجات در زندگی ما وارد شوند تا او بتواند ما را به سوی خودش بکشد تا با او ملاقات کنیم. مزامیر ۵۰: ۱۵ " پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید بنمایی."

۳- خطرناکترین زمان در زندگی ما هنگامیست که همه چیز را به فراوانی داشته باشیم و نیاز به هیچ چیز نداشته باشیم (شامل خدا). مکاشفه ۳: ۱۷ " زیرا می گویی دولت مند هستم و دولت اندوخته ام و به هیچ چیز محتاج نیستم و نمیدانی که تو مستمند و مسکین هستی و فقیر و کور و عریان."

۴- خدا از آن احتیاجات استفاده می کند تا ما را به جایی بکشد که بتواند به ما برکت دهد و به ما آشکار کند که تنها نیاز اصلی ما خداوند عیسی مسیح و فیض اوست. نمونه عالی این مرضی است که پولس رسول در بدنش داشت. دوم قرنتیان ۱۲: ۷-۱۰ " و تا آنکه از زیادتى مکاشفات زیاده سرافرازی ننمایم، خاری در جسم من داده شد، فرشته شیطان، تا مرا لطمه زند، مبادا زیاده سرافرازی نمایم . و درباره آن از خداوند سه دفعه استدعا نمودم تا از من برود. مرا گفت: فیض من تو را کافی است، زیرا که قوت من در ضعف کامل می گردد پس به شادی بسیار از ضعف های خود بیشتر فخر خواهم نمود تا قوت مسیح در من ساکن شود. بنابراین، از ضعف ها و رسواییها و احتیاجات و زحمات و تنگیها بخاطر مسیح شادمانم، زیرا که چون ناتوانم، آنگاه توانا هستم."

۵- برای همین است که مطلقاً الزامی است که برای همه چیز سپاسگزار باشیم این مخصوصاً شامل احتیاجات و زمانهای دشوار زندگی ما نیز می باشد. اول تسالونیکیان ۵: ۱۸ " در هر چیزی شکرگذار باشید زیرا این است اراده خدا در مسیح عیسی درباره شما."

۶- همچنین برای همین مطلقاً الزامی است تا طرز تفکرمان را راجع به دعای مداوم گسترش بدهیم که در سخت ترین شرایط زندگی اولین واکنش ما این باشد که در دعا به سراغ خدا برویم. اول تسالونیکیان ۵: ۱۷ " بدون توقف دعا کنید."

چگونه باید دعا کنیم؟

الف) رومیان: ۲۶-۲۷ آنرا برای ما روشن می کند که ما همیشه نمی دانیم چگونه و برای چه چیزی باید دعا کنیم. برای همین روح القدس که در ما ساکن است برای ما در دعا شفاعت می طلبد و چیزهایی که باید دعا کنیم را به یاد ما می آورد .

ب) ولی چندین دستورالعمل مقدماتی وجود دارند.

۱- همیشه و پیوسته دعا کنید. زندگی با دعا را گسترش دهید. اول تسالونیکیان ۵: ۱۷- لوقا ۱۸: ۱" و برای ایشان نیز مثلی آورد در اینکه می باید همیشه دعا کرد و کاهلی نورزید."

۲- در دعا کلمات را تکرار نکنید. متی ۶: ۷ "و چون عبادت کنید، مانند امت ها تکرار باطل نکنید زیرا ایشان گمان می برند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می شوند."

۳- با خدا مانند یک دوست خوب صحبت کن. او دوست شماست. یوحنا ۱۵: ۱۳- ۱۵ "کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را بجهت دوستان خود بدهد. شما دوست من هستید اگر آنچه به شما حکم می کنم بجا آرید. دیگر شما را بنده نمی خوانم زیرا که بنده آنچه آفایش می کند نمی داند؛ لکن شما را دوست خوانده ام زیرا که هر چه از پدر شنیده ام به شما بیان کردم."

"و خداوند با موسی روبرو سخن می گفت، مثل شخصی که با دوست خود سخن گوید." خروج ۳۳: ۱۱

۴- بدانید که شما شخصاً دسترسی مستقیم به خدا دارید. شما نیاز ندارید که به سراغ یک نفر بروید تا به عنوان واسطه شما و خدا برای شما دعا کند. اول تیموتائوس ۲: ۵ "زیرا خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک متوسطی است، یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد." (همچنین به افسسیان ۲: ۱۸ رجوع کنید.)

ج) مطمئن شوید که ارتباط مقدماتی با خداوند عیسی مسیح را به درستی حفظ کنید. چیزهایی در زندگی شما خواهند بود که مانع دعای شما می شوند.

- ۱- گناهان اعتراف نشده. (اشعیا ۵۹: ۲) "لیکن خطایای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشود." ؛ (مزمیر ۶۶: ۱۸)
- ۲- روح نبخشیدن. (متی ۶: ۱۴-۱۵) "زیرا هرگاه تقصیرات مردم را بدیشان بیامرزید، پدر آسمانی شما نیز شما را خواهد آمرزید. اما اگر تقصیرهای مردم را نیامرزید، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزید."

۳- تلخی نسبت به دوستانان و احترام نگذاشتن به آنها (همچنین برای دیگران). (اول پطرس ۳: ۷) "و همچنین ای شوهران با فطانت با ایشان زیست کنید چون با ظروف ضعیف تر زنانه و ایشان را محترم دارید چون با شما وارث فیض حیات نیز هستند تا دعاها ی شما بازداشته نشود."

۴- نخواستن. (یعقوب ۴: ۲) "طمع می ورزید و ندارید می کشید و حسد مینمایید و نمی توانید به چنگ آرید و جنگ و جدال می کنید و ندارید از این جهت که سؤال نمی کنید."

۵- خواستن خودخواهانه یا با انگیزه نادرست. یعقوب ۴: ۳ "و سؤال می کنید و نمی یابید از اینرو که به نیت بد سؤال می کنید تا در لذات خود صرف نمایید." همچنین امثال ۲۱: ۱۳ را بخوانید.

۶- بی عاطفه و حساس نبودن به کلام خدا. امثال ۲۸: ۹ "هر که گوش خود را از شنیدن شریعت برگرداند، دعای او هم مکروه می شود."

چهار نوع دعا وجود دارد. اول تیموتائوس ۲: ۱ "پس از همه چیز اول سفارش می کنم که مناجات و دعاها و شفاعتها و شکرگذاریها را برای جمیع مردم بجا آورند."

الف) **مناجات** - دعاها ی خاص. فیلیپان ۴: ۶ می گوید که "... بگذارید تقاضاهای شما به خدا آشکار گردد."

بسیاری از دعاها هدر می روند چون آنها خیلی عمومی هستند.

برای مثال: "خدایا به من برکت بده".

"کدام برکت؟ چه برکتی از من می خواهی به تو بدهم؟"

(ب) **دعاها** - این بصورت جمعی است؛ این کلمه برای شاخه بندی تمام ارتباطات با خدا استفاده شده.

(ج) **شفاعت ها** - دعاها برای دیگران. این خیلی مهم است برای تمیز نگهداشتن انگیزه مان و دورنگهداشتن چشمان خودخواه ما از خودمان.

(د) **شکرگزاری** - مزامیر ۱۰۰:۴ این را روشن می کند که ما با سپاس و شکرگذاری وارد حضور خدا می شویم. "به دروازه های او با حمد بیایید و به صحنهای او با تسبیح! او را حمد گوید و نام او را متبارک خوانید!"

لیستی از دعا داشته باشید.

(الف) نوشتن لیست دعاها به ما کمک می کند که برای چه چیزهایی باید دعا کنیم. درغیر اینصورت زندگی ما با دعاهای ما پایدار نخواهد بود.

(ب) نگهداری لیست دعاهایی که خداوند مستجاب کرده به ما کمک می کند که در ایمانمان رشد کنیم و به قدرت وعظمت خداوند پی ببریم.

سؤالات مقدماتی

(الف) **آیا خدا تمام دعاها را مستجاب می کند؟** بله، ولی نه همیشه به روش و زمانی که ما از او می خواهیم. تمام راه و روشهای خداوند کامل است. زمانی خواهد آمد که طبق حکمت نامحدود او بهترین جواب به دعاها را "نه" یا "نه هنوز" خواهد بود، درآن هنگام باید به او اعتماد کنیم.

(ب) **دعا کردن برای دیگران چقدر اهمیت دارد؟**

۱- پولس رسول همواره برای دیگران دعا می کرد، (رومیان ۱: ۹) " زیرا خدایی که او را به روح خود در انجیل پسرش خدمت می کنم، مرا شاهد است که چگونه پیوسته شما را یاد می کنم. " و در بسیاری مواقع از دیگران درخواست دعا می کرد.

۲- عبرانیان ۱۳: ۱۸ " برای ما دعا کنید زیرا ما را یقین است که ضمیر خالص داریم و می خواهیم در هر امر رفتار نیکو نماییم. "

دوم تسالونیکیان ۳: ۱ " خلاصه ای برادران، برای ما دعا کنید تا کلام خداوند جاری شود و جلال یابد چنانکه در میان شما نیز. "

۳- سموئیل نبی گفت، این گناه است که اگر برای دیگران دعا نکنی. اول سموئیل ۱۲: ۲۳ " و اما من، حاشا از من که به خداوند گناه ورزیده، ترک دعا کردن برای شما نمایم، بلکه راه نیکو و راست را به شما تعلیم خواهم داد. "

۴- نمونه دعای مؤثر جورج مولرواعظ انگلیسی برای دیگران. او ۶۰ سال برای نجات چندین نفر دعا کرد. وقتی که او از دنیا رفت، بعضی از آنهایی که او برایشان دعا می کرد هنوز نجات نیافته بودند. بعضی از آنها در مراسم ختم اونجات پیدا کردند و بعضی های دیگر نیز چندین سال بعد از فوتش نجات خداوند را دریافت کردند.

۵- در کل دعا کردن را حفظ کنید. نتیجه دعاهاى ما اغلب مواقع در طول زندگیمان آشکار نخواهد شد.

سؤالات این درس:

۱- چه چیزی هدف از دعا نیست؟

۲- نتیجه دعای خوب در زندگی چیست؟

۳- دعا ما را به خدا نزدیک می کند تا او دارایی خود به هر احتیاجی را ثابت کند. آیه های ذیل چه چیزی را به ما یاد می دهد در این رابطه؟

۱- متی ۶: ۸

۲- مزامیر ۵۰: ۱۵

۴- خطرناکترین موقعیت برای یک مسیحی چه چیزی است؟

۵- مطابق با اول تسالونیکیان ۵: ۱۸، ما باید برای همه چیز سپاسگزار باشیم این شامل مخصوصاً _____ و _____ زندگی ما نیز می باشد.

۶- اولین واکنش ما در موقعیت های دشوار زندگی چه چیزی باید باشد؟

۷- چندین اصول و مقدمات دعا وجود دارند. به طور خلاصه آنها را با استفاده از آیات زیر شرح دهید:

الف) اول تسالونیکیان ۵: ۱۷

ب) متی ۶: ۷

ج) خروج ۳۳: ۱۱

۸- لیست چیزهایی که مانع دعاها می شوند را نام ببرید؟

-۱

-۲

-۳

-۴

-۵

-۶

۹- دو روش که به ما در تقاضاهای دعا کمک می کند بنویسید؟

(الف)

(ب)

۱۰- خداوند دعاهاى ما را مستجاب مى کند ولی نه به روش و زمانى که ما از او انتظار داریم.

جواب او بعضى مواقع _____ یا _____ خواهد بود.

۱۱- به ما فرمان داده شده که به بتها و انسانها دعا نکنیم. در این مورد با استفاده از اول تیموتائوس ۲:

۵ توضیح دهید؟

۱۲- به طور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: اول تیموتائوس ۲: ۵؛ مزامیر ۶۶: ۱۸؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۸

درس ۱۶: اراده خدا

" چگونه اراده خدا را در زندگی خود یافت کنیم "

یک واعظ معروف گفت که شخص موفق کسی است که اراده خدا را در زندگیش پیدا کند، یعنی چیزی که خداوند از او می خواهد انجام دهد و به کمال برساند. این یک بیان واقعی است که باید رویش تأمل کرد. ارزیابی واقعی یک شخص موفق در مقام و رتبه او در جامعه، یا حساب بانکی یا شهرت او نیست، بلکه در انجام دادن چیزی است که خداوند از او می خواهد.

هدف این درس اینست که شخص بداند اراده خدا چیست بطوریکه در کتاب مقدس آمده است، تا او بتواند آن کارهایی که خداوند خواسته انجام دهد.

اراده خدا چیست؟

۱. اراده خدا جسمانی نیست بلکه روحانی است. آن هرگز به یک سری قوانین، موقعیتهای جغرافیایی یا یک خدمت خاص ارتباط ندارد.

۲. اراده خدا نباید با اهداف خدا برای زندگی ما اشتباه گرفته شود. خدا یک برنامه وهدف خاص برای زندگی هر یک از ما دارد که فقط او می تواند تمام جزئیات آن را به ما بدهد چون آن هدف او برای ما می باشد نه هدف یک انسان.

دو جنبه از اراده خدا وجود دارند، اراده اختیاری (مجاز) و اراده مسلط (رهنمود) او.

۱. اراده اختیاری (مجاز) خدا

الف) این باید برای ما آشکار شود که خدا اجازه می دهد بعضی چیزها اتفاق بیافتد. او موافقت نمی کند که ما فقط کارهای بزرگی انجام دهیم. مثال زیادی در این رابطه در کتاب مقدس و خارج از آن آمده است.

۱. **سفر پلوس رسول به اورشلیم** - اعمال رسولان ۲۱: ۴-۱۴. خدا به او سه بار هشدار داد که به اورشلیم نرود. سپس به او اجازه داد برود تا به او مطیع بودن را یاد دهد و در نهایت او را به رم فرستاد.

۲. **هیتلر** - خداوند یقیناً راضی نبود که هیتلر ۶ میلیون یهودی را قتل عام کند ولی برای شروع ترمیم و بازگرداندن یهودیان به سرزمین خودشان به وقوع پیوستن آن اجازه داد.

۳. **خداوند به فرزندانش اجازه می دهد که در زندگیشان رنج بکشند تا بالغ و کامل شوند هرچند او ترجیح نمی دهد که آنها رنج بکشند.** اول پطرس ۳: ۱۵ - ۱۸ " ۱۵ بلکه خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید، و پیوسته مستعد باشید تا هرکه سبب امیدی را که دارید از شما پرسد، او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس. ۱۶ و ضمیر خود را نیکو بدارید تا آنانی که بر سیرت نیکوی شما در مسیح طعن می زنند، در همان چیزی که شما را بد می گویند خجالت کشند، ۱۷ زیرا اگر اراده خدا چنین است، نیکوکار بودن و زحمت کشیدن، بهتر است از بدکردار بودن. ۱۸ زیرا که مسیح نیز برای گناهان یک بار زحمت کشید، یعنی عادلانی برای ظالمان، تا ما را نزد خدا بیاورد؛ در حالیکه بحسب جسم مُرد، لکن بحسب روح زنده گشت."

ب) انسان اختیار آزاد دارد. خداوند کسی را وادار نمی کند که کاری انجام دهد. خداوند به ما پیشنهاد نجات و تعالیم برای زندگی خداپرستانه را می دهد ولی اگر انسان تصمیم بگیرد که از

اختیار آزاد خود استفاده کند و این پیشنهاد نجات خدا را رد کند خداوند به او اجازه می دهد که از اختیارش استفاده کند و از نتایج آن رنج بکشد.

۲. اراده مسلط (رهنمود) خدا

الف) چیزهای بخصوص وجود دارند که اراده خداوند است.

۱. **خداوند اراده نمی کند که کسی هلاک شود** . تمام نجات نیافتگان، خارج از اراده خدا می باشند بدون در نظر گرفتن کارهایی که آنها انجام می دهند. دوم پطرس ۳ : ۹ " خداوند در وعده خود تأخیر نمی نماید، چنانکه بعضی تأخیر می پندارند، بلکه بر شما تحمّل می نماید، چون نمی خواهد که کسی هلاک گردد، بلکه همه به توبه گرايند."

۲. **ما باید برای همه چیز شکر گذار باشیم**. اول تسالونیکیان ۵ : ۱۸ "در همه چیز شکر گذار باشید."

۳. **ما باید به هر فرمان پادشاهی که توسط خدا منصوب می شود، گردن نهیم**. (در این مورد در نکته بعدی بیشتر توضیح خواهیم داد). اول پطرس ۲ : ۱۳ - ۱۵ " لهنذا هر منصب بشری را بخاطر خداوند اطاعت کنید، خواه پادشاه را که فوق همه است، ۱۴ و خواه حکام را که رسولان وی هستند، بجهت انتقام کشیدن از بدکاران و تحسین نیکوکاران. ۱۵ زیرا که همین است اراده خدا که به نیکوکاری خود، جهالت مردمان بی فهم را ساکت نماید."

۴. **ما نباید هم شکل این دنیا شویم بلکه باید با تجدید افکارمان شکل دیگری بپذیریم**. گردن نهادن به یک شخص برای اینست که ما شاهد خوبی برای مسیح باشیم تا او را به سمت مسیح بکشانیم در عین حال زندگی ما برای خشنود کردن خدا باید با معیارهای عالی تغییر کند. رومیان ۱۲ : ۱ - ۲ " لهنذا ای برادران، شما را به رحمتهای خدا استدعا

می‌کنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدّس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است. و همشکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست."

۵. **خداوند قداست ما را می خواهد.** اول تسالونیکیان ۴: ۳-۷ " زیرا که این است اراده خدا یعنی قدّوسیت شما تا از زنا بپرهیزید. تا هرکسی از شما بداند چگونه باید ظرف خویشتن را در قدّوسیت و عزّت دریابد، و نه در هوسِ شهوت، مثل امت‌هایی که خدا را نمی‌شناسند. و تا کسی در این امر دست تطاول یا طمع بر برادر خود دراز نکند، زیرا خداوند از تمامی چنین کارها انتقام کشنده است. چنانکه سابقاً نیز به شما گفته و حکم کرده‌ایم، زیرا خدا ما را به ناپاکی نخوانده است، بلکه به قدّوسیت."

۶. **خدمتتان به دیگران باید با انگیزه پاک و از ته دل باشد، مثل اینکه ما به مسیح خدمت می‌کنیم.** افسسیان ۶: ۵-۸ " ای غلامان، آقایان بشری خود را چون مسیح با ترس و لرز، با ساده‌دلی اطاعت کنید. نه به خدمتِ حضور، مثل طالبانِ رضامندیِ انسان، بلکه چون غلامان مسیح که اراده خدا را از دل به عمل می‌آورند، و به تبت خالص خداوند را بندگی می‌کنند نه انسان را، و می‌دانند هرکس که عمل نیکو کند، مکافات آن را از خداوند خواهد یافت، خواه غلام و خواه آزاد."

۷. **ما باید زمان را بخریم، و هدر دادن آنرا ترک کنیم.** باید حداکثر استفاده را از زمانی که خداوند به ما داده ببریم. افسسیان ۵: ۱۵-۱۷ " پس باخبر باشید که چگونه به دقت رفتار نمایید، نه چون جاهلان بلکه چون حکیمان. و وقت را دریابید زیرا این روزها شریر است. از این جهت بی‌فهم مباشید، بلکه بفهمید که اراده خداوند چیست."

ب) خلاصه اراده خدا برای زندگی ما. اراده خدا برای هر شخص روی زمین یکسان است و آن اینست که شخص شییه پسر او عیسی مسیح شود.

۱. رومیان ۸: ۲۸-۲۹ "و می دانیم که بجهت آنانی که خدا را دوست می دارند و بحسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می باشند. زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز از پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخستزاده از برادران بسیار باشد."

۲. یوحنا ۱۷: ۲۰-۲۳ "و نه برای اینها فقط سؤال می کنم، بلکه برای آنها نیز که به وسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد. تا همه یک گردند چنانکه تو ای پدر، در من هستی و من در تو، تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آرد که تو مرا فرستادی. و جلالی را که به من دادی، من به ایشان دادم تا یک باشند چنانکه ما یک هستیم. من در ایشان و تو در من، تا در یکی کامل گردند و تا جهان بدانند که تو مرا فرستادی و ایشان را محبت نمودی چنانکه مرا محبت نمودی."

۳. افسسیان ۴: ۱۳-۱۵ "تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پری مسیح برسیم. تا بعد از این اطفال متموج و رانده شده از باد هر تعلیم نباشیم، از دغابازی مردمان درحیله اندیشی برای مکرهای گمراهی؛ بلکه در محبت پیروی راستی نموده، در هرچیز ترقی نماییم در او که سر است، یعنی مسیح."

کجا باید اراده و اهداف خدا برای زندگی ام را پیدا کنم؟

ما هرگز اراده و اهداف خدا را خارج از کتاب مقدس نخواهیم یافت. ما اراده و اهداف او را با تجدید افکارمان خواهیم یافت (رومیان ۱۲: ۱-۲). ما باید افکارمان را تجدید کنیم بوسیله (فیلیپیان ۲: ۵) "بگذارید این فکر در شما باشد که همچنین در عیسی مسیح بود." ما باید افکار

نفسانی را با افکار خداوند با غوطه ور شدن در کلام خدا جایگزین کنیم (دوم قرن‌تیا ن ۱۰ : ۵)
"که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا میافرازد، به زیر میافکنیم و هر
فکری را به اطاعت مسیح اسیر می‌سازیم."

چگونه خداوند اهداف و اراده خود را برای زندگی من آشکار می‌سازد؟

الف) شما باید قبل از اینکه او اهدافش را برای شما آشکار سازد در اراده خدا هم شکل شوید.
اولویت باید در این باشد که تمام اراده عمومی خدا را در زندگی روزمره به کمال رسانید و
سپس به او اعتماد کنید که شما را در جزئیات برنامه اش هدایت کند.

ب) خدا بیش از حد علاقمند است که ما آن کسی باشیم که او می‌خواهد، تا اینکه ما بخواهیم
کارهای بزرگ برای او انجام دهیم. آن کسی که خداوند می‌خواهد باش و او به تو نشان خواهد
داد که چه خدمتی باید انجام دهی.

سوالات پایه ای

چرا خداوند اهدافش را برای من همین الان آشکار نمی‌کند؟

۱. چون آن شما را مأیوس و پایمال می‌کند قبل از اینکه شروع کنی.
۲. شاید مجهز و آماده به اجرای آن نباشی.
۳. شاید آن نوع شخصی که خداوند می‌خواهد باشی، هنوز نیستی.
۴. خداوند چیزی را که شما می‌توانید انجام دهید، زمانی آشکار می‌کند که شما بتوانید و آماده
باشید که آنرا انجام دهید.
۵. این می‌تواند با سوال رایجی که از بچه ها می‌شود، مثال زده شود. " وقتی که بزرگ شدی
چه کاره می‌خواهی بشوی؟ " بچه اگر بخواهد خلبان یا دکتر باشد نمی‌تواند همان لحظه آنرا

بدست بیاورد بلکه باید رشد کند و با یادگیری و تحصیل به آن مقام برسد بعد از اینکه بزرگ شد. به همین گونه شما نیز باید در طی زمان رشد روحانی داشته باشید و از استعدادهایتان استفاده کنید و صبور بوده منتظر خدا باشید تا اراده خاص خود را برای زندگیتان مشخص کند.

سوالات این درس:

۱. چهار چیز که اراده خدا نیست را نام ببرید؟

۲. خدا یک خاص برای زندگی هر یک از ما دارد که فقط او می تواند تمام آنرا به ما بدهد.

۳. به طور خلاصه اراده مجاز خدا را توضیح دهید؟

۴. مطابق با اول پطرس ۵ : ۱۰ خداوند به مسیحیان اجازه می دهد که رنج و زحمت بکشند تا بتواند بیشتر ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - باشند.

۵. خداوند به همه انسانها اختیار آزاد داده بنابراین او انسانها را وادار به انجام کاری نخواهد کرد. ولی وقتی که خداوند پیشنهاد نجات به یک شخص می دهد و این پیشنهاد رد می شود عواقب چه خواهد بود؟

۶. خداوند اراده های مخصوص برای انسانها دارد. هفت اراده هایی که خداوند برای ما دارد را نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

-۴

-۵

-۶

-۷

۷. اراده خدا برای زندگی یک مسیحی را خلاصه کنید با ذکر آیه ها؟

-۱

-۲

-۳

۸. کجا اراده و اهداف خدا را برای زندگیتان یافت می کنید؟

۹. قبل از اینکه خدا اراده و اهداف خود را برای زندگیتان آشکار کند چه کاری باید قبلاً صورت گیرد؟

۱۰. به طور خلاصه فرق بین اراده و اهداف خدا را شرح دهید؟

۱۱. به طور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس : رومیان ۱۲ : ۱ - ۲ ؛ اول پطرس ۳ : ۱۷ ؛ دوم پطرس ۳ : ۹

درس ۱۷: کلیسای محلی

"هدف از فعالیت ما در کلیسای محلی چیست؟"

خداوند ۳ نهاد اصلی را بر روی زمین بنیان کرده است که عبارتند از: ۱- خانواده ۲- دولت ۳- کلیسای محلی. این کلیسای محلی می باشد که برای رسانیدن خبر خوش انجیل به تمام گمشدگان و بالغ کردن مسیحیان توسط خداوند مأموریت داده شده است. بنابراین برنامه خدا برای یک مسیحی در بهترین نحو توسط کلیسای محلی، همیشه به کمال خواهد رسید.

هدف از این درس اینست که شخص با نقش محوری که کلیسا در زندگی روزمره او بازی می کند تحت تأثیر قرار گیرد.

کلیسای محلی چیست؟

۱- کلیسا یک ساختمان نیست.

الف) ما خدا را در روح و راستی پرستش می کنیم. یوحنا ۴: ۲۴ "خدا روح است و هر که او را پرستش کند می باید به روح و راستی پرستد."

ب) بدنهای ما معبد خداوند است. اول قرن ۶: ۱۹ "آیا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟"

۲- آن یک اجتماع از گروه مذهبی نیست.

۳- "کلیسای محلی" اجتماعی از مردها و زنانی که نجات یافته و از طرف خدا برای خدمت در زمینه خاص خوانده شده اند. "کلیسا" بدن مسیح می باشد، جمعیت نجات یافتگان از هر ملتی.

الف- در اول قرن ۱۲: ۲۷ پولس رسول به مردمان نجات یافته نوشته که به طور واضح اعلام می کند، "شما بدن مسیح هستید."

ب- پولس رسول در این متن بدن کلیسا را تشبیه می کند به بدن انسان - اول قرن تیان ۱۲: ۱۴-۲۷

۱- هر عضو وظیفه مختلفی دارد. آیه ۱۴-۲۰ "زیرا بدن یک عضو نیست بلکه بسیار است. اگر پا گوید چونکه دست نیستم از بدن نمی باشم، آیا بدین سبب از بدن نیست؟ و اگر گوش گوید چونکه چشم نیستم، آیا بدین سبب از بدن نیست؟ اگر تمام بدن چشم بودی، کجا می بود شنیدن و اگر همه شنیدن بودی کجا می بود بوییدن؟ لکن الحال خدا هریک از اعضا را در بدن نهاد برحسب اراده خود. و اگر همه یک عضو بودی بدن کجا می بود؟ اما الآن اعضا بسیار است لیکن بدن یک."

۲- هیچ عضوی به تنهایی نمی تواند کار کند. آیه ۲۱ "و چشم دست را نمی تواند گفت که، محتاج تو نیستم یا سر پایها را نیز که، احتیاج به شما ندارم."

۳- همکاری هر عضوی مهم است. آیه ۲۲-۲۴ "بلکه علاوه بر این، آن اعضای بدن که ضعیفتر می نمایند، لازمتر می باشند. و آنها را که پستتر اجزای بدن می پنداریم، عزیزتر می داریم و اجزای قبیح ما جمال افضل دارد. لکن اعضای جمیله ما را احتیاجی نیست، بلکه خدا بدن را مرتب ساخت بقسمی که ناقص را بیشتر حرمت داد."

۴- کارایی درست بدن اینست که هر عضو به عنوان یک دستگاه واحد عمل کند. آیه ۲۵-۲۷ "تا که جدایی در بدن نیفتد، بلکه اعضا به برابری در فکر یکدیگر باشند. و اگر یک عضو دردمند گردد، سایر اعضا با آن همدرد باشند و اگر عضوی عزت یابد، باقی اعضا با او به خوشی آیند. اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می باشید."

وظیفه کلیسای محلی چیست؟

الف) اولین کلیسای محلی در کتاب مقدس در اورشلیم سازماندهی شد. (اعمال ۲: ۴۷-۴۱) "۴۱ پس ایشان کلام او را پذیرفته، تعمید گرفتند و در همان روز تخمیناً سه هزار نفر بدیشان پیوستند. ۴۲ و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند. ۴۳ و همه خلق ترسیدند و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر

می‌گشت. ۴۴ و همه ایمانداران با هم می‌زیستند و در همه چیز شریک می‌بودند. ۴۵ و املاک و اموال خود را فروخته، آنها را به هر کس به قدر احتیاجش تقسیم می‌کردند. ۴۶ و هر روزه در هیکل به یکدل پیوسته می‌بودند و در خانه‌ها نان را پاره می‌کردند و خوراک را به خوشی و ساده‌دلی می‌خوردند. ۴۷ و خدا را حمد می‌گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می‌گردیدند و خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می‌افزود."

ایمانداران اورشلیم کلیسا را بر اساس مورد‌های زیر سازماندهی کردند: (اعمال ۲:

(۴۱-۴۷)

- ۱- تعلیم کلام خدا، آیه ۴۲
- ۲- مشارکت با دیگر ایمانداران، آیه ۴۲
- ۳- دعا، آیه ۴۲
- ۴- مراعات ۲ آیین کلیسا: غسل تعمید، آیه ۴۱ و شام خداوند آیه ۴۲
- ۵- بودن شاهی از فیض و قدرت خدا، آیه ۴۳
- ۶- برای همیاری مشترک و خدمت، آیه ۴۴-۴۵
- ۷- برای رسیدگی به انجمن، آیه ۴۶-۴۷
- ۸- برای جلال و شکرگزاری خداوند، آیه ۴۷

ب) اولویت اصلی و مهم کلیسای محلی تشویق، تسلی، تقویت و تعلیم مقدسان

است. افسسیان ۴: ۱۱-۱۶ "و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشرین و بعضی شبانان و معلمان را، برای تکمیل مقدسین، برای کار خدمت، برای بنای بدن مسیح، تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پری مسیح برسیم. تا بعد از این اطفال متموج و رانده شده از باد هر تعلیم نباشیم، از دغابازی مردمان درحیله اندیشی برای مکرهای گمراهی؛ بلکه در محبت پیروی راستی نموده، در هر چیز ترقی نماییم در او که سر

است، یعنی مسیح؛ که از او تمام بدن مرکب و مرتب گشته، به مدد هر مفصلی و بر حسب عمل به اندازه هر عضوی بدن را نمو می‌دهد برای بنای خویشتن در محبت."

وظیفه من در کلیسا چیست؟

(الف) طی زندگی مسیحی خود، باید در سه صحنه عمومی رشد کنید.

۱- **ملاحظه کنید و یاد بگیرید** - اولین اولویت شما باید مطیع بودن بر تعالیم کلام خدا باشد تا بتوانید تعلیم یابید، و آن مرد یا زنی که خداوند می خواهد باشید. متی ۱۱: ۲۸-۳۰ " بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتاده دل می باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت؛ زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک."

۲- **شرکت کنید** - طی زمان، شما بصورت طبیعی به نقطه رشدی خواهید رسید که بتوانید در وظیفه مقدماتی که از قبل در کلیسا بر پا شده خدمت را شروع کنید. متی ۴: ۱۹ " بدیشان گفت: دنبال من آیید تا شما را صیاد مردم گردانم." ؛ همچنین یعقوب ۱: ۲۲-۲۵ را بخوانید.

۳- **هدایت و راهنمایی کنید** - همانطور که رشد شما ادامه پیدا می کند، شما باید به نقطه ای برسید که شروع به خدمت و تعلیم دیگران نمایید، به همان روشی که به شما خدمت و تعلیم داده شده بود. دوم تیموتاوس ۲: ۲ " و آنچه به شهود بسیار از من شنیدی به مردمان امین بسپار که قابل تعلیم دیگران هم باشند."

(ب) این سه صحنه می تواند تقریباً تشبیه داده شود به رشد جسمانی: دوران بچگی، نوجوانی و بزرگسالی.

(ج) صبور باشید. این مراحل نیاز به زمان دارد. مطمئن شوید که به کلیسای محلی که خداوند بنا کرده وفادار بمانید.

سؤالات پایه ای:

۱- چگونه کلیسای محلی بخصوصی را پیدا کنم که اراده خداوند باشد تا بتوانم در آن خدمت کنم؟
(الف) درباره آن دعا کن. از خدا بخواهید که به شما نشان دهد در کدام کلیسا باید خدمت کنید.
یعقوب ۱: ۵ " و اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سؤال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می کند و ملامت نمی نماید، و به او داده خواهد شد."

(ب) کیفیت کلیسای بخصوص را ملاحظه کنید و آنرا با نیازمندی کتاب مقدس راجع به کلیسای محلی را مقایسه کنید.

۱- ببینید آیا شواهدی از بشارت دادن در آن کلیسا وجود دارد؟ متی ۷: ۲۰ " لہذا از میوه های ایشان، ایشان را خواهید شناخت." ؛ اعمال ۲: ۴۷ " و خدا را حمد می گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می گردیدند و خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می افزود."

۲- آیا آنها به کتاب مقدس به عنوان کلام خدا و مصون از خطا برای هدایت زندگی، ایمان دارند؟ تیطس ۱: ۹ " و متمسک به کلام امین برحسب تعلیمی که یافته تا بتواند به تعلیم صحیح نصیحت کند و مخالفان را توبیخ نماید."

۳- آیا اعضای کلیسا به اندازه سرپرست کلیسا مشوق خواندن و مطالعه کتاب مقدس هستند؟ اعمال ۱۷: ۱۰-۱۲ " اما برادران بی درنگ در شب پولس و سیلاس را به سوی بیریه روانه کردند و ایشان بدانجا رسیده، به کنیسه یهود درآمدند. و اینها از اهل تسالونیکه نجیب تر بودند، چونکه در کمال رضامندی کلام را پذیرفتند و هر روز کتب را تفتیش می نمودند که آیا این همچنین است. پس بسیاری از ایشان ایمان آوردند و از زنان شریف یونانیه و از مردان، جمعی عظیم."

۴- آیا آنها به نیازهای مردم رسیدگی می کنند؟ اعمال ۶: ۱ " و در آن ایام چون شاگردان زیاد شدند، هلینستیان از عبرانیان شکایت بردند که بیوه زنان ایشان در خدمت یومیه بی بهره می ماندند."

۵- آیا آنها مسیونری را به مأموریت می فرستند و از آنها پشتیبانی مالی می کنند؟ اعمال ۱۳: ۱-۳ " و در کلیسایی که در انطاکیه بود، انبیا و معلم چند بودند. برنابا و شمعون ملقب به نیجر و لوکیوس قیروانی و مناحم برادر رضاعی هیرودیس تیتراخ و سولس. چون ایشان در عبادت خدا و روزه مشغول می بودند، روح القدس گفت: برنابا و سولس را برای من جدا سازید از بهر آن عمل که ایشان را برای آن خوانده ام."

سؤالات این درس:

۱- سه مؤسسه ای که خداوند بنا کرده است را نام ببرید؟

الف) (ب) (ج)

۲- بعضی چیزهایی که کلیسا نیست را نام ببرید؟

۳- این واژه ها را تعریف کنید؟

الف) کلیسای محلی:

ب) "کلیسا":

۴- دراول قرنهای ۱۲: ۱۴-۲۷ پولس رسول تعلیم می دهد که به شکلهای مختلفی بدن کلیسا تشبیه شده به _____ . پنج قسمت از اعضای بدن که در این آیه ها ذکر شده اند را نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۴-

-۵

۵- چهار تشابه اساسی بین بدن کلیسا و بدن انسان را نام ببرید.

-۱

-۲

-۳

-۴

۶- اولین کلیسایی که در کتاب مقدس ذکر شده در اورشلیم بود. در اعمال ۲: ۴۱-۴۷ ما وظایف

های این کلیسا را مشاهده می کنیم. این وظایف ها را که در این آیه ها ذکر شده اند، نام

ببرید؟

-۱

-۲

-۳

-۴

-۵

-۶

-۷

-۸

۷- اولویت اصلی و مهم کلیسای محلی چیست؟

۸- شرکت کردن در بدن کلیسا ترتیبی وجود دارد. سه مرحله که ما رشد روحانی می کنیم را

نام ببرید؟

-۱

-۲

۳-

۹- آن سه مراحل بالا طبق اول یوحنا ۲: ۱۲-۱۴ به چه دورانی تشبیه داده شده ؟

۱۰- یک مسیحی باید _____ باشد زیرا رشد روحانی یک مرحله دارد که می توان از طریق _____ بودن به _____ که خداوند بنا کرده شکل گیرد.

۱۱- وقتی که یک مسیحی دنبال یک کلیسای محلی است چه کیفیت هایی را باید او در آن کلیسا ملاحظه کند؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۱۲- بطور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: افسسیان ۴: ۱۱-۱۲؛ اول قرنتیان ۱۲: ۲۷؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲

درس ۱۸: سایر مسیحیان

"رابطه ما با سایر مسیحیان چیست؟"

وقتی که ما نجات پیدا می کنیم، از خانواده شیطان بیرون آمده و به خانواده خدا داخل می شویم. از لحاظ روحانی اینک ما با بسیاری از برادران و خواهران در مسیح، صاحب یک خانواده جدیدی شده ایم.

در درس قبلی ما خواندیم که چگونه کلیسا به یک بدن تشبیه داده شده است، و در این درس می خواهیم درباره رابطه مخصوص که حالا با خانواده روحانی داریم، بیاموزیم. این درس تنظیم شده که به ما درک کاملی از بدن مسیح که به عنوان یک خانواده واحد عمل می کند، بدهد.

ما چه رابطه ای با سایر مسیحیان داریم؟

الف) آنها برادران و خواهران ما در مسیح می باشند. این را باید درک کنیم که فقط آنهایی که در مسیح (نجات یافتگان) می باشند برادران ما هستند. آنهایی که در عیسی مسیح نیستند (نجات نیافتگان)، برادران ما نمی باشند.

عبرانیان ۲: ۹-۱۲ "اما او را که اندکی از فرشتگان کمتر شد می بینیم، یعنی عیسی را که به زحمت موت، تاج جلال و اکرام بر سر وی نهاده شد تا به فیض خدا برای همه ذائقه موت را بچشد. زیرا او را که بخاطر وی همه و از وی همه چیز می باشد، چون فرزندان بسیار را وارد جلال می گرداند، شایسته بود که رئیس نجات ایشان را به دردها کامل گرداند. زانرو که چون مقدس کننده و مقدسان همه از یک می باشند، از این جهت عار ندارد که ایشان را برادر بخواند. چنانکه می گوید، اسم تو را به برادران خود اعلام می کنم و در میان کلیسا تو را تسبیح خواهم خواند." رومیان ۸: ۲۹ "زیرا آنان را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست زاده از برادران بسیار باشد."

رومیان ۹: ۸ "یعنی فرزندان جسم، فرزندان خدا نیستند، بلکه فرزندان وعده از نسل محسوب می شوند."

اول یوحنا ۳: ۱-۳ "ملاحظه کنید چه نوع محبت پدر به ما داده است تا فرزندان خدا خوانده شویم؛ و چنین هستیم و از این جهت دنیا ما را نمی شناسد زیرا که او را شناخت. ای حبیان، الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود؛ لکن می دانیم که چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید. و هرکس که این امید را بر وی دارد، خود را پاک می سازد چنانکه او پاک است."

ب) آنها همکار ما و خادم عیسی مسیح می باشند. اول قرنیتان ۵: ۳-۱۰ "پس کیست پولس و کیست آپلُس؟ جز خادمانی که به واسطه ایشان ایمان آوردید و به اندازه ای که خداوند به هرکس داد. ۶ من کاشتم و آپلُس آبیاری کرد لکن خدا نمو می بخشید. ۷ لهذا نه کارنده چیزی است و نه آب دهنده بلکه خدای رویاننده. ۸ و کارنده و سیر آب کننده یک هستند، لکن هر یک اجرت خود را بحسب مشقت خود خواهند یافت. ۹ زیرا با خدا همکاران هستیم و شما زراعت خدا و عمارت خدا هستید. ۱۰ بحسب فیض خدا که به من عطا شد، چون معمار دانا بنیاد نهادم و دیگری بر آن عمارت می سازد؛ لکن هرکس با خبر باشد که چگونه عمارت می کند."

مسئولیت ما در ازای سایر مسیحیان چیست؟

۱- باید برای همدیگر دعا کنیم. تقریباً همه نامه هایی که پولس رسول برای کلیساهای مختلف نوشته با دعا شروع می شود. اول تسالونیکیان ۱: ۲-۳ "پیوسته درباره جمیع شما خدا را شکر می کنیم و دائماً در دعاهای خود شما را ذکر می نمایم، چون اعمال ایمان شما و محنت محبت و صبر امید شما را در خداوند ما عیسی مسیح در حضور خدا و پدر خود یاد می کنیم." دوم تیموتائوس ۱: ۳ "شکر می کنم آن خدایی را که از اجداد خود به ضمیر خالص بندگی او را می کنم، چونکه دائماً در دعاهای خود تو را شبانه روز یاد می کنم."

۲- باید نیازهای یکدیگر را برآورده کنیم.

أ. نیازهای جسمانی - برای آن خانواده هایی که نیاز به کمک دارند. غلاطیان ۶: ۱۰ "خلاصه بقدری که فرصت داریم، با جمیع مردم احسان بنماییم، علی الخصوص با اهل بیت ایمان."

رومیان ۱۲: ۱۳ " مشارکت در احتیاجات مقدّسین کنید و در مهمانداری ساعی باشید. " همچنین برای تمام بدن مسیح در ناحیه های دیگر. اعمال رسولان ۱۱: ۲۷-۳۰ "در آن ایام انبیایی چند از اورشلیم به آنطاکیّه آمدند. که یکی از ایشان اغابوس نام برخاسته، به روح اشاره کرد که قحطی شدید در تمامی ربع مسکون خواهد شد و آن در ایام کَلُودِیُوسِ قیصر پدید آمد. و شاگردان مصمّم آن شدند که هر یک برحسب مقدور خود، اعانتی برای برادران ساکنِ یهودیه بفرستند. پس چنین کردند و آن را به دست برنابا و سولس نزد کشیشان روانه نمودند."

ب. نیازهای معنوی - غلاطیان ۶: ۱-۲ "اما ای برادران، اگر کسی به خطایی گرفتار شود، شما که روحانی هستید، چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید. و خود را ملاحظه کن، که مبدا تو نیز در تجربه افتی. بارهای سنگین یکدیگر را متحمّل شوید و بدین نوع شریعت مسیح را به جا آرید." همچنین به رومیان ۱۵: ۱-۲ و عبرانیان ۱۳: ۳ رجوع کنید.

۳- باید همدیگر را تشویق و تقویت کنیم. اول تسالونیکیان ۵: ۱۱ "پس همدیگر را تسلی دهید و یکدیگر را بنا کنید، چنانکه هم می کنید."

۴- باید به همدیگر خدمت کنیم. فیلیپیان ۲: ۳-۴ "و هیچ چیز را از راه تعصّب و عُجَب مکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید. و هریک از شما ملاحظه کارهای خود را نکند، بلکه هر کدام کارهای دیگران را نیز." (همچنین به متی ۲۰: ۲۵-۲۸ رجوع کنید).

چه طرز فکری باید نسبت به سایر مسیحیان داشته باشیم؟

۱- باید آنها را دوست داشته باشیم. اول یوحنا ۱۴: ۳-۱۶ "ما می دانیم که از موت گذشته، داخل حیات گشته ایم از اینکه برادران را محبّت می نماییم. هر که برادر خود را محبّت نمی نماید در موت ساکن است. هر که از برادر خود نفرت نماید، قاتل است و می دانید که هیچ قاتل حیات جاودانی در خود ثابت ندارد. از این امر محبّت را دانسته ایم که او جان خود را در راه ما نهاد و ما باید جان خود را در راه برادران بنهیم." همچنین به اول پطرس ۴: ۸ رجوع کنید.

۲- با آنها صبور باشیم. رومیان ۱۵: ۵-۷ "الآن خدای صبر و تسلی شما را فیض عطا کند تا موافق مسیح عیسی با یکدیگر یکرأی باشید. تا یکدل و یکزبان شده، خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح را تمجید نمایید. پس یکدیگر را بپذیرید، چنانکه مسیح نیز ما را پذیرفت برای جلال خدا."

۳- از نیازهای آنها آگاهی داشته باشیم. اول یوحنا ۱۷: ۳-۱۸ "لکن کسی که معیشت دنیوی دارد و برادر خود را محتاج ببند و رحمت خود را از او باز دارد، چگونه محبت خدا در او ساکن است؟ ای فرزندان، محبت را به جا آریم نه در کلام و زبان بلکه در عمل و راستی." همچنین به یعقوب ۱۵: ۲-۱۶ رجوع کنید.

۴- به همدیگر گذشت و بخشش داشته باشیم. افسسیان ۴: ۳۲ "و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است." ؛ کولسیان ۱۳: ۳ "و متحمل یکدیگر شده، همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید؛ چنانکه مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید."

مشارکت چیست؟

۱- مشارکت یک واژه رایج بین مسیحیان است که یعنی دور هم گرد آمدن برای انجام فعالیتی یا صرف کردن زمان با ایمانداران دیگر برای صرف غذا یا فعالیتهای دیگر. این واقعیت دارد که مشارکت یعنی صرف غذا یا انجام فعالیتی با سایر ایمانداران، ولی معنی واقعی آن طبق کتاب مقدس این است که ما زندگیمان را از طریق شخص خداوند عیسی مسیح با سایر ایمانداران صرف کنیم.

۲- عناصر ضروری مشارکت واقعی چیزهای فیزیکی مثل موقعیت اجتماعی ، دوستی ، علائق مشترک و غیره نیستند. بلکه نیازهای روحانی شخصیت یک نفر هستند.

ا. تواضع - فیلیپیان ۲: ۳-۸

ب. صداقت - افسسیان ۴: ۲۵ ؛ دوم قرنتیان ۴: ۲

- ج. محبت - یوحنا ۳:۵ ؛ غلاطیان ۵:۱۳-۱۵
- د. مهمان نوازی - تیطس ۱:۸ ؛ اعمال ۲:۴۲ و ۴۶-۴۷

۳- ناحیه های مشارکت واقعی بین دیگران عبارتند از:

- أ. دعا - دوم قرن ۱:۱۱
- ب. ایمان - رومیان ۱:۱۲
- ج. خدمت - دوم قرن ۸:۴ ؛ غلاطیان ۲:۹
- د. رنج - فیلیپیان ۳:۱۰ ؛ اول پطرس ۴:۱۳ و ۵:۱

۴- گرچه اعتقادات تعلیماتی اهمیت حیاتی دارند، مشارکت واقعی طبق کتاب مقدس بر پایه موافقت تعلیماتی دقیق نیست، بلکه در شخص خداوند عیسی مسیح می باشد. ما باید یاد بگیریم که قبل از اینکه با ایمانداران دیگر مشارکت داشته باشیم با او شخصاً مشارکت داشته باشیم.

اول یوحنا ۱:۳-۷ "از آنچه دیده و شنیده ایم شما را اعلام می نمایم تا شما هم با ما شراکت داشته باشید. و اما شراکت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است. و این را به شما می نویسم تا خوشی ما کامل گردد. و این است پیغامی که از او شنیده ایم و به شما اعلام می نمایم، که خدا نور است و هیچ ظلمت در وی هرگز نیست. اگر گوییم که با وی شراکت داریم، در حالیکه در ظلمت سلوک می نمایم، دروغ می گوییم و براستی عمل نمی کنیم. لکن اگر در نور سلوک می نمایم، چنانکه او در نور است، با یکدیگر شراکت داریم و خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می سازد."

سوالات پایه ای

۱- اگر یک مسیحی به من توهین کند چه عکس العملی باید نشان دهم؟

متأسفانه این احتمالاً برای شما اتفاق بیافتد اگر شما زمانتان را با برادران و خواهران مسیحی صرف کنید. زمانی می آید که اهانت ، ضربه و مخالفت در درون بدن مسیح پدید می آید،

همانطوری که در خانواده جسمانی ما اتفاق می افتد. اگر و یا وقتی که این اتفاق بیافتد و اگر آن جدی باشد ، کتاب مقدس برای ما اصولهایی را تعلیم می دهد که باید در این رابطه انجام دهیم.

أ. به سراغ آن شخص که اهانت کرده به تنهایی و در خلوت بروید تا ماجرا را حل کنید. متی ۱۸: ۱۵ "و اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن. هرگاه سخن تو را گوش گرفت، برادر خود را دریافتی."

ب. اگر اختلاف در خلوت حل نشد ، سراغ سرپرست کلیسا رفته و موضوع را با او در جریان بگذارید تا او واسطه بین شما باشد برای راه حل. متی ۱۸: ۱۶ "و اگر نشنود، یک یا دو نفر دیگر با خود بردار تا از زبان دو یا سه شاهد، هر سخنی ثابت شود." همچنین به اول قرنیتان ۶: ۱-۵ رجوع کنید.

ج. برای حل اختلاف، هرگز سراغ کسی نروید که نجات نداشته باشد. اول قرنیتان ۶: ۶ "بلکه برادر با برادر به محاکمه می رود و آن هم نزد بی ایمانان!"

د. اگر اختلاف هنوز حل نشده باشد:

۱. شخصاً اشتباه او را قبول و به عهده بگیرید. اول قرنیتان ۶: ۷-۸ "بلکه الآن شما را بالکلیه قصوری است که با یکدیگر مرافعه دارید. چرا بیشتر مظلوم نمی شوید و چرا بیشتر مغبون نمی شوید؟ بلکه شما ظلم می کنید و مغبون می سازید و این را نیز به برادران خود!"

۲. آن را به خداوند عیسی مسیح واگذار کنید، که او با عدالت داوری خواهد کرد. اول پطرس ۲: ۱۹-۲۳ "زیرا این ثواب است، که کسی بجهت ضمیری که چشم بر خدا دارد، در وقتی که ناحق زحمت می کشد، دردها را متحمل شود. زیرا چه فخر دارد هنگامی که گناهکار بوده، تازیانه خورید و متحمل آن شوید. لکن اگر نیکوکار بوده، زحمت کشید و صبر کنید، این نزد خدا ثواب است. زیرا که برای همین خوانده شده اید، چونکه مسیح نیز برای ما عذاب کشید و شما را نمونه ای گذاشت، تا در اثر قدمهای وی رفتار نمایید، که هیچ گناه نکرد، و مکر در زبانش یافت نشد. چون او را دشنام می دادند، دشنام

پس نمی‌داد؛ و چون عذاب می‌کشید تهدید نمی‌نمود، بلکه خویشتن را به داور عادل تسلیم کرد."

۳. **برادرت را ببخش.** کولسیان ۳: ۱۳ "و متحمل یکدیگر شده، همدیگر را عفو کنید هرگاه

بر دیگری ادعایی داشته باشید؛ چنانکه مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید."

۴. **برای او دعا کن.** متی ۵: ۴۳-۴۸ "شنیده‌اید که گفته شده است، همسایه خود را محبت

نما و با دشمن خود عداوت کن. اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و

برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر

که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید، تا پدر خود را که در آسمان است

پسران شوید، زیرا که آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و

ظالمان می‌باراند. زیرا هرگاه آنانی را محبت نمایید که شما را محبت می‌نمایند، چه اجر

دارید؟ آیا باجگیران چنین نمی‌کنند؟ و هرگاه برادران خود را فقط سلام گویند چه فضیلت

دارید؟ آیا باجگیران چنین نمی‌کنند؟ پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان

است کامل است."؛ همچنین به رومیان ۱۲: ۱۴ رجوع کنید.

سوالات این درس:

۱- دو جنبه اصلی رابطه ما با دیگر مسیحیان را بنویسید؟

ا.

ب.

۲- چهار مسئولیتی که شما به مسیحیان دیگر دارید را با آیه ای نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۳- چهار طرز تفکری که شما باید برای دیگر مسیحیان داشته باشید را با آیه ای برای هر یک نام ببرید؟

-۱

-۲

-۳

-۴

۴- مشارکت به چه معناست؟

۵- عناصر ضروری مشارکت واقعی بر طبق کتاب مقدس چیزهای نیستند بلکه نیازهای یک نفر هستند.

۶- چهار نوع از کیفیتهای شخصیتی که در زندگی یک مسیحی برای شرکت در مشارکتهای واقعی با سایر ایمانداران نیاز است را نام ببرید؟

-۱

-۲

-۳

-۴

۷- چهار ناحیه از مشارکت واقعی را با آیه ها نام ببرید؟

-۱

-۲

-۳

-۴

۸- سوالات زیر را با بله یا خیر جواب دهید.

- ۱- مشارکت واقعی بر پایه اعتقادات تعلیماتی دقیق است. -----
- ۲- مشارکت واقعی بر طبق کتاب مقدس با شخص نجات نیافته ممکن است. -----
- ۳- ما اول باید با عیسی مسیح مشارکت داشته باشیم قبل از اینکه با سایر ایمانداران مشارکت کنیم. -----
- ۹- وقتی که یک مسیحی به ما اهانت می کند، سه اصول و قواعدی که کتاب مقدس برای حل اختلاف به ما تعلیم می دهد را نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

- ۱۰- در هنگام حل اختلاف، اگر برادر مسیحی از حل اختلاف امتناع ورزد چه کاری باید انجام دهیم؟

- ۱۲- بطور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: افسسیان ۴: ۳۲ اول یوحنا ۳: ۱۴-۱۵ اول یوحنا ۱: ۷

درس ۱۹: ده یکها و هدایا

"معنی ده یکها و هدایا چیست و مسئولیت ما در این زمینه چیست؟"

امروزه بخشیدن ده یکها و هدایا یک موضوع بی نهایت متناقض در مسیحیت است، و این بعثت فشارهای سختی که بر امت خداوند به دلیل بخشیدن به خیلی چیزهای ارزشمند است وارد می شود. این یک موضوع مبهم بین مسیحیان در حالت کلی و حتی بین سرپرستان کلیسا می باشد.

قبل از اینکه ما طبیعت دادن هدایا در عهد جدید را درک کنیم، باید یک واقعیت را آشکارا درک کنیم و آن اینست که: خداوند به پول ما نیاز ندارد. این درس به ما درباره مسئولیت مسیحیان در نظارت بر زندگی و دارایی خویش را می آموزد.

قبل از دادن هر هدیه ای به خداوند، باید اول خودمان را به خدا هدیه دهیم.

۱- خداوند ما را با قیمت گزافی خریده، که این قیمت، خون خودش می باشد و ما به او متعلق هستیم. اول قرنثیان ۶: ۱۹-۲۰ "آیا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟ زیرا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید."

۲- خداوند به ما فرمان می دهد که بدنهای خود را به عنوان قربانی زنده تقدیم او نماییم نه فقط پول توجیبی مان را. رومیان ۱۲: ۱ "لذا ای برادران، شما را به رحمتهای خدا استدعا می کنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذارید که عبادت معقول شما است."

۳- یک ذهن و دل راغب با تعهد زندگی برای خدمت به خدا باید مقدم تراز دادن هدایای مالی باشد تا خدا بتواند برکت دهد. دوم قرنثیان ۸: ۳-۵ و ۱۲ "زیرا که شاهد هستیم که بحسب طاقت بلکه فوق از طاقت خویش به رضامندی تمام، التماس بسیار نموده، این نعمت و شراکت در

خدمت مقدّسین را از ما طلبیدند. و نه چنانکه امید داشتیم، بلکه اوّل خویشتن را به خداوند و به ما برحسب اراده خدا دادند... ۱۲ زیرا هرگاه دلگرمی باشد، مقبول می‌افتد، بحسب آنچه کسی دارد نه بحسب آنچه ندارد."

۴- ما باید پی ببریم که دادن هدایای واقعی در عهد جدید با زندگی ما شروع می‌شود، در حالیکه شامل دارایی و منابع ما نیز می‌باشد. اگر خداوند بر زندگی ما نظارت داشته باشد، بر منابع ما نیز نظر خواهد داشت.

دلیل دادن هدایا چیست؟

۱- **بخشیدن هدایا محبت واقعی ما به مسیح را ثابت می‌کند.** دوم قرن‌تیا ۸: "این را به طریق حکم نمی‌گویم بلکه به سبب اجتهاد دیگران و تا اخلاص محبّت شما را بیازمایم."

۲- **بخشیدن هدایا خوش نیتی ما را برای خدمات دیگر زیاد می‌کند.** این نیاز به استعداد یا توانایی خاص ندارد بلکه فقط به خوش نیتی نیاز دارد. دوم قرن‌تیا ۸: ۶-۷ "و از این سبب از تپّس استدعا نمودیم که همچنانکه شروع این نعمت را در میان شما کرد، آن را به انجام هم برساند. بلکه چنانکه در هر چیز افزونی دارید، در ایمان و کلام و معرفت و کمال اجتهاد و محبّتی که با ما می‌دارید، در این نعمت نیز بیفزایید."

دوم قرن‌تیا ۹: ۸ "ولی خدا قادر است که هر نعمتی را برای شما بیفزاید تا همیشه در هر امری کفایت کامل داشته، برای هر عمل نیکو افزوده شوید."

۳- **بخشیدن هدایا، یک سرمایه گذاری در ثروتهای ابدی است و چشموهای ما را از ثروتهای زمینی که از بین می‌روند برمی‌دارد.** متی ۶: ۱۹-۲۱ "گنجها برای خود بر زمین نیندوژید، جایی که بید و زنگ زیان می‌رساند و جایی که دزدان نقّب می‌زنند و دزدی می‌نمایند. بلکه گنجها بجهت خود در آسمان بیندوژید، جایی که بید و زنگ زیان نمی‌رساند

و جایی که دزدان نقب نمی‌زنند و دزدی نمی‌کنند. زیرا هر جا گنج تو است، دل تو نیز در آنجا خواهد بود." همچنین به فیلیپان ۴: ۱۷ رجوع کنید.

۴- شخصی که سود بیشتری را از بخشیدن می‌برد خود شما هستید.

کجا باید هدایا را بخشید؟

۱- **مسئولیت اصلی ما در این زمینه به کلیسای محلی خودمان می‌باشد.** تمام هدایا در عهد جدید در قالب خدمات کلیسای محلی صورت می‌گرفت. اول قرن‌تینان ۱۶: ۱-۳ متن قطعی در این رابطه می‌باشد. "اما درباره جمع کردن زکات برای مقدّسین، چنانکه به کلیساهای غلاطیه فرمودم، شما نیز همچنین کنید. در روز اوّل هفته، هر یکی از شما بحسب نعمتی که یافته باشد، نزد خود ذخیره کرده، بگذارد تا در وقت آمدن من زحمت جمع کردن نباشد. و چون برسم، آنانی را که اختیار کنید با مکتوبها خواهم فرستاد تا احسان شما را به اورشلیم ببرند."

۲- **مسلمان هر کسی آزاد است که خارج از کلیسا به نیازمندان کمک کند و خداوند برکت می‌دهد.** هر چند این کلیسای محلی است که در مرکزیت اهداف خداوند می‌باشد. هر کمکی که خارج از کلیسا به دیگران می‌شود نباید از آن هدایایی که خداوند از ما می‌خواهد به کلیسا بدهیم، باشد. این نه تنها پول بلکه زمان و خدمت ما را نیز شامل شود.

پول ما برای چه چیزهایی مصرف می‌شود؟

۱- **برای حمایت مالی از سرپرست کلیسا.** اول قرن‌تینان ۹: ۱۳-۱۴ "آیا نمی‌دانید که هر که در امور مقدّس مشغول باشد، از معبد می‌خورد و هر که خدمت مذهب کند، از مذهب نصیبی می‌دارد. و همچنین خداوند فرمود که کسانی که انجیل را موعظه می‌نمایند، باید از انجیل معیشت یابند."

اول تیموتائوس ۵: ۱۷-۱۸ "کشیشانی که نیکو پیشوایی کرده‌اند، مستحقّ حرمت دوبرابر می‌باشند، علی‌الخصوص آنانی که در کلام و تعلیم محنت می‌کشند. زیرا کتاب می‌گوید، گاو را وقتی که خرمن را خرد می‌کند، دهن مبنده و کارگر مستحقّ اجرت خود است."

۲- **سایر خدمتها از طریق کلیسای محلی حمایت می‌شود:** فیلیپیان ۴: ۱۵-۱۶ "اما ای فیلیپیان شما هم آگاهید که در ابتدای انجیل، چون از مکادونیه روانه شدم، هیچ کلیسا در امر دادن و گرفتن با من شراکت نکرد جز شما و بس. زیرا که در تسالونیکه هم یک دو دفعه برای احتیاج من فرستادید."

۳- **برای حمایت از کسانی در داخل کلیسا که توانایی کارکردن را ندارند و وفادار به کلیسا هستند.** اعمال ۶: ۱ "و در آن ایام چون شاگردان زیاد شدند، هلینستیان از عبرانیان شکایت بردند که بیوه‌زنان ایشان در خدمت یومیه بی بهره می‌ماندند." همچنین به اول تیموتائوس ۵: ۱۶ و ۹-۱۰ رجوع کنید.

۴- **برای برآورده کردن نیازهای عمومی که توسط سرپرست کلیسا تعیین می‌شود.** دوم قرنیتان ۸: ۴ "التماس بسیار نموده، این نعمت و شراکت در خدمت مقدّسین را از ما طلبیدند." اعمال ۱۱: ۲۷-۳۰ "و در آن ایام انبیایی چند از اورشلیم به اَنطاکیه آمدند. که یکی از ایشان اغابوس نام برخاسته، به روح اشاره کرد که قحطی شدید در تمامی ربع مسکون خواهد شد و آن در ایام کَلُودِیوسِ قیصر پدید آمد. و شاگردان مصمّم آن شدند که هر یک برحسب مقدور خود، اعانتی برای برادران ساکنِ یهودیه بفرستند. پس چنین کردند و آن را به دست برنابا و سولس نزد کشیشان روانه نمودند."

چه مقدار پول باید ببخشیم؟

شما قرار نیست که چیزی ببخشید. فقط بخاطر رغبت و تمایل قلبتان باید بدهید و این برای اینست که عیسی مسیح را دوست دارید و می‌خواهید ببخشید.

بیایید مثالی از مقدار پولی که در کتاب مقدس آورده شده، ببینیم.

۱- **"ده یکها"** - در عهد عتیق از یهودیان در شریعتشان خواسته شده بود که درصدی از درآمدشان را ببخشند. گرچه ده یک، ده درصد از درآمد است، شماری از ده یکهای مختلف برای اهداف مختلف از قسمتهای مختلف درآمدشان وجود داشتند. در حالت کلی، هدایای درخواست شده از یهودیان بین ۲۵ تا ۳۰ درصد از کل درآمدشان بود. مقدار بیشتری از آن پولها برای همان هدفی که ما امروزه مالیات می نامیم استفاده می شد. علاوه بر آن یهودیان باید برای کارها و خدمت خداوند هدایایی می بخشیدند.

۲- اصول و تعالیم عهد جدید در رابطه با دادن هدایا در دوم قرنتیان ۹: ۷ خلاصه شده.

۱- "هر کس بطوری که در دل خود اراده نموده است." هر قدر که خداوند در دلتان می گذارد، بدهید.

۲- "نه از روی بی میلی." اگر مایل به بخشیدن نیستی، نبخش.

۳- "یا اجبار." شما با ده یک ها یا قوانین دیگر در بند نیستید.

۴- "زیرا خدا بخشنده خوشحال را دوست دارد."

۳- اصولات دیگر.

۱- **همانقدر که خدا کامیابان کرده، ببخشید.** نگران نباشید که دیگران چقدر می بخشند،

فقط به همان مقدار که خداوند به شما برکت داده، هدیه بدهید. اول قرنتیان ۱۶: ۲ " در روز

اوّل هفته، هر یکی از شما بحسب نعمتی که یافته باشد، نزد خود ذخیره کرده، بگذارد تا در

وقت آمدن من زحمت جمع کردن نباشد." دوم قرنتیان ۸: ۱۲ "زیرا هرگاه دلگرمی باشد،

مقبول می افتد، بحسب آنچه کسی دارد نه بحسب آنچه ندارد."

۲- **بیشتر از توانایی خود ببخشید.** خوش نیتی به بخشیدن هدایا در زندگیتان افزایش پیدا

خواهد کرد وقتی که با بخشیدن برای خدمت خدا قربانی می کنید. دوم قرنتیان ۸: ۳ " زیرا

که شاهد هستم که بحسب طاقت بلکه فوق از طاقت خویش به رضامندی تمام."

دوم سموئیل ۲۴: ۲۴ " اما پادشاه به اُزونه گفت: «نی، بلکه البته به قیمت از تو خواهم گرفت، و برای یهو، خدای خود، قربانی‌های سوختنی بی‌قیمت نخواهم گذرانید.» پس داود خرمنگاه و گاوان را به پنجاه مثقال نقره خرید.

۳- همیشه قانون کاشتن و دروکردن را به یاد داشته باشید. دوم قرنیتان: ۹: ۶ "اما خلاصه این است، هرکه با بخیلی کارد، با بخیلی هم درو کند و هرکه با برکت کارد، با برکت نیز درو کند." غلاطیان ۶: ۷-۹ "خود را فریب مدهید، خدا را استهزاء نمی‌توان کرد. زیرا که آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد. زیرا هر که برای جسم خود کارد، از جسم فساد را درو کند و هرکه برای روح کارد از روح حیات جاودانی درو خواهد کرد. لیکن از نیکوکاری خسته نشویم زیرا که در موسم آن درو خواهیم کرد اگر مایوس نشویم."

۴- بخشش واقعی در عهد جدید از ده یکهای ساده فراتر می‌رود. و آن نظارت کردن کامل برزندگی و منابعمان به عیسی مسیح است. تمام اصول بالا، نه تنها شامل پولمان می‌شود بلکه شامل زمان و خدمات ما به خدا نیز می‌باشد.

سؤالات پایه ای: چگونه من می‌توانم مطمئن شوم که به چیزهای درست می‌بخشم و پول و زمان من دقیقاً برای چیزی استفاده می‌شود؟

۱- بخشیدن پول، زمان و خدمتتان به خدا را در کلیسای محلی رونق دهید. چون آن مؤسسه ای است که خداوند در این عصر کلیسا ترتیب داده.

۲- در بسیاری از کلیساها چندین نفر مورد اعتماد تعیین می‌شوند که مسئولیت مالی کلیسا را به عهده می‌گیرند. اگرما با دعا به دنبال رهبریت خدا در انتخاب کلیسا و پیروی از احکام خدا در کتاب مقدس باشیم می‌توانیم به سرپرست و مسئولین مالی کلیسا اعتماد کنیم. اگر ببینیم که

منابع مالی کلیسا طبق تعالیم کتاب مقدس مصرف نمی شود، باید اعضای دیگر کلیسا را در جریان بگذاریم. اگر موضوع حل نشود، باید با دعا کردن دنبال یک کلیسای دیگر باشیم. دوم قرنیتان ۸: ۲۰-۲۱ "چونکه اجتناب می کنیم که مبادا کسی ما را ملامت کند درباره این سخاوتی که خادمان آن هستیم. زیرا که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می بینیم."

سوالات این درس:

- ۱- از مطالعه خودتان از کتاب مقدس یک دلیل بیاورید که چرا خداوند به پول ما نیاز ندارد؟
- ۲- قبل از اینکه پولی به کار و خدمت خداوند هدیه بدهیم باید اول خودمان را به خدا هدیه دهیم.
 - ۱- سه دلیل برای این بیاورید.
 - ۲-
 - ۳-
- ۳- اگر خداوند به _____ ما نظارت داشته باشد، او به _____ ما
 - ۱- نیز نظر خواهد افکند.
- ۴- سه دلیل برای بخشیدن هدایا را نام ببرید؟
 - ۱-
 - ۲-
 - ۳-
- ۵- یک مسیحی باید منابع، زمان و خدمتش را به کلیسای محلی هدیه دهد، بطور خلاصه درباره این شرح دهید؟

۶- چهار ناحیه ای که پول معمولاً در کلیسای محلی مصرف شود با آوردن آیه ای برای هر کدام را نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۷- چرا ما نباید احساس کنیم که مجبور برای دادن به خدمت خداوند هستیم؟

۸- "ده یک" یک قانون برای مسیحی نیست. بجای ده یک، چه طرز فکر هدیه دادن در دوم قرن بیان ۹: ۷ پیدا می شود؟

۱-

۲-

۳-

۹- سه اصول دیگر که باید هنگام هدایا دادن به کلیسا در نظر گرفته شود، چیست؟

۱-

۲-

۳-

۱۰- بخشیدن هدایای واقعی طبق عهد جدید را شرح دهید؟

۱۱- بطور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: دوم قرن بیان ۹: ۷؛ متی ۶: ۲۱؛ دوم قرن بیان ۸: ۹

درس ۲۰: پول و دارایی

"نگرش ما راجع به پول و دارایی های شخصی چگونه باید باشد؟"

یکی از بزرگترین وسوسه هایی که مسیحیان مواجه می شوند، مادی گرایی است. این دیدگاه در ما بوجود آمده که فکر کنیم موفقیت یک شخص با داشتن پول و دارایی فراوان ارزیابی می شود. ولی واقعیت اینست که موفقیت یک شخص با به کمال رساندن اهداف خدا در زندگیش اندازه گیری می شود.

کتاب مقدس چیزهای زیادی برای گفتن در رابطه با نگرش ما راجع به دارایی های فیزیکی دارد. هدف این درس این است که بیاموزیم چگونه خداوند از ما می خواهد در این رابطه طبق تعالیم کتاب مقدس عمل کنیم.

الف) ما مجبور نیستیم که فقیر باشیم تا خدا را بخشود سازیم.

۱- این اهمیت زیادی برای درک کردن دارد. روحانی بودن ما با داشتن یا نداشتن دارایی فراوان ارزیابی نمی شود. خداوند داشتن پول را در هیچ جای کتاب مقدس محکوم نمی کند. در عوض او با طرز تفکر ما نسبت به پول و دارایی کار دارد.

۲- کتاب مقدس نمی گوید که پول ریشه تمام شرارت است. بلکه می گوید که "... عشق به پول ریشه تمام شرارت است". اول تیموتائوس ۶: ۱۰

۳- ما باید در هر شرایطی که هستیم قانع باشیم و به خداوند عیسی مسیح تکیه کنیم. فیلیپیان ۴: ۱۱ "نه آنکه درباره احتیاج سخن می گویم، زیرا که آموخته ام که در هر حالتی که باشم، قناعت کنم." (به خاطر داشته باشید که پولس این نامه را از زندان نوشت).

ب) باید بدانیم که چیزهای بسیاری وجود دارند که به مراتب مهم تر از پول هستند، که پول نمی تواند بخرد.

۱- حکمت. (امثال ۱۶: ۱۶)

۲- زندگی با عدالت. (امثال ۲۸: ۶ و امثال ۱۶: ۸؛ مزامیر ۳۷: ۱۶)

۳- خواب شب خوب. (جامعه ۵: ۱۲)

۴- کلام خدا. (مزامیر ۱۱۹: ۱۴، ۷۲، ۱۲۷)

۵- سلامتی خوب. (لوقا ۸: ۴۳)

۶- آرامش و صلح. (جامعه ۴: ۶؛ امثال ۱۵: ۱۶ و ۱۷: ۱)

ج) هنگامیکه خداوند برکت مالی به ما بدهد، نباید او را فراموش کنیم.

تثیه ۶: ۱۰-۱۲" و چون یهوه، خدایت، تو را به زمینی که برای پدرانت ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورده که به تو بدهد، درآورد، به شهرهای بزرگ و خوشنمایی که تو بنا نکرده‌ای، و به خانه‌های پر از هر چیز نیکو که پر نکرده‌ای، و حوضهای کنده شده‌ای که نکرده‌ای، و تاکستانها و باغهای زیتونی که غرس ننموده‌ای، و از آنها خورده، سیر شدی، آنگاه با حذر باش مبادا خداوند را که تو را از زمین مصر، از خانه بندگی بیرون آورد، فراموش کنی." همچنین به امثال ۷: ۹-۳۰ و مکاشفه ۳: ۱۷ رجوع کنید.

د) باید به یاد داشته باشیم که اگر خداوند ثروت را از ما بگیرد، نباید بر رابطه ما با

او تأثیر گذارد. ایوب ۱: ۲۰-۲۲ " آنگاه ایوب برخاسته، جامه خود را درید و سر خود را تراشید و به زمین افتاده، سجده کرد ۲۱ و گفت: «برهنه از رحم مادر خود بیرون آمدم و برهنه به آنجا خواهم برگشت! خداوند داد و خداوند گرفت! و نام خداوند متبارک باد!» ۲۲ در این همه، ایوب گناه نکرد و به خدا جهالت نسبت نداد."

ذ) **نباید بر ثروت دیگران حسودی کنیم.** مزامیر ۴۹: ۱۶-۱۷ "پس ترسان مباش، چون کسی دولتمند گردد و جلال خانه او افزوده شود! زیرا چون بمیرد، چیزی از آن نخواهد برد و جلالش در عقب او فرو نخواهد رفت." (خروج ۲۰: ۱۷) نیز رجوع کنید.

ر) **باید از نقشه "ثروتمند شدن سریع" دوری کنیم.** امثال ۲۰: ۲۱ "اموالی که اولاً به تعجیل حاصل می شود، عاقبتش مبارک نخواهد شد." همچنین به امثال ۲۸: ۲۰ و ۲۲ رجوع کنید.

ه) **و در آخر باید بدانیم که تبلیغات رادیو و تلویزیون تأثیرات منفی زیادی را در رابطه با مادی گرایی بر ما می گذارد.** باید از خودمان در برابر آن حفاظت کنیم. و باید مطمئن شویم که خواسته های اصلی ما چیزهای معنوی باشد نه چیزهای مادی. باید تعادل درست در طرز تفکرمان برپول و دارایی باشد.

۱- امثال ۱۱: ۱ می گوید، "ترازوی غلط نزد خداوند پلیدی است." الف) همان کتاب مقدسی که در متی ۶: ۲۵-۳۴ می گوید نگران ماده فیزیکی نباشید، همچنین در اول تیموتائوس ۵: ۸ نیز می گوید که اگر یک شخص معاش خانواده اش را تأمین نکند بدتر از یک کافر است. "ولی اگر کسی برای خویشان و علی الخصوص اهل خانه خود تدبیر نکند، منکر ایمان و پست تر از بی ایمان است."

ب) همان کتاب مقدس که می گوید، "...عشق به پول ریشه تمام شرارت است." همچنین می گوید، "...کارگر مستحق پاداشش است." (اول تیموتائوس ۵: ۱۷-۱۸) "کشیشانی که نیکو پیشوایی کرده اند، مستحق حرمت مضاعف می باشند، علی الخصوص آنانی که در کلام و تعلیم محنت می کشند. زیرا کتاب می گوید، گاو را وقتی که خرمن را خرد می کند، دهن مبد و مزدور مستحق اجرت خود است."

۲- این آیه ها تناقض ندارند بلکه اصول تعادلی دارند که به ما نشان می دهند چگونه دارایی های مادی را بکار ببریم.

سوالات پایه ای:

الف) خداوند چه چیزهایی برای من تأمین می کند؟

۱- خداوند وعده داده است که نیازهای شما را برآورده کند. فیلیپیان ۴: ۱۹ "اما خدای من همه احتیاجات شما را برحسب دولت خود در جلال در مسیح عیسی رفع خواهد نمود." ؛ همچنین به متی ۶: ۲۵-۳۴ مراجعه کنید.

۲- آن نیازها هم مادی و هم معنوی می تواند باشد.

۳- شما باید فرق بین نیازها و خواسته ها را تشخیص دهید. این خیلی کار سختی است که انجام دهیم مخصوصاً در جامعه امروزی ما. آیه های زیر در رابطه با نیازها و خواسته ها را مقایسه کنید.

الف) نیازها- (یعقوب ۲: ۱۵-۱۶) "پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک روزینه باشد، و کسی از شما بدیشان گوید، به سلامتی بروید و گرم و سیر شوید، لیکن مایحتاج بدن را بدیشان ندهد، چه نفع دارد؟" همچنین به عبرانیان ۴: ۱۵-۱۶؛ مرقس ۲: ۲۵ رجوع کنید.

ب) خواسته ها- (امثال ۱۳: ۲۵) "مرد عادل برای سیری جان خود می خورد، اما شکم شریران محتاج خواهد بود." همچنین به فیلیپیان ۴: ۱۱؛ یعقوب ۱: ۴ و مزامیر ۲۳: ۱ رجوع کنید.

سوالات این درس:

۱- آیا مقدار ثروتی که داریم خشنودی خدا با ما را تعیین می کند؟ _____ به طور خلاصه شرح دهید.

۲- چه چیزی درباره پول و انسان می توانیم ازاول تیموتائوس ۶: ۱۰ یاد بگیریم؟

۳- دو شخص که در کتاب مقدس خیلی ثروتمند بودند که طرز تفکر مختلف با دیگران را داشتند.

فرق طرز تفکر آنها راجع به ثروت چه بود؟

۱- سلیمان

۲- ایوب

۴- پنج طرز تفکر غلط در رابطه با پول را که رابطه تان را با خدا خدشه دار می کند را با آیه ها

که کمک به فهم آنها می کند نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۵- مهمترین طرز تفکری که در رابطه با توسعه دارایی های مادی ما باشد را بنویسید؟

۶- پولس رسول چه چیزی را از طریق طرز تفکرهایی که در آیه های زیر نشان داده شده است به ما

تعلیم می دهد؟

۱- عبرانیان ۱۳: ۵

۲- اول تیموتائوس ۶: ۸

۳- فیلیپیان ۴: ۱۱

۷- شش چیزهای مهمی که پول نمی تواند بخرد بلکه فقط خداوند می تواند بدهد را نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۶-

۸- پنج طرز تفکر دیگر که باید راجب به دارایی های فیزیکی توسعه دهیم را نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۹- خداوند وعده می دهد که نیازهای شما را برآورده کند نه لزوماً _____ شما را.

نیازهای شما هم _____ و هم _____ هستند. چند تا مثال در رابطه با نیازها و

خواسته هایتان را با ذکر آیه ها نام ببرید؟

نیازها:

خواسته ها:

۱۰- بطور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی: فیلیپیان ۴: ۱۱ و ۱۹؛ کولسیان ۳: ۲

درس ۲۱: برخورد با گناه

"چگونه در زندگی خود برگناه غلبه کنیم؟"

شخصی که با دریافت کردن عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده، نجات می یابد، در زندگی اش شروع به جنگ با گناه می کند. این در ابتدای ایمانش شاید مشهود نباشد ولی به مرور زمان پی می برد که وارد میدان جنگ با نیروهای تاریکی شده است.

وقتی که ما نجات پیدا می کنیم ما دو نفر می شویم. اولی، انسان کهنه در شباهت آدم که ذات گناهکار دارد و دومی، انسان نو در عیسی مسیح که در شباهت خداوند است. این درس طراحی شده که به ما در جنگ با ذات گناه کمک کند.

گناه چیست؟

- ۱- گناه شکستن احکام خداست. اول یوحنا ۳: ۴ "و هر که گناه را بعمل می آورد برخلاف شریعت عمل می کند زیرا گناه سرپیچی از شریعت است."
- ۲- هر نادرستی گناه است. اول یوحنا ۵: ۱۷ "هر ناراستی گناه است ولی گناهی هست که منتهی به موت نیست."
- ۳- هر چیزی که بدون ایمان انجام شود گناه است. رومیان ۱۴: ۲۳ "لکن آنکه شک دارد اگر بخورد ملزم می شود، زیرا به ایمان نمی خورد؛ و هر چه از ایمان نیست گناه است."

چرا ما گناه می کنیم؟

- ۱- ما گناه می کنیم بخاطر اینکه ذات گناه را از آدم به ارث برده ایم. رومیان ۵: ۱۲ "لذا همچنان که بوساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت؛ و به اینگونه موت

بر همه مردم طاری گشت، از آنجا که همه گناه کردند." همچنین به اول قرن‌تیاں ۱۵: ۴۵-۴۹ رجوع کنید.

۲- **ما گناه می کنیم بخاطر اینکه ذات کهنه، ما را به سوی گناه می کشاند.** یعقوب ۱: ۱۳-۱۴ "هیچ کس چون در تجربه افتد نگوید"خدا مرا تجربه می کند" زیرا خدا هرگز از بدیها تجربه نمی شود و او هیچکس را تجربه نمی کند. لکن هرکس در تجربه می افتد وقتی که شهوت وی او را می کشد و فریفته می سازد." همچنین به رومیان ۷: ۱۴-۲۵ رجوع کنید.

۳- **ما گناه می کنیم بخاطر وسوسه در سه ناحیه اصلی که در اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۶ آمده است.** عیسی مسیح نیز خودش در این سه ناحیه زیر وسوسه شد ولی گناه نکرد همانطور که در عبرانیان ۴: ۱۵ آمده است.

الف) **شهوت جسم** - حوا در این ناحیه وسوسه شد. در پیدایش ۳: ۶ او دید که درخت "برای خوراک نیکوست". عیسی مسیح نیز در این ناحیه وسوسه شد در متی ۴: ۳ شیطان از او خواست که سنگ را به نان تبدیل کند. اما عیسی تسلیم نشد.

ب) **شهوت چشم** - حوا در این ناحیه نیز وسوسه شد، وقتی که او دید که درخت "برای چشم خوشایند است". عیسی مسیح نیز در این ناحیه وسوسه شد وقتی که شیطان تمام پادشاهی دنیا را به او نشان داد و به او وعده داد که آن را در عوض سجده اش به شیطان، به او بدهد.

ج) **غرور زندگانی** - حوا به وسوسه افتاد وقتی که دید میوه "دلپذیر و دانش افزاست". عیسی مسیح به وسوسه شیطان (که گفت: "فرشته ها می آیند به کمکش اگر خودش را از بلندی پرتاب کند،") غلبه کرد.

چگونه خداوند به گناهان ما نگاه می کند؟

۱- گناهان ما توسط خداوند بر روی صلیب داوری شد. دوم قرن‌تیاں ۵: ۲۱ "زیرا او را که گناه شناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم."

۲- اگر به گناهان خود ادامه دهیم، خداوند ما را تنبیه خواهد کرد همچنان که یک پدر خوب فرزند خود را برای اصلاح شدن تنبیه و تربیت می کند. عبرانیان ۱۲: ۵-۱۱

۳- خداوند اجازه می دهد همانطور که کاشته ای، درو کنی. غلاطیان ۶: ۷-۸ "خود را فریب مدهید، خدا را استهزاء نمی توان کرد. زیرا که آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد. زیرا هر که برای جسم خود کارد، از جسم، فساد را درو کند و هر که برای روح کارد، از روح، حیات جاودانی خواهد دروید."

چه کاری باید انجام دهیم که بر گناه غلبه کنیم؟

۱- **شما باید مسئول گناهان خود باشید.** گناهان شما، تقصیر خودتان است نه دیگران. شما هرگز خود را اصلاح نخواهید کرد مگر اینکه مسئولیت گناهان خود را به عهده بگیرید. امثال ۲۸: ۱۳ "هر که گناه خود را پویشاند، سعادتمند نخواهد شد؛ اما هر که آن را اعتراف کند و ترک نماید رحمت خواهد یافت."

۲- **اجازه ندهید که افکار گناه آلود فکر و ذهن شما را مشغول سازد.** دوم قرنیتان ۱۰: ۵ "که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می افرازد، به زیر می افکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر می سازیم."

۳- **برای شهوات جسمانی تدارک نبینید.** رومیان ۱۳: ۱۴ "بلکه عیسی مسیح خداوند را پویشید و برای شهوات جسمانی تدارک نبینید."

۴- **به یاد داشته باشید که ما در عیسی مسیح نسبت به گناه مرده ایم.** انسان مرده نمی تواند گناه کند. (رومیان ۶: ۶-۱۳ "زیرا این را می دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم. زیرا هر که مُرد، از گناه مبرا شده است. پس هرگاه با مسیح مردیم، یقین می دانیم که با او زیست هم خواهیم کرد. زیرا می دانیم که چون مسیح از مردگان برخاست، دیگر نمی میرد و بعد از این موت بر او تسلطی

ندارد. زیرا به آنچه مرد یک مرتبه برای گناه مرد و به آنچه زندگی می‌کند، برای خدا زیست می‌کند. همچنین شما نیز خود را برای گناه مرده انگارید، اما برای خدا در مسیح عیسی زنده. پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند تا هوسهای آن را اطاعت نمایید، و اعضای خود را به گناه مسپارید تا آلات ناراستی شوند، بلکه خود را از مردگان زنده شده به خدا تسلیم کنید و اعضای خود را تا آلات عدالت برای خدا باشند." همچنین به کولسیان ۳: ۱-۱۰ رجوع کنید.

۵- **خودتان درباره گناهانتان داوری کنید.** با خداوند موافقت کنید که کاری که کرده اید گناه بوده است. اول قرنثیان ۱۱: ۳۱-۳۲ "اما اگر بر خود حکم می‌کردیم، حکم بر ما نمی‌شد. لکن هنگامی که بر ما حکم می‌شود، از خداوند تأدیب می‌شویم مبادا با اهل دنیا بر ما حکم شود."

۶- **گناهانتان را به خدا اعتراف کنید.** اول یوحنا ۱: ۹ "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بپارزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد."

۷- **کلام خداوند را در دلهایتان مخفی کنید تا با گناه مبارزه کنید.** مزامیر ۱۱۹: ۱۱ "کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم."

۸- **الف) خداوند برای هر وسوسه ای راه فرار گذاشته است.** اول قرنثیان ۱۰: ۱۳ "هیچ تجربه جز آنکه مناسب بشر باشد، شما را فرو نگرفت. اما خدا امین است که نمی‌گذارد شما فوق طاقت خود آزموده شوید، بلکه با تجربه مفرّی نیز می‌سازد تا یارای تحمّل آن را داشته باشید."

ب) آن راه فرار در مزامیر ۱۱۹: ۹-۱۱ یافت می‌شود و آن کلام خداست. "به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو. به تمامی دل تو را طلبیدم. مگذار که از اوامر تو گمراه شوم. کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم."

ج) عیسی مسیح با استفاده از کلام خدا، به وسوسه اش غلبه کرد.

د) مطمئن ترین راه غلبه برگناه در زندگی، از طریق قدرت کلام خداست که در دلهایمان
مفخی می کنیم و در زندگیمان از آنها برای غلبه بر گناه استفاده می کنیم.

به وعده های خداوند اعتماد کنید تا شما را پاک کند و برای گناهانتان مبارزه کند. دوم
قرنثیان ۷: ۱ "پس ای عزیزان، چون این وعده ها را داریم، خویش را از هر نجاست جسم و
روح طاهر بسازیم و قدوسیت را در خدا ترسی به کمال رسانیم." همچنین به عبرانیان ۴: ۱۵-
۱۶ رجوع کنید.

۹- **در قدرت روح القدس قدم بردارید.** رومیان ۸: ۱-۸ "پس هیچ قصاص نیست بر آنانی
که در مسیح عیسی هستند. زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و
موت آزاد گردانید. زیرا آنچه از شریعت محال بود، چونکه به سبب جسم ضعیف بود، خدا
پسر خود را در شبیه جسم گناه و برای گناه فرستاده، بر گناه در جسم فتوا داد، تا عدالت
شریعت کامل گردد در مایانی که نه بحسب جسم بلکه برحسب روح رفتار می کنیم. زیرا
آنانی که برحسب جسم هستند، در چیزهای جسم تفکر می کنند و اما آنانی که برحسب روح
هستند در چیزهای روح. از آن جهت که تفکر جسم موت است، لکن تفکر روح حیات و
سلامتی است. زانرو که تفکر جسم دشمنی خدا است، چونکه شریعت خدا را اطاعت
نمی کند، زیرا نمی تواند هم بکند. و کسانی که جسمانی هستند، نمی توانند خدا را خشنود
سازند." (همچنین به غلاطیان ۵: ۱۶-۲۵ رجوع کنید).

سوالات پایه ای:

چگونه باید از تأثیر گذاشتن دنیای گناه آلود بر خویش جلوگیری کنیم؟

۱- خودتان را با فعالیت های گناه آلود درگیر نکنید. البته که ما باید با انسانهای نجات نیافته برای
بدست آوردن ایمانشان به عیسی مسیح و نجاتشان، مشارکت کنیم. ولی نباید با گناهان آنها

سهیم شویم. افسسیان ۵: ۵-۱۲ " زیرا این را یقین می‌دانید که هیچ زانی یا ناپاک یا طماع که بت پرست باشد، میراثی در ملکوت مسیح و خدا ندارد. هیچ کس شما را به سخنان باطل فریب ندهد، زیرا که به سبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت نازل می‌شود. پس با ایشان شریک مباشید. زیرا که پیشتر ظلمت بودید، لیکن الحال در خداوند، نور می‌باشید. پس چون فرزندان نور رفتار کنید. زیرا که میوه نور در کمال، نیکویی و عدالت و راستی است. و تحقیق نمایید که پسندیده خداوند چیست. و در اعمال بی‌ثمر ظلمت شریک مباشید بلکه آنها را مذمت کنید، زیرا کارهایی که ایشان در خفا می‌کنند، حتی ذکر آنها هم قبیح است."

۲- خودتان را از روشهای دنیوی جدا سازید و پیرو عیسی مسیح شوید. دوم قرن‌تیا ۶: ۱۴-۱۸؛ یعقوب ۴: ۴ " ای زناکاران آیا نمی‌دانید که دوستی دنیا دشمنی خداست؟ پس هر که می‌خواهد دوست دنیا باشد دشمن خدا گردد."

۳- بدانید که جداسازی چیز مثبتی است. نه تنها شما باید خودتان را از دنیا جدا سازید بلکه باید خودتان را به خدمت انجیل خدا جدا نمایید. رومیان ۱: ۱ " پولس ، غلام عیسی مسیح و رسول خوانده شده و جدا نموده شده برای انجیل خدا."

سؤالات این درس:

۱- سه تا از تعریف گناه را بنویسید؟

۱-

۲-

۳-

۲- چرا باید با گناه جنگ کنیم؟

۱-

۲-

۳- بطور خلاصه از مطالعه خودتان توضیح دهید که پولس رسول در رومیان ۷: ۱۴-۲۵ چه چیزی را به ما می آموزد؟

۴- همه گناهان از یکی از ۳ شاخه ها شکل می گیرند. سه ناحیه از گناه که در اول یوحنا ۲: ۱۶ آمده است، نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۵- آن سه ناحیه بالا را با سه گناهی که حوا وسوسه شد مقایسه کنید؟

(الف)

(ب)

(ج)

۶- آن سه ناحیه بالا را که عیسی مسیح در این ناحیه ها وسوسه شد در متی ۴: ۳-۱۱ مقایسه کنید؟

(الف)

(ب)

(ج)

۷- سه زاویه ای که خداوند به گناه نگاه می کند را نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۸- چرا باید شما مسئولیت گناهنتان را قبول کنید؟

۹- بطور خلاصه راهنمایی هایی که در آیه های زیر به ما داده شده است را شرح دهید؟

۱- رومیان ۱۳: ۱۴

۲- اول قرنتیان ۱۱: ۳۱-۳۲

۳- اول یوحنا ۱: ۹

۴- دوم قرنتیان ۷: ۱

۱۰- عیسی مسیح بر وسوسه ها غلبه کرد با استفاده از نقل کردن کلام خدا (متی ۴: ۳-۱۱). این دو

آیه های زیر چه چیزی به ما می آموزد در این رابطه؟

۱- اول قرنتیان ۱۰: ۱۳

۲- مزامیر ۱۱۹: ۱۱

۱۱- سه راهی که تأثیرات دنیای گناه آلود را بر ما جلوگیری می کند نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۱۲- بطور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: مزامیر ۱۱۹: ۱۱؛ عبرانیان ۴: ۱۵؛ رومیان ۶: ۱۱

درس ۲۲: آزادی در مسیح

"از آنجاییکه تمام گناهان ما بخشیده شده، آیا در انجام هر کاری آزادیم؟"

عهد جدید بطور آشکار می گوید که ما به عنوان شخص نجات یافته، دیگر تحت هیچ قانونی که بخواهیم خدا را خشنود سازیم، نیستیم. بلکه ما تحت فیض خدا قرار داریم. هرچند بسیاری از مسیحیان از فرصت این آزادی برای انجام گناه سوء استفاده می کنند و فکر می کنند که برای انجام هر کاری که تمایل دارند، آزاد هستند.

هدف این درس اینست که به ما کمک کند معنی آزادی در مسیح را بفهمیم و چه اعمالی باید در زندگی مسیحی انجام دهیم و چه اعمالی انجام ندهیم.

آیا من آزادم هر کاری که می خواهم بکنم؟

۱- شخصاً در محدوده زندگی خودتان، شما آزادید که انتخاب کنید. یوحنا ۸: ۳۶ "پس اگر پسر شما را آزاد کند، در حقیقت آزاد خواهید بود." همچنین به رومیان ۱۴: ۲۲ و تیطس ۱: ۱۵ رجوع کنید.

۲- شما با عیسی مسیح تا ابد در امان هستید. اگر واقعاً اعتمادتان را در او به عنوان منجی گذاشته اید، شما نمی توانید به دریاچه آتش بروید. شما بدون در نظر گرفتن اینکه چه کاری انجام می دهید گرچه خوشتان بیاید یا نه، به بهشت خواهید رفت. غلاطیان ۲: ۱۶ "اما چونکه یافتیم که هیچ کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی شود، بلکه به ایمان به عیسی مسیح، ما هم به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم، زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد." همچنین به افسسیان ۲: ۸-۹ رجوع کنید.

۳- شما دربند هیچ قانون یا شریعتی نیستید. رومیان ۸: ۲ " زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و موت آزاد گردانید. " همچنین به غلاطیان ۳: ۲۴-۲۵ رجوع کنید. هرچند:

الف) آزادی که ما در مسیح داریم به ما آزادی می دهد که چیزی که درست است را بدون زور قانون انجام دهیم، برخلاف اجازه دادن بر انجام گناه یا هر کاری که می خواهیم انجام دهیم. غلاطیان ۵: ۱۳ " زیرا که شما ای برادران به آزادی خوانده شده اید؛ اما زنهار آزادی خود را فرصت جسم مگردانید، بلکه به محبت، یکدیگر را خدمت کنید. "

ب) آزادی ما در این نیست که جسم گناه آلودمان را ارضا کنیم. (رومیان ۶: ۱۲-۱۸) " پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند تا هوسهای آن را اطاعت نمایید، و اعضای خود را به گناه مسپارید تا آلات ناراستی شوند، بلکه خود را از مردگان زنده شده به خدا تسلیم کنید و اعضای خود را تا آلات عدالت برای خدا باشند. زیرا گناه بر شما سلطنت نخواهد کرد، چونکه زیر شریعت نیستید بلکه زیر فیض. پس چه گوئیم؟ آیا گناه بکنیم از آنرو که زیر شریعت نیستیم بلکه زیر فیض؟ حاشا! آیا نمی دانید که اگر خویشان را به بندگی کسی تسلیم کرده، او را اطاعت نمایید، شما آنکس را که او را اطاعت می کنید بنده هستید، خواه گناه را برای مرگ، خواه اطاعت را برای عدالت. اما شکر خدا را که هر چند غلامان گناه می بودید، لیکن الآن از دل، مطیع آن صورت تعلیم گردیده اید که به آن سپرده شده اید. و از گناه آزاد شده، غلامان عدالت گشته اید. "

ج) آزادی ما در این است که ما بتوانیم خدا را خدمت کنیم. اول پطرس ۲: ۱۶ " مثل آزادگان، اما نه مثل آنانی که آزادی خود را پوشش شرارت می سازند بلکه چون بندگان خدا. "

چگونه آزادی من شخصاً بر خودم تأثیر می گذارد؟

الف) شما آزادید که انتخاب خودتان را بکنید، ولی اگر انتخاب کنید که گناهی انجام دهید باید از عواقب آن آگاه باشید.

۱- شما میوه به بار نمی آورید. یوحنا ۱۵: ۸-۱

۲- خداوند شما را به عنوان فرزندش تنبیه می کند. عبرانیان ۱۲: ۵-۱۱

۳- خداوند اجازه می دهد همانگونه که کاشته اید، درو کنید. غلاطیان ۶: ۷-۸

ب) خداوند از طریق زندگیتان از یک ناحیه یا ناحیه دیگر جلال خواهد یافت. چه ظرفی برای عزت باشد یا ظرفی برای خواری. انتخاب با شماست. دوم تیموتائوس ۲: ۲۰-۲۱ "اما در خانه بزرگ نه فقط ظروف طلا و نقره می باشد بلکه چوبی و گلی نیز اما آنها برای عزت و اینها برای ذلت. پس اگر کسی خویشان را از اینها طاهر سازد ظرف عزت خواهد بود مقدس و نافع برای مالک خود و مستعد برای هر عمل نیکو."

چگونه آزادی من بر اطرافیانم تأثیر می گذارد؟

۱- زندگی شما شهادتی خواهد بود برای خوب یا بد، چه شما بخواهید یا نه.

رومیان ۱۴: ۷ "زیرا احدی از ما به خود زیست نمی کند و هیچکس به خود نمی میرد."

۲- شما باید از چیزهایی که باعث لغزش ایمان مسیحیان ضعیف تر می شود دوری

کنید. رومیان ۱۴: ۱۳-۱۵ "بنابراین بر یکدیگر حکم نکنیم بلکه حکم کنید به اینکه کسی

سنگی مصادم یا لغزشی در راه برادر خود ننهد. می دانم و در عیسی خداوند یقین می دارم که

هیچ چیز در ذات خود نجس نیست جز برای آن کسی که آن را نجس پندارد؛ برای او نجس

است." همچنین به اول قرنیتیان ۸: ۹-۱۳ رجوع کنید.

۳- شما باید از چیزهایی که به نظر خدا پسند نیستند دوری کنید هر چند شاید آنها به

ظاهر خوشایند باشند. رومیان ۱۴: ۱۶ "پس مگذارید که نیکویی شما را بد گویند." ؛ اول

تسالونیکیان ۵: ۲۲ "از هر نوع بدی احتراز نمایید."

۴- شما باید شهادت خوبی هم برای ایمانداران و نیز برای انسانهای گناهکار داشته

باشید. رومیان ۱۴: ۱۸ "زیرا هر که در این امور خدمت مسیح را کند، پسندیده خدا و مقبول

مردم است."

۱- به نجات یافتگان. اعمال ۶: ۱-۳ " و در آن ایام چون شاگردان زیاد شدند، هلیستیان از عبرانیان شکایت بردند که بیوه‌زنان ایشان در خدمت یومیّه بیهره می‌ماندند. پس آن دوازده، جماعت شاگردان را طلبیده، گفتند، شایسته نیست که ما کلام خدا را ترک کرده، مائده‌ها را خدمت کنیم. لهذا ای برادران، هفت نفر نیک‌نام و پر از روح القدس و حکمت را از میان خود انتخاب کنید تا ایشان را بر این مهمّ بگماریم. " همچنین به اعمال ۱۶: ۱-۲ رجوع کنید.

۲- به گناهکاران. کولسیان ۴: ۵؛ اول تیموتائوس ۳: ۷ " اما لازم است که نزد آنانی که خارجند هم نیک‌نام باشد که مبادا در رسوایی و دام ابلیس گرفتار شود. "

۳- هدف از این کار اینست که تأثیر خوبی در خداوندان عیسی مسیح بر آنها بگذاریم. اعمال ۱۱: ۲۲-۲۴ " ۲۲ اما چون خبر ایشان به سمع کلیسای اورشلیم رسید، برنابا را به انطاکیه فرستادند و چون رسید و فیض خدا را دید، شادخاطر شده، همه را نصیحت نمود که از تصمیم قلب به خداوند پیوندند. زیرا که مردی صالح و پر از روح القدس و ایمان بود و گروهی بسیار به خداوند ایمان آوردند. " همچنین به اول قرنتیان ۹: ۱۹-۲۳ رجوع کنید.

حد و مرز آزادی من کجاست؟

بعضی ناحیه‌هایی هستند در رابطه با چیزهایی خاص که شما شاید بخواهید درگیر شوید و شاید نه. در این شرایط از خودتان سؤال کنید.

آیا من تحت قدرت چیزی قرار گرفته‌ام که نباید زندگی مرا تحت کنترل خود درآورد؟ اول قرنتیان ۶: ۱۲ " همه چیز برای من جایز است لکن هرچیز مفید نیست. همه چیز برای من رواست، لیکن نمی‌گذارم که چیزی بر من تسلط یابد. "

۱- آیا من خودم و دیگران را بنا می‌کنم؟ اول قرنتیان ۱۰: ۲۳ " همه چیز جایز است، لیکن همه مفید نیست؛ همه رواست، لیکن همه بنا نمی‌کند. "

۲- آیا می توانم از خداوند با وجدان پاک بخواهم که آن را برکت دهد؟
کولسیان ۳: ۱۷ " و آنچه کنید در قول و فعل، همه را به نام عیسی خداوند بکنید و خدا ی پدر را بوسیله او شکر کنید. " همچنین به اعمال ۲۴: ۱۶ رجوع کنید.

۳- اگر خداوند در همین لحظه بازگشت کند آیا من خجل زده می شوم؟ اول
قرنتیان ۱: ۸ " که او نیز شما را تا به آخر استوار خواهد فرمود تا در روز خداوند ما عیسی مسیح
بی ملامت باشید. " همچنین به اول تسالونیکیان ۵: ۲۳ رجوع کنید.

۴- آیا این باعث لغزش برادری می شود؟ (رومیان ۱۴: ۱۳-۱۵) و (رومیان ۱۵: ۱-۲) " و ما
که توانا هستیم، ضعفهای ناتوانان را متحمل بشویم و خوشی خود را طالب نباشیم. هر یکی از
ما همسایه خود را خوش بسازد در آنچه برای بنا نیکو است. "

۵- آیا این باعث می شود که یک شخص گناهکار عیسی مسیح را به عنوان منجی
رد کند؟ اول قرنتیان ۱۰: ۳۱-۳۳ " پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هر چه کنید، همه را
برای جلال خدا بکنید. یهودیان و یونانیان و کلیسای خدا را لغزش مدهید. چنانکه من نیز در
هرکاری همه را خوش می سازم و نفع خود را طالب نیستم، بلکه نفع بسیاری را تا نجات
یابند. "

۶- آیا وجدانم مرا برای این کار سرزنش خواهد کرد؟ اول پطرس ۳: ۱۶ " و ضمیر خود
را نیکو بدارید تا آنانی که بر سیرت نیکوی شما در مسیح طعن می زنند در همان چیزی که
شما را بد می گویند خجالت کشند. " (عبرانیان ۱۳: ۱۸؛ اول تیموتائوس ۱: ۵)

سؤالات پایه ای:

چگونه من می توانم تعادل بین آزادی خویش و نیازهای دیگران را بدست
بیآورم؟

فقط از طریق قدرت روح القدس می توانید اگر با او راه قدم بردارید. (دوم قرنتیان ۳: ۱۷ و ۷)
(رومیان ۷: ۶) " اما الحال چون برای آن چیزی که در آن بسته بودیم مردیم، از شریعت آزاد
شدیم، بحدی که در تازگی روح بندگی می کنیم نه در کهنگی حرف. "

سؤالات این درس:

۱- به عنوان یک مسیحی، آیا شما آزادید که هرکاری که می خواهید انجام دهید، بطور خلاصه شرح دهید؟

۲- کلام خدا بعضی از آزادیهای ما را محدود کرده، آن محدوده ها را با استفاده از آیه های زیر شرح دهید؟

۱- غلاطیان ۵: ۱۳

۲- رومیان ۶: ۱۸

۳- اول پطرس ۲: ۱۶

۳- وقتی که گناه می کنید، عواقب انتخاب آن چه می باشند؟

۱-

۲-

۳-

۴- خداوند از طریق زندگیتان جلال خواهد یافت چه ظرفی باشد برای _____ و یا ظرفی برای _____.

۵- چهار راهی که آزادیتان می تواند به اطرافیاتان تأثیر بگذارد را نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۶- شما باید شهادت خوبی داشته باشید برای ایمانداران و انسانهای گناهکار. دلیل آن چیست؟

۷- هفت سؤالی که شما باید در موقعیت محدوده آزادی شخصی تان در نظر بگیرید را نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۶-

۷-

۸- نقش روح القدس در رابطه با آزادی شخصی تان چیست؟

۹- بطور خلاصه هدف این درس را شرح دهید.

آیه های کلیدی این درس: غلاطیان ۵: ۱۳؛ رومیان ۱۵: ۱؛ اول قرنتیان ۱۰: ۳۱

درس ۲۳: شغل و کارفرما

"طرز فکرمان راجب به شغل و کارفرما چگونه باید باشد؟"

از آنجاییکه کتاب مقدس مرجع نهایی ما در هر چیزی که ما در زندگی مواجه می شویم، می باشد، نباید تعجب داشته باشیم که آن همچنین حکم می کند که چگونه ما باید با شغلمان رفتار کنیم. ما در حدود یک چهارم از زمان زندگی روزمره مان را در محل کار سپری می کنیم و این ضروری است برای رشدمان که یاد بگیریم چگونه خداوند عیسی مسیح از ما می خواهد که به این قسمت از مسئولیتمان نظر کنیم. اگر بخواهیم که یک خادم مؤثر خداوند باشیم، باید همیشه و در تمام مراحل زندگی اینگونه باشیم و نه فقط سه چهارم از زمان زندگی روزمره.

این درس ترتیب داده شده تا به شما کمک کند که گونه ای از کارگر باشید که خداوند می خواهد.

تمام انسانهای نجات یافته به "خدمت مسیحی تمام وقت" خوانده شده اند.

۱- دعوت ما برای اینست که عیسی مسیح را خدمت کنیم. افسسیان ۴: ۱ "لهذا من که در خداوند اسیر می باشم، از شما استدعا دارم که به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده اید، رفتار کنید."

۲- کتاب مقدس بطور آشکاری گوید که هر شخص نجات یافته قسمت کاملی از بدن مسیح می باشد و مشارکت هر عضوی اهمیت دارد. خداوند از هر مسیحی انتظار دارد که در کار خدا شرکت کند. افسسیان ۴: ۱۱-۱۶ "و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشرین و بعضی شبانان و معلمان را، برای تکمیل مقدسین، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح، تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل،

به اندازه قامت پُری مسیح برسیم. تا بعد از این اطفال مُتَمَوِّج و رانده شده از باد هر تعلیم نباشیم، از دغابازی مردمان در حيله‌اندیشی برای مکرهای گمراهی؛ بلکه در محبّت پیروی راستی نموده، در هر چیز ترقّی نماییم در او که سر است، یعنی مسیح؛ که از او تمام بدن مرکّب و مرتّب گشته، به مدد هر مفصلی و برحسب عمل به اندازه هر عضوی بدن را نموّ می‌دهد برای بنای خویشتن در محبّت." (همچنین به اول قرن‌تین ۱۲: ۱۲-۲۷ رجوع کنید.)

۳- خدمت ما به خداوند باید همیشه و در همه حال باشد، نه فقط هنگامیکه به کلیسا می‌رویم. اول پطرس ۳: ۱۵ "خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید و پیوسته مستعد باشید تا هرکه سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد او را جواب دهید لیکن با حلم و ترس."؛ همچنین به دوم تیموتائوس ۴: ۲ رجوع کنید.

هدف نخست از شغل‌مان اینست که از خدمت‌مان به مسیح پشتیبانی کنیم.

۱- البته که اولین خدمت‌مان باید به خانواده‌هایمان باشد. اول تیموتائوس ۵: ۸ "ولی اگر کسی برای خویشان و علی‌الخصوص اهل خانه خود تدبیر نکند منکر ایمان و پست تر از بی ایمان است." همچنین ۳: ۵ را بخوانید.

۲- دومین خدمت‌مان، خدمت به خانواده کلیسا است. غلاطیان ۶: ۱۰ "خلاصه بقدری که فرصت داریم، با جمیع مردم احسان بنماییم، علی‌الخصوص با اهل بیت ایمان."

۳- سومین خدمت‌مان هدایت گناهکاران به سمت عیسی مسیح است. دوم قرن‌تین ۵: ۲۰ "پس اینک سفیرانی برای مسیح هستیم که گویا خدا به زبان ما وعظ می‌کند. پس بخاطر مسیح استدعا می‌کنیم که با خدا مصالحه کنید."

۴- همانطور که ددرس قبل اشاره کردیم، ثروت و دارایی‌های ما باید تسلیم به خدمت خدا باشد. آن دارایی‌ها از طریق سه ناحیه ذکر شده بالا باید برای جلال دادن خداوند صرف شوند.

چه طرز تفکری باید به شغل خود داشته باشیم؟

شما باید به شغلستان از زاویه یک فرصتی برای خدمت نگاه کنید نه فقط به عنوان یک شغل.

۱- برای بیشتر مسیحیان، همکاران شغلی بهترین کسانی هستند که می توانند بشارت دهند.

۲- زندگی شما می تواند شهادت واقعی از خداوند عیسی مسیح باشد که آنها تا بحال تجربه کرده اند.

الف) شما یک نور هستید که نماینده عیسی مسیح بر زمین هستید. متی ۵: ۱۴-۱۶ " شما نور عالمید. شهری که بر کوهی بنا شود، نتوان پنهان کرد. و چراغ را نمی افروزند تا آن را زیر پیمانه نهند، بلکه تا بر چراغدان گذارند؛ آنگاه به همه کسانی که در خانه باشند، روشنایی می بخشد. همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند."

ب) زندگی شما باید کتاب مقدس را منعکس کند. دوم قرنتیان ۳: ۲ " شما رساله ما هستید، نوشته شده در دلهای ما، معروف و خوانده شده جمیع آدمیان."

۳- شما بر آنهایی که بیشتر زمان را با آنها صرف می کنید تأثیر بسیار خواهید داشت. هرچند همه غریبه ها فرصتی هستند که به آنها باید بشارت دهیم ولی آنهایی که بطور مداوم شهادت یک زندگی مسیحی را می بینند برای هدایت کردن آسانتر می باشند.

چه طرز تفکری باید نسبت به ناظران کار و آن شرکتی که کار می کنیم، داشته باشیم؟

۱- طوری خدمت کنید که فکر کنید عیسی مسیح کارفرمای شماست. (افسیان ۶: ۵-

۸) ؛ کولسیان ۳: ۲۲-۲۴ " ای غلامان، آقایان جسمانی خود را در هر چیز اطاعت کنید، نه به خدمت حضور مثل جویندگان رضامندی مردم، بلکه به اخلاص قلب و از خداوند بترسید. و آنچه کنید، از دل کنید بخاطر خداوند نه بخاطر انسان. چون می دانید که از خداوند مکافات میراث را خواهید یافت، چونکه مسیح خداوند را بندگی می کنید."

۲- احترام به مقام و اختیاری که آنها دارند داشته باشید. مسلماً هیچ کارفرمایی در هر ناحیه ای بی عیب نخواهد بود و آنها یقیناً مرتکب اشتباه خواهند شد و شاید حق شما را هم ضایع کنند. هر چند شما باید مطیع رهبری آنها باشید و از این فرصت استفاده کنید که به آنها شهادت خداوند عیسی مسیح را نشان دهید. تیطس ۲: ۹-۱۰ "غلامان را نصیحت نما که آقایان خود را اطاعت کنند و در هر امر ایشان را راضی سازند و نقیضگو نباشند. و دزدی نکنند بلکه کمال دیانت را ظاهر سازند تا تعلیم نجات دهنده ما خدا را در هر چیز زینت دهند."

۳- به ابزار و وسایلی که در محل کارتان وجود دارند، چشم طمع نداشته باشید، چون آنها متعلق به شما نیستند. لاولیان ۱۹: ۱۱ "دزدی مکنید، و مکر ننمایید، و با یکدیگر دروغ مگویید."

۴- به زمان کارتان احترام بگذارید، در ازای دریافت ۸ ساعت دستمزد، ۸ ساعت کار کنید. دوم قرتیان ۸: ۲۱ "زیرا که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می بینیم." همچنین کولسیان ۳: ۲۲ را بخوانید.

۵- شما باید تمام تلاشتان را بکنید که باعث موفقیت شرکتی که کار می کنید، بشوید و کارفرمایان را خوشحال و راضی نگهدارید. (رومیان ۱۲: ۱۱؛ اول قرتیان ۱۰: ۲۴؛ امثال ۱۰: ۴؛ ۱۸: ۹؛ ۲۱: ۲۵؛ ۲۲: ۲۹). یوسف عالیتیرین نمونه ایست که در کتاب مقدس در این رابطه آمده است. پیدایش ۳۹-۵۰

۶- کارتان را به نحو احسن انجام دهید و نگذارید تنبلی دیگران بر شما تأثیر گذارد. اول تسالونیکیان ۴: ۱۱ "و حریص باشید در اینکه آرام شوید و به کارهای خود مشغول شده، به دستهای خویش کسب نمایید، چنانکه شما را حکم کردیم." همچنین به دوم تسالونیکیان ۳: ۱۰-۱۳ رجوع کنید.

کتاب مقدس همچنین نشان می دهد که چگونه کارفرماها و ناظران باید با آنهايي که تحت رهبریشان هستند رفتار کنند.

۱- آیا با کارگرانم باید عادلانه و بطور مساوی رفتار کنم؟ آیا معیارهایی برای آنها در نظر می گیرم که خودم از نگهداشتن آنها امتناع کنم؟ کولسیان ۴: ۱ "ای آقایان، با غلامان خود عدل و انصاف را بجا آرید، چونکه می دانید شما را نیز آقایی هست در آسمان." همچنین به افسسیان ۶: ۹ رجوع کنید.

۲- آیا من فقط علاقه های خودم را در نظر می گیرم بدون ملاحظه نیازهای اطرافیانم؟ فیلیپیان ۲: ۳-۲ "پس خوشی مرا کامل گردانید تا با هم یک فکر کنید و همان محبت نموده، یک دل بشوید و یک فکر داشته باشید. و هیچ چیز را از راه تعصب و عجب مکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید."

۳- آیا من سعی می کنم که رهبری چیزهای زیادی را به عهده بگیرم؟ در صورت بوجود آمدن چنین موقعیت هایی نکته های زیر را به یاد داشته باشید:

الف) اصول عالی کتاب مقدس اینست، "کسی که در چیز کوچکی امین باشد، در بزرگ نیز امین است." (لوقا ۱۶: ۱۰) اطمینان خاطر داشته باشید که چیزی که الان دارید بکاربرید.

ب) به خاطر داشته باش هرچقدر که مسئولیت دارید به همان اندازه مشکلات بروز خواهد یافت. "ای برادران من بسیار معلم نشوید چونکه می دانید که بر ما داوری سخت تر خواهد شد." یعقوب ۳: ۱

ج) به خاطر داشته باشید هرچه قدر بیشتر مسئولیت داشته باشید، به همان اندازه نیز نیاز به زمان و انرژی خواهید داشت. اطمینان پیدا کنید که مسئولیت جدید شما مانع از خدمتتان به خدا نخواهد شد. دوم تیموتائوس ۲: ۴ "هیچ سپاهی خود را در امور روزگار گرفتار نمی سازد تا رضایت آنکه او را سپاهی ساخت بجوید."

د) حتی در مقام سرپرستی، باید همیشه طرز تفکر خادم بودن را حفظ کنید. مرقس ۱۰: ۴۲-۴۵ "عیسی ایشان را خوانده، به ایشان گفت، می دانید آنانی که حکام امت ها شمرده می شوند بر ایشان ریاست می کنند و بزرگانشان بر ایشان مسلطند. لیکن در میان شما

چنین نخواهد بود، بلکه هر که خواهد در میان شما بزرگ شود، خادم شما باشد. و هر که خواهد مقدّم بر شما شود، غلام همه باشد. زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند."

سوالات پایه ای:

اگر شغلم با چیزهای معنوی مغایرت داشت چه کاری باید انجام دهم؟

الف) همیشه بعضی مغایرت های اولویت بین فعالیت های کلیسایی و جدول زمانی شغلستان وجود خواهند داشت. شما نمی توانید بخاطر کشمکش کوچک، کارتان را ترک کنید یا مرخصی بگیرید. بخاطر داشته باشید که شغلستان یک فرصت خدمت است. هرچند شما نباید شغلستان را بهانه کنید تا مسئولیت تان به کلیسا را ناچیز بشمارید. شما باید تعادل در این ناحیه را رعایت کنید.

ب) وقتی که مسئولیتهای شغلستان با تعالیم کتاب مقدس مغایرت داشته باشد باید روی آن خط بکشید:

۱. از دروغ گفتن یا دزدیدن از کارفرما یا شکستن قوانین واضح خداوند امتناع ورزید.

۲. در برابر وسوسه ها در شغلستان استقامت کنید.

۳. با فعالیت های گناه آلود اطرافیان تحت تأثیر قرار نگیرید.

چگونه باید آزار و اذیت در محل کارم را تحمل کنم؟

الف) بیشتر آزار و اذیت در فرهنگمان در نتیجه جاهلیت شخصی یا عدم داشتن تعهد به خداوند عیسی مسیح ناشی می شود. اگر به شما "آزار و اذیت" می رسد، بخاطر دودلیل می باشد: یا رفتار تان درست نیست، و یا شهادت درستان باعث اهانت به دیگران می شود. اول پطرس ۳: ۱۶-۱۷ "و ضمیر خود را نیکو بدارید تا آنانی که بر سیرت نیکوی شما در مسیح طعن می زنند در همان چیزی که شما را بد می گویند خجالت کشند. زیرا اگر اراده خدا چنین است، نیکوکار بودن و زحمت کشیدن بهتر است از بدکردار بودن."

ب) اگر به درستی به عیسی مسیح خدمت کنید انتظار گرفتاری و مصیبت از طرف دنیا را داشته باشید. دوم تیموتائوس ۳: ۱۲ "و همه کسانی که می خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند آزار خواهند کشید."

ج) یاد بگیرید چگونه آن مصیبت و آزار را به عیسی مسیح واگذار کنید.

اول پطرس ۲: ۱۸-۲۳ "ای نوکران، مطیع آقایان خود باشید با کمال ترس؛ و نه فقط صالحان و مهربانان را بلکه کج خلقان را نیز. زیرا این ثواب است، که کسی بجهت ضمیری که چشم بر خدا دارد، در وقتی که ناحق زحمت می کشد، دردها را متحمل شود. زیرا چه فخر دارد هنگامی که گناهکار بوده، تازیانه خورید و متحمل آن شوید. لکن اگر نیکوکار بوده، زحمت کشید و صبر کنید، این نزد خدا ثواب است. زیرا که برای همین خوانده شده‌اید، چونکه مسیح نیز برای ما عذاب کشید و شما را نمونه‌ای گذاشت، تا در اثر قدمهای وی رفتار نمایید، که هیچ گناه نکرد، و مکر در زبانش یافت نشد. چون او را دشنام می دادند، دشنام پس نمی داد؛ و چون عذاب می کشید تهدید نمی نمود، بلکه خویشان را به داور عادل تسلیم کرد."

در هنگام استخدام چه چیزی را باید مد نظر بگیرم؟

الف) آیا آنرا هنگام دعا با خداوند در میان گذاشته‌ای. (یعقوب ۱: ۵) ؛ فیلیپیان ۴: ۶-۷ "برای هیچ چیز اندیشه نکنید، بلکه در هر چیز با صلوات و دعا با شکرگزاری مسؤولات خود را به خدا عرض کنید. و سلامتی خدا که فوق از تمامی عقل است، دلها و ذهنهای شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت."

ب) آیا آن مسئولیت جدید، چیزی را که خداوند می خواهد در شما بنا کند، از بین می برد. این سؤال پیچیده ای است. از مشورت کردن با مسیحیان دیگر در این ناحیه ترس نداشته باشید.

ج) اگر در محل کارتان از شما خواسته شود که به شهر دیگری انتقال یابید، آیا کلیسای خوبی در آن شهر وجود دارد که نیازهای معنوی شما را تأمین کند؟ این یک نکته بحرانی و بسیار مهمی

است. بسیاری بعد از نجاتشان شغل خوب در یک شهر دیگر پیدا کردند و کلیسا را ترک کرده و به دلیل اینکه نتوانستند کلیسای خوب در آن شهر محل کار پیدا کنند، از ایمانشان دور شدند. (د) در پیدا کردن شغل جدید آیا از چیزی که باید مواجه شوید و یا سعی بکنید که اصلاح شوید، فرامی کنید؟

سؤالات این درس:

۱- چرا تمام مسیحیان به خدمت مسیحی تمام وقت خوانده شده اند با ذکر آیه ای دلیل بیاورید؟

۱-

۲-

۳-

۲- هدف نخست شغلان اینست که از خدمتتان پشتیبانی کنید. سه خدمتی را که باید پشتیبانی کنید

نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۳- چرا باید به شغلان از زاویه فرصت خدمت نگاه کنید؟

۱-

۲-

۳-

۴- طرز تفکر شما به سوی محل کار و ناظران چه چیزی باید باشد؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۶-

۵- چند اصولی که درزندگی یوسف مشاهده می کنید که براستادش تأثیرداشت نام ببرید؟

پیدایش ۳۹: ۱-۶

۱-

۲-

۳-

۶- به عنوان کارفرما چندین سئوالی که ازخود باید راجع به کسانی که تحت نظرتان کارمی کنند

پرسی، کدامند؟

۱-

۲-

۳-

۷- چهار نکته ای که درهنگام تصمیم به گرفتن ارتقای کاری درنظربگیریم را نام ببرید؟

(الف)

(ب)

(ج)

(د)

۸- زمانیکه جدول زمانی شغلتن اجازه نمی دهد که درفعالتهای کلیسا شرکت کنید، چه کاری

باید انجام داد؟

۹- بعضی شغلها مسئولیتهایی دارند که اصول کلام خدا را می شکنند. سه ناحیه ای که باید از آنها آگاه بود کدامها هستند؟

۱-

۲-

۳-

۱۰- اگر کسی در محل کارتان بخاطر ایمانتان به مسیح، به شما آزار برساند چه چیزی را باید در نظر گرفت؟

(الف)

(ب)

(ج)

۱۱- وقتی که دنبال شغل تازه می باشید چه چیزی را باید در نظر گرفت؟

(الف)

(ب)

(ج)

(د)

۱۲- به طور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: دوم تیموتائوس ۲: ۴؛ مرقس ۱۰: ۴۴-۴۵؛ کولسیان ۳: ۲۳

درس ۲۴: انسانهای گمشده (نجات نیافته)

"به عنوان یک مسیحی، رابطه ما با انسانهای نجات نیافته چیست؟"

کتاب مقدس بطور واضح اعلام می کند که سیستم دنیای امروزی برخلاف اهداف جاودانی خداوند می باشد. کلام خدا به فرزندانش فرمان می دهد که از این سیستم دنیا جدا شوند ولی درعین حال مردان و زنان گناهکار را به عیسی مسیح هدایت کنند.

این درس ترتیب داده شده که به مسیحیان پیاموزد چگونه باید با تعادل و تداوم زندگی کنند تا با کمک خداوند عیسی مسیح بر مردم تأثیر بگذارند، بدون اینکه دنیا به آنها تأثیر بدی بگذارد.

۱. شما باید درک کنید که اگر برای عیسی مسیح زندگی کنید، با مخالفت از سوی دنیا روبرو خواهید شد.

الف) شما مورد مخالفت قرار خواهید گرفت، زیرا دنیا مخالف عیسی مسیح بود. یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۱ "اگر جهان شما را دشمن دارد، بدانید که پیشتر از شما مرا دشمن داشته است. اگر از جهان می بودید، جهان خصان خود را دوست می داشت. لکن چونکه از جهان نیستید بلکه من شما را از جهان برگزیده ام، از این سبب جهان با شما دشمنی می کند. به خاطر آرید کلامی را که به شما گفتم: غلام بزرگتر از آقای خود نیست. اگر مرا زحمت دادند، شما را نیز زحمت خواهند داد؛ اگر کلام مرا نگاه داشتند، کلام شما را هم نگاه خواهند داشت. لکن بجهت اسم من جمیع این کارها را به شما خواهند کرد زیرا که فرستنده مرا نمی شناسند."

ب) شما اگر فقط برای او زندگی کنید مورد مخالفت واقع خواهید شد. اگرهمواره با دنیا پیش بروی، آنها با شما مخالفت نخواهند کرد. دوم تیموتائوس ۳: ۱۲ "و همه کسانی که می خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، آزار خواهند کشید."

۲. این مخالفتها از چه ناحیه هایی می آیند؟

۱- مخالفت نخست شما از آنهایی که نزدیک به شما هستند می آیند. مخصوصاً آنهایی که شما را بهتر می شناسند. (دوست، خانواده، همکاران، آشناها). متی ۱۰: ۳۵-۳۶ " زیرا که آمده ام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم. و دشمنان شخص، اهل خانه او خواهند بود." همچنین به یوحنا: ۱۱ و مرقس ۶: ۴ رجوع کنید.

۲- از انسانهای نجات نیافته. دو خانواده روحانی هرگز با هم کنار نیامده اند و نخواهند آمد. غلاطیان ۴: ۲۹ " بلکه چنانکه آنوقت آنکه برحسب جسم تولد یافت، بر وی که برحسب روح بود جفا می کرد، همچنین الآن نیز هست."

۳- از جامعه. ذات و مسیر سیستم دنیای امروزی برضد خداست. این مخالفت بصورت ماهرانه از طریق رادیو، تلویزیون و روزنامه و غیره انتقال پیدا می کند. شما باید آنها را با کلام خدا مطابقت نمایید. اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷ " دنیا را و آنچه در دنیاست دوست مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد محبت پدر در وی نیست. زیرا که آنچه در دنیاست از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است. و دنیا و شهوات آن در گذر است لکن کسی که به اراده خدا عمل می کند تا به ابد باقی می ماند." همچنین به یعقوب ۴: ۴ رجوع کنید.

۴- البته که منبع اصلی این مخالفت شیطان است.

الف) او دشمن ماست. اول پطرس ۵: ۸ " هشیار و بیدار باشید، زیرا که دشمن شما ابلیس مانند شیر غرآن گردش می کند و کسی را می طلبد تا بلعد."

ب) او در حال حاضر در انسانهای نجات نیافته کار می کند. افسسیان ۲: ۲ " که در آنها قبل، رفتار می کردید بر حسب دوره این جهان، بر وفق رئیس قدرت هوا، یعنی آن روحی که الحال در فرزندان معصیت عمل می کند."

۳. چگونه می توانم بر این مخالفت ها غلبه کنیم؟

۱. **جواب نرم بدهید.** تا جاییکه ممکن است از درگیری دوری کنید. امثال ۱۵: ۱ "جواب نرم خشم را برمی گرداند، اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می آورد." همچنین به رومیان ۱۲: ۱۸ رجوع کنید.

۲. **خدا را با نحوه زندگیتان خشنود کنید.** امثال ۱۶: ۷ "چون راههای شخص پسندیده خداوند باشد، دشمنانش را نیز با وی به مصالحه می آورد."

۳. **به خدا ایمان داشته باشید.** اول یوحنا ۵: ۴-۵ "زیرا آنچه از خدا مولود شده است بر دنیا غلبه می یابد و غلبه ای که دنیا را مغلوب ساخته است ایمان ماست. کیست آنکه بر دنیا غلبه یابد؟ جز آنکه ایمان دارد که عیسی پسر خداست."

۴. **دشمنانتان را محبت کنید و به آنها کمک کنید.** عیسی مسیح به قدری دشمنانش را دوست داشت که برای آنها مُرد در حالیکه مجبور نبود بمیرد. دنیا اینگونه محبت را نمی تواند درک کند و آنهایی که دنبال حقیقت هستند به سوی این محبت کشیده می شوند. رومیان ۱۲: ۱۴ "برکت بطلبید بر آنانی که بر شما جفا کنند؛ برکت بطلبید و لعن مکنید." و آیه ۲۰-۲۱ را نیز بخوانید.

۵. **برای دشمنانتان با خلوص نیت دعا کنید.** متی ۵: ۴۴ "اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید."

۶. **یک دوست مؤمن خوب داشته باشید.** با کسانی که خدا را دوست دارند و می خواهند او را خدمت کنند مشارکت داشته باشید. امثال ۱۳: ۲۰ " با حکیمان رفتار کن و حکیم خواهی شد، اما رفیق جاهلان ضرر خواهد یافت." همچنین به اول قرنثیان ۱۵: ۳۳ رجوع کنید.

۷. **خودتان را در کلام خدا غوطه ور کنید.** ارمیای نبی ۱۵: ۱۶ " سخنان تو یافت شد و آنها را خوردم و کلام تو شادی و ابتهاج دل من گردید. زیرا که به نام تو ای یهوه خدای صبا یوت نامیده شده ام."

۴. **دنیای نجات نیافته باید درمن به عنوان یک مسیحی، چه دیدگاهی داشته باشد؟**

۱- آنها باید بفهمند که شما خدا را دوست دارید، نه فقط با کلامتان بلکه از طریق

زندگیتان. اول قرنثیان ۸: ۳ " اما اگر کسی خدا را محبت نماید، نزد او معروف می باشد."

۲- روش زندگیتان باید شما را از دنیا جدا سازد و رفتارتان با مردم باید نمونه و

طبق تعالیم کتاب مقدس باشد. دوم قرنثیان ۶: ۱۴-۱۸؛ اول پطرس ۲: ۹ "لکن شما قبیله

برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد هستید تا فضایل او

را که شما را از ظلمت به نور عجیب خود خوانده است اعلام نمایید."

۳- ظاهر فیزیکی شما باید طوری باشد که بر آنها تأثیر گذارد. نجات نیافته باید شما

را در ظاهر فیزیکی با پوشش خداپسندانه ببیند. فیلیپیان ۴: ۵؛ اول قرنثیان ۹: ۲۲ "ضعفا را ضعیف

شدم تا ضعفا را سود برم؛ همه کس را همه چیز گردیدم تا به هر نوعی بعضی را برهانم."

۴- آنها باید در همه موارد، شما را روشن فکر و صادق ببینند. دوم قرنثیان ۸: ۲۱ "زیرا که

نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می بینیم." همچنین به

رومان ۱۲: ۱۷ رجوع کنید.

۵- آنها باید شهادت زنده ای از فیض خداوند را در شما ببینند. فیلیپیان ۲: ۱۴-۱۵ " و هرکاری را بدون همه و مجادله بکنید، تا بی عیب و ساده دل و فرزندان خدا بی ملامت باشید، در میان قومی کج رو و گردنکش که در آن میان چون نیرها در جهان می درخشید."

۶- عموماً شما باید "شهرت خوبی" داشته باشید. اول تیموتائوس ۳: ۷ "اما لازم است که نزد آنانی که خارجند هم نیک نام باشد که مبادا در رسوایی و دام ابلیس گرفتار شود." همچنین به کولسیان ۴: ۵-۶ رجوع کنید.

۵. دید من نسبت به دنیا چگونه باید باشد؟

۱. شما یک مسافر در سرزمین غریب هستید. عبرانیان ۱۱: ۱۳ "در ایمان همه ایشان فوت شدند در حالیکه وعده ها را نیافته بودند بلکه آنها را از دور دیده تحیت گفتند و اقرار کردند که بر روی زمین بیگانه و غریب بودند." (اول پطرس ۲: ۱۱)

۲- خانه شما در بهشت است. افسسیان ۲: ۶؛ فیلیپیان ۳: ۲۰ "اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می کشیم."

۳- دنیا مکانی برای مأموریت است که بتوانیم گناهکاران را به عیسی مسیح هدایت کنیم. اعمال ۱: ۸؛ متی ۲۸: ۱۸-۲۰ "پس عیسی پیش آمده، بدیشان خطاب کرده، گفت: تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. پس رفته، همه امت ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم. آمین."

سؤالات پایه ای

۱- مسئولیت من در برابر دولت چیست؟

۱. دولت یکی از سه مؤسسه ای است که خداوند وضع کرده می باشد. دو مؤسسه دیگر خانواده و کلیسا می باشند. همه دولتها تحت کنترل شیطان هستند (لوقا: ۴-۵ و مزامیر: ۲-۲) و بنابراین مسلماً آنها بر ضد خدا می باشند. هرچند ما هنوز باید مطیع دولت منصوب شده خدا باشیم. رومیان ۱۳: ۱-۲ " هر شخص مطیع قدرتهای برتر بشود، زیرا که قدرتی جز از خدا نیست و آنهایی که هست از جانب خدا مرتب شده است. حتی هر که با قدرت مقاومت نماید، مقاومت با ترتیب خدا نموده باشد و هر که مقاومت کند، حکم بر خود آورد."
۲. اگر شما همیشه کار درست انجام دهید، نیازه ترس نخواهید داشت. خداوند به شما برای انجام کار درست احترام خواهد گذاشت. رومیان ۱۳: ۳-۵ " زیرا از حکام عمل نیکو را خوفی نیست بلکه عمل بد را. پس اگر می خواهی که از آن قدرت ترسان نشوی، نیکویی کن که از او تحسین خواهی یافت. زیرا خادم خداست برای تو به نیکویی؛ لکن هرگاه بدی کنی، بترس چونکه شمشیر را عبث بر نمی دارد، زیرا او خادم خداست و با غضب انتقام از بدکاران می کشد."
۳. قضی که به دولت باید پرداخت کنی، به عقب میانداز. رومیان ۱۳: ۶-۷ " زیرا که به این سبب باج نیز می دهید، چونکه خادم خدا و مواظب در همین امر هستند. پس حق هرکس را به او ادا کنید: باج را به مستحق باج و جزیه را به مستحق جزیه و ترس را به مستحق ترس و عزت را به مستحق عزت. " همچنین به متی ۱۷: ۲۴-۲۷؛ ۲۲: ۱۵-۲۲ رجوع کنید.
۴. مطیع فرمان آنها باشید. اول پطرس ۲: ۱۳-۱۵ " لہذا هر منصب بشری را بخاطر خداوند اطاعت کنید خواه پادشاه را که فوق همه است. و خواه حکام را که رسولان وی هستند بجهت انتقام کشیدن از بدکاران و تحسین نیکوکاران. زیرا که همین است اراده خدا که به نیکوکاری خود جهالت مردمان بی فهم را ساکت نماید."
۵. آنهایی را که درمقامی هستند احترام بگذارید حتی شریان را، بدون سهم شدن با شرارت آنان. هر شرایط دشواری را به خدا واگذار کن و بگذار خداوند قضاوت کند.

(اول پطرس ۲: ۱۷-۲۳) "همه مردمان را احترام کنید. برادران را محبت نمایید. از خدا بترسید. پادشاه را احترام نمایید. ای نوکران، مطیع آقایان خود باشید با کمال ترس؛ و نه فقط صالحان و مهربانان را بلکه کج خلقان را نیز. زیرا این ثواب است، که کسی بجهت ضمیری که چشم بر خدا دارد، در وقتی که ناحق زحمت می کشد، دردها را متحمل شود. زیرا چه فخر دارد هنگامی که گناهکار بوده، تازیانه خورید و متحمل آن شوید. لکن اگر نیکوکار بوده، زحمت کشید و صبر کنید، این نزد خدا ثواب است. زیرا که برای همین خوانده شده اید، چونکه مسیح نیز برای ما عذاب کشید و شما را نمونه ای گذاشت، تا در اثر قدمهای وی رفتار نمایید، که هیچ گناه نکرد، و مکر در زبانش یافت نشد. چون او را دشنام می دادند، دشنام پس نمی داد؛ و چون عذاب می کشید تهدید نمی نمود، بلکه خویشتن را به داور عادل تسلیم کرد." وقتی که پولس این کلمات را نوشت، امپراطور نرو پادشاه بود، احتمالاً او بیشترین پادشاه شریری بود که رم تا به آن حال دیده بود.

۶. بدانید که شما نمی توانید قانون اخلاقی وضع کنید یا ذات آدمها را از طریق اعمال سیاسی تغییر دهید. انسانها ذاتاً گناهکار هستند و باید شخصاً از درون به بیرون تغییر پیدا کنند و این از طریق نجات شخصی و معرفت خداوند عیسی مسیح صورت می گیرد. تیطس ۲: ۱۴ "که خود را در راه ما فدا ساخت تا ما را از هر ناراستی برهاند و امتی برای خود طاهر سازد که ملک خاص او و غیور در اعمال نیکو باشند."

سؤالات این درس:

- ۱- به عنوان یک مسیحی، شما با برخی مخالفتها از طرف دنیا مواجه خواهید شد. دلیل آن چیست؟
 - (الف)
 - (ب)
- ۲- منبعهای مخالفتهایی که شما مواجه خواهید شد را نام ببرید.

۱-

۲-

۳-

۴-

۳- راههایی وجود دارند که مسیحیان می توانند با مخالفت دنیا مقابله کنند. بطور خلاصه توضیح

دهید چگونه این آیه های ذیل می تواند به شما کمک کند؟

۱- امثال ۱۵: ۱

۲- امثال ۱۶: ۷

۳- اول یوحنا ۵: ۴-۵

۴- رومیان ۱۲: ۲۰-۲۱

۵- متی ۵: ۴۴

۶- امثال ۱۳: ۲۰

۷- رومیان ۱۲: ۲

۴- وقتی که انسانهای نجات نیافته زندگی شما را مشاهده می کنند، چه چیزی باید آنها در شما

مشاهده نمایند؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۶-

۵- وقتی که به دنیای نجات نیافته نظرمی افکنی، جایگاه شما کجاست؟

۱-

۲-

۳-

۶- خداوند سه مؤسسه را وضع نموده برای انسانها، آنها را نام ببرید.

۱-

۲-

۳-

۷- به عنوان مسیحی ما مسئولیتهایی نسبت به دولت داریم، چهار مسئولیتهای اصلی را نام ببرید؟

۱-

۲-

۳-

۴-

۸- بسیاری از گروههای مسیحی امروزه سعی می کنند که از طریق وضع کردن قانونی، تحمیل

کردن اخلاقیات بر مردم را با زور انجام دهند. چرا این روش کارایی نخواهد داشت؟

۹- بطور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید.

آیه های کلیدی این درس: دوم تیموتائوس ۳: ۱۲؛ اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۶؛ اول قرنتیان ۸: ۳

درس ۲۵: ربایش کلیسا

بازگشت عیسی مسیح برای کلیسا "امید مبارک" نامیده می شود که یک انتظاری پر از جلال و شکوه است (تیطس ۲: ۱۳). به عنوان یک عضوی از بدن او، اگر خداوند در آمدنش تأخیر کرد، ما یا یک روز از دنیا خواهیم رفت، و یا اگر او زمانیکه ما هنوز زنده هستیم بازگشت کند ما در ابرها ربوده می شویم تا خداوند را در ابرها ملاقات کنیم، (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷). این بازگشت عیسی مسیح به جهت کلیسا را "**ربایش**" می نامند.

نکته مهمی که باید بدانیم اینست که ربایش (زمانیکه عیسی مسیح به جهت کلیسا بازگشت می کند) و بازگشت ثانویه عیسی مسیح (زمانیکه عیسی مسیح با کلیسا از بهشت بازگشت می کند تا سلطنت دوره هزار ساله خود را بر روی زمین مستقر کند) دو حادثه مجزا می باشند که در دو دوره زمانی مختلف اتفاق خواهند افتاد. این "ربایش" درست قبل از دوره هفت ساله که "هفت سال مصیبت" نامیده می شود، اتفاق خواهد افتاد. این دوره با دجال (ضد مسیح) کسی که از اروپا ظاهر خواهد شد، آغاز می شود که او موافقت نامه صلح با اسرائیل به مدت هفت سال خواهد بست و بعد از سه و نیم سال یعنی درست در نیمه آن موافقت نامه را خواهد شکست. در سه و نیم ساله نیمه دوم هفت سال سلطنت دجال "مصیبت عظیمی" خواهد بود که عیسی مسیح در متی ۲۴: ۲۱ در مورد آن سخن گفته. بعد از اتمام آن دو دوره سه سال و نیم (هفت سال) مسیح با ایمانداران از بهشت بر روی زمین بازگشت خواهد کرد تا سلطنت خود را برای مدت هزار سال با صلح و عدالت و پاکی برقرار کند (ذکریا ۱۴: ۱-۵ و یهودا ۱۴).

تعلیم کتاب مقدس در رابطه با "ربایش" به صورت زیر است:

۱. "زیرا خود خداوند با فریاد و با آواز رئیس فرشتگان و با شیپور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود. پس بدین سخنان همدیگر را تسلی دهید" (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۸).
 ۲. عیسی مسیح فرمود: "می‌روم تا برای شما مکانی حاضر کنم، و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می‌آیم و شما را برداشته با خود خواهیم برد تا جایی که من می‌باشم شما نیز باشید" (یوحنا ۱۴: ۲-۳).
 ۳. "همانا به شما سرّی می‌گویم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدّل خواهیم شد در لحظه ای، در یک چشم به هم زدن، به مجرد نواختن صور آخر، زیرا کَرَنّا صدا خواهد داد، و مردگان، بی فساد خواهند برخاست و ما متبدّل خواهیم شد. زیرا که می‌باید این فاسد بی‌فسادی را بپوشد و این فانی به بقا آراسته گردد" (اول قرنتیان ۱۵: ۵۱-۵۳).
 ۴. "و آن امید مبارک (ربایش) و تجلی جلال خدای عظیم و نجات‌دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار کشیم،" (تیطس ۲: ۱۳).
 ۵. یوحنا "ربایش" را هنگامیکه خداوند آینده دنیا را به او نشان داد، تجربه کرد. "بعد از این دیدم که ناگاه دروازه‌ای در آسمان باز شده است و آن آواز اول را که شنیده بودم که چون کَرَنّا با من سخن می‌گفت، دیگر باره می‌گوید، به اینجا صعود نما تا اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم. فی‌الغور در روح شدم و دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده‌ای" (مکاشفه ۴: ۱-۲).
- ما می‌توانیم "ربایش" را از اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷ به صورت زیر خلاصه کنیم:
۱. یک روز عیسی مسیح از آسمان نزول می‌کند و ما صدای فریاد، آواز و شیپور را خواهیم شنید.
 ۲. همه بدنهای ایماندارانی که از دنیا رفته اند قیام می‌کنند و به روح و روان خودشان در هوا می‌پیوندند.

۳. همه ایمانداران زنده، با بدنهای احیا شده از روی زمین ربوده می شوند تا عیسی مسیح را در هوا ملاقات خواهند کرد.

۴. ما بدنهای غیر فانی احیا شده، مکانی که عیسی مسیح در بهشت برای ما فراهم کرده، تسلی ابدی در حضور عیسی مسیح، و پادشاهی که در دوم قرن‌تایان ۵: ۱۰ وعده داده شده را دریافت خواهیم کرد.

"ربایش" در کتاب مقدس، تسلی و امید مبارک نامیده می شود. به چند نکته در مورد "ربایش" توجه کنید:

۱. سرعت ربایش = فوری (اول قرن‌تایان ۱۵: ۵۱-۵۲).

"همه متبدل خواهیم شد در لحظه ای (یونانی: اتمس ۸۲۳)، در یک چشم به هم زدن، (یونانی: رهیپ ۴۴۹۳)." سرعتی که "ربایش" اتفاق می افتد با این دو واژه یونانی زیر توصیف شده است:

ا. "اتمسی" = بدون برش، غیر مرئی. این همان واژه ای است که واژه فارسی اتم از آن مشتق گرفته شده است، یعنی که غیر قابل جدا شدن است. وقتی که این واژه به زمان مربوط میشود، یعنی "یک لحظه ریز غیر مرئی از زمان، یک نقطه ای از زمان که قابل جدا شدن نیست." این یعنی خیلی "فوری".

ب. "رهیپ" = یک حرکت خیلی سریع مانند پرتاب یا انداختن چیزی، چشمک زدن، تکان شدید، یا برق زدن. کمترین مدت زمان. مردم مهلت نخواهند داشت که نام عیسی مسیح را بخوانند برای نجات، یا برنامه ای که دارند نمی توانند انجام دهند. ما ایمانداران باید عیسی مسیح را خدمت کنیم تا در موقع بازگشت او خجل نشویم (اول یوحنا ۲: ۲۸).

۲. علت وقوع ربایش. = تا کلیسا را از هفت سال مصیبت حفظ کند.

کلیسا از دنیا ربوده می شود تا از هفت سال مصیبتی که بر تمامی زمین رخ خواهد داد، در امان باشد. "ربایش" غیر منتظرانه مانند دزدی در شب رخ خواهد داد (اول تسالونیکیان ۵: ۲-۴).

" زیرا خدا ما را تعیین نکرد برای غضب، بلکه بجهت تحصیل نجات (رهایی از غضب مصیبت)، به وسیله خداوند ما عیسی مسیح، " اول تسالونیکیان ۵: ۹. مسیح به کلیسای وفادار فیلادلفیا گفت: " چونکه کلام صبر مرا حفظ نمودی، من نیز تو را محفوظ خواهم داشت، از ساعت امتحان که بر تمامی جهانیان خواهد آمد تا آنهایی که ساکنان زمین اند را بیازماید " مکاشفه ۳: ۱۰.

مسیح عروس خود (کلیسا) را از جنگها، قحطیها، آزار و شکنجه دجال، زمین لرزه، و مجازات دیگر که بر تمامی دنیای بی ایمانان می آید، حفظ خواهد کرد.

هدف از هفت سال مصیبت اینست که خداوند آخرین فرصت را به یهودیان و امتهای بدهد که توبه کنند و به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده خود ایمان آورند (مکاشفه ۹: ۱۸-۲۱).

در مکاشفه ۶: ۸ یک چهارم جمعیت دنیا خواهند مرد.

در مکاشفه ۹: ۱۸ یک سوم جمعیت باقیمانده دنیا هلاک خواهند شد. بعد از این دوره تنها نصف جمعیت دنیا زنده خواهند بود.

۳. شرایط برای ربایش

فقط آنهایی که برای نجات، نام خداوند عیسی مسیح را می خوانند، ربوده خواهند شد (رومیان ۱۰: ۱۳).

"مردگان در مسیح اول خواهند برخاست." (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶)

" آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها **ربوده** خواهیم شد." آیه ۱۷.

سؤال ۱: آیا نام عیسی خداوند را خوانده ای که از مصیبت و دریاچه آتش نجات پیدا کنی؟ یا به اعمال خود تکیه می کنی که مورد قبول خدا قرار گیری؟

سؤال ۲: آیا می خواهی ربوده شوی که با عیسی مسیح باشی؟ یا می خواهی جا بمانی و به دوره هفت سال مصیبت وارد شوی؟ آیا می توانی تصور کنی که از ربوده شدن جا بمانی؟

ا. به دوستان مسیحی خود زنگ بزنی و نتوانی آنها را پیدا کنی.

ب. روزنامه ها و تلویزیون میلیونها آدمهای نا پدید شده در تمامی دنیا را گزارش کنند.

ت. بسیاری ماشینهای بدون راننده در جاده ها و اتوبانها تصادف کنند.

ث. بسیاری هواپیماها و هلیکوپترها بدون خلبان سقوط کنند.

ج. مردم دچار اضطراب و دلهره شوند به خاطر گم شدن عضوی از خانواده هایشان. آنها از

دولت تقاضای توجیه می کنند. آیا "ربودن" در کتاب مقدس پیشگویی شده بود؟ دجال

(ضد مسیح) توضیح دروغ، ولی باورکردنی خواهد داد که بسیاری باور خواهند کرد (دوم

تسالونیکیان ۲: ۸-۱۲). شاید بشقاب پرنده ها مسیحیانی که مخالف سفارش دنیای جدید

بودند را برده است.

سؤال: آیا می خواهی نجات یافته و ربوده شوی؟ یا می خواهی نجات نیافته جا بمانی؟ اگر می

خواهی نجات پیدا کنی، همین الان نام عیسی خداوند را بخوان که نجات پیدا کنی.

۴. پاداش بعد از ربایش

بعد از ربوده شدن، همه ما ایمانداران در حضور تخت داوری مسیح حاضر خواهیم شد (دوم

قرنثیان ۵: ۱۰؛ رومیان ۱۴: ۱۰ و ۱۲؛ اول قرنثیان ۳: ۱۰-۱۵) تا مطابق با کیفیت خدمتمان به

مسیح بعد از نجات، پاداش دریافت کنیم. بعضی از مسیحیان زیان خواهند کرد به دلیل از

دست دادن پاداشی که می توانستند داشته باشند (اول قرنثیان ۳: ۱۵).

"لکن هر یک اجرت خود را بحسب مشقّت خود خواهند یافت." (اول قرنثیان ۳: ۸)

سؤال: آیا می خواهی پاداش زیادی بدست آوری یا می خواهی پاداش خود را از دست بدهی؟

۵. مکاشفه فرزندان خدا

اگرچه ما در این دنیا بی ارزش باشیم، اما وقتی که مسیح ظهور می کند، ما درست مانند او خواهیم

بود. ما بدنهای با شکوه و غیر فانی خواهیم داشت درست مانند بدن امروزی عیسی مسیح.

"ای حبیبان، الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود؛ لکن می دانیم که چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید." اول یوحنا ۳: ۲

"زیرا یقین می دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است. زیرا که انتظار خلقت، منتظر ظهور پسران خدا می باشد،" رومیان ۸: ۱۸-۱۹

خداوند هر ایماندار را از پیش تعیین کرده که به شهادت عیسی مسیح درآیند (رومیان ۸: ۲۹).

۶. واکنش ما نسبت به ربایش

"و هر کس که این امید را بر وی دارد، خود را پاک (تقدیس) می سازد چنانکه او پاک است." اول یوحنا ۳: ۳

سؤال: اینک چگونه ما باید زندگی کنیم؟ اگر ما می دانستیم که سال بعد ربوده می شویم، ما باید:

أ. با خواندن و مطالعه کلام خدا و عمل کردن به آن و دعا کردن که خدا را خشنود می سازد، زندگی کنیم.

ب. یاد بگیریم که چگونه دیگران را به عیسی مسیح هدایت کنیم که آنها نیز ربوده شوند و به دوره هفت سال مصیبت وارد نشوند. ما می خواهیم با آن کسانی که ما به مسیح هدایت کردیم، در بهشت شادی کنیم. ما زمان بسیار اندکی داریم برای بشارت دادن. ما اینک در نبرد هستیم برای نجات جانهای ابدی انسانها. تبیل نباش، مشغول خدمت باش در نجات جان آدمیان از جهنم ابدی. بعد از "ربایش" ما هیچ شانس نخواهیم داشت که مردم را از جهنم نجات دهیم. ما هرگز خانواده ها و دوستان نجات نیافته خود را نخواهیم دید. ما تا ابد در آرامش خداوند در بهشت زندگی می کنیم و آنها تا ابد در دریاچه آتش بدون استراحت عذاب خواهند کشید. امروز زمان اینست که به آنها بشارت دهیم تا نجات عیسی مسیح را دریافت کنند.

۱. هر گناهی که در زندگی داری همین امروز اعتراف کن و از آن دوری کن (اول یوحنا ۱: ۹).

۲. زندگی خود را با تمامی دل و کاملاً وقفِ بشارت دادن و خدمتِ عیسی مسیح کن.

"لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می آید" متی ۲۴: ۴۴.

"و وقت را دریابید زیرا این روزها شریر است." افسسیان ۵: ۱۶

خاتمه: آیا آماده هستی که با مسیح روبرو شوی؟ آیا نجات یافته ای؟ آیا روزانه و یا هفتگی بشارت می دهی؟ آیا گناهی در زندگیت وجود دارد که نیاز به اعتراف و دوری از آن باشد؟ همین امروز انجام بده.

سوالات این درس:

۱- بازگشت عیسی مسیح به جهت کلیسا چه نامیده می شود؟

۲- ربایش ایمانداران از روی زمین در چه دوره زمانی اتفاق می افتد؟

۳- "زیرا خود خداوند با..... و با و.....
..... از آسمان نازل خواهد شد و
خواهند برخاست. آنگاه ما که باشیم، با ایشان در ابرها خواهیم شد
تا خداوند را ملاقات کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود. پس بدین
سخنان همدیگر را دهید" (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۸).

۴- دو نام دیگر ربایش در کتاب مقدس کدامند؟ و در چه آیه هایی از کتاب مقدس ذکر شده اند؟

۵- ربایش با چه سرعتی رخ خواهد داد؟

۶- علت وقوع ربایش چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟

۷- هدف از هفت سال مصیبت چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟

۸- شرایط برای ربایش چیست؟

۹- چه حادثه ای بعد از ربایش برای ایمانداران اتفاق خواهد افتاد با ۲ آیه توضیح دهید؟

۱۰- " ای حبیان، الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود؛ لکن می دانیم که چون او ظاهر شود، زیرا او را چنانکه هست..... " اول یوحنا ۳: ۲

۱۱- عکس العمل ما برای ربایش چه باید باشد؟ آیه ای را برای آن ذکر کنید؟

۱۲- اگر ما می دانستیم که سال بعد ربوده می شویم، چگونه باید زندگی کنیم؟

آیه های کلیدی این درس: اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸ و اول قرنتیان ۱۵: ۵۱-۵۳ و یوحنا ۱۴: ۲-۳ و تیطس ۲: ۱۳ و مکاشفه ۴: ۱-۲

درس ۲۶: تخت داوری مسیح

"آیا برای مسیحیان روز داوری وجود دارد؟ آنها برای چه چیزی جوابگو

خواهند بود؟"

در زندگی مسیحی یک سری حقایق مهم ولی در واقع درست وجود دارند. کتاب مقدس می گوید، روشهای خداوند روشهای ما نیستند زیرا انسان به ظاهر چیزهای جسمانی نگاه می کند در حالیکه خداوند به قلبهای ما نگاه می کند و در قسمت معنوی عمل می کند. اگر ما بخواهیم خدا را مؤثرانه خدمت کنیم باید تمرکزمان را از چیزهای جسمانی دور کنیم و در معنویات تمرکز کنیم. زندگی ما زمانی معنی و هدف پیدا می کند که در معنویات زندگی کنیم و در چیزهای ابدی تمرکز کنیم.

این درس ترتیب داده شده است که تمرکز شما را به چیزهای جاودانی نگه دارد و بوسیله تعلیماتی از کتاب مقدس از جزئیات جوابگوی نهایی شما به خداوند عیسی مسیح به عنوان خادمش آشنا کند.

۱- تخت داوری مسیح چیست؟

الف) خداوند همه انسانهایی که تا بحال زندگی کرده اند را داوری خواهد نمود. امثال ۲۹: ۲۶؛ عبرانیان ۹: ۲۷ "و چنانکه مردم را یک بار مردن و بعد از آن جزا یافتن مقرر است."

ب) خداوند گناهان دنیا را بر روی صلیب داوری کرد. با ایمان داشتن به عیسی مسیح به عنوان منجی، شما نیازی به ترس از داوری گناهان ندارید زیرا او تمام مجازات ما را به خود گرفت. (اول پطرس ۲: ۲۴؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱)؛ غلاطیان ۳: ۱۳ "مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است: "ملعون است هر که بر دار آویخته شود."

ج) بعد از نجات خویش ما برای خدمت‌مان به خداوند عیسی مسیح داوری خواهیم شد نه برای خودمان. این رویداد را تخت داوری مسیح می‌نامند. (دوم قرنتیان ۵: ۱۰)؛ رومیان ۱۴: ۱۰ "زانرو که همه پیش مسند مسیح حاضر خواهیم شد."

۲- در تخت داوری مسیح برای چه چیزهایی داوری خواهیم شد؟

۱- شما برای اعمالتان به عنوان خادم عیسی مسیح داوری خواهید شد. اول قرنتیان ۳: ۱۱-۱۵ "زیرا بنیادی دیگر هیچ کس نمی‌تواند نهاد جز آنکه نهاده شده است، یعنی عیسی مسیح. لکن اگر کسی بر آن بنیاد، عمارتی از طلا یا نقره یا جواهر یا چوب یا گیاه یا کاه بنا کند، کار هرکس آشکار خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد نمود، چونکه آن به آتش به ظهور خواهد رسید و خود آتش، عمل هرکس را خواهد آزمود که چگونه است. اگر کاری که کسی بر آن گذارده باشد بماند، اجر خواهد یافت. و اگر عمل کسی سوخته شود، زیان بدو وارد آید، هرچند خود نجات یابد اما چنانکه از میان آتش."

۲- اعمال شما طبق نیت و انگیزه پشت آن داوری خواهد شد.

الف) "آن از چه نوعی است". اول قرنتیان ۳: ۱۳ "کار هرکس آشکار خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد نمود، چونکه آن به آتش به ظهور خواهد رسید و خود آتش، عمل هرکس را خواهد آزمود که چگونه است."

ب) طرز تفکر قلبی مهمتر از اعمال واقعی خواهد بود. اگر طرز تفکر خاصی توسعه داده شود، اعمال خاص بصورت طبیعی بیرون خواهد آمد. اول تسالونیکیان ۲: ۴؛ افسسیان ۶: ۶ "نه به خدمت حضور، مثل طالبان رضامندی انسان، بلکه چون غلامان مسیح که اراده خدا را از دل به عمل می‌آورند."

۳- عواقب منفی این داوری کدامها هستند؟

الف) پولس رسول در رابطه با تخت داوری مسیح گفت که آن "ترس خدا" است. یک مسیحی نباید ترس از رفتن به جهنم را داشته باشد، ولی چیزهایی وجود دارند که در ارتباط با داوری نهایی باید از آنها آگاه شد. در دوم قرنیتان ۵: ۱۱ "پس چون ترس خدا را دانسته‌ایم، مردم را دعوت می‌کنیم. اما به خدا ظاهر شده‌ایم و امیدوارم به ضمائر شما هم ظاهر خواهیم شد."

بعضی از مسیحیان به گونه‌های زیر ظاهر خواهند شد:

۱- خجل زده به خاطر زندگی نکردن برای خداوند عیسی مسیح در هنگام ظهور کردنش. اول یوحنا ۲: ۲۸ "الآن ای فرزندان در او ثابت بمانید تا چون ظاهر شود

اعتماد داشته باشیم و در هنگام ظهورش از وی خجل نشویم."

۲- زیان به آنها وارد می‌شود چون اعمالشان چیزهای موقتی بودند نه جاودانی. اول قرنیتان ۳: ۱۵ "و اگر عمل کسی سوخته شود، زیان بدو وارد آید، هرچند خود نجات یابد اما چنانکه از میان آتش."

۳- پاداششان را از دست خواهند داد چون بجای اینکه برای مسیح زندگی کنند، در گناه زندگی می‌کنند. دوم قرنیتان ۵: ۱۰ "زیرا لازم است که همه ما پیش مسند مسیح حاضر شویم تا هرکس اعمال بدنی خود را بیابد، بحسب آنچه کرده باشد، چه نیک چه بد." همچنین به غلاطیان ۶: ۷-۸ رجوع کنید.

ب) بخاطر داشته باشید که بیشتر مواقع ظاهریات خیلی فریبنده هستند.

۱- در زندگی خودتان و در زندگی دیگران با ظاهر بیرونی فریب نخورید. بسیاری از مسیحیان تظاهر می‌کنند که خادمان خداوند هستند. لوقا ۱۶: ۱۵؛ اول قرنیتان ۱: ۲۷-۳۱ "بلکه خدا جهال جهان را برگزید تا حکما را رسوا سازد و خدا ناتوانان عالم را برگزید تا توانایان را رسوا سازد، و خسیسان دنیا و محقران را خدا برگزید، بلکه نیستیها را تا هستیها را باطل گرداند. تا هیچ بشری در حضور او فخر نکند. لکن از او شما هستید در عیسی مسیح که از جانب خدا

برای شما حکمت شده است و عدالت قدوسیّت و فدا. تا چنانکه مکتوب است هر که فخر کند در خداوند فخر نماید."

۲- اطمینان یابید که در پاداش آسمانی سرمایه گذاری کنید بجای پاداش زمینی. خادم واقعی خداوند در تخت داوری مسیح نمایان خواهند شد. متی ۶: ۱۹-۲۰؛ کولسیان ۳: ۱-۴ "پس چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را که در بالا است بطلبید در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشسته. در آنچه بالا است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است. زیرا که مرید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است. چون مسیح که زندگی ما است ظاهر شود، آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد."

۴- چه پادشاهی قابل دست یافتن خواهد بود؟

پادشاهای قابل دست یافتن در تخت داوری مسیح، در پنج نوع تاج در عهد جدید دیده شوند.

۱- **تاج عدالت:** به کسانی که منتظر ظهور خداوند عیسی مسیح هستند داده خواهد شد. دوم تیموتائوس ۴: ۸ "بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است، که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد؛ و نه به من فقط بلکه نیز به همه کسانی که ظهور او را دوست می دارند."

الف) کتاب مقدس با "آمین بیا، ای خداوند عیسی" خاتمه می یابد. مکاشفه ۲۲: ۲۰
ب) خواسته برتر شما باید در همه حال بودن با خداوند باید باشد. فیلیپیان ۱: ۲۳-۲۴ "زیرا در میان این دو سخت گرفتار هستم، چونکه خواهش دارم که رحلت کنم و با مسیح باشم، زیرا این بسیار بهتر است. لیکن در جسم ماندن برای شما لازمتر است."

۲- **تاج حیات** - مکاشفه ۲: ۱۰- تاج شهیدان "از آن زحماتی که خواهی کشید مترس! اینک، ابلیس بعضی از شما را در زندان خواهد انداخت تا تجربه کرده شوید و مدّت ده روز زحمت خواهید کشید. لکن تا به مرگ امین باش تا تاج حیات را به تو دهم."

الف) همچنین تاج حیات به کسانی که در مقابل وسوسه ها مقاومت می کنند داده خواهد شد. یعقوب ۱: ۱۲ "خوشبحال کسی که متحمل تجربه شود زیرا که چون آزموده شد آن تاج حیاتی را که خداوند به محبان خود وعده فرموده است خواهد یافت."

ب) این مثل تاج شهیدان است زیرا بوسیله مردن بر نفس خود بر وسوسه ها غلبه می کنند. رومیان ۶: ۱۱-۱۱

۳- **تاج غیرفانی** - به کسانی که میانه رو و خود دار هستند داده می شود. اول قرنیتان ۹: ۲۵ "و هر که ورزش کند در هر چیز ریاضت می کشد؛ اما ایشان تا تاج فانی را بیابند لکن ما تاج غیرفانی را."

الف) متن اول قرنیتان ۹: ۱۸-۲۷ منظور از میانه روی و خودداری در همه موارد (فیزیکی، معنوی و ذهنی) پرهیز کردن از وسوسه ها و گناهان و همچنین بودن شاهدهی خوب برای دیگران است.

ب) این تعادل دارد با یادآوری بعضی ها که برای هدف جلال دادن خدا ضعف یا بیماری دارند. پولس رسول نمونه بارزی از این مورد می باشد. دوم قرنیتان ۱۲: ۷-۱۰

۴- **تاج فخر (سرور، شادی)** - تاج بشارت دهندگان اول تسالونیکیان ۲: ۱۹ "زیرا که چیست امید و سرور و تاج فخر ما؟ مگر شما نیستید در حضور خداوند ما عیسی در هنگام ظهور او؟"

الف) این تاج به کسانی که مردمان را به عیسی مسیح هدایت می کنند داده می شود. فیلیپیان ۴: ۱
ب) آن تاج شادی و سرور نامیده شده است زیرا در آسمان خدا و فرشتگان شادی می کنند هنگامیکه شخصی نجات پیدا می کند. لوقا ۱۵: ۷ "به شما می گویم که بر این منوال خوشی در آسمان رخ می نماید به سبب توبه یک گناهکار بیشتر از برای نود و نه عادل که احتیاج به توبه ندارند."

۵- **تاج جلال** - تاج شبان. اول پطرس ۵: ۴ "تا در وقتی که رئیس شبانان ظاهر شود تاج ناپژمرده جلال را بیابید."

۱- این تاج به کسانی داده می شود که سرپرستی یا شبنانی مردم در کلام خدا را به عهده دارند.

۲- عهد جدید بطور آشکار می گوید که همه کسانی که نجات یافته اند باید بطور فعال کلام خدا را به دیگران تعلیم دهند نه فقط واعظان. افسسیان ۴: ۱۱-۱۶ " و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشرین و بعضی شبانان و معلّمان را، برای تکمیل مقدّسین، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح، تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پُری مسیح برسیم. تا بعد از این اطفال مُتِمَوِّج و رانده شده از باد هر تعلیم نباشیم، از دغابازی مردمان در حیلۀ اندیشی برای مکرهای گمراهی؛ بلکه در محبّت پیروی راستی نموده، در هر چیز ترقّی نماییم در او که سراسر است، یعنی مسیح؛ که از او تمام بدن مرکّب و مرتّب گشته، به مدد هر مفصلی و برحسب عمل به اندازه هر عضوی بدن را نموّ می دهد برای بنای خویشتن در محبّت."

۳- آن نیاز به حکمت زیاد دارد که فقط از طریق کلام خدا می توان بدست آورد. امثال ۴: ۷-۹ "حکمت از همه چیز افضل است. پس حکمت را تحصیل نما و به هر آنچه تحصیل نموده باشی، فهم را تحصیل کن. آن را محترم دار، و تو را بلند خواهد ساخت. و اگر او را در آغو ش بکشی تو را معظم خواهد گردانید. بر سر تو تاج زیبایی خواهد نهاد. و افسر جلال به تو عطا خواهد نمود."

سؤالات پایه ای:

۱- چرا ما باید نگران تخت داوری مسیح باشیم؟

الف) تمرکز بر بازگشت خداوند عیسی مسیح یکی از مهمترین تعالیم کاربردی برای هر کسی است که طبق کتاب مقدس زندگی می کند. توجه فرمایید که در آیه های زیر چند شخصیت کاربردی با کیفیت در انسان تولید می شوند بوسیله تمرکز کردن در بازگشت خداوند ما عیسی مسیح.

۱- صبر (یعقوب ۵: ۷-۸؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۵)

۲- آرامش (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸)

۳- شادی (اول تسالونیکیان ۲: ۱۹)

۴- پاکی (اول تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ اول یوحنا ۳: ۱-۳)

۵- اعتماد به نفس (فیلیپیان ۱: ۶؛ اول یوحنا ۲: ۲۸)

۶- فداکاری در خدمت (دوم تیموتائوس ۴: ۱-۸)

۷- زندگی عادلانه (تیطس ۲: ۱۱-۱۴)

۸- ایمان حتی در شرایط سخت (اول پطرس ۱: ۵-۷)

ب) **پاداشی که شما در زمین می گیرید موقتی هستند و ازین خواهند رفت.** اما پاداشی که شما در تخت داوری مسیح دریافت خواهید کرد ابدی هستند و هرگز ازین نخواهند رفت.

دوم قرنتیان ۴: ۱۷-۵: ۴ " زیرا که این زحمتِ سبکِ ما که برای لحظه ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می کند. در حالی که ما نظر نمی کنیم به چیزهای دیدنی، بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است، زمانی است و نادیدنی جاودانی. زیرا می دانیم که هرگاه این خانه زمینیِ خیمه ما ریخته شود، عمارتی از خدا داریم، خانه ای ناساخته شده به دستها و جاودانی در آسمانها. زیرا که در این هم آه می کشیم، چونکه مشتاق هستیم که خانه خود را که از آسمان است بپوشیم، اگر فی الواقع پوشیده و نه عریان یافت شویم. از آنرو که ما نیز که در این خیمه هستیم، گرانبار شده، آه می کشیم، از آن جهت که نمی خواهیم این را بیرون کنیم، بلکه آن را بپوشیم تا فانی در حیات غرق شود."

ج) **با تمرکز کردن بر تخت داوری مسیح، شما بطور طبیعی خشنودی خداوند را توسعه خواهید داد.** توسعه دادن این طرز تفکر مطمئن ترین راه برای مواجه شدن با منتقدان

ومخالفان است. دوم قرن‌تینان ۵: ۶-۹؛ اول قرن‌تینان ۷: ۲۳ " به قیمتی خریده شدید، غلام انسان نشوید."

سؤالات این درس:

- ۱- کدام گروه از انسانها در تخت داوری مسیح داوری خواهند شد؟
 - ۱-
 - ۲-
- ۲- برای چه چیزهایی ما در تخت داوری مسیح داوری خواهید شد؟
 - ۱-
 - ۲-
 - ۳-
- ۳- چه چیزهایی هستند که ما باید در رابطه با تخت داوری مسیح آگاه باشیم. آنها را نام ببرید؟
 - ۱-
 - ۲-
 - ۳-
- ۴- خادم واقعی مسیح در تخت داوری مسیح نمایان خواهد شد و خادمان تقلبی نیز افشاء می شوند. کدام دو اصول را باید در این رابطه بیاد داشته باشیم با ذکر آیه ای بیان کنید؟
 - ۱-
 - ۲-
- ۵- برای کسانی که وفادارانه به خداوند عیسی مسیح خدمت می کنند، پادشاهی وجود خواهند داشت. پنج تاجی را که به ایمانداران داده خواهد شد را نام ببرید و بیان کنید هریک برای چه چیزی داده خواهد شد؟
 - ۱-
 - ۲-

۳-

۴-

۵-

۶- وقتی که یک مسیحی تمرکزش را به سوی بازگشت خداوند عیسی مسیح جلب می کند، درخودش کیفیتهایی از شخصیت‌های مناسب توسعه داده می شود. آن کیفیتهای نام ببرید.

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۶-

۷-

۸-

۷- فرق بین پاداشی که در زمین دریافت می کنید با آن پاداشی که در آن آسمان در تخت داوری مسیح دریافت خواهید کرد را بنویسید؟

۸- عالیترین فایده تمرکز کردن به بازگشت خداوند عیسی مسیح درزندگیتان را بنویسید؟

۹- بطور خلاصه هدف اصلی این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: دوم قرن‌تیا۸: ۵-۹؛ اول یوحنا۲۸: ۱۶؛ ۱۵

درس ۲۷: هفت سال مصیبت

مقدمه: بعد از اینکه ایمانداران (کسانی که تولد دوباره دارند) از این دنیا رفته باشند، دوره جدیدی در صفحه تاریخ شروع خواهد شد که به هفت سال مصیبت معروف است. کتاب مقدس آن را روز عظیم خداوند نیز می نامد. "روز عظیم خداوند نزدیک است، نزدیک است و بزودی هر چه تمام تر میرسد. آواز روز خداوند مسموع است و مرد زورآور در آن به تلخی فریاد برخاورد. آن روز، روز غضب است، روز تنگی و اضطراب، روز خرابی و ویرانی، روز تاریکی و ظلمت، روز ابرها و ظلمت غلیظ" (صفینا ۱: ۱۴-۱۵).

عیسی مسیح پیشگویی کرد که در آخر دنیا چنان مصیبت عظیمی بر تمامی

ساکنان زمین ریخته می شود که تا بحال زمین چنین مصیبتی به خود ندیده

است. "و چون به کوه زیتون نشسته بود، شاگردانش در خلوت نزد وی آمده، گفتند: «به ما بگو

که این امور کی واقع می شود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست.» عیسی در جواب ایشان

گفت: «زنهار کسی شما را گمراه نکند! زانرو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من

مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید. زنهار

مضطرب مشوید زیرا که وقوع این همه لازم است، لیکن انتها هنوز نیست. زیرا قومی با قومی و

مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطیها و وباها و زلزله ها در جایها پدید آید. اما

همه اینها آغاز دردهای زه است. آنگاه شما را به مصیبت سپرده، خواهند کشت و جمیع امتهای

بجهت اسم من از شما نفرت کنند. و در آن زمان، بسیاری لغزش خورده، یکدیگر را تسلیم کنند

و از یکدیگر نفرت گیرند. و بسا انبیای کذب ظاهر شده، بسیاری را گمراه کنند. و بجهت

افزونی گناه محبت بسیاری سرد خواهد شد. لیکن هر که تا به انتها صبر کند، نجات یابد. و به این

بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امتهای شهادتی شود؛ آنگاه انتها خواهد

رسید... زیرا که در آن زمان چنان مصیبت عظیمی ظاهر می شود که از ابتدا عالم تا کنون نشده و نخواهد شد." (متی ۲۴: ۳-۱۴ و ۲۱).

۱- حوادث دوره مصیبت

هفت سال مصیبت در کتاب مکاشفه و دانیال نبی به دو نیمه تقسیم شده است (سه و نیم سال اول و سه و نیم سال دوم). سه و نیم سال اول دوره **مصیبت** نامیده می شود و سه و نیم سال دوم **مصیبت عظیم** نامیده می شود. سه و نیم سال اول شامل شکستن هفت مهر طومار و نواختن هفت شیپور می باشد که در باب ۶-۱۰ مکاشفه آمده است و باب ۱۴-۱۹ حوادث و شخصیت‌های اصلی دوره مصیبت را توصیف می کند.

هفت مهر (چهار اسب سوار)

توصیف هفت سال مصیبت از باب ۶ مکاشفه با گشودن مهرهای طومار شروع می شود که خود عیسی مهرها را گشوده و طومار را برای خواندن باز می کند (مکاشفه ۵: ۶-۷).

۱. **مهر اول: اسب سفید** (مکاشفه ۶: ۱-۲) "و دیدم چون بره یکی از آن هفت مهر را گشود؛ و شنیدم یکی از آن چهار حیوان به صدایی مثل رعد می گوید: بیا و ببین! و دیدم که ناگاه اسبی سفید که سوارش کمانی دارد و تاجی بدو داده شد و بیرون آمد، غلبه کننده و تاغلبه نماید." هنگامیکه مهر اول گشوده شد، هفت سال مصیبت با اسب سفید شروع می شود که اسب سوار آن دجال که مسیح دروغین است، روی اسب سفید که نشانه صلح و پیروزی است، نشسته و وعده آوردن صلح را به تمامی مردم دنیا می دهد. او با اسرائیل به مدت هفت سال عدنامه صلح خواهد بست (دانیال ۹: ۲۷). امته‌ها در صدد اتمام جنگ بر می خیزند و کلیساهای دین‌های دروغین متحد خواهند شد و همه یک دین واحد را پرستش خواهند کرد. سپس او در نیمه هفت سال عهد خود را شکسته و شروع به جنگ و کشتار مردم به خصوص یهودیان و عده‌ای که به مسیح ایمان می آورند را می نماید.

۲. **مهر دوم: اسب سرخ** (مکاشفه ۶: ۳-۴). "و چون مهر دوم را گشود، حیوان دوم را شنیدم که میگوید: بیا و بین و اسبی دیگر، آتشگون بیرون آمد و سوارش را توانایی داده شده بود که سلامتی را از زمین بردارد و تا یکدیگر را بکشند؛ و به وی شمشیری بزرگ داده شد." سوار این اسب همان دجال است که زمانیکه او عهد خود را می شکند شروع به جنگ و کشتار و شکست بسیاری از امتهای می نماید تا بر تمامی دنیا سلطنت کند، که این جنگ تا انتهای هفت سال ادامه خواهد داشت و در انتهای هفت سال دجال با لشکریان خود در دشتی به اسم وادی یهوشافط (یوئیل ۳: ۲) یا حارمجدون جمع خواهند شد. "و ایشان را به موضعی که آن را در عبرانی حارمجدون می خوانند، فراهم آوردند." (مکاشفه ۱۶: ۱۶). تا به امت خدا یعنی اسرائیل یورش برند که در آن هنگام مسیح بازگشت نموده و او را با نفس دهان خود هلاک خواهد کرد (دوم تسالونیکیان ۲: ۸).

۳. **مهر سوم: اسب سیاه** (مکاشفه ۶: ۵-۶). "و چون مهر سوم را گشود، حیوان سوم را شنیدم که می گوید: بیا و بین و دیدم اینک اسبی سیاه که سوارش ترازویی بدست خود دارد. و از میان چهار حیوان، آوازی را شنیدم که می گوید: یک هشت یک گندم به یک دینار و سه هشت یک جو به یک دینار و به روغن و شراب ضرر مرسان."

اسب سیاه ضربه و آسیبی است که معمولاً در هنگام جنگ پدید می آید که همان قحطی و خشکسالی است. اسب سوار ترازویی در دست دارد که وزن گندم را اندازه گیری می کند و قیمت یک قرص نان به اندازه دستمزد یک روز کارگر است. یعنی یک کارگر با زحمت یک روزه خود قادر نخواهد بود که چیزی بیشتر از یک قرص نان خریداری کند. فقیران از گرسنگی خواهند مرد و ثروتمندان فقط قادر خواهند بود در آن سه و نیم سال تغذیه کنند.

۴. **مهر چهارم: اسب زرد** (مکاشفه ۶: ۷-۸). "و چون مهر چهارم را گشود، حیوان چهارم را شنیدم که میگوید: بیا و بین. و دیدم که اینک اسبی زرد و کسی بر آن سوار شده که اسم او

موت است و عالم اموات از عقب او می آید؛ و به آن دو اختیار بر یک ربع زمین داده شد تا به شمشیر و قحط و موت و با وحوش زمین بکشند."

در نتیجه آمدن اسب سرخ و سیاه که جنگ و گرسنگی همراه می آورند، بسیاری از مردم دنیا از جنگ و قحطی خواهند مرد بطوریکه جایی برای دفن آنها نخواهد بود. بنابراین جسد آدمهای مرده در خیابانها و کوچه ها و خانه ها پخش شده که این باکتری و ویروس به همراه می آورد و بنابراین ویروس همه جای دنیا شایع شده، در نتیجه عده بسیاری بیمار شده و خواهند مرد.

۵. **مهر پنجم: شهیدان مسیح** (مکاشفه ۶: ۹-۱۱). "و چون مهر پنجم را گشود، در زیر مذهب دیدم نفوس آنانی را که برای کلام خدا و شهادتی که داشتند کشته شده بودند؛ که به آواز بلند صدا کرده، می گفتند: ای خداوند قدوس و حق، تا به کی انصاف نمی نمایی و انتقام خون ما را از ساکنان زمین نمی کنی؟ و به هر یکی از ایشان جامه ای سفید داده شد و به ایشان گفته شد که اندکی دیگر آرامی نمایند تا عدد همقطاران که مثل ایشان کشته خواهند شد، تمام شود."

عده ای از مردم دنیا در آن هفت سال مصیبت با شنیدن پیام انجیل از ۱۴۴۰۰۰ شاهدان یهودی، ایمان آورده ولی به خاطر ایمانشان به مسیح توسط دجال به شهادت خواهند رسید. که آن شهیدان در زیر مذبحی در بهشت از خداوند انتقام خون شهیدان مسیح را از دجال می نمایند. (مکاشفه ۶: ۹-۱۱).

۶. **مهر ششم: زلزله عظیم** (مکاشفه ۶: ۱۲-۱۷). "و چون مهر ششم را گشود، دیدم که زلزله ای عظیم واقع شد و آفتاب چون پلاس پشمی سیاه گردید و تمام ماه چون خون گشت؛ و ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، مانند درخت انجیری که از باد سخت به حرکت آمده، میوه های نارس خود را می افشاند. و آسمان چون طوماری پیچیده شده، از جا برده شد و هرکوه و جزیره از مکان خود منتقل گشت. و پادشاهان زمین و بزرگان و سپه سالاران و

دولتمندان و جباران و هر غلام و آزاد خود را در مغاره ها و صخره های کوهها پنهان کردند. و به کوهها و صخره ها می گویند که «بر ما بیفتید و ما را مخفی سازید از روی آن تختنشین و از غضب بره؛ زیرا روز عظیم غضب او رسیده است و کیست که میتواند ایستاد؟

چهار مهر اول مصیبت و بلایایی را دربردارد که بصورت طبیعی توسط دجال به وقوع می رسد. ولی با گشودن مهر ششم بلایای فوق طبیعی را مشاهده می کنیم که خداوند از آسمان بر روی ساکنان زمین می ریزد تا آخرین فرصت خود را برای توبه به انسانها بدهد. بنظر می آید که دجال در جنگها از بمبهای اتمی استفاده می کند که تشعشعات و خاکستر ناگشی از بمبهای اتمی باعث خورشید گرفتگی می شود، ماه به خون تبدیل می شود همچنانکه قبلاً این حادثه با استفاده از بمب اتمی توسط ژاپن صورت گرفت. راجب به ادامه این بلایا در هفت پیاله غضب خدا در باب ۱۶ مکاشفه بیشتر توضیح داده شده است.

۷. **مهر هفتم: هفت کرنا** (مکاشفه ۸: ۱ تا ۱۱: ۱۹). مهر هفتم هفت کرنا را در بر دارد که شامل هفت بلایای دیگری است که خداوند بر روی زمین می ریزد تا ساکنان آن را بیازماید. برای همین است که این دوره به هفت سال مصیبت معروف است. ما مسیحیانی که با خون مسیح شسته و تولد نو یافته ایم باید شادی کنیم که از آن مصیبت عظیمی که بر تمامی دنیا می آید، ربوده شده، در امان خواهیم بود.

۲- هدف از دوره مصیبت

أ. **اولین هدف از دوره مصیبت اینست که اسرائیل خود را آماده دریافت مسیح موعود کند.** ارمیای نبی این را صریح کرده و می گوید که این زمان مختص اسرائیل است و آن را زمان تنگی یعقوب می خواند. " وای بر ما زیرا که آن روز، عظیم است و مثل آن دیگری نیست و آن زمان تنگی یعقوب است اما از آن نجات خواهد یافت. " (ارمیا ۳۰: ۷). همانطور که در آمدن اولیه عیسی مسیح، یحیی تعمید دهنده در بیابان موعظه کرد و راه

مسیح را هموار کرد و یهودیان را آماده دریافت مسیح کرد، همچنین در بازگشت ثانویه مسیح، ایلای نبی در هفت سال مصیبت موعظه کرده و یهودیان را آماده دریافت مسیح خواهد کرد (ملاکی ۴: ۵-۶).

ب. دومین هدف از دوره مصیبت اینست که خداوند غضب خود را بر تمامی گمشدگان دنیا خواهد ریخت تا بلکه به خود آیند و از راههای شرارت خود توبه کرده به مسیح ایمان آورند (مکاشفه ۱۶: ۹). این غضب شامل تمامی مردم دنیا از همه قبیله، زبان و نژاد خواهد بود (مکاشفه ۳: ۱۰). مردم دنیا از دین های دروغین بوسیله پیامبران دروغین فریب خورده و پیرو آنها شده اند. برای همین خداوند آنها را به دلیل نیازمودن پیامبران دروغین خود، داوری و آزمون خواهد کرد. (مکاشفه ۱۳: ۱۱-۱۸).

۳- آیا کلیسا وارد دوره مصیبت می شود؟ خیر، چون:

أ. خداوند ما را برای غضب تعیین نکرده. "زیرا خدا ما را تعیین نکرد برای غضب بلکه بجهت تحصیل نجات، بوسیله خداوند ما عیسی مسیح" (اول تسالونیکیان ۵: ۹).

ب. خداوند به کلیسای فیلادلفیا در قرن اول وعده داد که آنها را از غضب خدا نکه دارد. "چونکه کلام صبر مرا حفظ نمودی، من نیز تو را محفوظ خواهم داشت، از ساعت امتحان که بر تمام ربع مسکون خواهد آمد تا تمامی ساکنان زمین را بیازماید." (مکاشفه ۳: ۱۰)

ج. ما درست قبل از آغاز دوره مصیبت از این دنیا ربوده شده و در هوا مسیح خداوند را ملاقات خواهیم کرد. "زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود." (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷).

۴- آیا در دوره مصیبت شاهدانی خواهند بود که به مردم بشارت دهند؟

خداوند در هیچ دوره از آفرینش انسانها را بدون شاهد نگذاشته. او از آدم و حوا گرفته تا پایان دنیا، همیشه کسانی را داشته که شاهد و مبشران او برای دنیا باشند. در طول هفت سال مصیبت نیز خداوند به انسانها شانس شنیدن پیام انجیل را خواهد داد.

أ. ۱۴۴۰۰۰ شاهدان یهودی را خداوند از دوازده طایفه بنی اسرائیل انتخاب و

مهر خواهد زد (مکاشفه ۷: ۱-۸). آنها در روی زمین نوری خواهند بود برای تمامی دنیا و به مردم بشارت خواهند داد. "و دیدم که اینک بره، بر کوه صهیون ایستاده است و با وی صد و چهل و چهار هزار نفر که اسم او و اسم پدر او را بر پیشانی خود مرقوم می دارند. و آوازی از آسمان شنیدم، مثل آواز آبهای بسیار و مانند آواز رعد عظیم؛ و آن آوازی که شنیدم، مانند آواز بریط نوازان بود که بریطهای خود را بنوازند. و در حضور تخت و چهار حیوان و پیران، سرودی جدید می سرایند و هیچکس نتوانست آن سرود را بیاموزد، جز آن صد و چهل و چهار هزار که از جهان خریده شده بودند. اینانند آنانی که با زنان آلوده نشدند، زیرا که باکره هستند؛ و آنانند که بره را هر کجا می رود متابعت می کنند و از میان مردم خریده شده اند تا نویر برای خدا و بره باشند. و در دهان ایشان دروغی یافت نشد، زیرا که بی عیب هستند."

ب. علاوه بر آن ۱۴۴۰۰۰ شاهدان یهودی، خدا دو شاهد آسمانی نازل خواهد

کرد تا به مردم بشارت دهند. "و به دو شاهد خود خواهم داد که پلاس در بر کرده، مدت هزار و دویست و شصت روز نبوت نمایند. اینانند دو درخت زیتون و دو چراغدان که در حضور خداوند زمین ایستاده اند. و اگر کسی بخواهد بدیشان اذیت رساند، آتشی از دهانشان بدر شده، دشمنان ایشان را فرو می گیرد؛ و هر که قصد اذیت ایشان دارد، بدینگونه باید کشته شود. اینها قدرت به بستن آسمان دارند تا در ایام نبوت ایشان باران نبارد و قدرت بر آنها دارند که آنها را به خون تبدیل نمایند و جهان را هر گاه بخواهند، به انواع بلایا مبتلا

سازند. و چون شهادت خود را به اتمام رسانند، آن وحش که از هاویه برمی آید، با ایشان جنگ کرده، غلبه خواهد یافت و ایشان را خواهد کشت." (مکاشفه ۱۱: ۳-۷)

ج. یکی از سه فرشته در باب ۱۴ مکاشفه انجیل جاودانی را به تمامی مردم جهان بشارت خواهد داد. " و فرشته ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز میکند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هرامت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد، و به آواز بلند میگوید: از خدا بترسید و او را تمجید نمایید، زیرا که زمان داوری او رسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید، پرستش کنید." (مکاشفه ۱۴: ۶-۷).

سوالات این درس:

۱- نام دیگر هفت سال مصیبت در کتاب مقدس چیست؟ آیه ای را ذکر کنید؟

۲- عیسی مسیح در متی ۲۴: ۲۱ این دوره را چگونه توصیف می کند؟

۳- سه و نیم سال دوم دوره هفت سال مصیبت به چه اسمی معروف است؟

۴- وقایعی که در مهر اول اتفاق می افتد را بطور خلاصه شرح دهید؟

۵- وقایعی که در مهر دوم اتفاق می افتد را بطور خلاصه شرح دهید؟

۶- وقایعی که در مهر سوم اتفاق می افتد را بطور خلاصه شرح دهید؟

۷- وقایعی که در مهر چهارم اتفاق می افتد را بطور خلاصه شرح دهید؟

۸- وقایعی که در مهر ششم اتفاق می افتد را بطور خلاصه شرح دهید؟

۹- هدف از دوره مصیبت چیست؟ دو مورد را با ذکر آیه ای برای هر کدام نام ببرید؟

۱۰- آیا کلیسا وارد دوره مصیبت می شود؟ دو دلیل بیاورید با ذکر آیه؟

۱۱- آیا در دوره مصیبت شاهدانی خواهند بود که به مردم بشارت دهند؟ سه مورد را نام ببرید با ذکر آیه ای برای هر کدام؟

۱۲- متی ۲۴: ۲۱ را بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: متی ۲۴: ۲۱ ؛ صفیا ۱: ۱۴-۱۵ ؛ مکاشفه ۶: ۱-۱۷ ؛ مکاشفه ۳:

درس ۲۸: مِلْنِیوم (عصر هزاره سلطنت مسیح)

بخش عظیمی از پیشگوییهای کتاب مقدس به عصر هزاره سلطنت مسیح اختصاص دارد. عصر هزاره همانطور که از اسم آن پیداست دوره هزار سال سلطنتی است که مسیح در هنگام بازگشت ثانویه در اورشلیم بنا خواهد کرد تا پیشگوییهای آن عصر هزاره را به کمال رساند و به مدت ۱۰۰۰ سال بر روی زمین سلطنت کند.

۱- نقش اسرائیل در عصر هزاره

این عصر پیشگوییهای پیامبران را که به امت اسرائیل نسبت داده شده بود را به کمال می رساند. خداوند با اسرائیل عهد و پیمان بست که زمین، نسل، کرسی سلطنت، و خانه پادشاهی را به آنها بدهد که این وعده ها در دوره هزاره به وقوع خواهد پیوست.

أ. **پیمان ابراهیمی:** خداوند با ابراهیم عهد بست که به او امت، زمین و نسل بیشمار دهد که این وعده خدا در عصر هزاره به کمال می رسد. دوام و بقای اسرائیل، تصاحب زمینشان، و وارث شدن برکات خداوند بطور مستقیم به این دوره هزاره ربط دارد. "و خداوند به ابرام گفت: «از ولایت خود، و از مولد خویش و از خانه پدر خود بسوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو، و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم، و نام تو را بزرگ سازم، و تو برکت خواهی بود. و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند. و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت... ۷ و خداوند بر ابرام ظاهر شده، گفت: «به ذریت تو این زمین را می بخشم». (پیدایش ۱۲: ۱-۳ و ۷)

"اکنون بسوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، هرگاه آنها را توانی شمرد. پس به وی گفت: ذریت تو چنین خواهد بود." (پیدایش ۱۵: ۵)

خداوند چنین میگوید: «چنانکه شیر درخوشه یافت میشود و میگویند آن را فاسد مساز زیرا که برکت در آن است. همچنان به خاطر بندگان خود عمل خواهم نمود تا (ایشان را) بالکل هلاک نسازم. بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوههای خویش از یهودا به ظهور خواهم آورد. و برگزیدگانم ورثه آن و بندگانم ساکن آن خواهند شد.» (اشعیا ۶۵: ۸-۹).

ب. **پیمان داودی:** در عهدنامه داودی خداوند به داود نبی وعده داد که به او خانه، پادشاهی و کرسی سلطنتی بدهد که تا ابد الابد جاودان باشد که این وعده در عصر هزاره تحقق می یابد. در کرسی سلطنت داود، ذریت داود (مسیح) خواهد نشست تا سلطنت کند. خداوند به داود نبی وعده داد و گفت: "زیرا روزهای تو تمام خواهد شد و با پدران خود خواهی خوابیدی و ذریت تو را که از صلب تو بیرون آید، بعد از تو استوار خواهم ساخت، و سلطنت او را پایدار خواهم نمود. او برای اسم من خانه ای بنا خواهد نمود و کرسی سلطنت او را تا به ابد پایدار خواهم ساخت. من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود، و اگر او گناه ورزد، او را با عصای مردمان و به تازیانه های بنی آدم تادیب خواهم نمود. ولیکن رحمت من از او دور نخواهد شد، به طوری که آن را از شاول دور کردم که او را از حضور تو رد ساختم. و خانه و سلطنت تو، به حضورت تا به ابد پایدار خواهد شد، و کرسی تو تا به ابد استوار خواهد ماند." دوم سمویل ۷: ۱۲-۱۶

ج. **پیمان فلسطینی:** این ادامه و تکمیل کننده پیمان ابراهیمی است که در آن خداوند وعده تصاحب کردن زمین را به اسرائیلیها داد. این پیمان توبه، بازگشت، تولد دوباره و سلطنت اسرائیل را آشکار می کند. (تثنیه ۳۰: ۱-۱۰).

د. **پیمان تازه.** وعده پیمان تازه، دلی تازه، آمرزش گناهان، و پر شدن با روح القدس در این پیمان داده شده که در عصر هزاره امت اسرائیل تجربه خواهد کرد. "خداوند میگوید: «اینک

ایامی می آید که باخاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه ای خواهیم بست. نه مثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم در روزی که ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بیرون آورم زیرا که ایشان عهد مرا شکستند، با آنکه خداوند میگوید من شوهر ایشان بودم. اما خداوند میگوید: «اینست عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهیم بست. **شریعت خود را در باطن ایشان خواهیم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهیم نوشت** و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. و بار دیگر کسی به همسایه اش و شخصی به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناس. زیرا خداوند میگوید: **جميع ایشان از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، چونکه عصیان ایشان را خواهیم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد**." (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴).

بنابراین قابل ملاحظه است که عصر هزاره پیشگوییهای کتاب مقدس درباره پیمان خداوند با اسرائیل را تحقق خواهد داد. دفعه اول که مسیح از طریق مریم باکره به دنیا آمده و سلطنت و پادشاهی خود را به اسرائیل پیشنهاد کرد، اسرائیلیها نخواستند که مسیح بر آنها حکومت کند (لوقا ۱۹: ۱۴). ولی بار دوم که او بر می گردد، یهودیان توبه کرده، به او ایمان خواهند آورد (رومیان ۱۱: ۲۵-۲۷).

۲- نقش کلیسا در عصر هزاره

أ. **خداوند به ابراهیم وعده داد تا در او تمامی امتها برکت یابند**. این بدان معناست که زمانیکه مسیح می آید و برای گناهان تمامی مردم دنیا مصلوب می شود، از طریق ایمان به مسیح و دریافت او به عنوان ناجی خود، امتها نیز نجات یافته و برکت می بینند. "و از تو جميع قبایل جهان برکت خواهند یافت." (پیدایش ۱۲: ۳).

ب. **در عصر فیض، کلیسا جایگزین اسرائیل است.** هنگامیکه اسرائیل مسیح خود را رد کرد و بی ثمر شد، خداوند آنها را برای مدتی (عصر فیض) کنار گذاشت تا از امتها برای خود آدمیان را برگزیده و نجات دهد. "پس میگویم آیا لغزش خوردند تا بیفتند؟ حاشا! بلکه از لغزش ایشان نجات به امتها رسید تا در ایشان غیرت پدید آورد." (رومیان ۱۱: ۱۱).

"و آنها را نیز دعوت فرمود یعنی ما نه از یهود فقط بلکه از امتها نیز. چنانکه در هوشع هم میگوید: «آنانی را که قوم من نبودند، قوم خود خواهیم خواند» و او را که دوست نداشتم محبوبه خود. و جایی که به ایشان گفته شد که شما قوم من نیستید، در آنجا پسران خدای حی خوانده خواهند شد" (رومیان ۹: ۲۴-۲۶).

ج. **امتهای نجات یافته (کلیسا) در عصر هزاره سلطنت خواهند کرد.** امتهایی که با خون عیسی مسیح شسته شده و نجات یافته اند، کلیسا را تشکیل می دهند که در عصر هزاره خداوند وعده داد که نه تنها امت اسرائیل بلکه کلیسا نیز در آن با مسیح پادشاه سلطنت خواهند کرد. "این سخن امین است زیرا اگر با وی مردیم، با او زیست هم خواهیم کرد. و اگر تحمل کنیم، با او سلطنت هم خواهیم کرد." (دوم تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۲).

"و سرودی جدید می سرایند و می گویند: «مستحق گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی و ایشان را برای خدای ما پادشاهان و کهنه ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد." (مکاشفه ۵: ۹-۱۰).

"خوشبحال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد." (متی ۵: ۵).

۳- نقش شیطان در عصر هزاره

أ. بعد از بازگشت ثانویه مسیح، بلافاصله شیطان اسیر شده، به مدت ۱۰۰۰ سال در بند نهاده می شود. "و دیدم فرشته ای را که از آسمان نازل می شود و کلید هاویه را دارد و زنجیری بزرگ بر دست وی است. و اژدها یعنی مار قدیم را که ابلیس و شیطان می باشد، گرفتار کرده، او را تا مدت هزار سال در بند نهاد. و او را به هاویه انداخت و در را بر او بسته، مهر کرد تا امتها را دیگر گمراه نکند تا مدت هزار سال به انجام رسد؛ و بعد از آن می باید اندکی خلاصی یابد (مکاشفه ۲۰: ۱-۳).

ب. شیطان به عنوان خدای این جهان کار خود را در خلع انداختن به اهداف خداوند پیش برده است (دوم قرنتیان ۴: ۴). عصر هزاره دوره ای خواهد بود که عدالت خدا به نمایش گذاشته خواهد شد. "و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت." (اشعیا ۱۱: ۵).

"اینک پادشاهی به عدالت سلطنت خواهد نمود و سروران به انصاف حکمرانی خواهند کرد." (اشعیا ۳۲: ۱).

ج. خداوند انسانها را بدون حضور شیطان آزمون خواهد کرد. جایی که حضور خدا باشد، شیطان نمی تواند حضور داشته باشد بنابراین تمامی وسوسه های خارجی زدوده می شوند تا انسانها بتوانند خودشان را بدون فریب و وسوسه شیطان نشان دهند.

۴- نقش مسیح در عصر هزاره

این امری مشخص است که جدای از حضور خداوندان عیسی مسیح، ما نمی توانیم حکومت تنوکرایی در زمین داشته باشیم. این عصر بستگی به بازگشت او به زمین را دارد که در کلام خدا وعده داده شده است.

أ. **اسامی و القاب مسیح در عصر هزاره.** اسامی و القابی که مسیح در عصر هزاره خواهد داشت نشان دهنده کار و اعمالی است که او در آن عصر می کند.

۱. **شاخه.** این لقب در چهار طریق مختلف در کتاب مقدس به او داده شده است.

- **شاخه یهوه (اشعیا ۴: ۲):** که شخصیت عمانوئیل بودن مسیح است تا ظهور کرده و امت اسرائیل را نجات دهد (اشعیا ۷: ۱۴).

- **شاخه داود (اشعیا ۱۱: ۱):** که مسیح موعود از ذریت داود است بر حسب جسم که به عنوان رب الارباب و شاه شاهان بازگشت می کند (رومیان ۱: ۳).

- **خادم یهوه، شاخه (زکریا ۳: ۸):** تواضع و فروتنی مسیح و مطیع بودن او به مرگ طبق پیشگویی (اشعیا ۵۳: ۱-۱۲) و (فیلیپیان ۲: ۵-۸).

- **مردی که نامش شاخه است (زکریا ۶: ۱۲، ۱۳):** که شخصیت انسان کامل بودن اوست که "آدم آخر" و "مرد دوم" نامیده می شود (اول قرنیتیان ۱۵: ۴۵-۴۷). تا به عنوان کاهن اعظم و پادشاه بر تمامی زمین که توسط آدم شکست خورده بود، سلطنت کند.

۲. **خداوند لشکرها (اشعیا ۲۴: ۲۳)**

- **خداوند عدالت ما (ارمیا ۲۳: ۶)**

- **قدیم الایام (دانیال ۷: ۱۳)**

- **خداوند (میکای نبی ۴: ۷ و زکریا ۱۴: ۹)**

- **حضرت اعلی (دانیال ۷: ۲۲)**

- **پسر خدا (اشعیا ۹: ۶ و دانیال ۳: ۲۵ و هوشع ۱: ۱)**

- **یهوه (اشعیا ۲: ۲-۴ و ۱۲: ۶ و یوئیل ۳: ۲۱)**

همه این نامها نشان می دهد که کسی که در عصر هزاره بر کرسی سلطنت می نشیند، کسی نیست جز خدای واقعی که خالق جهان است، تا آن حکومت بتواند حکومت تتو کراسی باشد.

۳. **نجات دهنده.** " و خداوند می گوید که نجات دهنده ای برای صهیون و برای آنانی که در یعقوب از معصیت بازگشت نمایند خواهد آمد. " (اشعیا ۵۹: ۲۰)

- **شبان** (اشعیا ۴۰: ۱۰-۱۱)
- **سنگ** (اشعیا ۲۸: ۱۶)
- **نور** (اشعیا ۶۰: ۱-۳)
- **آفتاب عدالت** (ملاکی ۴: ۲)

تمامی این القاب نشان دهنده این است که مسیح به عنوان پسر خدا و پسر انسان در تمامی دوران انسانها را نجات داده و در عصر هزاره سلطنت خواهد کرد.

۵- خصوصیات معنوی عصر هزاره

أ. **عدالت در عصر هزاره.** واژه کلیدی عصر هزاره مسیح عدالت و صلح است که عدالت ریشه و صلح ثمره آن دوره خواهد بود. "...و سلامتی را ناظران تو و عدالت را حاکمان تو خواهم گردانید." (اشعیا ۶۰: ۱۷).

"در آن روز این سرود در زمین یهودا سراییده خواهد شد؛ ما را شهری قوی است که دیوارها و حصار آن نجات است. دروازهها را بگشایید تا امت عادل که امانت را نگاه میدارند داخل شوند." (اشعیا ۲۶: ۱-۲). کسانی که تشنه عدالت هستند در آن عصر سیر خواهند شد. "خوشابحال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا ایشان سیر خواهند شد." (متی ۵: ۶).

ب. **مطیع بودن در عصر هزاره.** یکی از ضروریات هدف از آفرینش این بود که خدا سلطنتی را در زمین برقرار کند که انسانها با خواسته خود از او اطاعت کنند. درخت شناخت خوب و بد برای همین منظور در وسط باغ عدن کاشته شده بود که آن اطاعت انسان از خدا را بیازماید (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷). آدم از خدا نافرمانی کرد و در آزمایش خود شکست خورد. خداوند همه چیزها را به اطاعت خود در خواهد آورد در کسی که گفت: "اینک می آیم تا

اراده تو را ای خدا بجا آورم." (عبرانیان ۱۰: ۹). اطاعت کامل از خدا خصوصیات دیگر آن عصر هزاره خواهد بود. "جمع کرانه های زمین متذکر شده، بسوی خداوند بازگشت خواهند نمود. و همه قبایل امتهای به حضور تو سجده خواهند کرد. زیرا سلطنت از آن خداوند است. و او بر امتهای مسلط است." (مزامیر ۲۲: ۲۷-۲۸).

ج. **قدوسیت در عصر هزاره.** خداوند آدم را بطور مقدس و کامل آفریده بود، اما او از خداوند سرکشی کرده و قدوسیت خود را با نافرمانی کردن از خدا، از دست داد. هدف خداوند اینست که در عصر هزاره آن قدوسیت از دست داده شده را دوباره به انسانها بازگرداند. "و خداوند یهویدا دروزمین مقدس برای ملک خود به تصرف خواهد آورد و اورشلیم را بار دیگر خواهد برگزید. ای تمامی بشر به حضور خداوند خاموش باشید زیرا که او از مسکن مقدس خود برخاسته است." (زکریا ۱۲: ۱۳-۱۲).

"و در آن روز بر زنگهای اسبان «مقدس خداوند» (منقوش) خواهد شد و دیگها در خانه خداوند مثل کاسه های پیش مذبح خواهد بود." (زکریا ۱۴: ۲۰).

د. **راستی در عصر هزاره.** دلیل داوری شدن انسانها اینست که آنها راستی و حقیقت خدا را به دروغی تبدیل نمودند و مخلوقات را به جای خالق پرستش کردند (رومیان ۱: ۲۵). از طریق مسیح که گفت: "من راه، راستی، و حیات هستم" در عصر هزاره نمایش کاملی از راستی خواهد بود. "و ایشان را خواهم آورد که در اورشلیم سکونت نمایند و ایشان قوم من خواهند بود و من بر راستی و عدالت خدای ایشان خواهم بود." (زکریا ۸: ۸).

"رحمت و راستی با هم ملاقات کرده اند. عدالت و سلامتی یکدیگر را بوسیده اند. راستی، از زمین خواهد رویید و عدالت، از آسمان خواهد نگریست." (مزامیر ۸۵: ۱۰-۱۱).

ه. **پری روح القدس در عصر هزاره.** در سلطنت عیسی مسیح در عصر هزاره پیشگویی یوئیل نبی به حقیقت خواهد رسید. "و بعد از آن روح خود را بر همه بشر خواهم ریخت و

پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رویاها خواهند دید. و در آن ایام روح خود را بر غلامان و کنیزان نیز خواهم ریخت." (یوئیل ۲: ۲۸-۲۹).

۶- شرایط زندگی در عصر هزاره.

کتاب مقدس قسمت عظیمی را اختصاص داده به شرایط و برکاتی که در دوره هزار سال سلطنت مسیح خواهد بود که آن شرایط نشان از حشمت و عالی بودن آن دوره است که به مقدسان داده خواهد شد. " و ملکوت و سلطنت و حشمت مملکتی که زیر تمامی آسمانهاست به قوم مقدسان حضرت اعلی داده خواهد شد که ملکوت او ملکوت جاودانی است و جمیع ممالک او راعبادت و اطاعت خواهند نمود." (دانیال ۷: ۲۷). آن شرایط عبارتند از:

۱. **صلح.** جایی که حضور خداوند است، امتهای نخواهند توانست علیه همدیگر جنگ کنند و هزار سال سلطنت مسیح مدام با صلح خواهد بود. " و او در میان قوم های بسیاری خود را خواهد نمود و امت های عظیم را از جای دور تنبیه خواهد کرد و ایشان شمشیرهای خود را برای گاو آهن و نیزه های خویش را برای اهره ها خواهند شکست و **امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.**" (میکائیل ۴: ۳).

۲. **شادی.** کامل بودن شادی انسانها در آن عصر متمایز خواهد بود. " تو قوم را بسیار ساخته، شادی ایشان را زیاد گردانیدی. به حضور تو شادی خواهند کرد مثل شادمانی وقت درو و مانند کسانی که در تقسیم نمودن غنیمت وجد می نمایند." (اشعیا ۹: ۳).

۳. **قدوسیت.** حکومت تئوکراسی در عصر هزاره حکومت سرشار از قدوسیت خواهد بود که مسیح پادشاه و کسانیکه در پادشاهی او حکومت می کنند مقدس خواهند بود. زمین، شهر، معبد، و همه چیز مقدس خواهند بود. " و واقع میشود که هر که در صهیون باقی ماند و هر که در اورشلیم ترک شود مقدس خوانده خواهد شد یعنی هر که در اورشلیم در دفتر حیات مکتوب باشد." (اشعیا ۴: ۳).

۴. **جلال**. سلطنت مسیح در عصر هزاره پر جلال خواهد بود که جلال خدا آن را پر خواهد کرد. " و ماه خجل و آفتاب رسوا خواهد گشت زیرا که یهوه صبايوت در کوه صهیون و در اورشلیم و به حضور مشایخ خویش، با جلال سلطنت خواهد نمود. " (اشعیا ۲۴: ۲۳).

۵. **تسلی**. مسیح پادشاه خود بر امور و مشکلات هر شخص رسیدگی کرده و نیازهای آنها را برآورده می کند. در آن روز پری تسلی خواهد بود. " و در آن روز خواهی گفت که «ای خداوند تو را حمد میگویم زیرا به من غضبناک بودی اما غضبت برگردانیده شده، مراتسلی میدهی. اینک خدا نجات من است بر او توکل نموده، نخواهم ترسید. زیرا یاه یهوه قوت و تسبیح من است و نجات من گردیده است. " (اشعیا ۱۲: ۱-۲).

۶. **انصاف**. خدمت به انسانها با انصاف و عدالت انجام خواهد شد. " ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتھانخواهد بود تا آن را به انصاف و عدالت از الان تاابدالاباد ثابت و استوار نماید. غیرت یهوه صبايوت این را بجا خواهد آورد. " (اشعیا ۹: ۷).

سوالات این درس:

۱- عصر هزاره چیست؟

۲- پیمان ابراهیمی چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟

۳- پیمان داودی چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟

۴- پیمان فلسطینی چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟

۵- پیمان تازه چیست با ذکر آیه ای توضیح دهید؟

۶- نقش کلیسا در عصر هزاره را بطور مختصر توضیح دهید؟

۷- نقش شیطان در عصر هزاره را بطور مختصر توضیح دهید؟

۸- سه عنوان از اسامی و القاب مسیح در عصر هزاره را با ذکر آیه ای برای هر یک نام ببرید؟

۹- پنج خصوصیات معنوی عصر هزاره را با ذکر آیه ای برای هر یک نام ببرید؟

۱۰- شش شرایط زندگی در عصر هزاره را با ذکر آیه ای برای هر یک نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: مکاشفه ۲۰: ۴-۶ ؛ اشعیا ۱۱: ۱-۱۶ ؛ اشعیا ۹: ۶-۷

درس ۲۹: چیزهایی که خدا در ازای نجاتمان به ما می بخشد

۱- ما فرزندان خدا می شویم. "و اما به آن کسانی که او را دریافت کردند، به آنها قدرت داد تا فرزندان خدا گردند". (یوحنا ۱: ۱۲) این یعنی:

۲- تولد تازه پیدا می کنیم. "تا کسی تولد تازه نیابد، ملکوت خدا را نمی تواند ببیند." (یوحنا ۳: ۳). "باید شما تولدی تازه بیابید" (یوحنا ۳: ۷). ما سالها پیش در خانواده والدینمان متولد شده بودیم. هنگامیکه ما عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده مان دریافت می کنیم، ما در خانواده خدا انداخته و یا از او متولد می شویم به عنوان فرزندش، و تمام مزایاها و سعادت‌های بودن در خانواده خدا دست پیدا می کنیم. (رومان ۸: ۱۵) "از آنرو که روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان شوید بلکه روح پسر خواندگی را یافته‌اید، که به آن آبا، یعنی ای پدر ندا می کنیم."

۳- از جریمه گناه نجات پیدا می کنیم که جهنم و دریاچه آتش می باشد.

ما از قدرت گناه نجات پیدا می کنیم همانطوریکه مطیعانه تسلیم کلام مسیح می شویم.

ما از حضور گناه نجات پیدا می کنیم هنگامیکه وارد بهشت می شویم. "زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت". (رومان ۱۰: ۱۳)

۴- با پذیرفتن عیسی مسیح به عنوان منجی خود، صاحب حیات ابد می شویم.

"هر که پسر را دارد، حیات دارد." (اول یوحنا ۵: ۱۲)

۵- بوسیله مرگ مسیح با خداوند آشتی پیدا می کنیم. خداوند موانع گناه را از سر راه برداشته و صلح بین ما و خدا بوجود آورده است. (رومان ۵: ۱۰) "زیرا اگر در حالتی که دشمن

بودیم، بوساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم، پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن بوساطت حیات او نجات خواهیم یافت."

۶- **با ایمان به عیسی مسیح به عنوان منجی، عادل محسوب می شویم.** (رومان ۵: ۱)
"پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم بوساطت خداوند ما عیسی مسیح."

این یعنی ما عادل خوانده می شویم، گناهانمان بخشیده شده و از ما دور می شود. ما مستحق تمام برکات خداوند می شویم. این یعنی مثل اینکه ما اصلاً تا بحال گناهی را مرتکب نشده باشیم.

۷- **بخاطر عیسی مسیح، ما صد درصد مورد قبول خداوند واقع می شویم.** نیازی نیست که ما تلاش کنیم با یک سری اعمال نیک، جلب خداوند را توجه کنیم و مورد قبول او واقع شویم. "ما را مقبول نمود در محبوب (مسیح)". (افسیان ۱: ۶)

۸- **تمام خطایای ما بخشیده می شود.** (کولسیان ۲: ۱۳) "و شما را که در خطایا و نامختونی جسم خود مرده بودید، با او زنده گردانید چونکه همه خطایای شما را آمرزید." بخشش عمل قانونی خداوند است که او تمام محکومیت یک گناهکار را دور می اندازد، بخاطر اینکه عیسی مسیح کفاره کاملی را برای گناهان او پرداخته است.

۹- **از گرو گناه و شیطان آزاد می شویم.** این یعنی اینکه ما بوسیله عیسی مسیح از بازار بردگی گناه خریداری شده ایم و از بند گناه رهایی پیدا کرده ایم. ما اکنون متعلق به مسیح هستیم و برده او هستیم برای انجام دادن اراده خدا. ما نباید در زندگی خودخواهانه راحت به سر ببریم، بلکه باید برای اهداف خداوند مفید باشیم. "از آن خود نیستید. زیرا که به قیمتی خریده شده اید. پس به بدن خود، خدا را جلال دهید و به روح خود که از آن خدا می باشند". (اول قرنتیان ۶:

۱۹ و ۲۰)

۱۰- با روح القدس پر و هدایت می شویم. روح خدا اینک بطور دائمی در ما زندگی می کند. ما نباید از رهبری او بی اطاعتی کنیم. (رومیان ۸: ۹) "اگر کسی روح مسیح را ندارد، از آن او نیست".

(رومیان ۸: ۱۴) "زیرا همه کسانی که بوسیله روح خدا هدایت می شوند، ایشان پسران خداوند".

۱۱- بدن های جوان و تازه که هرگز نمی میرد را دریافت خواهیم کرد. (رومیان ۸: ۱۱) "و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، بدنهای فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت به روح خود که در شما ساکن است".

(ایوب ۳۳: ۲۵) "گوشت او از گوشت طفل تازه تر خواهد شد. و به ایام جوانی خود خواهد برگشت".

(اول قرنیتان ۱۵: ۵۳) "این فانی باید با غیرفانی پوشیده شود".

۱۲- یک خلقت تازه و عاری از گناه در مسیح می شویم.

(دوم قرنیتان ۵: ۱۷) "اگر کسی در مسیح باشد، مخلوق تازه ای است. چیزهای کهنه در گذشته است و اینک تمامی چیزها نوشته است".

۱۳- خداوند وعده های بی نهایت عظیم و گرانبهائی را در کتاب مقدس به ما می دهد. ما می توانیم از او این وعدههایش را برای هدایت و یاری ما در زندگی بخواهیم. با اینها ما شریک طبیعت الهی می گردیم. (دوم پطرس ۱: ۴) "که بوساطت آنها وعده های بی نهایت عظیم و گرانبهائی به ما داده شد: تا شما به اینها شریکِ طبیعتِ الهی گردید، و از فساد که از شهوت در جهان است، خلاصی یابید".

۱۴- خداوند همه چیزهایی که برای حیات و دینداری لازم است، از طریق شناخت عیسی مسیح به ما داده است. (دوم پطرس ۱: ۳). "چنانکه قوت الهیه او همه چیزهایی را که برای حیات و دینداری لازم است، به ما عنایت فرموده است، به معرفت او که ما را به جلال و فضیلت خود دعوت نموده."

۱۵- خداوند به ما صلح و آرامش می دهد. (رومیان ۵: ۱) "چونکه بوسیله ایمان عادل شمرده شدیم و با خدا صلح داریم از طریق خداوند ما عیسی مسیح."

(یوحنا ۱۴: ۲۷) "آرامش برای شما بجای می گذارم، آرامش خود را به شما می دهم."

(فیلیپیان ۴: ۷) "و سلامتی خدا که فوق از تمامی عقل است، دلها و ذهنهای شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت."

۱۶- ما خادمان خدا می شویم. (رومیان ۱: ۱) "پولس، خادم عیسی مسیح."

(رومیان ۶: ۲۲) "...چونکه از گناه آزاد شده و غلامان خدا گشته اید."

۱۷- سفیران مسیح می شویم. ما نمایندگان خدا در روی زمین هستیم که پیام نجات خداوند را به همه انسانها داریم. (دوم قرنتیان ۵: ۲۰) "پس برای مسیح سفیرانی هستیم که گویا خدا به زبان ما وعظ می کند. پس بخاطر مسیح استدعا می کنیم که با خدا مصالحه کنید."

۱۸- خدا به ما برادران و خواهران مسیحی بسیاری عطا می کند تا به ما یاری رسانند و از ما مراقبت کنند. (یوحنا ۱۳: ۳۴) "من به شما حکم تازه ای می دهم که شما یکدیگر را دوست بدارید آنچنانکه من شما را دوست داشته ام."

۱۹- **ما خانه ای در بهشت داریم.** (دوم قرن ۵: او ۸) "زیرا می دانیم که هرگاه این خانه زمینی خیمه ما ریخته شود، عمارتی از خدا داریم، خانه ای ناساخته شده به دستها و جاودانی در آسمانها."

(یوحنا ۱۴: ۲) "در خانه پدر من منزل بسیار است ... می روم تا برای شما مکانی آماده کنم."

۲۰- **اکنون ما دوستان خدا هستیم.** (یوحنا ۱۵: ۱۵) "من شما را دوست خوانده ام."

(یوحنا ۱۵: ۱۴) "شما دوستان من هستید، اگر آنچه به شما حکم می کنم بجا آرید."

۲۱- **ما می توانیم در آسمان برای خودمان گنجینه ای که از بین نمی رود، ذخیره کنیم.** (متی ۶: ۲۰) "بلکه گنجها بجهت خود در آسمان ببندوزید، جایی که بید و زنگ زیان نمی رساند و جایی که دزدان نقب نمی زنند و دزدی نمی کنند."

جواب ما در ازای چیزهای خوبی که خداوند به ما در این زندگی و درابدیت می بخشد، این باید باشد که او را دوست داشته و اطاعت کنیم. (یوحنا ۱۴: ۱۵) "اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید."

سوالات این درس: ۱۰ مواردی که خداوند در ازای نجات به ما می بخشد را نام ببرید؟

درس ۳۰: شام خداوند

این درس اهمیت زیادی دارد که باید با دقت از کلام خدا بررسی شود. سفارش شام خداوند همانند غسل تعمید توسط بسیاری از مسیحیان سوء تفاهم شده و به نظر می آید که معنی و مراسم واقعی این سفارش در بسیاری از کلیساها عوض شده است.

آیه هایی که در کتاب مقدس به سفارش شام خداوند اشاره شده اند، در انجیل متی ۲۶: ۱۷-۳۰ و مرقس ۱۴: ۱۲-۲۶ و لوقا ۲۲: ۷-۲۰ و در نامه اول پولس رسول به کلیسای قرنتیان می باشند که پولس این کلیسا را به دلیل اختلال در سفارش شام خداوند سرزنش می کند (اول قرنتیان ۱۰: ۱۴-۲۲ و ۱۱: ۱۷-۳۴).

شام خداوند چیست؟

ا. به تعریف کتاب مقدس توجه کنید. در کتاب مقدس فقط سه تعریف در این رابطه وجود دارد.

۱- **شراکت** (اول قرنتیان ۱۰: ۱۶) " پیاله برکت که آن را تبرک می خوانیم، آیا شراکت در خون مسیح نیست؟ و نانی را که پاره می کنیم، آیا شراکت در بدن مسیح نی؟ "

۲- **سفره (مائدة) خداوند** (اول قرنتیان ۱۰: ۲۱) " محال است که هم از پیاله خداوند و هم از پیاله دیوها بنوشید؛ و هم از مایده خداوند و هم از مایده دیوها نمی توانید قسمت بُرد. "

۳- **شام خداوند** (اول قرنتیان ۱۱: ۲۰) " پس چون شما در یک جا جمع می شوید، ممکن نیست که شام خداوند خورده شود. "

کتاب مقدس از واژه های "هفت آیین مقدس"، "شراکت مقدس"، و "مجلس سپاسگذاری" استفاده نمی کند.

ب. شام خداوند سفارشی برای کلیسا است.

سفارش چه معنایی دارد؟ مراسم ظاهری که توسط مسیح مقرر شده تا در کلیساها اجرا شود، برای نمایش دادن نشان مرئی حقیقت نجات دهنده ایمان یک مسیحی.

(اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲) "اینک شما را سپاس می گویم که در همه چیز به یاد من هستید و سفارشی که به شما سپرده ام بجا می آورید."

(اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۳) "زیرا من از خداوند یافتم، آنچه به شما نیز سپرده ام که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت."

در اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲ و ۲۳ "... به شما سپرده ام..." نشان می دهد که شام خداوند یکی از سفارشات است که پولس رسول به ما سپرده است.

ج. چرا شام خداوند را بجا می آوریم؟

- ۱- ما این سفارش را برای یادآوری مسیح بجا می آوریم. (اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۴، ۲۵)

" و شکر نموده، پاره کرد و گفت، بگیری و بخورید. این است بدن من که برای شما پاره می شود. این را به یادگاری من بجا آرید. و همچنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت، این پیاله عهد جدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید."

- ۲- مرگ خداوند را ظاهر می کنیم. (اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۶) " زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می نمایم تا هنگامی که باز آید."

- د. آیا رعایت شام خداوند دستور است یا یک انتخاب شخصی؟ آن یک دستور است.

(اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۴، ۲۵). از این آیه ها، نتیجه می گیریم که شام خداوند یک مراسم یاد بودی از فیض خداوند است.

نماد شام خداوند چیست؟

(۱) عناصر شام:

الف) **نان بدون خمیر مایه.** (متی ۲۶: ۱۷ و ۲۶) "پس در روز اول عید فطیر، شاگردان نزد عیسی آمده، گفتند، کجا می‌خواهی فصح را آماده کنیم تا بخوری؟ ... و چون ایشان غذا می‌خوردند، عیسی نان را گرفته، برکت داد و پاره کرده، به شاگردان داد و گفت، بگیرید و بخورید، این است بدن من."

اول قرنطیان ۱۱: ۲۳ " زیرا من از خداوند یافتم، آنچه به شما نیز سپردم که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت."

ب) **میوه تاک.** (متی ۲۶: ۲۹) "اما به شما می‌گویم که بعد از این از میوه تاک دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدر خود، تازه آشامم."

نکته: توجه کنید که اول قرنطیان ۱۱: ۲۵ و ۲۶ از واژه پیاله استفاده کرده است.

۲) **نماد نان:** نان نماد و تصویری از بدن پاره شده خداوندمان عیسی مسیح است. (اول قرنطیان ۱۱: ۲۴) "و شکر نموده، پاره کرد و گفت، بگیرید بخورید. این است بدن من که برای شما پاره می‌شود. این را به یادگاری من بجا آرید." این آیه ما را به یاد آزار و شکنجه خوفناکی که خداوندمان عیسی مسیح متحمل شد، می‌اندازد، گرچه حتی یکی از استخوانهایش نشکست (اشعیا ۵۲: ۱۴ و اشعیا ۵۳: ۴-۷ و متی ۲۷: ۲۹-۳۱ و یوحنا ۱۹: ۳۱-۳۷).

۳) **نماد پیاله:** پیاله (آب انگور) نماد و تصویری از ریزش خون خداوندمان عیسی مسیح است. (اول قرنطیان ۱۱: ۲۵) "و همچنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت، این پیاله عهد جدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید." این یادآوری می‌کند که بدون ریزش خون عیسی مسیح آمرزش گناه نمی‌تواند وجود داشته باشد. (عبرانیان ۹: ۲۲ و اول پطرس ۱: ۱۸ و ۱۹)

۴) هدف از شام خداوند

نکته: هیچ جایی در کتاب مقدس به بودن "شراب" قسمتی از شام خداوند، اشاره نمی کند. شراب الکلی (مخمر شده) از مایه مخمر به دست می آید. در کتاب مقدس، خمیرمایه نمادی از گناه است (اول قرنتیان ۵: ۶ و ۷). بنابراین نماد شراب الکلی و نان با خمیر مایه، اعتبار بی گناه بودن پسر خدا را از بین می برد.

شام خداوند، همانند سفارش غسل تعمید، نماد و تصویری از عیسی مسیح است.

الف) غسل تعمید تصویری از مرگ، دفن، و رستاخیز عیسی مسیح است.

ب) وقتی که شام خداوند را به جا می آوریم، ما نماد مرگ خداوندان را نشان می دهیم تا زمانی که او بازگشت کند. (اول قرنتیان ۱۱: ۲۶) "زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می نماید تا هنگامی که باز آید."

چه کسانی باید شام خداوند را بجا آورند؟

۱) طبق انجیل متی ۲۶: ۲۰، کسانی که با عیسی مسیح حضور داشتند (شاگردان او)،

شام خداوند را ترتیب دادند. "چون وقت شام رسید با آن دوازده بنشست."

۲) طبق اول قرنتیان ۱۲: ۲۸ شاگردان مسیح کلیسا را تشکیل دادند. "و خدا قرارداد

بعضی را در کلیسا، اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، بعد قوّات، پس نعمتهای شفا دادن و

اعانات و تدابیر و اقسام زبانها."

۳) متی ۲۶: ۳۰ را با عبرانیان ۱۲: ۲ مقایسه کنید. شام خداوند در کلیسا تشکیل شد. "پس

تسیح خواندند و به سوی کوه زیتون روانه شدند."

۴) به اول قرن‌تیاں ۱۱: ۱۷- ۲۱ نگاه کنید. پولس رسول کلیسای قرن‌تس را به دلیل تبدیل کردن شام یادبود ساده به یک سفره سرمستان، سرزنش می‌کند. به نکته‌های زیر توجه کنید:

آیه ۱۷- "جمع می‌شوید."

آیه ۱۸- "شما در کلیسا جمع می‌شوید."

آیه ۲۰- "شما در یک جا جمع می‌شوید."

۵) طبق اول قرن‌تیاں ۱: ۲ این نامه به کلیسای خدا که در قرن‌تس است نوشته شده است. "۲ به کلیسای خدا که در قُرْنَتْس است، از مقدّسین در مسیح عیسی که برای تقدّس خوانده شده‌اند، با همه کسانی که در هر جا نام خداوند ما عیسی مسیح را می‌خوانند که [خداوند] ما و [خداوند] ایشان است."

۶) نتیجه: شام خداوند یک سفارش کلیسا است که به کلیساهای خداوند برای بجا آوردن آن داده شده است.

چگونه شام خداوند باید برگزار شود؟

۱) چند وقت یکبار؟ کتاب مقدس به ما زمان معینی را برای بجا آوردن آن توصیه نمی‌کند (اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۶) به سادگی می‌گویید، "هرگاه."

۲) طبق اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۸ بجا آوردن شام خداوند باید همراه با امتحان کردن خویش باشد. "اما هر شخص خود را امتحان کند و بدین‌طرز از آن نان بخورد و از آن پیاله بنوشد."

نکته: "ناشایسته خوردن" یعنی خوردن آن به طرز ناشایسته همان‌طور که در آیه ۲۹ آمده. "زیرا هر که می‌خورد و می‌نوشد، فتوای خود را می‌خورد و می‌نوشد اگر بدن خداوند را تمیز نمی‌کند."

نکته: "حکم" یعنی داوری هولناک حتی مرگ. آیه ۳۰ "از این سبب بسیاری از شما ضعیف و مریض اند و بسیاری خوابیده‌اند."

(۳) در هنگام به جا آوردن شام خداوند، عناصر به اعضای کلیسا توزیع می شود، سپس همه با هم می خورند و می نوشند.

(۴) بعد از بجا آوردن شام خداوند، جلسه با خواندن سرود پرستشی خاتمه می یابد. (متی ۲۶: ۳۰) "پس تسبیح خواندند و به سوی کوه زیتون روانه شدند."

کتاب مقدس درباره مَس (هفت آیین مقدس) کلیسای کاتولیک رومیان چه می گوید؟

این قسمت به دلیل آگاه کردن و حل کردن سردرگمی عده زیادی درباره شام خداوند، اضافه شده است.

الف) تعلیم کلیسای کاتولیک درباره شام خداوند چیست؟

(۱) مَس (هفت آیین مقدس) مراسم قربانی کردن عیسی مسیح است که طبق اعتقاد کاتولیک ها، مسیح به شکل واقعی در مذبح حضور دارد. کاهن او را برای زندگان و مردگان قربانی می کند.

(۲) با گفتن کلمات تقدیس شده ("هوکس کوپس میوم" یا به قول خودمان "هجی مجی لا ترجی") نان و شراب الکلی بطور واقعی تبدیل به بدن و خون واقعی عیسی مسیح می شود. آن "تبدل جوهر" نامیده می شود.

(۳) بجا آوردن این هفت آیین مقدس "فیض" نامیده می شود که شخص در واقع بدن واقعی مسیح را می خورد که این عمل برای نجات یک شخص الزامی است. نخوردن آن شراکت مقدس در عید رستاخیز، گناهی مرگ آور است.

ب) این تعلیم از کجا نشأت گرفته؟

تعلیم "تبدیل جوهر" (تبدیل شدن نان و شراب به گوشت و خون واقعی عیسی مسیح) برمی گردد به نوشته های پاسچاسیوس رادبارتوس در قرن نهم. این تعلیم توسط پاپ اینسنت سوم در ۱۲۱۵ میلادی در شورای لاتران چهارم اعلام شد. این تعلیم از انجیل متی ۲۶: ۲۶-۲۸ و یوحنا ۶: ۵۳-۵۸ سوء تفسیر شده است.

ج) کتاب مقدس در این باره چه می گوید؟

۱. **نوشیدن خون در شریعت منع شده.** لایوان ۱۷: ۱۰ "و هر کس از خاندان اسرائیل یا از غریبانی که در میان شما مأوا گزینند که هر قسم خون را بخورد، من روی خود را بر آن شخصی که خون خورده باشد برمی گردانم، و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت." متی ۵: ۱۷ "گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صُحُف انبیا را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم."

۲. **بت پرستی منع شده.** (اول یوحنا ۵: ۲۱) و خروج ۲۰: ۴-۵ "صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است، و از آنچه پایین در زمین است، و از آنچه در آب زیر زمین است، برای خود مساز. نزد آنها سجده مکن، و آنها را عبادت منما، زیرا من که یهوه، خدای تو می باشم، خدای غیور هستم، که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند می گیرم." کاتولیکهای رم مجسمه ها و بتهایی از خداوند عیسی و رسولان او و مریم درست کرده آنها را پرستش می کنند.

۳. **عیسی در متی ۲۶ به صورت نمادی و سمبلی سخن گفت، زیرا خودش آنجا که به شاگردانش تعلیم می داد حضور داشت.** "این است بدن من" یعنی "این نماد بدن من است."

ترجمه کلمه به کلمه این متن نیازمند ترجمه همه متن ها به همین روش است. به عنوان مثال در (متی ۱۶: ۲۳) "اما او برگشته، پطرس را گفت، دور شو از من ای شیطان زیرا که باعث

لغزش من می‌باشی، زیرا نه امور الهی را، بلکه امور انسانی را تفکر می‌کنی!" کلیسای کاتولیک می‌گوید که پطرس رسول اولین پاپ بود در حالیکه عیسی مسیح او را شیطان خطاب کرد.

۴. **عیسی مسیح متن یوحنا ۶: ۵۳-۵۸ را با استفاده از یوحنا ۶: ۶۳ توضیح می‌دهد،** "روح است که زنده می‌کند و اما از جسد فایده‌ای نیست. کلامی که من به شما می‌گویم، روح و حیات است." در این متن مسیح مراجعه می‌کند به سخن گفتنش به صورت روحانی. که به صورت تشابهی، او نان زنده است.

۵. **مرگ عیسی مسیح یکبار و برای همه کافی بود.** قربانی متداوم و تکراری عیسی مسیح توسط کلیسای کاتولیک، کار اتمام شده مسیح روی صلیب را انکار می‌کند. یوحنا ۱۹: ۳۰ "چون عیسی سر که را گرفت، گفت، تمام شد. و سر خود را پایین آورده، جان بداد." عبرانیان ۱۰: ۱۰-۱۲ "و به این اراده مقدس شده‌ایم، به قربانی جسد عیسی مسیح، یک مرتبه فقط. و هر کاهن هر روزه به خدمت مشغول بوده، می‌ایستد و همان قربانی‌ها را مکرراً می‌گذرانند که هرگز رفع گناهان را نمی‌تواند کرد. لکن او چون یک قربانی برای گناهان گذرانید، به دست راست خدا بنشست تا ابدالآباد."

۶. **چگونه کاهن می‌تواند مسیح را خلق کند؟** مخلوق نمی‌تواند خالق خود را خلق کند! (کولسیان ۱: ۱۵ و ۱۶) "و او صورت خدای نادیده است، نخست‌زاده تمامی آفریدگان. زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوآت؛ همه به وسیله او و برای او آفریده شد."

سوالات این درس:

(۱) شام خداوند چیست؟

۲) شام خداوند نماد چیست؟

۳) کتاب مقدس درباره مَس (هفت آیین مقدس) چه می گوید؟

۴) سفارش چه معنایی دارد؟

۵) دو عنصری که در شام خداوند مصرف می شود را نام ببرید؟

۶) نان تصویری از خداوندان عیسی مسیح است (اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۴).

۷) پیاله (آب انگور) تصویری از خداوندان عیسی مسیح است (اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۵).

۸) وقتی که شام خداوند را به جا می آوریم، ما نماد را نشان می دهیم تا زمانی که او بازگشت کند (اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۶).

۹) چه کسی باید شام خداوند را بجا آورد؟

۱۰) چگونه شام خداوند باید بجا آورده شود؟

۱۱) در اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۴، ۲۵ راجب به شام خداوند چه نتیجه ای می گیریم؟

۱۲) طبق اول قرن‌تیاں ۱۱: ۲۸ بجا آوردن شام خداوند باید همراه با خویش باشد.

۱۳) آیا در هنگام خوردن شام خداوند ویفر و شراب به بدن و خون واقعی مسیح تبدیل می شود؟
چرا؟

۱۴) آیا پطرس رسول اولین پاپ بود؟

۱۵) آیا مرگ عیسی مسیح روی صلیب برای نجات همه کافی بود یا باید ما هفت آیین مقدس را انجام دهیم برای نجاتمان؟ دو آیه ای که ذکر شده را نام ببرید؟

۱۶) بطور خلاصه هدف این درس را شرح دهید؟

آیه های کلیدی این درس: انجیل متی ۲۶: ۱۷-۳۰؛ مرقس ۱۴: ۱۲-۲۶؛ لوقا ۲۲: ۷-۳۰؛
اول قرنتیان ۱۰: ۱۴-۲۲ و ۱۱: ۱۷-۳۴.

درس ۳۱: مرگ عیسی مسیح

مرگ عیسی مسیح یک "عمل" به حساب می آید که خود مسیح آنرا انجام داد و این عمل بطور اتفاقی یا تصادفی صورت نگرفت. این عمل در نتیجه انتخاب قطعی مسیح صورت گرفت در حالیکه او می توانست از این مرگ دوری کند. مرگ عیسی مسیح همچنین یک "عمل" است به دلیل ثمرات و فوایدی که آن مرگ بوجود آورد. کتاب مقدس استفاده از واژه "عمل" را به منظور معنی مرگ عیسی مسیح تأیید می کند.

اهمیت مرگ عیسی مسیح

بر خلاف مرگ یک انسان معمولی، مرگ عیسی مسیح از اهمیت حیاتی و بسیار بالایی برخوردار است. مرگ عیسی مسیح به دلایل زیر از اهمیت بالایی برخوردار است:

۱- مرگ مسیح در عهد عتیق پیشگویی شده بود.

مرگ عیسی مسیح موضوع و بحث اصلی پیشگوییها در عهد عتیق است. رنگ سرخ خونین کل کتاب مقدس قابل مشاهده است: قربانی هابیل (پیدایش ۴: ۴)، قوچ در کوه موريا (پیدایش ۲۲: ۱۳)، قربانیهای اجداد بنی اسرائیل (پیدایش ۸: ۲۰ ؛ ۱۲: ۱۸ ؛ ۲۶: ۲۵ ؛ ۳۳: ۲۰ ؛ ۳۵: ۷)، قربانی فصّح در مصر (خروج ۱۲: ۱-۲۸)، قربانیهای لاویان (لاویان ۱-۷)، قربانی مانوح (داوران ۱۳: ۱۶-۱۹)، قربانی سالیانه آلقانه (اول سموئیل ۱: ۲۱)، قربانی سموئیل نبی (اول سموئیل ۷: ۹ ؛ ۱۶: ۲-۵)، قربانی داود نبی (دوم سموئیل ۶: ۱۸)، قربانی ایلیای نبی (اول پادشاهان ۱۸: ۳۸)، قربانی پادشاه هزقیا (دوم تواریخ ۲۹: ۲۱-۲۴)، قربانیهای زمان یوشع و زروبابل (عزرا ۳: ۳-۶) و نحمیا (نحمیا ۱۰: ۳۲). همه این قربانیهای عهد عتیق اشاره ای بود برای قربانی عظیم توسط عیسی مسیح.

علاوه بر آن قربانیهای عهد عتیق که سایه ای از بره خداوند (عیسی مسیح) بود، پیشگویی هایی درباره مرگ عیسی مسیح در عهد عتیق وجود دارد. مزامیر درباره خیانت شدن مسیح پیشگویی

می کند (مزامیر ۴۱: ۹ ؛ یوحنا ۱۳: ۱۸ ؛ اعمال ۱: ۱۶)، مصلوب شدن و حوادث مربوط به آن (مزامیر ۲۲: ۱، ۷، ۱۸ ؛ متی ۲۷: ۳۹، ۴۶ ؛ مرقس ۱۵: ۳۴ ؛ یوحنا ۱۹: ۲۳)، قیام عیسی مسیح از مردگان (مزامیر ۱۶: ۸-۱۱ ؛ اعمال ۲: ۲۵-۲۸). اشعیا ۵۳: ۵ می گوید، "و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید. و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم." دانیال نبی در ۹: ۲۶ پیشگویی می کند که، "و بعد از آن شصت و دو هفته، مسیح منقطع خواهد گردید و از آن او نخواهد بود،" زکریای نبی پیشگویی می کند که مسیح را با سی سکه نقره خیانت می کنند و آن پول را در زمین کوزه گری سرمایه گذاری می کنند (زکریا ۱۱: ۱۲ ؛ متی ۲۶: ۱۵ ؛ ۲۷: ۹). زکریا همچنین درباره زدن شبان (مسیح) (زکریا ۱۳: ۷) و باز شدن چشمه ای به جهت گناه و نجاست (زکریا ۱۳: ۱) پیشگویی می کند. واضح است که مرگ عیسی مسیح یکی از مهمترین تعلیمات عهد عتیق است.

۲- مرگ مسیح در جایگاه بالایی در عهد جدید قرار دارد.

حوادث هفته آخر زندگی زمینی عیسی مسیح یک پنجم کل چهار اناجیل را در بر گرفته است. نامه های عهد جدید نیز بطور مشابهی مملو از آن حادثه تاریخی است. بطور آشکار، مرگ و قیام خداوند ما عیسی مسیح از احترام و اهمیت والایی برای روح القدس، مؤلف کتاب مقدس، برخوردار است.

۳- مرگ مسیح هدف اصلی آمدن عیسی به این جهان بود.

هدف اصلی آمدن عیسی مسیح به این جهان این نبود که فقط برای ما الگو و تعالیمی بجا بگذارد، بلکه او آمد تا برای ما بمیرد (مرقس ۱۰: ۴۵ ؛ عبرانیان ۲: ۹، ۱۴ ؛ ۹: ۲۶ ؛ اول یوحنا ۳: ۵). مرگ او تصادفی نبود بلکه به انجام رساندن هدف قطعی خدا بود. هدف آمدن عیسی مسیح به

این دنیا با مرگ او به پایان نرسید بلکه آن پایان، آغاز حیات برای گناهکاران بود که از طریق مرگ عیسی مسیح روی صلیب صورت گرفت.

۴- مرگ مسیح موضوع اصلی و اساسی انجیل است.

واژه "انجیل" یعنی "خبر خوش". این واژه در راه های مختلفی استفاده شده است. چهار انجیل که زندگی عیسی مسیح را شرح می دهند، انجیل نامیده می شوند. تمامی وحی خدا به مخلوقاتش، انجیل نامیده می شود. و در معنی دقیق و باریک، آن به عنوان "خبر خوش" نجات یاد می شود. پولس رسول می گوید که انجیل یعنی مرگ عیسی مسیح برای گناهان ما، دفن شدن، و قیام او از مردگان (اول قرن ۱۵: ۳-۴) که خبر خوش نجات انسانهاست. مرگ عیسی مسیح برای گناهان انسان خبر خوش است. این دلالت می کند که انسان نیاز ندارد که برای گناهانش بمیرد. شریعت موسی، موعظه سر کوه، و تعلیمات و زندگی عیسی مسیح همه گناهان ما را بروز کرده و به ما نیاز به نجات دهنده ای را نشان می دهند. ولی آنها بخششی برای گناهان فراهم نمی کنند. این بخشش و نجات فقط در مرگ عیسی مسیح یافت می شود.

۵- مرگ مسیح برای مسیحیت ضروری است.

تمامی ادیان تعلیمات خود را بر پایه شناخته شدن و شهرت بنیانگذار دینشان بنا می کنند. مسیحیت با تمامی ادیان دنیا فرق می کند چون تعلیم خود را بر پایه مرگ بنیانگذارش بنا کرده است. اگر مرگ عیسی را از مسیحیت کنار بگذاریم، آن نیز ارزش خود را از دست داده و ناکارآمد شده و شبیه ادیان دیگر دنیا خواهد بود. اگر صلیب عیسی را کنار بگذاریم، ما نیز مثل ادیان دیگر هیچ نجات و تضمینی از حیات جاودان نمی توانیم داشته باشیم. اگر صلیب عیسی را کنار بگذاریم، دل مسیحیان از بین خواهد رفت. موضوع موعظه و پیام رسولان و حواریون، مسیح و مصلوب شدن او بود (اول قرن ۱: ۱۸، ۲۳؛ ۲: ۲؛ غلاطیان ۶: ۱۴).

۶- مرگ مسیح برای نجات ما ضروری است.

اگر انسان بخواهد نجات یابد، پسر انسان باید بالای صلیب کشیده شود (یوحنا ۳: ۱۴). دانه گندم باید اول به زمین افتاده و بمیرد تا بتواند ثمره ببار بیاورد (یوحنا ۱۲: ۲۴). خدا نمی تواند گناهان انسانها را فقط به خاطر توبه از گناهانشان ببخشد. این عمل برای خدای عادل محال ممکن است. خدا فقط هنگامی می تواند ببخشد که اول جرمه گناهان ادا شده باشد. برای اینکه خدا بتواند که گناهان انسان را ببخشد و در عین حال عادل باقی بماند، عیسی مسیح یگانه پسر خود را فرستاد تا جرمه و مجازات گناهکاران ما را پرداخت کند (رومان ۳: ۲۵). عیسی مسیح ۲۹ بار تأکید کرد که او می بایست رنج بسیاری کشیده، بمیرد و روز سوم دوباره زنده گردد (متی ۱۶: ۲۱؛ مرقس ۸: ۳۱؛ لوقا ۹: ۲۲؛ ۱۷: ۲۵؛ یوحنا ۱۲: ۳۲-۳۴). دو مرد که در قبر عیسی مسیح بعد از قیام او حضور پیدا کردند، به زنی که با عطر گرانبها بدن عیسی را تدهین کرده بود یادآوری کردند که عیسی به او گفته بود که باید بمیرد و دوباره زنده گردد (لوقا ۲۴: ۷). پولس رسول خواست که ضرورت مرگ عیسی مسیح را به تسالونیکیان اثبات کند (اعمال ۱۷: ۳). از دیدگاه خدا، مرگ عیسی مسیح برای نجات انسان یک نیاز مطلق است.

۷- مرگ مسیح مورد علاقه همگان در بهشت است.

هنگامیکه موسی و ایلای نبی در کوهی که جسم عیسی متبدل شد، ظاهر شدند، با او درباره ترک عیسی از این جهان که او می خواست در اورشلیم به انجام رساند، مذاکره کردند (لوقا ۹: ۳۱). چهار مخلوق زنده و بیست و چهار پیران در بهشت سرود نجاتی که عیسی به عمل آورد، را می خوانند (مکاشفه ۵: ۸-۱۰). حتی فرشتگان اطراف تخت خداوند که نیازی به نجات برای خودشان را ندارند، سرود بره ذبح شده را می خوانند (مکاشفه ۵: ۱۱). کسانی که از این محدودیت درک انسانی خارج شدند و از طریق خون عیسی مسیح وارد بهشت شده اند، مرگ عیسی مسیح را ارتقا داده و می ستایند، بنابراین ما که هنوز در این جسم فانی هستیم باید هرچه بیشتر ارزش

مرگ عیسی مسیح را بدانیم تا بتوانیم با ایمان به آن، جسم فانی خود را از نابود شدن در دریاچه آتش جاودانی، نجات دهیم.

هدف از مرگ مسیح چه بود؟

اشعیاى نبی حقیقت کلام خدا را نشان می دهد، "اما خداوند را پسند آمد که او را مضروب نموده، به دردها مبتلا سازد. چون جان او را قربانی گناه ساخت،" (اشعیا ۵۳: ۱۰).

برای تعریف واژه کفار باید چند چیز را مورد توجه قرار دهیم.

۱- مرگ مسیح یک جایگزینی است.

این واضح است که عیسی مسیح برای گناهان خود نمرد (یوحنا ۸: ۴۶ ؛ عبرانیان ۴: ۱۵ ؛ اول پطرس ۲: ۲۲). همه قسمت‌های کتاب مقدس می گوید که او برای گناهان دیگران مرد. آزار و شکنجه ای که عیسی مسیح متحمل شد، یک آزار و شکنجه از روی همدردی و دلسوزی یک دوست نبود، بلکه آن شکنجه جایگزینی بره خدا برای گناهان تمامی دنیا بود. اشعیا ۵۳: ۵ می گوید، "و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید. و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم." به بعضی آیه های دیگر توجه کنید. رومیان ۵: ۸ می گوید، "لکن خدا محبت خود به سوی ما را ثابت می کند، در آن موقع که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما مرد." دوباره در اول قرنیتان ۱۵: ۳ می خوانیم که، "مسیح برحسب کتب برای گناهان ما مرد،" دوم قرنیتان ۵: ۲۱ " زیرا او را که گناه شناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم." اول پطرس ۲: ۲۴ "که خود، گناهان ما را در بدن خویش بر دار متحمل شد، تا از گناه مرده شده، به عدالت زیست نماییم، که به ضربهای او شفا یافته‌اید." اول پطرس ۳: ۱۸ " زیرا که مسیح نیز برای گناهان یک بار زحمت کشید، یعنی عادلانه برای ظالمان، تا ما را نزد خدا بیاورد؛" عیسی مسیح خودش در مرقس ۱۰: ۴۵ فرمود، "زیرا که

پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند." همچنین او در یوحنا ۱۰: ۱۱ فرمود، "من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می‌نهد." او جایگزین ما شد و به عنوان بره فصیح واقعی به عوض گناهان ما مرد (خروج ۱۲ و اول قرنتیان ۵: ۷). او قربانی گناه واقعی بود (اشعیا ۵۳: ۱۰) که در عهد عتیق همه آن قربانیها سایه ای از بره خدا یعنی عیسی مسیح بودند (لاویان ۶: ۲۴-۳۰ ؛ عبرانیان ۱۰: ۱-۴). همچنین بزرها شده نیز نوع و سایه ای از عیسی مسیح بود (لاویان ۱۶: ۲۰-۲۲).

عیسی مسیح جایگزینی بود که در عوض ما مجازات شد. او در یوحنا ۱۰: ۱۵، ۱۷ فرمود، "چنانکه پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم و جان خود را در راه گوسفندان می‌نهم... و از این سبب پدر مرا دوست می‌دارد که من جان خود را می‌نهم تا آن را باز گیرم." عیسی داوطلب شد تا در عوض ما بمیرد و جریمه گناهان ما را پرداخت کند. اگر آن جایگزین، جریمه ای که ما بدهکار بودیم پرداخت کرد، خدا دیگر نمی‌تواند آن جریمه را از ما طلب کند، بلکه در عوض ما را رها و آزاد اعلام می‌کند. کسی که این کفاره و جریمه را پرداخت کرد، شخص ثالثی نبود بلکه خود قاضی (خدا) بود که همه انسانها را قضاوت می‌کند. پس اگر خود قاضی جریمه ما را ادا کرده باشد، دیگر او از ما آن جریمه و کفاره را طلب نکرده و ما را قضاوت نخواهد کرد.

۲- مرگ مسیح یک رضامندی است. از آنجاییکه یکی از خصوصیات اساسی خدا قدوسیت است، رضامندی تنها دلیلی است که خدا باید در ازای دفع غضبش از گناه دریافت کند. مرگ عیسی مسیح رضامندی خدا را کامل می‌کند و غضب او را نسبت به گناه فرو می‌نشاند.

أ. آن عدل خدا را راضی می‌کند. انسان علیه خداوند گناه ورزیده و ناراضیتی و محکومیت او را متحمل شده است. خدا به درستی جریمه شکستن قانونش را تحمیل می‌کند.

خداوند نمی تواند گناهکار را آزاد کند مگر اینکه درخواست رضامندی برای عدل او داده شود. خدا در قبال گناه با تنبیه و مجازات برخورد می کند. خدا بدون عوض و جایگزین هرگز تقصیر و گناه را پاک نمی کند (خروج ۳۴: ۷؛ اعداد ۱۴: ۱۸). فقط از طریق مرگ مسیح، خدا می توانست در بخشش گناهان بشر عادل باقی بماند (رومان ۳: ۲۵). هر عملی که خدا انجام می دهد باید عدل او بر جا باشد. مرگ مسیح رضامندی کامل عدل خدا را جلب کرد. یک جنایتکار فقط یکبار بخاطر شکستن قانون محاکمه و مجازات میشود و قاضی از او تقاضای محکومیت دوباره را برای تقصیرش نمی کند. به همین ترتیب عیسی مسیح یکبار در عوض گناهان ما محکوم به مرگ شد که مرگ او رضامندی کامل عدل خدا را جذب کرد.

ب. آن احکام (شریعت) خدا را راضی می کند.

مرگ عیسی مسیح تنها برای رضامندی عدل خدا نبود، بلکه برای رضامندی احکام و شریعت او نیز بود. شریعت خدا درست در ذات او قرار دارد که شکستن آن، جریمه ای را بار می آورد. انسان گناهکار هرگز نمی تواند که خواسته شریعت خدا را برآورده کند، ولی مسیح به عنوان نماینده و جایگزین ما توانست این عمل را به انجام رساند. بنابراین خدا از طریق اطاعت مسیح، جایگزینی را برای رضامندی خود مهیا کرد (رومان ۸: ۳). عیسی مسیح با اطاعت و رنج و زندگی پر از عدالت خود تمامی رضامندی شریعت خدا را کامل کرد. پولس رسول درباره اسرائیل می گوید، " زیرا که چون عدالت خدا را نشناخته، می خواستند عدالت خود را ثابت کنند، مطیع عدالت خدا نگشتند. زیرا که مسیح است انجام شریعت بجهت عدالت برای هر کس که ایمان آورد." (رومان ۱۰: ۳، ۴).

ج. آن یک کفار است. همراه "رضامندی" چندین واژه در کتاب مقدس بکار برده شده است. بنابراین مرگ مسیح یک کفار و فرو نشاندن خشم و غضب خدا است. لایوان ۶: ۲-۷ درباره کفار مجزا برای هر گناه مجزا سخن می گوید. لایوان ۴: ۱۳-۲۰ درباره کفار ملی

برای گناهان ملی سخن می گوید. از این آیه ها پیداست که گاو و قوچ باید قربانی شوند تا بخشش گناهان از طریق آن قربانیهای جایگزین امکان پذیر باشد. واژه کفاره به زبان عبری "کفار" است که معنی آن "پوشش دادن" است به جهت اینکه گناهان دیده نشود. آن قربانیهای گناه و خطا در عهد عتیق کفاره ای بود برای گناهان شخصی که شریعت خدا را شکسته بود و تا آن خطا و گناهان را نزد خدا پوشش دهد تا دیده نشوند. و نتیجه آن بخشش گناهان بود. نظریه پوشش گناهان در نظر خدا در کتاب مقدس پیشنهاد شده است. " روی خود را از گناهانم بپوشان و همه خطایای مرا محو کن." (مزمیر ۵۱: ۹) " زیرا که تمامی گناهانم را به پشت سر خود انداختی." (اشعیا ۳۸: ۱۷). " و تو جمیع گناهان ایشان را به عمق های دریا خواهی انداخت." (میکاه ۷: ۱۹).

د. آن باعث فرو نشاندن خشم و غضب خدا می شود. این یعنی گناه پوشش داده شده و یا دفع شده باشد و سپس غضب خدا در برابر آن گناه فرو نشانده شده باشد. در عهد جدید آیه های زیادی درباره غضب خدا وجود دارد (یوحنا ۳: ۳۶؛ رومیان ۱: ۱۸؛ ۵: ۹؛ افسسیان ۵: ۶؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ عبرانیان ۳: ۱۱؛ مکاشفه ۱۹: ۱۵). در پاسخگویی به غضب خدا، کتاب مقدس به ما مرگ مسیح را تقدیم می کند که تنها چیزی است که آن غضب خدا را فرو می نشاند. پولس رسول در رومیان ۳: ۲۵ می گوید، " که خدا او را از قبل معین کرد تا کفاره باشد به واسطه ایمان به وسیله خون او تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد،" عبرانیان ۹: ۵ از واژه "تخت رحمت" برای آن استفاده می کند. اول یوحنا ۲: ۲ می گوید، " و اوست کفاره بجهت گناهان ما؛ و نه گناهان ما فقط، بلکه بجهت تمام جهان نیز." عبرانیان ۲: ۱۷ می گوید که عیسی مسیح " رئیس کهنه ای کریم و امین شده، کفاره گناهان قوم را بکند." دعای باجگیر در لوقا ۱۸: ۱۳ این بود که " خدایا بر من گناهکار ترحم فرما" مسیح با مرگ خود روی صلیب غضب خدا از گناه را فرو نشاند.

ه. **آن باعث مصالحه می شود.** مصالحه ارتباطی تنگاتنگ با نظریه فرو نشاندن غضب خدا دارد. این دو به نظر می آید که همانند "علت و سبب" به همدیگر وصل هستند. مرگ مسیح "غضب خدا را فرو نشاند" و در نتیجه خدا با ما مصالحه کرد (رومیان ۵: ۱۰؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۸؛ افسسیان ۲: ۱۶). پولس رسول می گوید که برخلاف اینکه ما قبل از ایمانمان به عیسی مسیح دشمنان خدا محسوب می شدیم، ولی اینک بواسطه مرگ عیسی مسیح، رابطه صلح آمیز برای مشارکت با خدا برقرار شده است. در کتاب مقدس واژه "مصالحه" برای هر دو خدا و انسان بکار برده شده است.

در نخست خدا با انسان با شیرین ترین لحظه مشارکت رو در رو ایستاد. در گناه، آدم به خدا پشت کرد و خدا نیز به آدم پشت کرد. مرگ مسیح رضامندی خدا را بدست آورد و خدا توانست دوباره به آدم روی کند. اینک نوبت انسان است که روی به خداوند کند. از آنجاییکه خدا با مرگ مسیح مصالحه یافته است، انسان نیز باید با خدا مصالحه کند. خدا نه تنها انسان بلکه همه چیز را در آسمان و زمین به خود مصالحه داده است (کولسیان ۱: ۲۰). به خاطر این مصالحه، خداوند برکات موقتی را به تمامی انسانهای نجات نیافته می دهد (متی ۵: ۴۵؛ رومیان ۲: ۴) و برای آنها فرصتی فراهم می کند تا توبه کنند (دوم پطرس ۳: ۹)، و خداوند روزی زمین و آسمان را از قید فساد خلاصی خواهد داد (رومیان ۸: ۱۹-۲۱).

و. **آن خون بها است.** مرگ عیسی مسیح خون بهایی است برای ما. معنای خون بها پرداخت کردن قیمت یا بهایی است برای آزادی چیزی یا کسی که در بند باشد. بنابراین عیسی فرمود که او آمده است تا جان خود را به عنوان خون بها برای بسیاری بدهد (متی ۲۰: ۲۸؛ مرقس ۱۰: ۴۵)، و عمل مسیح به عنوان رهایی و نجات یاد شده است (لوقا ۱: ۶۸؛ ۲: ۳۸؛ عبرانیان ۹: ۱۲). این خون بها به خدا داده شد نه به شیطان. کتاب مقدس می گوید که ما از طریق مرگ مسیح خلاص شده ایم. این خلاصی عبارت است از: ۱- خلاصی از جریمه شریعت (غلاطیان ۳: ۱۳).

۲- خلاصی از خود شریعت با مرده بودمان نسبت به شریعت توسط جسم عیسی مسیح است (رومیان ۷: ۴). بنابراین ما دیگر تحت شریعت نیستیم بلکه تحت فیض خدا هستیم (رومیان ۶: ۱۴). ۳- خلاصی از قدرت گناه توسط مرگ مسیح برای گناه و مرده بودن ما برای گناه در مسیح است (رومیان ۶: ۲، ۶؛ تیطوس ۲: ۱۴؛ اول پطرس ۱: ۱۸)، بنابر این ما دیگر تحت سلطه گناه نیستیم (رومیان ۶: ۱۲-۱۴). ۴- خلاصی از شیطان که انسان را در اسارت خود نگاه داشته بود (دوم تیموتائوس ۲: ۲۶)، همچنین از طریق مرگ مسیح روی صلیب (عبرانیان ۲: ۱۴). ۵- خلاصی از همه بدی ها هم جسمی و هم اخلاقی شامل بدن فانی کنونی ما (رومیان ۸: ۲۳؛ افسسیان ۱: ۱۴) تا در بازگشت مسیح دوباره بازیافت شود (لوقا ۲۱: ۲۸). از واژه خلاصی گاهی اوقات بجای پرداخت بدهی استفاده می شود و گاهی نیز برای رهایی از اسارت که مسیح هر دو را برای ما فراهم کرده است.

سؤالات این درس:

۱- به چه دلایلی مرگ عیسی مسیح از اهمیت بالایی برخوردار است؟ ۵ مورد را نام ببرید؟

۲- سه مورد از پیشگوییهای عهد عتیق درباره مرگ عیسی مسیح را با ذکر آیه ای برای هر یک، نام ببرید؟

۳- هدف اصلی آمدن عیسی مسیح به این جهان چه بود با ذکر آیه ای بنویسید؟

۴- لطفاً اول قرن‌تیاں ۱۵: ۳-۴ که انجیل را تعریف کرده است را بنویسید؟

۵- اگر انسان بخواهد نجات یابد، پسر انسان چه کاری باید انجام دهد طبق یوحنا ۳: ۱۴؟

۶- مرگ عیسی مسیح مورد علاقه همگان در بهشت است، لطفاً دو مورد برای این از کتاب مقدس با ذکر آیه ای برای هر کدام بنویسید؟

۷- "اما خداوند را پسند آمد که او را..... نموده، به دردها مبتلا سازد. چون..... او را قربانی..... ساخت،" (اشعیا ۵۳: ۱۰).

۸- " زیرا او را که نشناخت، در راه ما ساخت تا ما در وی خدا شویم." دوم قرن‌تیاں ۵: ۲۱.

۹- کفار گناهان عدل خدا را راضی می کند، لطفاً در این مورد توضیح مختصر بدهید؟

۱۰- کفار گناهان احکام و شریعت خدا را راضی می کند، لطفاً در این مورد توضیح مختصر بدهید؟

۱۱- واژه کفار به زبان عبری را با معنی آن بنویسید و آیه ای را نیز در اینبار ذکر نمایید؟

۱۲- " و اوست بجهت گناهان؛ و نه گناهان ما فقط، بلکه بجهت تمام نیز. " اول یوحنا ۲:۲

۱۳- دوم قرن‌تیا ۵: ۱۸ را بنویسید؟

۱۴- معنای خون بها چیست؟

آیه های کلیدی این درس: اول قرن‌تیا ۱۵: ۳-۴ ؛ اول یوحنا ۳: ۵ ؛ اول یوحنا ۲: ۲

درس ۳۲: قیام عیسی مسیح از مردگان

چیزی که ما برای نجات به آن نیاز داریم بیش از مرگ مسیح است، که شامل قیام او از مردگان، معراج و تجلیل یافتن او نیز می شود. هر یک از این موارد بطور چشمگیری در نجات ما اهمیت دارد. در این درس ما به اهمیت، نوع، اعتبار، و ثمرات قیام مسیح از مردگان می نگریم.

الف) اهمیت قیام مسیح

قیام عیسی مسیح به چندین دلائل از اهمیت بالایی برخوردار است:

۱. قیام مسیح تعلیم اصلی و اساسی مسیحیت است. بسیاری از مسیحیان مرگ عیسی

مسیح را قبول دارند، در حالیکه اهمیت قیام جسمانی او از مردگان را رد می کنند. اما آن قیام جسمانی مسیح اهمیت حیاتی دارد که ایمانداران طبق کتاب مقدس در تعلیم خود گنجانیده اند. پولس رسول در اول قرنتیان ۱۵: ۱۲-۱۹ نشان می دهد که همه چیز با قیام جسمانی مسیح می ایستد یا می افتد. اگر مسیح از مردگان زنده نمی شد، موعظه آن بیهوده بود، اگر مسیح از مردگان زنده نمی شد، موعظه آن بیهوده بود (آیه ۱۴)، ایمان مسیحیان بیهوده بود (آیه ۱۴)، رسولان شاهدهان دروغین بودند (آیه ۱۵)، ایمانداران قرنتیان هنوز در گناهان خود بودند (آیه ۱۷)، آنهایی که در مسیح فوت نموده اند هلاک می شدند (آیه ۱۸)، مسیحیان از همه مردم بدبخت تر می بودند (آیه ۱۹). در تمامی کتاب اعمال رسولان، موعظه رسولان بر پایه قیام مسیح از مردگان بنا شده است (اعمال ۲: ۲۴، ۳۲؛ ۳: ۱۵، ۲۶؛ ۴: ۱۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰-۳۷؛ ۱۷: ۳۱). این همچنین در نامه های پولس رسول نیز دیده می شود (رومیان ۴: ۲۴؛ ۶: ۴، ۹؛ ۷: ۴؛ ۸: ۱۱؛ ۱۰: ۹؛ اول قرنتیان ۶: ۱۴؛ ۱۵: ۴؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۴؛ غلاطیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۲۰؛ کولسیان ۲: ۱۲؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ دوم تیموتائوس ۲: ۸)، و همچنین نامه های دیگر عهد جدید از جمله (اول پطرس ۱: ۲۱؛ ۳: ۲۱؛ مکاشفه ۱: ۵؛ ۲: ۸). قیام مسیح بطور آشکار قسمت ضروری انجیل است.

۲. آن نقش مهمی را در نیاز به نجات ایفا می کند. خدا مسیح را از مردگان برخیزانید و

او را در دست راست خود تجلیل داد تا او سر همه چیز و کلیسا باشد (افسیان ۱: ۲۰-۲۲). قبل از اینکه او بتواند ایمانداران را با روح القدس تعمید دهد، او می بایست از مردگان برخیزد (یوحنا ۱: ۳۳؛ اعمال ۱: ۵؛ ۲: ۳۲؛ ۱۱: ۱۵-۱۷؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۹؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۷). مرگ، رستاخیز، و معراج او تدارکی بود برای عطا کردن هدایایی به ایمانداران (افسیان ۴: ۷-۱۳). و او می بایست قیام کند تا بتواند سرور و منجی شود و تا توبه و بخشش گناهان را به اسرائیل بدهد (اعمال ۵: ۳۱). پولس رسول همه اینها را خلاصه کرده می گوید، در حالیکه مرگ عیسی مسیح ما را با خدا آشتی داد، حیات کنونی او نیز نجات ما را کامل می

کند (رومیان ۵: ۸-۱۰). قیام مسیح از مردگان نقش عمده ای در نجات ما که از طریق مرگ او مهیا شده است دارد.

۳. **آن در نمایش دادن قدرت خدا اهمیت دارد.** معیار قدرت خدا در عهد عتیق با روانه کردن امت اسرائیل از مصر بطور معجزه آمیزی، مشخص شد. و عید فصّح یادبودی از این معجزات خداوند بود (خروج ۱۲). در عهد جدید معیار قدرت خدا در برخیزاندن مسیح از مردگان به نمایش گذاشته شد. محال بود که مسیح در بند قدرت مرگ گرفتار شود (اعمال ۲: ۲۴). همان قدرتی که مسیح را از مردگان برخیزاند برای مسیحیان نیز در دسترس است. پولس رسول دعا کرد ایمانداران بدانند که "چه مقدار است عظمت بی نهایت قوّت او نسبت به ما مؤمنین، برحسب عمل توانایی قوّت او، که در مسیح عمل کرد چون او را از مردگان برخیزانید و به دست راست خود در جایهای آسمانی نشانید،" (افسیسیان ۱: ۱۹-۲۰)

ب) چگونگی قیام مسیح

۱. **آن یک قیام واقعی بود.** طبق تئوری بعضی ها می گویند، "هوای خنک قبر و پودر کافوری که برای جسد عیسی مسیح استفاده شده بود، او را زنده نگاه داشت." این تئوری تحریفی از کلام واضح خدا در این باره است. واقعیت مرگ عیسی مسیح حتی توسط یوزباشی و سربازان رومی نیز شهادت داده شد (مرقس ۱۵: ۴۵؛ یوحنا ۱۹: ۳۳). زنی که به قصد تدهین کردن جسد عیسی آمد (مرقس ۱۶: ۱). خون و آب از پهلوی سوراخ شده عیسی جاری شد (یوحنا ۱۹: ۳۴). شاگردان که از مرگ او مطمئن بودند، قیام عیسی آنها را شوکه کرد (متی ۲۸: ۱۷؛ لوقا ۲۴: ۳۷؛ یوحنا ۲۰: ۳-۹). عیسی مسیح با مرگش بر مرگ و دنیای مردگان غلبه کرد و خودش نیز اعلام کرد که او مرده بود و اینک تا ابد الّاّباد زنده است (مکاشفه ۱: ۱۸).

۲. **آن یک قیام جسمانی بود.** بعضی ها ظاهراً به قیام عیسی ایمان دارند ولی به قیام او با بدن جسمانی اعتقاد ندارند. آنها مرگ و قیام عیسی را یک تجربه همزمان می دانند و می

گویند که عیسی در مرگش، از جسم فیزیکی عبور کرده و در قیامش، به زندگی روحانی خود وارد شده است. بنابراین مرگ و قیام او یک حادثه همزمان بود. ظاهر شدن او به عنوان یک چیز خیالی و روحانی توسط آنها توصیف شده است. این تفاسیر و عقیده های بعضی ها واقعیت ندارد.

چندین چیز وجود دارند که قیام جسمانی عیسی را اثبات می کنند. خود مسیح بعد از قیامش فرمود که او گوشت و استخوان داشت (لوقا ۲۴: ۳۹). متی می گوید که زنی که بعد از سه روز در هنگام صبح به قبر عیسی رفت او را زنده یافته و به پاهای عیسی چسبیده و نخواست که از پیش او برود (متی ۲۸: ۹). داود نبی هزار سال قبل از تولد عیسی پیشگویی می کند که بدن مسیح فساد را نخواهد دید (مزامیر ۱۶: ۱۰ ؛ اعمال ۲: ۳۱). قبر خالی بود و کفن عیسی مسیح بدون جسد و درست در جای خود قرار داشت (مرقس ۱۶: ۶ ؛ یوحنا ۲۰: ۵-۷). مسیح بعد از قیامش با شاگردان خود غذا خورد (لوقا ۲۴: ۴۱-۴۳). مسیح بعد از قیام، با اثر زخم روی دست خود، توسط پیروان خود تشخیص داده شد (لوقا ۲۴: ۳۴-۳۹ ؛ یوحنا ۲۰: ۲۵-۲۸). مسیح پیش بینی کرد که از مرگ بطور جسمانی خواهد برخاست (متی ۱۲: ۴۰ ؛ یوحنا ۲: ۱۹-۲۱). فرشتگان سر قبر عیسی اعلام کردند که مسیح از مردگان برخاسته، همانطور که خود او گفته بود (لوقا ۲۴: ۶-۸). و نهایتاً اگر مسیح بطور جسمانی قیام نمی کرد، خیلی از آیه های کتاب مقدس بدون مفهوم باقی می ماندند (یوحنا ۵: ۲۸ ؛ اول قرنثیان ۱۵: ۲۰ ؛ افسسیان ۱: ۱۹).

۳. آن یک قیام منحصر به فرد بود. پسر زنی که اهل صَرْفَه بود (اول پادشاهان ۱۷: ۱۷-۲۴)، پسر شونیمی (دوم پادشاهان ۴: ۱۸-۳۷)، دختر یائیرُس (مرقس ۵: ۲۲-۴۳)، مرد جوانِ نائین (لوقا ۷: ۱۱-۱۷)، ایلعاذر (یوحنا ۱۱: ۱-۴۴)، تابیئا (اعمال ۹: ۳۶-۴۳)، آفتیخس (اعمال ۲۰: ۷-۱۲)، بدون شک همه آنها دوباره از دنیا رفتند. و یقیناً آنها بدنی همانند بدن رستخیز شده عیسی دریافت نکردند. در رابطه با بدن رستخیز شده عیسی چندین نکته

باید ذکر شود. ۱- آن بدن واقعی بود. آن قابل لمس بود و توسط بسیاری لمس شد (متی ۲۸: ۹)؛ آن گوشت و استخوان داشت (لوقا ۲۴: ۳۹). ۲- آن همانند بدن قبلی تشخیص داده شد و نه به شکلی دیگر. خود مسیح پهلوی سوراخ شده خود را نشان داد (یوحنا ۲۰: ۲۷). این اثر زخم او حتی در بازگشت ثانویه او قابل رویت خواهد بود (زکریا ۱۲: ۱۰؛ ۱۳: ۶؛ مکاشفه ۱: ۷). در زمانهای مختلف مردم او را بعد از قیامش تشخیص داده و او را ملاقات کردند (لوقا ۲۴: ۴۱-۴۳؛ یوحنا ۲۰: ۱۶، ۲۰؛ ۲۱: ۷). ۳- گرچه بدن جسمانی او بعد از قیامش با بدن قبلی او فرق می کرد. او می توانست از جسم عبور کند، چنانکه او یکبار از در بسته وارد اتاق شد (یوحنا ۲۰: ۱۹)، وبدون شک از آن زمان به بعد، او نیازی به خوردن، آشامیدن، و خوابیدن نداشت. ۴- او اینک تا ابدآباد زنده است (رومیان ۶: ۹؛ دوم تیموتائوس ۱: ۱۰؛ مکاشفه ۱: ۱۸).

ج) اعتبار قیام مسیح

قیام عیسی مسیح مانند معجزات دیگر او شاهی است برای اثبات اعتبار رستاخیز او. چنانکه تمام معجزات مرزهای قوانین طبیعت را پشت سر میگذارند، نیازی به اثبات آن توسط قوانین طبیعت نیست. معجزات به دلیل ظاهر شدن خارق العاده، اثبات قابل اعتباری می باشند. ولی آنها طبق نیازهای قانون طبیعت به دلیل غیر عادی بودن، اعتبار ندارند. اثبات قیام عیسی مسیح کدامها هستند؟

۱. **بحث شهادت.** طبق مطالبی که تا حالا گفته شد، نمایان شدن غیر طبیعی قدرت خدا را نمی توان از طریق قوانین عادی طبیعت استنباط کرد. آنها باید در زمینه های دیگر پایه گذاری شوند که بحث شهادت یکی از آنهاست. سه چیز برای معتبر بودن یک شهادت نیاز است: شاهدان باید شایستگی کامل داشته باشند، آنها باید در تعداد به اندازه کافی باشند، و همچنین باید از شهرت بالایی برخوردار باشند.

رسولان عیسی مسیح دارای تمامی این خصوصیات بودند. آنها مکرراً اعلام کردند که آنها شاهدان عینی عیسی مسیح بودند (لوقا ۲۴: ۳۳-۳۶؛ یوحنا ۲۰: ۱۹، ۲۶؛ ۲۱: ۲۴؛ اعمال ۱: ۳، ۲۱). ایشان هیچ وقت اساس تعلیم خود را بر پایه گزارش دیگران بنا نکردند. کتاب مقدس تأیید می کند که بیش از پانصد نفر قیام عیسی مسیح را با چشم خود دیدند (اول قرنیتان ۱۵: ۳-۸). عهد عتیق برای دو یا سه شاهد برای اثبات حقیقت تقاضا می کند (تثنیه ۱۷: ۶؛ متی ۱۸: ۱۶) و این عمل همچنین در کلیسا نیز صورت می گیرد (دوم قرنیتان ۱۳: ۱؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۹). در رابطه با شخصیت شاهدان عینی قیام عیسی مسیح، نه کتاب مقدس و نه حتی مخالفان و یا منتقدین تا بحال توانسته اند به اصول اخلاقی ایشان حمله کنند. رسولان نمی توانستند انگیزه پنهانی برای اعلام کردن یک حقیقت شگفت انگیز داشته باشند. آنها حقیقت قیام عیسی مسیح را با قبول کرده زندگی خود حتی تا پای مرگ، آن را به همگان اعلام کردند. شاگردان بی ایمان عیسی مسیح بعد از دیدن عیسی بعد از قیامش، ایمان آورده و مبشرین آتشین قیام عیسی مسیح شدند. قیام عیسی مسیح و حوادث چهل روز زندگی او بعد از قیامش طبق زیر می باشند: صبح زود در روز قیام عیسی مسیح، سه زن به قبر او آمده و فرشتگان را دیدند (متی ۲۸: ۱-۸؛ مرقس ۱۶: ۱-۷؛ لوقا ۲۴: ۱-۸)؛ آنها از همدیگر جدا شده و مریم مجدلیه رفت تا به یوحنا و پطرس این خبر را برساند (یوحنا ۲۰: ۱)، و دو زنان دیگر رفتند تا رسولان دیگر را که احتمالاً در بیت عنیا حضور داشتند، خبردار کنند (لوقا ۲۴: ۹-۱۱). سپس پطرس و یوحنا جلوتر از مریم دوان دوان به سمت قبر روانه شدند و بدون دیدن مسیح بازگشت کردند (یوحنا ۲۰: ۳-۱۰).

در ادامه این عیسی مسیح دوازده مرتبه دیگر ظاهر گردید که به ترتیب زیر می باشند:

ظاهر شدن به مریم در قبر بعد از اینکه پطرس و یوحنا آنجا را ترک کردند (مرقس ۱۶: ۹؛ یوحنا ۲۰: ۱۱-۱۸)، به زنان دیگر در راه (متی ۲۸: ۹)، به دو مرد در راه عمواس (مرقس ۱۶: ۱۲؛ لوقا ۲۴: ۱۳-۳۳)، به شمعون پطرس (لوقا ۲۴: ۳۴؛ اول قرنیتان ۱۵: ۵)، به ده رسولان

(یوحنا ۲۰: ۱۹-۲۴)، به یازده شاگردان (یوحنا ۲۰: ۲۶-۲۹)، به رسولان در دریای طبریه (یوحنا ۲۱: ۱-۱۴)، به رسولان در کوهی در جلیلیه (متی ۲۸: ۱۶-۲۰)، به بیش از پانصد ایمانداران در یک زمان (اول قرنیتان ۱۵: ۶)، به یعقوب (اول قرنیتان ۱۵: ۷)، به شاگردان در کوه معراج (ورقس ۱۶: ۱۹؛ لوقا ۲۴: ۵۰؛ اعمال ۱: ۹)، و به پولس رسول (اول قرنیتان ۱۵: ۸).

۲. بحث علت و اثر (معلول). هر اثر علتی دارد. با قیام جسمانی عیسی مسیح تأثیرات بسزایی در تاریخ مسیحیت به جای گذاشته شد.

۱- خالی بودن قبر اثری از قیام مسیح است. کتاب مقدس می گوید که قبر عیسی خالی بود. اگر این واقعیت نداشت، حتماً یک نفر پیدا می شد که دروغ رسولان را اعلام کرده و بگویند که قبر خالی نبوده است. دروغی که آن روز توسط کاهنان اعظم و مشایخ اسرائیل ابراز گردید این بود که "شاگردان آمده و جسد عیسی را هنگامیکه سربازان در خواب بودند، دزدیدند"، و این دروغ توسط بعضی آدمهای مدرن امروزی مورد قبول واقع شده است. اما شواهدی برای قیام جسمانی مسیح وجود دارد، مانند این واقعیت که کفن خداوند عیسی بدون اینکه دست بخورد در قبر باقی مانده بود. فقط دستمالی که اطراف سر عیسی پیچیده شده بود، دفع شده و کنار گذاشته شده بود (یوحنا ۲۰: ۵-۷). مطمئناً این شواهد نمی توانست بجا باقی ماند اگر رسولان جسد او را می دزدیدند.

۲- روز خداوند اثری از قیام مسیح است. این یک حرکت چشمگیری بود که شاگردانی که یهودی بودند، از روز مخصوص و حرمت داده شده سبت که در باغ عدن و همچنین به نشانه پیمان خدا با اسرائیل داده شده بود (خروج ۳۱: ۱۳؛ حزقیال ۲۰: ۱۲، ۲۰)، برگردند و در روز یکشنبه خدا را پرستش کنند. شکل یافتن اولیه یکشنبه به عنوان روز خداوند توسط رسولان به دلیل احترام به قیام جسمانی عیسی خداوند و تأیید کردن او در آن روز صورت گرفت.

۳- **کلیسا اثری از قیام مسیح است.** رسولان به شدت تحت تاثیر زندگی عیسی مسیح قرار گرفته بودند ولی در روزی که عیسی مسیح مصلوب شد، تمامی امید آنها از بین رفت و بسیاری از آنها حتی پای صلیب او نرفتند. آنها نمی توانستند انگیزه داشته باشند تا دور هم جمع شده و استادشان عیسی را که مرده می پنداشتند، پرستش کنند. یقیناً آنها نمی توانستند به امت خود اسرائیل، عیسی مرده را با خطرات شکنجه و آزار بشارت دهند، مگر اینکه اطمینان کامل می داشتند که عیسی از مردگان قیام کرده بود. گردهم آمدن آنها شروع کلیسا بود. بنابراین کلیسای مسیحی به دلیل قیام جسمانی عیسی مسیح بنیان گذاری شد.

۴- **خود عهد جدید اثری از قیام مسیح است.** چگونه کتاب عهد جدید نوشته می شد اگر عیسی مسیح از مردگان قیام نمی کرد؟ اگر عیسی دفن شده در قبر باقی می ماند، داستان زندگی و مرگ او نیز در قبر دفن شده باقی می ماند و دیگر هیچ یادی از او نمی شد. عهد جدید اثری از قیام او از مردگان است.

د) ثمرات قیام عیسی مسیح

ثمرات قیام عیسی مسیح کدامها هستند؟

۱. **آن گواهی بر الوهیت مسیح است.** پولس می گوید که، "بحسب روح قدّوسیت، پسر خدا به قوّت معروف گردید از قیامت مردگان، یعنی خداوند ما عیسی مسیح،" عیسی از قبل به قیام خود از مردگان به عنوان نشانه ای که به اسرائیل داده می شود، اشاره کرد (متی ۱۲: ۳۸-۴۰؛ یوحنا ۲: ۱۸-۲۲)، و پولس بیان می کند که آن نشانه الوهیت او بود.

۲. **آن گواهی بر مقبول بودن کار مسیح است.** کتاب مقدس در رومیان ۴: ۲۵ می گوید، "که به سبب گناهان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده شد." ما می توانیم اطمینان داشته باشیم که خدا قربانی عیسی مسیح روی صلیب را پذیرفت چون او از مردگان برخاست.

۳. آن عیسی مسیح را برای ما کاهن اعظم ساخت. از طریق برخاستن از مردگان، عیسی واسطه، وکیل، قاضی، و محافظ امت خود شد (رومیان ۵: ۹؛ ۸: ۳۴؛ افسسیان ۱: ۲۰-۲۲؛ اول تیموتائوس ۲: ۵). او نه تنها ما را از اسارت و بندگی رهایی می دهد بلکه او برای ما در زمانهای نیاز دعای شفاعت می کند.

۴. آن برکات اضافی را برای ما تأمین می کند. بوسیله قیام عیسی مسیح، ما نیاز به نجات را در خود می بینیم. او در ازای توبه به ما بخشش، تولد دوباره، و روح القدس را عطا می کند (یوحنا ۱۶: ۷؛ اعمال ۲: ۳۳؛ ۳: ۲۶؛ ۵: ۳۱؛ اول پطرس ۱: ۳). قیام او اساس اطمینان ایمانداران است که تمامی قدرت مورد نیاز برای زندگی مسیحی و خدمت برای آنها مهیا است (افسسیان ۱: ۱۸-۲۰). اگر خدا عیسی را از مردگان برخیزاند، همچنین او قادر است که تمامی احتیاجات ایمانداران را رفع کند (فیلیپیان ۳: ۱۰). قیام عیسی تضمینی است که او باعث برخاستن ما از مردگان خواهد شد. (یوحنا ۵: ۲۸؛ ۶: ۴۰؛ اعمال ۴: ۲؛ رومیان ۸: ۱۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۰-۲۳؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۴؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۴). همچنین قیام عیسی مسیح اثبات مستحکم خدا از وجود قیامت و داوری برای عادلان و گناهکاران است (اعمال ۱۰: ۴۲؛ ۱۷: ۳۱؛ یوحنا ۵: ۲۲). روز داوری از پیش تعیین شده است و همچنین در آن روز قاضی وجود خواهد داشت. بنا به این حقیقت، خدا به تمامی مردم اطمینان از روز داوری را داده که او عیسی را از مردگان برخیزاند. و نهایتاً قیام عیسی مسیح راه را برای او هموار کرد تا او بتواند در بازگشت ثانویه در تخت داود بنشیند و تا به ابد سلطنت کند (اعمال ۲: ۳۲-۳۶؛ ۳: ۱۹-۲۵).

معراج عیسی مسیح

معراج و تجلیل یافتن عیسی مسیح باید از یکدیگر تشخیص داده شوند. معراج عیسی مربوط می شود به برگشتن او به جایگاه اولیه اش در بهشت با یک بدن رستاخیز شده و تجلیل یافتن عیسی

عملی است از سوی خدای پدر که او به مسیح قیام و معراج یافته جایگاهی از حرمت و قدرت در دست راست خود داده است.

تعالیم عهد جدید درباره عروج مسیح

تعلیمات فراوانی در عهد جدید درباره اینکه مسیح بعد از قیام از مردگان به بهشت عروج کرد، وجود دارد. متی و یوحنا درباره عروج عیسی شرح نمی دهند و مرقس فقط در آخرین آیه مرقس از معراج عیسی سخن می گوید (مرقس ۱۶: ۱۹). لوقا در انجیل خود (لوقا ۲۴: ۵۰) و اعمال ۱: ۹ بعضی جزئیات معراج عیسی مسیح را شرح می دهد. گرچه شرح تاریخی معراج عیسی ناقص است، این ما را فاقد این تعلیم نمی کند. هرچند یوحنا حقیقتی که عیسی عروج کرد را شرح نمی دهد ولی او پیشگویی خود عیسی را درباره معراجش نوشته است (یوحنا ۶: ۶۲ ؛ ۲۰: ۱۷ ؛ ۱۳: ۱ ؛ ۱۵: ۲۶ ؛ ۱۶: ۱۰ ، ۱۶ ، ۲۸). پولس درباره معراج عیسی توضیح داده است (افسیان ۴: ۸-۱۰ ؛ فیلیپیان ۲: ۹ ؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶) همچنین پطرس نیز در اینباره در نامه های خود شرح می دهد (اول پطرس ۳: ۲۲) و همچنین نویسنده کتاب عبرانیان نیز در این مورد نوشته است (عبرانیان ۴: ۱۴). بنابراین این یک حقیقتی است که کلیساهای اولیه معراج مسیح را به عنوان یک واقعیت تاریخی گواهی دادند.

تجلیل یافتن مسیح

کتاب مقدس درباره تجلیل یافتن مسیح در جاهای مختلف شرح می دهد. لوقا آن را چندین بار تکرار می کند (اعمال ۲: ۳۳ ؛ ۵: ۳۱). پولس نیز بر آن شهادت می دهد (رومیان ۸: ۳۴ ؛ افسسیان ۲۰: ۲ ؛ فیلیپیان ۲: ۹ ؛ کولسیان ۳: ۱). نویسنده عبرانیان نیز این را شرح می دهد (عبرانیان ۱۰: ۱۲). خود مسیح نیز این را پیشگویی کرد (متی ۲۲: ۴۱-۴۵ ؛ مکاشفه ۳: ۲۱ ؛ مزامیر ۱۱۰: ۱).

چیزهایی که در تجلیل یافتن مسیح دخالت دارند.

چندین چیز وجود دارند که در تجلیل یافتن مسیح دخالت دارند: مسیح " تاج جلال و اکرام بر سر وی نهاده شد" (عبرانیان ۲: ۹). این جلال هم اکنون ظاهر می شود در " جسم مجید او" (فیلیپیان ۳: ۲۱). یوحنا در جزیره پتماس او را با این بدن دید (مکاشفه ۱: ۱۲-۱۸). هر دو احترام و جلال در گرفتن او در نامی که مافوق تمامی نامهاست، دیده می شود (فیلیپیان ۲: ۹). مسیح این نام تازه را در مکاشفه ۳: ۱۲ ؛ ۱۹: ۱۲، ۱۶ اعلام می کند. او با این نام تازه به تخت خود در دست پدر مرتفع شد (متی ۲۸: ۱۸ ؛ عبرانیان ۱۰: ۱۲). استیفان او را در آن جایگاه دید (اعمال ۷: ۵۵). یک روز مسیح روی تخت خود خواهد نشست (متی ۲۵: ۳۱). همچنین در تجلیل یافتن او این نیز شامل می شود که او سر بدن خود یعنی کلیسا گردید (افسیسیان ۱: ۲۲). اینک او امور کلیسای خویش را هدایت می کند. او به عنوان کاهن اعظم خدمت می کند (عبرانیان ۴: ۱۴ ؛ ۵: ۵-۱۰ ؛ ۶: ۲۰ ؛ ۷: ۲۱ ؛ ۸: ۱-۶ ؛ ۹: ۲۴)، خون خود را پیشنهاد می دهد (اول یوحنا: ۷)، برای اتحاد و حفظ ایمانداران دعای شفاعت می کند (لوقا ۲۲: ۳۲ ؛ یوحنا ۱۷). امروز تمامی فرشتگان، قوات و رئیسان مطیع او هستند (اول پطرس ۳: ۲۲). در واقع همه چیز زیر پای او نهاده شده اند (افسیسیان ۱: ۲۲). در این مفهوم، او امروز در یک سلطنتی پادشاه است (کولسیان ۱: ۱۳ ؛ مکاشفه ۱: ۹).

ثمرات معراج و تجلیل یافتن مسیح

ثمرات معراج و تجلیل یافتن مسیح باهمدیگر را می توان یکی در نظر گرفت.

۱- او نه تنها در بهشت است، بلکه او بطور روحانی همه جا حضور دارد. او همگان را پر می کند (افسیسیان ۴: ۱۰). بنابراین او مقصودی ایده آل برای پرستش است برای تمامی انسانها (اول قرنتیان ۱: ۲).

۲- او اسیران را به اسیری برده است (افسیسیان ۴: ۸). این بدین معنی است که عیسی بعد از مصلوب شدنش به هیدیز (درون زمین) رفت و مقدسان و نجات یافتگان عهد قدیم که در آن محل

موقت اسیر بودند با خود برداشته و به بهشت به اسیری برد. نجات یافتگان عهد جدید مستقیماً بلافاصله بعد از مرگ به حضور مسیح در بهشت می روند (دوم قرنتیان ۵: ۶-۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۳).
 ۳- او به عنوان کاهن اعظم وارد بهشت شد (عبرانیان ۴: ۱۴؛ ۵: ۵-۱۰؛ ۶: ۲۰؛ ۷: ۲۱؛ ۸: ۱-۶؛ ۹: ۲۴).

۴- او هدایای روحانی به ایمانداران خود داده است (افسیان ۴: ۸-۱۱). اینها شامل هدایای منحصر برای هر شخص است (اول قرنتیان ۱۲: ۴-۱۱) و همچنین شامل هدایایی برای کلیسای خود است (افسیان ۴: ۸-۱۳).

۵- او روح خود را بر تمامی ایمانداران جاری کرده است (یوحنا ۱۴: ۱۶؛ ۱۶: ۷؛ اعمال ۲: ۳۳)، به تمامی مردم توبه و ایمان هدیه داده (اعمال ۵: ۳۱؛ ۱۱: ۱۸؛ رومیان ۱۲: ۳؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۵؛ دوم پطرس ۱: ۱) و ایمانداران را به اعضای کلیسا تعمیم می دهد (یوحنا ۱: ۳۳؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳). اینها ثمرات معراج و تجلیل یافتن مسیح هستند. این گواهی بر اینست که ما نمی توانیم نجاتمان را تنها در مرگ عیسی کامل بدانیم، بلکه نجات ما نیاز به رستخیز جسمانی او از مردگان، معراج و تجلیل یافتن او در دست راست خدای پدر را نیز دارد.

سوالات این درس:

۱- آیا مرگ عیسی مسیح برای نجات ما کافی است؟ اگر نه، چه موارد دیگر برای نجات ضروری هستند؟

۲- سه مورد از اهمیت قیام مسیح را بنویسید؟

۳- با استفاده از اول قرنتیان ۱۵: ۱۴-۱۹ توضیح دهید که اگر مسیح از مردگان بر نمی خاست چه اتفاقی می افتاد؟

۴- در عهد جدید معیار قدرت خدا در چه چیزی به نمایش گذاشته شده است؟

۵- نوع قیام مسیح چگونه بود، سه مورد را نام ببرید؟

۶- چندین چیز وجود دارند که قیام جسمانی عیسی را اثبات می کنند. سه مورد را با آیه ای برای هر یک بنویسید؟

۷- دو بحث اثبات قیام عیسی مسیح کدامها هستند؟

۸- چندین مورد که شاهدان، مسیح را بعد از قیام از مردگان دیدند را با ذکر آیه ای نام ببرید؟

۹- چند نمونه از تأثیراتی که قیام جسمانی عیسی مسیح بر تاریخ مسیحیت گذارد را نام ببرید؟

۱۰- ثمرات قیام مسیح کدامها هستند؟

۱۱- معراج و تجلیل یافتن مسیح که دو چیز مجزا هستند را جداگانه شرح دهید؟

۱۲- چندین چیز وجود دارند که در تجلیل یافتن مسیح شامل بودند. سه مورد را با ذکر آیه ای برای هریک بنویسید؟

۱۳- پنج مورد از ثمرات معراج و تجلیل یافتن مسیح را با ذکر آیه ای برای هریک نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: لوقا ۲۴: ۱-۱۲؛ یوحنا ۲۰: ۱-۲۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۱۲-۱۹

درس ۳۳: جهنم

امروزه اعتقاد به وجود جهنم توسط بسیاری از ادیان و حتی در مسیحیت نفی شده است.

کنت اس. کانترز نویسنده مجله "مسیحیت امروز" و شبان کلیسا چندین سال قبل اعتراف کرد که پیامی درباره جهنم چندین دهه است که موعظه نکرده.

مِری، شبان کلیسای متودیست گفت: "اعضای کلیسای من متحیر خواهند شد اگر پیامی درباره جهنم بشنوند." اعضای کلیسای او از سطح کلاس بالا می باشند با تحصیلات و نقطه نظرات بالا که خدا را به عنوان یک خدای دلسوز و مهربان می شناسند نه کسی که مردم را به جهنم بفرستد.

جهنم یکی از دشوارترین موضوعی است که مسیحیان می توانند قبول کنند. چرا؟ شاید مردم به دلیل آگاهی به گناهان خود و اینکه گناهکارند، به یاد جهنم می افتند و این موضوع باعث می شود که وجدانشان عذاب بکشد. عده ای بحث مجازات و داوری را کنار می گذارند و عده ای دیگر آن را با محبت پدر آسمانی ناسازگار می داند. اما مجازات نهایی شریان و گناهکاران جایگاه والایی در کتاب مقدس دارد بخصوص تعلیم خود عیسی مسیح و یوحنا رسول. تمام پیامی که در هر یک از صفحات کتاب مقدس وجود دارد، باید ایمان آورده و عمل شود.

جهنم چیست؟

جهنم محل ناپدید شدن از حضور خداست. از ۱۶۲ متنی که عهد جدید درباره مجازاتی که منتظر بی ایمانان است، ۷۰ متن از آنها توسط خود عیسی مسیح تعلیم داده شد.

دوم تسالونیکیان ۱: ۸، ۹ "در آتش مشتعل و انتقام خواهد کشید از آنانی که خدا را نمی شناسند و انجیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت نمی کنند، که ایشان به قصاص هلاکت جاودانی خواهند رسید از حضور خداوند و جلال قوت او."

عیسی مسیح به آنانی که به دروغ اعتراف به خداوند کردند گفت: "آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که هرگز شما را نشناختم! ای بدکاران از من دور شوید!" متی ۷: ۲۳.

چندین واژه برای جهنم در کتاب مقدس وجود دارد.

(۱) **شیول**: واژه شیول ۶۵ بار در کتاب مقدس ذکر شده که مربوط می شود به:

الف - محل سکونت جسد (قبر).

ب - محل سکونت تمامی انسانها بعد از مرگ.

ج - محل سکونت روان انسان.

آیا شیول می تواند همیشه معنی قبر را داشته باشد چنانکه شاهدان یهوه اعتقاد دارند؟ خیر،

چندین متنهای مختلف در کتاب مقدس نشان می دهد که واژه های شیول و جهنم برای مجازات شیریان و گناهکاران بکار برده می شود.

مزمیر ۹: ۱۷ "شیریان به جهنم خواهند برگشت و همه امتهایی که خدا را فراموش کنند." در این آیه جهنم (شیول) مکانی است که برای شیریان آماده شده. آن نمی تواند فقط به معنی قبر باشد، زیرا همه شیریان و عادلان به قبر بازگشت می کنند.

امثال ۲۳: ۱۴ "پس او را با چوب بزن، و جان او را از جهنم (شیول) نجات خواهی داد." بکار بردن چوب برای تنبیه، جان بچه ها را از جهنم نجات می دهد. هیچ اندازه ای از تنبیه کردن بچه ها توسط والدین آنها را نمی تواند از قبر نجات دهد.

لوقا ۱۶: ۲۳ "پس چشمان خود را در جهنم (عالم اموات) گشوده ، خود را در عذاب یافت ، و ابراهیم را از دور و ایلعازر را در آغوشش دید." این خیلی واضح است که جهنم (عالم اموات) به سادگی نمی تواند قبر باشد، زیرا عذاب و مجازات بعد از مرگ به طور آشکار در این متن دیده می شود.

شیول (هاویه) نام عمومی برای محل یک شخص بعد از مرگ می باشد خواه مکانی برای جسد یا برای روح و روان یک شخص (ایماندار یا بی ایمان).

(۲) **هی دیز:** هی دیز واژه یونانی به معنای دنیای مردگان است که در عهد جدید استفاده شده و مترادف واژه عبری شیول می باشد. تمامی مردگان به "شیول" یا "هی دیز" می روند. کاربرد این واژه تاکید دارد به مکان جسم یا مکان روان. اگر به مکان روان انسان دلالت کند، می

تواند مکان شخص نجات یافته یا نجات نیافته باشد که می‌توانیم این را از متن تشخیص دهیم. معنی آن فقط از داخل متن مفهوم می‌شود.

(۳) **جهنما** - دره هنوم. دره عمیق و باریک که در قسمت جنوب غربی بیرون از دیوارهای اورشلیم واقع است. محل آتشدان دایمی و انبار زباله می‌باشد. لاشه حیوانات، جسد جنایتکاران و زباله شهر به این مکان ریخته می‌شد و با آتش سوزانیده می‌شد. عیسی مسیح از این دره استفاده کرد تا به مردم درباره مجازات ابدی آتش جهنم تعلیم دهد.

(۴) **تارتاروس** - در پست ترین قسمت عمقی هی دیز قرار دارد که فرشته های بد (جن ها) در آنجا زندانی هستند و منتظر روز قیامت و داوری هستند. دوم پطرس ۲: ۴ " زیرا هرگاه خدا بر فرشتگانی که گناه کردند، شفقت نمود، بلکه ایشان را به جهنم انداخته، به زنجیرهای ظلمت سپرد، تا برای داوری نگاه داشته شوند."

جهنم از کجا بوجود آمد؟

(۱) **جهنم توسط عیسی مسیح آفریده شد.** کولسیان ۱: ۱۶ " زیرا که در او (مسیح) همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوات؛ همه بوسیله او و برای او آفریده شد."

(۲) **عیسی مسیح جهنم را برای انسان نیافرید بلکه برای شیطان و فرشتگان سرکش.** متی ۲۵: ۴۱ " ای ملعونان، از من دور شوید در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است."

(۳) **از آنجاییکه عیسی مسیح جهنم را آفریده، بنابراین او از وجود جهنم آگاهی دارد.** در مقایسه با بهشت، او بیشتر درباره جهنم تعلیم داد و به مردم هشدار داد تا توبه کنند و به او ایمان آورند تا از رفتن به آن نجات یابند.

جهنم چگونه مکانی است؟

(۱) **جهنم مکانی است برای مجازات.**

در متی ۲۵: ۴۶ عیسی مسیح فرمود: " و ایشان در عذاب جاودانی خواهند رفت ، اما عادلان در حیات جاودانی."

(۲) جهنم مکانی است برای عذاب.

لوقا ۱۶: ۲۳ "پس چشمان خود را در جهنم (عالم اموات) گشوده ، خود را در عذاب یافت ، و ابراهیم را از دور و ایلعازر را در آغوشش دید."

(۳) جهنم مکانی است از آتش خاموش نشدنی.

متی ۳: ۱۲ "او غربال خود را در دست دارد و خرمن خود را نیکو پاک کرده، گندم خویش را در انبار ذخیره خواهد نمود، ولی گاه را در آتشی که خاموشی نمی پذیرد خواهد سوزانید."
متی ۱۳: ۴۱ ، ۴۲ " پسر انسا ن ملائکه خود را فرستاده ، همه لغزش دهندگان و بدکاران را جمع خواهند کرد، ۴۲ و ایشان را به تنور آتش خواهند انداخت، جایی که گریه و فشار دندان بود."

مکاشفه ۲۰: ۱۴ ، ۱۵ " و مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش انداخته شد. این است مرگ دوم یعنی دریاچه آتش . و هر که در دفتر حیات مکتوب یافت نشد به دریاچه آتش افکنده گردید."

(۴) جهنم مکان به یاد آوردن خاطرات این دنیا و خواسته های دست نیافته است.

مطابق انجیل لوقا ۱۶: ۲۵ ، مرد ثروتمندی که به جهنم رفت خاطراتش زندگی و رابطه اش با ایلعازر را به یاد آورد. او طلب آب کرد ولی نتوانست آن را به دست بیاورد. مردم در جهنم به خاطر می آورند زمانی که پیام انجیل را شنیدند و رد کردند و در نتیجه تا با ابد پشیمان خواهند شد.

(۵) **تشتگی.** مرد ثروتمند از ابراهیم التماس کرد که " ایلعازر را بفرست تا سر انگشت خود را به آب تر ساخته زبان مرا خنک سازد، زیرا در این آتش عذاب می کشم." (لوقا ۱۶: ۲۴) در حالیکه این امتناع شد. تصور کن که تا ابد نتوانی آب بخوری در آتش. عیسی در یوحنا ۷: ۳۷ به ما آب تعارف می کند. " عیسی ایستاده، ندا کرد و گفت، هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد."

۶) **دوری و جدایی.** مردم در جهنم جدایی ابدی بین خود و خدا را تجربه می کنند. آنها قدر همه چیزهای خوبی زندگی که در زمین داشتند را ندانستند و حالا تا ابد از نعمتهای خوب خدا دور خواهند شد. بسیاری از مردم تمسخر کنان می گویند که "من در جهنم تنها نخواهم بود، چون همه دوستانم آنجا خواهند بود." دوستی در مکان عذاب هیچ معنی و مفهومی ندارد.

۷) **بی عدالتی و نجاسات گناه** در جهنم وجود دارد. مکاشفه ۲۲: ۱۱ "هر که ظالم است، باز ظلم کند و هر که نجس است، باز نجس بماند." هیچ کس دوست ندارد که مورد ظلم و نجاست دیگران قرار بگیرد. مردم در جهنم تا ابد این شرایط را تجربه خواهند کرد.

۸) **یأس و نومیدی ابدی.** جهنم جایگاه ابدی کسی است که نجات نیافته است. دیر یا زود مردم در جهنم پی می برند که تا ابد باید در جهنم باشند بدون هیچ راه فرار. در لوقا ۱۶: ۲۶ ابراهیم به مرد ثروتمند گفت، "و علاوه بر این، در میان ما و شما ورطه عظیمی است، چنانچه آنانی که می خواهند از اینجا به نزد شما عبور کنند، نمی توانند و نه نشینندگان آنجا نزد ما توانند گذشت."

۹) **بوی تعفن گوگرد.** مکاشفه ۲۱: ۱۱ "لکن ترسندگان و بی ایمانان و خیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغ گویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته شده به آتش و گوگرد خواهد بود. این است موت ثانی."

۱۰) **دیدن، شنیدن، لمس کردن، چشیدن، و بوییدن** حس هایی هستند که مردم در جهنم دارند. در لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱ مرد ثروتمند می توانست ابراهیم را "بیند"، صدایش را "بشنود"، آتش را "لمس کند"، می خواست که قطره آبی را "بچشد"، و گوگرد را "ببوید".

۱۱) **شیطان و دیوها** با کسانیکه مسیح را رد کرده اند آنجا خواهند بود.

۱۲) **مکان کرم ها.** مرقس ۹: ۴۴، ۴۶ "جایی که کرم ایشان نمیرد و آتش، خاموشی نپذیرد."

۱۳) **حقارت و تنفر.** "و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی." دانیال ۱۲: ۲. مردمانیکه در جهنم زجر می کشند، بدن غیر فانی دریافت خواهند کرد و بعد از اینکه داوری شدند به دریاچه آتش افکنده خواهند شد با حقارت و تنفر بر گناهانشان. آنها شرمسار خواهند شد و از جایگاهشان تا ابد تنفر خواهند داشت.

۱۴) **گریه و فشار دندان.** متی ۸: ۱۲ "اما پسران ملکوت بیرون افکنده خواهند شد، در ظلمت خارجی جایی که گریه و فشار دندان باشد." کسانی که امروز مغرور هستند و عیسی منجی را رد کرده اند تا ابد گریه کرده و دندان بر دندان میفشارند. آنها از کسانی که ایشان را فریب داد و از رفتن به بهشت باز داشت، تا ابد عصبانی شده و دندان بر دندان می فشارند.

جهنم (هاویه) در کجا واقع است؟ جهنم در اندرون کره زمین قرار دارد.

عاموس ۹: ۲ "اگر به هاویه فرو روند.." اشعیا ۱۴: ۹ "هاویه از زیر برای تو متحرک است" افسسیان ۴: ۹ "اما این صعود نمود، چیست؟ جز اینکه اول نزول هم کرد به اسفل زمین." اعداد ۱۶: ۳۳ "و ایشان با هرچه به ایشان تعلق داشت، زنده به چاه فرورفتند،" مزامیر ۶۳: ۹ "و اما آنانی که قصد جان من دارند هلاک خواهند شد و در اسفل زمین فرو خواهند رفت."

دانشمندان با تحقیقات و آزمایشات عمیق به این نتیجه دست یافتند که مرکز کره زمین حرارتی دارد با ۳۷۰۰۰ درجه فارنهایت. انسانها تلاش کردند که داخل زمین را کنده تا به نفت و مخازن داخل زمین دست پیدا کنند اما نتوانستند بیشتر از ۲ کیلومتر بکنند. در ازای هر کیلومتری که داخل زمین فرو می روی، درجه حرارت ۱۵ درجه سانتی گراد افزایش پیدا می کند. این امر ثابت می کند که کتاب درباره جهنم که داخل زمین است، واقعیت را می گوید. آتش و خاکستری که از آتشفشانها فواران می کند، درست از جهنم نشأت می گیرد و از آتشفشانها بیرون می آید. "از این سبب هاویه حرص خود را زیاد کرده و دهان خویش را بی حد باز نموده است و جلال و جمهور و شوکت ایشان و هرکه در ایشان شادمان باشد در آن فرو می رود." (اشعیا: ۵: ۱۴)

چه کسانی به جهنم می روند؟

الف) جهنم مقصد شیران است.

۱. طبق یوحنا ۸: ۲۱-۲۴ عیسی مسیح فرمود که کسانی که به او ایمان ندارند در گناهانشان خواهند مرد.

۲. او همچنین فرمود که جایی که او می رود، آنها نمی توانند بیایند (آیه ۲۱).

۳. عیسی مسیح کجا رفت وقتی که به آسمان صعود کرد؟

الف) خانه پدرم (یوحنا ۱۴: ۲)

ب) بهشت (لوقا ۲۴: ۵۱ و اعمال ۱: ۱۰)

۴. طبق یوحنا ۳: ۳۶ کسانی که به عیسی مسیح ایمان ندارند، تحت غضب خدا قرار می گیرند.

"آنکه به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می ماند."

۵. طبق دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۹ خداوند از کسانی که او را نمی شناسند و کلامش را انکار می کنند، انتقام خواهد گرفت.

"و شما را که عذاب می کشید، با ما راحت بخشد در هنگامی که عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود در آتش مشتعل و انتقام خواهد کشید از آنان ی که خدا را نمی شناسند و انجیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت نمی کنند، که ایشان به قصاص هلاکت جاودانی خواهند رسید از حضور خداوند و جلال قوت او."

۶. این دسته از آدمها به قصاص هلاکت جاودانی می رسند از حضور خدا (آیه ۹).

کسانی که به عیسی مسیح ایمان نمی آورند و او را به عنوان نجات دهنده خود دریافت نمی کنند، به بهشت نخواهند رفت. آنها در گناهان خود مرده و از حضور خداوند تا به ابد دور شده به دریاچه آتش افکنده خواهند شد.

ب) جهنم دستمزد زندگی گناه آلود شریان و گناهکاران است.

طبق رومیان ۶: ۲۳، مزد گناه مرگ است.

مکاشفه ۲۰: ۱۴ این مرگ را به عنوان جهنم و دریاچه آتش معرفی می کند که مرگ دوم نامیده می شود.

مرگ دوم چیست؟

این مرگ به معنی از بین رفتن و نابود شدن نیست برعکس حیات ابد که شروع زندگی است. حیات ابد یعنی زندگی کردن با خداوند در جایگاه پر از برکات خداوند تا ابدالابد. مرگ دوم یعنی زندگی کردن به دور از خدا در جهنم که خداوند آن را برای همین منظور آفریده. مرگ دوم به این معنی نیست که شخص نابود شود و وجود خارجی نداشته باشد، زیرا گناهکاران قبل از اینکه از دنیا بروند، حتی در این دنیا مرده محسوب می شوند. (اول تیموتائوس ۵: ۶ و افسسیان ۲: ۱ و یوحنا ۵: ۲۴، ۲۵). مکاشفه ۲۱: ۸ این مرگ دوم را شرح می دهد. "لکن ترسندگان و بی ایمانان و خیثان و قاتلان و زنا کاران و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغگویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است مرگ دوم."

آیا جهنم برای همه گناهکاران یکسان است؟ خیر، در جهنم سطح مجازات فرق می کند.

۱. مرقس ۶: ۱۱ ، شهری که کلام خدا را نشنود، مجازات شدیدتری خواهد داشت.

"و هر جا که شما را قبول نکنند و به سخن شما گوش نگیرند، از آن مکان بیرون رفته ، خاک پایهای خود را بپاشانید تا بر آنها شهادتی گردد. هرآینه به شما می گویم حالت سدوم و غموره در روز جزا از آن شهر شدیدتر خواهد بود."

۲. شهر خورزین و بیت صیدا به دلیل توبه نکردن بعد از مشاهده معجزات عظیم، در روز قیامت مجازات سخت تری خواهند داشت.

لوقا ۱۰: ۱۰-۱۳ "لیکن در هر شهری که رفتید و شما را قبول نکردند، به کوچه های آن شهر بیرون شده بگویید، ۱۱ حتی خاکی که از شهر شما بر ما نشسته است ، بر شما می افشانیم . لیکن این را بدانید که ملکوت خدا به شما نزدیک شده است . و به شما می گویم که حالت

سدوم در آن روز، از حالت آن شهر سهل تر خواهد بود. وای بر تو ای خورزین ؛ وای بر تو ای بیت صیدا، زیرا اگر معجزاتی که در شما ظاهر شد، در صور و صیدون ظاهر می شد، هرآینه مدتی در پلاس و خاکستر نشسته ، توبه می کردند."

۳. در لوقا ۱۲: ۴۱- ۴۸ خادم سرکش که اراده اربابش را می دانست ولی به آن

عمل نکرده بود تازیانه بسیار خورد. در آیه ۴۸ آن خادمی که ندانسته کار شایسته را انجام نداد، تازیانه کمتری خورد.

"به کسی که بیشتر عطا شده، از او بیشتر مطالبه خواهد شد."

تکته: هر دو خادم در این متن مجازات شدند، زیرا لایق خوردن تازیانه بودند (آیه ۴۸). ولی حد مجازاتشان فرق می کرد.

۴. قانون حکم می کند که مجرم باید مجازات شود.

در رومیان ۲: ۱۱- ۱۶ پولس رسول می گوید که خدا در مجازاتش برای کسی تبعیض قائل نمی کند. از آنجایی که خدا برای کسی تبعیض قائل نمی شود، حکم او عادلانه است. این چه نقشی را ایفا می کند:

الف) در آیه ۱۲ کسانی که شریعت خدا را ندارند (امتها)، بدون شریعت هلاک خواهند شد.

ب) همچنین در آیه ۱۲، کسانی که تحت شریعت گناه کرده اند (یهودیان)، با شریعت محکوم می شوند.

به عبارتی دیگر، خداوند هر کسی را مطابق با آن نوری که دریافت کرده قضاوت خواهد کرد. همه داوری خواهند شد و همه خریداری نشدگان (نجات نیافتگان) در دریاچه آتش هلاک خواهند شد.

سوالات پایه ای:

۱- آیا جهنم یعنی همان قبر است، جاییکه نیکان و بدان می روند؟

خیر- چون در لوقا ۱۶: ۱۹- ۳۱ هر دو نفر در قبر دفن شدند، ولی روانِ ایلعاز در فردوس تسلی یافت و روانِ مرد ثروتمند در جهنم عذاب کشید.

۲- چگونه ممکن است که خدای رحیم و مهربان، انسانها را به جهنم بفرستد؟

این انسانها هستند که خودشان را با رد کردن عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده شان به جهنم می فرستند. خدا رحیم و مهربان است که عیسی مسیح را فرستاد که برای گناهان ما بمیرد که مبادا ما به جهنم برویم، ولی خدای عادل باید گناه را مجازات کند.

سوالات این درس:

۱- جهنم چیست؟

۲- چهار واژه ای که برای جهنم در کتاب مقدس ذکر شده اند را نام ببرید؟

۳- جهنم را چه کسی آفرید؟

۴- جهنم برای چه کسی آفریده شد؟ آیه ای را در این مورد بنویسید؟

۵- جهنم چگونه مکانی است؟ ۵ مورد را نام ببرید؟

۶- جهنم در کجا واقع است با ذکر آیه ای بنویسید؟

۷- چه کسانی به جهنم می روند؟

۸- "آنکه به پسر ایمان آورده باشد، دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد
حیات را بلکه بر او می ماند." یوحنا ۳: ۳۶
۹- مرگ دوم چیست؟

۱۰- آیا جهنم برای همه گناهکاران یکسان است؟ آیه ای را در این باره بنویسید؟

۱۱- کسانی که شریعت خدا (ده فرمان) را ندارند و کسانی که آنرا دارند چگونه داوری خواهند
شد؟

آیه های کلیدی این درس: متی ۳: ۱۲ ؛ متی ۱۳: ۴۱، ۴۲ ؛ لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱ ؛ مکاشفه ۲۰:

۱۴، ۱۵

درس ۳۴: بهشت

بهشت چیست؟

کتاب مقدس سه آسمان (بهشت) را ذکر کرده است.

۱. آسمان اول **"فلک"** (اتمسفر) نامیده می شود، جایی که پرندگان پرواز می کنند و جایی که ما تنفس می کنیم. پیدایش ۱: ۸ "و خدا فلک را آسمان نامید." (همچنین ارمیا ۴: ۲۵ و دانیال ۴: ۱۲ را بخوانید).

۲. آسمان دوم **فضا** است، جایی که ستارگان وجود دارند. پیدایش ۲۲: ۱۷ "هر آینه تو را برکت دهم، و ذریت تو را کثیر سازم، مانند ستارگان آسمان، و مثل ریگهایی که بر کناره دریاست." (به نحمیا ۹: ۲۳ رجوع کنید)

مزامیر ۱۹: ۱ "آسمان جلال خدا را بیان می کند و فلک از عمل دستهایش خبر می دهد."
۳. آسمان سوم **بهشت** است، جایی که خداوند سکونت دارد و تخت سلطنت او در آنجاست. متی ۶: ۹ "ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد."
در این درس ما راجب به آسمان سوم (بهشت) یاد خواهیم گرفت.

صهیون چیست؟

صهیون نام دیگر اورشلیم است. آن همچنین به سه اسم دیگر در کتاب مقدس ذکر شده است:
۱. صهیون **"شهر داوود"** نامیده می شود. این شهر، شهر اصلی اورشلیم است مخصوصاً قسمت پایینی و سمت جنوب کوه معبد. دوم سموئیل ۵: ۷ "و داود قلعه صهیون را گرفت که همان شهر داود است."

۲. در کتاب مقدس، صهیون اورشلیم دوره هزار سال است (هزار سال سلطنت زمینی مسیح). اشعیا ۲: ۳-۲ "و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند برقله کوهها ثابت خواهد شد و فوق تلها برافراشته خواهد گردید و جمیع امتها بسوی آن روان خواهند شد. و قوم های بسیار عزیمت کرده، خواهند گفت: بیایید تا به کوه خداوند و به خانه خدای یعقوب برآییم تا طریق های خویش را به ما تعلیم دهد و به راههای وی سلوک نماییم زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد."

۳. صهیون شهر خدای زنده نامیده می شود. این دلالت بر بهشت دارد. عبرانیان ۱۲: ۲۲ "بلکه تقرب جسته اید به کوه صهیون و شهر خدای زنده یعنی اورشلیم آسمانی و نزدیکی شماری از محفل فرشتگان." ما در این درس می خواهیم به آخرین شهر ذکر شده بالا اشاره خواهیم کرد.

بهشت از کجا بوجود آمد؟

۱. بهشت توسط خداوند آفریده شد. پیدایش ۱: ۱

۲. بهشت مکان جاودانی است. دوم قرنتیان ۵: ۱ "زیرا می دانیم که هرگاه این خانه زمینی خیمه ما ریخته شود، عمارتی از خدا داریم، خانه ای ساخته نشده به دستها و جاودانی در آسمانها."

مرگ برای مسیحیان چه مفهومی دارد؟

۱. دوم قرنتیان ۵: ۶-۸ را بخوانید. این متن به ما می آموزد که:
الف) مادامی که در جسم هستیم، از خداوند غایب می باشیم.
ب) زمانی که از جسم غیبت کنیم، به نزد خداوند می رویم.
۲. فیلیپیان ۱: ۲۳-۲۴ را بخوانید. پولس رسول اگر از دنیا می رفت با عیسی مسیح خواهد می بود. "زیرا در میان این دو سخت گرفتار هستم، چونکه خواهش دارم که رحلت کنم و با مسیح باشم، زیرا این بسیار بهتر است. لیکن در جسم ماندن برای شما لازم تر است."

آیه های بالا بر خلاف تعلیم بسیاری از دین هاست، تعلیم دروغی مانند:

بورخ: مکان موقتی برای ایماندارانی که به اندازه کافی عادل نیستند که بلافاصله وارد بهشت شوند.

خوایدن روان: ایمانداران برای زمان موقت تا اینکه توسط یهوه خداوند قیام کنند.

تناسخ: تعلیم کشورهای آسیای شرقی و عصر جدید که روان مردگان دوباره در یک جسم و شکل دیگر تولد پیدا می کند. روان انسان بر میگردد به زمین تا در یک بدن تازه ساکن شود.

کلام خداوند بطور آشکار اعلام می کند که زمانیکه یک مسیحی می میرد، روح و روانش بلافاصله به حضور عیسی مسیح انتقال داده می شود. (بدن جسمانی به خاک می رود تا منتظر قیام خود باشد).

۳. عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۳ را بخوانید. "بلکه تقرب جسته اید به کوه صهیون و شهر خدای زنده یعنی اورشلیم آسمانی و به جنود بی شماره از محفل فرشتگان . و کلیسای نخستزادگانی که در آسمان مکتوبند و به خدای داور جمیع و به ارواح عادلان مکمل." این متن به ما می آموزد که در شهر خدای زنده:

۱- تعداد بی شماری از فرشتگان وجود دارند. (مکاشفه ۵: ۱۱)

۲- جمع عمومی و کلیسای نخستزاده وجود دارد. مکاشفه ۵: ۹

۳- خداوند، قاضی همه انسانها وجود دارد. متی ۶: ۹

۴- ارواح عادلان کامل وجود دارند. عبرانیان ۱۲: ۲۳

۴. در لوقا ۱۶: ۲۲ ایلعازر مرد و بوسیله فرشتگان به فردوس منتقل شد.

اگر بازگشت عیسی مسیح در زندگی ما اتفاق نیافتد، ما می توانیم مطمئن باشیم که هنگامی که از دنیا می رویم، بلافاصله به بهشت خواهیم رفت. ما به خانه ابدی می رویم تا با خداوند عیسی مسیح باشیم. مرگ چیزی نیست جز اینکه امتحان کنکور را پشت سر بگذاریم و وارد دانشگاه شویم. مزامیر ۲۳: ۴ به حقیقت می پیوندد. "چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی ؛ عصا و چوب دستی تو مرا تسلی خواهد داد."

آیا همدیگر را در بهشت خواهیم شناخت؟

کتاب مقدس می گوید که ما می توانیم در بهشت همدیگر را تشخیص دهیم (خانواده، دوست، فامیل، و مقدسان در طول تاریخ).

۱- داوود نبی انتظار داشت تا به پسر مرحومش پیوندد (دوم سموئیل ۱۲: ۱۸-۲۳).

۲- ایمانداران در تسالونیکا می خواستند مردگانشان را دوباره ملاقات کنند.

ایمانداران تسالونیکا غمگین بودند بر رحلت عزیزانی که از دنیا رفته بودند. پولس رسول برای همین دلیل متن شگفت انگیزی راجب به ربوده شدن ایمانداران نوشت (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۷) تا آنان را از وضعیت ایماندارانی که در عیسی مسیح رحلت کرده اند، آگاه سازد که آنها دوباره با یک بدن غیر فانی زنده خواهند شد.

۳- پطرس، یعقوب و یوحنا در بالای کوهی که عیسی مسیح به اتفاق موسی و ایلیای نبی که با بدنی پر شکوه ظاهر شدند را دیدند و تشخیص دادند (متی ۱۷: ۱-۴).

۴- در بهشت هر ایمانداری یک بدن با شکوه دریافت خواهد کرد.

مطابق با اول قرنیتان ۱۵: ۳۵-۵۳، این بدن با شکوه در حادثه ربوده شدن ایمانداران دریافت خواهد شد.

۵- آن بدن با شکوه چگونه خواهد بود؟

بدن عیسی مسیح بعد از قیامش را در نظر بگیرید.

الف) او قابل تشخیص بود. یوحنا ۲۰: ۲۰

ب) او قابل لمس بود. یوحنا ۲۰: ۲۷

ج) او قادر بود که با دیگران ارتباط برقرار کند. اعمال ۱: ۳

د) بدن او از موانع فیزیکی رد می شد. یوحنا ۲۰: ۱۹ و لوقا ۲۴: ۳۱

ذ) او قادر به خوردن غذا بود. لوقا ۲۴: ۳۶-۴۳

۶- در یوحنا ۲۰: ۱۵ مریم مجدلیه او را تشخیص نداد. او فکر کرد که عیسی یک باغبان معمولی بود.

۷- در لوقا ۲۴: ۱۵-۱۸ عیسی مسیح در راهی به عموآس پیوست. آنها به مسافت ۱۲ کیلومتر با هم راه رفته و صحبت کردند. شاگردان فکر کردند که اوفقط یک آدم معمولی بود.

۸- مطابق با فیلیپیان ۳: ۲۱ بدن ما در هنگام ربوده شدن ایمانداران، تغییر پیدا می کند. " که شکل جسد ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسد مجید او مصور شود، برحسب عمل قوت خود که همه چیز را مطیع خود بگرداند."

۹- اول یوحنا ۳: ۲ "ای حبیبان الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است آنچه خواهیم بود لکن می دانیم که چون او ظاهر شود مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید."

بهشت چه شکلی است؟

چه کسی می تواند دقیقاً بهشت را توصیف کند. کتاب مقدس می گوید در اول قرن تیان ۲: ۹ " چیزهایی را که چشمی ندید و گوشی نشنید و به خاطر انسانی خطور نکرد، یعنی آنچه خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است."

۱- حضور خود خداوند در آنجاست (عبرانیان ۹: ۲۴) " زیرا مسیح به قدس ساخته شده به دست داخل نشد که مثال مکان حقیقی است بلکه به خود آسمان تا آنکه الآن در حضور خدا بجهت ما ظاهر شود."

۲- عیسی مسیح آنجاست (لوقا ۲۴: ۵۱ و اعمال ۳: ۲۰-۲۱).

۳- منزلگاهایی برای ایمانداران وجود دارند. (یوحنا ۱۴: ۲)

۴- شیطان آنجا نیست! (مکاشفه ۲۰: ۱۰).

۵- چیزهایی که در بهشت وجود ندارند:

• مرگ (مکاشفه ۲۱: ۴)

- غم (۴:۲۱)
- اشک (۴:۲۱)
- گریه (۴:۲۱)
- درد (۴:۲۱)
- معبد (۲۱:۲۲)
- خورشید و ماه (۲۳:۲۱)
- شب (۲۱:۲۵ و ۲۲:۵)
- گناه (۲۷:۲۱)
- بیماری (۲:۲۲)
- لعنت (۳:۲۲)
- کسانیکه به کلام نبوت کتاب مقدس اضافه یا کم می کنند. (مکاشفه ۲۲:۱۸ و ۱۹)
- "زیرا که سگان و جادوگران و زانیان و قاتلان و بت پرستان و هر که دروغ را دوست دارد و به عمل آورد، بیرون می باشند." مکاشفه ۲۲:۱۵

بهشت مکانیست کامل!

مکاشفه ۲۲: ۱-۵ بهشت را توصیف می کند که آن مکانی است از ارضای کامل، تامین کامل، بی گناهی کامل، سلطنت کامل، خدمت کامل، مشارکت کامل، مالکیت کامل، و شکوه و جلال کامل.

اورشلیم آسمانی چگونه خواهد بود؟

محور بهشت جاودانی، شهر مقدس (اورشلیم نو) خداست. بعد از ۱۰۰۰ سال سلطنت خداوندان عیسی مسیح بر روی زمین و بعد از تخت سفید داوری، خدا زمین و آسمانها را نابود خواهد کرد و زمین و آسمانی نو می آفریند. ما به شهر ابدی خدا منتقل خواهیم شد. طبق مکاشفه ۲۱: ۳، خدا با ما ساکن خواهد شده و خدای ما خواهد بود. این یاد آور ارتباط خدا با آدم و حوا در باغ عدن است قبل از اینکه آنها گناه ورزیدند. انسانها خدا را با جلالش خواهند دید و او را طوری خواهند شناخت که تا آن زمان آنگونه نشناخته اند. از این آسمان تازه شهر مقدس یعنی اورشلیم

نو خواهد آمد. " و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می شود، حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است. " مکاشفه ۲۱: ۲

چه کسانی در اورشلیم نو ساکن خواهند شد؟

- آن محل سکونت خدا و فرشتگان مقدس او می باشد. در مکاشفه ۲۱: ۹-۱۰ این شهر، عروس بره نامیده می شود. این شهر محل سکونت عروس مسیح (کلیسا) است که مقدسین خداوند می باشند. تمامی مقدسان از تمامی دوران تاریخ آنجا حضور خواهند داشت.
۱. در عبرانیان ۱۱: ۱۰، ۱۶ ابراهیم امیدوار بود که در آن شهر نو ساکن شود.
 ۲. در مکاشفه ۲۱: ۲۴ امتهای نجات یافته اند در آن ساکن خواهند بود.
 ۳. در مکاشفه ۲۱: ۲۷ آنها بیکه اسمشان در دفتر حیات بره ثبت می شود، در آن ساکن می شوند.

مساحت اورشلیم نو چقدر خواهد بود؟

طبق مکاشفه ۲۱: ۱۶ این شهر به شکل مکعب مربع است که عرض، طول و ارتفاع آن بطور مساوی به اندازه ۲۴۰۰ کیلومتر است.

آن شهر از چه چیزهایی ساخته خواهد شد؟

۱. طبق مکاشفه ۲۱: ۲۱، این شهر دوازده دروازه دارد که هر دروازه یک مروارید است.
۲. دیواری عظیم اطراف این شهر را احاطه کرده که ارتفاع آن حدود ۶۶ متر است.
۳. خیابانهای آن از طلای ناب است. ساختمانها از طلای ناب است. سنگهای فونداسیون آن از سنگ گرانها ساخته شده است.
۴. طبق مکاشفه ۲۱: ۲۳ شهر نیازی به روشنایی نور آفتاب یا ماه ندارد، زیرا جلال خدا آنرا منور می سازد.
۵. در اورشلیم نو معبدی برای پرستش وجود ندارد، زیرا خدای پدر و خدای پسر معبد آن هستند (آیه ۲۲). معبد نشان و سمبلی از حضور خدا بود. نشان و سمبل دیگر نیاز نیست، زیرا خود خدا آنجا حضور دارد.

در بهشت چه کاری انجام خواهیم داد؟

۱. **مشارکت و ارتباط نزدیک با خدا تا به ابد.** مکاشفه ۲۲: ۴ "و چهره او را خواهند دید."

یوحنا ۱۴: ۳ "جاییکه من هستم شما نیز باشید."

۲. **آرامی یافتن از خدمت های سنگین زندگی.** مکاشفه ۱۴: ۱۳ "تا از زحمات خود

آرامی یابند." یکی از عواقب گناه لعنت محصول زمین و عرق ریختن با کار سنگین بود.

هنگامی که به بهشت می رویم ما به خدمت ادامه خواهیم داد ولی خستگی خدمت وجود

نخواهد داشت.

۳. **خدمت هیجان انگیز.** مکاشفه ۲۲: ۳ "و بندگانش او را خدمت خواهند نمود."

لوقا ۱۶: ۱۰ "آنکه در اندک امین باشد در امر بزرگ نیز امین بُود."

۴. **سلطنت.** "و تا ابدالآباد سلطنت خواهند کرد." مکاشفه ۲۲: ۵

"و اگر تحمّل کنیم، با او سلطنت هم خواهیم کرد..." دوم تیموتاؤس ۲: ۱۲

۵. **پرستش.** "آنگاه آن بیست و چهارپیر میافتند در حضور آن تخت نشین و او را که تا ابدالآباد

زنده است عبادت می کنند." مکاشفه ۴: ۱۰

"زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است." یوحنا ۴: ۲۳. ما از عظمت خداوند

در بهشت شگفت زده خواهیم شد و در پاسخگویی به عظمتش، او را پرستش خواهیم کرد.

۶. **سرود خواندن.** "و سرودی جدید میسرایند و می گویند، مستحقّ هستی." مکاشفه ۵: ۹

"و فدیه شدگان خداوند بازگشت نموده، با ترنّم به صهیون خواهند آمد و خوشی جاودانی

بر سر ایشان خواهد بود. و شادمانی و خوشی را خواهند یافت و غم و ناله فرار خواهد کرد."

اشعیا ۳۵: ۱۰

۷. **خوردن و آشامیدن.** "و آنکه غالب آید، از مَنّا مخفی برای خوردن به وی خواهم داد."

مکاشفه ۱۷: ۲

"و نهری از آب حیات به من نشان داد که درخشنده بود، مانند بلور و از تخت خدا و برّه

جاری می شود." مکاشفه ۲۲: ۱

"و هر که تشنه باشد، بیاید و هر که خواهش دارد، از آب حیات بی قیمت بگیرد."

مکاشفه ۲۲: ۱۷

۸. شام عروسی بره. " و مرا گفت، بنویس، خوشابحال آنانی که به شام عروسی بره دعوت شده‌اند. " مکاشفه ۱۹: ۹

سوالات این درس:

- ۱- چند آسمان وجود دارد؟ اسم هر یک را نام ببرید؟
- ۲- صهیون چیست؟
- ۳- طبق دوم قرنتیان ۵: ۶-۸ مرگ برای مسیحیان چه معنی دارد؟
- ۴- در شهر خدای زنده چه کسانی وجود دارند؟
- ۵- آیا همدیگر را در بهشت خواهیم شناخت؟ یک مثال از کتاب مقدس در این باره بیان کنید؟
- ۶- بدن با شکوه ما در بهشت چگونه خواهد بود؟
- ۷- چیزهایی که در بهشت وجود ندارند را نام ببرید؟

۸- اورشلیم آسمانی چگونه خواهد بود؟ بطور مختصر شرح دهید؟

۹- چه کسانی در اورشلیم نو ساکن خواهند شد؟

۱۰- شهر اورشلیم نو از چه چیزهایی ساخته شده است؟

۱۱- ما در بهشت چه کاری انجام خواهیم داد؟ پنج مورد را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: عبرانیان ۱۲: ۲۲؛ مکاشفه ۲۱: ۲؛ مکاشفه ۲۲: ۱-۵

درس ۳۵: جدایی

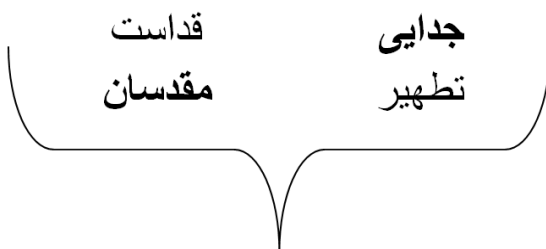
درس جدایی را که در این درس یاد می گیریم، یک جدایی شخصی است و همچنین آن عمل سپاسگزاری است برای چیزهایی که خداوند برای ما انجام داده. کتاب مقدس می گوید: "ما او را محبت می نماییم زیرا که او اوّل ما را محبت نمود" (اول یوحنا ۴: ۱۹). جدایی یک عمل رایج میان کلیساهای بپتیست در طول تاریخ کلیساها بوده است.

جدایی باید با طرز زندگی کردن و رفتار ما به عنوان فرزندان خدا ارتباط داشته باشد. این مبحث به مقدس بودن ما تأکید می کند، چنانچه خداوند به ما فرمان داده. "مقدس باشید زیرا که من قدّوسم." (اول پطرس ۱: ۱۶). احتمالاً مهمترین عنصر موضوع این درس به طرز تفکر و ذهنیت ما بستگی دارد. مقدس بودن می بایست خواسته همه ما مسیحیان باشد چون خدا این را از ما می خواهد. آن میوه و ثمره زندگی ما در مشارکت با خداست. یک مسیحی روحانی، به مسیحی مقدس تبدیل می شود و نه مسیحی "از تو مقدس تر" (اشعیا ۶۵: ۵). **قدوسیت، عدالت خدا در ماست ولی "از تو مقدس تر" عدالت خودی** است که شخص خود را بهتر و مقدستر از سایر مسیحیان جلوه می دهد که این بر خلاف خواسته خداست.

ما در دنیایی زندگی می کنیم که به سرعت تمام، اخلاقیات رد شده و ارزش چیزهای معنوی از بین می رود. این ضد اخلاقیات و فساد بطور جدی بر مسیحیان و کلیساها تأثیر گذاشته است که بعضی مواقع تشخیص دادن یک مسیحی از یک بی ایمان دشوار می شود.

منظور از "جدایی" چیست؟

۱. چهار کلمات معنوی با معانی یکسان برای واژه جدایی وجود دارند. لطفاً به شکل زیر توجه کنید.



همه این چهار کلمه معنی اصلی "سوا شده" را دارند

أ. وقتی که کتاب مقدس می گوید که خدا مقدس است، یعنی که او از تمامی آفرینش "برجسته یا جدا شده" است.

ب. وقتی که کتاب مقدس می گوید "خداوند را در قلبهایتان تقدیس کنید" یعنی اینکه ما باید خداوند را از تمامی خدایان و بتها جدا کنیم.

۲- دو جنبه جدایی در زندگی

جدایی کاربردی



به عنوان یک مسیحی، ما باید بطور جدا شده برای خدا زندگی کنیم.

(اول پطرس ۱: ۱۵) "بلکه مثل آن قدّوس که شما را خوانده است، خود شما نیز در هر سیرت، مقدّس باشید."

جدایی جایگاهی



در مسیح، ما جدا شده ایم برای خدا
(عبرانیان ۱۰: ۱۰) "و به این اراده مقدّس شده ایم، به قربانی جسد عیسی مسیح، یک مرتبه فقط."

۳- دو مسیر جدایی



دو روی یک سکه

(رومیان ۱۲: ۲) "و همشکل این جهان
مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت
خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که
ارادهٔ نیکوی پسندیده کامل خدا چیست."

(رومیان ۱۲: ۱) "لہذا ای برادران، شما
را به رحمت‌های خدا استدعا می‌کنم که
بدنهای خود را قربانی زنده مقدس پسندیده
خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است."

اساس جدایی کاربردی چیست؟

۱- **ذات خدا:** اول پطرس ۱: ۱۶ می گوید: "مقدس باشید زیرا که من قدّوسم."

۲- **نجات:** اول قرنتیان ۶: ۱۹، ۲۰ می گوید:

أ. "از آن خود نیستید"

ب. " زیرا که به قیمتی خریده شدید"

ج. " پس خدا را جلال دهید در بدنتان و در روحتان که از آن خداست."

۳- **تولد دوباره:** طبق دوم قرنتیان ۵: ۱۷

أ. مسیحیان به عنوان خلقت تازه یاد شده اند.

ب. چیزهای کهنه در گذشته است. یعنی روش زندگی گذشته (روشی که ما قبل از ایمانمان

رفتار و فکر می کردیم) که زمینه زندگی گناه آلود گذشته ما بود.

۴- **کلام خدا:** کتاب مقدس در دوم قرنتیان ۶: ۱۷ بطور واضح می گوید که "از میان ایشان

بیرون آید و جدا شوید."

جدایی از دنیا

۱- طبق یوحنا ۱۵: ۱۹، ایمانداران در دنیا هستند، ولی نباید از آن دنیا باشند زیرا خداوند ما را از این دنیا برگزیده و برای خود خوانده است.

جدایی انزوا و یا گوشه گیری نیست. جدایی عملی بدین معنی نیست که ما وارد یک زندگی منزوی می شویم و هیچ رابطه ای با غیر مسیحیان نداریم. عیسی مسیح هر روز با گناهکاران و بی ایمانان رابطه داشت و برای این عمل او توسط مذهبیهون ریاکار مورد سرزنش قرار گرفت.

(متی ۹: ۱۰-۱۳) "و واقع شد چون او در خانه به غذا نشسته بود که جمعی از باجگیران و گناهکاران آمده، با عیسی و شاگردانش بنشستند. و فریسیان چون دیدند، به شاگردان او گفتند، چرا استاد شما با باجگیران و گناهکاران غذا می خورد؟ عیسی چون شنید، گفت، نه تندرستان، بلکه مریضان احتیاج به طبیب دارند. لکن رفته، این را دریافت کنید که، رحمت می خواهم نه قربانی؛ زیرا نیامده ام تا عادلان را، بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.

۲- طبق اول یوحنا ۲: ۱۵، ایمانداران باید: "دنیا را و آنچه در دنیاست دوست مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در وی نیست."

وقتی که کتاب مقدس در این متن از "دنیا" سخن می گوید، منظور آفرینش خداوند و تدارکات مادی او و غیره نیست بلکه منظور از آن "سیستم دنیا" است که زیرسلطه شیطان است.

اول یوحنا ۲: ۱۶ دنیا را در مفهوم بد در ذیل تعریف می کند:

أ. شهوت جسم ب. خواهش چشم ج. غرور زندگانی

۳- اول یوحنا ۲: ۱۷ تعلیم می دهد که انجام دادن اراده و خواسته خدا مهمترین و پایدارترین چیزی است که ما می توانیم انجام دهیم.

۴- طبق یعقوب ۴: ۴، دنیوی بودن یک زنای روحانی است. در این آیه خداوند دوستی با دنیا را دشمنی با خدا می خواند. این منطقی نیست که کسی دو سیستم مخالف را دوست داشته باشد (نیکو و شر- چیزهای خدا و چیزهای دنیا).

۵- رومیان ۱۲: ۲ به ما تعلیم می دهد که "هم شکل این جهان نشویم."

۶- یعقوب ۱: ۲۷ دین صاف و خالص را بدینگونه تعریف می کند: "پرستش صاف و بی عیب نزد خدا و پدر این است، که یتیمان و بیوه زنان را در مصیبت ایشان تفقد کنند، [و] خود را از آلائش دنیا نگاه دارند."

۷- یک مسیحی دنیوی کسی است که خود را به ارضا کردن خواهشهای جسم می دهد که این عمل از ذات کهنه و گناه آلود است. لیست اعمال جسم در غلاطیان ۵: ۱۹- ۲۱ آمده است.

"و اعمال جسم آشکار است، یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور، و بُتپرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصّب و شقاق و بدعتها، و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال اینها که شما را خبر می دهیم، چنانکه قبل از این دادم، که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی شوند."

ناحیه های مختلف جدایی شخصی

جدایی بر رفتار ما تاثیر می گذارد و در ناحیه مختلف زندگی ما اثر می گذارد، مانند: چیزی که ما نگاه می کنیم، جاهایی که می رویم، کارهایی که انجام می دهیم، طرز ظاهر و لباس پوشیدن، چیزهایی که می گوئیم، با کسانیکه معاشرت می کنیم، و غیره. آیا رفتار و زندگی طبق تعالیم کتاب مقدس است؟ این درس سعی نمی کند که لیست چیزهایی به ما بدهد که آنرا انجام دهیم یا ندهیم، بلکه تا ما بتوانیم به زندگی شخصی خود دیدگاه معنوی داشته باشیم.

۱- چیزهایی که باید به چشم های خود اجازه نگاه کردن را بدهیم .

ا. مزامیر ۱۰۱:۳ "چیزی بد را پیش چشم خود نخواهم گذاشت."

ب. در ایوب ۳۱:۷، ۱ ما می بینیم که ایوب با خدا عهد بست که چشمانش به هیچ چیز بد نگاه نکند.

ج. چرا ما باید چشمان خود را از دیدن چیزهای زشت منع کنیم؟ چون دیدن آنها جان انسان را می رنجاند. مرثیه ۳:۵۱ را در نظر داشته باشید. "چشمانم به جهت جمیع دختران شهرم، جان مرا می رنجاند."

درس کاربردی درباره جدایی:

۱- این نقاط زیر از جدایی شخصی تاثیر عمده ای در زندگی ما می گذارد:

- **خواندن کتاب و مجله.** نشریات مبتذل و سکسی (چاپ شده یا مجازی) عفت یک مسیحی را بی حرمت می کند. مجله هایی که مدل، آرایش و رمان را تبلیغ می کند باعث تشویق و بنای زندگی معنوی یک مسیحی نمی شود.
- **برنامه های تلویزیون و ویدئو.** مهمترین دکمه کنترل تلویزیون دکمه "Off" است. داشتن تلویزیون در خانه چیز زائده ای است که باعث تنبلی و چاقی ما می شود. به جای اینکه ساعتها پای برنامه تلویزیون بنشینیم، ما می توانیم آن زمان را صرف خدمت خدا و بشارت دادن بکنیم. تلویزیون تأثیر به سزایی در افکار کودکان و نوجوانان می گذارد به جای اینکه حکمت و پندهای والدین بر آنها تاثیر بگذارند. ما باید با حکمت سرگرمیهای خود را انتخاب کنیم.
- **سرگرمی ها و فیلمهای دنیوی و غیر سالم.** فیلمهای هالیوود (با صحنه های خشن و سکسی و تخیلی) نه تنها به رشد معنوی ما کمک نمی کنند بلکه افکار و قلب پاک ما را آلوده می کنند و ما را از خدا دور می سازند.

۲- مکانهایی که باید به خود اجازه رفتن دهیم.

خداوند عیسی مسیح هر لحظه ممکن است که بازگشت کند، و ما نباید در آن موقع که او را ملاقات کنیم خجل زده شویم. در اول یوحنا ۲: ۲۸ خدا می فرماید: "الآن ای فرزندان در او ثابت بمانید تا چون ظاهر شود، اعتماد داشته باشیم و در هنگام ظهورش از وی خجل نشویم." اینها مکانهایی هستند که ما نباید پرویم: دیسکو، کنسرت خواننده های دنیوی و راک، فاحشه خانه ها، قمار خانه ها، مراکز رقص و سینماها با فیلمهای هالیوود، سرگرمیهای دنیوی و غیره.

۳- لباسهایی که باید بپوشیم.

مدل و طرز لباس پوشیدن مسئله دشواری است که می تواند از هرزگی به حجاب کامل تمام سر و صورت چرخش داشته باشد. کتاب مقدس در این باره ما را بطور کامل راهنمایی می کند. گرچه طرز تفکر و خواسته شخص برای معنویات، بستگی به خود شخص مسیحی دارد که طبق آن رفتار می کند.

ا. طرز لباس پوشیدن ما ثابت می کند که چه نوع شخصی هستیم، و چه چیزی در دل ماست و فلسفه و دیدگاه ما از زندگی چیست. (امثال ۷: ۱۰) "که اینک زنی به استقبال وی می آمد، در لباس زانیه و در خباثت دل." لباس این زن فاحشه ذات دل او را آشکار می کند.

ب. معیار لباس پوشیدن زنان اینست که به لباس با حیا مزین شوند. اول تیموتائوس ۲: ۹ "و همچنین زنان خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلفها و طلا و مروارید و رخت گرانها"

ج. ساق عریان در کتاب مقدس به عنوان لخت بودن فرض شده است. در اشعیا ۴۷ خدا بر بابل به دلیل شرارتش مجازات و داوری اعلام می کند. گرچه خدا در این متن به حالت نمادین سخن می گوید، او در اشعیا ۴۷: ۲-۳ می فرماید: "دامنت را بر کِش و ساقها را برهنه کرده، از نهرها عبور کن. عورت تو کشف شده، رسوایی تو ظاهر خواهد شد." آشکار کردن ساق یک زن با باز کردن ساق یا معادل لختی و عریان است.

مردان معمولاً از دیدن اندام زن وسوسه و تحریک می شوند. وقتی که یک زن لباس و دامن کوتاه می پوشد یا هر لباس چسبان، تنگ، بریده بریده، یا لباس کوتاه برش داده شده ای که می پوشد، فرم اندام او برجسته می شود که این باعث تحریک آقایان می شود. **یک زن مسیحی نباید با پوشیدن چنین لباسی باعث لغزش و تحریک برادران مسیحی مجرد و متأهل شود.** متی ۵: ۲۸ "لیکن من به شما می گویم، هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است."

اول تسالونیکیان ۴: ۷-۴ "تا هر کسی از شما بدانند چگونه باید ظرف خویشتن را در قَدَوسیت و عزّت دریابد، و نه در هوسِ شهوت، مثل اَمّت‌هایی که خدا را نمی‌شناسند. و تا کسی در این امر دست تطاول یا طمع بر برادر خود دراز نکند، زیرا خداوند از تمامی چنین کارها انتقام کشنده است."

آیا پوشیدن شلوار جین و یا شلوار کار پارچه ای برای خانمها طبق کلام خدا درست است؟

مدل امروزی اجازه می دهد که زنان شلوار جین و یا شلوار پارچه ای بپوشد. آیا این طرز لباس پوشیدن و مزین شدن زنان چیز با حکمتی است؟ در این باره به نکته های زیر توجه کنید:

- کتاب مقدس تعلیم می دهد که از ابتدا خدا انسان را مرد و زن آفرید تا کاملاً جدا و قابل تشخیص باشند. در تثنیه ۲۲: ۵ خدا مخالف دو جنسه بودن است. "متاع (لباس) مرد بر زن نباشد، و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هر که این را کند مکروه یهوه خدای توست."
- حدود پنجاه سال پیش، زنان شروع کردند به پوشیدن لباس مردان، انجام کار مردان، و همچنین در فعالیتهای مردان شرکت کردند.
- انتخاب پوشیدن لباس جنس مخالف در کتاب مقدس نهی شده است زیرا این عمل فرق بین جنس ها را مبهم می کند و بنابراین نظم و ترتیبی که خدا در آفرینش خود گذاشته را به هم می ریزد.
- زنان باید مثل خانم ها لباس بپوشند، و آقایان نیز مثل مردها. خدا مرد و زن را در دو جنس کاملاً مخالف ولی مشترکاً جذاب آفرید.

د. حدود و مرزهای انتخاب کردن لباس: باید از خود سوال کنیم:

- آیا انتخاب لباس از لحاظ اخلاقی چیزی که پاک و خالص است را منعکس می کند؟ یا آیا پیشنهادی و وسوسه انگیز است؟

- آیا آن مردانگی یا زن بودن ما را ظاهر می کند؟

خلاصه ای درباره لباس پوشیدن

مسیحیان به عنوان انعکاس دهندگان قدوسیت خدا در دنیایی که او را درک نمی کنند، باید مواظب طرز لباس پوشیدن باشند. امت خدا نیاز به بینش و حکمت دارند. امت خدا در هر فرهنگ و نسلی باید مراقب باشند تا این اصولات و حد و مرزهای ذکر شده بالا را رعایت کنند. در کلیساها خانمهایی که خدا را دوست دارند و می خواهند قدوسیت خداوند را در لباس پوشیدن منعکس کنند، دامن بلند می پوشند که اندازه آن تا پایین زانوی زن باشد و لباس بالا تنه ای می پوشند که سینه ها را پوشش دهد. وآفایان نیز لباس پارچه ای ساده و شیک (ترجیحاً کت و شلوار با پیراهن) ولی نه بسیار گران قیمت که باعث پُز و خودنمایی باشد.

چیزی که مشخص است اینست که در طی سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۷ یک انقلاب اجتماعی صورت گرفت که قسمتی از آن کنار گذاشتن فرق بین زن و مرد بود. آیا این انقلاب از طرف خدا بود؟ مسلماً خیر. این توسط کسانی صورت گرفت که ضد خدا و ضد نظم و مقررات او بودند. آیا خدا این را تأیید کرد؟ البته که نه، او در تثنیه ۲۲: ۵ می فرماید که باید بین مرد و زن فرق گذاشته شود و در اول قرنیتان ۱۱: ۱۴-۱۶ او بیان می کند که باید درازای موی مرد و زن باید حدود تعیین کننده خدا را منعکس کند.

ه. مسئله همیشگی دیگر، مدل و درازای موی مرد و زن است.

تعالیم و اصول عمومی در این باره در کتاب مقدس بصورت زیر است:

- (اول قرنیتان ۱۱: ۱۴) "آیا خودِ طبیعت شما را نمی آموزد که اگر مرد موی دراز دارد،

او را عار می باشد؟"

- (اول قرنیتان ۱۱: ۱۵) "و اگر زن موی دراز دارد، او را فخر است، زیرا که موی

بجهت پرده بدو داده شد؟"

دراز بودن موی یعنی چقدر دراز؟ یا کوتاه یعنی چقدر کوتاه؟ بجای اینکه دنبال پیدا کردن حدود درازی و کوتاهی مو باشیم، باید اول خودمان را تسلیم و مطیع خدا گردانیم که بالاتر و مهمتر از

این سوالات بی خود و بی جهت است و بعد از مطیع خدا بودن می توانیم بینش داشته باشیم که چگونه موی سر خود را کوتاه کنیم.

۴- حرف رذله‌های ما چگونه باشد؟

- ا. در یعقوب ۳: ۲-۱۳ متن خوبی در رابطه با زبان و سخن گفتن آمده است.
- "و زبان آتشی است! آن عالم ناراستی در میان اعضای ما زبان است که تمام بدن را می‌آلاید."
- "لکن زبان را کسی از مردمان نمی‌تواند رام کند؛ شرارتی سرکش و پراز زهر قاتل است!"
- "از یک دهان برکت و لعنت بیرون می‌آید! ای برادران، شایسته نیست که چنین شود."
- ب. افسسیان ۴: ۲۵ می‌گوید که باید "دروغ گفتن را کنار بگذاریم" و آیه ۲۹ به ما تعلیم می‌دهد که "مخالف سخنها زشت باشیم."
- ج. باید با فیض سخن بگوییم. کولسیان ۴: ۶ "گفتگوی شما همیشه با فیض باشد و اصلاح شده به نمک، تا بدانید هرکس را چگونه جواب باید داد."
- با این طرز فکر قانع نباشید که "من دروغ نمی‌گویم و فحاشی و لعنت نمی‌کنم." یک مسیحی بالغ از سخنانی استفاده می‌کند که دیگران را بنا و تشویق کند. ما گناه دروغ و لعنت کردن را کمتر مرتکب می‌شویم تا گناه خبرچینی، غیبت‌گویی، گزافه‌گویی و نام خدا را بیهوده بیاد بردن.

۵- با چه کسانی که باید معاشرت کنیم؟

- ا. طبق مزامیر ۱: ۱، شخصی در زندگی برکت می‌گیرد که: "خوشابحال کسی که به مشورت شریان نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزاکنندگان ننشیند."
- ب. طبق اول قرن‌تیا ۵: ۱۱، ما نباید با مسیحیانی همراه باشیم که دنیوی و از خدا برگشته هستند.
- ج. طبق امثال ۲۲: ۲۴ ما باید از آدم‌های عصبانی دوری کنیم.

د. طبق امثال ۹: ۶ و ۱۳: ۲۰ و ۱۴: ۷ و ۲۳: ۹ ما باید از نادانان دوری کنیم. چرا؟ لطفاً مزامیر ۱۴: ۱ و امثال ۱: ۷ و ۱۲: ۱۵ و ۱۴: ۹ را بخوانید.

ه. ما نباید به فضول و خبر چینان گوش دهیم. (امثال ۱۶: ۲۷-۲۸؛ ۱۸: ۸؛ ۲۰: ۱۹؛ ۲۶: ۲۰ - ۲۲؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۱؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۳).

چگونه با خبر چینان برخورد کنیم؟

بهترین راه جلوگیری از خبرچینی اینست که به آن شخص چیزی مانند این را بگوییم. "یک لحظه لطفاً، بیا برویم سراغ آن کسی که درباره اش صحبت می کنی و در مقابل او راجب او حرف بزنیم."

۶- چیزهایی که درباره اش باید فکر کنیم.

این ناحیه از قدوسیت شخصی به کیفیت درونی انسان ربط دارد تا به رفتار ظاهری. هیچکس نمی تواند بداند که ما به چه چیزهایی فکر می کنیم به جز خدا. بیشتر مواقع مسیحیان در این ناحیه یا برنده می شوند یا می بازند.

۱- فیلیپیان ۴: ۸ "خلاصه ای برادران، هرچه راست باشد و هرچه مجید و هرچه عادل و هرچه پاک و هرچه جمیل و هرچه نیک نام است و هر فضیلت و هر مدحی که بوده باشد، در آنها تفکر کنید."

۲- یک شاعر در شعرش می گوید:

فکر را بکارید تا عمل را درو کنید. عمل را بکارید تا عادت را درو کنید

عادت را بکارید تا شخصیت را درو کنید. شخصیت را بکارید تا مقصد را درو کنید.

۳- آیه های کتب مقدس را حفظ کنید تا برای روحتان در هنگام نیاز، غذایی باشد. و به آنها عمل کنید.

جدایی در شراکتهای نزدیک

۱. دوم قرنیتان ۶: ۱۴ به ما هشدار می دهد که با بی ایمانان شراکت نزدیک نداشته باشیم. " زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مشوید."

۲. اصلی ترین و مهمترین اصول در آیه بالا در امر ازدواج است.

أ. ازدواج کردن با یک شخص بی ایمان و نجات نیافته یک عمل اشتباه و خطرناک برای مسیحیان است.

ب. یوغ ناموافق در این رابطه پیش بینی شده است. (دوم قرنیتان ۶: ۱۴-۱۶ را بخوانید) " زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه مشارکت و نور را با ظلمت چه همدلی است؟ و مسیح را با بلیعال چه مناسبت و مؤمن را با کافر چه نصیب است؟ و هیکل خدا را با بتها چه موافقت؟ زیرا شما هیکل خدای حی می باشید،

• عدالت با بی عدالتی = مشارکت

• نور و تاریکی = همدلی

• مسیح و بلیعال = مناسبت

• مؤمن و کافر = نصیب

• معبد خدا و بت = موافقت

ج. مسیحیان در هنگام یافتن شریک و همدم برای خود، اگر به این اصول کتاب مقدس عمل کنند، زمان، سکتة قلبی، و پول زیادی را پس انداز می کنند.

سه بهانه ای که مسیحیان نمی خواهند با جدایی زندگی کنند. آنها می گویند:

۱- سایر مسیحان آن معیار ما را ندارند. این درست است که مسیحیان دیگر در گوش دادن ترانه، موزیک راک، مدل دنیوی، تفریحات و سرگرمیهای سوال برانگیز و غیره ایراد نمی بینند. ولی این دلیل نمی شود که فکر کنیم آنها کار درستی انجام می دهند. ما باید کلام خدا را بخوانیم و ببینیم خدا از ما می خواهد که چگونه زندگی کنیم.

يعقوب ۴: ۱۷ می گوید: " پس هر که نیکویی کردن بداند و به عمل نیاورد، او را گناه است."

۲- مهمترین چیز اینست که یک مسیحی باید برای بشارت دادن هم شکل آدمهای نجات نیافته شود تا مورد قبول و پسند آنها باشد. این عقیده درستی نیست! انسان باید مورد پسند خدا باشد نه انسان. (افسیان ۵: ۱۰) " و تحقیق نمایید که پسندیده خداوند چیست."

یک مسیحی مقدس کسی است که پر از محبت، خوشی، صلح، صبر، آرامی، نیکویی، ایمان، تواضع، خودداری، و دلسوزی است که هیچ مشکلی برای بشارت دادن ندارد. ما برای بشارت دادن نباید مثل دیگران شویم تا آنها را به مسیح هدایت کنیم، بلکه باید شبیه عیسی مسیح شویم و بگذاریم که نور مسیح در ما بتابد تا دیگران با دیدن اعمال نیکوی ما به سوی آن نور کشیده شوند. (متی ۵: ۱۶) " همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند."

۳- من در مسیح آزادم. این صحیح است، ولی آزادی یک مجوز نیست. آزادی در مسیح اینست که ما کار درست را انجام دهیم و این هرگز به این معنی نیست که ما هر کاری را که بخواهیم، می توانیم انجام دهیم.

أ. طبق غلاطیان ۵: ۱۳، ما این آزادی در مسیح را نباید برای ارضای نفس و جسم خود استفاده کنیم. " زیرا که شما ای برادران به آزادی خوانده شده اید؛ اما زنجار آزادی خود را فرصت جسم مگردانید، بلکه به محبت، یکدیگر را خدمت کنید." آزادی ما نباید برای اسارت عاداتهای بد و گناه استفاده شود.

ب. اول قرنیتان ۶: ۱۲ می گوید که ما نباید تحت تسلط چیزی قرار بگیریم. " همه چیز برای من جایز است لکن هر چیز مفید نیست. همه چیز برای من رواست، لیکن نمی گذارم که چیزی بر من تسلط یابد."

ج. آزادی ما محدود به چیزهایی است که باعث بنای دیگران شود. " همه چیز جایز است، لیکن همه مفید نیست؛ همه رواست، لیکن همه بنا نمی کند." (اول قرنیتان ۱۰: ۲۳)

د. آزادی بهانه ای برای مخفی کردن گناهان نیست، و نباید برای پوشش شرارت استفاده شود. "مثل آزادگان، اما نه مثل آنانی که آزادی خود را پوشش شرارت می سازند، بلکه چون بندگان خدا." (اول پطرس ۲: ۱۶)

ه. طبق اول قرنیتان ۸: ۹، آزادی ما نباید باعث لغزش مسیحی ضعیف شود. "لکن احتیاط کنید مبدا اختیار شما باعث لغزش ضعفا گردد."

چگونه می توانیم افکارمان را از چیزهای سوال بر انگیز دور کنیم؟

موارد زیر اصولاتی از کتاب مقدس هستند برای در نظر داشتن چیزهایی که برای رفتار یک مسیحی مورد قبول هستند و یا چیزهایی که مورد قبول نیستند.

۱- **به بالا نظر افکنید.** (کولسیان ۳: ۲) "در آنچه بالا است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است."

أ. آیا آن عمل و فعالیت فرمان خدا را می شکند؟

ب. آیا با شرکت کردن در آن و عمل کردن آن، خداوند جلال می یابد؟

ج. (اول قرنیتان ۱۰: ۳۱) "پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هرچه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید."

۲- **به درون نظر افکنید.** (اول قرنیتان ۶: ۱۹-۲۰) "یا نمی دانید که بدن شما هیکل روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟ زیرا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید."

أ. چه تأثیری آن بر من خواهد گذاشت؟

• بر بدنم؟

• بر ذهنم؟

ب. اگر در حین انجام آن فعالیت عیسی مسیح باز گشت کند، چه احساسی خواهم داشت؟

ج. آیا می توانم به همه اعلام کنم که آن عمل را انجام دادم؟ (یوحنا ۳: ۲۰)

د. آیا می توانم برای آن عمل دعا کنم و خدا را سپاس گویم؟

۳- به بیرون نظر افکنید.

(اول قرنثیان ۸: ۱۲) "و همچنین چون به برادران گناه ورزیدید و ضمایر ضعیفشان را صدمه رسانیدید، همانا به مسیح خطا نمودید."

ا. چه تأثیری آن بر آدم نجات نیافته خواهد داشت؟

ب. آیا آن فعالیت به نظر چیز بدی است؟

ج. چه تأثیری آن بر یک مسیحی نجات یافته خواهد داشت؟

د. آیا آن باعث لغزش برادری می شود؟

زندگی خود را مطابق با تعالیم و اصول کتاب مقدس که در این درس آموختیم، آزمایش کنید. برای تبدیل شدن به یک مسیحی روحانی، برای انجام کارهایی یا انجام ندادن آنها نباید لیست درست کنید. روحانی بودن یک انسان از دل سرچشمه می گیرد که به سوی خدا تشنه می شود. او را دوست بدارید و ما فوق توان خود برای او زندگی کنید. در طی این مرحله، مسیحیان دیگر را قضاوت و محکوم نکنید. شاید آنها مثل شما زندگی نکنند.

(غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱) "و اعمال جسم آشکار است، یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور، و بُت پرستی و جادوگری و نفرت و اختلاف و هم چشمی و خشم و نزاع و فتنه و کفر، و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال اینها که شما را خبر می دهم، چنانکه قبل از این دادم، که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی شوند."

• **زنا** = رابطه جنسی وقتی که یکی از آن دو نفر متأهل است.

• **فسق** = (پورنیا) این یک واژه عمومی است که برای تمام رابطه جنسی نامشروع استفاده می شود.

- **ناپاکی** = هر نوع ناخالصی اخلاق و معنویات که انسان را از خدا دور می کند.
- **فجور** = افراط و زیاده روی غیر قابل کنترل در سکس بدون شرم و حیا و بدون در نظر گرفتن اینکه دیگران چه فکر می کنند.
- **بت پرستی** = پرستش کردن هر چیزی که ساخت دست بشر باشد.
- **جادوگری** = این واژه ای بود که برای استفاده از داروهایی که باعث تغییر فکر و ذهن انسان می شود، به خصوص در مراسمات مذهبی برای تحریک کردن رابطه با خدایان.
- **نفرت** = مربوط می شود به طرز تفکر. طرز تفکر نفرت انگیز به سوی دیگران.
- **اختلاف** = مربوط می شود به طرز عمل (درگیری تلخ) به سبب طرز تفکر نفرت انگیز.
- **هم چشمی** = حسودی
- **خشم** = طغیان عصبانیت غیر قابل مهار.
- **نزاع** = بحث و درگیری به دلیل طغیان عصبانیت.
- **فتنه** = نفاق و اختلاف.
- **کفر** = عدم اتفاق، خصومت بین دو گروه.
- **حسد** = نشان دادن حسد به دلیل گناهان ذکر شده بالا.
- **قتل** = کشتن انسان. این آخر و عاقبت خشم، نزاع، فتنه، حسد و غیره است.
- **مستی** = پر شدن از مشروبات الکلی.
- **لهو و لعب** = میگساری و عیاشی کردن، خوش گذرانی کردن، داد و بیداد کردن، بلند و ناهنجار، و رفتار خام.

سوالات این درس:

- ۱- منظور از "جدایی" چیست؟
- ۲- دو جنبه جدایی در زندگی کدامند؟ هر کدام را شرح دهید؟

۳- چهاراساس جدایی عملی کدامند؟

۴- دو آیه از کتاب مقدس که به ما حکم می کند که از دنیا جدا شویم را بنویسید؟

۵- مسیحی دنیوی چگونه شخصی است؟

۶- در چه ناحیه هایی مختلف باید جدایی شخصی داشته باشیم؟

۷- آیا پوشیدن شلوار جین یا شلوار کار پارچه ای برای زنان مورد پسند خداست؟ آیه ای از کتاب مقدس را در این باره بنویسید؟

۸- (اول قرنثیان ۱۱: ۱۴) " آیا خودِ طبیعت شما را نمی آموزد که اگر مرد دارد، او را می باشد؟"

(اول قرنثیان ۱۱: ۱۵) " و اگر زن دارد، او را است، زیرا که بجهت بدو داده شد؟"

۹- با چه کسانی نباید شراکت کنیم؟

۱۰- " زیر یوغ ناموافق با مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه و نور را با ظلمت چه است؟ و مسیح را با بلیعال چه و مؤمن را با کافر چه است؟ و هیکل خدا را با بتها چه؟ زیرا هیکل خدای حیّ می‌باشید، "

۱۱- سه بهانه که مسیحیان نمی خواهند با جدایی زندگی کنند را نام ببرید؟

۱۲- آزادی در مسیح را برای چه چیزهایی باید استفاده کنیم؟

۱۳- چگونه می توانیم سوالات را از چیزهای سوال بر انگیز برداریم؟ هر کدام را بطور مختصر توضیح دهید؟

آیه کلیدی این درس: دوم قرنتیان ۶: ۱۴-۱۸؛ اول پطرس ۱: ۱۶

درس ۳۶: ترس و اضطراب

هدف: اینست که از وسوسه ترس و نگرانی آگاه باشیم و از منابع خداوند که می تواند بر ترس و نگرانی غلبه کند، آشنا شویم. و تا فرصتی برای ما باشد که به دیگران در غلبه کردن بر ترس و نگرانی یاری رسانیم.

عیسی مسیح با تسلط بر طبیعت، طوفان، مرگ، فاصله، و غیره ثابت کرد که الوهیت کامل و پری خدا را دارد. رسولان در حالیکه همه این موجزات او را دیدند اما هنوز کم ایمان بودند و این کم ایمانی ترس و اضطراب در آنها بوجود آورد.

امروزه وسوسه به ترس و اضطراب در میان همه مردم دنیا رایج است، اما با اعتماد کردن به خدا در همه شرایط زندگی می شود بر آن غلبه کرد. ترس و اضطراب در زندگی پایان نمی یابد، ولی در عوض می توانیم در ترس و اضطراب، آرامش و شادی خداوند را از طریق عیسی مسیح تجربه کنیم.

ترس و اضطراب و استرس گناهی است که می تواند ذهن ما را فلج کند، بدن را از جنبش و حرکت باز دارد، و مانع رشد ما در مسیح شود. بعد از باور کردن دروغهای شیطان، آدم و حوا این گناه را با انتخاب کردن نافرمانی از خدا، مرتکب شدند (پیدایش ۳: ۹-۱۰). شیطان پشت این مانع رشد ما در مسیح است، اما خداوند تمام چیزهایی که برای غلبه به ترس و اضطراب نیاز است را به ما داده است. دوم تیموتائوس ۱: ۷ "زیرا خدا به ما روح ترس را نداده، بلکه قدرت و محبت و ذهن خوب را داده است." (متی ۶: ۲۵-۳۴؛ فیلیپیان ۴: ۶-۹؛ اول یوحنا ۴: ۱۸ و ۵: ۴-۵).

وقتی که ما برای خشنود کردن نفس خود زندگی می کنیم، موقعیتهایی که خداوند بوجود می آورد تا به ما بیاموزد که چگونه به او اعتماد و توکل کنیم، در عوض تبدیل به ترس و اضطراب می شود. (مزامیر ۳۱: ۱-۵ "ای خداوند بر تو توکل دارم؛ پس خجل نشوم تا به ابد. در عدالت خویش مرا نجات بده. گوش خود را به من فراگیر و مرا به زودی برهان. برایم صخره‌های قوی و خانه‌ای حصین باش تا مرا خلاصی دهی. زیرا صخره و قلعه من تو هستی. به خاطر نام خود مرا هدایت و رهبری فرما. مرا از دامی که برایم پنهان کرده‌اند بیرون آور. زیرا قلعه من تو هستی. روح خود را به دست تو می سپارم. ای یهوه، خدای حق، تو مرا فدیه دادی." (اشعیا ۱۲: ۲؛ مرثیه ۳: ۲۲-۲۴؛ لوقا ۱۲: ۲۹-۳۱؛ یعقوب ۱: ۲-۴؛ اول پطرس ۵: ۵-۷).

موقعیتهایی که ما را به ترس و اضطراب وسوسه می کنند:

موقعیتهای زندگی

مشرف بودن به مرگ

قبض و جرمه های غیر منتظرانه

کاهش یا از دست دادن درآمد

زخمی، فلج شدن یا بیماری مزمن

جراحی قریب الوقوع

احساس از دست دادن رابطه و دوستی

جستجو کردن کلیسا، کار و خانه جدید

آزار و شکنجه و تهدید

فرار فرزندان از خانه

فکری و روحی

رد کردن نجات عیسی مسیح

نقشه برای انجام گناه یا پنهان گناهان

گذشته

تعویق یا تردید و دو دلی

فقدان دعا

خبر نداشتن از آینده

تمرکز کردن بر عوض کردن زندگی

دیگران

شکست خوردن در ترمیم گناه دیگران

نبخشیدن دیگران

خواستن راههای خود بطور همیشگی

عکس العمل نشان دادن در برابر وسوسه برای ترس و اضطراب مطابق با کتاب مقدس:

۱. **ترس از خدا** (مزامیر ۳۳: ۸) "تمامی اهل زمین از خداوند بترسند؛ جمیع سکنه ربع مسکون از او بترسند."

امثال ۲۳: ۱۷ "دل تو به جهت گناهکاران غیور نباشد، اما به جهت ترس خداوند تمامی روز غیور باش،" (جامعه ۱۲: ۱۳؛ متی ۱۰: ۲۸)
ترس از خدا باعث:

۱. نجات انسان می شود (مزامیر ۸۵: ۹ "یقیناً نجات او به ترسندگان او نزدیک است تا جلال در زمین ما ساکن شود.")

۲. حکمت و دانش انسان می شود (مزامیر ۱۱۱: ۱۰ "ترس خداوند ابتدای حکمت است.")؛
امثال ۱: ۷؛ اشعیا ۳۳: ۶.

۳. پایداری انسان می شود (مزامیر ۱۱۲: ۷ "از خبر بد نخواهد ترسید. دل او پایدار است و بر خداوند توکل دارد.")

۴. بهبود سلامتی انسان می شود (امثال ۳: ۷-۸ "خویشتن را حکیم مپنداره، از خداوند بترس و از بدی اجتناب نما. این برای ناف تو شفا، و برای استخوانهایت مغز خواهد بود.")

۵. طولانی شدن عمر انسان می شود (امثال ۱۰: ۲۷ "ترس خداوند عمر را طویل می سازد، اما سالهای شریران کوتاه خواهد شد.")

۶. انرژی و زنده دلی انسان می شود (امثال ۱۴: ۲۷ "ترس خداوند چشمه حیات است، تا از دامهای موت اجتناب نمایند.")

۷. محبت و نیکویی خداوند به انسان می شود (مزامیر ۳۱: ۱۹) "زهی عظمت احسان تو که برای ترسندگان ذخیره کرده ای و برای متوکلان پیش بنی آدم ظاهر ساخته ای." (مزامیر ۱۰۳: ۱۱، ۱۳، ۱۷).

۸. پاداش جاودانی انسان می شود (مکاشفه ۱۱: ۱۸) و اَمّت ها خشمناک شدند و غضب تو ظاهر گردید و وقت مردگان رسید تا بر ایشان داوری شود و تا بندگان خود، یعنی انبیا و مقدّسان و ترسندگان نام خود را چه کوچک و چه بزرگ اجرت دهی و مُفسدان زمین را فاسد گردانی.").

۹. بودن چشم و حواس خداوند بر انسان می شود (مزامیر ۳۳: ۱۸-۲۲) "اینک چشم خداوند بر آنانی است که از او می ترسند، بر آنانی که انتظار رحمت او را می کشند. تا جان ایشان را از موت رهایی بخشد و ایشان را در قحط زنده نگاه دارد. جان ما منتظر خداوند می باشد. او اعانت و سپر ما است. زیرا که دل ما در او شادی می کند و در نام قدوس او توکل می داریم. ای خداوند رحمت تو بر ما باد، چنانکه امیدوار تو بوده ایم." (مزامیر ۳۴: ۹، ۷).

۱۰. برکات خداوند شامل حال انسان می شود (مزامیر ۱۱۵: ۱۳) "ترسندگان خداوند را برکت خواهد داد، چه کوچک و چه بزرگ.").

۱۱. اطاعت و انگیزه داشتن برای خدمت به خداوند توسط انسان می شود. "پس الان ای اسرائیل، یهوه خدایت از تو چه می خواهد، جز اینکه از یهوه خدایت بترسی و در همه طریقه های سلوک نمایی، و او را دوست بداری و یهوه خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمایی." (تثنیه ۱۰: ۱۲)

(دوم قرن ثانیان ۷: ۱) "پس ای عزیزان، چون این وعده ها را داریم، خویشان را از هر نجاست جسم و روح طاهر بسازیم و قدّوسیّت را در خدا ترسی به کمال رسانیم."

۱۲. اعتماد قوی انسان می شود (امثال ۱۴: ۲۶) "در ترس خداوند اعتماد قوی است، و فرزندان او را ملجأ خواهد بود."

۲. ترس نداشتن از انسانها. (اعداد ۱۴: ۹) "زنهار از خداوند متمرّد مشوید، و از اهل زمین ترسان مباشید، زیرا که ایشان خوراک ما هستند، سایه ایشان از ایشان گذشته است، و خداوند با ماست، از ایشان مترسید."

مزامیر ۴۶: ۱-۳ "خدا ملجا و قوّت ماست، و مددکاری که در تنگیها فوراً یافت می شود. پس نخواهیم ترسید، اگر چه جهان مبدل گردد و کوهها در قعر دریا به لرزش آید. اگر چه آبهای آشوب کنند و به جوش آیند و کوهها از سرکشی آن متزلزل گردند، سیلاه." (تثیه ۱: ۱۶-۱۷؛ امثال ۳: ۲۵-۲۶؛ متی ۱۰: ۲۴-۲۸).

به جای ترسیدن از انسان باید از خداوند بترسیم و به او توکل کنیم (مزامیر ۲۳: ۴) "چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی؛ عصا و چوبدستی تو مرا تسلی خواهد داد."

مزامیر ۵۶: ۱۱ "بر خدا توکل دارم پس نخواهم ترسید چه آدمیان به من توانند کرد." (مزامیر ۱۱۸: ۶)

با محبت عکس العمل نشان دهیم (دوم قرنیتان ۱۱: ۲۳-۲۹) "آیا خدّام مسیح هستند؟ چون دیوانه حرف می زنم، من بیشتر هستم! در محنتها افزوتر، در تازیانه ها زیادتر، در زندانها بیشتر، در مرگها مکرّر. از یهودیان پنج مرتبه از چهل یک کم تازیانه خوردم. سه مرتبه مرا چوب زدند؛ یک دفعه سنگسار شدم؛ سه کَرّت شکسته کشتی شدم؛ شبانه روزی در دریا بسر بردم؛ در سفرها بارها؛ در خطرهای نهرها؛ در خطرهای دزدان؛ در خطرهای قوم خود و در خطرهای از امّت ها؛ در خطرهای شهر؛ در خطرهای دریابان؛ در خطرهای دریا؛ در خطرهای میان برادران کذبّه؛ در محنت و مشقّت، در بیخوابیها بارها؛ در گرسنگی و تشنگی، در روزه ها بارها؛ در سرما و عریانی. بدون آنچه علاوه بر اینها است، آن باری که هر روزه بر من است، یعنی اندیشه برای همه کلیساها. کیست ضعیف که من ضعیف نمی شوم؟ که لغزش می خورد که من نمی سوزم؟" (اول سموئیل ۱۷: ۱۱، ۲۴، ۳۲؛ استر ۴: ۱۱، ۵: ۲؛ اعمال ۱۶: ۱۹-۳۲)

۳. ما نباید نگران و مضطرب باشیم زیرا این عمل نشان می دهد که ما به خداوند توکل نداریم و این مانع ثمره آوردن ما می شود. (متی ۶: ۲۵ - ۳۴؛ لوقا ۸: ۱۴) اما آنچه در خارها افتاد اشخاصی می باشند که چون شنوند می روند و اندیشه های روزگار و دولت و لذات آن ایشان را خفه می کند و هیچ میوه به کمال نمی رسانند. ("

محبت مقتدر عیسی مسیح باعث خلع سلاح ترس می شود:

۱. با غلبه بر مرگ، عیسی مسیح آنانی را که به او اعتماد می کنند، از ترس مرگ رهایی می دهد و آنها را از بردگی گناه و شیطان آزاد می کند (رومیان ۶: ۵-۷) زیرا اگر بر مثال موت او متحد گشتیم، هرآینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد. زیرا این را می دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم. زیرا هر که مُرد، از گناه مبرا شده است."

(عبرانیان ۲: ۱۴ - ۱۵) "پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او نیز همچنان در این هر دو شریک شد تا بوساطت موت، صاحب قدرت موت، یعنی ابلیس، را تباه سازد؛ و آنانی را که از ترس موت، تمام عمر خود گرفتار بندگی می بودند، آزاد گرداند."

۲. محبت خدا به ما بوسیله مرگ پسرش روی صلیب برای گناهان ما که ما را به خانواده جاودانی خدا ملحق می کند اثبات می شود. بنابراین این ما را از ترس و اضطراب آزاد می کند (رومیان ۵: ۸) "لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد."

(رومیان ۸: ۱۵) "از آنرو که روح بندگی را نیافته اید تا باز ترسان شوید بلکه روح پسر خواندگی را یافته اید، که به آن ابا، یعنی ای پدر ندا می کنیم."

۳. از طریق عیسی مسیح، خدا به ما قدرت و محبت و ذهن خوب می دهد که نمی تواند با ترس همراه باشد. دوم قرنثیان ۱: ۷

چگونه بر ترس و اضطراب غلبه کنیم؟

۱. افکار تان مطابق کلام خدا باشد.

۱. به خاطر داشته باشید که خداوند وعده داده که حتی در شرایط بحرانی از ما مراقبت کند (مزامیر ۲۳: ۱-۶) "خداوند شبان من است؛ محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. در مرتعهای سبز مرا می خواباند. نزد آبهای راحت مرا رهبری می کند. جان مرا برمی گرداند و به خاطر نام خود به راههای عدالت هدایت می نماید. چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی؛ عصا و چوبدستی تو مرا تسلی خواهد داد. سفرهای برای من به حضور دشمنانم می گسترانی. سر مرا به روغن تدهین کرده ای و کاسهام لبریز شده است. هرآینه نیکویی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود و در خانه خداوند ساکن خواهم بود تا ابدالآباد." (مزامیر ۳۷: ۵؛ امثال ۳: ۲۵ و ۲۶؛ متی ۱۰: ۲۸-۳۱؛ رومیان ۸: ۳۶-۳۹).

۲. افکار گناه آلود خود را به خداوند اعتراف کنید و از او بخواهید که به شما یاری رساند که اینگونه افکار گناه آلود را عوض کند (عبرانیان ۴: ۱۵-۱۶) "زیرا رئیس کهنه ای نداریم که نتواند همدرد ضعفهای ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما، بدون گناه. پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت ما را اعانت کند." (اول تسالونیکیان ۵: ۱۷؛ یعقوب ۱: ۵).

۳. به راههایی فکر کنید که می تواند ایمانداران دیگر را برای تحریک به محبت و اعمال نیک تشویق کند (عبرانیان ۱۰: ۲۳-۲۵) "و اعتراف امید را محکم نگاه داریم، زیرا که وعده دهنده امین است. و ملاحظه یکدیگر را بنماییم تا به محبت و اعمال نیکو ترغیب نماییم. و از با

هم آمدن در جماعت غافل نشویم چنانکه بعضی را عادت است، بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیاده‌تر به اندازه‌ای که می‌بینید که آن روز نزدیک می‌شود."

۴. شادی کنید و در همه چیز شکرگذار خدا باشید (افسیان ۵: ۲۰) "و پیوسته، بجهت هر چیز

خدا و پدر را به نام خداوند ما عیسی مسیح شکر کنید." (اول تسالونیکیان ۵: ۱۶، ۱۸)

۵. به خاطر داشته باشید که خداوند وعده داده که همیشه با ما باشد. (عبرانیان ۱۳: ۵) "سیرت

شما از محبتِ نقره خالی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید زیرا که او گفته است، تو را

هرگز رها نکنم و تو را ترک نخواهم نمود." و (متی ۲۸: ۲۰).

۶. با عیسی مسیح قادر خواهید بود که هر کاری را انجام دهید (فیلیپیان ۴: ۱۳) "قوت انجام

هرچیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می‌بخشد."

۲. گفتار تان مطابق کلام خدا باشد.

۱. راجب به دستاوردهای گذشته، صحبت نکنید (امثال ۲۷: ۲) "دیگری تو را بستايد و نه

دهان خود؛ غریبی و نه لبه‌ای تو."

(دوم قرنتیان ۱۰: ۱۸) "زیرا نه آنکه خود را مدح کند مقبول افتد بلکه آن را که خداوند

مدح نماید."

۲. راجب به شکست خوردن‌های گذشته صحبت نکنید (فیلیپیان ۳: ۱۳-۱۴) "ای برادران،

گمان نمی‌برم که من بدست آورده‌ام؛ لیکن یک چیز می‌کنم که آنچه در عقب است

فراموش کرده و به سوی آنچه در پیش است، خویشتن را کشیده، در پی مقصد می‌کوشم

بجهت انعام دعوت بلند خدا که در مسیح عیسی است."

۳. خودتان را با دیگران یا خود مقایسه نکنید (دوم قرنتیان ۱۰: ۱۲) "زیرا جرأت نداریم که

خود را از کسانی که خویشتن را مدح می‌کنند بشماریم، یا خود را با ایشان مقابله نماییم؛

بلکه کسانی که خود را با خود می‌پیمایند و خود را به خود مقابله می‌نمایند، دانا نیستند."

۴. از اتهام، خبر چینی یا صحبت‌هایی که باعث بنا کردن دیگران نمی‌شود، خود داری کنبد (افسیان ۴: ۲۹) "هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید، بلکه آنچه بحسب حاجت و برای بنا نیکو باشد تا شنوندگان را فیض رساند." (لوقا ۱۰: ۲۰؛ کولسیان ۴: ۶؛ عبرانیان ۱۳: ۱۵).

۳. اعمالتان مطابق کلام خدا باشد.

۱. دیگران را ببخشید همانطوریکه خداوند شما را در عیسی مسیح بخشیده (افسیان ۴: ۳۲) "و با یگدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است." همچنین به (کولسیان ۳: ۱۳) مراجعه کنید.

۲. آیه‌های کتاب مقدس را مطالعه و حفظ کنید و در آنها تفکر کنید، مخصوصاً آیه‌هایی که در رابطه با ترس و اضطراب و اعتماد کردن به خداست. (مزمیر ۱۱۹: ۹، ۱۱) "به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو. کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم." (دوم قرنتیان ۱۰: ۵؛ فیلیپیان ۴: ۸؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۵).

۳. پیوسته با شکر گذاری دعا کنید. (فیلیپیان ۴: ۶) "برای هیچ چیز اندیشه مکنید، بلکه در هر چیز با صلوات و دعا با شکرگزاری مسؤولات خود را به خدا عرض کنید." (اول یوحنا ۵: ۱۴-۱۵).

۴. نگرانی‌های خود را به خداوند بسپارید (اول پطرس ۵: ۷) "و تمام اندیشه خود را به وی وا گذارید، زیرا که او برای شما فکر می‌کند."

۵. در هنگام ترس، سریعاً از خداوند طلب کمک کنید. یعقوب ۱: ۵ "و اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سؤال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می‌کند و ملامت نمی‌نماید، و به او داده خواهد شد."

(عبرانیان ۴: ۱۵-۱۶) "زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعف‌های ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما، بدون گناه. پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت ما را اعانت کند."

سوالات این درس:

۱- ترس و اضطراب چیست؟

۲- چند تا از موقعیتهایی که ما را به ترس و اضطراب وسوسه می کنند را نام ببرید؟

۳- سه عکس العمل در برابر وسوسه برای ترس و اضطراب مطابق با کتاب مقدس را نام ببرید؟ و برای هر کدام آیه ای را بنویسید؟

۴- ترس از خدا باعث چه برکاتی می شود؟ چهار مورد را نام ببرید؟

۵- چگونه محبت خدا ما را از ترس و اضطراب رهایی می دهد؟

۶- چگونه بر ترس و اضطراب می توانیم غلبه کنیم؟ سه مورد را نام ببرید؟

۷- دو مورد افکاری که ما باید داشته باشیم را نام ببرید؟

۸- دو مورد از گفتاری که باید داشته باشیم را نام ببرید؟

۹- سه مورد از اعمالی که باید داشته باشیم را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: دوم تیموتائوس ۱: ۷؛ یوشع ۱: ۶-۹

درس ۳۷: ابزارهایی برای غلبه بر افسردگی و نگرانی

خواندن کتاب مقدس: مزامیر ۳۴، ۳۷ و ۱۳۹

مقدمه: ما همگی در زندگی به مشکلات و رنج بر می خوریم ولی هنوز ما می توانیم رفتارمان را نسبت به آن کنترل کنیم و پیروزی کسب کنیم. "با خداوند هیچ چیزی غیر ممکن نیست" (لوقا: ۱: ۳۷). خداوند می تواند نگرانی و افسردگی ما را معالجه کند اگر فقط برای تسلی به سوی او برویم. کتاب مقدس کتاب تسلی ماست.

سوال ۱: چرا مردم افسرده و نگران می شوند؟

جواب: به جای آنکه مسیحیان ذهن و افکار خود را در اختیار مسیح بگذارند به موقعیتها و اتفاقات بد زندگی اجازه می دهند تا افکار آنها را پر ساخته و ترس و نگرانی و افسردگی را در ذهن ایجاد کند. (اشعیا: ۲۶: ۳) "دل ثابت را در سلامتی کامل نگاه خواهی داشت، زیرا که بر تو توکل دارد."

سوال ۲: چه ابزارهایی از کتاب مقدس را برای رهایی بخشیدن از نگرانی می توانیم استفاده کنیم؟

ابزار ۱: مشکلات و گناهان خود را با خداوند و مردم تسویه حساب کنید: اگر نگرانی و ترس من به خاطره گناهی است که مرتکب شدم، باید آن را به خداوند اقرار کرده و ترک نمایم. "و با یکدیگر مهربان باشد و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است." (افسیان ۴: ۳۲)

ابزار ۲: به خدا نزدیک شوید. " به خدا تقرب جوئید تا به شما نزدیکی نماید . دستهای خود را طاهر سازید ای گناهکاران. در حضور خدا فروتنی کنید تا شما را سرافراز فرماید " (یعقوب ۴: ۱۰، ۸) (اول پطرس ۵: ۵-۱۰)

ابزار ۳: اندیشه های زندگی را به دست خدا بسپارید . " و تمام اندیشه خود را به او واگذارید زیرا که او برای شما فکر می کند " (اول پطرس ۵: ۷) " نصیب خود را به خداوند بسپار و تو را رزق خواهد داد. او تا ابد نخواهد گذشت که مرد عادل جنبش خورد. " (مزامیر ۵۵: ۲۲)

ابزار ۴: یاد بگیرید که به نیکویی خداوند اعتماد کنید. " هنگامی که ترسان شوم، من بر تو توکل خواهم داشت " (مزامیر ۵۶: ۳)
" به خداوند تکیه کردن بهتر است از توکل کردن بر آدمیان " (مزامیر ۱۱۸: ۸).
" اما خداوند من همه احتیاجات شما را رفع خواهد نمود " (فیلیپیان ۴: ۱۹).
" بر یار خود اعتماد مدار " (میکاه ۷: ۵).
" هر که به خداوند توکل کند خوش بحال او " (امثال سلیمان ۱۶: ۲۰)
" به تمامی دل خود بر خدا توکل کن " (امثال سلیمان ۳: ۵-۶)

ابزار ۵: خداوند را برای برکتهایی که در گذشته داده است، شکر کنید. خداوند را برای نعمت های که داده شکر کنید و و از این استفاده کنید تا مطمئن بشوید که مشکلات حل خواهند شد. " خداوند را حمد گفتن نیکو است و به نام تو تسبیح خواندن ای حضرت اعلا " (مزامیر ۹۲: ۱)

" به دروازه های او با حمد بیایید .. او را حمد گوئید و نام او را متبارک خوانید " (مزامیر ۱۰۰: ۴)
" در هر امری شاکر باشد " (اول تسالونیکیان ۵: ۱۸)

ابزار ۶: آیه های کتاب مقدس را که برای موقعیت شما خوب است حفظ کنید. " بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز او شب در شریعت او تفکر می کند، پس مثل درختی نشانده نزد نه‌های آب خواهد بود... و هر آنچه می کند نیک انجام خواهد بود " (مزمیر ۱: ۲-۳).

" ... برای تعلیم ما نوشته شد تا به صبر و تسلی کتاب امیدوار باشیم " (رومیان ۱۵: ۴)
"مکتوب است انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد" (متی ۴: ۴)

ابزار ۷: از آدم بی دین، عصبانی، خشمگین و خود خواه دوری کنید. " با مرد تندخو معاشرت مکن، و با شخص کج خلق همراه مباش " (امثال ۲۲: ۲۴). بیشتر مشکلات زندگی به دلیل معاشرت کردن با آدم‌های بی خدا و گناهکاران بوجود می آید.

ابزار ۸: به چیزی که فکر می کنید تسلط داشته باشید. فقط به چیزهای خوب فکر کنید " زیرا چنانکه در دل خود فکر می کند خود را همچنان است " (امثال ۲۳: ۷). اگر به چیزهای خوب فکر کنید خوشحال خواهید بود و اگر به چیزهای بد فکر کنید افسرده می شوید.
" خلاصه ای برادران، هر چه راست ... مجید ... عادل ... پاک ... جمیل .. و نیک نام است در آنها تفکر کنید . و هر آنچه در من آموخته و پذیرفته و شنیده و دیده اید، آنها را به عمل آرید ، و خدای سلامتی با شما خواهد بود " (فیلیپیان ۴: ۸-۹)

ابزار ۹: یاد بگیرید که در خداوند صبور باشید. منتظر ندای خداوند باشید و برای شریران حسد نورزید. " به سبب شریران خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه انگیزان حسد مبر. " (مزمیر ۳۷: ۱)

" در خداوند خوشنود باش ... پس مسالت دل تو را به تو خواهد داد. طریق خود را به خداوند بسپار ... نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش. (مزمیر ۳۷: ۴-۷)

" ای روح من ، فقط برای خدا خاموش شو زیرا که امید من از وی است " (مزامیر ۶۲: ۵)
" اما آنانی که منتظر خداوند می باشند قوت تازه خواهند یافت " (اشعیا ۴۰: ۳۱)

ابزار ۱۰: در هنگام داشتن غم و غصه به خدا دعا کنید. در زمان غصه خوردن از چه کسی مشاوری می گیریم؟ این باید خداوند باشد. یاد بگیرید که با قدرت و تأثیر گذارانه دعا کنید. " برای هیچ چیز اندیشه مکنید، بلکه در هر چیز با صلات و دعا با شکرگزاری خواسته های خود را به خدا عرض کنید. " (فیلیپیان ۴: ۶-۷)
" سوال کنید که به شما داده خواهد شد ، بطلبید که خواهید یافت بگوئید که برای شما باز کرده خواهد شد " (متی ۷: ۷)

" آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد بر آورده و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید " (مزامیر ۱۰۷: ۱۳)
" اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید، بطلبید که برای شما خواهد شد " (یوحنا ۱۵: ۷)

" برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید " (یعقوب ۵: ۱۶)
" و چون ایوب برای اصحاب خود دعا کرد، خداوند مصیبت او را دور ساخت " (ایوب ۴۲: ۱۰)

ابزار ۱۱: در زندگی خود همیشه انتظار بروز مشکلات را داشته باشید . بنابراین وقتی به مشکلات بر میخورید، تعجب نخواهید کرد. " در جهان برای شما زحمت خواهد شد " (یوحنا ۱۶: ۳۳)

" و اینکه با مصیبت های بسیار می باید داخل ملکوت خدا گردیم " (اعمال رسولان ۱۴: ۲۲)
" زحمت مرد صالح بسیار است اما خداوند او را از همه آنها خواهد رهانید " (مزامیر ۳۴: ۱۹)
" در هر چیز زحمت کشیده، ولی در شکنجه نیستیم متحیر ولی مأیوس نی " (دوم قرنتیان ۴: ۸)

" زیرا که این زحمت سبک ما که برای لحظه ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می کند" (دوم قرنتیان 4: 17)

" دل شما مضطرب نشود" (یوحنا ۱۴: ۱)

ابزار ۱۲: از ایده ها و تعلیمات غلط با خبر باشید. ثابت قدم بودن، پایداری، ایمان داشتن، تعهد و اعتبار خود را توسعه دهید. " از تعلیمات مختلف و غریب از جا برده مشوید زیرا بهتر است که دل شما به فیض استوار شود. " (عبرانیان ۱۳: ۹)

" با خبر باشید که کسی شما را نرباید به فلسفه و مکر باطل، بر حسب اصول دنیوی نه بر حسب مسیح" (کولسیان ۲: ۸)

ابزار ۱۳: ذهنتان را به بهشت، پادشاهی خداوند و بازگشت مسیح متمرکز کنید.

" باز می آیم و شما را برداشته با خود خواهیم برد " (یوحنا ۱۴: ۳).

" در آنچه بالاست تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است " (کولسیان ۳: ۲).

" لکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد. " (متی ۶: ۳۳).

" چون مسیح که زندگی ما است ظاهر شود، آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد " (کولسیان ۳: ۴)

ابزار ۱۴: در زمان حال زندگی کنید. مشکلات گذشته و آینده را برای نگرانی امروز اضافه نکنید. " پس در اندیشه فردا مباشید زیرا فردا اندیشه خود را خواهد کرد. بدی امروز برای امروز کافی است. " (متی ۶: ۳۴).

ابزار ۱۵: گذشته خود را فراموش کنید. شما گذشته خود را نمی توانید تغییر دهید، اجازه بدهید خداوند مراقب آینده شما باشد. " آنچه در عقب است فراموش کرده و به سوی آنچه در پیش است خویشتن را کشیده " (فیلیپان ۳: ۱۳)

"مشقات خود را فراموش خواهی کرد" (ایوب ۱۱: ۱۶).

"خدا مرا از تمام مشقتم و تمامی خانه پدرم فراموشی داد" (پیدایش ۴۱: ۵۱)

ابزار ۱۶: با روح القدس پر شوید. "لکن ثمره روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است" (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳). با روح القدس پر شوید نه با خویشتن.

ابزار ۱۷: شکرگزار نعمت ها و خوبیهای خداوند که به ما کرده باشید: "یک سخن

از وعده های نیکوی او به زمین نیفتاد" (اول پادشاهان ۸: ۵۶)

"تو را هرگز رها نکنم و تو را ترک نخواهم نمود" (عبرانیان ۱۳: ۵)

"جهان از رحمت خداوند پر است" (مزامیر ۳۳: ۵)

"رحمت خدا همیشه باقی است" (مزامیر ۵۲: ۱).

"هیچ چیز نیکو را مانع نخواهد کرد از آنانی که به راستی سالک باشند" (مزامیر ۸۴: ۱۱)

ابزار ۱۸: بوسیله خدا هدایت شده و از گناه پرهیزید. "کسی که مرا متابعت کند در

ظلمت سالک نشود بلکه نور حیات را یابد" (یوحنا ۸: ۱۲)

"و گوشه‌بخت سخنی را که از عقب تو خواهد شنید که میگوید: راه این است در آن سلوک

بنما.." (اشعیا ۳۰: ۲۱)

ابزار ۱۹: اصول شاد و خوشحال بودن را یاد بگیرید. "هر که به خدا توکل نماید

خوشبحال او" (امثال ۱۶: ۲۰)

"دل شادمان شفای نیکو می بخشد" (امثال ۱۷: ۲۲)

"در خداوند دائماً شاد باشید" (فیلیپان ۴: ۴)

"خوش باشید و شادی عظیم نمایید زیرا که اجر شما در آسمان است" (متی ۵: ۱۲)

ابزار ۲۰: زندگی مفید و هدفمند در راه خدا داشته باشید. بهتر است که در زندگی به خداوندمان عیسی مسیح خدمت کنیم و به دیگران بشارت دهیم تا اینکه دنبال شادی باشیم. بگذارید خداوند در مرکز زندگی شما باشد نه خود شما. "هر که جان خود را دریابد آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به خاطر من هلاک کرد آن را خواهد دریافت" (متی ۱۰: ۳۹)

"کاری که به من سپردی به کمال رسانیدم" (یوحنا ۱۷: ۴).
"بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید، یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتاده دل می باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت" (متی ۱۱: ۲۸-۲۹)
"در تمام عالم بروید و جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید" (مرقس ۱۶: ۱۵)

ابزار ۲۱: به خدا و به دیگران هدیه عطا کنید. "بدهید تا به شما داده شود.." (لوقا ۶: ۳۸)

"آیا انسان خدا را گول زند؟ اما شما مرا گول زده اید و می گوئید در چه چیز تو را گول زده ایم؟ در عשרها و هدایا. شما سخت ملعون شده اید زیرا که شما یعنی تمامی این امت مرا گول زده اید. تمامی عשרها را به مخزنهای من بیاورید تا در خانه من خوراک باشد و یهوه صباوت می گوید مرا به اینطور امتحان نمایید که آیا روزنه های آسمان را برای شما نخواهم گشاد و چنان برکتی بر شما نخواهم ریخت که گنجایش آن نخواهد بود؟ و یهوه صباوت می گوید: خورنده را به جهت شما منع خواهم نمود تا ثمرات زمین شما را ضایع نسازد و مو شما در صحرا

بی بار نشود. و همه امت ها شما را خوشحال خواهند خواند زیرا یهوه صبايوت می گوید که شما زمین مرغوب خواهید بود." (ملاکی ۳: ۸-۱۲)

ابزار ۲۲: خداوند اجازه نمی دهد که شما بیش از توانایی خود به وسوسه بیافتید.
" اما خدا امین است که نمی گذارد که شما فوق طاقت خود آزموده شوید " (اول قرنثیان ۱۰: ۱۳).
دنبال راهی برای فرار بگردید. دیگران نیز به این وسوسه ها افتادند و دریافتند که خدا همچنان وفادار و امین است.

ابزار ۲۳: قانون های خدا دادی را در زندگی خود تحقق ببخشید. " همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت گو و نه بنده شراب زیاده بلکه معلمات تعلیم نیکو، تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند، و به همین نسق جوانان را نصیحت فرما. " (تیطس ۲: ۳، ۸)

" پس رأی من این است که زنان جوان نکاح شوند و اولاد بزنند و کدبانو شوند " (اول تیموتائوس ۵: ۱۴)

ابزار ۲۴: حکمت را از کتاب مقدس یاد بگیرید. " خرد از همه چیز افضل است پس تحصیل نما " (امثال ۴: ۷)

" ابتدای خرد و حکمت ترس از خداوند است و معرفت قدوس فطانت می باشد " (امثال ۹: ۱۰)
خرد و حکمت کتاب مقدس را می خواند تا جواب سوالهای زندگی خود را پیدا کند و کتاب مقدس را اطاعت می کند هرچند کار سختی باشد. با اعمال کردن خرد و حکمت خداوند در زندگیمان از اتفاق افتادن چیزهای بد برای خودمان و خانواده خود، می توانیم جلوگیری نماییم. پیشگیری بهتر از درمان است.

ابزار ۲۵: خداوند را در همه چیز تکریم نما و خدا تو را تکریم خواهد کرد. ..
آنانی را که مرا تکریم نمایند تکریم خواهم نمود " (اول سموئیل ۲: ۳۰)

" لکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد " (متی ۶: ۳۳)

نتیجه: زمانی که احساس نگرانی و افسردگی می کنید مضطرب و هراسان م باشید، بلکه در عوض به خداوند اعتماد داشته باشید. به این ۲۵ ابزار مراجعه کنید و این آیه را بخوانید " و میدانیم به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند همه چیز ها برای خیریت ایشان در کار می باشند " (رومیان ۸: ۲۸) آیا عاشق خدا هستید؟ پس با استفاده از این ۲۵ ابزار آن را ثابت کنید که در صورت انجام آن بر نگرانی، ترس و افسردگی در زندگی خود غلبه خواهید یافت.

سوالات این درس:

۱- لوقا ۱: ۳۷ را بنویسید؟

۲- چرا مردم مأیوس، افسرده و نگران می شوند؟

۳- چه ابزارهایی از کتاب مقدس را برای رهایی بخشیدن از نگرانی می توانیم استفاده کنیم؟ ۱۰
ابزار را نام ببرید؟

۴- اول پطرس ۵: ۷ را بنویسید؟

۵- مزامیر ۵۶: ۳ را بنویسید؟

۶- متی ۷: ۷ را بنویسید؟

۷- مزامیر ۱۰۷: ۱۳ را بنویسید؟

۸- یوحنا ۱۶: ۳۳ را بنویسید؟

۹- متی ۱۱: ۲۸-۳۰ را بنویسید؟

۱۰- کولسیان ۳: ۲ را بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: اول قرن نهم ۱۰: ۱۳ ؛ یوحنا ۱۶: ۳۳ ؛ اول پطرس ۵: ۷

درس ۳۸: مقابله شیطان با مسیحیان

چگونه شیطان به دنبال شکست دادن مؤمنان در زندگی شخصی و خدمت نمودنشان به مسیح می شود؟ برخی از تاکتیک های شیطان که ما باید بدانیم و در برابرشان مقاومت کنیم عبارتند از:

۱. **نبرد با مسیحیان:** مقابله با انسان می تواند حمله شیطان بحساب آید. ما در برابر موجودی که از «گوشت و خون» است کشتی نمیگیریم، بلکه در برابر نیروهای شر در عالم روحانی مبارزه میکنیم. ما باید در برابر این حملات زهری که خداوند در اختیارمان قرار داده را پوشیده و از خود محافظت کنیم (افسیان ۶: ۱۰-۱۸).

۲. **اتهام و توهین به مسیحیان:** (مکاشفه ۱۲: ۱۰) از آنجاییکه لغت "ابلیس" به معنای تهمت و افتراست، او ما را در درگاه خداوند به گناهان و عیوب مان متهم میکند. او از جانب یک مؤمن، مؤمن دیگری را متهم نموده و به سبب برداشت اشتباه از یک مومن موجب قطع شدن دوستی ها و رفاقت ها می شود. این کار برای آنست تا مؤمنان را از مسیر درست و نجات افراد که توسط کلیساهای واقعی تبلیغ میشود منحرف نموده و بشارت به مسیح را در سراسر جهان تضعیف نماید. او همچنین روی مسیحیانی که ضمیرشان تعلیم ندیده کار می کند تا آنها را غرق در گناه مستمر و ترس نموده و باعث شود تا آنان از واعظینی که بر ضد گناه موعظه می کنند متنفر شوند، آنهم زمانی که تنها کاری که می بایست انجام دهند اعتراف به اشتباهات و گناهان و ترک آنهاست تا از شر گناهانشان رها شوند.

۳. **کاشتن شک و تردید:** شیطان به دنبال آنست تا ما را به

- نیکی خداوند مشکوک سازد.
- کلام خداوند مشکوک سازد.
- علاقه خداوند به ما را مشکوک سازد.

او اصرار می ورزد که محدودیت های وعظ شده از جانب خداوند ناعادلانه اند (پیدایش ۳: ۱).

او ادعا می کند که تذکرات و کلام خداوند راست نیستند (پیدایش ۳: ۴).

او ادعا می کند که علاقه خداوند به انسان خودخواهانه بوده و انسان را از تکامل باز میدارد (پیدایش ۳: ۵)

بدین ترتیب او سرشت خداوند را بدنام کرده و با اقتدار خداوند مقابله می کند.

۴. وسوسه نمودن ما به گناه کردن:

- وسوسه به دروغ گفتن (اعمال ۵: ۳). شیطان پدر دروغهاست، و او دیگران را نیز به دروغ گفتن وسوسه می کند. دروغ گفتن یعنی کل یا بخشی از یک موضوع را به جهت منافع شخصی برخلاف واقعیت تغییر داده و باعث ضرر یا آزرده شدن دیگران شویم.
- وسوسه به گناهان جنسی (اول قرنتیان ۷: ۵؛ ۶: ۱۳-۲۰). شیطان ارائه دهنده فلسفه ایست که در آن رضایتمندی بدن و نفس خویش از اولویت برخوردار است. فحشا، زنا، همجنسگرایی یا خود ارضایی ریشه در اولویت دادن به نیازهای جسمی و گمراه شدن در لذت ها دارند. خداوند ازدواج را پاسخی هنجار به نیازهای جنسی فراهم کرده است.
- وسوسه به مشغول شدن با این جهان (اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷؛ ۵: ۱۹). این دنیا برای شیطان سیستمی است تا خودنمایی را تبلیغ کند. فلسفه و آئین او ضدیت با خداوند است. شیطان در پی تاثیر گذاری بر ما و شکست دادنمان از طریق "شهوترانی با جسم" (لذت بردن با بدن)، "شهوترانی با چشم" (لذت بردن از دیدن دارایی ها) و خودستایی و "مغرور شدن از زندگی" (خودنمایی) است. این نگرش ها دانسته یا ندانسته همه ما را تا حدی تحت تأثیر خود قرار می دهد. برخی، از جمله دیماس گرفتار آن شدند (دوم تیموتائوس ۴: ۱۰).

۵. اتکا بر قدرت و حکمت انسان: (دوم تواریخ ۲۱: ۱-۸). شیطان داوود را وسوسه کرد تا از

تعداد سربازانش به خود مطمئن شود. او پطرس را وسوسه کرد تا به موجب خرد و عقل انسانی خویش به کار مسیح مخالفت نماید. شیطان قرنتیان را تحریک کرد تا با اتکا به عقل خود پیام و رسالت پولس را احمقانه و سست تشخیص دهند (اول قرنتیان ۱: ۱۸-۲۵). شیطان سعی می کند تا ما بر قدرت و عقل خود تکیه کنیم چرا که او به راحتی می تواند هر آنچه را که مطلقاً انسانی بوده و اساس آن برپایه کلام و قدرت خداوند نباشد شکست دهد.

۶. **غرور در امور معنوی:** (اول تیموتائوس ۳: ۶). شیطان به رهبران کلیسا حمله می کند تا اتحاد مومنان را از بین ببرد. پولس کسانی را که تازه ایمان آورده بودند را تشویق می کرد تا زود کشیش نشوند، مبدا که دچار غرور شوند. با هر گونه توانایی معنوی احتمال دارد که انسان دچار رضایت از خود و اعتماد به نفس مضاعف شود که این برای شیطان یک فرصتی را ایجاد می کند.

۷. **دلسرد شدن:** (اول پطرس ۵: ۶-۱۰). شیطان می خواهد ما مشغول مشکلاتمان شویم و توجه مان معطوف آنها شود. پطرس از ما خواسته تا تمام توجه مان را معطوف مسیح کنیم چرا که او توجه اش را شامل حال ما نموده است. او سپس به ما می گوید مراقب شیطان باشیم هنگامیکه مانند شیر غران اطرافمان پرسه می زند و دنبال اینست که ما را ببلعد (اول پطرس ۵: ۷-۸). شکنجه، طرد شدن، بی احترامی، مشکلات جسمی و روحی ممکن است موجب دلسردی، نا امیدی و شکست ما شوند.

۸. **شکنجه:** "شیطان برخی از شما را به زندان خواهد انداخت." (مکاشفه ۲: ۱۰).

۹. **جلوگیری کردن از خدمت رسانی:** (اول تسالونیکیان ۲: ۱۸). یک بار شیطان از اینکه پولس به تسالونیکیان کمک کند جلوگیری کرد.

۱۰. **نفوذ به کلیساهای محلی:** از طریق:

- معلمان دروغین - هر چیز را با کلام خداوند بسنجید.
- شاگردان دروغین - شیطان بذر شرارت می کارد.

۱۱. **ترویج تفرقه و جدایی:** نزاع و خشم به شیطان فرصتی برای تفرقه و جدایی بین ایمانداران را می دهد (افسیان ۴: ۲۶، ۲۷).

۱۲. **جعل کردن:** هنگامی که شیطان گفت: "من همانند خدا خواهم بود"، منظور او این بود که می خواهد همانند خداوند پرستش شود. به همین منظور او یک دین مشابه برپا می کند، یک تقلید کامل از تمام آنچه خداوند انجام می دهد، همانطور که در این جعل و دینهای تقلبی ذیل دیده می شود:

- شیطان تاج و تخت دارد (مکاشفه ۲: ۱۳).
- شیطان مکتب های دیوها را دارد (اول تیموتائوس ۴: ۱).

- شیطان کنیسه (عبادتگاه) دارد (مکاشفه ۲: ۹ و ۳: ۹).
- شیطان جام دیوها و سفره مشارکت دیوها را دارد (اول قرنیتان ۱۰: ۲۱).
- شیطان با دیوها شراکت دارد (اول قرنیتان ۱۰: ۲۰).
- شیطان خود را به شکل یک فرشته نور تغییر می دهد (دوم قرنیتان ۱۱: ۱۴).
- شیطان خادمی دارد که بعنوان خادمان عدالت ظاهر می شوند (دوم قرنیتان ۱۱: ۱۵).
- شیطان رسولان جعلی (دوم قرنیتان ۱۱: ۱۳)، و پیامبران جعلی دارد (دوم پطرس ۲: ۱).
- شیطان قلمرو پادشاهی دارد (متی ۱۲: ۲۶).
- شیطان معجزات، آیات و نشانه ها را جعل می کند (مکاشفه ۱۶: ۱۴).
- شیطان کلیسای فاحشه دارد (سیر بابل) تا عروس مسیح یعنی کلیسا را جعل کند (مکاشفه ۱۷: ۵).
- شیطان و جن ها در پی آنند که پرستیده شوند (اول قرنیتان ۱۰: ۲۰؛ متی ۴: ۸-۱۰؛ مکاشفه ۹: ۲۰).
- شیطان تثلیث مقدس را با تثلیث نامقدس یعنی شیطان، دجال (ضد مسیح) و پیامبر دروغین تقلید می کند (مکاشفه ۲۰: ۱۰).
- همانگونه که روح القدس در جسم انسانی ساکن می شود، شیطان هم می خواهد در آن ساکن شود (یوحنا ۱۳: ۲۷؛ اول قرنیتان ۶: ۱۹).
- شیطان نامی بر پیشانی پیروانش مهر می زند به تقلید از خداوند که نامش را بر پیشانی مخلوقات خود نهاده است (مکاشفه ۱۳: ۱۶ و ۷: ۱-۳).
- شیطان غسل تعمید مؤمنان با غوطه ور شدن داخل آب را با پاشیدن آب به اطفال جعل کرده است.
- شیطان نسخه های جدید کتاب مقدس را بدلی از نسخه اصلی آن قرار داده است.
- موارد مورد تاکید در کلیسای کاریزماتیک مانند دعا کردن به زبانها و مزخرفات تورتو بدلی از پر شدن حقیقی با روح القدس در انسان است که توسط شیطان ابداع شده.
- شیطان انجیل حقیقی ایمان به مسیح را با انجیل اعمال و شریعت برای نجات جعل کرده است.
- شیطان کلیساهای مبلغ تعالیم اشتباه را بدلی از کلیساهایی که تعالیمشان بر پایه کتاب مقدس بوده قرار داده است.
- شیطان آفرینش واقعی شش روزه را جعل کرده و آن را تبدیل به سیر تکامل چندین میلیون ساله و یا آفرینش در شش هزار سال به جای شش روز را عنوان کرده است.

چگونه می توانیم بر شیطان غلبه کنیم؟ ما باید:

۱. مسیح را بعنوان ناجی خود بپذیریم. در مسیح مقام و قدرتی برای رهایی ما هست.
۲. به گناهان خود نزد خداوند اعتراف کنیم. یک شخص باید گناهان پنهانی خود که طرفداری از شیطان است، را اعتراف کرده و آن را ترک کند. "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیاورد و ما را از هر ناراستی پاک سازد." (اول یوحنا: ۹). آنان می بایست به گناهان پوشیده خانواده خود حتی در زمان اجدادشان اعتراف کنند (دانیال ۹: ۴-۶؛ نحمیا: ۱: ۵-۶).

۳. اشیای پنهانی، کتب، موسیقی و تصاویر غریب را جمع آوری و از خود دور

کنیم. آسا پادشاه با خدای اسرائیل، "مذبح‌های غریب و مکان‌های بلند را برداشت و بت‌ها را بشکست و آشوریم را قطع نمود؛ و یهودا را امر فرمود که یهوه خدای پدران خود را بطلبند و شریعت و اوامر او را نگاه دارند. و مکان‌های بلند و تماثیل شمس را از جمیع شهرهای یهودا دور کرد؛ پس مملکت به سبب او آرامی یافت." (دوم تواریخ ۱۴: ۳-۵). جمعی از شعبده بازان ساکن افسس که به مسیح ایمان آورده بودند، کتابهای اسرارآمیز خود را درآورده، در حضور خلق سوزانیدند (اعمال ۱۹: ۱۷-۲۰). بسیاری از اشیاء غریب توسط اهریمن نفرین شده اند که در را برای شیطان باز می کنند. دوستی و روابط پلید را باید متوقف نمود چراکه آنها تلاش می کنند تا ما را بسوی پلیدی بکشند.

۴. خدا را اطاعت نماییم و در برابر ابلیس مقاومت کنیم، تا از ما بگریزد (يعقوب ۴: ۷).

مسیح بخشش و رهایی را وعده داده به کسانی که در نام او رهایی از پلیدی را می طلبند. نسبت به مرتبه و خوشنامی خود در مسیح با ایمان باشیم.

۵. زندگی مسیحی خود را رزق بخشیم و بشارت دهیم. خود را وقف خدمت به خداوند

کنیم. اگر برای خداوند کاری نکنیم شیطان فرصت پیدا می کند تا ما را وسوسه کند. داوود تسلیم وسوسه شیطان شد زمانیکه می بایست در میدان جنگ حاضر می بود (دوم سموئیل ۱۱: ۲، ۱). هر روز می بایست از روح مقدس پر شویم.

چگونه می توانیم از روح القدس پر شویم؟

- مطالعه روزانه کلام خداوند تضمین کننده رشد و مقاومت در برابر شیطان است (اول پطرس ۲: ۲).
- با مناجات اراده خداوند را طلب کرده و از آن بهره مند می‌شویم.
- دوستی با مسیحیان دیگر در کلیسا سبب تشویق و بالا رفتن استقامت ما می‌شود همچنان که از خداوند می‌آموزیم او را ستایش می‌کنیم و یکدیگر را دلگرم می‌کنیم.
- بشارت دادن به افرادی که نجات نیافته اند ایمان و دانش ما را تقویت خواهد کرد و همواره در نبرد در برابر شیطان آگاه می‌مانیم. وقف کردن خود در انجام امور خداوند بدون خودپسندی، ما را در غلبه بر شیطان کمک خواهد نمود. "و ایشان بوساطت خون برّه و کلام شهادت خود بر او غالب آمدند و جان خود را دوست نداشتند." (مکاشفه ۱۲: ۱۱).
- می‌بایست زره کامل خداوند را به تن کنیم (افسیان ۶: ۱۰-۱۸). اگر این کارها را انجام دهیم با استطاعت از خداوند در برابر شیطان مقاومت خواهیم کرد و اقتدار خداوند را در زندگی دیگران نیز جاری خواهیم ساخت (دوم قرنتیان ۱۰: ۳، ۴).

سوالات این درس:

۱- شش موارد از تاکتیک های شیطان که ما باید بدانیم و در برابرشان مقاومت کنیم را نام ببرید؟

۲- معنی ابلیس چیست و کار او چه می باشد؟

۳- شیطان ما را به چه چیزی مشکوک می سازد؟

۴- شیطان ما را به چه چیزهایی وسوسه می سازد؟ برای هر کدام آیه ای را بنویسید؟

۵- شیطان ما را به قدرت و حکمت انسانی خود متکی می کند. چند مثال از کتاب مقدس را با آیه

ای بنویسید که شیطان آنها را به قدرت و حکمت خود متکی کرد؟

۶- چرا پولس رسول نوایمانان را از کشیش شدن منع می کند؟

۷- چه چیزهایی موجب دلسردی، ناامیدی و شکست ما می شوند؟

۸- چگونه شیطان به کلیسای محلی نفوذ می کند؟

۹- چه چیزی باعث تفرقه و جدایی بین ایمانداران می شود؟

۱۰- منظور شیطان چه بود وقتی که گفت: "من مثل خداوند خواهم شد"؟

۱۱- پنج مواردی که شیطان چیزهای خدا را جعل کرده، نام ببرید؟

۱۲- پنج راهی که می توانیم بر شیطان غلبه کنیم را نام ببرید؟

۱۳- پنج راهی که می توانیم با روح القدس پر شویم را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: پیدایش ۳: ۱-۵ ؛ اول پطرس ۵: ۸ ؛ افسسیان ۶: ۱۰-۱۸

درس ۳۹: چگونه رفتار کهنه و عادات زشت خود را تغییر دهیم؟

مسیحی شدن نیاز به تغییرات عمده در زندگی دارد که با یاری روح القدس می توان آن تغییر و تحول را در خود بوجود آورد. برای بوجود آوردن آن تغییرات می بایست عاداتهای زشت و گناهان زندگی خود را بیرون کنیم و در عوض عاداتهای خوب و عدالت های خدا را جایگزین آنها کنیم. کلام خدا بهترین و تنهاترین منبعی است که می تواند ما را در بوجود آوردن تغییرات زندگی راهنمایی و هدایت کند.

خداوند ما را موجودات عادتمندی آفریده که می توانیم با تکرار کردن یک عمل (چه خوب و چه زشت) به آن عادت کنیم. اعمال زشتی که در زندگی گذشته، قبل از ایمانمان به مسیح، انجام می دادیم هنوز می تواند بعد از ایمان آوردنمان نیز بطور خودکار و به عنوان یک عادت در زندگی ما ادامه یابد. افسسیان ۴: ۲۲-۳۲ عاداتهای زشت گذشته ما را خاطر نشان می کند و از ما می خواهد که عاداتهای خوب را جایگزین آنها کنیم.

یک مسیحی واقعی باید عاداتهای زشت و گناهانی مانند: خشم و عصبانیت، قمار، دروغ، بدگویی، خبر چینی، تهمت به دیگران، کشیدن سیگار، مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، زنا، تماشای فیلمهای مبتذل و مهتجن و پونوگرافی، دزدی، فحاشی کردن، سخنان تمسخر آمیز و زشت، چشم پلید داشتن نسبت به زنان و غیره را از خود دور کند و در عوض عاداتهای خوب مانند: راستگویی، سخنان فیض بخش، احترام به دیگران، محبت کردن به دشمنان خویش، خواندن کتاب مقدس و رفتن به کلیسا بطور پیوسته، شرکت در جلسات مطالعه کتاب مقدس، بشارت دادن، اطاعت از قوانین دولتها و غیره را جایگزین آنها کند.

دانستن اینکه چه چیزهایی را باید در زندگی خود تغییر دهیم کافی نیست بلکه مهم اینست که بدانیم چگونه آن تغییرات را در زندگی خود بوجود آوریم. کتاب مقدس اعمال خوب را برای ما مهیا می کند و همچنین ما را راهنمایی می کند که چگونه عاداتهای خوب را در زندگی خود وارد کنیم و تغییر یابیم (دوم تیموتایوس ۳: ۱۶-۱۷). بنابراین کتاب مقدس بهترین منبع برای

بوجود آوردن تغییرات در زندگی است. بیایید با هم ۱۲ قدم در کتاب مقدس درباره بوجد آوردن تغییرات در رفتار کهنه و عادات زشت زندگی را مطالعه کنیم:

قدم اول: اهداف زندگی خود را تغییر دهید.

قبل از عملی کردن آن نخست می بایست انگیزه و اشتیاق عوض شدن و تغییر یافتن را داشته باشید. انگیزه هایی مانند:

۱- تقدیم کردن خویشتن به خدا با عشق و محبت. (رومیان ۱۲: ۱-۲)

- با تغییر در افکار خود ما می توانیم خویشتن را تغییر دهیم (افسیان ۴: ۲۳). برای داشتن زندگی بهتر می بایست افکار بهتری داشته باشیم. بجای هم شکل شدن به این دنیا باید بدنهای خود را تقدیم خدمت به خدا کنیم. ایمانداران مکادونیه با سخاوتمندی هر چه تمام به خدمت انجیل هدایا دادند زیرا قبل از دادن هدایا نخست خویشتن را به خدا داده بودند. (دوم قرنتیان ۵: ۵)
 - وقتی که خویشتن را به خدا تقدیم می کنیم تغییر رفتارهای زندگی بسیار سهل و آسان می شود. (جامعه ۱۲: ۱۳؛ متی ۶: ۳۳؛ متی ۱۶: ۲۴). در اول یوحنا ۵: ۳ چه چیزی به ما انگیزه می دهد تا از خدا اطاعت کنیم؟ محبت و عشق به او
- در اول یوحنا ۴: ۹ و ۱۹ چه چیزی به ما انگیزه می دهد تا او را محبت کنیم؟ محبت کردن او نسبت به ما. از کجا می دانیم که او ما را دوست دارد؟ او پسر خود را به ما داد تا فدای گناهان ما شود.

- محبت یکی از قویترین نیروی موجود در جهان است. محبت، مادری را وادار می کند که فرزند خود را از خانه ای که در آتش می سوزد، نجات دهد. محبت، پدر را وادار می کند که ماشینی که فرزند او را زیر گرفته بلند کند و او را نجات دهد.
- اگر در تغییر دادن رفتار و زندگی خود مشکل دارید، درباره محبت و رحمت خدا تفکر کنید و قدردانی کنید. اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷؛ متی ۱۰: ۳۴-۳۷؛ ۲۲: ۳۷-۴۰؛ یوحنا ۱۴: ۱۵؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۴-۱۷

۲- تقلید از مسیح

یکی از قدرتمندترین انگیزه دیگر اینست که بخواهم شبیه قهرمانان شویم • قهرمانان ورزشی به جوانان انگیزه می دهند تا در ورزش مورد علاقه خود پیشرفت کرده شبیه آنها گردند • ابراهیم، موسی، روت، داوود و پیامبران دیگر به ما انگیزه می دهند که به خدا خدمت کنیم اما عالیتین نمونه آنها خود عیسی مسیح است که می توانیم از او تقلید کنیم •

- رسولان عیسی مسیح می خواستند شبیه او شوند (متی ۱۰: ۲۴-۲۵) • ما نیز شاگردان عیسی هستیم و می بایست از او تقلید کنیم و شبیه او شویم (اعمال ۱۱: ۲۶) •
- ما باید دنباله رو قدمهای عیسی باشیم زیرا او ما را بدون آلایش و گناه ما را در این جهان باقی گذارده (اول پطرس ۲: ۲۱-۲۲) •
- در انجام هر کاری باید از خود سوال کنیم، "اگر عیسی جای من بود چه کار می کرد؟" این به ما انگیزه می دهد تا زندگی خود را تغییر دهیم • غلاطیان ۲: ۲۰؛ متی ۱۶: ۲۴؛ کولسیان ۳: ۱۰

۳- دنبال پاداش باشیم نه تنبیه

ورزشکاران رژیم غذایی خود را کنترل می کنند تا بتوانند در رشته خود قهرمان شوند و مدال موقتی را بگیرند • مسیحیان انگیزه قویتری دارند • ما باید دنبال مدال و پاداشی که جاودانی است باشیم (یعقوب ۱: ۱۲؛ مکاشفه ۲: ۱۰) •

- در عوض چیزهای زمینی ما می بایست چشمان خود را به پاداش آسمانی و ابدی بدوزیم • کولسیان ۳: ۱-۶؛ دوم پطرس ۱: ۱۰-۱۱؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۹-۸
- فقدان انگیزه دلیل عمده ای است که مسیحیان نمی خواهند عوض شوند و شبیه عیسی مسیح شوند • آنها نمی خواهند عوض شوند و در عوض می خواهند که دوستان و خانواده و دیگران را خشنود کنند • مادامیکه به این درک نرسیدیم که اصلترین هدف زندگی خدمت به خداوند است، نمی توانیم زندگی و رفتار خود را تغییر دهیم •
- هنگامیکه فاقد انگیزه هستیم بیایید درباره این فکر کنیم که چه خوب است که به خدا خدمت کنیم، او را محبت کنیم، شبیه او شویم و دنبال پاداش ابدی باشیم •

قدم دوم: با کمک خداوند رفتار خود را تغییر دهید.

- اعمال ما از افکار و آنچه که در دل ماست، سرچشمه می گیرد (امثال ۴: ۲۳). دیگران شاید بر ما تاثیر بگذارند اما نباید تسلیم شده مرتکب گناه شویم. نهایتاً خود ما هستیم که برای تغییر رفتار باید تصمیم بگیریم و سپس به آن عمل کنیم. متی ۱۵: ۱۸-۱۹؛ متی ۱۲: ۳۴-۳۷
- خداوند ما را به تجربه ای نمی اندازد که نتوانیم تحمل کنیم. او امین و وفادار است و راه فرار از تجربه را به ما نشان خواهد داد. اول قرنطیان ۱۰: ۱۳
- ما هر کاری را با کمک عیسی مسیح می توانیم انجام دهیم (فیلیپیان ۴: ۱۳). اگر با تواناییهای خود بخواهیم کاری انجام دهیم، شکست خواهیم خورد اما اگر با کمک عیسی مسیح کارها را انجام دهیم پیروز خواهیم شد زیرا که او همیشه بر شیطان پیروز است. گاهی اوقات مردم می گویند، "من دیگر پیر شدم و دیگر نمی توانم این عادت را کنار بگذارم و عوض شوم." آنها نه تنها خود را تحقیر می کنند بلکه وعده و قدرت خداوند را انکار می کنند.
- اگر خود را به خدا بسپاریم و به او توکل کنیم، او اراده خود در زندگی ما به عمل خواهد رساند (مزامیر ۳۷: ۵). مهم نیست چه مدتی و چه گناه بزرگی را مرتکب شده باشیم، اگر اراده خدا در زندگی ما انجام شود ما می توانیم عوض شویم. افسسیان ۳: ۲۱-۲۲؛ ۶: ۱۰-۱۸؛ دوم قرنطیان ۹: ۸

قدم سوم: کتاب مقدس را درباره عادت خود مطالعه کنید.

- برای موفق شدن در خدمت خدا باید کلام خدا را مطالعه کرده و به آن عمل کنیم (یوشع ۱: ۸). لیست عاداتهای زشتی که دارید بنویسید و آیه های مربوط به آنها را از کتاب مقدس در آورید. دلیل تغییر دادن عاداتهای خود را بنویسید و در کلام خدا تفکر کرده، افکار خود را با آنها پر کنید. مزامیر ۱: ۲؛ ۱۱۹: ۱۱
- پیوسته کلام خدا درباره عاداتهای زشت خود را بیاد آورید و آن آیه ها را در کاغذی نوشته بر دیوار یا در یخچال و یا در معرض دیدتان بگذارید (تثنیه ۶: ۹-۶).

- عیسی مسیح با استفاده از نقل قول کردن کلام خدا به وسوسه شیطان غلبه کرد (متی ۴: ۱-۱۱).
آیه های مربوط به غلبه بر عاداتهای زشت را حفظ کنید و مطمئن باشید که روح القدس آنها را در هنگام وسوسه بیاد شما خواهد آورد. به خودتان و به کسانی که شما را وسوسه می کنند آنها را نقل قول کنید. امثال ۳: ۵-۷؛ دوم تیموتایوس ۳: ۱۶-۱۷؛ عبرانیان ۴: ۱۲

قدم چهارم: از گناهان خود توبه کنید.

- گناه نیاز به توبه دارد (اعمال ۸: ۲۲). توبه یعنی "تغییر ذهن و فکر" که باعث می شود تصمیم بگیریم تا گناهان خود را ترک کرده خدا را اطاعت کنیم. متی ۲۱: ۲۸-۲۹؛ اعمال ۱۱: ۲۳؛ ۱۷: ۳ قبل از اینکه یک شخص رفتار خود را تغییر دهد باید اول ذهن و افکار خود را تغییر دهد.
- گناهان خود را پنهان و یا انکار نکنید (امثال ۲۸: ۱۳). با بهانه های مختلف گناهان خود را گردن دیگران نیاندازید بلکه آنها را به خداوند و به کسی که گناه ورزیده اید اعتراف کرده از انجام آنها پشیمان شوید. دوم قرنتیان ۷: ۱۰ اما پشیمان و تاُسف خالی فایده ای نخواهد داشت مگر اینکه تصمیم به توبه و ترک آنها کنید.
- اکثر دستاوردهای زندگی نیاز به ۱۰٪ توانایی دارد اما ۹۰٪ دیگر نیاز به عزم و جزم و تعهد دارد. در رابطه با امور معنوی نیز همه انسانها توانایی خشنود کردن خداوند را دارند اما همه نمی توانند عزم و جزم کنند و متعهد شوند تا خدا را اطاعت کرده او را خشنود کنند. خداوند تمامی چیزهایی که برای یک زندگی خداپسندانه نیاز باشد به ما داده است ولی تصمیم نهایتاً با ماست که او را خشنود کنیم یا نه (دوم پطرس ۱: ۴). ما هرگز تغییر نخواهیم یافت مگر اینکه تصمیم بگیریم تا در راههای خدا قدم برداریم و اینکار نیاز به توبه و تغییر ذهن و افکار ما دارد.

قدم پنجم: برای تغییر یافتن نقشه بکشید و برنامه ریزی کنید.

- ما باید برای اعمال خوب نقشه بکشیم نه برای اعمال شر (امثال ۱۴: ۲۲). نقشه و برنامه ریزیهای خداوند را در کتاب مقدس مکرراً می خوانیم که الگوی خوبی برای ماست. او از

ابتدا برای نجات انسانها نقشه کشید (پیدایش ۳: ۱۵)، نقشه بنای کلیسا (افسیان ۳: ۱۰-۱۱)، نقشه ساخت معبد (عبرانیان ۸: ۵)، و غیره. خادمان مسیح باید نقشه و برنامه ریزی داشته باشند تا بتوانند خود را تغییر داده در خدمت خدا موفق شوند. لوقا ۱۴: ۲۶-۳۳؛ دانیال ۱: ۸؛ مزامیر ۱۷: ۳؛ اعمال ۱۱: ۲۳

در کدام کار می توانیم بدون برنامه ریزی و نقشه برای آن موفق شویم؟ برای ساخت خانه باید نقشه آن را بکشیم و برنامه ریزی کنیم و حساب هزینه های آن را برآورد کنیم تا بدانیم که آیا قادر برای ساخت آن هستیم یا نه. کار تجارت نیاز به برنامه ریزی دقیق دارد و غیره. هر کاری برای موفق شدن نیاز به نقشه و برنامه ریزی دارد.

- برای تغییر در رفتار خود باید برنامه ریزی کرد. شرایط و موقعیتهایی که شما را به عادات زشت و گناه کشانیده است را تحلیل کنید و راه حلی برای دوری کردن از آنها پیدا کنید. در دفتری لیست برنامه و نقشه خود را بنویسید تا به ترتیب لیست ها عمل کنید. بسیاری مسیحیان نمی توانند رفتار خود را تغییر دهند چون نمی خواهند برنامه ریزی و نقشه برای تغییر رفتارشان داشته باشند.

قدم ششم: پیوسته دعا کنید.

دعا کردن در دو مورد ضروری است:

۱- دعا برای بخشش گناهان خویش. فرزند خدا باید در مواقع مرتکب شدن به گناه دعا

کند و از پدر آسمانی بخواهد تا او را بیامزد. اول یوحنا ۸: ۱۰-۱۱؛ اعمال ۸: ۲۲؛ امثال ۲۸: ۱۳

۲- دعا برای کمک گرفتن از خدا.

- از خدا بخواهید تا شما را از شریر رهایی دهد. متی ۶: ۱۳
 - مشکل خود را به خدا بگویید. متی ۲۶: ۴۱
 - پیوسته و بطور دایمی دعا کنید. اول تسالونیکیان ۵: ۱۷
 - درست هنگامیکه در معرض تجربه و آزمایش می افتید، دعا کنید. متی ۲۶: ۳۶-۴۶
- خداوند در کلام خود وعده داده که اگر کمک او را در دعا طلب کنیم، ما را یاری خواهد داد.
- اول پطرس ۵: ۷؛ فیلیپیان ۴: ۶-۷؛ افسسیان ۶: ۱۱، ۱۳، ۱۸

قدم هفتم: از دیگر مسیحیان کمک بگیرید.

- مسیحیان باید خطایای خود را به یکدیگر اعتراف کنند تا بتوانند برای همدیگر دعا کنند.
يعقوب ۵: ۱۶
- مسیحیان باید بارهای یکدیگر را به دوش بکشند. غلاطیان ۶: ۲
- اگر گناهان ما نسبت به دیگران ضرری رسانیده باشد، باید از آنها عذر خواهی کنیم. متی ۵: ۲۴-۲۳
- هنگامیکه با عادات و گناهان خود در نبرد هستیم باید سراغ چندین مشاوران مسیحی از جمله کشیشان و یا ایمانداران سالخورده برویم تا از آنها کمک و مشورت بگیریم. آنها یقیناً کلام خدا را باز کرده و راه‌هایی از گناهان را به ما از کلام خدا نشان خواهند داد و یقیناً برای ما دعا کرده ما را تشویق خواهند کرد.
- خداوند سرویس یکشنبه کلیسا را برای همین شکل داده تا ما را با موعظه کلام تشویق و در نهایت رفتار ما را تغییر دهد (عبرانیان ۳: ۱۲-۱۳؛ افسسیان ۴: ۱۵-۱۶). ما نیاز داریم که بطور پیوسته در کلیسا حضور یابیم تا نه تنها خداوند را پرستش کنیم بلکه با گوش دادن به موعظه کلام خدا بتوانیم برای ترک گناهان تشویق شویم.

قدم هشتم: همیشه کار درست (راه خدا) را انجام دهید.

- پیوسته در خدمت خداوند بیافزاید (اول قرن‌تین ۱۵: ۵۸). خدمت خداوند نیاز به پیوستگی مداوم دارد. نباید در ایمان خود فراز و نشیب داشته باشیم.
- هیچ وقت ما نمی‌توانیم رفتار خود را تغییر دهیم مگر اینکه اهداف و انگیزه خود برای تغییر یافتن را عملی کنیم. خداوند وعده نداده که تغییر عادات و رفتار بسیار آسان خواهد بود اما اگر با تلاش و کوشش فراوان و تکرار عملی با دعا بخواهیم تغییر یابیم خداوند اراده خود را در زندگی ما عملی خواهد کرد.
- ما باید کننده کلام خدا باشیم و نه فقط شنونده (يعقوب ۱: ۲۲-۲۵). عاداتها با تکرار عملی بوجود می‌آید. دوچرخه سواری شاید در ابتدای یادگیری آن سخت باشد اما با تمرین و تکرار فراوان راندن دوچرخه تبدیل به یک عادت ساده و حتی چیز لذت بخش می‌شود.

بنابراین اگر خود را وادار به تکرار کاری که درست است کنیم، می توانیم با تمرین و تکرار آن تغییر یابیم و به آن کار درست عادت کنیم. متی ۷: ۲۱؛ رومیان ۶: ۱-۲۳؛ لوقا ۶: ۴۶

قدم نهم: اعمال خوب را جایگزین اعمال زشت کنید.

- کنار گذاشتن عادات زشت کافی نیست، بلکه می بایست اعمال خوب را جایگزین آنها کنید. افسسیان ۴: ۲۲-۳۲
- دیو از یک شخص دیوانه بیرون آمد و بعد از مدتی برگشت و دید که آن مکان هنوز خالی باقی مانده پس دوباره در آن ساکن شد. متی ۱۲: ۴۳-۴۵
- طبیعت از خالی شدن نفرت دارد. اگر هوا را از لیوان خالی دور کنید، دوباره برگشته آن را پر می کند، اما اگر آن لیوان را از آب پر کنید، هوا دیگر نمی تواند داخل آن شود.
- فرض کنید که شما تصمیم می گیرید که تماشا کردن تلویزیون را کاهش دهید و تلویزیون را خاموش کنید اما جلوی آن بنشینید بعد از گذشت زمان اندک دوباره به تماشای آن وسوسه خواهید شد و آن را روشن خواهید کرد اما اگر عوض آن در فعالیتهای خانوادگی و یا ورزش و یا رفتن به جلسات کلیسا و بشارت دادن شرکت کنید، بزودی تماشای تلویزیون را فراموش خواهید کرد. بنابراین برای هر عادت زشت و گناه یک عادت خوب پیدا کرده جایگزین آنها کنید.

قدم دهم: از وسوسه دوری کنید.

- ما باید همیشه برای رهایی از وسوسه دعا کنیم (متی ۶: ۱۳). مطمئناً انجام این کار باعث می شود که از موقعیتهای و کسانی که ما را به گناه وسوسه می کنند دوری کنیم. رومیان ۱۳: ۱۴
- دوستان و همراهان فاسد رفتار ما را فاسد می کنند (اول قرنیتان ۱۵: ۳۳). خود را فریب ندهید، فکر نکنید که با همراهی فاسدان هیچ اتفاقی به شما نخواهد افتاد. بسیاری از عادات و گناهان زشت مانند قماربازی، دزدی، زنا و غیره از دوستان ناباب بوجود می آید. ترک کردن آن عادات گاهی اوقات کار بسیار دشواری می شود و این کار بسیار دشوارتر می شود

هنگامیکه دوستان ناباب ما را تشویق به تکرار آنها می کنند. اول پطرس ۴: ۳-۴؛ امثال ۱۳: ۲۰؛ خروج ۲۳: ۲

- ما باید از اجتماع شریران نفرت کنیم (مزامیر ۲۶: ۵). بعضی ها می گویند، "من فقط برای دیدن دوستانم به دیسکو می روم نه برای مشروب خوردن." مکانهایی مانند دیسکو و قمارخانه برای انجام گناه طراحی شده اند. دوم قرنیتان ۶: ۱۴-۱۸؛ افسسیان ۵: ۱۱ شما نمی توانید عادات زشت را تغییر دهید مادامیکه با دوستان ناباب و شریران همراهی می کنید. تغییر عادات و رفتار نیازمند تغییر دوستان هم هست. یک مسیحی باید دوستان مومن مسیحی خوبی پیدا کند تا با آنها برای دعا و تشویق یکدیگر همراه شود.

قدم یازدهم: در روزی که هستید زندگی کنید و نگران فردا نباشید.

- نگران نباشید که چه اتفاقات بدی شاید فردا رخ دهد، بدی فردا را فردا اصلاح کنید اگر فردا بیاید. بدی امروز برای امروز کافی است (متی ۶: ۳۳-۳۴). هر روز که از خواب بیدار می شوید به خود و به خدا بگویید، "چگونه می توانم امروز برای خدا زندگی و خدمت کنم؟ چگونه می توانم او را امروز خشنود کنم؟" اگر امروز را برای خدا زندگی کنید، مطمئن باشید که اگر فردا بیاید، مانند امروز برای خدا زندگی خود را صرف خواهید کرد.
- دو نفر کوهنوردی می کردند. یکی از آن دو سر خود را بالا گرفت و به بالای کوه نگاه کرد و به دیگری گفت، "چگونه ما می توانیم این همه سربالایی طولانی را بپیماییم و بالای کوه صعود کنیم؟ دیگری جواب داد، "نگران نباش قدم به قدم و آهسته آهسته خواهیم رفت و آن را صعود خواهیم کرد." زندگی مسیحی نیز چنین است یعنی باید در روزی که هستیم زندگی کنیم و قدم به قدم پله ها را بپیماییم تا بر عادات زشت غلبه کنیم.

قدم دوازدهم: صبور باشید.

- ما باید با صبر انتظار پیروزی از سوی خدا را بکشیم. اشعیا ۴۰: ۳۱

• اگر در عمل نیکو خسته نشویم، در زمان مقرر نتیجه آن را خواهیم دید (غلطیان ۶: ۹). عادات زشت شما یک شبه بوجود نیامد و ترک آنها نیز یک شبه صورت نخواهد گرفت. این کار نیاز به زمان دارد. اگر توبه کنید و از خدا طلب بخشش کنید او به شما قوت و صبر خواهد داد تا بتوانید به آنها غلبه کنید. به زودی دلسرد و مأیوس نشوید.

• بالغ شدن و رشد روحانی پیدا کردن مرحله ای دارد که زمان می برد (دوم پطرس ۳: ۱۸). ما در مسیح تولد دوباره پیدا می کنیم و به عنوان طفل شیرخواره به تدریج رشد پیدا می کنیم و به حد بلوغ می رسیم. شاید به دیگر مسیحیان نگاه کنید و با خودتان بگویید، "چرا من مثل آنها نیستم." اما آنها احتمالاً سالها است که در مسیح در حال رشد هستند. نگران نباشید، شما نیز اگر در مسیر کتاب مقدس و کلیسا بمانید به تدریج رشد پیدا کرده و عادات زشت را کنار خواهید گذاشت.

وقتی که یک طفل بزرگ می شود تقریباً هر روز یک تفاوت اندک در رشد او مشاهده می کنیم اما بعد از گذشت سالیان وقتی که به عکس طفولیت او نگاه می کنیم، تفاوت فاحشی را می توانیم در رشد او ببینیم. همانطور نیز ما شاید نسبت به دیروز زیاد تفاوت و تغییری در خود نداشته باشیم اما بعد از ۲، ۵، ۱۰ و یا ۲۰ سال تغییر بسیار فاحشی در رشد روحانی خود می توانیم ببینیم.

خاتمه: با چیزهای که خداوند در کلام خود برای ما منظور داشته، می توانیم عادات زشت خود را تغییر داده و کسی باشیم که او از ما می خواهد. او به ما انگیزه داده و ما را تشویق می کند تا در راه او هدایت شویم. همه این چیزها به ما بستگی دارد که آیا بخواهیم تا با تعهد اراده او را طالب بوده و تصمیم به عمل کردن آنها باشیم. او ابزارهای موفقیت و غلبه بر عادات زشت و گناهان را برای ما مهیا می کند. ما باید از آن ابزارها استفاده کنیم. آیا مصمم برای تغییر عادات زشت خود خواهید بود.

سوالات این درس:

۱- پنج قدم از راههای تغییر رفتار را نام ببرید؟

۲- سه اهدافی که می بایست در زندگی خود را تغییر دهیم را با ذکر آیه ای برای هر کدام نام ببرید؟

۳- فیلیپیان ۴: ۱۳ را بنویسید؟

۴- دو مورد از قدم سوم درباره تغییر رفتار را نام ببرید؟

۵- برای چه اعمالی باید نقشه بکشیم، آیه ای را نیز در اینباره بنویسید؟

۶- دعا کردن در چه مواردی ضروری است؟

۷- هنگامیکه با عادات و گناهان خود در نبرد هستیم باید سراغ چه کسانی رویم؟

۸- دو مورد از قدم هشتم را بنویسید؟

۹- چه مرجعی در کتاب مقدس می گوید که باید رفتارهای خوب را جایگزین رفتارهای زشت خود بکنیم؟

۱۰- قدم دهم را شرح دهید؟

۱۱- متی ۶: ۳۳-۳۴ را بنویسید؟

۱۲- سه مورد از قدم دوازدهم را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: افسسیان ۴: ۳۲-۲۲ ؛ اول قرنتیان ۱۰: ۱۳ ؛ فیلیپیان ۴: ۱۹ ؛ متی ۶:

۱۳

درس ۴۰: بخشش برکت خداوند و نبخشیدن دام شیطان

خواندن کلام خدا: متی ۱۸: ۱۵-۱۸ و لوقا ۱۵: ۱۱-۳۲

هدف: اینست که بتوانیم کسانی را که علیه ما خطا کردند، ببخشیم. آیا اخیراً کسی به شما گناهی مرتکب شده؟

مقدمه: ما همیشه گناه می کنیم و از خداوند طلب بخشش می کنیم اما ما نمی خواهیم به کسانی که بر ما گناه کرده اند ببخشیم. اگر ما بخشش خداوند را درک نکنیم، نمی توانیم دیگران را ببخشیم.

تعریف بخشش: ترک کردن رنجش، رد کردن غضب، گذشت کردن، بخشیدن بدهی، کفاره، پوشش، رد کردن جرمه گناهان.

چه شخصیهایی در کتاب مقدس هستند که دیگران را بخشیدند؟

۱- **یوسف** برادران خود را که وی را به عنوان برده به اسماعیلیان فروخته بودند، بخشید.

۲- **ایوب** دوستان خود را که از او انتقاد می کردند، بخشید.

۳- **پدر**، پسر هرزه گر خود را بخشید.

۴- **پادشاه** بدهی ۱۰۰۰۰ قنطاری غلام خود را بخشید.

۵- **عیسی** دزد روی صلیب را بخشید.

۶- **عیسی** برای بخشش قاتلان خود دعا کرد.

۷- **ایمانداران شهر قرنتس** اعضای کلیسای خود را که مرتکب گناه شده بودند، بخشیدند.

دوم قرنتیان ۲: ۷

کتاب مقدس به ما دستور می دهد که دیگران را ببخشیم.

۱- متی ۶: ۱۴-۱۵ "زیرا هرگاه تقصیرات مردم را بدیشان بیامرزید، پدر آسمانی شما، شما را نیز خواهد آمرزید. اما اگر تقصیرهای مردم را نیامرزید، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزید."

۲- مرقس ۱۱: ۲۵-۲۶ " و وقتی که به دعا بایستید، هرگاه کسی به شما خطا کرده باشد، او را ببخشید تا آنکه پدر شما نیز که در آسمان است، خطایای شما را معاف دارد. اما هرگاه شما نبخشید، پدر شما نیز که در آسمان است تقصیرهای شما را نخواهد بخشید."

۳- متی ۱۸: ۲۱-۲۲ " آنگاه پطرس نزد او آمده، گفت: «خداوندا، چند مرتبه برادرم به من خطا ورزد، می باید او را آمرزید؟ آیا تا هفت مرتبه؟ عیسی بدو گفت: «تو را نمی گویم تا هفت مرتبه، بلکه تا هفتاد هفت مرتبه!»

۴- متی ۱۸: ۳۴-۳۵ " پس مولای او در غضب شده، او را به جلادان سپرد تا تمام قرض را بدهد. به همینطور پدر آسمانی من نیز با شما عمل خواهد نمود، اگر هر یکی از شما برادر خود را از دل نبخشد."

۵- لوقا ۶: ۳۷ " و عفو کنید تا آمرزیده شوید.

۶- لوقا ۱۷: ۳-۴ "احتراز کنید و اگر برادرت به تو خطا ورزد او را تنبیه کن و اگر توبه کند او را ببخش. و هرگاه در روزی هفت کثرت به تو گناه کند و در روزی هفت مرتبه، برگشته به تو گوید توبه می کنم، او را ببخش."

۷- دوم قرنتیان ۲: ۷ " پس برعکس شما باید او را عفو نموده، تسلی دهید که مبدا افزونی غم چنین شخص را فرو برد."

۸- غلاطیان ۶: ۱ "اما ای برادران، اگر کسی به خطایی گرفتار شود، شما که روحانی هستید چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید. و خود را ملاحظه کن که مبدا تو نیز در تجربه افتی."

۹- افسسیان ۴: ۳۲ " و با یگدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است."

بخش و حفظ دوستی مجدد مسئولیت هر دو طرفین (خطا کار و مخاطی) است.

۱- مخاطی می بایست به تنهایی سراغ شخص خطا کار رفته، در خلوت خطای او را مطرح کند و اگر خطا کار توبه کرد می بایست او را ببخشد تا دوستی مجدد بین طرفین حفظ شود. نباید خطای او را به دیگران مطرح کند تا آبروی او را برده شود. متی ۱۸: ۱۵ " و اگر برادرت به تو گناه کرده

باشد، برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن. هرگاه سخن تو را گوش گرفت، برادر خود را دریافتی"

۲- خطاکار می بایست به تنهایی سراغ مخاطبی رفته و خطای خود را اعتراف و توبه کند تا دوستی مجدد بین طرفین حفظ شود. متی ۵: ۲۳-۲۴ "پس هرگاه هدیه خود را به قربانگاه ببری و آنجا به خاطر آید که برادرت بر تو حقی دارد، هدیه خود را پیش قربانگاه واگذار و رفته، اول با برادر خویش صلح نما و بعد آمده، هدیه خود را بگذاران."

چگونه دیگران را ببخشیم؟

" (۱) و اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، (۲) برو و (۳) او را میان خود و او در خلوت الزام کن. (۴) هرگاه سخن تو را گوش گرفت، (۵) برادر خود را دریافتی " متی ۱۸: ۱۵

سوالاتی که باید از شخص که دوباره برادر خطاکار خبر چینی می کند پرسیم:

۱- آیا سراغ آن خطاکار رفتی و خطای او را مطرح کردی؟ اگر نه، برو و مطرح کن در غیر اینصورت خفه شو و خبر چینی نکن.

۲- آیا آن خطاکار سخن شما را گوش گرفت و طلب بخشش کرد؟ اگر چنین است، آیا بخشیدی و دوستی مجدد را طبق دستور لوقا ۱۷: ۳-۴ حفظ کردی؟ اگر چنین است پس مسئله حل شده و دیگر هیچ مشکلی باقی نمانده است. اما اگر خطای او را به دیگران بگویند، در گناه بسر می برید و خبر چین هستید و دور از خدا. بنابراین این شما هستید که باید توبه کنید. اگر آن خطاکار سخن شما را گوش نگرفت، متی ۱۸: ۱۶-۱۷ را انجام دهید.

بخشش خداوند الگویی است برای انسانها تا یکدیگر را ببخشند. لوقا ۱۱: ۳۲-۱۱

اعتراف کردن گناهان نزد خدا ارتباط انسان را با خدا دوباره برقرار می کند. این را می توانیم در مثل پسر گمشده بخوانیم جایی که پدر ارتباط خود را با پسرش به دلیل اعتراف کردن گناه دوباره بدست آورد.

بخشش دیگران وظیفه هر مسیحی است:

۱- **یوسف** نمونه خوبی است در کتاب مقدس که برادران خود را که از او نفرت داشتند و با حسدی که به او می ورزیدند، او را به عنوان یک برده به اسماعیلیان فروختند و باعث شدند که او در مصر به زندان بیافتد. اما یوسف برادران خود را بخشید و ثروت خود را با آنان تقسیم کرد. پیدایش ۴۵: ۵

۲- بخشش چاشنی اصلی مسیحیت است. رومیان ۱۲: ۲۱

اگر ما دیگران را به اندازه ای که مسیح ما را دوست دارد، دوست داشته باشیم، بدون شک می توانیم آنها را ببخشیم.

۳- **بخشش برخلاف روح این دنیاست.** هنگامیکه شخصی به شما آزار می رساند، در عوض انتقام، خداوند از شما می خواهد که به او نیکویی کنید. رومیان ۱۲: ۱۹-۲۰ " ای محبوبان انتقام خود را مکشید بلکه خشم را مهلت دهید، زیرا مکتوب است «خداوند می گوید که انتقام از آن من است من جزا خواهم داد. پس اگر دشمن تو گرسنه باشد، او را سیر کن و اگر تشنه است، سیرابش نما زیرا اگر چنین کنی اخگرهای آتش بر سرش خواهی انباشت."

چرا باید دشمن خود را ببخشیم؟

- ۱- بخشش باعث می شود که انتقام از بین برود و در عوض آشتی بوجود آید.
- ۲- بخشش باعث می شود که دشمن شرمسار شده اخلاق خود را عوض کند.
- ۳- بدی کردن به عوض بدی ما را تلخ و سنگدل می کند، اما بخشش باعث می شود که تلخی و سنگدلی از وجود ما خارج شود.

۴- **بخشش عملی است که با اراده و تصمیم قلبی انجام می شود.** هنگامیکه شخصی به شما بدی می کند، واکنشی که نشان می دهید می بایست با محبت باشد. به او بگویید که می خواهید دوستی خود را حفظ کنید. هدیه ای به او بدهید و با تبسم با او سخن گوید نه با ترشروی. انجام عمل صحیح، باعث می شود که احساس خوبی داشته باشید و وجدان شما پاک خواهد ماند.

۵- **اگر از بخشیدن دیگران امتناع کنیم، خداوند نیز از بخشش ما امتناع خواهد کرد.** متی ۶: ۱۵ " اما اگر تقصیرهای مردم را نیامرزد، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزد."

۶- بخشش واقعی حساب خطاهای دیگران را نگه نمی دارد، بلکه ۴۹۰ بار می بخشد. متی ۱۸: ۲۱

۷- بخشش واقعی الگویی از سوی خداوند است که همه گناهان ما را بخشد. ما باید همه خطایای دیگران را ببخشیم همانطور که خداوند همه گناهان ما را در مسیح بخشیده. افسسیان ۴: ۳۲ و کولسیان ۳: ۱۳

چرا باید دیگران را ببخشیم؟

- ۱- خداوند به ما فرمان داده تا دیگران را ببخشیم. مرقس ۱۱: ۲۵
- ۲- اگر ما دیگران را نبخشیم، خداوند نیز ما را نخواهد بخشید و در نتیجه با خداوند مشارکت نخواهیم داشت. این یعنی دعا‌های ما مستجاب نخواهد شد (مرقس ۶: ۱۴-۱۵).
- ۳- بخشش دیگران نشان می دهد که قدر و ارزش بخشش خداوند را می دانیم.
- ۴- بخشش دیگران به ما کمک می کند که خود را بیشتر بشناسیم و روز به روز بهتر شویم.
- ۵- بخشش دیگران می تواند به خانواده آنها کمک کند که آنها نیز نجات یابند.
- ۶- بخشش دیگران به آنها کمک می کند که در ایمان خود رشد پیدا کنند و مسیحیان خوبی باشند.
- ۷- بخشش دیگران محبت مسیح به دیگران را از طریق ما به معرض نمایش می گذارد چنانکه مسیح به قاتلان خود نشان داد. بخشش خطاکاران از سوی مسیح کمتر در مردم دیده شده است. بخشش دیگران به آنها یاد می دهد که آنها نیز محبت کنند و دیگران را ببخشند. بخشش دیگران محبت ما به خدا و دیگران را ثابت می کند.
- ۸- نابخشودگی دیگران را به جنگ شیطان و گرگ می اندازد.
- ۹- نابخشودگی باعث می شود که دیگران نیز ما را نبخشند و بالعکس بیشتر از ما نفرت داشته باشند. هر چه را بکاریم همان را برداشت خواهیم کرد.
- ۱۰- ما به خاطر نابخشودگی باید به خدا حساب پس بدهیم. رومیان ۱۴: ۱۲
- ۱۱- نابخشودگی باعث می شود که سختدل شویم (افسسیان ۴: ۳۲). آن دری است برای گناهان دیگر.

گفته های کلام خدا درباره نبخشدن:

ماهیت انسان به گونه ای است که تقصیرات دیگران را می بیند اما نمی تواند تقصیرات خود را ببیند و اعتراف کند. انسانها تمام سعی خود را می کنند تا با بهانه های مختلف خود را تبرئه کنند و همه خطا را گردن دیگران بیندازند تا اسم و آبروی آنها لکه دار شود. هنگامیکه شخصی درباره خطای دیگران به شما خبر چینی می کند، می بایست سراخ شخص مخاطبی رفته از او نیز درباره جنجال بشنوید چون داستان همیشه دو سو دارد (متی ۱۸: ۱۵). زیرا این چیزی است که برای خود می خواهیم و ما نیز همانگونه باید برای دیگران بخواهیم. لوقا ۶: ۳۱

عواقب نبخشدن:

۱- ریشه تلخی و مرارت نمو کرده و هنگامیکه خبرچینی می کنیم، بسیاری به آن گناه آلوده می گردند و اخبار بد را درباره خطاکار به دیگران اعلام می کنند. عبرانیان ۱۲: ۱۵ " و مترصد باشید مبادا کسی از فیض خدا محروم شود و ریشه مرارت نمو کرده، اضطراب بار آورد و جمعی از آن آلوده گردند."

۲- خداوند ما را نخواهد بخشید و دعاهی ما مستجاب نخواهد شد. متی ۶: ۱۴-۱۵

۳- خداوند ما را به جلا دادن خواهد سپرد تا ما را مجازات کنند. متی ۱۸: ۳۴-۳۵

سوالات این درس:

۱- تعریف بخشش را بنویسید؟

۲- پنج شخصیت های کتاب مقدس که دیگران را بخشیدند، نام ببرید؟

۳- سه آیه از کتاب مقدس نام ببرید که به ما دستور می دهد که دیگران را ببخشیم؟

۴- آیا بخشش و حفظ دوستی مجدد مسئولیت خطا کار است یا مخاطی؟ با آیه ای اثبات کنید؟

۵- متی ۱۸: ۱۵-۱۸ را بنویسید؟

۶- چرا باید دشمن خود را ببخشیم؟

۷- افسسیان ۴: ۳۲ را بنویسید؟

۸- چرا باید دیگران را ببخشیم؟ چهار مورد را بنویسید؟

۹- عواقب نبخشیدن کدامند؟

آیه های کلیدی این درس: متی ۱۸: ۱۵-۱۸ ؛ افسسیان ۴: ۳۲ ؛ مرقس ۱۱: ۲۵-۲۶

درس ۴۱: زندگی پیروزمندانه در مسیح

"زیرا اگر به سبب خطای یک نفر و به واسطه آن یک موت سلطنت کرد، چقدر بیشتر آنانی که افزونی فیض و بخشش عدالت را می‌پذیرند، در حیات سلطنت خواهند کرد بوسیله یک، یعنی عیسی مسیح." (رومان ۵: ۱۷)

چه زندگی مسیحی پر امیدی را پولس رسول در آیه بالا تقدیم می‌کند. ما که افزونی فیض و هدیه عدالت را دریافت کرده ایم، با کمک عیسی مسیح در زندگی سلطنت خواهیم کرد. ما مثل شاهان زندگی خواهیم کرد. این به این معنی نیست که زندگی ما مثل شاهنشاهی محدود که امروزه هم در انگلستان جایی که قدرت مجازات کردن، دروغ گفتن پارلمان و نخست وزیر باشد. بلکه به این معنی است که شاهنشاهی که صاحب قدرت مطلق است و از آن بهره میبرد اگر آدم خوبی باشد، و از آن سوء استفاده میکند اگر آدم بدی باشد. شاهنشاهی غالباً خیلی دورتر از تجربه خیلی از مسیحیان است.

بزرگترین احتیاج در زندگی بیشتر مسیحیان پیروزی است. نه پیروزی که در اینجا و آنجا باشد بلکه تجربه زندگی پیروزمندانه که همیشه و هر روزه در دسترس باشد. شما مدتی است که نجات پیدا کرده اید. برای چندین هفته این درس‌ها را خوانده اید. از خودتان بپرسید، آیا من پیروزمندانه زندگی میکنم؟ لطفاً با خودتان در حضور خدا رو راست باشید.

اگر شکست خورده اید و زندگیتان پر از پستی و بلندیهای معنوی است، این درس ارزش خیلی زیادی برای شما خواهد داشت. ولی خواندن آن تنها کافی نیست بلکه باید در زندگیمان اجرا شود.

الف: احتمالات و وعده های زندگی پیروزمندانه:

۱. (یوحنا ۱۰:۱۰) خداوند می‌خواهد که شما حیات فراوان داشته باشید.
۲. (مزمیر ۱۱:۱۶) خداوند قصد دارد که شما یک زندگی پر از لذت را تجربه کنید.
۳. (یوحنا ۸:۳۱، ۳۲) خداوند می‌خواهد که از طریق کلامش شما را یکی از یارانش بسازد و همچنین شما را آزاد بسازد. این آزادی از گناه به معنی نبودن گناه در
۴. زندگی نیست بلکه در رومیان ۶:۱۴ خداوند آنرا آزادی از قدرت گناه خطاب می‌کند.
۵. کتاب مقدس پیروزی جلال‌مندان را به همه ایمان داران درس می‌دهد. با توجه به (اول یوحنا ۵:۴) انسانهایی که از خدا تولد یافته اند بر جهان غلبه میکنند.
۶. پولس رسول در رومیان نوشته که گناه نباید بر شما مسلط باشد. (رومیان ۶:۱۴)

در آیه های زیر به قطعی بودن وعده خداوند برای پیروزی را در کلامش توجه کنید:

"بلکه در همه این امور از حدّ زیاده نصرت یافتیم، به وسیله او که ما را محبت نمود." (رومیان ۸:۳۷)

"لیکن شکر خدا راست که ما را به واسطه خداوند ما عیسی مسیح ظفر می‌دهد. (اول قرنتیان ۱۵:۵۷)

"لیکن شکر خدا راست که ما را در مسیح، دائماً در موکب ظفر خود می‌برد و عطر معرفت خود را در هر جا به وسیله ما ظاهر می‌کند." (دوم قرنتیان ۲:۱۴)

"قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می‌بخشد." (فیلیپیان ۴:۱۳)

بدون شک خواسته و اراده خدا اینست که همه مسیحیان زندگی موفق و پیروزمندانه در مسیح را داشته باشند. نه فقط پیروزی بلکه افزونی و فراوانی پیروزی بر دشمن روحانی خود.

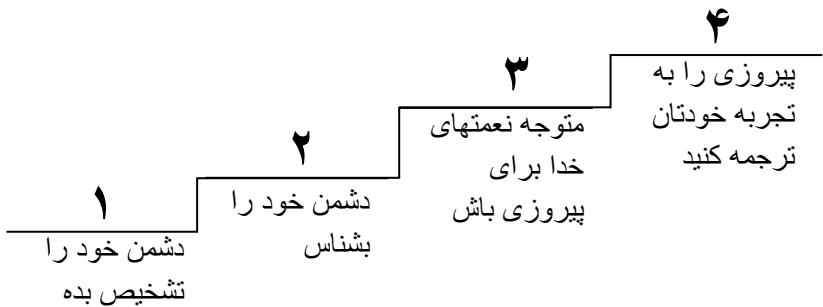
ب: انتخاب کردن یک زندگی پیروزمندانه :

به عنوان یک مسیحی شما هنوز انتخاب آزاد دارید. اگر پیروزی را انتخاب کنید مطمئناً شما آن را به صورت هدیه از طرف خداوند خواهید داشت. اگر راه خدا را رد کنید، شما زندگی خود را با شکست ادامه خواهید داد. (رومیان ۶:۱۶) "آیا نمیدانید اگر خویش را به زندگی تسلیم کرده، او را اطاعت نمایید شما آن کس را که اطاعت میکنید بنده هستید، خواه گناه را برای مرگ خواه اطاعت را برای عدالت"

ج: قدمها به سمت پیروزی در زندگی:

راز پیروزی در زندگی مسیحی چیست؟ "چه فرمولی است که باید بدانیم؟ راه و روش را به من نشان بده تا آنرا اجرا کنم." متأسفانه این به سادگی نسخه نوشتن یا مصرف دارو نیست. هرچند، اگر یک راز در زندگی مسیحی باشد آن در خود مردن و تسلیم شدن به مسیح خداوند است. همینطور که این درس را بخوانید، این را یاد خواهید گرفت.

۱: برای اینکه قادر باشید از زندگی پیروزمندانه مسیحی لذت ببرید چند قدم را باید دنبال کنید.



کتاب مقدس یاد میدهد که شما به عنوان فرزند خدا با سه نوع دشمن روبرو خواهید شد. هر کدام خواستار شکست معنوی شما هستند. این سه دشمن **دنیا ، جسم ، و ابلیس** هستند. ما هر کدام از این دشمن ها را با اجرا کردن آن ۴ قدم شکست خواهیم داد.

د: چگونه میتوانم بر جهان پیروز شویم؟

۱- تشخیص دشمن

وقتی کتاب مقدس در مورد جهان به عنوان مخالف شما سخن میگوید ، این به آفرینش جهان توسط خدا اشاره نمیکند بلکه به سیستم این جهان اشاره دارد که روی اصل خود خواهی، انگیزهای غلط، استاندارد های غیر خدایی و بر علیه چیزهای خداوند است.

(۱) مسیح گفت پادشاهی او از این جهان نیست. (یوحنا ۱۸: ۳۶)

۲) مسیح گفت سیستم جهانی از مسیحیان متنفر است همینطور که از مسیح متنفر بود. (یوحنا ۱۵: ۱۸)

۳) مسیح گفت که ایمان داران از این جهان نیستند (یوحنا ۱۵: ۱۹)، این نشان میدهد که ما باید خودمان را از هر گونه ارتباط جهانی عایق کنیم. ما در جهان هستیم ولی از جهان نیستیم.

"در آن رساله به شما نوشتم که با زانیان معاشرت نکنید. لکن نه مطلقاً با زانیان این جهان یا طمعکاران و یا ستمکاران یا بت پرستان، که در این صورت می‌باید از دنیا بیرون شوید." (اول قرنتیان ۵: ۹-۱۰).

برای دوری کردن کامل از زناکاران، طمعکاران، ستمکاران، و یا بت پرستان تنها چاره اینست که از این دنیا بیرون شویم و یا به عبارتی دیگر این دنیا را ترک کنیم.

- ۴) دنیا پرستی برای مسیحیان فقط دشمنی با خداوند را به همراه خواهد داشت. (یعقوب ۴: ۴)
- ۵) در نور این آیه‌ها آیا فکر می‌کنید که هیچ چیز مشترک بین خداوند و جهان هست که ایمان داران ممکن باشد قبول کنند؟ خیر (متی ۶: ۲۴)
- ۶) وقتیکه مسیحیان از جهان شکست می‌خورند، خداوند را ترک می‌کنند. (دوم تیموتائوس ۴: ۱۰)

۲: شناختن دشمن

- ۱) چگونه جهان به مسیحیان حمله میکند؟ آن مسیحیان را از خداوند اغوا میکند.
- ۲) با توجه به اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷ کدام سه راه است که این جهان مسیحیان را اغوا میکند؟
- الف: شهوت جسم ب: شهوت چشم ج: غرور زندگانی
- ۳) با توجه به آیه ۱۵ جهان میخواهد چه چیزی را از شما بدست آورد؟ عشق

۳: متوجه نعمتهای خدا برای پیروزی باشید

- ۱) در یوحنا ۱۶: ۳۳ مسیح به یارانش چه گفت: "خاطر جمع دارید که من بر جهان غالب شده‌ام"
- ۲) مسیح خداوند گفت که او پیروزی را برای ما به ارمغان آورده.

۴: پیروزی را در زندگی خودتان تجربه کنید.

خیلی هیجان انگیز است که مسیح خداوند پیروزی ما را در جهان به دست آورده است. اما من و شما نیاز داریم که این پیروزی را در زندگی خودمان قدردانی کنیم تا خود ما نیز بتوانیم بر جهان غلبه کنیم.

این نکته های زیر راههایی هستند که می توانیم بر جهان غلبه کنیم:

۱: قبول کنید که شما در جهت پیروزی ایستاده اید.

- أ. طبق اول یوحنا ۵:۵ چه کسی است که بر جهان غلبه میکند ؟ " او کسی است که ایمان بیاورد که مسیح پسر خدا است "
- ب. آیا شما به مسیح خداوند ایمان دارید ؟

۲: پیروزی خود را با ایمان ادعا کنید.

- أ. اول یوحنا ۵:۴ میگوید: "پیروزی که دنیا را مغلوب کرده است ایمان ماست "
- ب. ایمان چیست ؟ ایمان به صورت ساده قبول کردن چیزی که خدا در کلام خودش می گوید، و عمل کردن به آن. این یعنی اتکای کامل به خدا.

۳: همیشه خواسته خداوند را بجا آورید.

" لکن کنندگان کلام باشید نه فقط شنوندگان که خود را فریب میدهند " (یعقوب ۱: ۲۲).

۴: اندیشه هایتان را روی چیزهای آسمانی جلب کنید. اگر به چیزهای زمینی یا

دنیوی فکر کنید، به آسانی وسوسه خواهید شد.

- أ. " آنچه که در بالاست بطلبید " (کولسیان ۳: ۱)
- ب. " در آنچه در بالاست تفکر کنید " (کولسیان ۳: ۲)
- ج. " زیرا هر جا گنج تو است دل تو نیز در آنجا خواهد بود " (متی ۶: ۲۱)

ب: چگونه میتوانم بر جسم غلبه کنم؟

۱- تشخیص دشمن:

وقتی که کتاب مقدس در مورد جسم بر علیه ما سخن میگوید که از آن باید فاصله بگیریم منظور بدن ما نیست. منظور طبیعت کهنه گناه کارانه ماست "انسان کهنه". طبیعت فاسد آدمی که متعلق به تمام بشر است.

أ. وقتی شما نجات پیدا کردید، شما طبیعت الهی را دریافت کردید (دوم پطرس ۱: ۴). اما با اینکه طبیعت روحانی جدید به دست آورده شد، طبیعت گناه کارانه کهنه شما از بین نرفته است.

ب. در جسم (طبیعت کهنه) هیچ چیز خوب جای ندارد (رومان ۷: ۱۸).

ج. به عنوان یک مسیحی اینک شما دارای دو طبیعت می باشید یعنی: - جسم و روح - کهنه و جدید - گناه کار و الهی

۲: شناخت دشمن:

جسم چطور به مسیحیان حمله می کند؟ جسم کشمکش و غوغا در درون ما به پا می کند و با جهان و شیطان همکاری میکند.

أ. با توجه به (رومان ۷: ۲۱) پولس رسول چه چیزی را کشف کرد؟ شیطان همیشه حاضر است.

ب. غلاطیان ۵: ۱۷ چگونه این کشمکش را توصیف می کند؟ "زیرا خواهش جسم و روح با هم تناقض دارند به طوری که آنچه میخواهید نمیکند"

ج. طبق رومانی ۷: ۲۳ این کشمکش در کجا به وقوع می پیوندد؟ در ذهن

۳: متوجه نعمتهای خدا برای پیروزی باشید.

(۱) سوال پولس در رومانی ۷: ۲۴ چیست؟ "کیست که مرا از جسم این موت رهایی بخشد؟"

(۲) جواب سوال پولس در رومانی ۷: ۲۵ را بنویسید؟ "خدا را شکر می کنم بوساطت خداوند ما عیسی مسیح." خداوند مسیح پیروزی را برای ما به ارمغان آورده.

تغییر رفتار:

اغلب اوقات تغییر رفتارهای گناه آلود به رفتارهای عادلانه را پیروزی می خوانند. آن پیروزی همان مراحل "بیرون کردن" و "پوشیدن" است که در افسسیان ۴: ۲۲-۳۲ آمده است. ما مخلوقاتی هستیم که به چیزها عادت می کنیم. ما باید آن عاداتهای گناه آلود را با عاداتی خداپسندانه عوض کنیم. به عنوان یک مسیحی هر کیفیت زندگی، نگرش ذهنی، یا فعالیتهایی که خدا از انسانها طلب می کند، بوسیله عیسی مسیح از طریق روح القدس قابل دست یافتن است.

۴: پیروزی را در زندگی خودتان تجربه کنید.

- ا. غلاطیان ۵: ۱۶ میگوید: "در روح قدم بردارید"
- ب. دوم قرنیتان ۵: ۷ ما را مطلع می کند "زیرا که با ایمان راه میرویم" این آیه ها از کتاب مقدس اهمیت راه رفتن با مسیح خداوند را نشان میدهد.
- ج. رومیان ۱۳: ۱۴ می گوید "بلکه مسیح خداوند را بپوشید و برای شهوات جسمانی تدارک نبینید." این آیه یاد میدهد که جسم را امان ندهید.
- د. جایگاهتان را در مسیح تشخیص دهید.
۱. با توجه به (غلاطیان ۵: ۲۴) طبیعت گناه کارانه شما به صلیب کشیده شده است.
۲. (غلاطیان ۲: ۲۰) می گوید "من با مسیح به صلیب کشیده شدم" این یک حقیقت است. در اینجا طبیعت قدیم شما با مرگ معامله شده. اما عملاً طبیعت گناه کارانه شما هنوز با شماست که وسوسه میشود و زندگیتان را کنترل می کند.
- ه. رومیان ۶: ۱۱ "همچنین شما نیز خود را برای گناه مرده انگارید اما برای خدا در مسیح زنده"
- و. اول پطرس ۲: ۱۱ "ای محبوبان، استدعا دارم که چون غریبان و بیگانگان از شهوات جسمی که با نفس در نزاع هستند، اجتناب نمایید؛"

ج: چگونه میتوانیم بر ابلیس غلبه کنیم؟

۱: تشخیص دشمن

- ا. قبل از هر چیز درس "مقابله شیطان با مسیحیان" را مرور کنید، که بیشتر در مورد شیطان صحبت می کند.

ب. طبق اول پطرس ۵: ۸ ابلیس دشمن ماست "هشیار و بیدار باشید، زیرا که دشمن شما ابلیس مانند شیر غرآن گردش می کند و کسی را می طلبد تا ببلعد."

۲: شناخت دشمن

شیطان چگونه به یک مسیحی حمله میکند؟ او از چندین ابزار برای حمله استفاده میکند. در این مورد دوم قرنیتان ۲: ۱۱ را بخوانید.

أ. شیطان از وسوسه استفاده میکند (اول تسالونیکیان ۳: ۵). شیطان در استفاده از جهان برای اغوای شما مهارت دارد.

ب. از مکر استفاده میکند (افسیان ۶: ۱۱). منظور حيله گری با مهارت است.

ج. از غرور استفاده میکند (اول تیموتائوس: ۳: ۶). او به جسم جذب می شود.

د. از دلسرد کردن استفاده میکند (اعداد ۲۱: ۴)

ه. از تیر آتشین استفاده میکند. (افسیان ۶: ۱۶)

۳: متوجه نعمتهای خدا برای پیروزی باشید.

أ. علت آمدن مسیح چه بود؟ (اول یوحنا ۳: ۸) تا اعمال شیطانی را نابود کند.

ب. مسیح مقدس چطور شیطان را شکست داد؟ (عبرانیان ۲: ۱۴) با مرگ خودش روی صلیب.

۴: پیروزی را در تجربه خودتان ترجمه کنید.

أ. به یاد داشته باشید که شما در سمت پیروزی هستید. (اول یوحنا ۴: ۴) میگوید: "او که در شماست بزرگتر است از آنکه در جهان است"

ب. با توجه به اول یوحنا ۲: ۱۴ ما بر شریر غلبه میکنیم وقتی که کلام خدا در ما باقی بماند.

ج. زره کامل خداوند را بپوشید (افسیان ۶: ۱۳).

د. ابزارهای دفاعی این زره معنوی را که در افسسیان ۶: ۱۴-۱۸ اشاره شده را نام ببرید؟

کمر بند =

جوشن =

..... = نعلین

..... = سپر

..... = کلاهخود

ه. کدام یک از این ابزارها یورش آور است که می توانیم با آن حمله کنیم؟ شمشیر روحانی که کلام خداست.

و. طبق یعقوب ۴: ۷ ما باید در برابر شیطان استقامت کنیم.

ز. طبق افسسیان ۴: ۲۷ ما نباید هیچ راهی به شیطان بدهیم.

د: شخصی که پیروزمندانه زندگی می کند.

پیروزی در داشتن رابطه ما با یک شخص بدست می آید، که آن خود شخص عیسی خداوند است.

۱. (فیلیپان ۴: ۱۳) "... در مسیح که به من قدرت میدهد"

۲. (اول قرنثیان ۱۵: ۵۷) "... که ما را به وسیله خداوند مسیح ظفر میدهد"

۳. (دوم قرنثیان ۲: ۱۴) "... ما را در مسیح دائما در موکب ظفر خود میبرد"

۴. (رومیان ۸: ۳۷) "... از حد زیاده نصرت یافتیم به وسیله او که ما را محبت نمود"

ر: مسیر زندگی پیروزمندانه

آیا توجه کرده اید؟

همانطوریکه قدمهای پیروزی بر جهان، جسم و ابلیس را مطالعه کردید، یک سبک مشترکی بود که در تجربه زندگی خودتان برای پیروزی بکار می رود.

کتاب مقدس + ایمان و باور کردن کلام خدا و اجرا کردن آن در زندگی

شخصی = پیروزی

۱: با توجه به مزامیر ۱۱۹: ۹، ۱۱ مخفی داشتن کلام خدا در قلبتان برای شما چه سودی دارد؟

کمک میکند تا گناه نکنیم

۲: با توجه به متی ۲۶: ۴۱ چه چیزهای را باید برای دوری از وسوسه انجام بدهیم؟ مراقب بودن بودن و دعا کردن

ز: نصیحت های پایانی برای زندگی پیروزمندانه:

۱: **نا امید نشوید، رشد روحانی در زندگی مسیحی به آهستگی صورت می گیرد.**
بلوغ فوری را انتظار نداشته باشید (یعقوب ۱: ۴) میگوید: "لکن صبر را عمل تام خود باشد تا کامل و تم شوید و محتاج هیچ چیز نباشید" هر روز با صبر برای رشدتان دعا کنید ("نان امروز ما را به ما بده"). بدن شما هر روز رشد میکند، اما تغییرات غیر قابل درک هستند. شما میتوانید هر روزه رشد روحانی داشته باشید، و بعد از مدتی میفهمید که چقدر در زندگی مسیحی رشد کرده و عوض شده اید.

۲: **از قلبتان محافظت کنید.** متی ۶: ۳۳ میگوید "لکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید" این یعنی چه؟ خداوند اندیشه و علاقه قلبی شما را میخواهد، نه فقط علاقه اولیه شما را. الویت شما باید خدا باشد. برای مثال: شما به خانه وارد می شوید و به همسران میگویید: "سلام امروز من میخواهم بگویم خیلی دوست دارم، تو جایگاه اول را در زندگی من داری." بعد دوباره اضافه می کنی، "اگر چه من میخواهم که تو در مورد سارا، مریم و فاطمه هم بدانی، آنها در جایگاه دوم، سوم و چهارم هستند." آیا همسر شما از این که در میان چهار نفر در جایگاه اول باشد خوشحال میشود؟ به هیچ وجه. خداوند هم دوست ندارد که در میان دیگران اول باشد. که در این صورت جایگاه او به رقابت کشیده میشود. مسیح در لوقا ۱۴: ۲۶ میگوید. "اگر کسی نزد من آید پدر و مادر و زن و اولاد و برادران و خواهران حتی جان خود نیز دشمن ندارد، شاگرد من نمیتواند بود"

۳: **قلب خود را آزمایش کنید.** پولس در کولسیان ۳: ۲ گفت: "در آنچه بالاست تفکر کنید نه در آنچه زمین است" قلب شما به چه چیزی متصل است؟ برای اینکه یافت کنید که آیا مسیح دارای جایگاه اول است یا نه، خود را در این محدوده های زیر آزمایش کنید:

أ. زمانتان - آیا از بودن با خدا در زمان مشارکت با او، تفریح، پرستش و تعلیمات لذت میبری؟ اگر نه، چه چیزی انتظار دارید که در مورد بهشت دوست داشته باشید.

ب. افکارتان - فکر کردن در مورد چه چیزهایی به شما لذت میدهد؟ در امثال سلیمان ۲۳: ۷ خداوند میگوید: " زیرا چنانکه در دل خود فکر میکند خود او همچنان است." برای همین او در امثال ۲۳: ۴ می گوید: " دل خود را به حفظ تمام نگاه دار، زیرا که مخرج های حیات از آن است." چیزی که درباره اش فکر می کنید همان هستید. آیا فیلیپان ۴: ۸ را دنبال میکنید؟ و ذهنتان را با آن چیزها مشغول کنید؟

ج. بخشش هایتان - به دست چک و حساب بانکی خود نگاهی بیاندازید تا ببینید که به چه چیزی در زندگی ارزش می دهید. در لوقا ۱۲: ۳۴ مسیح میگوید: " زیرا جایی که خزانه شماست دل شما نیز در آنجا میباشد"

۴: **قلبانتان را با لذت الویت بندی کنید.** آیا قانون طلایی را بیاد دارید؟ (متی ۷: ۱۲) " لهذا آنچه خواهید به شما کنند ، شما نیز بدیشان همچنان کنید، زیرا این است تورات و کتاب انبیا" چه میشد اگر شما به کسی دیگر مثل خودتان متکی بودید که راه نجات را برایتان توضیح میداد؟ احتمال نجات یافتن و رفتن به بهشت چقدر بود؟ اگر دعای شفاعت آنها برای نجات شما همانند دعای شما برای دیگران بود، چه اتفاقی می افتاد؟ آیا می خواستید که اطلاعاتشان از کلام خدا شبیه مال شما بود؟ در مورد عشقتان چطور؟ آیا می خواستید که درجه نگرانی آنها برای سرنوشت شما با نگرانی که شما برای دیگران دارید مساوی می شد؟ دنبال رو مسیح در مرقس ۱۰: ۴۵ باشید. " زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیار کند "

۵: **قلبانتان را از طریق دعا کردن آماده کنید.** وقتی زندگی نا آرام می شد مسیح به کناری می رفت تا دعا کند. وقتی که تصمیمات مهم بود تا گرفته شود مسیح دعا می کرد. بزرگترین پیروزی مسیح در زمان رنج و تقلا در باغ جتسمانی به وقوع پیوست. او دعا کرد " نه به خواهش من بلکه به اراده تو ". اگر این پیروزی از طریق دعا اتفاق نمی افتاد، صلیب عیسی

نمی‌توانست وجود داشته باشد. اجازه ندهید زندگی شما را زمین بزند. مرتباً فاصله بگیرید به زانو افتاده دعا کنید.

ط : اما اگر در این راه ها شکست بخوریم چطور؟

چه کاری انجام می دهید اگر سعی کنید در راه مسیح زندگی کنید و شکست بخورید؟ (اول یوحنا: ۱۹) را به یاد داشته باشد. خداوند شما را رد نکرده است و شکست شما او را ضعیف نساخته است. او شما را خواهد بخشید و حتی ممکن است از شکست شما به عنوان سنگ زیرپای شما استفاده کند تا شما را در آینده در مقابل شکستهای مشابه نیرو بخشد.

تکیه بر پیروزی گذشته برای رسیدن به پیروزی آینده نکنید. به جای آن همیشه به مسیح و کلام او تکیه کنید. آیه ها را حفظ کنید و تکرار کنید وقتی که لازم باشد. تنها زمانی که میتوانید پیروزمندانه زندگی کنید الان است. امروز شروع کنید! حقیقت این درس را تنها برای اضافه کردن معلوماتتان یاد نگیرید بلکه آنها را انجام دهید و در زندگیتان تجربه کنید.

بشارت دهنده قدرتمند سالهای گذشته در سخنانش در مورد پیروزی گفت: "...نه اینکه سبزه جو برای داشتن ایمان، بلکه چشم دوختن به آن وفادار (مسیح)، به نظر تنها چیزی است که ما نیاز داریم" دنبال رو مثال پولس رسول باشید "... نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی میکند .." (غلاطیان ۲: ۲۰).

سوالات این درس:

۱- اول یوحنا: ۵: ۴ را بنویسید؟

۲- سه آیه را درباره قطعی بودن وعده خداوند برای پیروزی را در کلامش بنویسید؟

۴- راز پیروزی در زندگی مسیحی چیست؟

۵- سه مورد از چیزهایی که مسیح درباره جهان گفت را بنویسید؟

۶- چهار نکته از راههایی که ما می توانیم بر جهان غلبه کنیم را نام ببرید؟

۷- جسم چطور به مسیحیان حمله میکند؟

۸- چگونه پیروزی را در زندگی خودمان می توانیم تجربه کنیم؟ سه مورد را نام ببرید؟

۹- پنج ابزاری که شیطان برای حمله به یک مسیحی استفاده میکند را نام ببرید؟

۱۰- ابزارهای دفاعی زره معنوی را که در افسسیان ۶:۱۴-۱۸ اشاره شده را نام ببرید؟

۱۱- مسیح مقدس چگونه شیطان را شکست داد؟

۱۲- چگونه باید یافت کنیم که آیا مسیح دارای جایگاه اول در زندگی ماست یا نه؟

آیه های کلیدی این درس: اول یوحنا ۵: ۴ ؛ اول قرنتیان ۱۵: ۵۷ ؛ رومیان ۶: ۱۴

درس ۴۲: ماهیت خداوند

خواندن کتاب مقدس: مزامیر ۱۳۹: ۱-۲۴

هدف: اینست که درک بهتری از ماهیت خداوند که به دوست داشتن و اطاعت از او منجر خواهد شد را داشته باشیم.

مقدمه: انسان از نظر روحی کور و گمراه و به دور از خداود متولد می شود. اما چگونه می توان به شناخت خداوند رسید و بینایی روحانی خویش را بدست آورد؟ بوسیله:

الف) تولد دوباره ب) درک ماهیت و شخصیت خداوند

سوال: ماهیت خداوند چگونه است؟

الف. مشخصات طبیعی خداوند چیست؟

۱. دانش نا محدود. خداوند خود را می شناسد و هر آنچه که وجود دارد یا امکان وجود داشتن دارد را می داند. چه در گذشته، چه حال و چه آینده. دانش او بی نقص و ازلی است. او بهترین را برای تحقق آنچه می پسندد را می داند. "عدد ستارگان را می شمارد و جمیع آنها را به نام می خواند. خداوند ما بزرگ است و قوت او عظیم و حکمت وی غیرمتناهی." (مزامیر ۱۴۷: ۴، ۵) "لیکن همه موهای سر شما نیز شمرده شده است." (متی ۱۰: ۳۰). تاثیر این دانش بر ما: الف) خداوند از تمامی نیازها و مشکلات ما حتی پیش از تولد به درستی و به کامل ترین شکل ممکن آگاه است. ب) می توانیم در مورد عشق خداود به ما، توانایی او و تمایزش به کمک به انسان و برآورده ساختن نیازهای وی مطمئن باشیم.

۲. قدرت نا محدود. خداوند قادر به انجام هرآنچه میسر است که اراده کند، چیزهایی که با ماهیت وی همخوان باشد. خداوند نمی تواند:

ا. دروغ بگوید. (عبرانیان ۶: ۱۸) "تا به دو امر بیتغییر که ممکن نیست خدادر مورد آنها دروغ گوید."

ب. گناه کند. (یعقوب ۱: ۱۳) "هیچکس چون در تجربه افتد، نگوید: خدا مرا تجربه میکند، زیرا خدا هرگز از بدیها تجربه نمی شود و او هیچکس را تجربه نمی کند."

ت. گناه را نظاره کند. (حقوق ۱: ۱۳) "چشمان تو پاکتر است از اینکه به بدی بنگری و به بی انصافی نظر نمی توانی کرد. پس چرا خیانتکاران راملاحظه مینمایند و حینی که شریر کسی را که از خودش عادل تر است میبلعد، خاموش میمانی؟"

ث. خویش را نفی کند (دوم تیموتائوس ۲: ۱۳). "اگر بی ایمان شویم، او امین میماند زیرا خود را انکار نمی تواند نمود."

ج. چیزی برای او محال نیست. (ارمیا ۳۲: ۱۷) "هیچ چیز برای تو غیرممکن نیست."

ح. چرا که او قدرتمندترین است. (متی ۱۹: ۲۶) "با خداوند همه چیز ممکن است."

سه نوع اراده خداوند عبارتند از: الف) **اراده بی نقص** ب) **اراده اختیاری** (مجاز) پ) **اراده مسلط** (رهنمود)

خداوند قدرت و اختیار خود را با دادن حق اختیار به انسان محدود می کند و به همین دلیل است که خداوند گناه را از زمین دور نگاه نداشت (خداوند به انسان اختیار ارتکاب گناه داد). خداوند هیچ انسانی را به زور نجات نمی دهد.

تاثیر این امر مهم بر ما آنست که "الحال او را که قادر است که بکند بی نهایت زیادتر از هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم، بحسب آن قوتی که در ما عمل می کند." (افسیان ۳: ۲۰).

۳. **حاضر در همه جا:** خداوند همه جا حاضر و فعال است. او دربرگیرنده تمام دانش موجود در هر مکانی است. (مزامیر ۱۳۹: ۷-۱۲).

"از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟" (مزامیر ۱۳۹: ۷) "و کسی به آسمان بالا نرفت مگر آن کس که از آسمان پایین آمد، یعنی پسر انسان که در آسمان است." (یوحنا ۳: ۱۳).

تأثیر این امر مهم بر زندگی ما (الف) آرامش مؤمنان (ب) هشدار، منع، تسلیم کردن بی ایمانان که از دست خداوند نمی توانند بگریزند.

۴. ابدیت. (بی پایان در زمان) خداوند بی کران و لایتناهی است. کلمه ابدیت در این مفهوم به دو شکل و معنی به کار می رود:

أ. **مجازی:** وجودی که شاید آغازی داشته باشد اما پایانی برای آن متصور نیست. مانند فرشتگان یا روح انسان.

ب. **عینی:** وجودی که آغاز و پایانی ندارد. مثل: خداوند، "کسی که پیش رفتنهای او از قدیم و از ایام ازل بوده است." (میکاه ۵: ۲). "قبل از آنکه کوهها به وجود آید و زمین و ربع مسکون را بیآفرینی. از ازل تا به ابد تو خدا هستی." (مزامیر ۹۰: ۲). "من هشتم الف و یا، اوّل و آخر، می گوید آن خداوند خدا، که هست و بود و می آید، قادر علی الإِطلاق." (مکاشفه ۱: ۸).

تأثیر این امر مهم بر ما: (الف) بدانیم که انسانها زندگانی ابدی دارند. خواه در جهنم خواه در بهشت. (ب) درک عظمت مسیح. (پ) استفاده بهینه از عمر خود برای دعوت دیگران به مسیح

۵. تغییر ناپذیر: ذات و ماهیت خداوند هیچ گاه تغییر نمی کند. "عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدآباد همان است." (عبرانیان ۱۳: ۸). "هر بخشنده گی نیکو و هر بخشش کامل از بالا است، و نازل می شود از پدر نورها، که نزد او هیچ تبدیل و سایه گردش نیست." (یعقوب ۱: ۱۸).

تأثیر این امر مهم بر ما:

(الف) خداوند قابل اعتماد است و به آنچه وعده داده پایبند خواهد ماند.

(ب) ما نیز می بایست تغییر ناپذیر باشیم و همواره عهد و پیمان خود را به یاد داشته باشیم و ایمان خویش را از یاد نبریم.

۶. سه گانگی: سه شخصیت متحد (تثلیث) بدون وجود جداگانه برای تشکیل یک خدای واحد. این ماهیت الهی در سه شخصیت خلاصه می شود یعنی: پدر، پسر و روح القدس. با این که خداوند وجودی یگانه دارد اما در سه شخصیت کاملاً مساوی و یکسان تجلی می یابد که با وجود داشتن ماهیت یکسان هر یک از شخص تثلیث خواص متفاوتی دارند. پدر پسر را به

سوی ما روانه می کند و پسر روح القدس را. نظریه سه گانگی به این معنی نیست که خداوند خویش را به سه حالت وجودی عرضه کند. همچنین به این معنی نیست که این سه ماهیتی متفاوت دارند. شواهد سه گانگی در کتاب مقدس عبارتند از:

أ. **فرمول تعمیدی:** پس رفته، همه اّمّتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید (متی ۲۸: ۱۹).

ب. **دعای خیر رسولان:** "فیض عیسی خداوند و محبّت خدا و شرکت روح القدس با جمیع شما باد. آمین." (دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴).

ت. **سه شاهدان بهشت:** "زیرا سه هستند در بهشت که شهادت می دهند، یعنی پدر، کلمه، و روح القدس. و این سه، یک هستند." (اول یوحنا ۵: ۷)

هر یک از این سه دارای ماهیت خدایی یکسان هستند. هر کدام در زنده کردن مسیح از مردگان، خلق جهان و نجات انسان سهم دارند.

ب. ویژگی های اخلاقی خداوند چیست؟

۱. **حقیقت:** دانش و بیان خداوند همواره با واقعیت مطابق است. وفاداری خداوند دلیل به جای آوردن تمامی وعده های اوست. او "خداوند، خدای حقیقت است" (مزامیر ۳۱: ۵).

۲. **قداست:** خداوند زلال و بری از هرگونه آلودگی و بدی و گناه است.

الف) شواهد از کتاب مقدس:

و یکی دیگری را صدا زده، می گفت: "قدّوس قدّوس قدّوس یهوه صبايوت، تمامی زمین از جلال او مملوّ است." (اشعیا ۶: ۳).

"و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها شش بال دارد، گرداگرد و درون به چشمان پر هستند و شبانه روز باز نمی ایستند از گفتن قدّوس قدّوس قدّوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می آید." (مکاشفه ۴: ۸).

"زیرا او که عالی و بلند است و ساکن در ابدیت می باشد و اسم او قدّوس است چنین می گوید: من در مکان عالی و مقدّس ساکنم و نیز با کسی که روح افسرده و متواضع دارد، تا روح متواضعان را احیا نمایم و دل افسردگان را زنده سازم." (اشعیا ۵۷: ۱۵).

"پدر مقدس" (یوحنا ۱۷: ۱۱).

"زیرا مکتوب است، مقدس باشید زیرا که من قدّوسم." (اول پطرس ۱: ۱۶).

"و به کدام یک از فرشتگان هرگز گفت، بنشین به دست راست من تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم؟" (حقوق ۱: ۱۳).

ب) علامت و نشانه های قداست خداوند عبارتند از:

- مقدس ترین مکان "خیمه گاه" که کشیش اعظم سالی یک بار به آن وارد می شود.
- ده فرمان و قوانین وضع شده در زمان موسی (لاویان ۱۱-۱۵)
- حدودی که خداوند در هنگام دادن ده فرمان به موسی بر کوه سینا قرار داد تا مردم نتوانند از آن محدوده عبور کرده و به بالای کوه به دیدن خدا بروند.
- در عهد عتیق برای نزدیک شدن به خداوند تقاضای قربانیا شده بود.
- امت بنی اسرائیل که در سرزمین خویش از دیگر امتهای کناره گیری و از بت پرستی آنها نهی شدند.
- "لیکن خطایای شما در میان شما و خدایتان حائل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است." (اشعیا ۵۹: ۲)
- صلیب نشان می دهد که خداوند تا چه اندازه قداست را دوست می دارد. مسیح نه تنها برای بخشودگی گناهان ما بلکه برای تقدّس و عدل بخشیدن به انسان به صلیب کشیده شد. چرا که خداوند قداست را دوست می دارد.

تأثیر این امر مهم بر ما اینست که:

الف) می بایست با "احترام و خداترسی" به خداوند نزدیک شد و وی را عبادت نمود. (حقوق ۱۲: ۲۸). و نه مانند مردم اشدود (اول سموئیل ۵: ۶).

ب) زمانیکه ما درک درستی از قداست خداوند داشته باشیم، درک درستی از گناه نیز خواهیم داشت. برای مثال اشعیا مقدسترین انسان اسرائیل پس از آگاهی از میزان قداست خداوند در مقابل گناهان خویش به زانو درآمد. (اشعیا ۶: ۵-۷) پ) نزدیکی به خداوند می بایست با استفاده از شایستگی عدالت عیسی صورت پذیرد.

۳. عدالت و راستی: فضیلت، درستکاری

"زیرا که یهوه خدای ما در همه کارهایش که انجام می دهد عادل است." (دانیال ۹: ۱۴)

عدالت: خداوند دولت اخلاقی در جهان مقرر کرده است و قوانینی براساس عدالت وضع نموده و مجازاتهایی بر آنها قرار داده است.

راستی: خداوند قوانین خویش را اجرا می کند. صالحان را پاداش می دهد و گناهکاران را مجازات میکند. خداوند تمامی مناسبات خود با بشریت را همواره درست و با عادل انجام می دهد. عدالت او برپایه قوانین اوست.

عدالت و درستی خداوند در موارد زیر مشهود است:

الف) **مجازات گناهکاران** ب) **پاداش عادلان** (مزمیر ۵۸: ۱۱) پ) **بخشایش گناهان**
توبه کنندگان ت) **وفای بعهده نسبت به مسیحیان** (نحمیا ۹: ۷-۸) ث) **نجات**
مومنان از دست دشمنانشان (استر ۹: ۲۴، ۲۵) ج) **موعظه و دعوت به عدالت از طرف**
مومنان (مزمیر ۴۰: ۹، ۱۰)

۴. **نیکویی**: خدا تمامی ویژگی های یک شخص ایده آل مانند عشق، خیرخواهی، رحمت، مهربانی و فیض را دارد. "بچشید و ببینید که خداوند نیکوست. خوشباه حال کسی که به او توکل می دارد" (مزمیر ۳۴: ۸).

الف) **عشق** خداوند به آفریدگانش: مهربانی و محبت خداوند و توجه همیشگی وی به رفاه دنیوی و روحانی آفریدگانش که خداوند را به انجام فداکاری هایی ماوراء درک انسان وامی دارد تا عشق خود را به بندگانش نشان دهد. خداوند مهر و محبت خود را بدینگونه آشکار می سازد:

- محشور ساختن نام خویش با عشق. "خدا محبت است." (اول یوحنا ۴: ۸، ۱۶). خدایان امتهای متنفر و خشمگین هستند.

- "او ما را محبت نمود و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود برای رستگاری انسان." (اول یوحنا ۴: ۹، ۱۰).

- هرگز و در هیچ یک از مراحل و شرایط زندگی ما را فراموش نمی کند. (اشعیا ۶۳: ۹؛ ۴۹: ۱۶، ۱۵).

- بخشنندگی: خداوند همه چیز را دولت‌مندانه برای لذت عطا می‌کند. (مزامیر ۱۴۵: ۹، ۱۵، ۱۶؛ متی ۵: ۴۵؛ اول تیموتائوس ۶: ۱۷).

ب) خیرخواهی خداوند: محبتی که خداوند نسبت به بشریت احساس می‌کند و ابراز می‌نماید.
 پ) رحمت خداوند: نیکویی خداوند که همواره شامل حال گناهکاران، بندگان گرفتار، بدبخت و پریشان است. (یعقوب ۵: ۱۱؛ افسسیان ۲: ۴). خداوند نسبت به اسرائیل بخشنده است (مزامیر ۱۰۲: ۱۳)، و نسبت به امت‌ها (رومیان ۱۱: ۳۰-۳۲) و نسبت به تمام آنانی که ترس از خداوند دارند (لوقا ۱: ۵۰)، و تمامی کسانی که بدنال نجات او هستند (اشعیا ۵۵: ۷). و او برآورنده نیازهای دنیوی و اخروی ماست.

ت) مهربانی خداوند: برکات خداوند نسبت به بندگان مطیع خویش مستمر و بهترین نعمت اوست. "او که پسر خویش را دریغ نداشت بلکه او را در راه جمع ما تسلیم نمود، چگونه با وی همه چیز را به ما نخواهد بخشید" (رومیان ۸: ۳۲). مهربانی و رحمت خداوند در پذیرفتن فرزند گمشده خود قابل مشاهده است. (لوقا ۱۵: ۱۱-۳۲؛ مزامیر ۶۳: ۳).

ث) فیض خداوند: لطف خداوند نسبت به آنان که مستحق مجازاتند. فیض خداوند در تأخیر وی برای تنبیه گناهکاران، فراهم کردن نجات، وجود کتاب مقدس، تأثیر مسیحیان، تأثیر روح القدس در زندگی انسان‌ها و نجات گناهکاران از زندگانی پر از گناه و سربلند کردن آنها مشهود است.

نتیجه‌گیری: بیابید به عشق به خداوند (تثییه ۶: ۵)، فرمانبرداری از او (اول سموئیل ۱۵: ۲۲)، خدمت به او (یوحنا ۱۲: ۲۶)، شناخت او (فیلیپیان ۳: ۱۰)، ستایش او (مزامیر ۱۰۷: ۸)، مطالع در باره او (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵)، و عبادت او (یوحنا ۴: ۲۳) بپردازیم.

سوالات این درس:

۱- چگونه می‌توان به شناخت خداوند رسید و بینایی روحانی خویش را بدست آورد؟

۲- شش مشخصات طبیعی خداوند را نام ببرید؟

۳- دانش بی پایان خداوند چه تأثیری بر ما دارد؟

۴- چرا خداوند گناه را از زمین دور نگاه نداشت؟

۵- حاضر بودن خدا در همه جا چه تأثیری بر ما دارد؟

۶- ابدی بودن خداوند چه تأثیری بر ما دارد؟

۷- تغییر ناپذیر بودن خداوند به چه معناست؟ آیه ای را ذکر کنید؟

۸- سه گانه بودن خداوند را تعریف کنید و شواهد سه گانگی خدا در کتاب مقدس را با ذکر

آیه ای برای هر کدام، نام ببرید؟

۹- ویژگی های اخلاقی خداوند را نام ببرید؟

۱۰- حقیقت خدا را تعریف کنید؟

۱۱- قداست چیست؟ و این ویژگی خدا چه تأثیری بر ما باید داشته باشد؟

۱۲- عدالت و درستی خداوند در چه مواردی مشهود است؟

۱۳- نیکویی خداوند به چه معناست؟

آیه های کلیدی این درس: مزامیر ۱۳۹؛ عبرانیان ۱۳: ۸؛ متی ۲۸: ۱۹؛ مکاشفه ۴: ۸

درس ۴۳: درد و رنج

تأثیر آتش پالاینده

جو بیلی و همسرش سه فرزند خود را از دست دادند. یکی از آنها در سن هشت سالگی و بعد از یک عمل جراحی از دنیا رفت، دیگری در سن پنج سالگی در اثر سرطان خون و آخرین آنها در سن هجده سالگی بر اثر حادثه سورتمه سواری و همچنین بیماری هموفیلی از دنیا رفت. هرگاه امواج غم به ساحل آنها میزد، اشکهایشان جاری میگشت. گریه یک زبان جهانیست و برای درک معنی آن نیازی به لغات نیست. گریه ارتباط عمیقی ایجاد میکند که کلمات قادر به بیان آن نیستند و آن زبانست که هرکسی در هر زمان و هر کجا با آن صحبت میکند. بیماری، درد، رنج، تنهایی، فقر و مرگ باعث درد و رنج میشوند و انسان را با سوالهایی مانند چرا؟ چرا من؟ چرا الان؟ و چرا اینگونه شد؟ رها کرده و به او احساس غرق شدن در دریایی از بهت و حیرت میدهند. این درس بیش از دیگر درسها با احساسات ما سر و کار دارد. درد، تمام توجه ما را به خود جلب میکند. ما را متوقف و وادار به ارزیابی مجدد، بازنگری و تجدید نظر کردن در الویت‌هایمان میکند. در زمان درد و رنج نیازی به پاسخهای کلیشه‌ای و پیش پا افتاده نداریم. خداوند آنچه‌یست که ما در آن زمانهای دشوار به آن نیاز داریم. این درس شما را با دیدگاه‌های کتاب مقدس آشنا میکند. همه انسانهای با ایمان آزمونه‌های گوناگونی را پشت سر میگذارند. برخی از این آزمایشها از طرف شیطان است و برخی از سوی دیگر مردم به سراغ ما می‌آیند، برخی از آزمونها میتوانند از اعمال خود ما سرچشمه بگیرند یا از زندگی ما و بخشی از آنها از سوی خداوند بر ما نازل میشوند. مهم نیست منشاء این آزمونها کجاست ولیکن خداوند از درد و رنج برای کامل نمودن اراده خود بر ما استفاده میکند.

۱) سوءتفاهم‌ها نسبت به درد و رنج

بعضی از مسیحیان به این عقیده اند که:

الف: شما هنگامیکه یک مسیحی واقعی شوید، مشکلات شما پایان می پذیرد.

این بنظر خوشحال کننده است ولی حقیقت این نیست. انسانهای با ایمان هنگام صحبت کردن درباره زندگی شگفت انگیز مسیحی خود ممکن است گاهی پا را فراتر از حقیقت بگذارند. تمامی شخصیت‌های کتاب مقدس رنج کشیدند، حتی خود عیسی مسیح.

ب: آزمون‌ها نتیجه اعمال و گناهان خود ما هستند.

"شما غیر روحانی هستید و خداوند شما را مجازات میکند." این گفته ممکن است حقیقت باشد ولی همیشه بدینگونه نیست. در کتاب یوحنا ۹: ۲-۳ داستان مردی را بخوانید که بدون هیچ گناهی از کوری رنج میرد.

پ: آزمون‌ها برای انسان خوب نیستند.

خیر. برعکس این گفته، آزمون‌ها برای شما مفید هستند. و این درس به سودمندی‌های آنها اشاره میکند.

۲) درد و رنج بخشی از برنامه خداوند است.

الف: درد و رنج در زندگی حتمی است.

(۱) در یوحنا ۱۶: ۳۳ عیسی مسیح پیشگویی نموده است که ما در زندگی آزمایش سختی خواهیم داشت.

(۲) در دوم تیموتائوس ۳: ۱۲ پولس درباره اینکه مسیحیان با ایمان رنج می‌برند چه گفته است؟-

(۳) در اول پطرس ۴: ۱۲ پطرس می‌گوید که مواجه شدن با آزمونی آتشین برای ما مسیحیان عجیب نیست.

ب: تمام درد و رنجی که مسیحیان با ایمان متحمل می‌گردند تحت کنترل مطلق خداوند و در چهارچوب نقشه و طرح مقدرانه اوست.

دانستن اینکه خداوند قادر مطلق است، باعث زنده ماندن امید در هنگام سختی‌هاست. خداوند در اشعیا ۵۵: ۹ می‌فرماید که طریقه‌ها و افکار او بالاتر از طریقه‌ها و افکار ماست. از آنجاییکه پادشاهی و عظمت خداوند لا یتناهی است، پیش بینی آن تقریباً ناممکن است. خداوند در هر شرایطی قادر به انجام هر کاری، با هر کسی و در هر مکانی است و این همواره صحیح و راستین خواهد بود.

۱: طبق رومیان ۸: ۲۸ خداوند طوری مقدر میفرماید که "همه چیز برای خیریت ایشان با هم در کار هستند".

۲: خداوند کسانی را مورد آزمایش قرار میدهد که آنها را طبق هدف و منظور و طرح و نقشه خود خوانده است.

این بدان معنی نیست که خود را به دست سرنوشت واگذار کنیم بلکه باید طبق فرمان خداوند با ایمان باشیم. رنج و درد بخشی از نقشه خداوند است که برای ما مفید است. فواید آزمایشها چیست؟

۳) فواید درد و رنج

درد و رنج صحت و اعتبار آنچه ما به آن ایمان داریم را مورد آزمایش قرار میدهد و خالص بودن ایمان ما را بر ما آشکار میسازد. در متی ۱۳: ۱-۹ روایت عیسی مسیح درباره برزگر و خاک را بخوانید و تفسیر آن را در آیه های ۱۸-۲۳ بخوانید و جدول زیر را کامل کنید.

نوع خاک	چه بر سر خاک آمد؟	شخصیتی که خاک نماینده آن است؟	چه بر سر این شخصیت می آید؟

چه چیز باعث میشود که زمین سنگی (سنگلاخ دار) بلغزد؟ (۲۱-۲۰) -----

الف: درد و رنج توان ایمان ما را آشکار می سازد. پیدایش ۲۲: ۱-۱۴ را بخوانید.

۱: طبق کتاب پیدایش ۲۲: ۱۲ اراده ابراهیم در قربانی کردن اسحاق نشان دهنده -----
----- ابراهیم از خداوند است.

۲: طبق عبرانیان ۱۱: ۱۷-۱۹ ابراهیم قصد قربانی نمودن اسحاق را کرد چون به این ایمان یقین
----- داشت که خداوند قادر است -----

ابراهیم به خداوند ایمان داشت، هرچند رستاخیزی یعنی زنده شدن مردگان را ندیده بود. این ایمان شگفت انگیز با وجود یک آزمایش بسیار سخت نشان می دهد که افراد با ایمان قادرند با توکل و اعتماد به خداوند از پس آزمایشهای سخت برآیند. آزمایشها آشکار کننده ایمان هستند.

۳: در دوم تواریخ ۳۲: ۳۱ خداوند چگونه حزقیا را آزمایش کرد؟ -----

آز آنجاییکه خداوند بر همه چیز آگاه است، برای دانستن آنچه در دلهای ماست نیاز به آزمایش کردن ما ندارد بلکه هدف از آزمایش این است که آنچه در درون دلهایمان است را بر خود ما آشکار سازد. بدین ترتیب خداوند به ما کمک میکند که توشه ای روحانی گردآوریم.

ب: درد و رنج آنچه را که واقعاً به آن عشق میورزیم را بر ما نمایان میسازد.

۱) کتاب تثئیه ۱۳: ۱-۳ به ما میگوید که خداوند شرایط زندگی را طوری وضع مینماید که به ما ثابت نماید آیا با تمام جان و دل به او عشق او می ورزیم و یا خیر.
۲) آزمایش ابراهیم ثابت نمود که او خداوند را بیش از اسحاق دوست میدارد.

پ: درد و رنج به ما فروتنی و شکیبایی می آموزد و ما را هرچه بیشتر به خداوند وابسته میکند.

۱) طبق دوم قرنتیان ۱۲: ۷ خداوند پولس رسول را مورد آزمایش قرار داد تا مبدا او زیاده سرافرازی نماید.

پولس مکاشفات فراوانی از سوی خداوند دریافت نمود و میتوانست خود را بسیار بزرگ و مهم در نظر دیگران نشان دهد، ولی خداوند برای حفظ فروتنی، او را با بیماری مزمن مواجه ساخت. بدین ترتیب پولس به این درک رسید که از خود هیچ قدرتی ندارد و توانایی‌های او همه وابسته به شکوه و عظمت خداوند است.

(۲) در اول پطرس ۲: ۲۰ خداوند تحمل درد و رنج با شکیبایی را قابل قبول میداند. هلن کلر میگوید: "با ناتوانی‌های خود مواجه شوید و به آنها اقرار کنید اما نگذارید بر شما مسلط گردند. بگذارید به شما درس شکیبایی و شیرینی و بینش بدهند."

(۳) درد و رنج باعث میشود که ما بیشتر مفید باشیم. طبق کتاب یعقوب ۱: ۲-۴ امتحان ایمان در ما صبر و شکیبایی ایجاد میکند. توماس متون میگوید: "هنگامیکه همه چیز آرام است، بر اساس احساساتمان زندگی میکنیم نه ایمانمان، اما ارزش سربازان هیچگاه در زمان صلح آشکار نمیشود."

در زندگی مسیحی همواره کشمکش روحانی وجود دارد که بطور مداوم با ایمانان را آماده نگه میدارد و عضلات معنوی ایشان را قویتر و سودمندتر می‌سازد. این واقعیت، دوام و استقامت روحانی و معنوی آنان را قویتر و برای آینده مفیدتر می‌سازد.

(۴) طبق مزامیر ۷۷: ۱-۲ عکس العمل مزبور خوان هنگام مشکلات اینست: "آواز من بسوی خداست و فریاد می‌کنم؛ آواز من بسوی خداست. گوش خود را به من فرا خواهد گرفت. در روز تنگی خود خداوند را طلب کردم."

با عصبانی شدن از دست خداوند، مرتکب اشتباهی بزرگ نشوید. خداوند به شما یاری میرساند نه آزار. بسوی او بروید و به او وابسته شوید.

ت: درد و رنج به ما توانایی کمک به دیگران هنگام درد و رنج آنها را میدهد.

(۱) طبق دوم قرنتیان ۱: ۴ هنگامیکه در درد و رنج می‌افتیم، خداوند به ما آرامش و تسلی میدهد.
(۲) طبق آیه ۴ خداوند اینگونه می‌کند تا بتوانیم دیگران را در مصیبتشان تسلی دهیم. درد و رنج دوستی ما را با خداوند عمیقتر و از نظر معنوی ما را غنی می‌سازد. این امر برای دیگرانی که در میان آزمایش‌های الهی همسان هستند نیز مفید است.

۳) طبق عبرانیان ۴: ۱۵ عیسی مسیح نیز درد ورنج کشید تا شریک درد و رنجهای ما شود. " زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که بتواند همدرد ضعفهای ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما، بدون گناه." این نکته به این اشاره دارد که اگر ما خود دچار درد و رنج باشیم، بهتر میتوانیم با دیگرانی که رنج می‌برند همدردی کنیم. طبق لوقا ۲۲: ۳۰-۳۲ عیسی مسیح به شمعون پطرس هشدار داد که شیطان او را مورد آزمایش قرار داده است. عیسی برای او دعا کرد که هنگام بهبودی و بازگشت از درد و رنج، او برادران ایماندار خود را استوار کرده، آنها را تسلی دهد.

ث: درد و رنج ما را قادر به درک ابدیت و ارزش‌های غیر قابل لمس زندگی مینماید.

۱. آزمایشها ما را مشتاق بهشت میسازند و به ما قدرت توجه هرچه بیشتر به مسائل ابدی و چشم پوشی از لذت‌های زودگذر زمینی را میدهد. رومیان ۸: ۱۸-۲۴ را بخوانید.
 ۲. دوم قرن‌تینان ۴: ۱۶-۱۸ را مطالعه کنید.
- چه چیز فانی است؟ انسانیت ظاهری ما (ذات کهنه)
 - چه چیز تازه می‌گردد؟ باطن ما (ذات تازه)
 - زحمتهای سبک ما چقدر به طول می‌انجامد؟ یک لحظه

قیاس پولس

در دوم قرن‌تینان ۵: ۱-۸ پولس بدن ما را "خانه زمینی" و "خیمه" میخواند. هرچند بدن ما نیست میشود، اما خانه‌ای در آسمانها داریم. بدنی آسمانی و ابدی که خالق آن خداوند است. ما باید در پی بدست آوردن این بدن و منزل با شکوه باشیم و صادقانه آنرا طلب کنیم. این بدن خاکی و فانی، بار سنگینی است که مدام در حال فریاد و شکایت است. روزی میرسد که این بدن را ترک میکنیم و بدن باشکوه جدیدی به خود میگیریم. طبق دوم قرن‌تینان ۵: ۸ هنگامیکه این بدن را ترک میکنیم در نزد خداوند متوطن میشویم.

۴) عکس العمل در برابر درد و رنج

سؤال اما و اگر نیست، بلکه سوال این است که درد و رنج چه زمانی نازل میشود. در ایوب ۵: ۷ میفرماید " بلکه انسان برای مشقت مولود میشود، چنانکه شراره‌ها بالا می‌پرند." عیسی مسیح

موعظه خود بر روی کوه را با هشدار این حقیقت پایان داد. کسانی که از آن موعظه و تعالیم مسیح پیروی کنند انگار خانه خود را بروی تخته سنگ محکم بنا نموده‌اند و کسانی که آنرا انکار کنند بر روی شن و ماسه. باران شدیدی فرو می‌آید. طوفان و سیل جاری می‌گردد. برخی در برابر آن ایستادگی میکنند و برخی دیگر سقوط میکنند. آزمایش‌های الهی در راه هستند، آماده باشید. اما چگونه؟

کلید آمادگی در یک زندگی مسیحی "بودن" است. بودن چه چیزی؟ بودن شاگرد با خدا. یعنی جاری ساختن حقیقت کلام خداوند در زندگی روزمره خود مانند یک مسیحی آگاه، خاص، متعهد، و پیروز. گناه را از زندگی خود جدا سازید. خود را از روح مقدس پر کنید. ارده خود را به خداوند واگذارید. به او وفادارانه خدمت کنید تا در زمان آزمایشات الهی برای غلبه بر آنها از نظر معنوی به اندازه کافی رشد داشته باشید. آزمایشات الهی ایمان شما را بسط میدهند. آنها را به عنوان تنبیه بدنی در نظر نگیرید. پس هنگامیکه ایمان شما گسترش یافت:

الف: بدانید که خداوند از آن مطلع است.

طبق متی ۱۰: ۲۹ "یک گنجشک به جز حکم پدر شما به زمین نمی‌افتد" خداوند همه چیز را درباره شما میداند، حتی تعداد موهای سر شما را.

ب: با دعا‌های شکرگزاری به خداوند پاسخ دهید.

در فیلیپیان ۴: ۶ آمده "برای هیچ چیز اندیشه نکنید بلکه در هر چیز با صلات و دعا با شکرگذاری مسوولات خود را به خداوند عرض کنید".

۱- شکرگذار آزمایشات الهی بودن بهترین برطرف کننده نگرانی و اضطراب است.

۲- در آیه هفت آمده که نتیجه شکرگذار بودن قلبی، صلح و سلامتی خداوند است.

فیلیپیان ۴: ۶-۷ به ما می‌آموزد که خداوند در درجه اول در فکر نگرش قلبی ما است و نه در پی دادن پاسخی سریع به هوی و هوس ما.

پ: به مشیت الهی در زندگی روزمره خود اطمینان خاطر داشته باشید.

(۱) پولس در فیلیپیان ۴: ۱۱ می‌گوید: "در هر حالتی که باشم آموخته‌ام که قناعت کنم".

۲) یوسف حضور خداوند را در آزمایشهای الهی زندگی خود میدید. درباره اینکه بعنوان برده فروخته شد به برادران خود گفت: "شما درباره من بد اندیشید، لیکن خداوند از آن قصد نیکی کرد تا کاری کند که قوم کثیری را احیا نماید، چنانکه امروز شده است". (پیدایش ۵۰: ۲۰).

۳) در یوحنا ۹: ۲ حواریون از عیسی مسیح پرسیدند "ای استاد گناه که کرد؟ این شخص یا والدین او که کور زاییده شد؟" عیسی مسیح در پاسخ گفت "گناه نه این شخص کرد نه پدر و مادرش، بلکه تا اعمال خداوند در وی ظاهر شود". خداوند هدفی برای این مرد داشت. او از بچگی تا بلوغ کور بود و کور بودن او بخشی از مشیت خداوند بود. آزمایشهای الهی بر آسایش شخصی ما ارجح هستند و خداوند در ما کار می کند.

ت: از وجود درد و رنج متعجب نشوید.

۱) در اول پطرس ۴: ۱۲ پطرس میگوید که نباید از آزمایشها تعجب کنیم. "ای حبیبان، تعجب ننمایید از این آتشی که در میان شماست، و بجهت امتحان شما می آید،"
۲) در اول قرنتیان ۱۰: ۱۳ پولس میگوید که خداوند آزمایشهایی را نازل می کند که مناسب بشر باشد "هیچ تجربه جز آنکه مناسب بشر باشد، شما را فرو نگرفت. اما خدا امین است که نمی گذارد شما فوق طاقّت خود آزموده شوید، بلکه باتجربه مفرّی نیز می سازد تا یارای تحمّل آن را داشته باشید."

ث: در درد و رنجا خوش باشید (اول پطرس ۴: ۱۳).

این بدان معنی نیست که ما از خودِ درد و رنج لذت میبریم بلکه از نتیجه آن خشنود میشویم. در سختی و عذاب میتوانیم عیسی مسیح را درک کنیم و هنگامیکه او بازگردد با رهایی که شامل حال ما میکند، ما را از لذت و وجد، سرشار میسازد. تصور کنید در هنگام درد و بیماریهای لاعلاج، عیسی مسیح بازگردد و همه دردها از میان بروند. چه روز لذت بخشی خواهد بود.

ج: در هنگام داشتن درد و رنج به خداوند اعتماد داشته باشید . اول پطرس ۴: ۱۹ میفرماید "پس کسانی نیز که بر حسب اراده خداوند زحمت کشند، جانهای خود را در نیکوکاری به خالق امین بسپارند".

۱: تعهد یک واژه مربوط به بانکداری و به معنای پس انداز کردن برای حفاظت از خطر است. پطرس ما را به عنوان کسانی که دچار رنج و عذاب هستیم تشویق به تعهد و واگذاری خود به مراقبت خداوندی میکند.

۲: طبق لوقا ۲۲: ۴۲ عیسی مسیح در باغ جتسمانی اینگونه دعا نمود "ای پدر اگر بخواهی این پیاله را از من بگردان، لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو".

چ: در خداوند انتظار بکشید.

(مزمیر ۲۷: ۱۴) "برای خداوند منتظر باش و قوی شو و دلت را تقویت خواهد داد، بلی منتظر خداوند باش."

اشعیا ۴۰: ۳۱ "اما آنانی که منتظر خداوند می باشند قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد. خواهند دوید و خسته نخواهند شد. خواهند خرامید و درمانده نخواهند گردید".

۵) چگونه درماندگان را کمک کنیم؟

(جامعه ۹: ۱۰-۹) "دو از یک بهترند چونکه ایشان را از مشقتشان اجرت نیکو می باشد؛ زیرا اگر بیفتند، یکی از آنها رفیق خود را خواهد برخیزانید. لکن وای بر آن یکی که چون بیفتد دیگری نباشد که او را برخیزاند".

در دسترس درماندگان باشید. درد و مشقت یکدیگر را بدوش بکشید. برای آنانیکه عذاب می بینند دعا کنید. نامه بنویسید و آنها را در آغوش بگیرید. سطحی نگری را کنار بگذارید. به یاد داشته باشید هنگامیکه کسی در دنیا به زمین می افتد کمک کردن به عمل بهتر از هزاران نصیحت است. پل تورنیه میگوید: "برای تسلی دادن نیاز به زیاده گویی نیست. کافست بشنوید، بفهمید و عشق بورزید."

جو بیلی که در ابتدای این درس نیز به او اشاره شد، میگوید: "در غم و اندوه کناری نشسته بودم. کسی از راه رسید و دلیل ناراحتی را به من گفت و از حکمت خداوند و بودن امید در ناراحتیها

سخن گفت. از چیزهایی گفت که به صحت آنها اطمینان داشتم. بی حرکت بودم و فقط میخواستم که او مرا رها کند. او رفت و کسی دیگر آمد. بیش از یک ساعت در کنارم نشست و هنگامیکه چیزی گفتم فقط بطور مختصری پاسخم را داد، دعای بسیار ساده‌ای نمود و رفت. سخنان آن دو نفر مرا تکان داد و احساس راحتی کردم. از اینکه رفت بسیار ناراحت بودم. "اینکه برای یک انسان درمانده چه چیزی هستید مهمتر از آنجیزیست که به او میگویید. نشستن و گوش دادن برای او مهمتر از سخنان شماست."

سوالات این درس:

۱- آزمایشها از چه ناحیه‌هایی سرچشمه می‌گیرد؟

۲- آیا درد و رنج در زندگی حتمی است؟ دو آیه در اینباره ذکر کنید؟

۳- دوم تیموتائوس ۳: ۱۲ را بنویسید؟

۴- رومیان ۸: ۲۸ "می‌دانیم که بجهت آنانی که خدا را----- می‌دارند و

بحسب اراده او ----- شده‌اند، ----- برای -----

----- ایشان با هم در کار می‌باشند"

۵- فواید درد و رنج چیست؟

۶- طبق مزامیر ۷۷: ۱-۲ عکس العمل مزبور خوان هنگام مشکلات چه بود؟

۷- طبق عبرانیان ۴: ۱۵ و لوقا ۲۲: ۳۰-۳۲ چه کسانی دچار آزمایشات و درد و رنج شدند؟

۸- اول قرن‌تیاں ۱۰: ۱۳ را بنویسید؟

۹- هفت عکس العملی که باید در برابر درد و رنج نشان داد را نام ببرید؟

۱۰- چگونه باید درماندگان را کمک کنیم؟

آیه های کلیدی این درس: دوم تیموتائوس ۳: ۱۲ ؛ اول پطرس ۱: ۷ ؛ یوحنا ۱۶: ۳۳

درس ۴۴: خانواده

نقشه خداوند برای خانواده ها

کتاب مقدس به ما می آموزد که خداوند سه نهاد اصلی را بنا کرده. خانه، کلیسا و دولت. برای یک مسیحی هیچ چیز نباید مهمتر از این سه نهاد باشد مخصوصاً خانه و کلیسا، زیرا خداوند اینگونه دستور داده است.

خانه و کلیسا کامل کننده یکدیگر هستند. مستحکم ترین خانه ها آنهایی هستند که بوسیله کلیسا ساخته می شوند و مستحکم ترین کلیساها آنهایی هستند که خانواده ها بطور منظم در آن حضور میابند و صادقانه به خداوند خدمت میکنند. مسیح و کلیسای او مرکز اصلی رشد معنوی، همبستگی و فعالیتهای خانوادگی است. حضور وفادارانه مومنان متعهد در کلیسای محلی، آنرا تبدیل به بهترین مکان برای همبستگی خانوادگی میکند که هم خانواده و هم کلیسا از آن سود خواهند برد.

جای شگفتی نیست که شیطان در کلیسا و خانه فعالیتهای می کند تا آنها را از هم بپاشد. واقعیت این است که برای سالهای متمادی، خانه ها بجای ساخته شدن بر روی صخره، بر روی سنگ ریزه ها ساخته شده اند.

کتاب مقدس، کتابی بسیار سودمند و دارای مطالب عملی بیشماری در رابطه با خانه است. خداوند برای خانه و خانواده شما دستورکار روشنی دارد. این درس شما را با فرامین خداوند آشنا میسازد تا با یادگیری آن، از فرامین خداوند اطاعت نمایید.

اولین خانه

۱- پیدایش ۲: ۱۵-۲۵ را باز نموده و بدقت مطالعه نمایید.

الف: چه چیز به گفته خداوند برای آدم خوب نبود؟ -----

- ب: اولین زن چگونه خلق شد؟-----
- پ: در این بخش خداوند از زن به چه عنوانی برای مرد اشاره میکند؟-----
(به این معنی که زن کامل کننده مرد و مناسبترین یاری کننده او است).
- ت: بعد از ازدواج، زوجها باید چه کسی را ترک کنند؟-----
- ث: بعد از ازدواج زن و مرد باید چگونه زوجی شوند؟-----
- ج: در انجیل متی ۱۹: ۴-۶ خداوند عیسی مسیح درباره دائمی بودن رابطه زناشویی چه می‌فرماید؟-----
- چ: در رومیان ۷: ۱-۳ بر اساس دستور خداوند برای ازدواج، چه چیزی به ازدواج پایان میدهد؟-----
- ح: در عبرانیان ۱۳: ۴ دو چیزی که خداوند آنها را قابل احترام می‌شمارد کدام هستند؟-----
- خ: در عبرانیان ۱۳: ۴ خداوند چه چیزی را قضاوت مینماید؟-----

خداوند در مورد پاکدامنی جنسی بسیار جدی است.

یک زوج ممکن است بدون ازدواج شرعی در کنار هم زندگی کنند و همبستر شوند و در نظر دیگران این عمل ممکن است امری عادی و توجیه‌پذیر باشد، ولی خداوند می‌فرماید که اینگونه فعالیت‌ها را قضاوت مینماید و به کیفر می‌رساند. دنیای ما پر است از اعمال جنسی نامطلوب ولی مردمان خداپرست با استانداردهای بالاتری زندگی میکنند. سازندگان پورنوگرافی ادعا میکنند که اعمال جنسی یک نوع فعالیت بدنی عادی است، حرکتی مشترک بین انسان و حیوان مانند خوردن، نوشیدن و خوابیدن که نوعی نیاز فیزیکی است که میبایست رفع گردد. اگر این نیاز رفع نگردد منجر به ناهنجاریهای روانی میگردد. سکس یک واقعیت است و باید این کوه فکری که باعث پنهان کردن ما از انجام آن میشود ترک کرد. افکار بازدارنده را باید دور ریخت و باید شریک جنسی خود را بیاییم.

انسان اندیشمند پوچ بودن این اظهارات را با دیدن بارداری‌های خارج از زناشویی، تجاوزات جنسی، تولدهای غیر قانونی و بیماری‌های مقاربتی درک مینماید. عمل جنسی فقط یک حرکت بیولوژیک نیست بلکه طرحی است که خداوند برای تشکیل خانواده، زوج‌های متأهل را به آن امر فرموده است.

۴- خارج از محدوده ازدواج با یکدیگر زندگی نکنید.

۵- کلام خداوند را در این باره پیروی کنید. (افسیان ۵: ۳) "اما زنا و هرناپاکی و طمع در میان شما هرگز مذکور هم نشود، چنانکه مقدّسین را می‌شاید."

مسئولیت‌های مرد در قبال همسر خویش

الف: طبق پیدایش ۲: ۲۴-----

ب: طبق افسسیان ۵: ۲۵-----

پ: عشق مرد به همسرش به چه چیزی تشبیه شده:

در افسسیان ۵: ۲۵ (عشق عیسی مسیح به-----

در افسسیان ۵: ۲۸ (عشق انسان نسبت به-----

ت: طبق اول تیموتائوس ۵: ۸-----

ث: طبق اول پطرس ۳: ۷-----

ج: طبق اول قرنتیان ۷: ۳-----

چ: طبق اول قرنتیان ۷: ۵-----

در اینجا اشاره به رابطه خصوصی فیزیکی در ازدواج است.

ح: طبق افسسیان ۵: ۲۳ جایگاه مرد در برابر همسر و در خانه چیست؟-----

در اینجا منظور این نیست که مرد باید یک دیکتاتور باشد بلکه به او عنوان رهبر و سرپرست را می‌بخشد. مرد و زن از نظر کیفیت و مقام در یک جایگاه هستند و هرکدام ممکن است نقاط قوت مربوط به خود را دارا باشند. سرپرست بودن یک عنوان وابسته به وظایف است و اشاره به سلسله اختیاراتی دارد که خداوند مقرر فرموده است. هر نهادی نیازمند یک سرپرست و رهبر است.

مسئولیت‌های زن در قبال همسرش

الف: اطاعت از همسر در اجرای مسئولیت‌های رهبری او در خانه (افسیان ۵: ۲۲)

آیا زن میتواند خارج از خانه کار کند؟

کتاب مقدس اشاره‌ای به اینکه زنان به ویژه در زمان نیازمندی نمیتوانند خارج از منزل شغلی داشته باشند ندارد، اما اولویت نخست او میبایست پیشبرد امور خانه باشد. در شرایطی که کار خارج از خانه باعث از یاد بردن همسر و فرزندان شود، زن باید از آن شغل اجتناب کرده و به خداوند اعتماد نماید. خداوند از اینکه فرزندان تحت نظارت و محافظت دیگران باشند درحالی که مادرشان خارج از خانه مشغول کار است، خشنود نخواهد بود. مادیرگایی و فشارهای اجتماعی که منجر به کار کردن خارج از خانه میشوند، باعث میشوند که مادر فرزندان خود را ترک کند و دیگران آنها را بزرگ و تربیت نمایند. مادرانی که فرزندان را نیمه از روز را بدون آنها سپری میکنند، نقش خود را که تأثیر بزرگی بر این دنیا دارند را فراموش کرده‌اند.

ب: احترام به همسر (افسیان ۵: ۳۳). هرگز در حضور دیگران شوهر خود را نکوهش نکنید.

پ: پیش بردن امور خانه (اول تیموتائوس ۵: ۱۴).

ت: اگر همسر شما مسیحی نیست از آموزه‌ای که در اول پطرس ۳: ۱ آمده پیروی کنید.

آیا زنان باید از شوهر غیر مسیحی خود اطاعت نمایند؟

هرگز از شوهر خود سرپیچی نکنید حتی اگر مجبور به نیامدن به کلیسا باشید. به درگاه خداوند دعا کنید و او را به خدا بسپارید. اگر شوهری سنگدل و سرسخت دارید ممکن است در آغاز به این فکر کنید که باید به جای اطاعت از یک انسان از فرمان خدا اطاعت کنید و یا ممکن است با دوستی باایمان مشورت کنید تا سرپیچی خود از همسران را موجه کنید. هرگز تلاش نکنید که با کتاب مقدس درمقابل همسر خود ایستادگی کنید، در عوض سعی کنید همانند انجیل زنده منعکس کننده زندگی عیسی مسیح برای شوهر خود باشید. از صمیم قلب برای همسر خود دعا کنید و به او عشق بورزید. از خداوند بخواهید که به شما فرصتی دهد تا بتوانید به او بشارت انجیل را بدهید و او را به کلیسا دعوت کنید.

ث: طبق اول قرن‌یان ۷: ۴-۵ همسر نباید به شوهر خود ----- کند.

توجه: مقصود از اجتماع فیزیکی در ازدواج لذت محرمیت برای شوهر و همسر است. هرگز از این حرکت بعنوان وسیله‌ای برای کسب فایده و برتری نسبت به شوهر خود استفاده نکنید. شوهر و همسرش باید در این مقوله تلاش کنند تا به درک متقابل و توازن برسند.

مسئولیت‌های والدین در برابر فرزندانشان

الف: طبق مزامیر ۱۲۷:۳ فرزندان میراث خداوند هستند

ب: طبق امثال ۲۲:۶ فقط والدین مسئول تربیت فرزندانشان هستند. (نه مدرسه و نه پرستار کودک و نه تلویزیون)

پ: طبق افسسیان ۶:۴ پدران مسئول پرورش و تربیت فرزندان بر اساس روش و راهنمایی‌های خداوند طبق کتاب مقدس هستند.

۱. کودکان نیاز به فراگیری انضباط دارند و این باید در خانه به ایشان آموزش

داده شود. این امر به عهده والدین است که با احساس مسئولیت بالایی باید تلاش در

پرورش فرزندان بکنند و این امر را به انجام برسانند.

أ. به فرزندان باید آموخت که بدون پرسش اطاعت کنند و در صورت نیاز به آنها آموزش داد که درخواست توضیح و تفسیر نکنند.

ب. اطاعت کردن باید بی‌درنگ و بدون مباحثه باشد.

ج. به منظور ساخت شخصیت مطلوب، والدین هیچگونه استثنایی را نباید قایل شوند.

۲. کودکان باید یاد بگیرند که کار کنند. در سالهای اول باید از جمع‌آوری لباسها و

اسباب بازی‌هایشان شروع کنند.

۳. کودکان میبایست عادت به شادکامی و مفید بودن را داشته باشند.

أ. کودکان میبایست سر یک ساعت منظم بدون گلابه کردن بخوابند.

ب. کودکان باید به رعایت بهداشت شخصی عادت کنند.

ج. کودکان باید عادت به تمیز و منظم بودن کنند و والدین میبایست الگوی آنها باشند.

د. تماشا کردن تلویزیون کودکان باید بدقت کنترل و محدود شود. نباید به کودکان اجازه داد بدون حضور والدین به تماشای تلویزیون بنشینند.

ه. باید به کودکان آموخت که مسئول اعمال خود باشند.

و. در صورت نافرمانی و سرکشی، کودکان را میبایست با محبت تنبیه و اصلاح کرد و نه با خشم و عصبانیت.

۴. باید به کودکان هنر زندگی کردن صلح‌آمیز در کنار دیگران در خانه را یاد دهیم.

- ا. نباید به کودکان اجازه دعوا و نزاع داد.
- ب. باید به آنها آموخت که به وسایل شخصی سایر افراد خانواده دست نزنند و آنچه به ایشان تعلق ندارد را برندارند.
- ج. باید به آنها آموخت که دارایی‌هایشان را با دیگران قسمت کنند.
- د. باید به کودکان آموخت که ببخشند و طلب بخشش کنند.
- ه. باید به کودکان احترام به دیگران از قبیل والدین، بزرگترها و دوستان را آموخت.

۵. به کودکان باید روش صحیح استفاده از پول را آموخت.

- ا. هنگامیکه فرزندان بزرگتر شدند باید بیاموزند که کار کنند و خود درآمد داشته باشند. (ولی نباید برای کاری که وظیفه ایشان است مانند مرتب کردن تخت خواب و یا اتاقشان پول کسب کنند)
- ب. کودکان باید بیاموزند که ده یکها و هدایای خود را به خداوند بدهند.
- ج. کودکان باید بیاموزند که عاقلانه پولشان را خرج کنند.
- د. باید به کودکان اندوختن پول را آموخت.

۶. کودکان نیاز به گذراندن وقت با والدینشان را دارند و این امر باید اتفاق بیافتد.

- ا. کودکان باید زمان مشخصی را با هر یک از والدین و زمانی را با کل خانواده بگذرانند.
- ب. والدین کودکان خود را باید طوری هدایت و تربیت کنند که بتوانند آنها را به مسیح هدایت کنند تا کودکان در همان خردسالی نجات عیسی مسیح را دریافت کنند.

تمام آنچه در بالا آمده است نیازمند **زمان** و **کار** مداوم است. اغلب والدین امروزی در اختصاص دادن وقت و تلاش جهت پرورش فرزندان با ایمان تنبل (خودخواه) هستند. اینگونه والدین انتظار نتیجه لحظه‌ای و آنی را دارند و در غیراینصورت از دیگران میخواهند که اینکار را بجای ایشان به انجام برسانند. هم اینک تصمیم بگیری که از الگوهای خداوند پیروی کرده و خود را متعهد سازید مادامیکه در خانه فرزندی دارید این دستورالعمل‌ها را بطور مداوم و پی‌درپی بکار گیرید.

ت: به فرزندان خود طوری بنگرید که انگار خداوند آنها را نظاره میکند.
در کتاب/مثال ۲۲: ۱۵ و منز/میر ۵۸: ۳ آمده است که گناه در سرشت همگی ما وجود دارد.

ث: مقررات و تدارکات خداوند برای تربیت و اصلاح فرزندان را بخوانید.

۱: آموزش‌های پدر در/مثال ۱۳: ۱

۲: چوب تأدیب در/مثال ۲۲: ۱۵

ث: بسیاری از آموزه‌های انسانی بر این باورند که تنبیه بدنی کودکان اشتباه است، اما خداوند میفرماید که اینکار ضروری و درست است.

۱. چوب تأدیب باید در محل مناسب استفاده شود. هرگز بر صورت، سینه و یا کمر کودکان نکوبید. با آنها صحبت و ایشان را آموزش دهید.

۲. چوب تأدیب را باید با محبت بکار بست. (امثال ۱۳: ۲۴). هرگز با خشم کودک را تنبیه نکنید و هیچگاه برای آرامش دادن به عصبانیت خود آنها را نزنید. کودک خود را به اتاقش فرستاده، چند دقیقه صبر کرده و به اتفاقات فکر کنید، سپس با او صحبت کنید و بگویید به چه دلیلی می‌خواهید او را تنبیه کنید. بعد از تنبیه، او را از عشق خود مطمئن سازید.

۳. چوب تأدیب باید از روزهای اول زندگی بکار گرفته شود. "پسر خود را تأدیب نما زیرا که امید هست، اما خود را به کشتن او وامدار." (امثال ۱۹: ۱۸).

۴. چوب تأدیب باید بطور مؤثر مورد استفاده قرار گیرد. (امثال ۱۹: ۱۸). اگر به پشت زدن بطور صحیح انجام شود کودک به گریه می‌افتد. آنها ممکن است کاری کنند که والدین احساس کنند که انسانی وحشی هستند. آنها دریغ نکنند چون کودکان در صورت انجام رفتار اشتباه نیازمند تنبیه هستند. در اثر تنبیه است که احساس آزادی از گناه حاصل میشود.

۵. چوب تنبیه باید بطور پایدار مورد استفاده قرار گیرد. هرگز بخاطر اشتباهی که کودک از آن اطلاعی ندارد و یا برای اشتباهی که هفته پیش انجام داده، به پشت او نکوبید. درست بعد از هر رفتار ناپسند این کار را انجام دهید تا از تأثیر گذار بودن و اثرات آموزشی آن مطمئن باشید. اگر قصد خود از به پشت کودک زدن را به زبان آوردید، هرگز خودداری نکنید و حتماً آنرا انجام دهید.

۶. بعد از بکارگیری چوب تادیب زمان عشق و دعاست. هرگز از کودک خود بخاطر بر پشت زدن او عذرخواهی نکنید بلکه به او بفهمانید که اینکار از روی عشق به او انجام شده است. (امثال ۱۳: ۲۴)

وظایف فرزندان در برابر والدین

۱. " پدر و مادر خود را احترام نما، تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد، دراز شود". (خروج ۲۰: ۱۲)
۲. "پسر حکیم تادیب پدر خود را اطاعت می‌کند، اما استهزاکننده تهدید را نمی‌شنود". (امثال ۱۳: ۱)
۳. "ای فرزندان، والدین خود را در خداوند اطاعت نمایید، زیرا که این انصاف است". (افسیان ۶: ۱)

زندگی خانوادگی (بهشت خداوند بر روی زمین)

"در خانه مرد عادل گنج عظیم است، اما محصول شیرین، کدورت است". (امثال ۱۵: ۶)
الف: افسسیان ۴: ۳۱-۳۲ را بخوانید. شش عاملی که باید تلاش کنید تا از خانه و خانواده دور نگاه دارید را بیابید؟

ب: در همان فصل سه عاملی که باید برای نگاه داشتن آنها در خانه تلاش کرد را نام ببرید؟

پ: در کتاب تثنیه ۶: ۵-۷ به چه چیز به عنوان عنصر دایمی یک خانه اشاره شده است؟

ت: در کتاب یوشع ۲۴: ۱۵ پند و تکیه کلام یوشع برای خانه‌اش را بیابید؟

ایجاد یک محراب خانوادگی

یکی از مواهبی که میتوانید از آن در خانه لذت ببرید محراب خانگی است. محراب خانگی اشاره به زمان، مکان و رویدادی در زندگی خانوادگی شما دارد که طی آن تمامی اعضای خانه گرد هم می‌آیند و کلام خداوند را می‌خوانند، می‌سرایند، صحبت میکنند و دعا میکنند. در جوامع امروزی که ریتم زندگی بسیار سریع است، ایجاد این محراب خانوادگی سخت است ولی یکی از بهترین اعمالی است که میتوان انجام داد.

أ. چه کسی مسئول ایجاد محراب خانوادگی است؟ این مسئولیت بر عهده پدر خانواده

است. (افسیسیان ۶: ۴ - کولوسی‌ان ۳: ۲۱ - اول پطرس ۳: ۷ - اول قرنتیان ۱۴: ۳۵)

ب. چگونه محراب خانوادگی را تشکیل دهیم؟

- مناسبترین زمان برای خانواده را در نظر بگیرید. میتوانید با بقیه اعضای خانواده در این مورد مشورت کنید.
- برای تشکیل محراب خانوادگی نسبت به خداوند متعهد شوید و به آن پایبند باشید.
- طرحی برای خواندن کتاب مقدس و رازگهان فراهم آورید. در صورت نیاز با کشیش و بزرگان کلیسا برای فراهم آوردن مطالب مناسب برای تمامی اعضای خانواده مشورت کنید تا تمام اعضا با هر سنی از آن بهره ببرند.
- همین حالا این کار را انجام دهید و آماده مقاومت در برابر تیرهای آتشین مخالفت شیطان باشید.

پ. توصیه‌هایی درباره محراب خانوادگی

(۱) همیشه بخش کاملی از یک متن را بخوانید. کتاب امثال برای خانواده بسیار مناسب است.

(۲) برای هر ماه یک سرود روحانی را به همراه خانواده یاد بگیرید.

- ۳) برای زمان نیایش خانوادگی از کارت‌های دعا استفاده کنید. آنها را درست کنید و کشیش خود، معلمین، بشارت دهندگان، اعضای کلیسای خود، خویشاوندان و افراد نجات نیافته را در آن بگمارید تا برایشان دعا کنید.
- ۴) مختصر باشید. بهتر است این زمان را منسجم، مختصر و توجیه کننده کنیم تا اینکه طولانی و خسته کننده که منجر به ترک زود هنگام این عادت می شود.
- ۵) کلیه اعضای خانواده را گرد آورید.
- ۶) تنوع داشته باشید. خواندن زندگینامه مؤمنان مسیحی بسیار کمک کننده است.
- ۷) آنها را بطور غیر رسمی برگزار کنید، طبق آیین‌های کتاب مقدس پیش بروید و اعضاء را به دادن پیشنهادات تشویق کنید و سعی در بهتر نمودن مراسم کنید.
- ۸) بازی کردن داستان‌های کتاب مقدس برای کودکان خردسال روش یادگیری بسیار جذابی است.

هشدار: توجه کنید که فضای خانوادگی شما هنگام تشکیل محراب خانوادگی تفاوت نکند در غیر اینصورت دورنگی و ریا کاری تلقی میشود که برای نگرش کودکان بسیار زیانبار است.

رشد معنوی پیوسته و همیشگی

خداوند ما را به زندگی با ایمان و وفاداری خوانده است. خداوند میفرماید: "و دیگر در وکلا باز پرس می شود که هر یکی امین باشد." (اول قرنتیان ۴: ۲). شما برخی از عادات و روشهای پایه‌ای رشد معنوی را تا به اینجا آموخته و به انجام رسانده‌اید. نکته مهم در اجرای متداوم و مومنانه آنهاست. به لذت بردن از اوقات روحانی و خواندن کتاب مقدس ادامه دهید. داستان‌های کتاب مقدس را به دیگران بازگو کنید و با آنها درباره عیسی مسیح صحبت کنید. از نیایش در کلیسا لذت ببرید و اندرزهای کشیش خود را ثبت کنید.

نکته کمکی!

خانه و ازدواج‌های مسیحی بطور کامل عاری از فشار و مشکلات نیستند. گاهی مشکلات بزرگی پیش می‌آیند. همواره احساس کنید که میتوانید با اعتماد به نفس و بطور محرمانه آنها را با کشیش خود در میان بگذارید. آنها میدانند که راه حل شما در کتاب مقدس آمده و بسیار مشتاق هستند که به شما کمک کنند. شما نیز باید مشتاق به پذیرش راه حل‌های کتاب مقدس و اجرای آنها بصورت عملی باشید.

سوالات این درس:

- ۱- سه نهادی که خدا بنا کرده را نام ببرید؟
- ۲- خدا در مورد کسانی که بدون ازدواج شرعی با هم زندگی می کنند، چه عکس العملی نشان می دهد؟
- ۳- سه مورد از مسئولیتهای مرد در قبال همسرش را نام ببرید؟
- ۴- سه مورد از مسئولیتهای زن در قبال همسرش را نام ببرید؟
- ۵- آیا درست است که یک زن مسیحی خارج از خانه کار کند، دلیل بیاورید؟
- ۶- آیا باید از شوهر غیر مسیحی خود اطاعت نماییم؟
- ۷- آیا مدرسه یا پرستار کودک و یا تلویزیون منبع خوبی برای تربیت کودکان است؟ چه کسی باید مسئول تربیت کودکان باشد و آیه ای را در این باره ذکر کنید؟

۸- شش روش و راهنماییهای خداوند از کتاب مقدس که والدین طبق آنها باید کودکان خود را تربیت کنند را نام ببرید؟

۹- چوب تأدیب برای کودکان چگونه باید مورد استفاده قرار گیرد؟ شش مورد را نام ببرید؟

۱۰- وظایف فرزندان در برابر والدین چیست؟ آیه ای را در اینباره ذکر کنید؟

۱۱- محراب خانوادگی چیست و چه کسی مسئول برپا کردن آن است؟

۱۲- سه توصیه مهم برای محراب خانوادگی را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: پیدایش ۲: ۱۵-۲۵ ؛ افسسیان ۵: ۲۵ ؛ افسسیان ۶: ۴

درس ۴۵: غذای روحانی

برای دریافت و مخفی کردن کلام خداوند در قلب خویش

"از فرمان لب های وی برنگشتم و سخنان دهان او را زیاده از رزق خود ذخیره کردم." (ایوب ۲۳: ۱۲) بدلائل مکفی، کلام خداوند برای ایوب لازم بود. شیطان بوسیله نیرویی به او حمله کرد که پیش از این کمتر کسی با آن برخورد داشته است. کلام خداوند برای ایوب مهمتر از غذا بود. شیطان همچنین درصدد است زندگانی مسیحی شما را از بین ببرد و خراب کند. "هشیار و بیدار باشید، زیرا که دشمن شما ابلیس مانند شیر غرّان گردش می کند و کسی را می طلبد تا ببلعد." (اول پطرس ۵: ۸).

شیطان می خواهد که وجود شما برای خداوند کاملاً بی اثر و بیهوده باشد. زندگی براساس قوانین مسیحیت محل کارزار است و مهمترین دشمن شما شیطان است. مسیحی که تحت تاثیر شیطان قرار بگیرد با بی علافگی و شک و تردید و بسیاری احساسات منفی دیگر مسموم خواهد شد و دچار رکود در رشد و پیروزی و معنویت و قداست و کمک به گمشدگان و خدمت به دیگران می گردد. کلام خداوند مهمترین سلاح یک مسیحی در پیکار بر علیه شیطان است بنابراین با چنگ زدن به کتاب مقدس که شمشیر روح است نیرو بگیرید. "و خود نجات و شمشیر روح را که کلام خداست بردارید." (افسیان ۶: ۱۷).

ما ۱۵ درصد از آنچه می شنویم، ۳۰ درصد از آنچه می خوانیم، ۶۰ درصد از آنچه مطالعه می کنیم و یاد می گیریم، و ۱۰۰ درصد از آنچه حفظ می کنیم را می توانیم به خاطر داشته باشیم و سپس تفکر کردن درباره آنچه که یاد می گیریم به درک عمیق تر آن کمک می کند.

کتاب مقدس درباره حفظ کردن کلام خدا چه می گوید؟ کتاب مقدس چگونگی حفظ کردن کلام خدا را آموزش می دهد:

الف. با فرمان واضح و آشکار

- (۱) تثنيه ۶: ۶ را بخوانید. خداوند امر کرده که سخنانش در کجا باشد؟ "در..قلب..ما"
- (۲) امثال ۷: ۱-۳ را مطالعه کنید. کلام خداوند را می بایست بر روی چه نوشت؟ "بر...لوح.. در...قلب...ما"

ب. در مفهوم

مزامیر ۱: ۲ و یوشع ۸: ۸ را مطالعه کنید. در هر دو از این آیات چگونه کلام خداوند می تواند در قلب ما جای داشته باشد؟ با تفکر کردن در آن

پ. بوسیله عمل کردن

- (۱) مزامیر ۱۱۹: ۱۱ را مطالعه کنید. مزمورخوان چه می کند تا نسبت به خداوند مرتکب گناه نشود؟ ".....کلام.....تو را در.....دل.....خود مخفی داشتم"
- (۲) متی ۴: ۱-۱۱ را مطالعه کنید. عیسی مسیح در آیات ۴ و ۷ و ۱۱ برای مبارزه با وسوسه شیطان چه کار کرد؟قرائت کتاب مقدس....
- (۳) پولس رسول در تمامی موعظه ها در کتاب اعمال رسولان و در باقی رسالات خود از عهد عتیق نقل قول می کرد.

چگونه متون کتاب مقدس را حفظ کنیم؟

الف. آیه های مورد نظر خود را مشخص کنید.

- هر چه آیه برای شما پرمعنی تر باشد حفظ کردن آن راحت تر است.
- لیستی از آیه ها برای خود تهیه کنید.
- بهتر است درباره هر موضوع یکی دو آیه حفظ کنید تا اینکه در مورد یک موضوع آیات زیادی را بخاطر بسپارید.
- بعد از حفظ کردن آیات زیادی بر اساس موضوع می توانید به حفظ کردن باب های مورد علاقه یا کتاب های کوچکتر کتاب مقدس بپردازید.

ب. برای خود فلش کارت تهیه کنید.

پ. در کتاب فروشی کتب مسیحی نزدیک محل خود می توانید فلش کارتهایی تهیه کنید که هر کارت دارای یک آیه است و براساس موضوعی تفکیک شده است. برخی از تأثیرات مثبت استفاده از فلش کارت عبارتند از:

- می توانید به راحتی آنها را در کیف یا جیب خود حمل کنید.
- مرتب کردن آنها آسان است.
- می توانید آنها را به آینه یا دیوار یا غیره بچسبانید تا زمانیکه دستانتان مشغول کار دیگری است به حفظ آیات پردازید.

ت. قواعد و قوانین حفظ آیات

سه قاعده اولیه و اصلی برای حفظ آیات وجود دارند:

۱. **وابستگی و تداعی معانی:** عبارتست از مطالعه پیشینه هر آیه و مطلع بودن از زمینه و شرایط پیرامون آن آیه.

۲. **ذهن خود را از راههای مختلف تحت تأثیر قرار دهید:**

الف. بیان آیه با صدای بلند

ب. نوشتن آیه

پ. بتصویر کشیدن آیه در ذهن

ت. به کار بردن حداکثر تنوع حواس در جریان حفظ کردن آیه. مثل بیان با صدای بلند و با تاکید یا راه رفتن در زمان حفظ آیات و استفاده از زبان بدن (اشارات و حرکات)

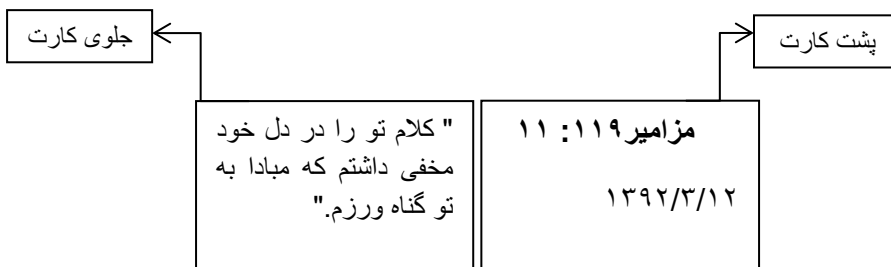
۳. **تکرار:** تکرار کلید اصلی یادگیری عمیق و حفظ کردن است. باید آیه را چنان خوب یاد گرفته باشید که بتوانید حتی زمانی که ذهن درگیر کار دیگری است هم آنرا بخاطر آورده بیان کنید.

نکته: ذهن انسان ظرفیت بیکرانی برای اطلاعات دارد. بسیاری از روانشناسان براین نکته توافق دارند که انسان ها معمولاً تنها از ۵ تا ۱۰ درصد ظرفیت ذهن خود استفاده می کنند. شما نیروی ذهن خود را در اختیار دارید. پس از آن بهره ببرید!

ث. توضیح روش حفظ آیات:

۱. هدفی برای خود مشخص کنید که قصد دارید چند آیه در این هفته ، این ماه و یا این سال حفظ کنید. بیاید با هفته ای یک آیه شروع کنیم. (۵۲ آیه در سال شروع خیلی خوبی است).
۲. اولین آیه را روی یک فلش کارت یادداشت کنید. مرجع آیه و تاریخ روز را نیز پشت کارت یادداشت کنید. چندین کارت دیگر نیز به همین روش آماده کنید.
۳. با توجه به قواعد حفظ آیات تا آنجاییکه می توانید بر روی یک آیه کار کنید تا بتوانید بدون اشتباه و با ذکر مرجع آنرا نقل کنید. اگر آیه طولانی است آنرا به چند قسمت تقسیم کنید و بعد از پشت سر گذاشتن مراحل تداعی معانی و تحت تأثیر قرار دادن ذهن، قسمت اول را چندین بار همراه با مرجع تکرار کنید و سپس قسمت بعدی را اضافه کنید تا سرانجام بتوانید کل آیه و مرجع آنرا از حفظ بیان کنید. حالا وارد مرحله تکرار منقطع شده اید. روز اول آیه و مرجع آنرا بیست و پنج بار با صدای بلند تکرار کنید و هر از گاهی فلش کارت خود را چک کنید تا مطمئن شوید که بیان شما صحیح است. بعد از هربار بیان آیه با صدای بلند نشانه ای روی یک تکه کاغذ بگذارید. در پایان تمرین روزانه بیست و پنج علامت بر کاغذ گذاشته اید که ممکن است بی مصرف بنظر بیاید اما بطرق مختلف به شما کمک خواهد کرد.
 - به شما هدفی می دهد که برای تکمیل آن تلاش کنید.
 - به تمرکز شما کمک می کند.
 - بعد از پایان باعث ایجاد حس پیروزی می شود.
 - از فراموش شدن بخشی از پروسه تمرین جلوگیری می کند.
 - بعد از بیست و پنج بار تکرار آیه عدد بیست و پنج را پشت کارت یادداشت کنید.
۴. روز دوم: به مرجع پشت کارت نگاه می کنید اما نمی توانید آیه را بخاطر بیاورید. با کمی تلاش دوباره می توانید آیه را بدون اشتباه بیان کنید. با استفاده از سیستم علامتگذاری آیه و مرجع، آنرا بیست بار تکرار کنید. عدد بیست را پشت کارت یادداشت کنید.
۵. روز سوم: همین روش را تکرار کنید. نبار خواهید داشت که به متن آیه نگاه کنید تا آنرا به یاد بیاورید. آیه را پانزده بار تکرار کنید و علامتگذاری را انجام دهید و عدد پانزده را پشت کارت یادداشت کنید.

۶. روز چهارم: آیه را ده بار تکرار کنید و عدد ده را پشت کارت یادداشت کنید. در این مرحله بخش زیادی از آیه را بدون نیاز به نگاه دوباره به متن به یاد می آورید.
۷. روز پنجم: آیه را پنج بار تکرار کنید و عدد ده را پشت کارت یادداشت کنید. اگر در جریان حفظ کردن آیه فراموش کردید ناامید نشوید. برای اینکه چیزی را حفظ کنید می بایست آنرا یاد بگیرید، فراموش کنید، یاد بگیرید، فراموش کنید و حالا آنرا حفظ شده اید! گاهی چهار تا پنج جلسه هم طول می کشد تا آیه ای را کلمه به کلمه به یاد بیاورید.
۸. وقتی در طول پنج روز یک هفته آیه را حفظ کردید پشت فلش کارت شما به این شکل خواهد بود.



۹. در طول چهل و پنج روز آینده روزی یک بار آیه را بیان کنید و پشت کارت علامتگذاری کنید.
۱۰. در انتهای این دوره شما پنجاه روز روی یک آیه کار کرده اید و اکنون آنقدر ملکه ذهنتان شده که حتی در خواب هم بتوانید آنرا بخاطر بیاورید و بیان کنید. حالا این آیه را کاملاً حفظ شده اید.
- آیات دوم و بعدی را نیز با اجرا کردن کامل این روش حفظ کنید. می توانید به این روش هر هفته یا هر روز یک آیه را حفظ کنید. اگر چندین آیه را در طول هفته حفظ کنید پروسه تمرین آنها با یکدیگر تداخل خواهد داشت. بنابراین می بایست ابتدا روی آیه اول بعد آیه دوم، سوم، چهارم و... کار کرده و تمرین کنید. این کار زمان زیادی را نخواهد گرفت.

بعد از اینکه پروسه پنجاه روزه یک آیه به پایان رسید برای هفت هفته، هفته ای یکبار آنرا مرور کنید و سپس ماهی یکبار به تکرار آن بپردازید. برای اطلاعات بیشتر در مورد این روش حفظ و یادگیری آیات به کتاب "چگونه با موفقیت کتاب مقدس را حفظ و بازخوانی کنیم" نوشته ران هود مراجعه کنید. این کتاب بهترین روش حفظ آیات را ارائه می دهد و شما از رشد روحانی خود که ناشی از پنهان داشتن کلام خداوند در قلب شماست لذت بسیار خواهید برد.

ج. از همین امروز شروع کنید.

۱. ساعتی از روز را انتخاب کنید که می توانید همواره به حفظ کردن آیات اختصاص دهید.

۲. از آیاتی که حفظ کرده اید در فرصتهای مختلف استفاده کنید. فرصتهایی مانند:

- هنگام شهادت دادن
- نوشتن نامه به دوستان و آشنایان
- هنگام تعلیم
- هنگام مشاوره
- دفاع از ایمان خود
- در پاسخ به سوالات
- در دعا
- در مبارزه با وسوسه، نگرانی و تفکرات شیطانی

سوالات این درس:

۱- اول پطرس ۵: ۸ را بنویسید؟

۲- طبق افسسیان ۶: ۱۷ شمشیر روح چیست؟

۳- تثیه ۶: ۶ را بنویسید؟

۴- پنج راهی که می توان از طریق آنها کلام خداوند را بطور قابل چشمگیر یاد گرفت را بنویسید؟

۵- سه راهی که کتاب مقدس چگونگی حفظ کردن کلام خدا را آموزش می دهد، با ذکر آیه ای برای هر یک نام ببرید؟

۶- سه قاعده اولیه و اصلی برای حفظ آیات را نام ببرید؟

۷- توضیح روش حفظ آیات را بطور مختصر شرح دهید؟

۸- مزامیر ۱۱:۱۱۹ را بنویسید؟

آیه های کلیدی این درس: تثیبه ۶: ۶؛ مزامیر ۱۱: ۱۱۹؛ امثال ۷: ۱-۳

درس ۴۶: اطاعت

عملی که خداوند را خشنود می کند

جان استورمر در کتاب **"رشد کردن به روش خداوند"** به این نکات اشاره می کند که اطاعت یکی از مهمترین کلمات کتاب مقدس است. مطیع بودن کلید دریافت فیض الهی است و انسان برای رستگاری و دور ماندن از گناه و آتش جهنم میبایست از فرمان خداوند اطاعت کند.... اعمال رسولان ۱۶: ۳۱. انبوهی از نعمت ها و برکات مادی و معنوی برای کسانی که از فرمان خداوند اطاعت میکنند وجود دارد.

نافرمانی یکی از شاخص های این دوره است که بطور مستقیم از طبیعت گناهکار انسان سرچشمه میگیرد. دوم تیموتائوس ۳: ۲ و رومیان ۵: ۱۹ را بخوانید. نافرمانی در خانه، جامعه و در کلیسا وجود دارد که همگی ناشی از گرایش نافرمان بودن در برابر خداوند هستند. لجبازی و مقاومت، نافرمانی و جرم های وحشیانه و بیرحمانه روز به روز بیشتر میشوند. مجله تایم مقاله ای با عنوان **"کودکان ناهنجار ما"** منتشر کرد که در بالای آن عبارت **"بالا رفتن جرم و جنایات وحشیانه جوانان روح جامعه را به لرزه درآورده است!"** ما به ملتی تبدیل شده ایم که ماهرانه شهروندان مجرم و نافرمان به جامعه تحویل می دهیم. اکنون وقت آن رسیده که بطور جدی خود را مسئول موضوع اطاعت از خداوند بنماییم.

تعریف اطاعت

جان استورمر اطاعت را بدینگونه شرح میدهد.

"اطاعت یعنی انجام اموری که مرجع دارای صلاحیت آنرا درخواست مینماید و در نقطه مقابل انجام کارهای خود به روش خودمان است. اطاعت واقعی یعنی انجام سریع، با رعایت احترام، با دلخوشی و لذت و بصورت کامل آنچه مرجع دارای صلاحیت از ما میخواهد."

اطاعت یعنی تسلیم اراده خود در برابر اراده کسی که در مقام صلاحیت است. منشاء اطاعت واقعی در واقع تسلیم خود در برابر خداوند است.

نظر خداوند درباره اطاعت کردن

أ. اول سموئیل ۱۵: ۲۲ را بخوانید. خداوند چه چیزی را برتر از قربانی نمودن میدانند؟ اطاعت نمودن

ب. اعمال رسولان ۱۳: ۲۲ را بخوانید. خداوند "داوود" فرزند یسّی را چگونه توصیف میکند؟ "داود بن یسّی را مرغوب دل خود یافته‌ام"

ج. چرا خداوند "داوود را در اعمال رسولان ۱۳: ۲۲ اینگونه توصیف میکند؟ چون او بطور کامل هر آنچه خداوند اراده نمود را به انجام رساند.

نظر خداوند درباره نافرمانی

أ. اول سموئیل ۱۵: ۲۳ را بخوانید. خداوند نافرمانان را به چه تشبیه میکند؟ گناه جادوگری

ب. تثنیه ۲۱: ۱۸-۲۱ را بخوانید. بر اساس شریعت موسی مجازات افراد نافرمان سنگدل چه بوده است؟ ایشان تا حد مرگ سنگسار می شدند.

منابعی درباره اطاعت واقعی

أ. یوحنا ۱۴: ۱۵ را بخوانید. "اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید."

ب. یوحنا ۱۴: ۲۳ را بخوانید. "اگر کسی مرا محبّت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت"

ج. اول یوحنا ۵: ۳ را بخوانید. "احکام او گران نیست."

د. اول یوحنا ۴: ۱۹ را بخوانید. "ما او را محبّت می‌نماییم زیرا که او اوّل ما را محبّت نمود."

نوید و برکات مربوط به اطاعت

- أ. اول یوحنا ۳: ۲۲ را بخوانید. خداوند در مقابل اجرای احکام او و خشنود ساختنش، چه نویدی به ما داده است؟ او نیز آنچه از او طلب کنیم به ما خواهد داد.
- ب. طبق یوحنا ۱۵: ۱۰ یک مسیحی مطیع در کجا ساکن میشود؟ در عشق خداوند.
- ج. متی ۶: ۳۱-۳۳ را بخوانید. اگر خداوند را در اولویت اول زندگی خود قرار دهیم، سه چیزی که خداوند به ما وعده داده تا همیشه برایمان فراهم نماید چیست؟ خوراک، نوشیدنی، پوشاک.
- د. طبق یوحنا ۱۵: ۱۴ اطاعت ما را به چه چیزی تبدیل میکنند؟ دوست خداوند.
- ه. طبق اول یوحنا ۲: ۵ اگر احکام خداوند را اجرا کنیم چه چیزی در زندگی ما کامل میشود؟ عشق خداوند.
- و. یعقوب ۱: ۲۲ را بخوانید. اگر کلام خداوند را بشنویم و کاری نکنیم چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟ خود را فریب داده‌ایم. یعقوب آنرا چه میخواند؟ گناه.
- ز. طبق متی ۷: ۲۴-۲۷ عیسی مسیح زندگی یک انسان مطیع را به چه چیز تشبیه میکنند؟ مردی دانا.

نگرش صحیح درباره اطاعت

- اطاعت از خداوند در نقطه مقابل طبیعت (گناهکار) انسان قرار دارد. اطاعت نتیجه آموزش است و مهمترین چیز در این میان نگرش و دیدگاه ماست.
- الف: مزامیر ۴۰: ۸ را بخوانید. اطاعت باید بر اساس میل و رغبت باشد.
- ب: اطاعت باید از دل و جان باشد. (تثنیه ۱۰: ۱۶)
- پ: در اطاعت باید قوی و دلیر باشیم. (یشوع ۱: ۷)
- ت: در اطاعت باید شتاب کرد و نه درنگ. (مزامیر ۱۱۹: ۶۰)

اطاعت یعنی:

۱. انجام آنچه به شما گفته میشود.
۲. انجام آن در همان زمانی که به شما گفته میشود.
۳. انجام آن با نگرش و دیدگاه صحیح.

ث: رفتار ما هنگامیکه کلام خداوند با قضاوت ما در تضاد است باید چگونه باشد؟
(لوقا ۵: ۴-۷) آنرا انجام خواهیم داد زیرا که خداوند فرموده است.

طبق متی ۲۱: ۲۸-۳۱ آیا قصد و نیت خوب و مثبت ما برای اطاعت کافی است؟
خیر

عرصه اطاعت از خداوند

هر مسیحی باید سلسله مراتب خداوند را در نظر گیرد و از آن اطاعت کند. این به چه معناست؟ تمامی کارهایی که از ما خواسته شده مستقیماً از جانب خداوند نیست بلکه خداوند اشخاصی را در برخی مراحل زندگی در برابر ما قرار داده است و از طریق ایشان اراده خود را به انجام میرساند. ما میبایست خود را تسلیم این اشخاص کنیم همانطور که در برابر خداوند تسلیم کرده‌ایم. مثالی از این سلسله مراتب در رابطه ازدواج در اول قرن‌تین ۱۱: ۳ آمده است.

انسانی که خداوند را براستی دوست دارد در برابر خداوند عیسی مسیح سر تعظیم فرو می‌آورد. همسری که خداوند را براستی دوست دارد خود را تسلیم رهبری شوهرش میکند همانطور که تسلیم امر خداوند کرده است. سلسله مراتب اطاعت کردن عبارتند از:

خداوند پدر → خداوند پسر → شوهر → همسر → فرزندان

توجه: این سلسله مراتب در بحث خانواده ارتباطی با ارزشها و برابری انسانها ندارد بلکه تنها ترتیب و آرایشی هدفدار برای نظم جامعه است. حتی عیسی مسیح نیز مثالی از تسلیم و اطاعت است.

الف: عیسی مسیح فرزندی مطیع بود.

۱. او مطیع اراده خداوند پدر بود. (یوحنا ۶: ۳۸ و ۳۹)

۲. او در هیچ شرایطی جدا از پدر نبوده است، چنانکه میفرماید "من و پدرم یکی هستیم" (یوحنا ۱۰: ۳۰)

۳. طبق فیلیپیان ۲: ۵-۸ عیسی مسیح مرگ بر روی صلیب شد.

۴. بعنوان یک کودک، عیسی مسیح خود را تسلیم پدر و مادر زمینی خود کرد. (لوقا ۲: ۵۱)

ب: پنج حیطه که نیازمند اطاعت برای یک مسیحی هست عبارتند از:

(۱) **در ازدواج.** همسر باید خود را تسلیم شوهر خود کند. افسسیان ۵: ۲۲ و کولسیان ۳: ۱۸ و اول پطرس ۳: ۱-۶ را بخوانید.

(۲) **در منزل.** فرزندان باید از والدین اطاعت کنند. افسسیان ۶: ۱ و کولسیان ۳: ۲۰ را بخوانید.

(۳) **در محل کار.** کارکنان باید از مافوق خود (کارفرما) اطاعت کنند. افسسیان ۶: ۵-۷ و کولسیان ۳: ۲۲ را بخوانید.

(۴) **در جامعه.** هر شهروندی باید مطیع قدرتهای برتر (دولت) باشد. رومیان ۱۳: ۱-۷ را بخوانید.

(۵) **در کلیسا.** هر عضوی میبایست مطیع کسانی باشند که آنها را سرپرستی میکند. عبرانیان ۱۳: ۱۷ و ۱۷ را بخوانید.

خداوند از شما انتظار دارد همانطور که از او اطاعت میکنید همچنین شخص مطیع و دارای مسئولیت در هر یک از این حیطه‌ها نیز باشید. امروزه در هر یک از آنها افراد یاغی و نافرمان را می‌بینیم، یعنی شوهری که از خداوند اطاعت نمیکند، همسرانی که مطیع شوهران خود نیستند، فرزندانی که به حرف والدین خود گوش نمی‌دهند، گروههای جنگ طلب، هرج و مرج طلب‌ها و آندسته از اعضاء کلیسا که رهبری روحانی را نمیپذیرند.

اجازه ندهید که روح نافرمانی در قلب شما رشد کند. هم اینک نظر خداوند را در این موضوع میدانیم - "نافرمانی مانند گناه جادوگری است".

اگر شخص دارای مسئولیت در انجام وظیفه خود که رهبری پاسخگو و مسئولیت‌پذیر است، قصور کرد، خداوند با او برخورد خواهد کرد. این امور را به خداوند واگذارید و تلاش نکنید با شورش علیه مافوق امور را تصحیح کنید. هر رهبری با اعمال خود نزد خداوند میرود. اول پطرس ۳: ۷-۱ را بخوانید که میگوید شوهر رهبر است و به همسر گفته شده چگونه روح او را برای عیسی مسیح جذب کند تا او نیز ایمان آورده و نجات یابد. نه با تسلط و بدست گرفتن امور خانه بلکه با فروتنی و فرمانبری.

مطیع بودن من

آیه‌های اشاره شده در جدول زیر را بخوانید و اصول مربوط به وظیفه شما در قبال مسئولین را بنویسید.

وظیفه در قبال مسئولین	
دومین ۱۳: ۷-۱	
عبرانیان ۱۳: ۱۷-۷	
اول پطرس ۲: ۱۷-۱۱	

اطاعت مساله‌ای قلبی است نه یک مساله فکری. تفکرات اسوالد چمبرز درباره اطاعت برگرفته از کتاب

"My outmost for his highest" را بخوانید.

شناختن راه درست

(یوحنا ۷: ۱۷) "اگر کسی بخواهد اراده او را به عمل آرد، درباره تعلیم خواهد دانست که از خدا است یا آنکه من از خود سخن می‌رانم."

قانون طلایی برای درک و شناخت روحانی هوش نیست بلکه اطاعت و فرمانبری است. راهنمای انسانی که علاقه‌مند به علم و دانش است، کنجکاوی ذهنی خواهد بود اما اگر خواهان بدست آوردن بینش و درون نگری درباره آموزه‌های عیسی مسیح باشید، تنها را اطاعت است. اگر یک قضیه برای من مبهم است تقریباً مطمئن هستم که نباید این کار را انجام دهم. ابهامات فکری و ذهنی زائیده نادانی است و ابهامات روحانی از قصد ما در جهت نافرمانی بوجود می‌آیند.

هیچکس قبل از آزموده شدن، کلامی از سوی خداوند دریافت نکرده است. ما اطاعت نمی‌کنیم و متعجب میشویم که چرا به درجات روحانی نمیرسیم. عیسی مسیح میگوید "هنگامیکه به مذهب وارد شدید، بیاد می‌آورید که برادرانتان بر شما حقی دارند..... کلام دیگری با من نگو اما قبل از آن برو و آن کار را بدرستی به پایان برسان." آموزه‌های عیسی مسیح زندگی ما را هدف قرار داده است. ما نمی‌توانیم برای یک لحظه او را فریب دهیم. عیسی مسیح کوچکترین مسایل را به ما آموزش میدهد. روح خداوند، روحیه خودخواهانه ما را بر ملا میسازد. خداوند ما را نسبت به آنچه تابعال به آنها فکر نکرده‌ایم، حساس میسازد. وقتی عیسی مسیح چیزی را با کلام خود به منزل می‌آورد، از آن اجتناب نکنید. اگر این کار را بکنید به یک مذهبی فریکار تبدیل میشوید. اگر به آنچه از آن شانه خالی میکنید توجه کنید، خواهید دید که چرا از نظر روحانی رشد نمیکنید. حتی اگر شما را خشک مذهب و متعصب بخوانند میبایست کلام خداوند را اطاعت کنید.

سوالات این درس:

- ۱- واژه اطاعت را تعریف کنید؟
- ۲- خداوند چه چیزی را برتر از قربانی نمودن میدانند؟ آیه ای را برای اثبات آن ذکر کنید؟
- ۳- خداوند داوود نبی را در اعمال رسولان ۱۳: ۲۲ چگونه توصیف میکند و چرا؟
- ۴- نظر خداوند درباره نافرمانی چیست آیه ای را برای اثبات آن بنویسید؟
- ۵- یوحنا ۱۴: ۱۵ را بنویسید؟
- ۶- اگر خداوند را در اولویت اول زندگی خود قرار دهیم، سه چیزی که خداوند به ما قول داده تا همیشه برایمان فراهم نماید چیست؟
- ۷- چهار مورد از نگرش صحیح در اطاعت را نام ببرید؟
- ۸- سلسله مراتب اطاعت کردن را به ترتیب نام ببرید؟
- ۹- عیسی مسیح در چه مواردی فرزندی مطیع بود؟
- ۱۰ پنج حیطه که نیازمند اطاعت مسیحی هستند را نام ببرید و برای هر یک آیه ای را ذکر کنید؟

آیه های کلیدی این درس: اول سموئیل ۱۵: ۲۲؛ یوحنا ۱۴: ۱۵؛ افسسیان ۶: ۱-۷

درس ۴۷: مسیحیت و نوشیدن شراب

آیا شرابی که امروز تولید می شود همانی است که در زمان کتاب مقدس بوده؟

برای پاسخ دادن به این سوال اولین کاری که باید انجام دهیم آنست که ببینیم به چه نوع از شراب در کتاب مقدس اشاره شده و سپس اینکه بدانیم چگونه می توان آنرا با شرابی که امروز تولید می شود مقایسه کرد. برخی مسیحیان شراب نوشیدن خود را اینگونه توجیه می کنند که این موضوع در هر دو کتاب عهد قدیم و جدید تأیید شده است. اما اگر شرابی که امروز تولید می شود با آنچه در دوران کتاب مقدس بوده متفاوت باشد آموزه های کتاب مقدس در این خصوص هم تفسیر متفاوتی خواهد داشت.

نوعی از شراب که در یونانی "سیکرا" نامیده می شود (لوقا: ۱۵) و در عبری، "شکر" (امثال ۲۰: ۱ و اشعیا: ۵۱) معمولاً "نوشیدنی قوی" ترجمه می شود. بدلیل میزان الکل زیادی که درون آن است به سرعت سبب مستی و عواقب بعدی در بدن کسانی می شود که آنرا نوشیده اند. نوع دومی از شراب که "گلوکز" نامیده می شود و به شراب جدید اطلاق می شود، شیرین است. در روز پنطیکاست برخی از کسانی که موعظه های حواریون را شنیدند، آنها را به خوردن این نوع شراب اتهام کردند. (اعمال ۲: ۱۳) کلمه عبری برای آن "تیروش" است (امثال ۳: ۱۰، حوشع ۹: ۲، یوئیل ۱: ۱۰). از آنجا که آب میوه تازه خیلی زود ترش می شود می تواند به سرعت سبب مستی شود حتی اگر خیلی کهنه نشده باشد معمولاً با آب مخلوط می شد قبل از آنکه نوشیده شود.

اما سومین نوع شراب همانی است که در هر دو کتاب عهد عتیق و جدید به آن اشاره شده است. کلمه عبری برای این نوع شراب "یابین" است که ریشه آن در قل زدن یا جوشیدن است. قل زدن نتیجه ریخته شدن شراب نیست بلکه به سبب جوشاندن شیره انگور برای غلیظ کردن آن است تا آنجا که حتی گاهی به شکل یک خمیر در می آمد و می توانستند آنرا یک پارچه جایی نگهداری کنند. از آنجا که جوشاندن سبب تبخیر بخش زیادی از آب شده و باکتری ها را نیز از

بین می برد ، آب میوه کنسانتره شده دیگر ترش نمی شود. یابین معمولاً به شیرۀ یا خمیری اطلاق می شود که برای نوشیدن آنرا با آب مخلوط کرده و می نوشیدند (مزامیر ۷۵: ۸ ، امثال ۲۳: ۳۰) حتی زمانی که مخلوط جدید را برای تخمیر شدن کنار بگذارند میزان الکل آن بسیار ناچیز خواهد بود. بیشترین کلمه ای که در کتاب عهد جدید یونانی برای این نوع شراب استفاده شده "اونیوس" است که تقریباً معنی آب انگور را می دهد. در هر منبع یهودی دقیق می توان یافت که یابین ، شراب مخلوط شده یا اونیوس به نوشیدنی سکر آوری که حاصل تخمیر است اشاره نمی کند بلکه عموماً به شیرۀ غلیظ یا مربای تولید شده از جوشاندنی که راحت تر نگهداری شود اشاره می کند. در دستوری که مسیح از نگهداری شراب جدید در مشک جدید شراب دارد احتمالاً نشانه آنست که آنجا نگهداری می شده تا از تخمیر و ترش شدن آن جلوگیری شود (متی ۹: ۱۷)

غلیظ کردن آب انگور به شیرۀ انگور به روش جوشاندن و تبخیر آب در زمان کتاب مقدس در شرق نزدیک، یونان و روم روشی کاملاً مرسوم بوده و امروز هم در فلسطین، سوریه، اردن و لبنان نیز خیلی مرسوم است. علاوه بر اینکه برای نوشیدن این شیرۀ با آب مخلوط و رقیق می شده، از آن بعنوان مربا هم استفاده می کردند و همراه نان خورده می شد. شیرۀ و شراب ساخته شده از آن هر دو موادی غیر مست آور و غیر سکر آور بودند.

میشنای یهودی - تفسیر زبانی و بعد ها نوشتاری قدیم فرامین موسی که پیش از تالمود فراهم شده - اعلام می دارد که یهودیان بطور منظم از شراب جوشیده استفاده می کردند که آب انگور غلیظ شده توسط حرارت است. شرابی که در مراسم فصیح استفاده می شده مخلوطی از یک پیمانه شراب و دو پیمانه آب بوده است. (maccabbes 15: 39). براساس آنچه در میشنا ذکر شده "تازمانی که آب بر شراب اضافه نمی شد دعای برکت بر آن خوانده نمی شد." همچنین ارسطو شراب مورد استفاده در آرکادیا را آنچنان غلیظ توصیف کرده که می بایست از پوستۀ ظروفی که در آنها نگهداری می شده خراشیده و با آب مخلوط می گردیده تا نوشیدنی مورد نظر بدست آید.

پلینی تاریخ نگار رومی همواره به شرابی غیرمست کننده اشاره کرده است. همچنین هوراس شاعر رومی سال ۳۵ قبل از میلاد اینگونه سراییده که: "اینجا در سایه می توانی پیمانه ای چند از

شرابی غیرمست کننده بنوشی". هومر در کتاب نهم اودیسه اشاره کرده که اولیس مشکی از پوست بز و پر از شراب سیاه شیرین در قایق خویش قرار داده که با بیست پیمانه آب رقیق شده بود.

در سال ۶۰ بعد از میلاد مسیح، پلوتارک شرح حال نویس یونانی به این موضوع اشاره کرده که شراب رقیق شده تأثیر منفی بر عقل و ذهن و احساسات ندارد و برای نوشیدن بسیار دلپذیرتر است. رابرت استین در مجله مسیحیت امروز بتاريخ ۲۰ ژوئن ۱۹۷۵ توضیح می دهد که یونانیان باستان شراب مخلوط نشده و جوشانده نشده خود را که دارای درصد بالایی از الکل بوده در پارچ های بزرگی به نام آمفور نگهداری می کردند و برای نوشیدن مقداری از آن را در ظرفی دیگر به نام کراتر می ریخته و با آب مخلوط می کرده اند به نسبت بیست به یک و تنها پس از آن بوده که شراب در جامهای افراد که کلیت نام داشته ریخته می شده است. و آنچه که بعنوان شراب (oinos) شناخته می شده درواقع این محلول رقیق شده بوده است و مایع رقیق نشده با نام "آکراتسترون" یا "شراب مخلوط نشده" شناخته می شده که هنوز برای رقیق شدن در یک "کراتر" ریخته نشده است. حتی در میان کافران متمدن نیز نوشیدن شراب خالص و مخلوط نشده نوعی از بربریت و حماقت بحساب می آمده است.

رابرت استین به نقل از منستیوس آتنی می نویسد:

"خدایان شراب را در اختیار فانیان قرار دادند تا نعمت بزرگی باشد برای آنان که طرز مصرف عاقلانه آنرا می دانند و بالعکس برای آنان که در نوشیدن آن حد و حدودی ندارند. چراکه برای عاقلان خوراک است و باعث سلامت عقل و بدن. همچنین دارویی بسیار مفید است و درصورت مخلوط شدن با آب و برخی داروها بسیاری زخم ها را بهبود می بخشد. در مناسبات روزمره شادی و نشاط را برای آنان که شراب را مخلوط کرده و به اندازه می نوشند به ارمغان می آورد اما چنانچه نوشیدن آن از حد بگذرد منشاء خشونت خواهد بود. اگر پنجاه پنجاه مخلوط شود باعث دیوانگی خواهد شد و درصورتی که خالص نوشیده شود باعث از کار افتادن اعضای بدن خواهد گردید.

طبق آنچه در کتاب "سنت مسیحیت" متعلق به دوران ابتدایی مسیحیت نگاشته شده درمی یابیم که کلیساهای اولیه از شراب مخلوط استفاده می کرده اند که یا از شربت و یا از شراب خالص تهیه می شده است.

در زمان هومر (اودیسه - کتاب نهم ۲۰۹-۲۰۸) شراب به معنی مخلوط ۲۰ به ۱ آب و شراب خالص بوده است. پلینی آن را مخلوط ۸ به ۱ آب و شراب توصیف می کند. آریستوفانس مخلوطی قوی تر شامل ۳ پیمانه آب و ۲ پیمانه شراب را توصیف می کند. همچنین دیگر نویسندگان کلاسیک یونانی نیز انواع مخلوط های دیگر در تالیفات خود اشاره می کنند: هزیود - ۳ به ۱ الکیس - ۴ به ۱، دوسل آناکرون - ۲ به ۱ آیون - ۳ به ۱. میانگین این تعاریف مخلوطی از ۳ تا ۴ پیمانه آب و یک پیمانه شراب است.

شراب تخمیر شده در حالت عادی دارای ۹ تا ۱۱ درصد الکل می باشد. برای تهیه یک نوشیدنی الکلی مانند برندی، میزان بیشتری از الکل نیاز است بنابراین شراب تخمیر شده را به صورت مصنوعی تقطیر می کنند. بنابراین شراب مخلوط نشده باستانی دارای درصد الکلی برابر ۱۱ درصد بوده است بنابراین حتی ترکیب ۵۰ / ۵۰ این شراب (که به گفته منستیوس باعث دیوانگی می گردد) نیز الکلی کمتر از ۵ درصد داشته است. از آنجایی که قوی ترین شراب معمولاً به روش ۳/۴ آب و ۱/۴ شراب با یکدیگر مخلوط و نوشیده می شد میزان الکل آن برابر ۲,۲۵ تا ۲,۷۵ درصد بود که تفاوت فاحشی با درصد الکل ۳,۲ درصد دارد که حداقل میزان الکل در نوشیدنی های الکلی امروزی محسوب می گردد.

بنابراین روشن است که منظور از "oinos" یا "yayin" در کتاب مقدس تنها آب میوه است و یا مخلوطی از آب و آب میوه و یا مخلوطی از آب و شراب خالص که یا کاملاً بدون الکل بوده است و یا میزان الکل بسیار ناچیزی داشته است. برای آنکه با چنان نوشیدنی که مخلوطی از شراب و آب است انسان از خود بی خود شود نیاز است که مقدار زیادی از آنرا بنوشد همانطور که در عهد جدید به این امر اشاره شده است. "نه میگسار یا زننده یا طماع سود قبیح بلکه حلیم و نه جنگجو و نه زرپرست." (اول تیموتائوس ۳: ۳) و "زیرا که اُسْقُف می باید چون و کیل خدا بی ملامت باشد، و خودرأی یا تندمزاج یا می گسار یا زننده یا طماع سود قبیح نباشد" (تیطوس ۱:

۷). این آیه ترجمه کلمه یونانی "paroinos" است که در لغت به معنای "درون، در کنار، شراب" است و در واقع بیانگر صرف زمان زیادی برای نوشیدن است. پاسخ سوال اول روشن و منفی است و شرابی که در کتاب مقدس به آن اشاره شده است با آنچه اکنون به این نام می شناسیم و استفاده می کنیم متفاوت است. **حتی غیر مسیحیان و بی خدایان زمان عیسی مسیح نیز نوشیدن شراب به معنای امروزی را بربریت و بی مسئولیتی و دور از انسانیت می دانستند.**

آیا نوشیدن شراب ضروری است؟

دومین سوال که به ما کمک می کند به این سوال جواب بدهیم که آیا جایز است یک مسیحی مومن شراب به معنی و در شرایط امروزی آنرا مصرف کند یا خیر این است که "آیا نوشیدن شراب برای من ضروری است؟".

در زمان کتاب مقدس و عیسی مسیح مانند بسیاری از مکان های جهان در دنیای امروزی، آب آشامیدنی مناسب یا وجود نداشت و یا بسیار کمیاب بود و مطمئن ترین نوشیدنی شراب بود و شرابی که مقداری الکل داشت مطمئن ترین شراب ها بحساب می آمد، بدلیل خاصیت ضدعفونی کننده الکل. در واقع الکل آب را ضدعفونی و تمیز می کرد. آب به چندین روش مختلف تمیز و ضدعفونی می شد. یک راه جوشاندن آب بود که زمانبر بود و هزینه زیادی در بر داشت. راه دیگر از صافی گذراندن آب بود که همچنان راه مطمئنی برای تمیز کردن آب محسوب نمی شد. تنها راه باقی مانده اضافه کردن کمی شراب به آب بود تا جرم ها و میکروب های آنرا از بین ببرد. به ازای هر پیمانه شراب ۳ یا ۴ پیمانه آب مخلوط می شد. این روش آب تمیز و خوش طعمی را فراهم می ساخت که شراب نامیده می شد.

باور آنکه شرابی که عیسی مسیح در جشن عروسی در قانا بصورت معجزه آسایی تهیه کرد و یا شرابی که در شام آخر و دیگر مناسبت ها فراهم ساخت تخمیر شده بوده باشد سخت است. چگونه مسیح می توانسته شرابی فراهم ساخته باشد که مصرف آن پتانسیل از خود بی خود کردن انسان ها را داراست. پیش از آنکه عیسی مسیح شراب را در قانا به میهمانان ارزانی کند به خدمتکاران دستور داد که در جامها آب بریزند. این خود شاهدهی براین امر است که شرابی که

مسیح برای میهمانان فراهم ساخت مخلوط شده بوده است و میهمانان حاضر در میهمانی از طعم و کیفیت مطلوب این شراب بسیار تعریف کردند. (یوحنا ۲: ۱۰) و از آنجاکه این نوشیدنی را "oinos" نامیده اند این امر نشان دهنده آنست که این همان نوشیدنی مخلوط آب و شراب جوشانده است که از آن نیز به آن آشنا بودند.

با اینکه گاه تحت شرایط خاص ممکن است مجبور به نوشیدن شراب الکلی باشیم با این حال آن شرابی که در کتاب مقدس به آن اشاره شده دارای میزان بسیار کمی از الکل و یا کاملاً بری از آن بود. بنابراین مسیحیان کنونی نمی توانند عادت زشت شراب نوشیدن خود را براساس آنچه در کتاب مقدس بیان شده است توجیه کنند زیرا که در زمان حال انواع زیادی از نوشیدنی های جایگزین به راحتی و ارزانی برای انسان ها فراهم است. بنابراین نوشیدن نوشیدنی های الکلی در دنیای کنونی بندرت جزء واجبات محسوب می گردد و در بیشتر مواقع تنها انتخاب شخصی افراد است.

عدم استفاده از نوشیدنی های الکلی همچنین برای پرهیز از شرمسار کردن و اذیت کردن دوستان، همراهان و یا همکاران نیز لازم است. شهادت به مسیحی بودن گاه برای ما همراه با هزینه و ریاضت است اما اگر مردم احساس کنند که این امر اقدامی صوری بوده و منشأ آن ایمان قلبی به درست زیستن نیست به سختی به آن احترام می گذارند. در این حالت بحث سعی در پرهیز از اذیت کردن و شرمسار کردن دیگران بیش از آنکه مربوط به توجه به رفاه و احساسات آنان باشد مربوط به محبوبیت اجتماعی خود شخص است. برخی براین باورند که گاه گاه نوشیدن برای ایجاد ارتباط با انسانهایی که نجات نیافته اند و دعوت آنان و بشارت به مسیحیت لازم است. اما این باور در تفسیر قدرت خداوند و بشارت مسیح مستقل از وسایل انسانی ناموافق است.

آیا نوشیدن شراب انتخاب درستی است؟

از آنجاییکه نوشیدن شراب مشخصاً و کاملاً در کتاب مقدس نهی نشده است و از آنجاییکه نوشیدن شراب لازمه زندگی انسان های امروزی نیست این امر تنها مربوط به انتخاب شخصی انسان هاست. سوال بعد آنستکه: "آیا این بهترین انتخاب است؟"

در طول تاریخ زندگی بشریت خداوند معیارهای متعالی تری برای انسانهایی در نظر داشته که دارای مسئولیت های بزرگتری بوده اند. در قوانین قربانی کردن در دین یهودیت که در لاویان ۴ - ۵ بیان شده است که هر انسان معمولی می بایست یک بز و یا گوسفند ماده برای کفاره گناهان خود قربانی کند و یا دو کبوتر و یا دو قمری (۵: ۷) و یا یک وعده غذای کامل از آرد (۵: ۱۱) اگر بسیار فقیر باشند. اما حاکمان می بایست یک بز نر قربانی کنند و کلیسا و یا راهب اعظم می بایست یک گاو نر قربانی کند.

همچنین هارون و دیگر کاهنان اعظم معیارهای شخصی بالاتری برای زندگانی داشته اند. به آنان دستور داده شده بود: "شراب و یا هیچ نوشیدنی قوی دیگری ننوشید. نه خودتان و نه پسرانتان آنگاه که به معبد خداوند وارد می شوید تا زمانی که بمیرید و این می بایست در نسل های بعد نیز در میان شما باقی بماند و رعایت شود." (لاویان ۱۰: ۹). از آنجاییکه کاهن اعظم مقام بالاتری داشته است می بایست نسبت به دیگران در برابر خداوند مطیع تر باشد و زندگانی وی می بایست کیفیت بهتر داشته باشد. صرف نظر از اینکه آیا محدودیت نوشیدن در مورد آنان تنها محدود به زمان حضور در معبد بوده و یا تمام طول زندگانی آنان کیفیت خدمت آنان به خداوند تحت تاثیر پرهیز آنان از مشروبات الکلی قرار داشته است. ذهن و بدن آنان می بایست پاک باشد تا بتواند بطور کامل در راه خدمت به خداوند از آن استفاده کند و نمی بایست هیچ خطر اخلاقی و روحانی این ماموریت خدمت به خداوند را خدشه دار سازد.

همین معیارهای متعالی زندگانی در مورد حاکمان اسرائیل نیز صدق می کرد. "پادشاهان را نمی شاید ای لموئیل، پادشاهان را نمی شاید که شراب بنوشند، و نه امیران را که مسکرات را بخواهند. مبدا بنوشند و فرایض را فراموش کنند، و داوری جمیع ذلیلان را منحرف سازند." (امثال ۳۱: ۵ و ۴) قضاوت آنان نمی بایست حتی تحت تاثیر میزان ناچیز الکل در شراب "yayin" قرار داشته باشد که بسیار کمتر از بیشترین میزان الکل موجود در یک نوشیدنی قوی (shekar) است. نوشیدنی های قوی الکلی تنها برای ارائه به آنان که در حال مرگ بودند جایز بود تا مانند ماده مخدری از میزان درد آنان بکاهد (آیه ۶) و استفاده دیگری برای آن متصور نبود.

اما شراب مخلوط عادی در مواقع شادی و برای تمام کسانی که غمی و دردی داشتند فراهم بود. "بگذارید بنوشد و فقر و بدبختی خویش را از یاد ببرد." (آیه ۶-۷) اما کاهنان اعظم و حاکمان به نوشیدن "yayin" یا "shekar" مجاز نبوده اند. هر شخصی در اسرائیل می‌توانست توسط سوگندی خود را وقف خداوند کند. این سوگند "نذیره" نام داشت (اعداد ۶: ۲-۴). همچنین کسی که به پیمان و عهد نذیره پایبند بود نمی بایست سر خود را بتراشد و یا حتی به صورت تشریفاتی با دست زدن به جسدی خویش را بیالاید.

نام این سوگند "نذیره" ریشه در کلمه عبری "نذیر" دارد که به معنای جدا شده یا وقف شده است. این جدا شدن یا وقف شدن بدون هیچ اجباری و داوطلبانه از سوی خود فرد انجام می گرفت و می توانست از ۳۰ روز تا تمام طول عمر فرد ادامه یابد. اما در طی زمانی که مردی یا زنی خود را اینگونه وقف خدمت به خداوند می کرد زندگانی او می بایست از زلالی و پاکی برخوردار می شد و این شامل خودداری از مصرف هرگونه نوشیدنی الکلی نیز می گردید. سوگند نذیره در واقع ارتقا به درجه حاکمان و راهبان اعظم بود که توسط شیوه خاص عزلت نشینی و وقف وجود شخص در راه خداوند حاصل میشد.

در کتاب مقدس نام سه تن ذکر شده که در تمام طول زندگانی خویش به پیمان نذیره پایبند بودند: سامسون، سموئیل و یحیی تعمید دهنده. هر سه آن ها پیش از تولد وقف سوگند نذیره شده بودند. سموئیل توسط مادرش (اول سموئیل ۱: ۱۱) و سامسون و یحیی تعمید دهنده توسط خود خداوند (داوران ۱۳: ۳-۵ و لوقا ۱: ۱۵). که مادران سامسون و سموئیل نیز از شراب و نوشیدنی قوی پرهیز داشتند (داوران ۱۳: ۴ و اول سموئیل ۱: ۱۵). مادر سامسون تحت فرمان فرشته ای این پرهیز را اجرا میکرد.

با اینکه اسامی همه آنان آشکار نیست اما اشخاص بسیاری از اسرائیلیان به سوگند نذیره معتقد بودند و با پرهیز و رعایت شرایط این سوگند به خداوند خدمت میکردند (مرثیه ۴: ۷ و عاموس ۲: ۱۱). متأسفانه بسیاری از آنان تحت تاثیر دوستان خود و دیگر اسرائیلیان که "متعهدان سوگند نذیره را وادار به نوشیدن شراب میکردند" به بیراهه کشیده شدند (عاموس ۲: ۱۲ و مرثیه ۴: ۸).

جهانیان از انسانهایی که با زندگانی زلال و بلند مرتبه خود باعث ملامت و سرزنش فرومایگان میشوند بیزارند و به جای سعی و تلاش برای ارتقای سطح و معیارهای زندگانی خودشان، دنیا طلبان به گمراه کردن بندگان بلند مرتبه خداوند می پردازند تا آنان را از مرتبه خود به زندگانی سخیف خویش سوق دهند.

در روزگار ارمیای نبی تمام طایفه رکابیان سوگندی یاد کردند که هرگز شراب ننوشند و بر آن سوگند پایدار باقی ماندند. به دلیل این پایه از ایمان و فرمانبرداری خداوند به ارمیا دستور داد آنان را به عنوان سمبل زندگانی راستین و صحیح قرار دهد بر خلاف قوم فاسد یهودا که خداوند در صدد مجازات آنان بود (ارمیا ۳۵: ۱-۱۹).

بهترین نمونه شخصی که سوگند نذیره داشت، یحیی تعمید دهنده بود که عیسی مسیح درباره وی گفت: "هر آینه به شما میگویم که از اولاد زنان بزرگتری از یحیی تعمید دهنده برنخاست" (متی ۱۱: ۱۱). پیش از آنکه یحیی به دنیا بیاید فرشته درباره وی گفت: "زیرا که در حضور خداوند بزرگ خواهد بود و شراب و مسکری نخواهد نوشید و از شکم مادر خود پر از روح القدس خواهد بود" (لوقا ۱: ۱۵).

با اینحال عیسی مسیح همچنین درباره وی گفت: "لیکن کوچکتر در ملکوت آسمان از وی بزرگتر است" (متی ۱۱: ۱۱). در نظر عیسی مسیح تمامی ما از مرتبه ای روحانی همچون یک کاهن اعظم، یک حاکم و یا یک نذیره ای برخوردار هستیم. مسیح به ما عشق می ورزد و ما را با خون خویش از گناهان تطهیر کرده و نزد خداوند و پدر آسمانی مرتبه ای همچون پادشاهان و کاهنان بخشیده است. ("مکاشفه ۱: ۵-۶). مسیحیان "قبیله برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا هستند" (اول پطرس ۲: ۹) هر مسیحی می بایست خود را وقف خداوند قرار دهد و از هرگونه ناپاکی و آرایش دوری کند (دوم قرنتیان ۶: ۱۷) و سپس پولس اینگونه ادامه داد که: "خویشتن را از هر نجاست جسم و روح طاهر بسازیم و قدوسیت را در خداترسی به کمال رسانیم" (دوم قرنتیان ۷: ۱).

خداوند معیارهای خویش را در مورد مقدسان عهد جدید که طبق گفته عیسی مسیح حتی از یحیی تعمید دهنده نیز مرتبه بالاتری دارند تنزل نداد. در هردو کتب عهد عتیق و عهد جدید

نوشیدن شراب و یا دیگر نوشیدنیهای قوی شخص را از رهبری خلق خداوند سلب صلاحیت می کند. رهبران مسیحیان نیز همانند رهبران عهد عتیق می بایست معیار های زندگانی والایی داشته باشند. ناظران و اسقفان که همانند بزرگان و کشیشان هستند نمی بایست " معتاد به نوشیدن شراب" باشند که ترجمه لغت paroinos به معنای " کنار شراب نشستن ". یک پیشوا در کلیسا نمی بایست حتی کنار بطری شراب قرار بگیرد. " باید" (اول تیموتائوس ۳: ۲) از کلمه یونانی dei می آید که به معنای منع قانونی است تا منع اخلاقی. بنابراین پولس میگوید که پیشوایان کلیسای خداوند " نه تنها شایسته نیست بلکه نباید شراب بنوشند" (آیه ۲-۳).

یعقوب گفت: "ای برادران من، بسیار معلّم نشوید، چونکه می دانید که بر ما داوری سخت تر خواهد شد. " (یعقوب ۳: ۱) و عیسی مسیح گفت: "و به هر کسی که عطا زیاده شود، از وی مطالبه زیاده تر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند، از او بازخواست زیاده تر خواهند کرد. " (لوقا ۱۲: ۴۸).

اگر در عهد عتیق کاهنان اعظم پیروان سوگند نذیره پادشاهان و دیگر حکمرانان می بایست همواره ذهن هوشیاری می داشته اند، شکی نیست که خداوند معیارهای نازل تری برای رهبران کلیسا که نماینده مجسم پسرش عیسی مسیح هستند در نظر نخواهد گرفت. پولس در این باره به تیموتائوس نصیحت کرد که "دیگر آشامنده آب فقط مباش، بلکه بجهت شکمت و ضعفهای بسیار خود شرابی کم میل فرما. " (اول تیموتیوس ۵: ۲۳) که خود بیانگر این نکته است که تیموتائوس پیش از این زمان شراب نمی نوشیده است و پیشنهاد پولس برای نوشیدن " کمی شراب" تنها برای مقاصد پزشکی و درمانی بیان شده است. هر مؤمن خداوند می بایست همواره " بدن خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا" بحساب آورده و کاملاً وقف خداوند نماید (رومیان ۱۲: ۱-۲).

آیا نوشیدن شراب می تواند به یک اعتیاد تبدیل شوید؟

چهارمین موضوعی که باعث نگرانی مومنان راستین است مسئله اعتیاد است. بسیاری از چیزها و کارها بصورت عادت در می آیند و بسیاری از این عاداتها مقید هستند اما از طرف دیگر بسیاری از عادات نیز زیان آورند و ترک این عادات نیز آسان نیست.

اصلی که پولس به آن اشاره دارد آنست که با وجود آنکه همه چیز برای وی جایز است "اجازه نخواهد داد که چیزی بر وی تسلط یابد" (اول قرنتیان ۶: ۱۲) نیز به روشنی اشاره به اعتیاد به الکل دارد. الکل به آسانی باعث وابستگی شدید افراد می گردد. علاوه بر تاثیرات منفی الکل بر روی عملکرد ذهنی و جسمانی شخص مصرف کننده، حس وابستگی و اعتیاد ایجاد شده خود بتهنایی بر روی میزان توجه و نحوه قضاوت فرد معتاد تاثیر می گذارد.

یک مسیحی واقعی نه تنها می بایست از گناه دوری کند بلکه می بایست از موقعیت هایی که احتمال ارتکاب گناه را افزایش می دهند نیز فاصله بگیرد. ما هرگز نباید اجازه دهیم تا بگونه ای تحت تاثیر کسی یا چیزی قرار بگیریم که حتی ذره ای ما را از مسیری که خداوند برای ما در نظر گرفته منحرف کند. عاقلانه ترین و مطمئن ترین راه برای یک مسیحی حذر کردن از قرار گرفتن در موقعیت هایی است که احتمال تاثیرات بد در آنها وجود دارد.

حتی اگر چیزی برای ما اعتیاد آور نباشد ممکن است خطر آن را در میان کسانی که ما را بعنوان سرمشق زندگی خود قرار داده اند و یا از روش زندگی ما تقلید می کنند خطری ایجاد کند. از آنجاییکه تاثیر اعتیاد آور الکل در سطح جهانی شناخته شده است مصرف الکل در مواقع غیر ضروری توسط یک مسیحی می تواند پتانسیل اعتیاد به الکل در شخص دیگری را بالا ببرد.

آیا نوشیدن شراب بالقوه مخرب است؟

پنجمین موضوعی که می بایست مورد توجه قرار بگیرد تاثیرات مخرب بالقوه در مصرف الکل است. همانطور که نویسنده دوران بت پرستی بیان کرده است مصرف پیمانانه ای شراب که با نیم پیمانانه آب مخلوط شده باشد عقل را ذایل کرده و موجب دیوانگی می شود و شراب خالص باعث اختلال در عملکرد اندام های بدن خواهد گردید. تاثیرات مخرب ذهنی، فیزیکی و اجتماعی مصرف الکل واضح تر از آنست که نیاز به مدارک متعددی برای اثبات داشته باشد.

بیش از چهل درصد اتفاقات مرگبار (قتل های خشونت بار) به نوعی به الکل مربوط می شود و حداقل نیمی از تصادفات رانندگی مرگبار با مصرف الکل توسط رانندگان ارتباط مستقیم دارد. مصرف بیش از اندازه الکل باعث بیماری سیروز کبدی و بسیاری دیگر از بیماری ها می گردد. مشکلات مرتبط با الکل باعث از دست رفتن سالانه میلیاردها دلار از درآمد کارمندان،

کارفرمایان و قراردادهای شرکت های بیمه و حق بیمه گزاف برای مشتریان این شرکت ها و انواع بسیار دیگری از مضرات غیر مستقیم است.

اصراف و عیاشی که نتیجه گریز ناپذیر مستی و اعتیاد به الکل است از کلمه "asotia" میاید که در لغت به معنای "چیزی که غیر قابل ذخیره است" می باشد و در مورد کسانی به کار می رود که بیماری لاعلاجی دارند که به بهبودشان امیدی نیست و همچنین در مورد زندگی بی بند و بار و عیاشانه مانند مثال پسر ولخرج در کتاب مقدس (لوقا ۱۵: ۱۳). بنابراین ولخرجی و بی بندوباری و اصراف نوعی تخریب شخصی نیز احتساب می گردد.

همانطور که پیش از این نیز در این فصل اشاره شد عهد عتیق مثال های زیادی از ارتباط مستقیم عادت شراب نوشیدن افراد با مشکلات اخلاقی، سرکشی، زنا و سرپیچی از فرمان والدین و انواع بسیار دیگری از مثال های زندگانی فاسد را بیان می کند. خشونت یکی از عواقب همیشگی عادت به نوشیدنی های الکلی است (امثال ۴: ۱۷) و "شراب استهزا می کند و مسکرات عربده می آورد، و هر که به آن فریفته شود حکیم نیست." (امثال ۲۰: ۱). یوئیل پیامبر در این باره ندا می داد "ای مستان بیدار شده، گریه کنید و ای همه میگساران به جهت عصیر انگور ولوله نمایید زیرا که از دهان شما منقطع شده است." (یوئیل ۱: ۵) همچنین کمی بعد اعلام می دارد: "و بر قوم من قرعه انداخته و پسری در عوض فاحشه ای داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند." (یوئیل ۳: ۳) همچنین حقوق نبی در این باره هشدار می دهد "وای بر کسی که همسایه خود را می نوشاند و بر تو که زهر خویش را ریخته، او را نیز مست می سازی تا برهنگی او را بنگری. تو از رسوایی به عوض جلال سیر خواهی شد. تو نیز بنوش و غلفه خویش را منکشف ساز. کاسه دست راست خداوند بر تو وارد خواهد آمد و قی رسوایی بر جلال تو خواهد بود." (حقوق ۲: ۱۵ و ۱۶) یک مسیحی می بایست از خود سوال کند که آیا عاقلانه است حتی کمی از چیزی را مصرف کند که چنین تاثیرات مخرب و گناه آلودی به دنبال دارد یا خیر؟

آیا امکان دارد که نوشیدن شراب باعث اذیت و آزار دیگر مسیحیان شود؟

در مورد غذایی که به بت ها پیش کش می شد پولس گفت: "می دانیم که بت در جهان چیزی نیست و اینکه خدایی دیگر جز یکی نیست... ولی همه را این معرفت نیست، زیرا بعضی تا به

حال به اعتقاد اینکه بت هست، آن را چون قربانی بت می‌خورند و ضمیر ایشان چون ضعیف است نجس می‌شود. اما خوراک، ما را مقبول خدا نمی‌سازد زیرا که نه به خوردن بهتریم و نه به ناخوردن بدتر. لکن احتیاط کنید مبدا اختیار شما باعث لغزش ضعفا گردد. و از علم تو آن برادر ضعیف که مسیح برای او مرد هلاک خواهد شد. " (اول قرن‌تین ۸: ۴ و ۷-۹ و ۱۱).

حدود اختیار و آزادی تفویض شده به ما از سوی مسیح تا آنجاست که به کس دیگری بخصوص دیگر مومنان آسیبی وارد نسازد. ما اجازه نداریم که "به خوراک خود هلاک مساز کسی را که مسیح در راه او بمرد" (رومان ۱۴: ۱۵) ما هیچگاه نمی‌توانیم حتی ذره‌ای به توانایی‌های شخصی خود در حفظ اعتدال در نوشیدن مطمئن باشیم و این اطمینان در مورد عدم تاثیر مخرب روش زندگانی ما بر دیگر افراد - که شامل فرزندانمان نیز می‌گردد - حتی ناچیز تر است. "بجهت خوراک کار خدا را خراب مساز. البته همه چیز پاک است، لیکن بد است برای آن شخص که برای لغزش می‌خورد. گوشت نخوردن و شراب نوشیدن و کاری نکردن که باعث ایذا یا لغزش یا ضعف برادرت باشد نیکو است." (رومان ۱۴: ۲۰ و ۲۱)

اختیار و آزادی ما هرگز نباید برتر از رفاه حتی یک برادر مومن دیگر تلقی گردد. ما باید به انجام کارهایی مبادرت ورزیم "که منشأ سلامتی و بنای یکدیگر است". (آیه ۱۹).

آیا نوشیدن شراب شهادت خوبی برای یک مسیحی است؟

استفاده از آزادی شخصی که در اختیار ما قرار داده شده بصورتی که باعث ضرر احتمالی به یک برادر مومن دیگر گردد نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی قدر و منزلت شهادت ما را به مسیح در نظر غیر مومنان بیافزاید. ممکن است شراب نوشیدن باعث سهولت پذیرفته شدن در برخی اجتماعات گردد، اما کمبود یا عدم توجه ما به وضعیت دیگر برادران مومن همواره تصویر مثبتی که شخص انتظار دارد از خود به نمایش بگذارد را خدشه دار می‌کند. این امر همچنین می‌تواند تاثیرات منفی در وجهه شخص در نظر دیگر مسیحیان بگذارد. باوجود آنکه آنان ممکن است از بابت تاثیرات رفتار شما بر زندگانی خود و خدمت به خداوند نگرانی نداشته باشند اما این امر مشخصاً می‌تواند باعث نگرانی آنان در مورد تاثیرات منفی عادات زندگی شما بر دیگر مسیحیان باشد.

معیار های زندگانی که پولس به قرنطیان ارائه می کند به روشنی اشاره دارد که رد دعوت یک غیرمسیحی بسیار مطلوب تر از اهانت و ایجاد دلخوری و نگرانی برای دیگر مومنان مسیحی است: "هرگاه کسی از بی ایمانان از شما وعده خواهد و می خواهید بروید، آنچه نزد شما گذارند بخورید و هیچ مپرسید بجهت ضمیر. اما اگر کسی به شما گوید این قربانی بت است، مخورید به خاطر آن کس که خبر داد و بجهت ضمیر، زیرا که جهان و پری آن از آن خداوند است. اما ضمیر می گویم نه از خودت بلکه ضمیر آن دیگر؛ زیرا چرا ضمیر دیگری بر آزادی من حکم کند؟" (اول قرنطیان ۱۰: ۲۷-۲۹)

ایمان و شهادت شما بر مسیح بسیار تاثیرگذارتر خواهد بود اگر میزبان غیرمسیحی شما ببیند که شما چه اهمیتی برای برادران مسیحی خویش قائل هستید.

"زیرا احدی از ما به خود زیست نمی کند و هیچ کس به خود نمی میرد. زیرا اگر زیست کنیم برای خداوند زیست می کنیم و اگر بمیریم برای خداوند می میریم. پس خواه زنده باشیم، خواه بمیریم، از آن خداوندیم." (رومان ۸: ۱۴ و ۸) چراکه هرچه یک مسیحی هست و دارد از آن خداوند است. همچنین در کتاب مقدس آمده است "اما اگر برخود حکم می کردیم، حکم بر ما نمی شد. لکن هنگامی که بر ما حکم می شود، از خداوند تأدیب می شویم مبادا با اهل دنیا بر ما حکم شود. لهذا ای برادران من، چون بجهت خوردن جمع می شوید، منتظر یکدیگر باشید." (اول قرنطیان ۱۱: ۳۱-۳۳).

اگر چنانچه خواهان برقرار ارتباط با بندگانی باشیم که نجات نیافته اند و در عین حال مشوقی برای دیگر مسیحیان گردیم باید از مصرف مشروبات الکلی و یا انجام هر عمل دیگری که باعث گمراهی و یا لغزش آنان گردد خودداری ورزیم.

آیا نوشیدن مشروبات الکلی کار درستی است؟

با توجه به تمامی سوالات مطرح شده سوال نهایی یک مسیحی آنست که آیا نوشیدن شراب برای یک مسیحی درست است؟ همانطور که پیش از آن نیز اشاره شد پاسخ سوال اول منفی بود. شرابی که در کتاب مقدس به آن اشاره شده است با آنچه امروز به این نام شناخته می شود متفاوت بوده است. همچنین پاسخ سوالات دوم و سوم نیز منفی است. چراکه در جهان امروز

نوشیدن شراب برای بسیاری از مسیحیان ضروری نیست و درواقع بندرت بهترین انتخاب نوشیدنی محسوب می گردد. پاسخ چهار سوال بعدی حداقل تا اندازه ای مثبت است. نوشیدن شراب به روشنی باعث ایجاد اعتیاد می گردد و بصورت بالقوه ویرانگر است و باعث رنجش و تغیر دیگر مسیحیان و آسیب به وجهه ایمان و شهادت ما در نظر غیر مسیحیان خواهد شد.

روزی مردی به من گفت: "من گاهی با دوستانم آجویی می نوشم. آیا این اشتباه است؟" من پاسخ دادم: "خودت در این باره چه فکر می کنی؟"، "در واقع فکر نمی کنم که این کار اشتباهی است اما گاهی این موضوع ناراحت می کند". من از او پرسیدم: "و آیا دوست داری احساس ناراحتی یا نگرانی داشته باشی؟"، "نه دوست ندارم." ادامه دادم: "و می دانی که چطور از دست این احساس ناراحتی خلاص شوی. درست است؟" که با پاسخ واضح این شخص مواجه شدم: "بله می بایست دست از نوشیدن بردارم."

پولس دراینباره می گوید: "لکن آنکه شک دارد اگر بخورد ملزم می شود، زیرا به ایمان نمی خورد؛ و هر چه از ایمان نیست گناه است." (رومیان ۱۴: ۲۳)

حتی اگر عقیده داشته باشیم که انجام کاری بخودی خود گناه آلود نیست اما در زمان انجام آن خاطری آسوده نداشته باشیم گناه کرده ایم چراکه برخلاف وجدان و ضمیر خویش عمل کرده ایم. انجام اعمال برخلاف ندای وجدان سبب احساس گناه و محکومیت وجدانی نزد خویش می گردد. وجدان نوعی زنگ خطر خدادادی است تا از ما در مقابل انجام گناه محافظت کند و هرگاه که ما برخلاف ندای وجدان به انجام کاری مبادرت می ورزیم از حساسیت و قابلیت اتکا و اعتماد به آن می کاهیم و در واقع خود را آموزش می دهیم که آنرا ندیده بگیریم. عدم توجه و انکار ندای وجدان بصورت مستمر در واقع مانند آنست که "ضمیر خویش را داغ کرده باشیم." (اول تیموتائوس ۴: ۲) و ساکت کرده باشیم. هرگاه چنین اتفاقی رخ دهد نعمت بزرگی را که خداوند در اختیار ما قرار داده تا راهنمای ما باشد از دست داده ایم. (اول تیموتیوس ۱: ۵ و ۱۹). در ادامه سوالاتی که در مورد شراب نوشیدن از خویش می پرسیم آخرین آنها که در واقع مهمترین نیز هست آن است که: آیا می توانم در حضور دیگران و درحضور خداوند بدون عذاب وجدان و با ایمان کامل شراب بنوشم؟ این موضوع بسیار مشکوک است.

سوالات این درس:

۱- آیا شرابی که امروز تولید می شود همانی است که در زمان کتاب مقدس بوده؟ بطور مختصر

توضیح دهید؟

۲- آیا نوشیدن شراب لازم است؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۳- آیا نوشیدن شراب بهترین انتخاب است؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۴- آیا نوشیدن شراب به عادت تبدیل خواهد شد؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۵- آیا نوشیدن شراب بالقوه مخرب است؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۶- آیا امکان دارد که نوشیدن شراب باعث اذیت و آزار دیگر مسیحیان شود؟ بطور مختصر

توضیح دهید؟

۷- آیا نوشیدن شراب شهادت و ایمان مسیحیت مرا تحت تاثیر قرار می دهد؟ بطور مختصر

توضیح دهید؟

۸- آیا نوشیدن مشروبات الکلی درست است؟ بطور مختصر توضیح دهید؟

۹- رومیان ۱۴: ۲۳ را بنویسید؟

۱۰- آیا می توانیم در حضور دیگران و در حضور خداوند بدون عذاب وجدان و با ایمان کامل

شراب بنوشم؟

آیه های کلیدی: امثال ۲۳: ۳۱-۳۵؛ امثال ۲۰: ۱؛ لوقا ۱: ۱۵

درس ۴۸: عیسی مسیح نجات دهنده و خداوند ما

این درس در مورد نفری است که شخصیت اصلی، مرکز و اساس کتاب مقدس است. اگر بودا را از بوداییها حذف کنیم، و اگر محمد را از اسلام جدا کنیم و یا اگر جوزف اسمیت را از دین مورمن دور کنیم، چیزی که می ماند یک سیستم اعتقادی است. اما اگر عیسی را از مسیحیت جدا کنیم هیچ چیز نخواهیم داشت.

مسیحیت یک سیستم اعتقادی نیست بلکه یک شخص است. ما توسط قوانین و تشریفات مذهبی نجات پیدا نمی کنیم بلکه توسط یک شخص نجات پیدا می کنیم که آن شخص خداوند عیسی مسیح است.

در این درس ما به دو مورد مشخص در مورد مسیح می پردازیم:

۱. او کیست

۲. او چه عملی انجام داده

مسیح مقدس کسی است که انسانها معتقدند که او شخصیت اصلی و اساسی مسیحیت است. "مردم مرا که پسر انسانم چه شخص می گویند؟" (متی ۱۶: ۱۳). شما فکر می کنید که او کیست؟ نتیجه گیری شما در مورد شناسه او چیست؟

بزرگترین تاریخدان مسیحیت از دانشگاه یاله، کنت اسکات لانتورته می گوید "تعالیم عیسی مسیح نیست که او را قابل توجه می کند، هر چند که همین برای متمایز کردن او کافیست. اما ترکیبی از تعالیم او و انسانیت خود اوست که او را متمایز می کند و این دو جدا ناپذیرند"

سی اس لوئیس پرفسور دانشگاه کمبریج نوشته: "من اینجا سعی میکنم تا از گفتن چیزهای نامربوط که اقلب توسط مردم راجع به مسیح گفته میشود، جلوگیری کنم. مثلاً: "من مسیح را به عنوان یک معلم خوب اخلاق قبول دارم اما ادعای او را به عنوان خدا قبول ندارم." این چیزی است که نباید گفته شود. یک مردی که صرفاً یک انسان بوده و چیزهایی را گفته که مسیح گفته

است نمیتواند فقط یک معکم بزرگ اخلاق باشد. وگرنه یا او مجنون دیوانه بوده یا شیطانی از طرف جهنم است. ما باید گزینه خود را انتخاب کنیم یا آن مرد پسر خدا بود و هست و یا او یک دیوانه یا چیزی بدتر بود."

مسیح ادعا کرد که خداست و این چیزی است که باید به آن توجه جدی شود. راست باشد و یا دروغ و این چیزی است که باید به آن توجه جدی شود.

الف: عیسی مسیح یک انسان کاملی بود.

۱. مسیح از یک زن به دنیا آمد. (غلاطیان ۴:۴)

۲. مریم شرایط بارداری عادی را تحمل کرد. او پسر خود را به دنیا آورد. (لوقا ۲: ۵-۷)

۳. در دوران بچگی مسیح بطور طبیعی بزرگ شد. (لوقا ۲: ۴۰-۵۲)

۴. در نظر زن سامری، او مانند یک مرد معمولی بود. (یوحنا ۴: ۷-۹)

۵. اشعیای نبی به ما می گوید که مسیح جذابیت و زیبایی نداشت. با توجه به متی ۲۶: ۴۸-۴۹

مسیح خیلی آدم معمولی و ساده بود که یهودای اسخریوطی مجبور شد که صورت او را ببوسد تا او را برای سربازان شناسایی کند.

صنعت هنر و نقاشی، عیسی مسیح را طوری نقاشی کرده که چشمهای او آبی است با موهای طلایی دراز و قامتی بلند و جذاب که هیچ سنخیتی با واقعیت و کتاب مقدس ندارد.



عیسی مسیح یک مرد یهودی معمولی بود- پوست زیتونی، ریش و چشمان قهوه ای، با موهای سر کوتاه و سیاه رنگ.

۶. مسیح خستگی را تجربه کرد. یوحنا ۴: ۶
۷. مسیح نیاز به خواب داشت. (متی ۸: ۲۴)
۸. مسیح گرسنه می شد. (متی ۲۱: ۱۸)
۹. مسیح از درد محزون می گشت. (لوقا ۲۲: ۴۴)
۱۰. مسیح در تمام چیزها وسوسه شد درست مثل من و شما. (عبرانیان ۴: ۱۵)
۱۱. مسیح گناه نشناخت. (دوم قرنتیان ۵: ۲۱)
۱۲. مسیح از مرگ جسمانی رنج برد. (یوحنا ۱۹: ۳۳)

ب: عیسی مسیح خداست.

۱. در یوحنا ۱: ۱۴ چه کسی کلمه است؟ مسیح
۲. کلمه کیست؟ خدا (یوحنا ۱: ۱)
۳. در یوحنا ۵: ۱۸ چرا یهودیان سعی بر کشتن مسیح داشتند؟ چون او خود را با خدا یکی می دانست.
۴. مسیح گفت، "من و پدرم یکی هستیم". (یوحنا ۳۰: ۱۰)
۵. یهودیان چگونه یوحنا ۱۰: ۳۰ را تفسیر کردند؟ ریاکاری (یوحنا ۱۰: ۳۱-۳۳)
۶. در یوحنا ۱۴: ۱۹ وقتی مسیح را می بینیم در واقع چه کسی را می بینیم؟ پدر را
۷. در یوحنا ۲۰: ۲۸ توماس در مورد مسیح چه گفت؟ "خداوند من و ای خدای من." آیا مسیح او را به خاطر این تویخ کرد؟ خیر
۸. در عبرانیان ۱: ۸ عنوان "ای خدا" به چه کسی نسبت داده شده؟ به پسر خدا عیسی مسیح
۹. در اول یوحنا ۵: ۲۰ خدای حق و حیات جاودانی کیست؟ مسیح خداوند

۱۰. تیطس ۱: ۳ را با تیطس ۴: ۱ مقایسه کنید ؛ ۱. در هر آیه به چه کسی به عنوان نجات دهنده رجوع می شود؟ خدا و عیسی ۲. چه معنی می دهد؟ آنها یکی هستند.

۱۱. پیدایش ۱: ۱ را با یوحنا ۳: ۱ مقایسه کنید: نتیجه گیری غیرقابل اجتناب در مورد مسیح چیست ؟ او خداوند است.

۱۲. بعد از آزمایش کردن کتاب مقدس نتیجه می گیرید که مسیح چه کسی است ؟

- مرد دیوانه
- فقط یک مرد خوب
- بت یا یکی از خدایان
- خداوند و خالق هستی

انتخاب کردن جواب صحیح در گزینه های بالا با شماست.

ج: عیسی مسیح از زن باکره به دنیا آمد.

از چیزی که در بالا یاد گرفتیم مسیح مقدس هم انسان و هم خداوند است. او ۵۰٪ انسان و ۵۰٪ خداوند نیست ، بلکه او ۱۰۰٪ در انسانیت بی نقص و ۱۰۰٪ در خداوند بودنش بی نقص است. چگونه این امکان دارد ؟ او خدای به جسم ظاهر شده است! این اصلی است که به صورت شفاف در کلام خداوند درس داده شده، اما چیزی است که ما نمی توانیم آن را بطور کامل درک کنیم.

۱. اول تیموتائوس ۳: ۱۶ می گوید که مسیح خداوند در جسم ظاهر شد. درس یکم را بخاطر بیاورید که خداوند، خدای تثلیث است که عیسی قسمتی از خداست که از مریم باکره بصورت انسان بدنیا آمد تا برای گناهان ما مصلوب شود. در این درس در مورد مسیح ما باید قدردان یک شخص با دو طبیعت باشیم طبیعت خداوندی و طبیعت انسانی . در عین حال که ما نمیتوانیم کاملاً آن را درک کنیم، اما به انجام رسیدن آن را در معجزه به دنیا آمدن مسیح از زن باکره را شاهد هستیم.

- ا. اگر مسیح، پدر زمینی و مادر زمینی می داشت، او یکی دیگر از گناهکاران روی زمین می شد و احتیاج داشت که نجات پیدا کند و حتی خودش را هم نمی توانست نجات دهد.
- ب. اگر مسیح پدر و مادر زمینی نمی داشت او نمی توانست به عنوان خداوند مقدس که در نور ساکن است، قابل دسترس باشد.
- ج. کتاب مقدس می گوید که مسیح پسر انسان است (چون مسیح از مریم به دنیا آمد) و پسر خدا (چون خدای پدر، پدر اوست).
۲. اشعیا ۷: ۱۴ پیشگویی عهد عتیق حدود ۷۰۰ سال قبل از تولد مسیح است که میگوید، مسیح از باکره به دنیا می آید.
۳. وقتی مسیح در رحم مریم بود، مریم با یوسف نامزد شد و آنها با هم ازدواج نکردند تا بعد از اینک مسیح به دنیا آید. (متی ۱: ۱۸)
۴. باردار شدن مریم باکره از مسیح یک کار معجزه آسا از طرف روح القدس بود. (لوقا ۱: ۳۵)

د: دلیل مرگ خداوند ما عیسی مسیح

۱. عیسی مسیح آمد تا گمشدگان را بجوید و نجات دهد. (لوقا ۱۹: ۱۰)
۲. مسیح برای گناه کاران مرد. (رومیان ۵: ۸)
۳. در اشعیا ۵۳: ۶ چه چیزی در لحظه مرگ عیسی مسیح روی دوش او نهاده شد؟ گناهان جمیع ما انسانها
۴. به واسطه مرگ مسیح، ما با خدا آشتی داده شده ایم. (رومیان ۵: ۱۰)
۵. در یوحنا ۳: ۱۶ مسیح برای چه کسی مرد؟ هر کس
۶. در رومیان ۱۰: ۱۳ چه کسی میتواند از مرگ او فایده برد؟ هر کسی که نام او را بخواند.
۷. یوحنا ۱۹: ۳۰ و عبرانیان ۱۰: ۱۲ را بخوانید. چه چیز دیگری نیاز است که به مرگ مسیح اضافه شود تا نجات ما را کامل کند؟ هیچ چیز

۸. با ریخته شدن خون او مسیح قادر است آنهایی را که به او اعتماد میکنند، فدیة کند. (غلاطیان ۴: ۵)

ز: رستاخیز مسیح

۱. در یوحنا ۲۰: ۱ عیسی مسیح در کدام روز هفته از مردگان زنده شد؟ روز اول هفته یعنی یکشنبه

۲. طبق متی ۱۲: ۴۰ چند وقت مسیح در قبر بود؟ سه روز و سه شب

۳. طبق اول قرنثیان ۱۵: ۳-۸ مسیح بعد از زنده شدن از مرگش به چه کسانی ظاهر شد؟ ۱- کیفا

۲- دوازده ۳- پانصد برادر ۴- یعقوب ۵- جمیع رسولان ۶- پولس رسول

۴. طبق رومیان ۴: ۲۵ چرا مسیح از مردگان برخاست؟ به سبب عادل شدن ما

۵. به خاطر رستاخیز مسیح هر ایمان داری یک امید زنده برای میراث بی فساد و بی آلاش و ناپژمرده که در آسمان بالا نگه داشته شده است را دارد. (اول پطرس ۱: ۳-۴)

ر: خروج عیسی مسیح به آسمان

۱. طبق اعمال رسولان ۱: ۳، ۹ مسیح بعد از چهل روز به بهشت برگشت.

۲. طبق عبرانیان ۱۰: ۱۲ در حال حاضر مسیح در دست راست خداوند است.

۳. مسیح برای هر ایمانداری دعای شفاعت می طلبد. (عبرانیان ۷: ۲۵)

۴. مسیح در بهشت برای هر کدام از نجات یافتگان مکانی حاضر می کند. (یوحنا ۱۴: ۲)

۵. وقتی یک مسیحی گناه می کند، شفيعی در نزد پدر دارد که عیسی مسیح عادل است. (اول یوحنا ۲: ۱)

ط: بازگشت دوباره عیسی مسیح

۱. در یوحنا ۱۴: ۳ مسیح گفت: "باز می آیم"

۲. در اعمال رسولان ۱: ۱۱ دو فرشته بازگشت دوباره مسیح را وعده دادند.

۳. تیطس ۲: ۱۳ بازگشت مسیح را امید مبارک می نامد.

۴. طبق اول قرن‌تیاں ۱۵: ۵۱-۵۲ وقتی که عیسی مسیح برای امت خود بازگشت می کند، با چه سرعتی این حادثه اتفاق می افتد؟ در یک چشم بهم زدن

۵. طبق اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷ چه اتفاقی در بازگشت مسیح برای ایمان داران (زنده و مرده) می افتد؟ مسیح را در هوا ملاقات می کنند.

چرا ما مسیحیان به روز رستاخیز اعتقاد داریم؟ " که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشتن را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر میشد و دوباره امور ملکوت خدا سخن می گفت. " (اعمال رسولان ۱: ۳)

از اول آفرینش، مردم با گریه کردن برای عزیزان از دنیا رفته خود عکس العمل نشان می دهند. مانند ایوب که گفت، " اگر انسان بمیرد آیا بار دیگر زنده میشود؟ " (ایوب ۱۴: ۱۴). فلسفه دانان انسانیت و دینهای دروغین تا بحال قادر نبوده اند تا به این سوال بیشتر از یک علامت سوال، و امید واهی جواب دهند. از نابغه فلسفه یونان یعنی افلاطون سوال شد: " آیا دوباره زنده می شویم؟ " او جواب داد: " امیدوارم، اما کسی نمی داند. " مقبره افلاطون، محمد و بودا و همه انسانها اشغال هستند اما مقبره مسیح تا به امروز خالی است.

چرا ما رستاخیز مسیح را که مهمترین تعالیم مسیحیان است باور داریم؟ حتی به صلیب کشیده شدن مسیح بدون رستاخیز او به صورت ساده نمادی است از رد شدن او از سوی مردم و به دار آویخته شدن و لعنت شدن او از سوی خداست. اما رستاخیز است که مسیح با قدرت ادعا می کند که پسر خدا است و با رستاخیز است که مصلوب شدن رنجور مسیح برای گناهان انسانها از سوی خدا مورد قبول واقع شده است. رستاخیز محور اصلی و مرکز ایمان مسیحیان است. توسط رستاخیز بسیاری می ایستند و بسیاری دیگر می افتند. بنابراین تمام شک کنندگان از قرن نوزدهم بزرگترین اسلحه هایشان را بر اصل رستاخیز هدف گرفته اند.

شواهد رستاخیز عیسی مسیح بیشتر از شواهد دیگر حقایق تاریخی با دقت مورد آزمایش قرار گرفته است. رستاخیز مسیح توسط بزرگترین محققان بخصوص سیمون گرینلیف به خوبی مورد تفکر و ارزیابی واقع شده است. سیمون گرینلیف پرفسور قانون در دانشگاه هاروارد از سال ۴۸-۱۸۳۳ کسی که مدرسه قانون هاروارد را برتری بخشید و او بزرگترین قدرت در شواهد قانونی تاریخ جهان خوانده میشود که وقتی که گرینلیف ذهن خود را بر روی رستاخیز مسیح جلب و تمرکز کرد، نتیجه گرفت که رستاخیز مسیح یک حادثه تاریخی و واقعیت بود. هر کس این شواهد را آزمایش کرده بطور صادقانه متقاعد میشود که این امر واقعیت دارد. مانند فرانک موریسون، وکیل اینگلیسی که شروع به نوشتن کتابی کرد تا رستاخیز مسیح را انکار کند. او این کتاب را نوشت اما کتابی نبود که منتشر کند. همینطور که او شواهد رستاخیز را بررسی می کرد، این مرد مشرک در این حین متوجه مقاومت این مساله شد و راهی نداشت به غیر از اینکه قبول کند و جزء یکی از ایمانداران شود. بعد از اینکه به حقیقت پی برده و نجات یافت، او کتابی نوشت به نام "چه کسی سنگ را حرکت داد؟" که زمینه ساز شواهد رستاخیز مسیح شد و فصل اول کتاب را "کتابی که از نوشتن آن امتناع شد" نام نهاد. لو والاس نیز شروع کرد به نوشتن کتابی بر علیه رستاخیز مسیح که در آخر کتاب معروف به نام "بن هور" نوشت که از رستاخیز دفاع می کند.

شواهد و حقیقت رستاخیز مسیح در ذهن آنهایی که آن را آزمایش کرده اند، بسیار قابل توجه است. خیلی از آدمها را می شناسم که به رستاخیز ایمان نداشته ولی هنوز کسی را ملاقات نکرده ام که حتی یک کتاب در مورد شواهد و حقیقت رستاخیز خوانده باشد و ایمان نیاورده باشد.

اجازه بدهید تا به چندین شواهد و حقایق در باره رستاخیز مسیح به خوبی فکر کنیم:

۱. **حقیقت روز اول هفته (یکشنبه).** برای هزاران سال عبرانیان روز هفتم را برای روزدعا انتخاب کرده بودند و نگاه داشته بودند. بعد از آن پیدا کردیم گروهی از اولین مسیحیان که یهودی بودند روز پرستش را از هفتم به اول انتقال دادند. چه چیزی می‌توانست برای آنها به حساب بیاید تا روزی به این مهمی را که سالها سنت آن را نگاه داشته بودند ترک کنند و آن را عوض کنند؟ هیچ چیز به جز این حادثه در خور توجه، که روز اول هفته اتفاق افتاد یعنی روز ظاهر شدن او بر حواریون و تعمید یافتن ایمانداران از روح القدس در روز پنطیکاست که در روز اول هفته بود. بنابراین روز اول هفته بود که یاران مسیح او را ملاقات و پرستش کردند.

۲. **روز ایستر (قیام).** روز قیام عیسی یکی دیگر از حقایق است. ایستر جاگزین عید فصح یهودیان بود. چرا یهودیان که عید فصح برای آنها یکی از مهمترین عیدهای تاریخ ملت آنهاست ترک کنند و به جای آن ایستر را جشن بگیرند؟ خوش آمد گویی به این صورت بود "مسیح برخاست" در جواب "براستی مسیح برخاست". چه حقیقتی به غیر از رستاخیز مسیح میتواند وجود عید ایستر (عید قیام) را توضیح دهد، عیدی که از کلیسای اول بوده است؟

۳. **سفارش عیسی مسیح به کلیسا.** حقیقت دیگر سفارشات عیسی مسیح به مسیحیان است از جمله سفارش برگذاری شام خداوند و غسل تعمید. این سفارشات نه فقط اشاره به مرگ و رنج کشیدن مسیح دارد بلکه برای رستاخیز قدرتمند او نیز دلالت دارد. تمام اینها می تواند تا لحظه مرگ مسیح ردیابی شود.

۴. **حقیقت صنعت هنر مسیحیت.** در محل قبرستان شهر روم در زمان اعدام ها، کنده کارهایی را پیدا کرده ایم که رستاخیز مسیح به عنوان قسمتی از عقیده های مسیحیان در آن اوایل بود.

۵. **حقیقت سرود خواندن مسیحیان.** در اوایل روزهای مسیحیان ، سرودهای مسیحی در مورد رستاخیز مسیح خوانده می شد.

۶. **کلیسا.** وجود کلیسای مسیحیان که یک حقیقت غیر قابل انکار است. خیلی از مردم رستاخیز مسیح را به کلیسا ربط نمی دهند برعکس همه دانشمندان مسیحی که آن را نقش و محور اصلی مسیحیت و کلیسا می دانند. کلیسای مسیحیت بزرگترین موسسه است که در تاریخ جهان وجود داشته که ۵ برابر بزرگتر از امپراتوری روم است . بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر امروزه عیسی مسیح پسر خدا، زنده و برخاسته از مردگان را پرستش می کنند، گرچه شاید رقم بیشماری از آنها نجات او را نداشته باشند. چگونه این موسسه به این وسعت و موجودیت رسید؟ شخصی گفت: " تنگه بزرگ توسط هندیهای آمریکا شکل نگرفت " همچنین وسعت کلیسای مسیحیت توسط خیال پردازان شکل نگرفت. کلیسای مسیحیان توسط بسیاری از مورخان ادعا می شود که از ۳۰ بعد از میلاد در شهر اورشلیم زمانی که مسیح روی صلیب جان داد و از مردگان برخاست، شروع به شکل گرفتن شد.

شما میتوانید به صورت آنلاین کتاب تاریخ اچ. جی. ولز با عنوان "پیرامون تاریخ" و یا هر کتاب تاریخی دنیوی را که مرگ و رستاخیز مسیح را توضیح میدهد بررسی کنید. و سپس فصل جدیدی آغاز میشود که در مورد به وجود آمدن کلیسای مسیحیان و بشارت دادن حواریون صحبت می کند. به شکلی بین این دو فصل یک وجه اشتراکی وجود دارد. حقیقت تاریخی بی چون و چرا که بزرگترین موسسه (کلیسا) در تاریخ جهان در ۳۰ بعد از میلاد در واقع وقتی که رسولان شروع به بشارت دادن مردم درباره رستاخیز عیسی مسیح را کردند، در اورشلیم شروع شد. اولین و اصلی ترین پیغام مسیحیان در آن زمان این بود که مسیح از مردگان برخاست. اولین پیغام در پنطیکاست به مردم ابلاغ شد که کاملاً در مورد زنده شدن مسیح، پیشگویی ها در مورد این واقعه در کتاب عهد قدیم، حقیقتی که آنها او را مصلوب کرده بودند و خداوند او را از مردگان برخیزاند، حقیقتی که آنها این چیزها را مشاهده کردند، حقیقتی که مسیح برخاسته از

مردگان مردم را از روح القدس پر کرده بود، حقیقتی که بخاطر رستاخیز اومی توانست گناهان آنان را که به او ایمان می آورند را از میان بردارد، که همه این موارد در پنطیکاست صحبت شد. کتاب آسمانی، گواهی بی دینان و دشمنان مسیحیت تأیید می کنند که کلیسا به خاطر تعلیم و بشارت رستاخیز همه جا پخش شد. این حقیقتی است که کلیسای مسیح به وجود آمد به خاطر تأییدیه رسولان که مسیح از مردگان برخاست.

در این باره سه چیز مختلف احتمال دارد: (۱) این یک حیلۀ بوده و رسولان دروغ گفتند (۲) آنها اشتباه کردند و فریب خورده بودند. (۳) مسیح واقعاً از مردگان برخاست. اجازه بدهید خوب به تلاشهای بی ایمانان برای انکار رستاخیز فکر و بررسی کنیم.

در تمام سالهای مطالعه درباره رستاخیز، آن مثل جزیره ای است که با جزیره های کوچک محاصره شده. هر کشتی که تلاش می کند این جزیره را ویران کند در یکی از این جزیره های اطراف به خاک می نشیند. تنها مشتی از تئوری ها که توسط بی دینان و آزاد اندیشان، شکاکان مطرح شده آنهایی که بزرگترین اسلحه هایشان را بر رستاخیز هدف گرفته اند. تمامی که باید انجام شود تا در رستاخیز مسیح بیشتر ایمان بیاوریم این است که این تئوری ها آزمایش شوند تا دیده شود که چقدر این تئوریهایی اساس هستند. در کتاب، دلیل و معالجه بی ایمانی، توسط دکتر دیوید نلسون ثبت شده که یک مرد جوان فارغ التحصل مدرسه که ایمانش را از دست داد ولی هنوز وجدان ناراحتی داشت، برای اینکه خودش را به بی اعتقادی بزند، او تمام کتابهایی که در مورد انکار رستاخیز مسیح صحبت میکند را خواند. هنوز از نظر ذهنی تیزهوش بود که انکار آنها را پوچ و بی اساس بود دید که این باعث برگشت او به مسیحیت شد.

ما با تحقق یافتن پیشگویی های کتاب مقدس در مورد رستاخیز روبرو شده ایم. پیش گوئیهای از مسیح مقدس که او دستگیر و قربانی میشود و در روز سوم از مردگان برمی خیزد. اگر فرض کنیم که او در یک دسیسه شریک بود، ما با شخصیت خود مسیح رو برو می شویم - کسی که تمام دنیا جمع شدند تا بزرگترین، با اخلاقترین، خالص ترین و صادق ترین مردی که جهان به خود دیده را تأیید کنند. ما با مقبره خالی رو برو می شویم که تمام تئوریهایی را تکان می دهد. ما با کفن رو برو می شویم که شاهد شهادتهاست، با دوازده مویقت مختلف وقتی که مسیح به مردم

ظاهر شد، با بیش از پانصد نفر که قیام مسیح را دیدند، با طبیعت این ظاهر شدن ها در صبح و بعد از ظهر و شب که آن شاهدان او را با دست لمس کردند، آنها با تغییر شگفت انگیزی مواجه شدند. آنها به دلیل شاهد بودن قیام مسیح، از رسولان ترسو، کمرو و بزدل به رسولان بشارت دهنده شجاع و پر جرأت تبدیل شدند. پطرس رسول کسی بود که یک روزی از دوشیزه کوچک ترسید، ولی بعد از چند روز که به دادگاه مشایخ یهودیان احضار شده بود، با جرأت به آنها اطمینان داد که او نمی تواند ساکت باشد و اعلام نکند چیزی را که با چشمان خود دیده و شنیده بود. بعد از این ما متعهد و متدین بودن شاهدان مسیح را داریم که به دلیل بشارت دادن خبر انجیل عیسی مسیح زجر کشیده، شکنجه دیده و مرگ در راه مسیح را قبول کردند، که بیشتر آنها با خون خود به شهادتشان مهر زدند.

این حقیقت به صورت حیاتی با اهمیت است. در تاریخ علم روانشناسی هرگز کسی شناخته نشده است که به چیزی که دروغ است علاقه داشته باشد و جان خود را به آن چیز دروغ بدهد. قبلاً متعجب بودم که چرا به این صورت بود که خداوند به رسولان و مسیحیان اجازه بدهد تا خودشان را به دست رنج و شکنجه عظیم بدهد. اساس مسیحیت بسیار بنیادی هستند که به راحتی تکان نمی خورند. پاول لیتل گفت: "مردم برای چیزی که قبول دارند راست است، می میرند اگر چه ممکن است غلط باشد. اما آنها اگر چه برای چیزی که میدانند دروغ است نمی میرند."

حقیقت و شهادت در مورد عروج مسیح به آسمان وجود دارد. شهادت غیر قابل انکار پولس رسول که او بعد از دین مسیح قیام شده، از سولس آزار دهنده و قاتل مسیحیان به پولس بزرگترین رسول تاریخ مسیحیت تبدیل شد.

از نظر حيله گری و دروغ، نظریه و ایده ای وجود دارد که خود رسولان یا رسولان در ارتباط با مسیح توطئه چینی کردند تا جهان را فریب دهند که مسیح از مردگان برخاسته. این اولین تئوری است که گفته میشود. در کتاب مقدس آمده که وقتی که محافظان به اورشلیم آماده و به کاهن اعظم گزارش دادند که مقبره خالی است و نیز تمام چیزهایی که رخ داد. کاهن اعظم به سربازان مبلغ بزرگی را به محافظان می دهد و می گوید: "بگوئید که شبانگاه شاگردان آمده وقتی که ما در خواب بودیم او را دزدیده و هر گاه این سخن گوش زد والی شود، همانا او را برگردانیم و

شما را مطمئن سازیم " (متی ۲۸: ۱۴، ۱۳). در کل تاریخ حقوق در هیچ موقعیتی هیچ شاهی پیدا نشده است که اجازه داده شود تا شهادت به چیزی بدهد که روی داد آن را ندیده و در خواب بوده است. " وقتی که ما در خواب بودیم رسولان آمدند" برای سربازان رومی به خواب رفتن در هنگام پست یعنی اعدام ناگزیر برای آنها و این حکمی بود که سخت اجرا می شد.

دکتر پرنسیپال هیل الهیات خوان اسکاتلندی در مورد این ایده غلط که از نظر او این یک نقل قول کلاسیک است سخن می گوید. او بعد از آزمایش کردن تمام این شواهد گفت: " اگر ظهور حقیقت را قبول نکنید، فرض می کنید که شهادت آنها غلط باشد، سپس موقعیتهای غیرقابل توضیح در شما حلقه میزنند. باید فرض کنیم دوازده مردی که هیچ سواد نداشتند و در فروتنی زندگی می کردند، بلند پروازی دور از دسترس آنها و افکارشان بود، بدون هدف داشتن از این نقشه شکل داده شده که تا بحال به ذهن بشر نرسیده بود، جرات کنند که این نقشه را اجرا کنند و مردم را هدایت کنند با چیزی که مثلاً آن را زیر سادگی و پرهیزکاری پنهان کنند. فرض می کنیم که این مردان گناهکار از کفرگویی و دروغ که ثمره تلاش بهترین تدبیرشان هستند، تلاشی کردند که در واقع ثابت کرده که در فضیلت دادن مردم جهان موفق بوده است، که آنها بدون گرفتن هیچ سودی این نقشه را برنامه ریزی کرده اند، با وجود مطمئن بودن از خوار شمرده و شکنجه شدن، که هیچ کدام از آنها هرگز به فکر این نیافتند که توسط فاش کردن حيله، امنیت خودشان را آماده می کنند، امنیتی که بسیار رنجآور و درناک برای جسم و خونشان که آنها در توطئه چینی خود به همراه داشتند که مردم جهان را به خدا پرستی، صداقت و خیرخواهی گول بزنند. برآستی، آنها که بتوانند این فرض ها را رد کنند مخالفت با معجزه ها ندارند."

بعضی ها می گویند رستاخیز فقط یک افسانه ایست که رشد پیدا کرده. این یک تئوری مشهوری بود که در صده اخیر توسط منتقدان که می گفتند انجیل صد یا دویست سال بعد از واقعه نوشته شده به وجود آمد. باستان شناسی پیشرفته این ادعای آنها را خاموش کرده است. در حال حاضر می دانیم که انجیلها را مردان با جرأت نوشته و شهادت رستاخیز برمی گردد به دورانی که این اتفاق رخ داده است، بنابراین زمانی برای توسعه یافتن افسانه نمی ماند. این افسانه

حداقل ۱۶ سال قبل از پولس رسول توسعه یافته بود، پانصد نفر که بیشتر آنها در زمان پولس زنده بودند رستاخیز را دیده بودند.

تئوری دیگر تئوری توهم است. این ظاهر شدن های مسیح را خیلی ساده یک رویا یا توهم فرض می کند که توسط انتظارات مردم در مورد رستاخیز به وجود آمده است. اگر این مساله است، چگونه حساب می کنیم به روی حقیقتی که مریم بیرون مقبره به خاطر مسیح مرده و جسد دزدیده اش گریه می کرد؟ یا چگونه که دو نفر در راه عموآس پریشان و ناراحت بودند به خاطر اینکه کسی که کشته شده بود مسیح آنها بود کسی که آمده بود که اسرائیل را نجات دهد، ولی متقاعد شده بودند که همه چیز از دست رفته است؟ چگونه حساب کنیم بر روی حقیقتی که مسیح در بالا خانه یاران خود را به خاطر کم ایمانی توبیخ کرد؟ نه، آنها منتظر رستاخیز نبودند. در تاریخ توهم و فکر و خیال تا به حال دیده نشده که پانصد نفر از کشورهای مختلف یک تصویر را در یک جا تصور کنند. اگر این فقط یک توهم بود یاران او نباید مقبره را چک می کردند تا مطمئن شوند بدن او آنجا هست یا نه؟ وقتی پطرس در مورد این "توهم" در پنطیکاست بشارت می داد، او با مقبره ۱۰ دقیقه فاصله داشت که در آن روز هزاران نفر ایمان آوردند، و هزاران نفر دیگر شنیدند و باور نکردند. آیا کسی نمی توانست ۱۰ دقیقه راه را طی کند تا ببیند که آیا واقعاً مسیح برخاسته یا نه؟ قطعاً توطئه چینها می توانستند از این فرصت استفاده کنند تا ثابت کنند که این فقط یک توهم بوده است.

در آخر، تئوری بیهوش بودن مسیح. این خیلی جالب است اگر چه، بیش از هزار و هشتصد سال هرگز حتی یک زمزمه هم از دشمنان مسیح در مورد اینکه او زنده بود نشنیده بودیم. بعضی از نویسندگان جدید ایده ای را پرورش داده اند که مسیح روی صلیب غش کرد و فکر کردند که او مرده و سرمای مقبره باعث شد که او بیدار شود و از قبر بیرون آمده و یاران خود را متقاعد می کند که از مردگان برخاسته. آن کشتی حتی به صد کیلومتری جزیره رستاخیز نمی توانست برسد.

به این حقیقت فکر کنید که به پهلوی مسیح نیزه زدند و خون و آب ریخته شد، نشان دهنده آنکه زندگی به پایان رسیده است به خاطر اینکه خون از مواد تشکیل دهنده اش جدا شده بود. این

شهادت را یک افسر رومی که توسط پیلطس فرستاده شده بود را داد که وظیفه او این بود که از مرگ عیسی مسیح اطمینان یافته و آن را گزارش دهد. سپس حقیقت کفن قبر وجود دارد که یهودیان جسد را با کفن پیچاندند و از موم استفاده کردند و کفن را به هم چسبانیدند. پزشکان می گویند اگر مسیح زنده بود برای نفس کشیدن هوا لازم داشت و همچنین در آن سرما برای کسی که بیهوش شده باشد احتمال سنکوب و ایست قلبی وجود دارد.

فرض می کنیم او خودش را از کفن خلاص کرده بود و بدون اینکه کسی را متوجه سازد در را از جای خود غلطانده بود. دستهایی که توسط میخ بزرگ رومیان سوراخ شده بود و همچنین با توجه به اینکه هیچ دستگیره یا جای دستی از داخل قبر برای جابجا کردن در وجود نداشت، باز کردن چنین دری برای خودش یک معجزه است. علاوه بر آن او مجبور بود بر محافظان قبر غلبه کند و ۱۴ مایل به سمت عموآس با پای سوراخ شده به جلیل جایی که از کوه بالا رفت، راه برود و برگردد.

دیوید استراوس منتقد معروف، کسی که اعتقاد به رستاخیز نداشت ولی عقیده ای هم به بیهوش شدن مسیح نداشت گفت: " برای کسی که تازه از قبر بیرون آمده باشد، که نیمه جان، ترسان، ضعیف و مریض حال این کاملاً غیر ممکن است بتواند روی یارانش تاثیر گذار باشد و ادعا کند که بر مرگ و دنیای مردگان غلبه کرده است. "

به عروج مسیح فکر کنیم. او که توانست خود را زنده کند و از مقبره بیرون رود، آیا نمی توانست به آسمان نیز عروج کند؟ این چیزی است که حواریون تصدیق کرده اند. یا آیا ما درگیر حيله آنها شده ایم؟ به یاد بیاوریم که آنها جان خودشان را با مرگهای وحشتناک عوض کرده اند. تمام این ثنوی های مطرح شده سقوط می کند همانطور که تمام شواهد را آزمایش کردیم و هیچ کس تا بحال قادر نشده که اثبات آنها را انکار کند. مقبره خالی پذیرفته شده و مورد قبول همه است نه فقط توسط دوستان بلکه توسط دشمنان مسیحیت نیز. محافظان قبر آن واقعیت را پذیرفتند. کاهن اعظم آن را پذیرفت همانطور که او به سربازان گفت که بگویند یاران او، او را دزدیدند.

ترینو، یکی از اولین و بزرگترین مدافع یهودیان در صحبتی با جاستین مارتر می گوید: "مسیح، جلیلی حيله گر، کسی که ما او را به صلیب کشیدیم، ولی حواریون او را شبانه از مقبره جایی که او خوابیده بود، دزدیدند و حال بشر را توسط ادعا کردن اینکه او از مردگان برخاسته و به بهشت رفته است گول می زنند." در اینجا حتی ترینو قبول میکند که مقبره خالی بوده و یاران او، او را دزدیده اند، تئوری که امروزه کسی باور نمی کند.

حقیقت آخر تجربه مسیحیت است. اینکه خبر مسیح قیام کرده از مردگان، به تمام جهان رفته و انسانیت را به تمام ملتها و زبانها و اقوام زمین رسانده و میلیون ها نفر جمع شدند که او را که از مردگان برخاسته است بشناسند. او به خانه های آنها آمده تا آنها را متحول کند. او کسی است که می گوید: "من کسی هستم که زنده است و مرده بود، به گوش باشید و اینک من برای همیشه زنده هستم ... هر کسی مرا باور دارد و در من زندگی می کند هرگز نمی میرد" (مکاشفه ۱: ۱۸ و یوحنا ۱۱: ۲۶) حتی امروز قلب ما را می کوبد و می گوید: "اینک بر در ایستاده می گویم، هر کس آواز مرا بشنود و در را باز کند به نزد او در خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من" (مکاشفه ۳: ۲۰). ما آمده ایم تا به صورت تجربی در آزمایشگاه روح خودمان او را بشناسیم. ما بدون او هیچ امیدی در این جهان و جهان آینده نداریم. مسیح و خبر رستاخیز او از مردگان تنها امید جهان است. بدون آن هیچ چیز نداریم که برایش تلاش کنیم.

مسیح واقعاً از برخاسته و او هم اکنون زنده است، همانطور که خود او گفت، و او خواستار آمدن و زندگی کردن در قلب ماست و این تنها زمانی صورت می گیرد که ما خواستار این باشیم که از راهها و گناهان و مذاهب سنتی خود توبه کرده و به عیسی اعتماد و ایمان داشته باشیم و دعا کرده، نام او را بخوانیم تا منجی ما شود از مرگ ابدی در دریاچه آتش. او تنها کسی است که برای گناهان ما مرد و دوباره از مردگان برخاست تا ما را عادل کند. آیا از راههار خود توبه کردی و از او خواستی که منجی تو شود؟

سوالات این درس:

۱- آیا ما توسط قوانین و تشریفات مذهبی نجات پیدا می کنیم؟ اگر جواب شما نه است، پس چگونه نجات پیدا می کنیم؟

۲- عیسی مسیح یک مرد کامل است، برای اثبات آن، پنج مورد را با آیه ای برای هر یک بنویسید؟

۳- عیسی مسیح خداست، برای اثبات آن، پنج مورد را با آیه ای برای هر یک بنویسید؟

۴- عیسی مسیح از زن باکره به دنیا آمد. سه مورد را با آیه ای برای هر یک بنویسید؟

۵- پنج مورد از نتایج مرگ خداوند ما عیسی مسیح را با آیه ای برای هر یک بنویسید؟

۶- طبق اول قرنیتان ۱۵: ۳-۸ مسیح بعد از زنده شدن از مرگش به چه کسانی ظاهر شد؟

۷- پنج مورد از نتایج عروج عیسی مسیح به آسمان را با ذکر آیه ای برای هر کدام بنویسید؟

۸- سه دلیل درباره بازگشت دوباره عیسی مسیح را با ذکر آیه ای برای هر کدام بنویسید؟

۹- چرا ما مسیحیان به روز رستاخیز اعتقاد داریم بطور خلاصه شرح دهید؟

۱۰- شش شواهد و حقایق درباره رستاخیز مسیح را نام ببرید؟

آیه های کلیدی این درس: اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۳-۸

درس ۴۹: عطیه زبانها

عطیه زبان ها به انسانها اعطا شد تا :

۱. هشداری باشد برای یهودیان بی ایمان تا توبه کنند به دلیل مجازاتی که در راه بود.
۲. مصداقی باشد برای اثبات کلام عهد جدید با نشانه ای از سوی خداوند (مرقس ۱۶: ۱۷-۲۰).
۳. اثباتی باشد برای حواریون بعنوان رسولان واقعی خداوند.

هشدار برای یهودیان بی ایمان

"در تورات مکتوب است که خداوند می گوید به زبانهای بیگانه و لبهای غیر به این قوم سخن خواهم گفت و با این همه مرا نخواهند شنید. پس زبانها نشانی است نه برای ایمانداران بلکه برای بی ایمانان؛ اما نبوت برای بی ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است" (اول قرنثیان ۱۴: ۲۱-۲۲)

در سال ۷۱۲ قبل از میلاد اشعیای نبی به زبان ساده عبری یهودیان را به توبه از راههای گناه آلودشان دعوت کرد اما آنان پیام وی را به زبان عبری نپذیرفتند و بنابراین خداوند اعلام کرد که با آنان به زبان های دیگر سخن خواهند گفت مانند زبان آشوری تا ببیند که آیا آنها توبه خواهند کرد یا خیر. پولس این موضوع را در اول قرنثیان نقل میکند تا به این نکته اذعان کند که علت پدید آمدن عطیه زبان ها در قرن اول تثبیت و اعتبار دادن به پیام جدید عیسی مسیح خطاب به یهودیان گناه کار بود تا بلکه از گناهان خویش توبه کنند.

این موضوع در موارد ذیل مشهود هست :

۱. یهودیانی که در روز پنطیکاست از ۱۶ منطقه جغرافیایی مختلف دنیای باستان به اورشلیم آمده بودند هر یک به زبان و گویش مخصوص خویش تکلم می کردند و هر گروه از آنان پیام خداوند را که توسط رسولان به آنها ابلاغ شد به زبان و گویش خود دریافت کرده و فهمیدند. این پیام به آنان ثابت کرد که در

مصلوب کردن مسیح گناه کار بودند و بیش از سه هزار تن از آنان توبه راستین انجام دادند (اعمال رسولان ۲).

۲. عطیه زبان ها به اهل بیت کورنلیوس برای آن بود که مسیحیان یهودی تبار را نسبت به نجات امتهات توسط خداوند مطمئن سازد. در آن زمان امتهات به مسیح ایمان داشتند اما نسبت به نجات خویش توسط خداوند اعتقادی نداشتند زیرا که خداوند تا آن زمان تنها ناجی یهودیان بود.

۳. عطیه زبان ها در کلیسای قرن تس نشانه ای برای یهودیانی بود که به عیسی مسیح ایمان نیاورده بودند.

ا. کلیسای قرن تس از نزدیک زیر نظر یهودیان بود چرا که پولس آنجا را از کنیسه یهودیان به کلیسا تبدیل کرده بود (اعمال ۱۸: ۱-۵)

ب. یهودیان بی ایمان پولس را از کنیسه بیرون راندند و رهروان مبلغ پولس در صدد دعوت دیگر امت ها بر آمدند و به کلیسای جدیدی در خانه یوستس نقل مکان کردند که دیوار به دیوار یک کنیسه یهودی بود (اعمال ۱۸: ۷) یهودیان بی ایمان با دقت فعالیت های آنان را زیر نظر داشتند چرا که در فاصله نزدیکی از آنها برگزار می شد.

ج. به زودی کرسپس سرپرست کنیسه یهودی و تمام پیروان وی به مسیح ایمان آوردند (اعمال ۱۸: ۸)

د. سوستانیس بعنوان سرپرست جدید کنیسه یهودیان انتخاب شد اما او نیز به زودی به عیسی مسیح ایمان آورد چرا که پولس در اول قرن تیان ۱: ۱ می نویسد "سوستانیس برادرما" پس کلیسای قرن تیان در یک کنیسه یهودی پایه گذاری شد، در ساختمان کنار آن به کار خویش ادامه داد و دو تن از روسای کنیسه از پیروان و اعضاء آن بودند! بنابراین کاملاً طبیعی بود که جامعه یهودیان بی ایمان قرن تس از نزدیک فعالیت آنان را دنبال کنند. خداوند عطیه زبان ها را در همین زمان اعطا کرد تا نشانه ای برای یهودیان باشد که ایمان نمی آوردند تا بدانند که بشارت مسیح خطاب به یهودیان فرستاده شده است. عطیه زبان ها هرگز بعنوان نشانه برای

غیر یهودیان به کار نرفته است. چرا که غیر یهودیان هیچ مانع و باور دینی مانند شریعت یهودیت نداشتند تا مجبور باشند برای ایمان به مسیح و بشارت وی از آن دست بکشند.

۴. عطیه زبان ها بعنوان هشدار به یهودیان در عهد عتیق را می توان در موارد ذیل یافت :

- ا. خداوند پیامی برای مردم دارد.
- ب. مردم از گوش دادن به فرمان خدا سر باز می زنند .
- ج. خداوند از زبانها بعنوان نشانه ای از داوری استفاده می کند تا مردم بشنوند.
- د. پس از آن پراکندگی و تفرقه اتفاق می افتد.

اتفاق اول : در زمان ساخت برج بابل (پیدایش ۱۱)

اولین بار در پیدایش ۱۱: ۱ پدیده زبانهای بیگانه اشاره شده است. " و تمام جهان را یک زبان و یک لغت بود."

۱. خداوند پیامی برای انسانها دارد . پس از سیل نوح خداوند به انسان گفت "بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید" (پیدایش ۹: ۱)

۲. مردمان از فرمان خدا سرپیچی کردند و برج بزرگی ساختند تا مبدا در زمین پراکنده شوند. (پیدایش ۱۱: ۴) و گفتند: "بیایید شهری برای خود بنا نهیم، و برجی را که سرش به آسمان برسد، تا نامی برای خویشتن پیدا کنیم، مبدا بر روی تمام زمین پراکنده شویم."

۳. خداوند زبانهای آنها را تغییر داده و زبانهای مختلف در میان آنها قرار داد تا نشانه ای بر خشم و داوری وی باشد (پیدایش ۱۱: ۷) " اکنون نازل شویم و زبان ایشان را در آنجا مشوش سازیم تا سخن یکدیگر را نفهمند"

۴. پراکندگی و تفرقه اتفاق افتاد (پیدایش ۱۱: ۸) "پس خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده ساخت و از بنای شهر باز ماندند"

اتفاق دوم: اسرائیل عصیانگر در زمان موسی (تثنیه ۲۸)

خداوند وعده داد که اگر اسرائیل از شریعت خداوند اطاعت کند آنان را برکت دهد و اگر از شریعت سرپیچی کنند آنان را گرفتار لعنت خداوند سازد.

۱. خداوند پیامی برای مردمان دارد. (تثنیه ۲۸: ۱) "و اگر آواز یهوه خدای خود را به دقت بشنوی تا هوشیار شده، تمامی اوامر او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم بجا آوری، آنگاه یهوه خدایت تو را بر جمیع امت‌های جهان بلند خواهد گردانید."

۲. مردمان از گوش دادن به پیام خداوند سر باز می‌زنند. (تثنیه ۲۸: ۱۵) "و اما اگر آواز یهوه خدای خود را نشنوی تا هوشیار شده، همه اوامر و فرایض او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم بجا آوری، آنگاه جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید، و تو را خواهد دریافت."

۳. خداوند زبانها را بعنوان نشانه‌ای از خشم خویش قرارداد. یکی از بلاهای خداوند که به اسرائیل وعده داده شده بود تصرف اسرائیل توسط مردمانی بود که به زبانهای بیگانه تکلم می‌کردند. (تثنیه ۲۸: ۴۹)

۴. پراکندگی و تفرقه اتفاق افتاد (تثنیه ۲۸: ۶۴ - ۶۵). این اتفاقات در ۷۲۱ قبل از میلاد در اسرائیل، ۶۰۶ قبل از میلاد در یهودا و ۷۰ بعد از میلاد در اسرائیل رخ داد.

اتفاق سوم: در ۷۲۱ قبل از میلاد هنگامیکه آشوریان به اسرائیل حمله کرده و به زبانهای بیگانه حرف زدند. اشعیا ۲۸

آنگاه که پولس در اول قرن نهم ۱۴: ۲۱-۲۲ هدف از عطیه زبانها را توضیح می‌دهد به اشعیا ۲۸: ۱۱ اشاره میکند که زبانها به نشانه خشم خداوند نسبت به اسرائیلی‌ها که ایمان نمی‌آوردند فرستاده شد. "اما نخواستند که بشنوند" (اشعیا ۲۸: ۱۲)

در اشعیا ۲۸: ۹ بنی اسرائیل اظهار می‌کردند که تعالیم اشعیا نه متناسب با آگاهی و سواد آنان بلکه مناسب کودکان شیرخواره است. آنان پیام خداوند از سوی پیامبران و روش تعالیم آنها را

نپذیرفتند. خداوند این نا فرمانی آنان را به روش خود ایشان پاسخ داد (اشعیا ۲۸: ۹-۱۰) وعده تصرف سرزمین آنان با زبانهای بیگانه را در اشعیا ۲۸: ۱۱ اعلام داشت " زیرا که با لبهای الکن و زبان غریب با این قوم تکلم خواهد نمود."

خداوند اولین بار توسط زبان ساده و گویای اشعیا با آنان سخن گفت که آنها نپذیرفتند و به آن اهمیت ندادند. اکنون خداوند با آنان توسط امت دیگر و زبانی بیگانه سخن خواهد گفت. زبان آشوری بسیار ابتدائی تر از زبان عبری بود و تنها سه حرف صدا دار آ، ای، یو داشت. اسرائیلیان با زبان آشوری هنگامیکه آشوریان بسیاری از شهرهای آنان را ویران کردند آشنا شدند (۷۱۰ - ۷۲۰ قبل از میلاد). به سیر اتفاقات پیشین در این مکان توجه کنید:

۱. خداوند پیامی برای مردمان داشت (اشعیا ۲۸: ۱ و ۱۲)

۲. مردمان از گوش دادن به فرامین خداوند سر باز زدند (اشعیا ۲۸: ۱۲)

۳. خداوند زبانها را به عنوان نشانه ای از قضاوت و خشم خویش قرار داد (اشعیا ۲۸: ۱۱)

۴. پراکندگی و تفرقه اتفاق افتاد. (اشعیا ۲۸: ۱۳)

توجه داشته باشید که برای بنی اسرائیل زبانها نشانه ای از خشم و نفرین خداوند به آنان بود و بالعکس عدم وجود هر زبانی به جز زبان عبری نشانه ای از رضایت خداوند از قوم اسرائیل تلقی می شد. خداوند در دوره هزاره چنین وعده ای به اسرائیل داده است. اشعیا ۳۳: ۱۹ "قوم ستم پیشه و قوم دشوار لغت را که نمی توانی شنید و الکن زبان را که نمی توانی فهمید بار دیگر نخواهی دید."

اتفاق چهارم: در ۶۰۶ قبل از میلاد هنگامیکه بابلیان به یهودا حمله کرده و به

زبانهای بیگانه حرف زدند. (ارمیا باب ۳ تا ۵)

۱. خداوند پیامی برای مردمان داشت (ارمیا ۳: ۲۲)

۲. مردمان از گوش دادن به فرامین خداوند سر باز زدند (ارمیا ۵: ۳)

۳. خداوند زبانها را به عنوان نشانه ای از قضاوت و خشم خویش قرار داد. اگر اسرائیل به هشدارهای ارمیا گوش فرا نمی داد، خدا با زبانهای بیگانه و شمشیرهای امتها با آنها سخن می گفت (ارمیا ۵: ۱۵)

۴. پراکندگی و تفرقه اتفاق افتاد (ارمیا ۵: ۱۹)

اتفاق پنجم: نازل شدن زبانها به اسرائیل در عهد جدید (۳۳ - ۷۰ بعد از میلاد)

اسرائیلیان از تجربه پیشین خود از زبانها که با حمله آشوریان و بابلیان در سالهای ۶۰۶ و ۷۲۱ پیش از میلاد همراه بود درس نگرفتند. بنابراین خداوند دوباره به آنان از طریق عطیه زبانها در مسیحیان هشدار داد (۷۰-۳۳ بعد از میلاد) تا بلکه توبه کنند و ایمان بیاورند. این واقعه با ویرانی اورشلیم توسط تیطوس ژنرال رومی در سال ۷۰ بعد از میلاد رخ داد. به سیر اتفاقات در این واقعه توجه کنید:

۱. خداوند پیامی برای مردمان داشت: (متی ۱۱: ۲۸ و اعمال رسولان ۲: ۱۱ و ۳۸ و ۳۹)

۲. مردمان از توجه به پیام خداوند سرباز می زنند (متی ۲۳: ۳۷)

۳. خداوند زبانها را نشانه ای از خشم خویش و داوری خود قرار داد.

• مسیح به یهودیان هشدار داد که مجازات و داوری خدا در راه است. (متی ۲۳: ۳۸ و ۲۴: ۲)

• خداوند زبانها را نشانه ای از خشم خود برای جامعه بی ایمانان یهودی قرار داد (اعمال رسولان ۲ و ۱۰ و ۱۹) و (اول قرنتینیان ۱۲-۱۴). هنگامیکه خداوند مسیحیان قرن تس را وادار کرد که به زبانها سخن گویند، یهودیان پیام خداوند را دریافت کردند. زبانها نشانه ای بود برای یهودیان بی ایمانی که مسیح را رد کردند. " پس زبانها نشانی است نه برای ایمانداران (مسیحیان) بلکه برای بی ایمانان (یهودیان)؛ اَمَّا نُبُوْتْ برای بی ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است " (اول قرنتیان ۱۴: ۲۱-۲۲).

۴. پراکندگی و تفرقه اتفاق افتاد: عیسی مسیح به درستی این واقعه را در لوقا ۲۱: ۲۰-۲۴ پیش بینی کرده بود. "آنگاه هرکه در یهودیه باشد، به کوهستان فرار کند و هرکه در شهر باشد، بیرون رود و هرکه در صحرا بود، داخل شهر نشود. زیرا که همان است ایام انتقام، تا آنچه مکتوب است تمام شود. لیکن وای بر آبستنان و شیردهندگان در آن ایام، زیرا تنگی سخت بر روی زمین و غضب بر این قوم حادث خواهد شد. و به دم شمشیر خواهند افتاد و در میان جمیع امتها به اسیری خواهند رفت و اورشلیم پایمال امتها خواهد شد تا زمانهای امتها به انجام رسد." این اتفاقات در سال ۷۰ بعد از میلاد مسیح روی داد در حالی که تیطوس ژنرال رومی اورشلیم را ویران کرد و یک میلیون یهودی را کشت و ۱۰۰۰۰۰ نفر را به اسارت گرفت.

سوال: چه زمانی عطیه زبانها متوقف شد؟

پاسخ: اگر زبانها به راستی به نشانه خشم و نفرین خداوند از قوم اسرائیل بود و نشانه بلا، پس بعد از نازل شدن بلا در سال ۷۰ بعد از میلاد متوقف شد. آخرین واقعه تاریخی در رابطه با این پدیده در اول قرن‌تین در سال ۵۹ بعد از میلاد ذکر شده است. عطیه زبانها وظیفه و اهداف خویش را به پایان رساند و همانگونه که خداوند در اول قرن‌تین ۱۳: ۸ می فرماید متوقف شد. "محبت هرگز ساقط نمی شود و اما اگر نبوتها باشد، نیست خواهد شد و اگر زبانها، انتها خواهد پذیرفت و اگر علم، زایل خواهد گردید."

۲- نشانه ها اثباتی بود برای حقیقت کلام خدا (موقس ۱۶: ۱۷-۲۰)

و این نشانه ها برای رسولان مسیح فرستاده شد که ایماندار بودند:

- نشانه ۱: به نام من دیوها را بیرون کنند.
- نشانه ۲: و به زبانهای تازه حرف زنند.
- نشانه ۳: و مارها را بردارند.
- نشانه ۴: و اگر زهر قاتلی بخورند ضرری بدیشان نرساند.

• نشانه ۵: و هرگاه دستها بر مریضان گذارند شفا خواهند یافت.

"و ایشان (رسولان) بیرون رفته، در هر جا موعظه می کردند و خداوند با ایشان کار می کرد و به آیاتی که همراه ایشان می بود، کلام را ثابت می گردانیدند." (مرقس ۱۶: ۲۰)

از آنجایی که عهد جدید کتاب جدیدی بود می بایست صحت آسمانی بودن و از طرف خداوند بودن آن توسط مردم تأیید و اثبات گردد. به همین دلیل نشانه هایی به رسولان اعطاء گردید که یکی از آنها عطیه زبانها بود. اگر ۵ نشانه بالا در طول زندگانی یکی از رسولان اتفاق می افتاد آنگاه مرقس ۱۶: ۱۷-۲۰ به درستی به وقوع پیوسته است. اما این آیات نمی گویند که این نشانه همیشه و برای تمام مومنان اتفاق خواهد افتاد. آیه ۲۰ به ما می گوید که خداوند به وعده خود در آیات ۱۷ و ۱۸ عمل کرده است. فرقه کریزماتیک عقیده دارند که آیات ۱۷ و ۱۸ به این معناست که تمامی مومنان دارای عطیه زبانها و تمامی این پنج نشانه هستند. اما این باور اشتباه است چرا که:

۱. اول قرنیان ۱۲: ۳۰ می پرسد "آیا همه به زبانها سخن می گویند؟" و این یک استفهام انکاری است و پاسخ آن نه است.

۲. دوم قرنیان ۱۲: ۱۲ "بدرستی که علامات رسول در میان شما با کمال صبر از آیات و معجزات و قوات پدید گشت." این نشانه ها فقط از آن رسولان بود و نه تمامی مسیحیان. توجه کنید که فعل استفاده شده در این آیه به زمان گذشته است که خود مصداقی بر تمامیت عطیه زبانها و دیگر نشانه ها دارد.

۳. اعمال رسولان ۲: ۴۳ "و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می گشت."

۴. اعمال رسولان (۴: ۳۳) "و رسولان به قوت عظیم به قیامت عیسی خداوند شهادت می دادند و فیضی عظیم برهمگی ایشان بود." سوال: چه کسانی قدرت آن را دارند که بر برخاستن مسیح از مرگ شهادت دهند؟ فقط رسولان و نه تمامی مسیحیان زیرا که فقط رسولان شاهد عینی قیامت عیسی مسیح بودند.

۵. اعمال رسولان ۵: ۱۲-۱۶ "و آیات و معجزات عظیمه از دستهای رسولان در میان قوم به ظهور می رسید و همه به یکدل در رواق سلیمان می بودند. اما احدی از دیگران جرات نمی کرد که بدیشان ملحق شود، لیکن خلق، ایشان را محترم می داشتند. و بیشتر ایمانداران به خداوند متحد می شدند، انبوهی از مردان و زنان، بقسمی که مریضان را در کوچه ها بیرون آوردند و بر بسترها و تختها خوابانیدند تا وقتی که پطرس آید، اقلا سایه او بر بعضی از ایشان بیفتد. و گروهی از بلدان اطراف اورشلیم، بیماران و رنج دیدگان ارواح پلیده را آورده، جمع شدند و جمیع ایشان شفا یافتند."

توجه کنید :

الف) نشانه ها و معجزات فقط توسط رسولان انجام می گرفت نه از طریق همه ایمانداران (آیه ۱۲)

ب) ایمانداران بیماران را نزد پطرس و یوحنا می آوردند تا آنها را شفا دهند چرا که خود ایمانداران توانایی شفا بخشیدن نداشتند.

پ) همه مریضان شفا یافتند، امروز هیچ کس این کار را نمی تواند انجام دهد. پیروان کلیسای کاریزماتیک به اشتباه ادعا می کنند که امروز هم ایمانداران عطیه شفا بخشیدن را دارند.

از آنجاییکه عطیه شفابخشی رسولان پایان یافته چهار نشانه دیگر نیز که شامل عطیه زبانها می شود پایان یافتند.

۶. اعمال رسولان ۱۴: ۳ "و او آیات و معجزات عطا می کرد که از دست ایشان (پولس و برنابا) ظاهر شود."

۷. اعمال رسولان ۱۵: ۱۲ "پس تمام جماعت ساکت شده، به برنابا و پولس گوش گرفتند چون

آیات و معجزات را بیان می کردند که خدا در میان امتها به وساطت ایشان ظاهر ساخته بود"

۸. اعمال رسولان ۱۹: ۱۱ "و خداوند از دست پولس معجزات غیر معتاد به ظهور می رسانید،"

۹. رومیان ۱۵: ۱۹ "به قوت آیات و معجزات و به قوت روح خدا. بحدی که از اورشلیم دور زده تا به الیرکون بشارت مسیح را تکمیل نمودم."

۱۰. عبرانیان ۲: ۳-۴ "پس ما چگونه رستگار گردیم اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛ درحالتی که خدا نیز با ایشان شهادت می داد به آیات و معجزات و انواع قوات و عطایای روح القدس برحسب اراده خود." این آیه ها اشاره می کنند که نشانه ها، آیات و معجزات و برخی عطایای روح القدس فقط به رسولان محدود می شده است (آنها که عیسی را شنیدند و دیدند) و برای بقیه جمعیت مسیحیان دست یافتنی نبوده است.

پس ما چگونه رستگار گردیم، اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که:

(الف) "در ابتدا تکلم به آن از خداوند (مسیح) بود."

(ب) "و بعد کسانی که (رسولان) شنیدند (از عیسی مسیح)، بر ما ثابت گردانیدند؛"

"درحالتی که خدا نیز با ایشان شهادت می داد به آیات و معجزات و انواع قوات و عطایای روح القدس برحسب اراده خود."

توجه کنید که این در آیه ۴: خداوند رسولان را توسط نشانه ها، عجایب، معجزات و عطایا شاهد خود قرار داد. خداوند کسی از نسل آینده مسیحیان را توسط نشانه ها و غیره شاهد خود برای مسیحیان قرار نداد به جز رسولان.

آیه ۳: رسولان پیام رستگاری مسیح را برای نسل آینده تصدیق کردند چرا که طی سه سال خدمت مسیح شنونده او بودند. نسل آینده هیچ گاه از طریق نشانه ها و غیره پیام مسیح را تصدیق ننمودند.

سوال: خداوند چه موقع رسولان را توسط نشانه ها و آیات، شاهد خود قرار

داد؟ پاسخ: در ابتدا، نه همیشه.

همگی افعال یونانی به کار برده شده در عبرانیان ۲: ۳-۴ نوعی از زمان گذشته (aorist) هستند که از کامل شدن فعل در زمان گذشته و تکرار نشدن آن در آینده حکایت دارند.

پطرس به این نشانه ها، معجزات و زبانهای محدود به دوره ابتدایی در اعمال رسولان ۱۱: ۱۵ اشاره می کند آنجایی که عطیه زبانها در خانه کرنیلیوس را نه یک اتفاق معمول و روزمره بلکه مشابه عطیه زبانی که آخرین بار در روز پنطیکاست رخ داد، توصیف می کند "و چون شروع به سخن گفتن کردم، روح القدس برایشان نازل شد، همچنانکه نخست بر ما" چه وقت؟ "نخست". پس نشانه ها برای زمانی در جریان بودند نه اینکه برای همه مسیحیان در همه اوقات.

۱۱. عبرانیان ۶: ۵ "و لذت کلام نیکوی خدا و قوات عالم آینده را چشیدند،"

این معجزات رسولان قوات عالم آینده توصیف شده اند به معنی فرمانروایی مسیح در دوره هزاره و نه عصر کلیسای حاضر بنابراین بسیاری از نشانه ها، عجایب و معجزات که در قرن اول روی دادند در دوره هزاره وقایع روزمره خواهند بود اما نه تا آن زمان.

۱۲. اعمال رسولان ۲۸: ۸-۹ "از قضا پدر پوبلیوس را رنج تب و اسهال عارض شده، خفته بود. پس پولس نزد وی آمده و دعا کرده و دست بر او گذارده، او را شفا داد. و چون این امر واقع شد، سایر مریضانی که در جزیره بودند آمده، شفا یافتند."

۳- نشانه ها اثباتی بود برای رسولان به عنوان شاهدان حقیقی عیسی مسیح.

عبرانیان ۲: ۳-۴ "که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛" بنابراین زبانها، نشانه ها و معجزات مرجعیت رسولان را معتبر می ساخت. خداوند همین کار را نیز برای موسی، ایلی و الیشع نبی و مسیح و غیره انجام داد تا معجزاتشان تصدیق کند که از جانب خداوند فرستاده شده اند (مسیح خداست).

هنگامیکه عیسی مسیح به رسولان فرمان داد تا جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید (مرقس ۱۶: ۱۵) میدانست که رسولان می بایست به غیر یهودیان نیز موعظه کنند. این امر سبب می شد که یهودیان با آن بطور نژاد پرستانه مخالفت کنند. از این رو مسیح عطایا و معجزاتی به آنان بخشید تا در هنگام موعظه انجیل به عنوان پیامی از جانب خداوند اعتبار بخشد. این عطیه زبانها آنگونه در خانه کرنلیوس دیده شد که مجمع یهودیان اورشلیم را قانع نمود که انجیل برای غیر یهودیان نیز فرستاده شد. اعمال رسولان ۱۱: ۱۵-۱۸.

۴- اولین نویسندگان کلیسا از ابتدا تا ۳۲۰ میلادی اذعان کردند که زبانها در قرن اول منسوخ و متوقف گردید.

یک روش خوب برای دانستن هر تعلیم یا حقیقتی، رجوع به نویسندگان مسیحی ابتدای دوران کلیساست که شخصا توسط رسولان تعلیم یافته بودند. نظرات آنها بازتاب دهنده سنت های کلیسا در سال های آغازین آن است.

مستندات فراوانی در تاریخ موجود است که زبانها در قرن اول منسوخ گردید.

۱. در هیچ یک از نوشته های پولس نمی توان چیزی در مورد زبانها یافت به غیر

از اول قرنیان که از اولین نگارش های اوست. رومیان که به مطالعه کامل تعالیم مهم مسیحیت می پردازد هیچ اشاره ای به زبانها نمی کند. افسسیان ۴-۶ هنگامیکه زندگی مسیحی به طریق شاسیته را توصیف می کند هرگز از زبانها صحبت نمی کند.

وقتی پولس در تیموتائوس ۱ و اول تیموتائوس ۳ از صفات و شرایط کشیش بودن و خادمین کلیسا صحبت می کند هرگز به زبانها به عنوان عطیه ای الزامی اشاره نمی کند. زبانها فقط در مرقس ۱۶ (۳۳ میلادی). اعمال رسولان ۲ و ۱۰ و ۱۹ (به ترتیب ۳۳ و ۴۱ و ۵۴ میلادی) و اول قرنیان)

۵۹ میلادی) با لحنی ملامت آیند، اصلاح کننده و محدود شده اشاره شده او، از این پدیده تمجید نمی کند بلکه استفاده نادرست از آن را کاهش می دهد.

۲. **کریسوستم (Chrysostem)** واعظی بود که از ۳۴۷ تا ۴۰۷ میلادی می زیست. آنچه از زبانها در اول قرن‌تین اشاره شده، او اینگونه تشریح نموده: "این موضوع بسیار مهم است و ابهام آن از آنجا سرچشمه می گیرد که از بسیاری حقایق چشم می پوشیم و خود این موضوع نیز منسوخ گشته چیزی که قبلاً اتفاق می افتاده اما اکنون دیگر به پایان رسیده." (HOMILIES, XX1X,1)

۳. **آگوستین (Augustine)** حدود ۴۱۰ میلادی اظهار کرد که زبانها نشانه ای بوده که مطلقاً به زمان کتاب مقدس محدود می شود.

۴. **کلمنت رومی (Clement of Rome)** در سال ۹۶ میلادی به کلیسای قرن‌تس نامه ای نوشت و خواهان اصلاح همان مشکلاتی شد که پولس به آنها اشاره و اصلاح کرده بود کلمنت به تمام مشکلات اشاره کرده بود به جز زبانها چرا؟ چون زبانها در آن زمان از قبل منسوخ شده بود.

۵. **اوریگن ORIGEN (۲۵۴-۱۸۵ میلادی)** با داشتن نگارش های مفصل و فراوان هیچ اشاره ای به این موضوع نکرد که زبانها و سایر عطایا و نشانه ها در زمره اتفاقات معمول هم زمان با او باشند.

۶. **دیگر نویسندگان** همچون ایگناتیوس اهل انطاکیه که نامه هایی به افسسیان نوشت، جاستین مارتیر (۱۰۰-۱۶۷ میلادی) و آیرینیوس (۱۹۵-۱۳۰ میلادی) اسقف لینوس هرگز به زبانها اشاره ای نکردند.

۷. **ترتولیان Tertollion (۲۰۲-۱۵۵ میلادی)** این موضوع را پدیده ای همزمان با رسولان می نامد و نه پدیده ای همزمان با خود.

۸. **مونتانوس Montanus** (۱۵۰ میلادی) که به دلیل اتفاق نیفتادن پیشگویی هایش پیامبری دروغین شناخته شد، ادعا میکرد که از نسل رسولان است و می تواند به زبانها تکلم کند پلی کارپ (POLYCARP) و پاپیاس (PAPIAS) که از شاگردان یوحنا رسول بودند مونتانوس را پیامبری دروغین خطاب کردند.

۹. جدول صفحه بعد نشان میدهد که در کتاب اعمال رسولان، فقط زمانی که یهودیان حضور داشتند به زبانها سخن گفته می شد.

افسس اعمال ۱۹	قرنتس اعمال ۱۸	قیصریه اعمال ۱۰	سامره اعمال ۸	اورشلیم اعمال ۲
زبانها بود یهودیان بودند	زبانها بود یهودیان بودند	زبانها بود یهودیان بودند	زبانها نبود یهودیان نبودند	زبانها بود یهودیان بودند
یهودیان بسیاری که در افسس زندگی می کردند لازم بود تا زبانها را به عنوان نشانه ای از داوری بشنوند	یهودیان بسیاری که در قرنتس زندگی می کردند لازم بود تا زبانها را به عنوان نشانه ای از داوری بشنوند .	پطرس و ۶ مسیحی یهودی تبار باور نداشتند که غیر یهودیان نیز می توانند نجات یابند .	هیچ یهودی نمی توانست در سامره زندگی کند چرا که همه آنها از آنجا متنفر بودند.	۳۰۰۰ یهودی بی ایمان در اورشلیم نیاز داشتند تا زبانها را به عنوان نشانه ای از داوری بشنوند .
۱- شاگردان یوحنا ایمان آوردند. ۲- غسل تعمید گرفتند		۱- کرنیلیوس ایمان آورد. ۲- از روح القدس پر شد .	۱- سامریان ایمان آوردند. ۲- غسل تعمید گرفتند.	۱- رسولان به زبانها صحبت کردند. ۲-۳۰۰۰ نفر

۳- پولس دست بر آنها نهاد	۳- به زبانها سخن گفت.	۳- پطرس و یوحنا دست بر آنها گذاردند.	نجات یافتند.
۴- روح القدس به آنها نازل شد	۴- غسل تعمید گرفت.	۴- روح القدس را دریافت نمودند.	۳- ۳۰۰۰ نفر غسل تعمید گرفتند.
۵- به زبانها سخن گفتند.	نکته: آنها به زبانها سخن گفتند تا مسیحیان یهودی تبار را متقاعد کنند که غیر یهودیان هم میتوانند نجات یابند و خداوند دیگر فقط از طریق یهودیان کار نمی کند.	نکته: سامریان به زبانها سخن نگفتند. سامریان دست نگذازد زیرا فقط رسولان می توانستند با گذاشتن دست، روح القدس را انتقال دهند.	توجه: ۳۰۰۰ نفر به زبانها سخن نگفتند.

سوال هایی که با پرسیدن از کلیساهای کازیماتیک می توان ثابت کرد که کتاب مقدس زبانها را رد می کند.

سوال ۱: آیا شما اولین بار به زبانها سخن گفتید چون کسی از شما خواست، یا اینکه زبانها بدون آنکه شما خواسته باشد بر شما جاری شد و بدون اینکه کسی به شما آنرا توصیه کرده باشد همانگونه که در عهد جدید انجام شد؟

سوال ۲: زمانی که به شما گفته شد به زبانها سخن بگویید آیا گفتید نه، صبر کنید تا ابتدا کامل و عمیق معنی هر آیه را در عهد جدید مطالعه کنم؟

سوال ۳: آیا شما زبانها را برای هشدار دادن به یهودیان برای توبه کردن به کار می برید؟

سوال ۴: آیا همیشه زبانهای دعا شده را اجازه می دهید که به درستی ترجمه شود؟ اول قرنیتان ۱۴: ۱۳ "بنابر این کسیکه به زبانی سخن میگوید، دعا بکند تا ترجمه نماید."

سوال ۵: آیا به زبانها سخن می گوئید که خود را بنا کنید یا کلیسا را؟ اول قرنیتان ۱۴: ۱۲ "همچنین شما نیز چونکه غیور عطایای روحانی هستید بطلید اینکه برای بنای کلیسا افزوده شوید." سوال ۶: آیا بانوان در کلیسای شما به زبانها صحبت می کنند؟ اول قرنیتان ۱۴: ۳۴-۳۵ "و زنان شما در کلیساها خاموش باشند زیرا که ایشان را حرف زدن جایز نیست بلکه اطاعت نمودن، چنانکه تورات نیز میگوید. اما اگر می خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران خود پرسند، چون زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است."

سوال ۷: آیا دو یا حداکثر ۳ نفر در جلسات شما به زبانها سخن می گویند؟ اول قرنیتان ۱۴: ۲۷ "اگر کسی به زبانی سخن گوید، دو دو یا نهایت سه سه باشند، به ترتیب و کسی ترجمه کند." سوال ۸: آیا کسانی که به زبانها صحبت می کنند، به نوبت و پس از اینکه هر یک کاملاً ترجمه شدند سخن می گویند و یا یک باره با هم؟

سوال ۹: کدام روح عطیه زبان را به شما داد؟ اگر فکر می کنید که روح القدس بوده آیا می توانید آنرا ثابت کنید؟ چگونه؟

سوال ۱۰: آیا زبان خود را زمانی دریافت کردید که کسی به شما گفت راحت و منفعل باشید ذهن خود را خالی کنید و اجازه دهید هر چه هست بیرون آید؟

سوال ۱۱: آیا با جهد و کوشش با هر آنچه امکان داشت شیطان برای شما بفرستد مقابله کردید؟ آیا دعا کردید تا زمانی که مردم شما را به چالش می کشند که به زبانها صحبت کنید خداوند شما را از آنچه از او نیست محافظت کند؟

سوال ۱۲: آیا زبان شما را از کنترل خویش خارج می کند و آیا آن زمان راز گاهان و دعا کردن شما را مختل می کند؟

سوال ۱۳: از طریق زبان چه چیزی را بیشتر درباره خداوند می آموزید؟

سوال ۱۴: آیا افراد در کلیسای شما وقتی مترجم حاضر نباشد به زبانها سخن گفتن خود را خاتمه می دهند؟

اول قرنیتیان ۱۴: ۲۸ "اما اگر مترجمی نباشد، در کلیسا خاموش باشد و با خود و با خدا سخن گوید."

سوال ۱۵: آیا می توانید یک نمونه در کتاب مقدس پیدا کنید که یک خانم به زبانها صحبت کرده باشد؟

سوال ۱۶: اول قرنیتیان ۱۳: ۱۱ در خصوص زبانها، نبوت و علم چه می گوید؟ "زمانی که طفل بودم، چون طفل حرف می زدم و چون طفل فکر می کردم و مانند طفل تعقل می نمودم. اما چون مرد شدم، کارهای طفلانه را ترک کردم."

سوال ۱۷: زبانها برای چه کسانی است و برای چه کسانی نیست؟ اول قرنیتیان ۱۴: ۲۲ "پس زبانها نشانی است نه برای ایمان داران بلکه برای بی ایمانان؛ اما نبوت برای بی ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است."

سوال ۱۸: چرا در اعمال رسولان ۸ در سامره به زبانها سخن گفته نشد؟

سوال ۱۹: چرا فیلیپس دست خود را بر سامریان نهاد تا آنها روح القدس را دریافت کنند؟

سوال ۲۰: چرا پطرس و یوحنا با دست نهادن می توانستند روح القدس را انتقال دهند اما فیلیپس نمی توانست؟

سوال ۲۱: آیا فیلیپس یک مسیحی بدی بود؟ (خیر این عطیه فقط مخصوص رسولان بود)

سوال ۲۲: برخی از کاریزماتیک ها ادعا می کنند که یوئیل ۲: ۲۸-۳۲ می آموزد که زبانها در زمان حال نشانه ای است از ظهور دوم عیسی مسیح.

کتاب مقدس در اینباره چه می گوید؟ جواب: "بعد از آن روح خود را بر همه بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رویاها خواهند دید. در این آیه "بعد از آن" اشاره ای است بعد از آمدن ثانویه عیسی مسیح. زمینه ای که موارد فوق

در یوئیل مطرح شده به ما اجازه نمی دهد که ریخته شدن روح به بشریت را به اتفاقات قبل از ظهور دوم مسیح نسبت دهیم.

این اصل سبب رد کردن تفکری می شود که زبانها امروز نشانه ای از ظهور دوم مسیح است.

نتیجه گیری : عطیه زبانها دیگر وجود ندارد همانطوریکه در سال ۷۰ میلادی متوقف شد.

سوالات این درس:

۱- عطیه زبانها به چه دلایلی به انسانها داده شد؟

۲- اول قرنهای ۱۴: ۲۱-۲۲ را بنویسید؟

۳- عطیه زبانها بعنوان هشداری به یهودیان در عهد عتیق را می توان در کدام چهار مورد می توان یافت؟

۴- پنج رویدادی که زبانها در طول تاریخ در کتاب مقدس آمده است را بنویسید؟

۵- چه زمانی عطیه زبانها متوقف شد؟

۶- در دوم قرن‌تیاں ۱۲:۱۲ آیات، معجزات و نشانه‌ها علامات چه کسانی هستند؟

۷- در مرقس ۱۶: ۱۸-۲۰ چرا خداوند معجزات و آیات را به رسولان خود داد؟

۸- نظر اولین نویسندگان کلیسا از ابتدا تا ۳۲۰ میلادی درباره زبانها چه بود؟ اسم پنج نویسنده را نام ببرید؟

۹- پنج سوال به دلخواه خود بنویسید که با پرسیدن از کازیماتیک‌ها می‌توان ثابت کرد که کتاب مقدس زبانها را رد می‌کند.

۱۰- نتیجه‌گیری شما از عطیه زبانها چیست؟

آیه‌های کلیدی: اول قرن‌تیاں ۱۴: ۲۲ - اول قرن‌تیاں ۱۴: ۲۷ - اول قرن‌تیاں ۱۳: ۸

درس ۵۰: شباهت عیسی و موسی

هنگامیکه خداوند در کوه سینا مستقیم با بنی اسرائیل از آسمان سخن می گفت، به دلیل صدای رعد آسای خدا و حضور آتشین خداوند، آنها بسیار ترسان و لرزان می شدند. بنابراین آنها از خداوند خواهش کردند که مستقیم با آنها سخن نگویید بلکه از طریق موسی با آنها سخن گوید، و خداوند دعای آنها را مستجاب کرد و فرمود که یک روزی خود او به صورت پیامبری مثل موسی روی زمین خواهد آمد تا با مردم سخن گوید و احکام خود را به مردم اعلام کند.

"یهوه، خدایت، نبی ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید. موافق هرآنچه در حوریب در روز اجتماع از یهوه خدای خود مسألت نموده، گفتی: آواز یهوه خدای خود را دیگر نشنوم، و این آتش عظیم را دیگر نبینم، مبدا بمیرم. و خداوند به من گفت: «آنچه گفتند نیکو گفتند. نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد، و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هرآنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت» (تثنیه ۱۸: ۱۵-۱۸)

کتاب مقدس می گوید که خداوند به سه شکل مختلف در جهان ظاهر خواهد شد.

- ۱- **نبی:** تا کلام خدا را به مردم نبوت کند. دفعه اول که خداوند عیسی مسیح به این جهان آمد بصورت یک انسان و نبی از طریق مریم باکره به دنیا آمد. یوحنا ۱: ۱۴ و اعمال ۳: ۲۲-۲۶
- ۲- **کاهن اعظم:** هنگامیکه او از مردگان زنده شد به شکل کاهن اعظم بدست راست خدا نشست و هم اکنون برای ما دعای شفاعت می طلبد. عبرانیان ۷: ۲۴-۲۵

۳- **پادشاه:** در بازگشت ثانویه، عیسی مسیح به شکل پادشاه پادشاهان وارد این جهان خواهد شد تا در تمامی دنیا سلطنت کند. مکاشفه ۱۹:۱۶

خداوند وعده داد که به شکل یک نبی همانند موسی وارد این جهان شود و کلام خدا را اعلام کند. در جدول زیر به شباهت موسی و عیسی خواهیم پرداخت که این شباهتها اتفاقاتی است که در زندگی هر دو یعنی موسی و عیسی بوجود آمد.

عیسی	موسی	کار و اعمال عیسی و موسی
متی ۱۶-۱۳:۲	خروج ۲۲:۱	۱- هر دو در دوران طفولیت مورد تهدید مرگ قرار گرفتند.
لوقا ۱۸:۴	خروج ۱۰:۳	۲- هر دو برای رهایی دادن امت خویش برگزیده شدند.
یوحنا ۱۵-۱۴:۶	تثنیه ۱۵:۱۸	۳- هر دو بعنوان پیامبر، کلام خدا را به مردم موعظه کردند.
عبرانیان ۲۷-۲۳:۷	مزامیر ۶:۹۹	۴- هر دو مقام کهنات داشتند.
یوحنا ۱۵:۶ و ۴۹:۱	تثنیه ۱۵:۱۸	۵- هر دو مقام پادشاهی داشتند.
یوحنا ۲۷-۲۲:۵ اعمال ۳۱:۱۷	خروج ۱:۲	۶- هر دو مردم را داوری می کنند.
یوحنا ۱۱:۱۰- ۲۷ و ۱۴	خروج ۱:۳	۷- هر دو شبان بودند.
اول تیموتائوس ۵:۲	خروج ۹-۸:۳۳	۸- واسط بین خدا و انسانها

۹- شفاعت کننده	اعداد ۷:۲۱	رومیان ۸:۴-۱۰
۱۰- شکوه و جلال پادشاهی زمینی را ترک کردند.	عبرانیان ۲۴:۱۱-۲۷	متی ۸:۴-۱۰
۱۱- گرچه دولتمند بودند اما بخاطر دیگران فقیر گشتند.	عبرانیان ۲۶:۱۱	دوم قرن تیان ۸:۹
۱۲- بخاطر جلال آینده، رسوائی را تحمل کردند.	عبرانیان ۲۶:۱۱	عبرانیان ۲:۱۲
۱۳- هر دو از مصر خوانده شدند.	عبرانیان ۲۷:۱۱	متی ۲:۱۵
۱۴- برادرانشان آنها را شناختند و رد کردند.	اعمال ۲۵:۷-۲۸	یوحنا ۱:۱۰-۱۱
۱۵- از سوی مردم مردود شدند اما از سوی خدا سرافراز گشتند.	اعمال ۳۵:۷	اعمال ۲:۳۶
۱۶- مردم را از کارها و زحمات آنها آسایش دادند.	خروج ۴:۵-۵	متی ۱۱:۲۸-۳۱
۱۷- اسیران را رهایی دادند.	خروج ۳۱:۱۲-۳۳	لوقا ۴:۱۸
۱۸- دشمنان خود را به زانو در آوردند.	خروج ۸:۱۱	فلیپیان ۲:۹-۱۱
۱۹- شبانگاهان امت خود را رهایی دادند.	خروج ۲۱:۱۴	متی ۲۵:۶
۲۰- بر دریا و طبیعت قدرت و تسلط داشتند.	خروج ۲۱:۱۴	متی ۷:۲۶-۲۷

۲۱- تشنگان را با آب سیر کردند.	خروج ۶:۱۷	یوحنا ۷:۳۷ و ۴:۱۴
۲۲- با معجزه، امت خویش را با نان سیر کردند.	مزامیر ۲۴:۷۸-۲۷	یوحنا ۶:۱-۱۴ و ۳۳-۳۵
۲۳- هر دو تهدید به سنگسار شدند.	خروج ۴:۱۷	یوحنا ۸:۵۸-۵۹
۲۴- برای امت خویش دعوی کردند.	اعداد ۳:۱۲	متی ۲۹:۱۱
۲۵- از مردم طلب جانبداری از خداوند را کردند.	خروج ۲۶:۳۲	متی ۳۰:۱۲
۲۶- هر دو متواضع بودند.	اعداد ۳:۱۲	متی ۲۹:۱۱
۲۷- از سوی دیگران مورد حسد واقع شدند.	مزامیر ۱۶:۱۰۶	مرقس ۱۰:۱۵
۲۸- چهره هر دو با شکوهی تابان شد.	خروج ۳۰-۲۹:۳۴	متی ۱۷:۱-۳
۲۹- در بازگشت دوم از سوی مردم مورد تمسخر قرار گرفتند.	خروج ۱:۳۲	دوم پطرس ۳:۳-۴
۳۰- هر دو خون عهد را به امت خویش پاشیدند.	خروج ۸:۲۴	لوقا ۲۲:۲۰ و عبرانیان ۲۲:۱

درس ۵۱: الفبای زندگی مسیحی

هنگامیکه یک شخص با ایمان به عیسی مسیح و خواندن نام او نجات پیدا می کند، می بایست روش زندگی خود را با یاری روح القدس تغییر دهد. دوازده نکته زیر الفبای مسیحیت است که یک مسیحی می بایست در زندگی خود رعایت کند. دعا می کنم که بتوانید این دوازده نکته زیر را هر روزه در زندگی خود رعایت کنید تا بتوانید ثمره ای برای خداوند ما عیسی مسیح بوجود آورید.

۱. **دعا کردن.** "همیشه دعا کنید." (اول تسالونیکیان ۵:۱۷)

"و من به شما می گویم سوال کنید که به شما داده خواهد شد. بطلبید که خواهید یافت. بگویید که برای شما باز کرده خواهد شد." (لوقا ۱۱:۹)

۲. **از هر چیزی که به ظاهر بد و گناه است، دوری کنید.** "از هر نوع بدی احتراز نمایید." (اول تسالونیکیان ۵:۲۲)

۳. **نسبت به دیگران مهربان باشید.** "و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است." (افسیان ۴:۳۲)

"با محبت برادرانه یکدیگر را دوست دارید و هر یک دیگری را بیشتر از خود اکرام بنمایید." (رومان ۱۲:۱۰)

۴. **عمل کننده کلام باشید نه فقط شنونده آن.** "لکن کنندگان کلام باشید نه فقط شنوندگان که خود را فریب می دهند" (یعقوب ۱:۲۲)

۵. **طریقهها و زندگی خود را به خداوند بسپارید.** "طریق خود را به خداوند بسپار و بر وی توکل کن که آن را انجام خواهد داد." (مزامیر ۳۷:۵)

۶. ماتم زندگان را تسلی دهید. " تسلی دهید! قوم مرا تسلی دهید! خدای شما می گوید" (اشعیا ۱:۴۰)

۷. همه چیز را بدون گلایه و بدون جر و بحث انجام دهید. " و هرکاری را بدون همهمه و مجادله بکنید،" (فلیپیان ۱۴:۲)

۸. بدانید که تمام چیزهایی که در زندگی دارید از طرف خداوند به شما بخشیده شده است. " هر بخشندگی نیکو و هر بخشش کامل از بالا است و نازل می شود از پدر نورها که نزد او هیچ تبدیل و سایه گردش نیست. " (یعقوب ۱۷:۱)

۹. به دیگران حسودی نکنید. " به سبب شریران خویشان را مشوش مساز و بر فتنه انگیزان حسد میر. " (مزامیر ۱:۳۷)

۱۰. سخاوتمند و بخشنده باشید. " از مایملک خود خداوند را تکریم نما و از نوبرهای همه محصول خویش. " (امثال ۹:۳)

" اما هرکس بطوری که در دل خود اراده نموده است بکند، نه به حزن و اضطراب، زیرا خدا بخشنده خوش را دوست می دارد. " (دوم قرنتیان ۷:۹)

" فرخنده است شخصی که رثوف و قرض دهنده باشد. او کارهای خود را به انصاف استوار می دارد. " (مزامیر ۵:۱۱۲)

۱۱. اگر خداوند شما را به خدمتی و یا جایی بفرستد، اطاعت کنید و بروید. " آنگاه آواز خداوند را شنیدم که می گفت: که را بفرستم و کیست که برای ما برود؟ گفتم: لیک مرا بفرست. " (اشعیا ۸:۶)

۱۲. در هر شرایطی و در هر چیزی شکرگزار باشید. " در هر امری شاکر باشید که این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسی. " (اول تسالونیکیان ۵:۱۸)

درس ۵۲: چه نوع دستی دارید ؟

۱. **دست جنگنده در نبرد روحانی.** " خداوند که صخره من است، متبارک باد! که دستهای مرا به جنگ وانگشتهای مرا به حرب تعلیم داد!" (مزمیر ۱۴۴: ۱) - افسسیان ۶: ۱۰-۱۷
۲. **دست تنبل برهم نهاده شده.** " اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی بر هم نهادن دستها به جهت خواب. پس فقر مثل راهزن بر تو خواهد آمد، و نیازمندی بر تو مانند مرد مسلح. " (امثال ۱۰: ۶-۱۱)
۳. **دستهای سست و ترسان.** "دستهای سست را قوی سازید و زانوهای لرزنده را محکم گردانید." (اشعیا ۳۵: ۳)
۴. **دستهای خونین بشارت ندهنده.** " ای پسر انسان تو را برای خاندان اسرائیل دیده بان ساختم، پس کلام را از دهان من بشنو و ایشان را از جانب من تهدید کن. و حینی که من به مرد شریر گفته باشم که البته خواهی مرد، اگر تو او را تهدید نکنی و سخن نگویی تا آن شریر را از طریق زشت او تهدید نموده، او را زنده سازی، آنگاه آن شریر در گناهش خواهد مرد، اما خون او را از دست تو خواهم طلبید." (حزقیال ۱۷: ۳-۱۸) و اعمال ۲۰: ۲۶
۵. **دستهای فعال و کاری.** " و حریص باشید در اینکه آرام شوید و به کارهای خود مشغول شده، به دستهای خویش کسب نمایید، چنانکه شما را حکم کردیم، " (اول تسالونیکیان ۴: ۱۱)
۶. **دستهای دراز شده به سوی خدا در دعا.** " پس آرزوی این دارم که مردان، دست های مقدس را بدون غیظ و جدال برافراخته، در هر جا دعا کنند." (اول تیموتائوس ۲: ۸)
۷. **دستهای افتاده.** " لهذا دستهای افتاده و زانوهای سست شده را استوار نمایید" (عبرانیان ۱۲: ۱۲)
۸. **دستهای سنگین موسی در خدمت دعا.** " و دستهای موسی سنگین شد. پس ایشان سنگی گرفته، زیرش نهادند که بر آن بنشینند. و هارون و حور، یکی از این طرف و دیگری از آن طرف، دستهای او را بر می داشتند، و دستهایش تا غروب آفتاب برقرار ماند." (خروج ۱۷: ۱۲)

۹. **دستهای طاهر در مشارکت با خدا و نزدیک شدن به او.** "و به خدا تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید. دستهای خود را طاهر سازید، ای گناهکاران و دل‌های خود را پاک کنید، ای دودلان" (یعقوب ۸:۴)
۱۰. **دست رفاقت برای خدمت با سایر ایمانداران.** "پس چون یعقوب و کیفا و یوحنا که معتبر به ارکان بودند، آن فیضی را که به من عطا شده بود دیدند، دست رفاقت به من و برنابا دادند تا ما به سوی امت‌ها برویم، چنانکه ایشان به سوی مختونان" (غلاطیان ۹:۲)
۱۱. **دست سست.** "در آن روز به اورشلیم گفته خواهد شد که مترس! ای صهیون دستهای تو سست نشود" (صفینا ۱۶:۳)
۱۲. **دستهای پرکار و فعال زنان.** "درباره مزرعه فکر کرده، آن را می‌خرد، و از کسب دستهای خود تاکستان غرس می‌نماید." (امثال ۱۳:۳۱)
۱۳. **دستهای ماهر خداوند در هدایت و راهنمایی کردن ما.** "پس ایشان را به حسب کمال دل خود رعایت نمود و ایشان را به مهارت دستهای خویش هدایت کرد." (مزمیر ۷۲:۷۸)
۱۴. **دستهای مجروح عیسی مسیح برای آموزش گناهان ما.** "و او را خواهند گفت: این جراحات که در دستهای تو می‌باشد چیست؟ و او جواب خواهد داد آنهايي است که در خانه دوستان خویش به آنها مجروح شده‌ام." (زکریا ۶:۱۳)
۱۵. **افتادن چیزهای هولناک به دستان خدوند در داوری.** "افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است." (عبرانیان ۳۱:۱۰)
۱۶. **دستان پر برکت.** "چون محصول خود را در مزرعه خویش درو کنی، و در مزرعه، بافه ای فراموش کنی، برای برداشتن آن برنگرد؛ برای غریب و یتیم و بیوه زن باشد تا یهوه خدایت تو را در همه کارهای دست برکت دهد." (تثنیه ۱۹:۲۴)

درس ۵۳: چرا عیسی مسیح به این جهان آمد؟

کتاب مقدس دلایل زیادی را مبنی بر آمدن عیسی مسیح به این جهان را آورده که به مرور آنها خواهیم پرداخت.

۱- او برای نجات گناهکاران به این جهان آمد. " این سخن امین است و لایق قبول تام که مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکاران را نجات بخشد که من بزرگترین آنها هستم. " (اول تیموتائوس ۱: ۱۵)

۲- او آمد تا گناهکاران را به توبه دعوت کند. " و نیامده ام تا عادلان بلکه تا عاصیان را به توبه بخوانم. " (لوقا ۵: ۳۲)

۳- او آمد تا به انسانها خدمت کند و جان خود را برای آنها بدهد. " چنانکه پسر انسان نیامد تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد. " (متی ۲۰: ۲۸)

۴- او آمد تا تعمید یابد و برای ما نمونه ای باشد تا ما هم تعمید یابیم. " و واقع شد در آن ایام که عیسی از ناصره جلیل آمده در اردن از یحیی تعمید یافت. " (مرقس ۱: ۹) و متی ۲۸: ۱۹

۵- او آمد تا پیام انجیل را موعظه کند. " بدیشان گفت: به دهات مجاورهم برویم تا در آنها نیز موعظه کنم، زیرا که بجهت این کار بیرون آمدم. پس در تمام جلیل در کنایس ایشان وعظ می نمود و دیوها را اخراج می کرد. " (مرقس ۱: ۳۸-۳۹)

۶- او آمد تا بشارت مصالحه را به مردم برساند تا مردم بتوانند با خداوند مصالحه و آشتی کنند. " و آمده بشارت مصالحه را رسانید به شما که دور بودید و مصالحه را به آنانی که نزدیک بودند. زیرا که بوسیله او هر دو نزد پدر در یک روح دخول داریم " (افسیسیان ۲: ۱۷-۱۸)

- ۷- **او آمد تا شکسته دلان را شفا دهد.** "روح خداوند بر من است، زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد، تا شکسته دلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی، موعظه کنم و تا کوییدگان را، آزاد سازم،" (لوقا: ۴: ۱۸)
- ۸- **او آمد تا شرایط و وضعیت مردم را ارزیابی کند.** اسرائیل (متی: ۲: ۱۹) ؛ رسولان (متی: ۲۶: ۴۳) ؛ کلیسا (متی: ۲۴: ۴۲-۴۴).
- ۹- **او آمد تا اراده پدر آسمانی را انجام دهد و به کمال رساند.** "زیرا از آسمان نزول کردم نه تا به اراده خود عمل کنم، بلکه به اراده فرستنده خود." (یوحنا: ۶: ۳۸)
- ۱۰- **او آمد تا به ما برکت دهد و ما را از گناهانمان دور سازد.** "برای شما اولاً خدا بنده خود عیسی را برخیزانیده، فرستاد تا شما را برکت دهد به برگردانیدن هر یکی از شما از گناهانش." (اعمال: ۳: ۲۶)
- ۱۱- **او آمد تا اعمال شیطان را از بین ببرد. او تمام نقشه های پلید شیطان و تسلط او بر قلبهای شیطان را نابود کرد.** "و کسیکه گناه می کند از ابلیس است زیرا که ابلیس از ابتدا گناهکار بوده است. واز این جهت پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد." (اول یوحنا: ۳: ۸)
- ۱۲- **او آمد تا کفاره ای برای گناهان ما باشد و به ما حیات جاودانی بخشد.** "و محبت خدا به ما ظاهر شده است به اینکه خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاده است تا به وی زیست نماییم. و محبت در همین است، نه آنکه ما خدا را محبت نمودیم، بلکه اینکه او ما را محبت نمود و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود. ای حبیبان، اگر خدا با ما چنین محبت نمود، ما نیز می باید یکدیگر را محبت نماییم. کسی هرگز خدا را ندید؛ اگر یکدیگر را محبت نماییم، خدا در ما ساکن است و محبت او در ما کامل شده است. از این می دانیم که در وی ساکنیم و او در ما زیرا که از روح خود به ما داده است. و ما دیده ایم و شهادت می دهیم که پدر پسر را فرستاد تا نجات دهنده جهان بشود." (اول یوحنا: ۴: ۹-۱۴)

درس ۵۴: چه چیزی در زندگی شما ناقص است؟

جوانی ثروتمند نزد عیسی مسیح آمد و ادعا کرد که همه احکام و شریعت خدا را بطور کامل از طفولیت نگه داشته است و به عیسی مسیح فرمود که هیچ نقصی ندارد، "جوان وی را گفت: همه اینها را از طفولیت نگاه داشته ام. دیگر مرا چه ناقص است؟ عیسی بدو گفت: اگر بخواهی کامل شوی، رفته مایملک خود را بفروش و به فقراء بده که در آسمان گنجی خواهی داشت؛ و آمده مرا متابعت نما. چون جوان این سخن را شنید، دل تنگ شده، برفت زیرا که مال بسیار داشت." (متی: ۱۹: ۲۱-۲۲)

نقص جوان ثروتمند این بود که پول و ثروت را در اولویت زندگی خود قرار داده بود و خداوند را در اولویت بعدی. از این جهت او به خاطر عشق به مال دنیا نتوانست وارد ملکوت خدا شود. چه نقصی شما در زندگی خود دارید؟ نکته های زیر چیزهایی هستند که ما در زندگی خود نیاز داریم و نباید آنها در زندگی ما ناقص باشد.

۱- **معرفت.** بدست آوردن دانش و شناخت خداوند از طریق خواندن کتاب مقدس و یا حضور در جلسات مطالعه کتاب مقدس در کلیسا. "قوم من از عدم معرفت هلاک شده اند. چونکه تو معرفت را ترک نمودی من نیز تو را ترک نمودم که برای من کاهن نشوی و چونکه شریعت خدای خود را فراموش کردی من نیز فرزندان تو را فراموش خواهم نمود." (هوشع ۴: ۶)

۲- **خدمت.** برای پیشبرد اهداف مسیح و نجات جان انسانها و بنای ایمانداران. "زیرا در کار مسیح مشرف بر موت شد و جان خود را به خطر انداخت تا نقص خدمت شما را برای من به کمال رساند." (فیلیپیان ۲: ۳۰)

۳- **فرصتها.** استفاده از فرصتهای مختلف برای بدست آوردن مهارت برای جلال خداوند. "و در خداوند بسیار شاد گردیدم که الان آخر، فکر شما برای من شکوفه آورد و در این نیز تفکر می کردید، لیکن فرصت نیافتید." (فیلیپیان ۴: ۱۰)

۴- **رطوبت.** رطوبت یعنی تعالیم خوب و مهم کتاب مقدس برای رشد ایمانداران. همانطور که رطوبت باعث رشد نهال می شود، تعالیم خوب کتاب مقدس نیز باعث رشد نو ایمانان می

شود. "و پاره ای بر سنگلاخ افتاده چون روید از آنجهت که رطوبتی نداشت خشک گردید"
(لوقا: ۶)

۵- **حکمت.** دانشی که خداوند به ما می بخشد تا بتوانیم عاقلانه در تمامی ناحیه زندگی خود تصمیم بگیریم. "و اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سوال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می کند و ملامت نمی نماید و به او داده خواهد شد." (یعقوب ۱: ۵)

۶- **هشت خصوصیات خوب در دوم پطرس ۱: ۵-۱۰**

(۱) ایمان (اعتماد کردن به خدا و وعده های او در وضعیت دشوار زندگی)

(۲) فضیلت (قوت الهی برای بودن شاهد خوب برای خداوند عیسی مسیح)

(۳) علم (۴) عفت (۵) صبر (۶) محبت برادرانه (۷) محبت (محبت در عمل، انجام کار خیر)

۷- **فهم.** تشخیص خوب و بد و بکار بردن عقل در شرایط مختلف زندگی. "اما کسیکه با زنی زنا کند، ناقص العقل است و هر که چنین عمل نماید، جان خود را هلاک خواهد ساخت. از ضرب و رسوایی خواهد یافت، و ننگ او محو نخواهد شد. زیرا که غیرت، شدت خشم مرد است و در روز انتقام، شفقت نخواهد نمود. بر هیچ کفاره ای نظر نخواهد کرد و هر چند عطایا را زیاده کنی، قبول نخواهد نمود" (امثال ۶: ۳۲-۳۵)

"در میان جاهلان دیدم، و در میان جوانان، جوانی ناقص العقل مشاهده نمودم،" (امثال ۷: ۷)

۸- **حمایت مالی از کلیسا و مسیونریها.** بخشیدن ده یکها و هدایاها به کلیسا برای کمک به موعظه و پخش پیام انجیل و نجات جان انسانها از هلاکت ابدی. "زیرا برادرانی که از مکادونیه آمدند، رفع حاجت مرا نمودند و در هر چیز از بار نهادن بر شما خود را نگاه داشته و خواهم داشت." (دوم قرنتیان ۱۱: ۹)

۹- **ایمان و تعلیم.** با یادگیری کلام خدا می توانیم ایمان خود را افزایش دهیم. "که شبانه روز بی شمار دعا می کنیم تا شما را روبرو ملاقات کنیم و نقص ایمان شما را به کمال رسانیم." (اول تسالونیکیان ۳: ۱۰)

۱۰- **هیچ چیز.** محتاج هیچ چیزی در زندگی نباشیم. "تا نزد آنانی که خارج اند بطور شایسته رفتار کنید و به هیچ چیز محتاج نباشید." (اول تسالونیکیان ۴: ۱۲)

درس ۵۵: چگونه شخصی را به مسیح هدایت کنیم؟

چهار مرحله ای که می بایست در آنها مهارت داشته باشیم:

اول. آغاز مکالمه.

دوم. آیه های مورد نیاز و سوالاتی که می بایست پرسیده شوند.

سوم. چگونه فرد را به چالش بکشیم تا مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کند.

چهارم. مطمئن ساختن فرد از نجات یافتن.

از این سوالات منطبق با برگه بشارتی "ایست" استفاده کنید.

دنبال فرصتی باشید که با شخصی قرار و ملاقات بگذارید تا بتوانید پیام انجیل را از طریق برگه بشارتی "ایست" بدون وقفه به او بشارت دهید.

اول. آغاز مکالمه. چگونه؟

پرسش ۱: ببخشید، ممکن است این جزوه را در اختیار شما بگذارم؟ (جزوه را به آنها بدهید و

زمانیکه آنرا گرفتند، بگویید، این جزوه در مورد اینکه چگونه می توانید شخصاً

خداوند را شناخته و زندگی ابدی داشته باشید توضیح می دهد.

آیا تا بحال در مورد خداوند و حیات ابد فکر کرده اید؟

پرسش ۲: ممکن است از شما سوالی بپرسم؟ *بله*

پرسش ۳: اگر قرار باشد امشب بمیرید (یا یک زمان دیگر) آیا مطمئن هستید که ۱۰۰٪ به

بهشت خواهید رفت؟

پرسش ۴: آیا می خواهید مطمئن شوید؟

پرسش ۵: این جزوه براساس کتاب مقدس به ما نشان می دهد که چگونه از رفتن به بهشت

مطمئن شویم. اگر آنرا باز کنید می بینید که ۴ موضوع را ثابت می کند.

دوم. آیه های مورد نیاز و سوالاتی که می بایست پرسیده شوند.

۱. همه گناه کرده اند

"زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند." رومیان ۳: ۲۳

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید تیر داخل مستطیل و آیه زیر آنرا بخوانید؟

پرسش ۲. فکر می کنید موضوع اصلی در این آیه چیست؟ همه گناهکارند

پرسش ۳. معنی گناه چیست؟ شکستن احکام خداوند

این عکس ها نشان می دهند که گناه چیست.

دور شدن از خداوند گناه است، رفتن به راه خود، خود را در اولویت قرار دادن، شکستن فرمان اصلی و دوم یعنی دوست نداشتن خداوند و همسایگانمان است.

گناه ما را از خداوند جدا می کند چنانکه دعوا کردن دوستان را از یکدیگر. ما بر اساس طبیعت گناه و همچنین به دلیل اختیار کردن آن گناهکاریم.

اگر میزان کمال را از ۰ تا ۱۰۰ در نظر بگیریم، خداوند ۱۰۰٪ کامل است، اما ما، در مقایسه با خداوند، تقریباً ۰٪ کاملیم. در مقایسه با یکدیگر ممکن است "خوب" به نظر برسیم اما در مقایسه با کمال خداوند همگی بشدت گناهکاریم.

گناه، شکستن ده فرمان است. فرمان اول می گوید "هیچ خدایی غیر از خداوند یهوه نیست" با اینحال همه ما چندین و چند بار چیزی یا خودمان را فراتر از خداوند قرار داده ایم و یا خدای دیگری غیر از یهوه را پرستش کرده ایم (همین کار را در مورد بقیه ۱۰ فرمان انجام دهید)

پرسش ۴. زیر عکس گفته " ما همه در مقایسه با قداست خداوند گناهکاران بزرگی هستیم". آیا موافق هستید که شما، من و همه مردم جهان درمقایسه با قداست خداوند گناهکاران بزرگی هستیم؟ بله

پرسش ۵. آیا می خواهید عیسی مسیح، خداوند کتاب مقدس، خدای شما باشد؟

پرسش ۶. آیا می خواهید از گناه روگردانیده و بسوی خداوند بازگشت کنید؟

مجازات گناه مرگ است

"زیرا مزد گناه مرگ است اما هدیه خداوند حیات جاودان است از طریق عیسی مسیح خداوند ما." رومیان ۶: ۲۳

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید تیترو دوم و آیه زیر آنرا بخوانید؟

پرسش ۲. دیدیم که در مقایسه با قداست خداوند همه ما گناهکاران بزرگی هستیم. می دانید نتیجه آن چیست؟ "مزد گناه موت است" - بدین معنی است که چون همه ما با شکستن احکام خداوند مرتکب گناه شده ایم، همگی به سمت مرگ روانه ایم.

مرگ چیست؟ دو نوع مرگ وجود دارد. نخست زمانی که از دنیا می رویم و مرگ دوم، مرگ ابدی است که بسیار جدی تر است.

پرسش ۳. منظور از مرگ دوم، در آیه آخر چیست؟ **دریاچه آتش**. بدین معنی که چون همه ما گناه کرده ایم، قانون خداوند می گوید که ما همه در راه دریاچه آتش هستیم. این خبر بدی است. من نمی خواهم برای مجازات گناہانی که انجام داده ام به دریاچه آتش انداخته شوم. شما نمی خواهید به دریاچه آتش انداخته شوید و خداوند هم نمی خواهد که ما به دریاچه آتش انداخته شویم. آیا راهی برای نجات از دریاچه آتش وجود دارد؟ بله. به خبر خوب توجه کنید: خداوند هدیه زندگی جاوید را به ما پیشنهاد می دهد.

پرسش ۴. معنی معمول "هدیه" چیست؟ پیشکش رایگان که می توان دریافت کرد یا رها کرد، می توان پذیرفت یا رد کرد.

پرسش ۵. "زندگی جاوید" چیست؟ **وارد شدن به بهشت پس از مرگ و شناختن خداوند و ارتباط با او**

پرسش ۶. چگونه می توانیم زندگی جاوید را بدست آوریم؟ ما آنرا از طریق کارهای خوبمان، یا هیچ مذهبی بدست نمی آوریم، بلکه تنها توسط عیسی مسیح خداوندمان. به آنچه خداوند برایمان انجام داده توجه کنیم.

۳. عیسی تمامی مجازات ما را به خود گرفت

"زیرا خدا محبت خود را به ما ثابت می کند که در آن هنگام که هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما مرد." رومیان ۵: ۸

پرسش ۱: لطفاً ممکن است محبت کنید تیر سوم و آیه زیر آنرا بخوانید؟

پرسش ۲: فکر می کنید موضوع اصلی در این آیه چیست؟ مسیح برای ما مرد

پرسش ۳: معنی آن چیست؟

موارد زیر را توضیح داده شکل زیر را بکشید:

مسیح منجی تمام انسانهاست

او آماده است که نجات دهنده تو نیز باشد.

توجه: خداوند تمام گناهان گذشته، حال و

آینده ما را بر مسیح قرار داد.

" هر یک از ما به راه خود برگشته بود

و خداوند گناه همه ما را بر وی نهاد."

اشعیا ۵۳: ۶

به جای آنکه ما در دریاچه آتش گرفتار عذاب

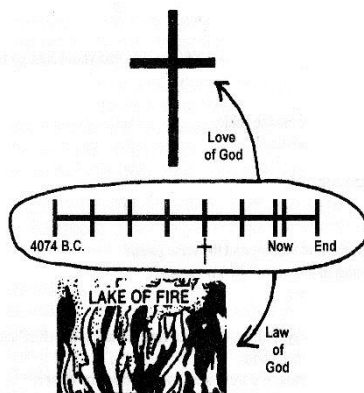
همیشگی شویم، مسیح بر روی صلیب مجازات

تمام گناهان ما را به دوش گرفت.

" به سبب تقصیرهای ما مجروح و به

سبب گناهان ما کوفته گردید."

اشعیا ۵۳: ۵



اگر می توانید، ۲۰۰۰ سال پیش زمانی که مسیح روی صلیب در حال جان سپردن بود را تجسم کنید (صلیب بکشید). خداوند همه چیز را در مورد همه افراد از آغاز تا پایان بشریت می دانست (یک محور زمانی از ابتدا تا پایان بکشید). خداوند در مورد شما و من که اکنون در قرن ۲۱ زندگی می کنیم می دانست (۲ خط بکشید). خداوند در مورد تمام گناهانی که من از زمان تولد

تا مرگم مرتکب می شوم می دانست. خداوند در مورد گناهی که شما از لحظه تولد تا مرگتان مرتکب خواهید شد می دانست.

خداوند در مورد گناهان همه کسانی که در گذشته زندگی کرده بودند و در مورد گناهان همه کسانی که در آینده زندگی خواهند کرد می داند (خطوط زیادی قبل و بعد از زمان "حال" بکشید).

زمانی که مسیح بر روی صلیب در حال جان سپردن بود، خداوند تمام گناهان شما، من و تمام افرادی که در گذشته، حال، و آینده زندگی کرده اند را برداشته و بر عیسی مسیح قرار داد. خداوند، مسیح را گناهکار قلمداد کرد و خداوند پدر به جای آنکه ما را تا ابد در دریاچه آتش مجازات کند، عیسی مسیح را بر روی صلیب به مدت شش ساعت برای تمامی گناهان مجازات کرد. (یک دایره دور محور زمان کشیده و یک فلش از آن به سمت صلیب و یک فلش به سمت دریاچه آتش بکشید). "خداوند گناه جمع ما را بر وی نهاد." اشعیا ۵۳: ۶

مسیح با مجازات شدن برای تمام گناهان ما بر روی صلیب به جای آنکه ما تا ابد بخاطر گناهانمان در دریاچه آتش مجازات شویم منجی (یا بلا گردان یا بدل) همه افراد شد. (بنویسید: "**منجی همه افراد**" کنار صلیب، و زیر آن خط بکشید. بنویسید: "**آماده برای نجات ما**".)

مسیح اکنون منجی تمام افراد بوده و اگر شما از او بخواهید حاضر و آماده است تا منجی شما باشد. همین حالا مجازات تمام گناهان گذشته، حال و آینده شما، من و همه افراد توسط مسیح بر روی صلیب ادا شده است.

توجه: گفته می شود که حدود ۱۰۰ میلیارد نفر در طول تاریخ زندگی کرده اند (بنویسید ۱۰۰ میلیارد). می توانید تجسم کنید چه حالی خواهید داشت زمانی که بخاطر گناهاتان در دریاچه آتش تا ابد مجازات شوید؟ می توانید مجازاتی که قرار است متحمل شوید را ضربدر ۱۰۰

میلیارد کنید؟ می توانید شدت تمام آن مجازات را که به شکل فشرده شده در مدت ۶ ساعت بر یک نفر، عیسی مسیح، وارد شد تجسم کنید؟ این آن چیزی است که عیسی مسیح بخاطر شما و من بر روی صلیب تحمل کرد. پس همین الان، تمام گناہانی که شما، من و بقیه افراد مرتکب شده و خواهند شد، عیسی مسیح مجازات آنرا بطور کامل متحمل شده است. درب بهشت برای ورود تمام افراد اکنون گشوده شده است. اما ما چگونه می توانیم وارد بهشت شویم؟ **نکته ۴** به ما می گوید چگونه:

- ۴. الف) اعتقاد داشته باشند که عیسی مسیح:**
- خدای پسر است (٪۱۰۰ خدا و ٪۱۰۰ انسان)
 - برای گناہان ما مرد
 - بعد از مرگ دوباره با بدن جسمانی زنده شد
- ب) عیسی مسیح را بعنوان منجی خود دریافت کنند.**

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید نکته ۴ را بخوانید؟

توضیح: آیا شنیده اید که برای ورود به بهشت باید به مسیح اعتقاد و ایمان داشته باشید؟
 "ایمان به مسیح" چه معنایی دارد؟

پاسخ: ایمان ۲ بخش دارد. ما باید به ۳ مطلب (الف) در ذهنمان ایمان داشته، سپس بر مبنای آنها به نکته ۴ در قلب خود عمل کنیم. (ب)

پرسش ۲. آیا ایمان دارید که عیسی مسیح ٪۱۰۰ خدا و ٪۱۰۰ انسان است؟ **بله.**

پرسش ۳. آیا ایمان دارید که عیسی مسیح بروی صلیب به جای ما مرد تا برای تمام گناہان گذشته، حال و آینده ما مجازات و ناجی ما نشود؟ **بله.**

پرسش ۴. آیا ایمان دارید که عیسی مسیح پس از ۳ روز با جسمش از مرگ برخاست و امروز زنده است؟ (اگر بله) پس شما نصف راه را پیموده اید. تنها کاری که حالا می بایست انجام دهید اینست که به خداوند بگویید که اکنون عیسی مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت می کنید. این بدان معناست که شما اکنون پذیرفته اید که خون مسیح بر روی صلیب قربانی بود که جزای تمام گناهان شما پرداخت کرد، و شما تنها به مسیح برای نجاتتان اعتماد دارید، نه به اعمال خوبتان یا هر مذهبی. **پس هم اکنون به ما بخشی سخاوتمندانه و زندگی جاوید عطاء گردید.**

توضیح تصویر ۳: گویا خداوند مغفرتی را به ما پیشنهاد می دهد، و آن عیسی مسیح نجات دهنده ماست. هنگامیکه ما عیسی مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت می کنیم (حالا به عکس دوم اشاره کنید) تمام تقصیرات و گناهان از ما برداشته شده و (به عکس سوم اشاره کنید) عیسی مسیح مجازات کل گناهان ما را بعهده گرفته است.

می توانیم از این مطمئن باشیم چرا که این قولی است که خداوند به ما در کتاب مقدس داده است. **پشت صفحه:** این ۳ آیه هر یک شرطی را عنوان می کنند که ما می بایست آنها را به جا آوریم تا وعده خداوند شامل حال ما شود.

• یوحنا ۱: ۱۲

پرسش ۱. لطفاً ممکن است آیه بالایی را بخوانید؟

پرسش ۲. در قسمت اول آیه ما چه کاری باید انجام دهیم؟ **می بایست مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کنیم.**

پرسش ۳. بعد از آن در قسمت دوم آیه چه خواهیم شد؟ **فرزندان خدا.**

توضیح:

یعنی در خانواده خداوند متولد می شویم. خداوند پدر آسمانی ما می شود و ما فرزندان او. می توانیم خداوند را "پدر آسمانی" خطاب کنیم و "دوباره متولد" شویم. این را تاکنون شنیده اید؟ می دانید سالها پیش چگونه در خانواده والدینتان متولد شدید؟ **بله**. آن اولین تولد شما بود. وقتی مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت می کنید، برای دومین بار از خدا متولد می شوید و وارد خانواده خداوند شده، تولدی دوباره می یابید. (۲ خانواده، ۲ پدر، ۲ تولد).

رومیان ۱۰:۱۳

- پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید آیه ۲ را بخوانید؟
- پرسش ۲. در قسمت اول آیه ما چه کاری باید انجام دهیم؟ **می بایست نام عیسی مسیح را بخوانیم تا ما را نجات دهد.**
- پرسش ۳. وقتی که نام عیسی مسیح را می خوانیم که ما را نجات دهد، برای ما چه اتفاقی می افتد؟ **نجات خواهیم یافت.**
- پرسش ۴. از چه چیزی نجات می یابیم؟ **از دریاچه آتش.**
- پرسش ۵. اگر چنین فردی بعد از ۵۰ سال بمیرد، به کجا خواهد رفت؟ **بهشت.**
- پرسش ۶. چرا؟ **زیرا از مسیح خواسته تا او را نجات دهد و مسیح او را نجات داده است.**
- پرسش ۷. اگر شما از عیسی مسیح بطلبید تا شما را نجات دهد، آیا به شما بله خواهد گفت یا نه؟ البته که بله
- یوحنا ۶: ۳۷ "هر آنچه پدر به من عطا کند، به جانب من آید و هر که به جانب من آید، او را بیرون نخواهم نمود."

اول یوحنا ۵: ۱۳ و ۱۲

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید آیه سوم را بخوانید؟

پرسش ۲. اگر کسی با دریافت مسیح بعنوان نجات دهنده اش، پسر را داشته باشد، چه چیزی را دارد؟ **حیات ابد را**

پرسش ۳. اگر کسی پسر را بعنوان نجات دهنده اش نداشته باشد چه می شود؟ **حیات ابد ندارد.**

پرسش ۴. آیا می توان با اطمینان کامل فهمید که کسی زندگی جاوید را دارد؟ **بله.**

سوم. چگونه فرد را به چالش بکشیم تا مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کند؟

تصویر دو راهی را می بینید؟ این نشان می دهد که دو راه در زندگی وجود دارد: راه مرگ که به جهنم ختم می شود و راه زندگی که به بهشت ختم می شود. ما همه در راه مرگ که به جهنم ختم می شود متولد شده ایم، اما زمانیکه مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت می کنیم، از مرگ به زندگی و از جهنم به بهشت گذر می کنیم.

پرسش ۱. می توانید پرسید: " چگونه ما مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت می کنیم؟ "

پاسخ: می بایست وعده های اشاره شده در ۳ آیه فوق را بجا آوریم. اگر مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کنیم، فرزندان خداوند می شویم. اگر از مسیح طلب کنیم که ما را نجات دهد، نجات خواهیم یافت. اگر پسر را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کنیم، فرزندان خداوند می شویم.

پرسش ۲. این وعده ها در دعای پایین صفحه خلاصه شده اند. آیا ممکن است لطف کنید

و آنرا آرام نزد خود بخوانید و ببینید که منطقی بنظر میرسد؟

پرسش ۳. منطقی بود؟ **بله.**

پرسش ۴. آیا این مناجات آنچه شما صادقانه از خداوند می خواهید را بازگو می کند؟
بله.

پرسش ۵. خداوند هم اکنون در این مکان حضور دارد و تمام آنچه می گوئیم یا بدان فکر میکنیم را می شنود. اگر شما اینرا به خداوند بگوئید و خواست شما واقعی باشد، خداوند آنرا می شنود، عیسی مسیح شما را نجات می دهد، به شما زندگی جاوید عطاء می کند و شما فرزند خداوند می شوید.

آیا مایلید همین حالا آنرا به خداوند بگوئید؟ برای آسانی بیشتر، من می توانم هر بار تعدادی از کلمات را گفته و اگر شما آنها را رو در قالب مکالمه با خداوند بیان کنید، خداوند آنها را می شنود و زندگی جاوید را همان لحظه به شما عطاء خواهد کرد.
آیا این خوب است؟ **بله.** (او دعای داخل کادر را می خواند، هر بار یک جمله، بعد از شما).

چهارم. مطمئن ساختن فرد از نجات خویش.

• رومیان ۱۰:۱۳

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید دومین آیه از بالا را بخوانید؟

پرسش ۲. در آن لحظه، آیا شما نام عیسی مسیح را خواندید تا شما را از گناهانتان و دریاچه آتش نجات داده، پس از مرگتان شما را به بهشت برده، و هدیه زندگی جاوید را به شما عطاء کند؟ **بله.**

پرسش ۳. آیا صادق بودید؟ **بله.**

پرسش ۴. پس خداوند می گوید اکنون شما چه هستید؟ **نجات یافته.**

پرسش ۵. نجات یافته از چه؟ **گناهان و دریاچه آتش.**

پرسش ۶. اگر اکنون بمیرید، به کجا خواهید رفت؟ **بهشت.**

پرسش ۷. چرا؟ **چون نام مسیح را خواندم که مرا نجات دهد و خداوند می گوید که نجات یافته ام.**

پرسش ۸. آیا کلام خداوند حقیقت است؟ **بله.** پس ما می توانیم از بهشت مطمئن باشیم.
درست است؟ **بله**

• یوحنا ۱: ۱۲

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید آیه بالایی را بخوانید؟

پرسش ۲. در آن لحظه، آیا شما مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کردید؟
بله.

پرسش ۳. خداوند می گوید شما اکنون چه هستید؟ **فرزند خداوند.** شما اکنون در خانواده خداوند هستید. خداوند اکنون پدر آسمانی شماست و شما فرزند او هستید. شما اکنون می توانید خداوند را "پدر آسمانی عزیز" خطاب کنید. این یعنی "دوباره متولد شدن". امروز دومین تولد شماست.

پرسش ۴. مایلید تاریخ امروز را در پایین صفحه یادداشت کنید؟ (او امضاء کرده، تاریخ زده و جزوه را نگه می دارد.)

• اول یوحنا ۵: ۱۲ و ۱۳

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید سومین آیه را بخوانید؟

پرسش ۲. آیا شما عیسی مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کردید؟ **بله.**

پرسش ۳. حال که شما پسر را دارید از چه چیز دیگر برخوردار هستید؟ **حیات ابد**

پرسش ۴. اگر امشب بمیرید، به کجا خواهید رفت؟ **بهشت.**

پرسش ۵. چرا؟ چون مسیح را بعنوان نجات دهنده خود دریافت نموده ام.

پرسش ۶. آیا می توانید مطمئن باشید که زندگی جاوید را دریافت کرده اید؟ بله.

پرسش ۷. چرا؟ چون خداوند می گوید، "تا بدانید که حیات جاودانی دارید

یوحنا ۵: ۲۴

پرسش ۱. لطفاً ممکن است محبت کنید آیه کنار دیاگرام را بخوانید؟

پرسش ۲. کدام ۳ چیز را شما اکنون دارید؟ زندگی جاوید، به محکومیت

نخواهم آمد، و از مرگ به حیات منتقل گشته ام.

• یوحنا ۱۰: ۲۸

پرسش ۱. آیا ممکن است زندگی جاوید را از دست داد؟

پرسش ۲. می شود لطفاً یوحنا ۱۰: ۲۸ را بخوانید؟

پرسش ۳. "تا به ابد هلاک نخواهند شد" به چه معنی است؟ هرگز زندگی جاوید را

از دست ندادن. البته امکان از دست دادن پاداش ها وجود دارد.

پنجم. چگونه به اولین قرار مطالعه کتاب مقدس برسیم؟ کتاب "از من تعلیم یابید" را

به او بدهید.

پرسش ۱. در فهرست مطالب کتاب، کدامیک برای شما جالب است؟

پرسش ۲. برای شما امکان دارد تا با هم نگاهی به آنها بیاندازیم؟ چه زمانی برای شما مناسب

است تا با هم ملاقات داشته باشیم و آن مطلب را با هم مرور کنیم؟

ایست!

و فکر کن! "زندگی جاودان را کجا سیری خواهی کرد"



هدیه خداوند زندگی جاودانه است.

آیا آن را دریافت کرده اید؟

عیسی مسیح گفت: "بیائید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و

گرانباران و من به شما آرامش خواهم داد." متی ۱۱: ۲۸

"خداوند را مادامی که یافت می شود بطلبید و مادامی که نزدیک است او را بخوانید. شریک راه خود را، گناهکار افکار خویش را ترک نمایید و بسوی خداوند بازگشت کنید و او بر وی رحمت خواهد نمود و بازگشت کند بسوی خدا، زیرا او به فراوانی خواهد بخشید." اشعیا ۵۵: ۶ و ۷

چگونه ما می توانیم مطمئن شویم که زندگی جاودان داریم؟
ما باید ۲ اصل را بدانیم:

۱. همه گناه کرده اند

زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند . رومیان ۳: ۲۳

اینها گناه هستند:

۱. خدای دیگری نیست
۲. هیچ تصویر حکمی شده ای از او نیست .
۳. بیپوده نام خدا را نبرید.
۴. روز سبت را یاد داشته باش
۵. به پدر و مادر احترام کن

۶. قتل نکن
۷. زنا نکن
۸. نزدی نکن
۹. دروغ نگویند.
۱۰. چشم طمع نداشته باشید.



محروم بودن از معیار کامل خدا



جدایی از خدا



به بیراهه رفتن

طاعت نکردن از احکام خداوند.
(کتاب مقدس) گناه است

• ما همه گناهکاران بزرگی هستیم در مقایسه با قدوسیت خداوند.

سوال ۱) آیا می خواهی خدای کتاب مقدس خدای تو باشد؟

سوال ۲) آیا می خواهی از گناهان روی برگردانی و به سوی خداوند بیاویی؟ (توبه یسیمیانی)

۲ - مجازات گناه مرگ است

زیرا مزد گناه مرگ است اما هدیه خداوند حیات جاودان است از طریق عیسی مسیح خداوند ما. رومیان ۶: ۲۳
آنگاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش افکنده شد، این است مرگ دوم. مکاشفه ۲۰: ۱۴

توضیح: زیرا همه گناه کرده ایم و قانون خداوند میگوید که ما به سوی مرگ و دریاچه آتش می رویم. این خبر بدی است و من و تو نمیخواهیم به دریاچه آتش برویم..



مرگ دوم



مرگ اول

و قتیکه از دنیا میرویم



صفحه ای که بر می گردد، صفحه قبلی پاک نمیشه

آیا راهی برای نجات وجود دارد؟ بلی
خداوند برای ما هدیه رایگان یعنی زندگی جاودانه را از طریق عیسی مسیح وعده داده است نه از طریق کارهای نیک یا از هر مذهبی.

زیرا بوسیله فیض نجات یافته اید از طریق ایمان؛
و آن از خودتان نیست؛ آن هدیه خداست:

نه از اعمال مبادا کسی به خود ببالد. افسسیان ۲: ۸، ۹

هدیه خداوند رایگان است که می توانید بپذیرید یا رد کنید .

زندگی جاودانه یعنی شناختن خداوند به شخصه و رفتن به بهشت هنگامیکه خواهیم مرد.

بنابراین قانون خداوند میگوید ما باید به دریاچه آتش برویم و اما محبت خداوند از ما میخواهد که به بهشت برویم. توجه کنید که خداوند چگونه بخشش و زندگی ابدی را برای ما به صورت رایگان ارزانی داشته است.

۳- عیسی تمامی مجازات ما را به خود گرفت.

"اما خدا محبت خود را برای ما ثابت میکند در آن موقع که ما هنوز گناهکار بودیم. مسیح برای ما مرد." رومیان ۵: ۸

عیسی نجات دهنده کل بشریت است.

-عیسی آماده است که نجات دهنده تو نیز باشد.

توجه: خداوند همه گناهان ما را در گذشته، حال و آینده گرفت و بر روی مسیح گذاشت.

جميع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یک از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه همه ما را بر وی نهاد. اشعیا ۵۳: ۶

عیسی مجازات کامل همه گناهان ما را روی صلیب برداشت بجای ما که باید در دریاچه آتش تا ابد مجازات می شدیم.

اما به سبب تقصیرهای ما او مجروح شد. به سبب گناهان ما او کوفته گردید: تازیاب سلامتی ما بر وی بود و پا زخمهای او ما شفا یافته ایم. اشعیا ۵۳: ۵

الان مسیح نجات دهنده کل بشریت است.

اکنون در بهشت برای همه انسانها باز است که داخل شوند.

اما چگونه ما می توانیم داخل بهشت شویم؟

کسانی که:

۴. الف) اعتقاد داشته باشند که عیسی مسیح:

- خدای پسر است (۱۰۰٪ خدا و ۱۰۰٪ انسان)
 - برای گناهان ما مرد
 - بعد از مرگ دوباره زنده شد
- ب) عیسی مسیح را بعنوان منجی دریافت کنند.

بخشش و زندگی جاودانه حالا داده می شود.

این بدین معنا است که حالا شما خون قربانی شده مسیح بر روی صلیب را بعنوان ادای پرداخت شده برای کل گناهانتان قبول کنید، به عیسی بعنوان نجات دهنده اعتقاد داشته باشیم، نه به کارهای نیک یا به هر مذهبی.



ما می توانیم مطمئن باشیم که این وعده ها توسط خداوند در کتاب مقدس به ما داده شده است.

سوال: در این آیه ها چه کاری باید ما انجام دهیم و خدا چه چیزی به ما عطا خواهد کرد؟

- ۱- اما همه کسانی که او را دریافت کردند، به آنها او قدرت داد تا فرزندان خدا گردند. یوحنا: ۱۲
 - ۲- زیرا هرکه نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. رومیان ۱۰: ۱۳
 - ۳- آنکه پسر را دارد، حیات را دارد: و آنکه پسر خدا را ندارد، حیات را ندارد.
- ... تا بدانید که حیات جاودانی دارید. " اول یوحنا ۵: ۱۲، ۱۳



عیسی مسیح فرمود:
براستی براستی به شما می گویم،
هرکه کلام مرا بشنود و به او که مرا
فرستاده است ایمان آورد،
حیات جاودانی دارد
و به محکومیت نخواهد آمد، بلکه
از مرگ به حیات منتقل خواهد گشت
یوحنا: ۲۴

انتخاب به شماسات اکنون هدیه حیات جاودان را می توانید داشته باشید با قبول کردن عیسی مسیح به عنوان منجی و دعا کردن به خدا به مانند دعای ذیل :

ای خداوند قادر مطلق، من در اندیشه، گفتار و کردار علیه تو گناه کرده ام. متأسفم بخاطر اینها و از عیسی مسیح می خواهم تا همه گناهان مرا ببخشد. و حالا ای عیسی مسیح تو را بعنوان نجات دهنده و خداوند دریافت میکنم و اکنون اسم تو را می خوانم تا:

- مرا از گناهانم و دریاچه آتش نجات دهی.
- وقتی که می میرم مرا به بهشت ببری.
- و حالا به من هدیه زندگی جاودان را عطا کن.

و حالا ای عیسی مسیح، قلبم و زندگی ام را بر روی تو می گشایم که بیایی و نجات دهنده، دوستم و خدای من برای همیشه باشی. همه این دعاها را در نام عیسی مسیح می طلبم. آمین

امضا:

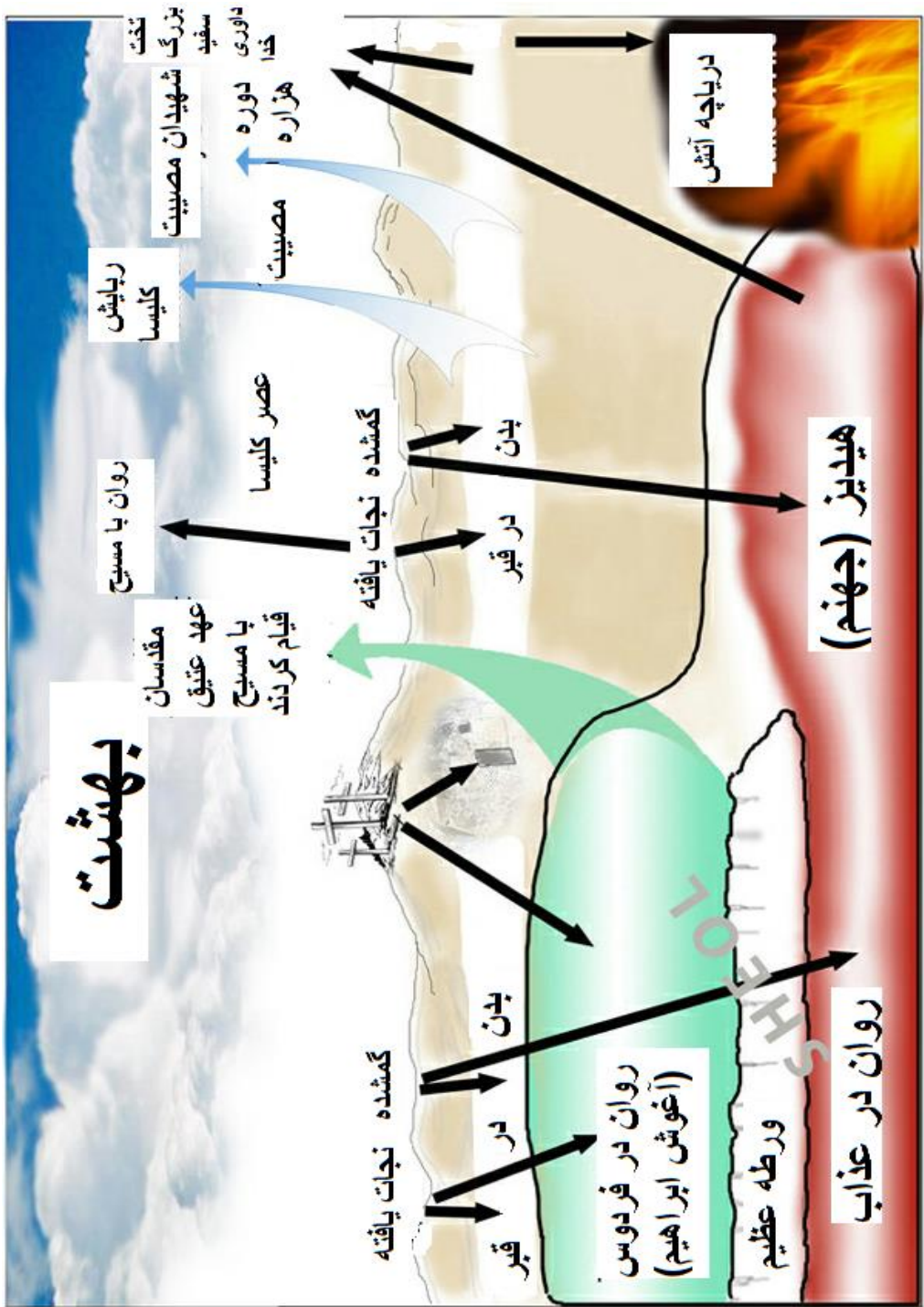
عیسی گفت: من به ایشان زندگی جاوید می بخشم و آنها هرگز هلاک نخواهند شد، هیچکس نیز نمی تواند ایشان را از دست من بگیرد. یوحنا ۱۰: ۲۸

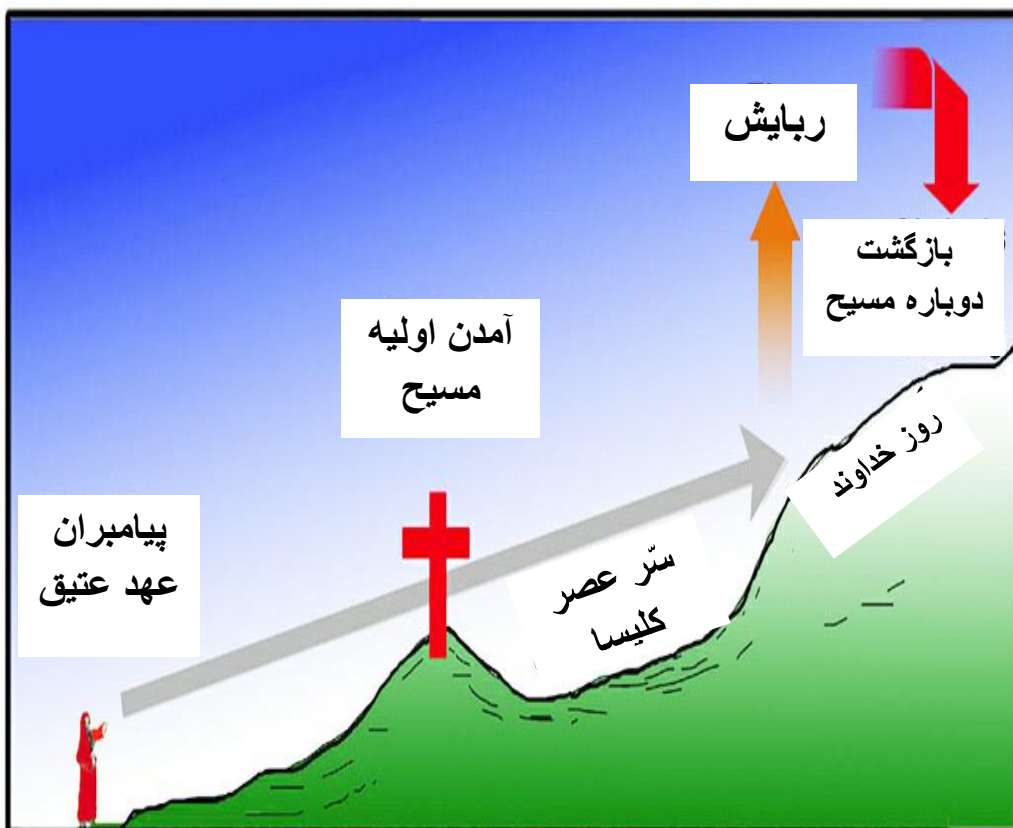
سوال ۱: آیا عیسی مسیح را بخاطر نجات گناهان خواندی؟ آیا صادق بودی؟ در رومیان ۱۰: ۱۳ خداوند برای شما چه کاری انجام داد؟ از چه چیزی نجات یافتی؟ اگر همین حالا شما بمیرید، کجا خواهید رفت؟ چرا؟ و اینک که نجات یافته اید آیا فکر می کنید امکان از دادن زندگی جاوید وجود دارد؟ به یوحنا ۱۰: ۲۸ (بالا) نگاه کن. هرگز هلاک نخواهند شد به چه معنست؟

«اگر با زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت.» رومیان ۱۰: ۹

سوال ۲: چگونه می توانی خدا را به حق بشناسی؟ مطالعه کتاب مقدس بصورت هر روز (اول پطرس ۲: ۲) : صحبت کردن با خدا: شرکت کردن در جلسات مطالعه کتاب مقدس در کلیسا (عبرانیان ۱۰: ۲۵، ۲۴) : به دیگران گفتن که مسیح چگونه می تواند آنها را نجات دهد: عمل تعمید گرفتن (۱۱: ۱) رسولان ۱۰: ۴۸، ۴۷) : به دیگران گفتن که تو نجات یافته ای (رومیان ۱۰: ۹) : فرمانروایو مطیع عیسی مسیح باشی. اگر تو تصمیم گرفته ای که عیسی مسیح نجات دهنده تو باشد، لطفاً برای ما به درس زیر اطلاع دهید تا ما بتوانیم برای شما نوشتجات بفرستیم برای شناخت بهشت خدایمان عیسی مسیح. سرویس اتویوس کلیسا هر یکشنبه ساعت ۹ صبح از جلوی کتابخانه پاراماتای سرویس فارسی زبان ساعت ۳: ۳۰ می باشد

LIBERTY BAPTIST CHURCH, PO Box 188, Cherrybrook NSW 2126. Ph (02) 9875 4321.
Meeting at Cnr North Rocks Rd & Farnell Ave, North Rocks. Visit us on Sundays at 9:30 am & 6pm.
www.answersbook.org and www.libertybaptistchurch.org.au





کلیسا - "که آن در قرنهای
گذشته به بنی آدم آشکار نشده
بود" (افسیان ۳: ۵)

دانیال باب ۷



امپراطوری بابلیان
۶۰۶ تا ۵۳۶ قبل از میلاد



امپراطوری ایران
۵۳۶ تا ۳۳۲ قبل از میلاد



امپراطوری یونان
۳۳۲ تا ۶۳ قبل از میلاد



امپراطوری رومیان
۶۳ ق م تا بازگشت مسیح

سر طلایی =
بابلیان

سینه و بازوهای
نقره ای = ایران

شکم و رانهای
برنجی = یونان

ساقهای آهنی
و پاها قدری
از آهن و
قدری از گِل =
رومیان

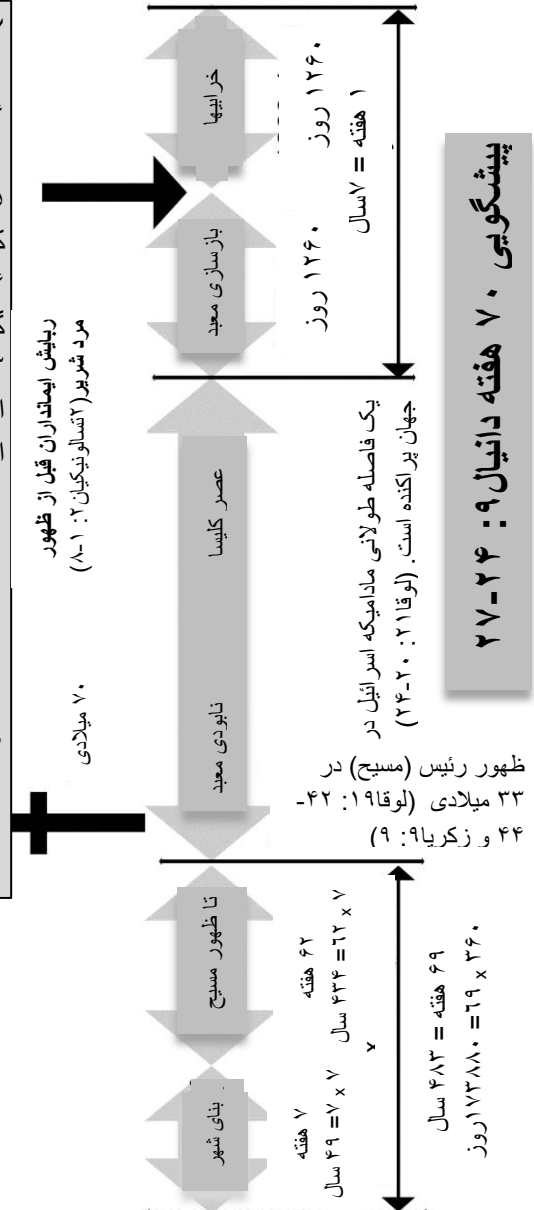
سنگی از آسمان:
عیسی مسیح

کوهی عظیم که تمامی
جهان را پر ساخت =
سلطنت هزار سال مسیح



۲ برکت بر یهودیان و اورشلیم

پیشگویی ۷۰ هفته دانیال: ۲۷-۲۴



۷- هلاکت خراب کننده (دجال)

۶- خرابیها تا پایان هفته

۵- توقف قربانیها و برپایی کنگره رجاسات

۴- بازسازی معبد و آغاز گذرانیدن قربانیها

۳- بسته شدن عهد صلح با اسرائیل توسط رئیس آینده امپراطوری رومیان (دجال)

۲- نابودی اورشلیم و معبد

۱- منقطع (مصلوب) شدن مسیح در ۳۳ میلادی

پیشگویی دانیال درباره ۷ واقعه بین ۶۹ و ۷۰ هفته

صدور فرمان بازسازی اورشلیم در بیستمین سال سلطنت اردشیر- نisan ۴۴۵ ق م

"و آن آواز اول
را که شنیده
بودم که چون
کرنا با من
سخن می گفت،
دیگر باره می
گوید: «به اینجا
صعود نما."

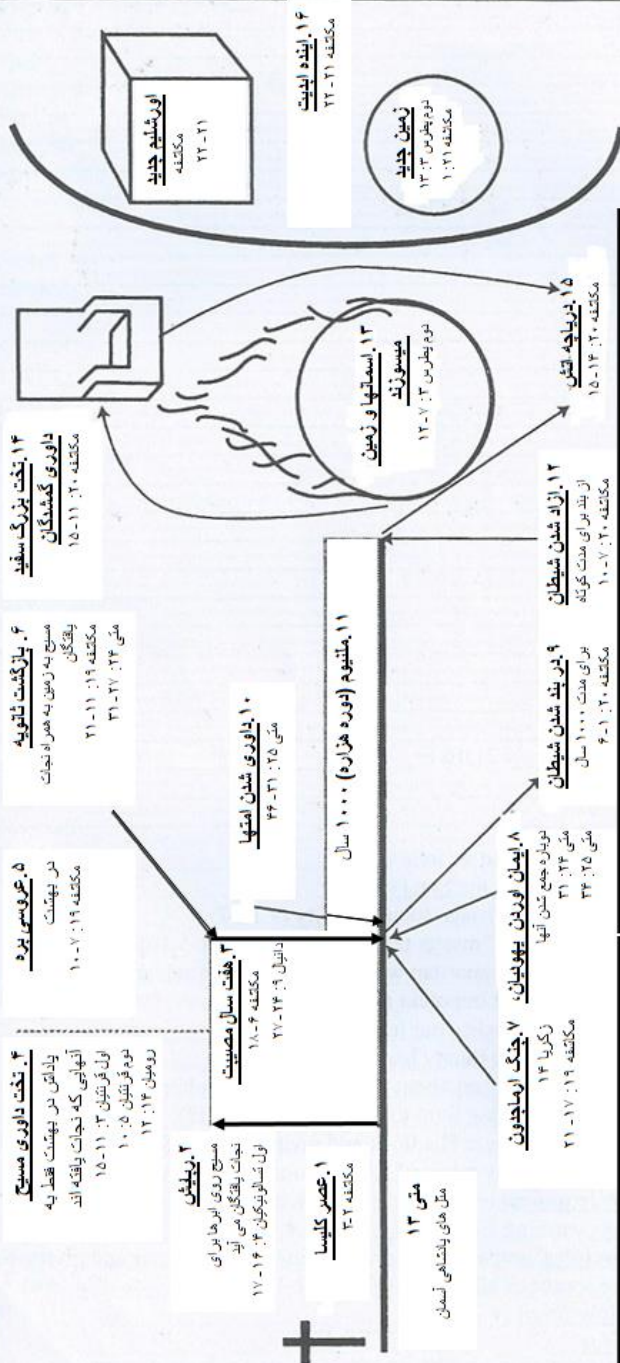
مکاشفه ۴: ۱



"بعد از این
دیدم که ناگاه
دروازه ای
در آسمان باز
شده
است... فی
الفور در روح
شدم و دیدم که
تختی در آسمان
قائم است و بر
آن تخت
نشیننده ای"
مکاشفه ۴: ۱-۲

ربایش کلیسا

ترتیب اتفاقات در برنامه خداوند چیست ؟



جمع شدن دوباره اسرائیل و داوودی آنها : حزقیال ۳۷: ۲۰-۳۸ : ارمیا ۱۶: ۱۶-۱۴
داوودی استیا : متی ۲۵: ۳۱-۲۵ : یوحنا ۳: ۲۰-۱۷
قوانین پادشاهی : متی ۵ تا ۷
اورشلیم شهر پایتخت : متی ۲۵: ۳۵ : زکریا ۸: ۲-۱۲
توصیف مجدد دوره هزاره : حزقیال ۴۰: ۵-۲۴ : اشعیا ۶۵: ۱۷-۱۶
داوودی گردن میازاد حواریان بر میآورد : حزقیال ۴۰: ۲-۲۸ : اشعیا ۶۵: ۱۷-۱۶
اسرائیل در سرزمینش : اشعیا ۶۰: ۲-۲۸ : حزقیال ۴۰: ۲-۲۸
مسیحان در دنیا : اشعیا ۶۰: ۲-۲۸ : حزقیال ۴۰: ۲-۲۸
قریانی ها برای پادشاهی : حزقیال ۴۰: ۲-۲۸ : زکریا ۱۴: ۱۶-۱۴
برکتهای دوره هزاره : اعداد ۲۱: ۱۴ : اشعیا ۶۵: ۱۷-۱۶ : رومیان ۸: ۱۶-۱۴
زمان لغت از روی زمین : اشعیا ۵۵: ۱۳ : سلیمان ۹: ۱۴-۱۳
آخرین طغیان کری - جوج و ماجوج : مکاشفه ۲۰: ۹-۷

کنار گذاشته شدن اسرائیل به خاطر می ایستد : لوقا ۲۱: ۲۴ : رومیان ۱۱: ۱۲-۱۱
اسرائیل تا ایام آخر در میان استیا به حساب می آید : اعداد ۹: ۲۳
گفته اسرائیل : رومیان ۹
اسرائیل کلمی رومیان ۱۱: ۱۱ تا ۱۱: ۱۱
آیدیه اسرائیل رومیان ۱۱: ۱۲-۱۱

